[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد واهل بيته الطاهرين جميع محامد و ... مخصوص
ذات مقدس جلاله اوست كه جامع جميع كمالات است و ... در ...
و تربيت كننده جميع عالميان است از علويات و سفليات و مجردات و ماديات و
جميع صلوات بلا نهايات بر محمد و اهل بيت او باد كه حق سبحانه و تعالى طينت ايشانرا
از انوار خود ايجاد فرموده و ... الرجس ... مقدس و منزه گردانيده
است اما بعد باب علل فرض الصيام سأل هشام بن الحكم ابا عبد الله صلوات الله عليه
عن علة الصيام فقال انما فرض الله عز وجل الصيام ليستوي به الغني والفقير وذلك
ان الغني لم يكن ليجد مس الجوع فيرحم الفقير لان الغني كلما اراد شيئا قدر عليه فاراد الله
عز وجل ان يسوي بين خلقه وان يذيق الغني مس الجوع والالم ليرق على الضعيف و
يرحم الجائع اين ... واجب ... حق سبحانه و تعالى صوم را بر ...
صحيح منقول است از هشام كه گفت سؤال كردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه

از علت روزه گرفتن حضرت فرمودند كه حق سبحانه و تعالى واجب گردانيد روزه را
به سبب آنكه مساوى شوند غنى و فقير زيرا كه غنى باختيار خود گرسنگى نميكشد تا بر فقير
رحم كند زيرا كه غنى هرچه ميخواهد برآن قدرت دارد پس حق سبحانه و تعالى اراده فرمود
غنى و فقير را مساوى كند و بچشاند غنى را الم گرسنگى و درد آنرا ... حديث ...
... معنى حرقت و الم ... دارد كه مراد اين باشد كه الم
... تا ... جميع ... كشد ... بخلاف فقير و بسبب اين الم
... ضعيف ... گرسنه رحم كند و كتب ابو الحسن علي بن موسى
الرضا صلوات الله عليهما الى محمد بن سنان فيما كتب من جواب مسائله علة الصوم لعرفان
مس الجوع والعطش ليكون ذليلا مستكينا ماجورا محتسبا صابرا ويكون ذلك دليلا له
على شدائد الآخرة مع ما فيه من الانكسار له عن الشهوات واعظا له في العاجل دليلا على
الآجل ليعلم شدة مبلغ ذلك من اهل الفقر والمسكنة في الدنيا والآخرة ... صحيح
منقول است ... در جواب سؤالهاى محمد بن سنان ... علت روزه داشتن
... گرسنگى و تشنگى ... دليل شود ...
قوت ... شهوات ... شود ...
... حاصل شود ...
... شهوات ... حاصل مى شود ...
... شكسته ...
...
... آتش جهنم ...
... گرسنگى ...
... مجتهد ...

حسینی کرده [illegible] بهشت [illegible] خود و [illegible]
عقوبت و عذاب [illegible] خواهد داشت
و در حق [illegible] حضرت امام [illegible] صلوات الله علیه فرمود [illegible]
[illegible] استعداد [illegible]
[illegible] که حق [illegible]
در [illegible] منقول است از [illegible]
[illegible] حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه [illegible] که حق سبحانه و تعالی فرموده است [illegible]
[illegible] حضرت فرمود [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت فرمود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حق سبحانه [illegible]
[illegible] کتب حمزة بن محمد
الی ابی محمد صلوات الله علیه لم فرض الله الصوم فورد فی الجواب لیجد الغنی مس الجوع فیمن علی
الفقیر [illegible] حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه
[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible]
[illegible] شرع [illegible]
[illegible]

وروی عن الحسن بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما انه قال جاء نفر من الیهود الی رسول الله
صلی الله علیه وآله فسأله اعلمهم عن مسائل فکان فیما سأله انه قال لای شیء فرض الله عز وجل
الصوم علی امتك بالنهار ثلثین یوما وفرض علی الامم اکثر من ذلك فقال النبی صلی الله علیه وآله
ان آدم علیه السلام لما اکل من الشجرة بقی فی بطنه ثلثین یوما ففرض الله علی ذریته ثلثین
یوما الجوع والعطش والذی یأکلونه باللیل تفضل من الله عز وجل علیهم وکذلك کان علی
آدم علیه السلام ففرض الله ذلك علی امتی ثم تلا هذه الآیة کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین
من قبلکم لعلکم تتقون ایاما معدودات قال الیهودی صدقت یا محمد فما جزاء من صامها
فقال النبی صلی الله علیه وآله ما من مؤمن یصوم شهر رمضان احتسابا الا اوجب الله
له سبع خصال اولها یذوب الحرام فی جسده [illegible]
والثانیة یکون [illegible] خطیئة آدم [illegible]
امان من الجوع والعطش یوم القیمة [illegible] یطعمه الله من طیبات
الجنة قال صدقت یا محمد [illegible]
[illegible] اهل بهشت [illegible]
[illegible] صلی الله علیه وآله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
آدم [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت آدم [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] عذابست [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و قال رسول الله صلی الله علیه وآله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل الصیام قال ابو جعفر [illegible] علیه السلام بنی الاسلام علی خمسة [illegible]

الزکوة والحج والصوم والولایة [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] باشد [illegible] و [illegible] شده باشد [illegible] فسقها
او [illegible] و اذا [illegible] و [illegible] غیبت [illegible]
[illegible] شخص [illegible] و [illegible] کرده شود [illegible] بالا
[illegible] باطل [illegible] کرده [illegible]
[illegible] غیبت نیست و [illegible] وارد شده [illegible] کرده اند
[illegible] بعضی [illegible] که [illegible]
[illegible] شخص [illegible] شده [illegible]
باشد [illegible] احکام شرعی [illegible]
[illegible] بوده [illegible] کما [illegible]
[illegible] و این [illegible]
[illegible] الله علیه [illegible] شده
[illegible] کرده باشد [illegible] حکم [illegible]
بوده اند که جمعی [illegible] کرده اند که [illegible] حدیث [illegible] اصحاب [illegible]
[illegible] کرده اند [illegible] معصوم [illegible] حکم [illegible]
[illegible] کرد [illegible] حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم
حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه [illegible] صاحب الامر صلوات الله علیه [illegible]
امام علی نقی و امام حسن عسکری صلوات الله علیهما [illegible]
شهید میکردند [illegible] شهید [illegible] کرده اند [illegible]
[illegible] باشند [illegible] صاحب الامر صلوات
الله علیه [illegible] حضرت امام موسی صلوات الله علیه [illegible]

علامت بسیار شده [illegible] عوام مایل است [illegible]
احادیث ائمه [illegible] میکردند [illegible]
[illegible] الله [illegible] علیهم [illegible] اصحاب
[illegible] کرده اند [illegible] است [illegible]
[illegible] معروف است [illegible] ائمه معصومین صلوات الله
علیهم [illegible]
[illegible] کرده [illegible]
[illegible] معنی عدالت [illegible] این کتاب تحقیقات بسیار
[illegible] مذکور است و احادیث بسیار [illegible] که فاسق را غیبت نیست
[illegible] از
[illegible] که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] معامله
کند [illegible] ایشان ستم نکند [illegible] و وعده [illegible] ایشان را
خلف وعده نکند چنین شخصی غیبت او حرام است و مروت او کامل است و عدالت
[illegible] واجب است [illegible] ابی یعفور [illegible]
[illegible] که فاسق را غیبت نیست [illegible]
[illegible] بسیار است و ان شاء الله تعالی [illegible]
عدالت [illegible] و احتیاط [illegible] مطلقا از غیبت
[illegible] وارد شده است [illegible]
باشد [illegible] است [illegible]
تعالی [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
الصوم لی و انا اجزی به [illegible]

نفس محمد بیده لخلوف فم الصائم عند الله اطیب من ریح المسك و [illegible]
[illegible] در صحیح [illegible] است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمودند که حق سبحانه
وتعالی فرموده است که صوم مخصوص من است و من جزا میدهم بسبب روزه چنانکه در حدیث
[illegible] حدیث صحیح [illegible] یعنی من جزا میدهم [illegible] روزه دار [illegible] حق تعالی
هست یکی در وقت افطار دوم [illegible] که وقت ملاقات [illegible] روزه [illegible] خود
بجزای عمل از [illegible] ثواب و عقاب [illegible] که جان محمد در قبضه قدرت
اوست که بوی دهن روزه دار نزد حق سبحانه وتعالی خوشبوتر است از بوی مشك [illegible]
چون بوی خوش [illegible] لوازم جسم است [illegible]
که او از صفات جسمانیات [illegible] باشد بوی خوشبوی تر [illegible] حق سبحانه وتعالی [illegible]
از قبول عمل که چون [illegible] جسمانی [illegible] خود [illegible]
سبحانه وتعالی [illegible] کرامت [illegible]
و مروی است باسناد او از ابن عباس روایت کرده است که حضرت سید انبیا صلی الله علیه وآله
فرمودند که حق سبحانه وتعالی [illegible] آدم [illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible] آتش جهنم [illegible]
[illegible] بوی [illegible]
روزه دار [illegible] نزد حق تعالی از بوی مشك خوشبوتر است [illegible]
یکی در وقت افطار که [illegible] و دیگر [illegible] ملاقات [illegible]
بهشت [illegible]
وتعالی مخصوص خود کرده است [illegible]
دیگر [illegible] از جهت [illegible]
[illegible] که [illegible]

چون [illegible] اند [illegible] که [illegible]
[illegible] حق سبحانه وتعالی [illegible] سید المرسلین صلی
الله علیه وآله فرمودند که [illegible]
[illegible] طعام [illegible]
[illegible] مخصوص [illegible]
[illegible] محبت و معرفت [illegible] بعضی
[illegible] محبت [illegible] اکرام
[illegible] بهشت [illegible] بهشت باشد
[illegible] در
[illegible] است
کما [illegible] قال رسول الله صلی الله علیه وآله الا اخبرکم بشیء ان انتم
فعلتموه تباعد الشیطان منکم کما تباعد المشرق من المغرب قالوا بلی یا رسول الله صلی الله علیه
وآله قال الصوم یسود وجهه والصدقة تکسر ظهره والحب فی الله عز وجل والموازرة علی
العمل الصالح یقطع دابره والاستغفار یقطع وتینه ولکل شیء زکاة وزکاة الابدان
الصیام [illegible] فرمودند باصحاب خود که آیا میخواهید
که شما را خبر دهم بچیزی که [illegible] شیطان از شما دور شود چنانکه مشرق از مغرب
دور است صحابه گفتند بلی یا رسول الله صلی الله علیه وآله [illegible] شیطان را سیاه میکند
[illegible] که [illegible] اگر [illegible] را کم کند
[illegible] شیطان [illegible] شود [illegible]
که [illegible] شیطان را [illegible]
[illegible] کرده است که [illegible] چون آدمی تصدق داده است

[illegible] از جهت
رضای [illegible] شیطان [illegible] اعمال صالح [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] نقصان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قال الصادق [illegible]
[illegible] الا الاخیار [illegible]
[illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وقال صلوات الله علیه [illegible]

الله عزّوجلّ

الله عز و جل واستعینوا بالصبر والصلوة قال یعنی بالصبر الصوم وقال اذا نزلت بالرجل
النازلة او الشدة فلیصم فان الله عز و جل یقول واستعینوا بالصبر والصلوة [illegible]
[illegible] حضرت امام جعفر صادق [illegible]
[illegible] واستعینوا [illegible]
چون [illegible] یا ایها الذین آمنوا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

کرده باشد چون اهل ایمان از ادای اعمال حسنه و ظهور آثار دلالت میکند کما ان جهت بلاها
و مصایب در خواطر و مطالب صوم و علوم خوبست و احادیث صحیحه درین باب وارد شده
است که درین صور بخواهد در روزه دیگر و چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد چهارم
بخواند و در ماز هار ایجاد و در بعضی از ایها گذشته در مصابیح کبیر نقل کرده است که
بسیار و در عنوان تین مذکور است و فی الحقیقه حدیثی که درین باب وارد شده است تفسیر
این آیه است الحجرتین با این معنی متعلق نشر هست و ازین بلوغ بسیار است که ائمه هدی صلوة
الله علیهم اشارات بتفسیر ایات فرموده اند بلکه جمیع احادیث ایشان چنین است
و قال النبی صلی الله علیه و آله ان الله تبارک و تعالی و کان ملائکه ما الدعاء للصائمین و قال ام
الحواریین حین سئل عم عن ربه تعالی ذکره انه قال ما امرت ملائکتی بالدعاء لاحد من خلقی
الا استجبت لهم فیه و در موثق با تصحیح منقول است که حضرة سید الانبیا صلی الله علیه
و آله فرموده اند که بدرستیکه حق سبحانه و تعالی موکل کرده اند فرشته چند را که مخصوص
ایستاده که دعا میکنند از جهت روزه داران و در حدیث موثق منقول است که حق سبحانه
و تعالی میفرماید که من امر کرده ام فرشتگان خود را که دعا کنند از جهت احدی از خلق من
الا که انوار الانبیه مستجاب میکنم و اشاره با معنی جمیع آیات بسیار شده است که ان الحمله
آیات یحملون العرش است یا با حدیث سوم دعای ایشان انما بانی که ملائکه استغفار و دعا میکنند
از جهت مومنانی که ما نعت را مخفی کرده و میکنند در عرض کلیات و تفصیل احقا
در زمت صحیح ابن جریح و جامع المقلانی لعنه الله و عونه و تعالی الصادر و صلوات الله علیه
اوحی الله تبارک و تعالی الی موسی علیه السلام ما یمنعک من مناجاتی فقال یا رب اجلک
عن المناجات لخلوف فم الصائم فاوحی الله تبارک و تعالی الیه یا موسی لخلوف فم الصائم
اطیب عندی من ریح المسک و در حدیث صحیح منقول است از حضرة صادق که خداوند تبارک
تعالی وحی کرد بموسی علیه السلام که چه چیز مانع است ترا از مناجات من در این وقتی که

که حضرة

خبر ۳ ار

که حضرة موسی علیه السلام مأمور شده بود و جهل روز روزه داشت تا حق تعالی با او سخن بگوید
موسی گفت خداوندا بسبب صوم در دهان بوی متغیر شده و خواستم ادای نماید که دهن پاکیزه
مناجات کنم و حق سبحانه و تعالی وحی کرد او را که ای موسی بوی دهن روزه دار نزد من از بوی
مشک خوشبوتر است و بعضی گفته اند که بوی دهن موسی علیه السلام ... گفته اند که گفتند
در عنایت ... که حضرة چنین ... که محل رعایت ادب می باید کرد و قال صلوة الله
علیه الصائم ... و حین عند افطاره دعوة لا ترد و قال علیه الصلوة و السلام عند الفطر ... الی الله عز و جل و
منقول است از ابو الصباح که حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرموده اند که صائم را دو
خوشحالی است یکی در وقت افطار و یکی در روز قیامت و دوری کار در چنین حدیث کذشت
و قال صلوة الله علیه من صام لله عز و جل یوما فی شدة الحر فاصابه ظماء و کل الله به الفا ملکا
یمسحون وجهه و یبشرونه حتی اذا افطر قال الله عز و جل ما اطیب ریحک و روحک
ملائکتی اشهدوا انی قد غفرت له و با سانید متعدده منقول است که حضرة امام جعفر صادق
صلوة الله علیه فرموده اند که هر که در حالت تعظیم خدای عز و جل که روزه در هوای گرم روزه بگیرد و تشنه
شود حق سبحانه و تعالی هزار فرشته را موکل گرداند بر او که دست بر روی او بمالند
و او را بشارت بهشت دهند تا وقتی که افطار کند خداوند عالمیان فرماید که چه خوش
است بوی تو و چه خوش است نسیم تو ای فرشتگان من گواه باشید که او را آمرزیدم
و ما یتعلم فرشتگان و حصول خداوند عالمیان ... تا آنکه او ... از آن شکر که
حق سبحانه و تعالی ... که و زبان حال ... که خداوند ... اگر چه بگوش بدن ... نمی شنوم
اما گوش تو می شنود که تو چنین عزیز در حاجات خود را از حق سبحانه و تعالی
طلب کند چگونه ... باشد ... و اگر کسی صاحب ... باشد او را دنی
جمیع ... که حق ... باشد محققان ذکر کرده اند که روزه حقیقی امساک
است از غیر ذکر او و افطار از آن محبت الهی است چون مقام محبت حاصل شود ... الهی

بخاطبات را که گوش هوش می شنود و قال ابو الحسن صلوات الله علیه [illegible] حارث تعالی
[illegible] و سقیه فی منامه ودر موثق از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه [illegible] منقول است
که [illegible] خصوصا در روزه نبود که حقیقی [illegible] خورد
و اشامیدنی [illegible] و اشامیدن [illegible] حاصل [illegible] حدیث
و خواب [illegible] داشته است [illegible] الصادق صلوات الله علیه نوم الصائم عبادة و صمته تسبیح
و عمله متقبل و دعاؤه مستجاب [illegible] منقول است که از حضرت [illegible] خواب
روزه دار عبادت است [illegible] عبادت [illegible] خصوصا [illegible] استجابت
قبول [illegible]
باشد [illegible] صوم [illegible] مستجاب
است [illegible] حدیث [illegible]
احادیث [illegible]
کرده [illegible] صائم [illegible] صوم عبادت [illegible] جواب [illegible]
[illegible]
[illegible] صائم [illegible]
[illegible]
[illegible] بنا دارند
[illegible] اصحاب
وجوه الصوم [illegible] عن الزهری [illegible] علی بن الحسین صلوات الله علیهما یوما
یا زهری من این جئت فقلت من المسجد قال فیم کنتم قلت [illegible] الصوم فاجمع
رأیی و رأی اصحابی علی انه لیس من الصوم شیء واجب الا صوم شهر رمضان فقال
یا زهری لیس کما قلتم الصوم علی اربعین وجها فعشرة [illegible]

شهر رمضان وعشرة اوجه منها صيامهن حرام واربعة عشر وجها منها صاحبها
فيها بالخيار ان شاء صام وان شاء افطر وصوم الاذن على ثلثة اوجه وصوم التاديب
وصوم الاباحة وصوم السفر والمرض قلت جعلت فداك فسرهن لي قال اما الواجب
فصيام شهر رمضان وصيام شهرين متتابعين لمن افطر يوما من شهر رمضان عمدا
متعمدا وصيام شهرين متتابعين في كفارة الظهار قال الله عز وجل والذين يظاهرون
من نسائهم ثم يعودون لما قالوا فتحرير رقبة من قبل ان يتماسا ذلكم توعظون به
الى قوله فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين من قبل ان يتماسا وصيام شهرين
متتابعين في قتل الخطاء لمن لم يجد العتق واجب قال الله عز وجل ومن قتل مؤمنا خطاء
فتحرير رقبة مؤمنة ودية مسلمة الى اهله الى قوله تعالى فمن لم يجد فصيام شهرين
متتابعين وصيام ثلثة ايام في كفارة اليمين واجب لمن لم يجد الاطعام قال الله عز وجل
فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام ذلك كفارة ايمانكم اذا حلفتم كل ذلك متتابع وليس بمتفرق
وصيام اذى حلق الراس واجب قال الله عز وجل فمن كان منكم مريضا او به اذى من راسه
ففدية من صيام او صدقة او نسك فصاحبها فيها بالخيار فان صام صام ثلثا
وصوم دم المتعة واجب لمن لم يجد الهدي قال الله عز وجل فمن تمتع بالعمرة الى الحج فما استيسر
من الهدي فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام في الحج وسبعة اذا رجعتم تلك عشرة كاملة وصوم
جزاء الصيد واجب قال الله عز وجل ومن قتله منكم متعمدا فجزاء مثل ما قتل من النعم يحكم
به ذوا عدل منكم هديا بالغ الكعبة او كفارة طعام مساكين او عدل ذلك صياما ثم قال
او تدري كيف يكون عدل ذلك صياما يا زهري قال قلت لا ادري قال يقوم الصيد قيمة
ثم تفض تلك القيمة على البر ثم يكال ذلك البر اصواعا فيصوم لكل نصف صاع يوما وصوم
النذر واجب وصوم الاعتكاف واجب واما الصوم الحرام فصوم يوم الفطر ويوم
الاضحى وثلثة ايام التشريق وصوم يوم الشك امرنا به ونهينا عنه امرنا ان نصومه

مع شعبان و نهينا عن ان ينفرد الرجل بصيامه في اليوم الذي يشك فيه الناس فقلت
له جعلت فداك فان لم يكن صام من شعبان شيئا لم يجزه فقلت له وكيف يجزي صوم تطوع عن
صوم فريضة فقال لو ان رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا وهو لا يدري ولا يعلم
انه من شهر رمضان ثم علم بعد ذلك لاجزأ عنه لان الفرض انما وقع على اليوم بعينه وصوم
الوصال حرام وصوم الصمت حرام وصوم نذر المعصية حرام وصوم الدهر حرام واما الصوم
الذي يكون صاحبه بالخيار فصوم يوم الجمعة والخميس والاثنين وصوم الايام البيض وصوم ستة
ايام من شوال بعد شهر رمضان وصوم يوم عرفة ويوم عاشورا فكل ذلك صاحبه فيه
بالخيار ان شاء صام وان شاء افطر واما صوم الاذن فان المرأة لا تصوم تطوعا الا
باذن زوجها والعبد لا يصوم تطوعا الا باذن مولاه والضيف لا يصوم تطوعا الا
باذن صاحبه قال رسول الله صلى الله عليه وآله من نزل على قوم فلا يصوم تطوعا الا باذنهم
واما صوم التاديب فانه يؤمر الصبي اذا راهق بالصوم تاديبا وليس بفرض وكذلك
من افطر لعلة من اول النهار ثم قوي بعد ذلك امر بالامساك بقية يومه تاديبا وليس
بفرض وكذلك المسافر اذا اكل من اول النهار ثم قدم [illegible] اهله
امر بالامساك بقية يومه تاديبا وليس بفرض واما صوم الاباحة فمن اكل او شرب ناسيا
او تقيأ من غير تعمد فقد اباح الله ذلك له واجزأ عنه صومه واما صوم السفر والمرض
فان العامة اختلفت فيه فقال قوم يصوم وقال قوم لا يصوم وقال قوم ان شاء صام وان شاء
افطر واما نحن فنقول يفطر في الحالين جميعا فان صام في السفر او حال المرض فعليه القضاء
في ذلك لان الله عز وجل يقول فمن كان منكم مريضا او على سفر فعدة من ايام اخر وحديث [illegible]
بعد از این مذکور شود [illegible] الصیام [illegible] و اعتقاد
[illegible] صحیح [illegible] عنوان [illegible] و مصنف [illegible] را
و اخبار متواتره موجود است [illegible] را عنوانه

[illegible]

فارسی و بعد از آن [illegible] زهری محمد بن مسلم بن شهاب است [illegible] محمد بن
[illegible] اعتقاد [illegible] بحضرة سید الساجدین
صلی الله علیه [illegible] بواسطه [illegible] احادیث بسیار از آن حضرة روایت کرده اند
و [illegible] اهل البیت علیهم السلام [illegible] کرده است که در زمان بنی امیه [illegible] کرده اند
و [illegible] کشتم و بعد از این خواهد آمد که حضرة سید الساجدین
صلی الله علیه [illegible] شد [illegible] شخصی حضرت
[illegible] حضرة [illegible]
دید [illegible] حضرة فرمودند که ای زهری ترا چه شده است
گفت [illegible] حضرة فرمودند که من [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالی فرموده است که [illegible]
[illegible] گفت [illegible] حضرت فرمودند
[illegible] گفت [illegible] گفت [illegible]
حضرة [illegible] مقتول [illegible]
[illegible] حضرة [illegible] گفت که
[illegible] سید الساجدین صلوة الله علیه [illegible] بود [illegible]
میکرد و بعید نیست که شیعه باشد [illegible] تقیه [illegible] مشهور باشد [illegible] سعید
بن جبیر و سعید بن مسیب و قاسم بن محمد و ابو خالد کابلی و امثال ایشان که شیعه بوده اند
و [illegible] تقیه [illegible] میکرده اند و سعید بن جبیر که تقیه نکرد حجاج ملعون او را شهید
کرد و زهری [illegible] سید الساجدین صلوة الله علیه حضرت فرمودند که
ای زهری [illegible] از مسجد فرمودند که [illegible] کار بود [illegible] که گفتگوی [illegible]
در [illegible] بود [illegible] که [illegible] رمضان

روزه واجب نیست پس حضرت فرمودند که ای زهری چنین نیست که گفتی اینها چهل شکل روزه
بر چهل نوع است و ده نوع از آن واجب است مثل روزه ماه رمضان ... روزه حرام
و چهارده روزه نفل است که آدمی اختیار دارد در آن اگر خواهد میگیرد و اگر خواهد افطار
میکند و صوم اذن و سه وجه است دیگر صوم تادیب است و صوم اباحت و صوم سفر و صوم
مرض است ... که صوم سفر و مرض را ... حساب کرده اند ... سه ماه
درست ... کرمان ... حضرت فرمودند که واجب
روزه ماه رمضان است که نص قرآن است ... دو ماه روزه است که واجب است
پی در پی ... رمضان ... عمدا افطار کند ...
و ... باشد ... و سبیل ... دو ماه پی در پی
روزه ... واجب است در کفاره ظهار کسی را که ... تقدیم
... کفاره ... ظهار ... چنانکه حق سبحانه و تعالی میفرماید
که آنکسانی که ظهار میکنند با زنان خود و میگویند ...
از این کلام پشیمان شوند و خواهند که با زنان خود جماع کنند می باید که پیش از جماع کفاره
بدهند تا توانند جماع کردن و آن آزاد کردن بنده است یعنی از جماع ...
شما را ... کفاره ... جماع ... حق سبحانه و تعالی عالم است ...
میکنید ... بنده ... بنده را از نقد ... داشته
باشد واجب است که دو ماه روزه پی در پی بگیرد قبل از جماع و اگر نتواند ... پی در پی
روزه داشتن شصت مسکین را طعام میدهد ... خواهد
چهارم روزه کفاره قتل خطا است و واجب است که بنده آزاد کند اگر ... دو ماه
پی در پی روزه میدارد چنانکه حق سبحانه و تعالی میفرماید که هر که مومنی را از روی خطا
بکشد خواه قصد از قتل داشته باشد مثل ... و خواه نداشته باشد مثل

خطای محض

خطای محض ... عمد ... باشد ... بنده ... کشتن نداشته باشد
... داشته باشد ... که قصد ...
... روزه داشتن واجب
است ... بنده ... چنانکه حق سبحانه و تعالی میفرماید که هر که مومنی را از روی
خطا بکشد واجب است که بنده مومنی را آزاد کند و واجب است که دیه ... تسلیم وارث مقتول
نماید ... عمد باشد ... و اگر خطای محض باشد بر عاقله
واجب است ... کفارات خواهد آمد ...
... دو ماه پی در پی روزه ... سه روز ... کفاره یمین واجب است
کسی را که ... واجب است ... چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است بنده آزاد کردن و
ده مسکین طعام دادن یا ده مسکین را پوشانیدن و کسی که ... روزه
بگیرد ... کفاره ... قسم ... باشد ... قسم نموده باشد و طعام
... چنانکه خواهد آمد ...
می باید ... و تفصیل که خواهد آمد ...
روزه ... واجب است از جهت سر تراشیدن ... به سبب سر تراشیدن ...
... حلق ...
واجب ... یعنی روزه ... به سبب ... سر تراشیدن ...
داشته ... از جهت ... کفاره این واجب است چنانکه حق سبحانه
و تعالی فرموده است ... سر داشته باشد ... به سبب ...
... کفاره ... سه روز روزه داشتن است یا تصدق ... طعام
ده مسکین ... و اگر روزه دارد
... روز روزه میدارد ... صوم ... در

کفارت اهم بمثل اهل آمد هفتم و نه بسبیل هدی است که هدی حج واجب است و اگر کشته باشد
واجب است چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است که کسی که تمتع کند یعنی حجی که اول عمره را بجا
آورده و محل شود و باحرام حج زند یعنی از محرمات احرام بدر آید بر او واجب است که هدی بکشد هر
جا که میسر باشد از شتر و گاو و گوسفند و اگر میسر نباشد پس بر او واجب است که سه روز
روزه در حج بگیرد و هفت روز دیگر روزه بگیرد در وقتی که رجوع کنید بسوی اهل خود یعنی اگر
از آنجا بجای خود برود و در جای دیگر روزه میگیرد و اگر در مکه عاقل و [illegible] صبر کند که
یکماه بگذرد یا اهل خود بجای او رسیده باشند و اگر در راه باشد و بگذرد بچون تا ان وقت چه روزه
می تواند گرفت و کمان ندارم که کسی را جایز باشد که روزه بگیرد و احتیاط آنست که در این
سه روز روزه گرفتن در روز هفتم و هشتم و نهم باشد و احتیاط روز
عرفه باقی بگذارد بدلیل آنکه بعضی گفته اند که روزه بیرون دم گوسفند و هدی کامل
است چون جمیع که قربانی نداشته محروم بوده و کسانی نیز فرموده اند که بغیر ما سبحیح است
بالفعل بعضی گفته اند که قربان از او رد کرده اند که شاید حج تمتع حج واجب شود کسی از شعبات
ایام بود که حرکت بجای ندارد یعنی حج قران یا حج افراد و در حقیقت اهل مکه احرام بسته
باشیم و عمره بجای آید مستحق بر قربان است و حج تمام کنیم و از عمل آن سرها معذوریا
ثابت اند که مادام باشد چون مخالف اعمال حج تمتع و دیگر مخالف است که در طوافی حلت
بطواف بود حق سبحانه و تعالی این امر را از ما فرستاد و اینها که آیات فرموده و در ندامی علیه
سبب ترک حج جمعی از ایشان که شرع و مدار ایشان بر تقیه و در عقوبت سنتی
نقصیر حجی بر آنکه مخالف کنند اعتقادی باشد بنا بر تقدیمی عادت حج جمعی و رسمی
افتاده اند و بعضی ملحد شده اند و بعضی تاویلات دیگر کرده اند هشتم روزه
جزای صید است و واجب است چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است که هر که صیدی را عمدا
بکشد هر چه بود جزا اینست که مثل آنچه کشته است از کشتن شتر و گاو و گوسفند شتر و حاکم مسکین

بالجمله باید کشته شود و حاکم عادل از مسلمانان و در صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
منقول است که فرموده اند که دو عادل از شیعیان حکم کنند و اگر تقیه باشد از مخالفان اول
کرده اند و بر او از عدول امام است حکم بر او علیه و حضرت ائمه هدی صلوات الله علیهم بیان
فرموده اند که بعنوان هدی بمکه برساند مثلا اگر شتر مرغ را کشته باشد شتری هدی
و اگر گاو کوهی کشته باشد گاوی و اگر آهو را کشته باشد گوسفندی و اگر هدی نیابد
احرام حرم دارد و اگر محرم باشد در حرم و اگر در احرام حج باشد در منی میکشد یا بعوض آن ده
طعام و صدقه بر مسکینان و یا بعوض آن روزه میگیرد و حضرت فرموده اند که قیمت آن کشته
است یا بعوض آن روزه ای زهرا بر خود کنید امام حضرت فرموده اند که قیمت
میکشد و اگر قیمت را طعام کند مثلا که جو خوراک کند که بجای هر ده مسکین نصف صاع
روزه بگیرد بتفصیلی که خواهد آمد و حاصل آنکه شتر مرغ کشته باشد که
شتر و گندم را قیمت کند بیست و شش مد بیست شتر را بدهد به هر مسکین دو مد و
گندم را بعد از آن بیست روز روزه میگیرد و اگر در شعور [illegible] شصت بر آید
از شصت و کلام در بیست مسکین باشد و صاع نصف صاعی و بیشتر از شصت
نمیکند و شصت دو مد صاعی بعوض در روزه بگیرد و واجب است روزه ام حکم اعمال
بتفصیلی که خواهد آمد یا اگر محرم بود بعد فطر و عید قربان و روز بعد
ایام تشریق بر کسیکه در منی باشد در روز عید و بعد از آن در ماه شعبان است بگیرد
مامور به باشد بحجی بعد از آن و اما روزه بیست علیه و ماکه اگر روزه حرام بعضه
ننحر آن را حرام میداند و روزه بتمامی روزه حرام درین قسم
کرد یا ثالث و محصول ماه رمضان که چهار ماه عادت بود که ظاهر شود مرافق
مذهب عامه است و بر آنچه مذکور است از جمعی گوید که گفتم بحضرت که روزه ای نیکو کرد
لیکن اگر کسی آن روز قضای رمضان بگیرد و بنا بر این بچون روزه میکرد حضرت فرمودند

کرده شب ... که شکست در آن دارد ... شعبان میکند ... اگر ... واقع

بود در رمضان است از رمضان محسوب ... و اگر از شعبان است ... گوئیم که

چگونه ممکن است که سنت ادا شود ... حضرت فرموده اند که ... مشغول ... اگر

شخصی در اثنای ماه مبارک فراموش کند که ماه رمضان است و بقصد ... روزه

داشته باشد و بعد از ظهر ظاهر شود که ماه رمضان است و او نیت شعبان کرده ...

باعتبار آنکه ... روز ... است از جهت ... و نیت صوم کرده ... زیادتی

است و ... حضرت امام رضا صلوات الله علیه ... دو روز

فرموده اند که نیت ... روزه شعبان ... ضرر ندارد ... اگر ...

و ماه رمضان را فراموش کرده باشد و ماه رمضان ... شعبان ...

بعد از آنکه ... شود ظاهر شود که ماه رمضان بوده است که گرفته است ...

دیگر اگر ... معین ... است ... و حدیث ...

... آمد و این نوع ... از قبیل ... و ... از جهت

است کرده در رمضان قصد رمضان در کار نیست چون نیت ... در صورتی

می باید که مابه الاشتراک ... باشد ... الا ...

ساخته اند بخلاف ... مطلق ... که مابه الاشتراک ... و ...

صوم ... باشد مثل قضاء رمضان و ... مطلق و روزه ... حرام است

... نیت داخل کند ... چنانکه ... روزه ... حرام است چنانکه

در بنی اسرائیل بود که ... روزه ...

باشد و در روزه ... از ... اعظم ...

است و روزه ... حرام است ... معصیت ... شراب ...

و ... و ... شرط ... اگر ... اکثر ...

این چند روز ... روزه بگیرم ... نماز ... روزه ... شراب نخورم و نماز

بکنم از جهت زجر نفس ... روزه ... عکس این ... عبادت است ... فعل

طاعت شکر ... باشد ... معصیت ... زجر ... معصیت شکر او ...

طاعت زجر ... روزه ... حرام ... باشند چون جمعی از

عامه حرام ... و قصد ... باشد که عید ... و ایام تشریق داخل باشد

و ... روزه ... مکروه است یعنی ... مستحب است ... که ثواب ... مثل

روزه جمعه ... اگر ثواب عبادت ... مخصوص ... اخبار وارد شده

است ... عبادات ... روز ... روزه ... اوقات ...

... و آن عبادات ... حالت ... نسبت ... ضعیف شوند

یا عبادات ... کارهای ... باشند مانند ... که اگر

... باشد روزه ... باشد ... اولی باشد و همچنین روزه

پنجشنبه ... ضعیف ... جمعه ... پنجشنبه اول و آخر ماه و دوشنبه

اگر ... عبادت ... چنانکه ... امیر ... مکروه است و از جهت ...

... چون ... امیر ... اولی است

هر چند ... باشد و روزه ایام بیض که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم

هر ماه است ... اخبار ما ... که منسوخ است چنانکه خواهد

آمد ... روزه ... است ... است اگر ... نیت ... و اگر

... روزه ... و از ... روزه ششم ...

عید

روز عید ... است ... اولی است و فعلش ...

و اگر ... اولی است ... حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

منقول است که ... روز عید قربان ... و ... بعد از عید فطر روزه ...

که ایام اکل و شرب است و در حدیثی که [illegible] صلوات الله علیهم منقول است
که هر که [illegible] سه روز را [illegible] التشریق [illegible] بگیرد [illegible] سه روز دیگر
دیگر در عوض [illegible] روزها [illegible] که خواهد آمد [illegible] این چهار [illegible] است
روزه می گیرد و [illegible] نمی گیرد یعنی مکروه است [illegible] اول [illegible] اولی [illegible] این
چهارده روز [illegible] معتبر است حضرت [illegible] که شیعیان [illegible]
که مذکور شد [illegible] موافق [illegible] و لیکن [illegible]
محدثین علما و اکثر فضلا [illegible] تطوع [illegible] روزهای
تطوع را نخواهد گفت و اما صوم اذن [illegible] روزه سنت [illegible]
باذن شوهر [illegible] مستحب [illegible] روزه تطوع
[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] که هر که
وارد شود [illegible] روزه سنت نگیرد [illegible] و همچنین [illegible]
است [illegible] روزه [illegible]
تا [illegible] عادت [illegible]
برداشته باشد و این روزه [illegible] و [illegible]
بر ولی واجب نیست و لیکن [illegible] حدیث [illegible]
که [illegible] فرض [illegible] عادت کند [illegible]
سنت باشد اولی آنست که [illegible] و همچنین [illegible]
در اول روز افطار کند بسبب علتی مثل حیض و مرض [illegible]
باز [illegible] مرض زایل شود [illegible]
شود و بقیه روز را امساک کنند [illegible] روزه [illegible]
همچنین است مسافر [illegible] افطار کرده باشد [illegible]

حاضر شود بقیه روز را امساک کند و واجب نیست و اما صوم اباحت که حق
سبحانه و تعالی [illegible] روزه را مباح کرده است [illegible] و جماع کردن تا آنکه
[illegible] و [illegible] ایام [illegible]
و تعالی [illegible] روزه را [illegible] مباح کرده است و این روزه [illegible] و اما صوم
سفر و مرض [illegible] علما [illegible] روزه اختلاف [illegible] بعضی گفته اند
که روزه [illegible] اولی است و بعضی گفته اند که [illegible] اولی است و جمعی گفته اند
که مخیر اند میان صوم و افطار [illegible] رسول صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
است که در سفر و مرض افطار کند و اگر [illegible] مرض روزه بگیرد قضا می کند و در صحت
[illegible] و حق تعالی فرموده است [illegible] علیهم فرموده است که هر که
بیمار باشد [illegible] باشد پس [illegible] واجب است که [illegible] ایام مرض و سفر [illegible]
سفر و مرض [illegible] مرض و سفر [illegible] کرده است و روزه [illegible]
[illegible] اشعار دارد [illegible] در سفر و مرض نگیرند
احادیثی که [illegible] مشروح شد ظاهر شد
که [illegible] حدیث [illegible]
چون [illegible] حضرت امام رضا صلوات الله علیه [illegible] تفصیل بیان
فرموده اند و تفصیل [illegible] ظاهر خواهد شد [illegible] صوم السنة
[illegible] صوم [illegible] احادیث اهل البیت
ظاهر می شود [illegible] سنت [illegible] اطلاق [illegible] که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] اهتمام می داشته اند [illegible] ترک
نمی فرموده اند [illegible] رکعت [illegible] و چهار رکعت [illegible] صلوة
[illegible] هر ماه [illegible] شعبان [illegible] شعبان [illegible]

میدانم بیان سنت و ... [illegible] ... این سه روز ...
... هر شان بروزه ماه شعبان ... [illegible] ... ظاهر شود
که شعبان ... سنت ... اگرچه اهتمام ... [illegible] ... اگرچه
رکعت اگرچه ... سنت ... [illegible] ...
وگذشت ... [illegible] ... صحیح ... [illegible] ...
انحضرت ... [illegible] ... بوده ... داشته ... [illegible] ...
ولیکن ان احادیث ... [illegible] ... حضرت ... [illegible] ... تعالی
در احوال ... بزبان انحضرت جاری ... [illegible] ... جاری ... [illegible] ...
بسیار بوا ... [illegible] ... و ... [illegible] ...
بابن عباس ... [illegible] ...
عبارت ... [illegible] ... عن ... [illegible] ...
صلوة الله علیه یقول کان رسول الله صلی الله علیه وآله یصوم حتی یقال لا یفطر و یفطر حتی
یقال لا یصوم ثم صام یوما وافطر یوما ثم ... الاثنین والخمیس ثم ... الی صیام
ثلثة ایام فی الشهر الخمیس فی اول الشهر واربعاء فی وسط الشهر وخمیس فی اخر الشهر وکان
... احدث ... [illegible] ... یقول ما من احد ... [illegible] ...
یقال انما کان رسول الله صلی الله علیه وآله یفعل ... [illegible] ... الله عز وجل ان
الجهد فی الصلوة والصوم ... [illegible] ... رسول الله صلی الله علیه ... شیئا من الفضل
... [illegible] ... انحضرت ... [illegible] ... صلوة الله علیه
شنیدم که ... رسول صلی الله علیه ... [illegible] ... روزه ... [illegible] ...
مداومت انحضرت بر صوم ... [illegible] ... بر ... [illegible] ...
افطار ... [illegible] ... اکثر ... روزه ... [illegible] ... روزه حضرت ...

ایشان ... [illegible] ... افطار ... [illegible] ... فرمودند ...
دو پنجشنبه ... [illegible] ... پنجشنبه ... [illegible] ... تقدیر ...
حضرت ... صلوة الله علیه ... [illegible] ... خواهد بود ... مشتهی شد عاقبت که این
سه روز ... [illegible] ... روزه ... پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه در وسط ماه
پنجشنبه در آخر ماه ... [illegible] ... چهارشنبه اول وسط ماه ...
باشد ... [illegible] ... پنجشنبه ... حدیث ... حضرت فرموده که
اگر کسی ... [illegible] ... تحقیق ... [illegible] ...
که ... [illegible] ... الی الله عز وجل ... [illegible] ...
... [illegible] ... که حضرت ... المرسلین صلی
الله علیه وآله ... [illegible] ... حق سبحانه و تعالی ... عذاب
... [illegible] ... در این دو کتاب ...
... [illegible] ... که انحضرت ... انفضال الدار
نموده ... [illegible] ... سنت که ... زیاده کردن ...
... [illegible] ... عبادت ...
حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه و علی بن الحسین ... [illegible] ... صلوة
الله علیهم ... [illegible] ... و فی روایة حماد
عثمان عن ابی عبد الله صلوة الله علیه ... [illegible] ... رسول الله صلی الله علیه وآله حتی قیل ما
ثم افطر حتی قیل ما یصوم ... [illegible] ... علیه السلام یوما و ... یوما ثم قبض ... صیام
ثلثة ایام فی الشهر ... [illegible] ... وقال حماد ...
قال حماد فقلت ... الایام ... قال اول خمیس فی الشهر واول اربعاء بعد ... واخر
خمیس فیه فقلت وکیف صارت هذه الایام التی تصام فقال لان من قبلنا من الامم

بعنی ... [illegible] ...
... [illegible] ...
بوا ...

كانوا ... على ... حرمة الايام فصام رسول الله [illegible]

حرمة الايام لانها ايام الحج ... و در روايت صحيح ... كه حضرة امام جعفر [illegible]

صلوة الله عليه فرموده كه حضرة سيد المرسلين صلى الله عليه ... روزه ... [illegible]

[illegible]

على اى حال ... [illegible]

على ابي عبد الله صلى الله عليه قال اذا اصام احدكم ثلثة الايام من الشهر فلا يجادلن احدا ولا يجهل ولا يسرع الى الحلف والايمان بالله وان جهل عليه احد فليحتمل ... [illegible]

[illegible]

رمضان است و در روزه داشتن سه روز از هر ماهی پنجشنبه و چهارشنبه و پنجشنبه

ستوده‌اند و هر ماه سه روز روزه داشتن برابر صیام دهر است و حق سبحانه

تعالی فرموده که هر که حسنه بجا آورد مر او راست ده برابر آن پس سه روز در هر ماهی

و ماه رمضان که کل ماه را دارد و فی روایة عبد الله بن سنان عن ابی عبد الله صلوات الله علیه

قال ان رسول الله صلی الله علیه و آله سئل عن صوم خمیس و خمیس بینهما اربعاء فقال اما الخمیس

فیوم یعرض فیه الاعمال و اما الاربعاء فیوم خلقت فیه النار و اما الصوم فجنة و در روایت

صحیح از آنحضرت ص منقول است که از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله پرسیدند که در

پنجشنبه که در میان ایشان یک چهارشنبه بوده باشد از چه جهت حضرت صم فرمودند که

روز پنجشنبه روزیست که اعمال مردمان را عرض میکنند بر حق سبحانه و تعالی و عمل هفته را

پس اگر روزه باشد روزه سبب قبول سایر اعمال او می شود و احتمال دارد که پنجشنبه اول

و آخر عرض نمایند و اما چهارشنبه روزیست که آتش را در آن روز آفریده‌اند و روزه

سپر آتش است ظاهرا بجا آوردن چهارشنبه وسط مراد است چنانچه در حدیث کالصحیح

منقول است از فضل بن شاذان که از حضرت امام رضا صلوات الله علیه شنیدم که فرمودند که حق

سبحانه و تعالی روزه سنت را مقرر فرمود که تمام کند نقصانی که در روزه فرض شده باشد

و در ماهی سه روز مقرر فرمود که برابر ده روز دیگر میکنند تا آنکه گویا همیشه روزه داشته‌اند

چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است که هر که یک حسنه بجا آورد ده حسنه در نامه عملش

می نویسند کسیکه ده روز یک روزه دارد چنان است که همیشه روزه دا

شته چنانکه سلمان رحمه الله گفته که سه روز در هر ماهی روزه گرفتن است پس اگر کسی در

عمر خود روزی دارد نیز روزه بوده و حق تعالی سه روز مقرر فرمود که در

روز پنجشنبه اعمال را عرض می نمایند و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله اجمعین مقرر

ساختند که در آن روز روزه باشند و اما چهارشنبه اول از دهه میان

مورد بخشند

موریساختند و در آنکه حضرت رسالت پناهی صلوات الله علیه فرمودند که در این چهارشنبه

آتش را آفریده‌اند و در بدیع پس چون شنبه چند در آن را حق سبحانه و تعالی هلاکت کرده است

دادی روز نحس است پس حضرت خواستند که بسبب روزه نحوست این روز دفع

کنند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که در پنجشنبه

آخر ماه عرض میکنند اعمال را بر حق سبحانه و تعالی و در حدیث کالصحیح منقول است

از آنحضرت ص که در میان دو پنجشنبه اعمال بندگان را عرض می نمایند و در چهارشنبه

آتش مخلوق شده و روزه سپر آتش است پس از این جهت حضرت سید المرسلین صلی

الله علیه این سه روزه را روزه میگرفتند و فی روایة اسحاق بن عمار عن ابی عبد الله

صلوات الله علیه قال انما الحمام الاربعاء و لم یعذب امة فیما مضی الا یوم الاربعاء

وسط الشهر فیستحب ان یصام ذلک الیوم و در موثق کالصحیح از آنحضرت ص منقول

است که فرمودند که چرا در چهارشنبه را میگویند زیرا که معذب نشده هیچ امتی از امم

سابقه مگر در روز چهارشنبه و در حسن کالصحیح از جریر منقول است که حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمودند که

حق سبحانه و تعالی تنبیه تمام را در روزه چهارشنبه آفرید و دوست میدارد که منع

از بندگان روزه دارد تا بسبب روزه در ماه الهی در پناه باد و باید خود را بدعا

از آتش جهنم و در حدیث علاء منقول است که آنحضرت علیه السلام سالها روزه ها را بیان

میفرمایند و احادیث درین باب از حد تواتر گذشته است و فی روایة حماد عن عبد الله

بن سنان قال قال لی ابو عبد الله صلوات الله علیه اذا کان فی اول الشهر الخمیسان فصم

اولهما فانه افضل و اذا کان فی آخر الشهر خمیسان فصم آخرهما فانه افضل و در روایت

صحیح از عبد الله منقول است که آنحضرت ص می فرمودند که هرگاه در اول ماه دو پنجشنبه

باشد اول را روزه بگیر که آن افضل است و اگر در آخر ماه دو پنجشنبه باشد آخر

[illegible] نیکوئی [illegible] که افضل [illegible] احادیث [illegible]

اما آن بهتر است [illegible] که افضل [illegible] [illegible]

که آنان بهتر است [illegible] بهتر است [illegible] احادیث صحیح [illegible]

[illegible] پنجشنبه اول و آخر [illegible] [illegible]

[illegible] احادیث [illegible] که در هر ماه سه روز [illegible]

[illegible] سه روز [illegible] احادیث

[illegible] و [illegible] سه روز

ایام البیض [illegible] ابو [illegible] است که حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible] که [illegible]

[illegible] سه [illegible] که [illegible]

[illegible] روزه [illegible]

روز [illegible] ایام البیض [illegible] کرد

و چهارشنبه در میان دو پنجشنبه [illegible]

که ایام البیض منسوخ [illegible] که روزه

[illegible] سه روز [illegible] که

چهارشنبه میان دو پنجشنبه [illegible] پنجشنبه [illegible] چهارشنبه [illegible]

موثق ابو بصیر وارد است و بعد از آن پنجشنبه [illegible] چهارشنبه [illegible]

و بعد از آن در هر ماهی چهارشنبه و پنجشنبه [illegible]

[illegible] وارد شده [illegible]

آنکه چهارشنبه میان دو پنجشنبه [illegible] افضل است و [illegible]

[illegible] عیص بن القسم ابا عبدالله صلی الله علیه

و بعد از [illegible] سه روز در هر ماهی [illegible] روز [illegible] روز [illegible] خواهند برای [illegible] احادیث صحیح [illegible] وارد است

عن [illegible] من کل شهر [illegible] عن [illegible] فی کل

[illegible] صحیح منقول [illegible] که گفت سوال کردم [illegible] که

[illegible] سه [illegible] [illegible]

[illegible] که [illegible] روزه [illegible] چهار [illegible] فقال است

[illegible] و [illegible] عن [illegible]

قال قلت [illegible] علی صوم ثلثة ایام فی کل شهر [illegible]

علی ان [illegible] افضل من صیام یوم [illegible]

[illegible] منقول است [illegible] ابراهیم بن مثنی و

ابراهیم بن [illegible] ابراهیم [illegible] بحضرت امام جعفر

صادق صلوات الله علیه [illegible] روزه سه روز در هر ماهی [illegible]

[illegible] که [illegible] صدقه [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] حدیث [illegible] وارد شده [illegible]

[illegible] مکه معظمه و مدینه [illegible]

[illegible] و اطعام [illegible]

[illegible] قیمت [illegible]

[illegible] در میان [illegible]

و [illegible] علیه [illegible]

صلی الله علیه صوم ثلثة ایام [illegible] فی الصیف [illegible]

[illegible] بحضرت امام محمد باقر

یا امام جعفر صادق صلوات الله علیهما [illegible] سه روز [illegible]

و در [illegible] درهم بیشتر [illegible] درهم [illegible]

روزه که بعضی فرمودند زمستان که بعضی ایشان توبت المستوایم که با خود کیم چرا بستان
که با زمستان بگیرم و در زمستان بگیرم حضرت فرمودند که بلی حفظ کن این سه روز
را و روزت یکی اگر چه بعنوان قضا باشد و در بسیاری از نسخ این کتاب الحسنی هست و سهو
کاتب است چون او جزو فرزند حسین ... ندارد حسین فرزند او است و ... ورد
ثواب الاعمال و کافی و تهذیب ... حسن ... است و در کافی و تهذیب ... ابی حمزه ... هست
در فقیه و ثواب الاعمال ... و ... است ... از ابی جعفر
... در کافی و تهذیب ... ابی بصیر ... یکی است که حسین از حضرت
روایت که همه ایشان بی واسطه و بواسطه ... یکی است که ... شود ... و نقل بالمعنی
شده باشد و کافی صحیح از حسن منقول است که گفت عرض نمودم ... صلوات الله علیهما
که شخصی بگاه از این سه روز که در سالی سنت است چه کند ... شعبان ... است و ماه
رمضان واجب است و ... ماه ... شود ... که در ... روزها ... فتوا
که فقها ... جهت ... سال ... فرمودند که یکی ... است ... تقریب است و اصل
قضا دارد و در موثق از ... منقول است که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
سوال کردم از شخصی که از سه روزی که ماه ... جمیع شود ... سه روز ماه را تا آخر
باشد و ... شود و ... ذکر الایام ... است که تا آخر
کند یا چه ماه آخر سالی یا در آخر ماه ... روزه ... یا سه روز را حضرت فرمودند که
باکی نیست عرض نمودم که ... روزه ... حضرت فرمودند که ...
... است ... که ... ایشان ... روز ... بگیرد
بقصد ادا و قضا ... ثواب ... دارد ... در این
که قضا را ادا میکرده ... است اگر ... است ... سه
ماه را ایشان که ... روزه است ... در زمستان ... سه روز و این

دو

روزها ... تعالی ... و کتاب ... از این سه روزه و ... و الله اعلم
از حضرت ابی ... است ... قال قلت لابی عبد الله صلوات الله
علیه بما جرت به السنة من الصوم قال ثلاثة ایام من کل شهر الخمیس فی العشر الاول و الاربعاء
فی العشر الاوسط و الخمیس فی العشر الآخر قال قلت هذا جمیع ما جرت به السنة
فی الصوم قال نعم ... منقول است ... که گفت عرض نمودم ... حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه که سنت روزه ... روزه ... حضرت
فرمودند که سه روز ... پنجشنبه ... چهارشنبه ... پنجشنبه
... گفت ... حضرت فرمودند
که ... این ... است ... دو پنجشنبه ... و چهارشنبه داشته باشد
... کافی ... مقید ... گذشت و
دیگر ... روزه شعبان ... باشد ... کرده که ...
سه روز ... شعبان را در باب
ذکر آورده ... سنت ... باب آورده است و ...
... که موثق کالصحیح ... علیه وارد است که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله ... روزه ... شعبان و رمضان را
سه روز ... آخر حضرت امام
محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما ... روزها ... داشتند
... کالصحیح ... منقول است که گفت شنیدم از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله ... سنت ...
واجب ... سنت ... واجب ... کالصحیح از
فضیل منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که حق سبحانه تعالی

چون حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله را تادیب فرموده بود بمکارم اخلاق و تخلق کرده

و مأمور شده بود از آن خطاب کرده اند بخطاب انک لعلی خلق عظیم یعنی بر جمیع صفات

کمالات ما متصف شدی و باخلاق ما متخلق شدی بتجلی بزرگ که کسی را این مرتبه

حاصل نشد و نخواهد شد تفویض نمود بآنحضرت امر دین و امر امت تا ملاحظه کند مصالح

و معانی [illegible] شد و تغیرات را در این در فرمود که توحید رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible]

کنند و لیکن از آن [illegible] کند از رو ما از ایشان [illegible] و تعالی او را چنانکه باید

تکمیل کامل کرده [illegible] بود سخن بود آنحضرت را [illegible] عقل کل شده بود

و هرگز شی صادر نمیگردد از آنحضرت خطائی [illegible] سیاست خلق و تحقیق

با خلاق الهی کرده و گفته او گفته خدا بود و کرده او کرده خدا بود [illegible]

رکعت نماز فرموده بود دو رکعت و رکعت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله

دو رکعت اضافه فرموده دو رکعت اضافه [illegible] کرد تا این هفده رکعت را واجب

کردانید تا ما شد [illegible] هفده رکعت شد [illegible] فرموده [illegible]

چهار رکعت در [illegible] و حق سبحانه و تعالی اجازه فرمود [illegible] حضرت

[illegible] کرده از [illegible] شد از آنحضرت [illegible]

کرده می شود [illegible] و حق سبحانه و تعالی [illegible]

ماه رمضان واجب کردانید و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله روزه ماه شعبان و [illegible]

سه روز را سنت کردانید [illegible] واجب [illegible] و تعالی اجازت

نمود [illegible] آنحضرت را و حق سبحانه و تعالی شراب انگور را حرام کردانید و آنحضرت هر

مست کننده را حرام کردانید و حق سبحانه و تعالی اجازه فرمود و آنحضرت مکروه

کردانید [illegible] و رخصت فرمودند که در حال ضرورت بجا آورند و [illegible]

فرمودند بعضی از حرمت [illegible] که عمل بالزام آنحضرت لازم بود و عمل برخصت آنحضرت نیز

واجب بود

واجب بود و [illegible] واجب [illegible] و رسل [illegible] بود رخصت فرمودند [illegible]

[illegible] را رخصت فرمود که بعضی از اوقات شغل [illegible] کنند

و امر آنحضرت [illegible] الهی بود [illegible] آنحضرت [illegible] الهی و این مضمون احادیث صحیح

و حسنه بسیار وارد شده [illegible] و [illegible] آنحضرت [illegible]

ائمه معصومین صلوات الله علیهم [illegible] ایشان [illegible] خداست و گفته

ایشان [illegible] خداست و ارادت ایشان اراده خداست [illegible] ایشان [illegible] خداست و اعاده

دیگر نیز خواهد آمد [illegible] در این باب [illegible]

[illegible] شد اعاده [illegible] وضوی [illegible] که از روزه سنت چهار

[illegible] ماه شعبان را روزه [illegible] شود

[illegible] روزه [illegible] عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال الافطار

فی [illegible] افضل من صیام [illegible] ضعفا و [illegible]

که حضرت [illegible] صلوة الله علیه فرمودند [illegible] مؤمن [illegible]

سنت [illegible] واجب [illegible] احتمال قوی و افطار [illegible]

[illegible] روزه [illegible] کدام [illegible] فرموده

[illegible] صلوة الله علیه [illegible] من دخل علی اخیه و هو صائم فافطر عنده

[illegible] صوم سنة [illegible] صحیح [illegible] منقول است که حضرت

امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که هرگاه داخل شود برادر مؤمن [illegible] داخل

شود صائم باشد [illegible] افطار کند [illegible] کند که روزه ام [illegible]

جهت [illegible] و تعالی [illegible] روزه یکسال را [illegible]

[illegible] منقول است [illegible] صحیح منقول است که حضرت

امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که هرکه [illegible] کرده باشد [illegible] برادر مؤمن

داخل شود و روزه سوم اگر [illegible] بکرا افطار کند تو کفاره بر کسی که چون روزه دار داخل شود بعد از جهت
ادعیه و موافقت کرده برد روزه در نام کس بو نسته شود دید حکمی سیماری و غیری
شود بکر کرکی احتشام کند اولی و کسان بیکم و گیا تصحیح از عبد بن جدیث
منقول است که حضرت امام موسی صلوات الله علیه عرض کردم که گاه هست که داخل می شوم
بر جمعی و ایشان اکرام میکنند و من بعادت عربیه عادت روزه سنت میدارم
و ایشان میکوید که حضرت فرمودند که افطار کرد ثواب افطار بیشتر است که صحیح
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که ثواب مومن افطار نمودن
بهتر است از روزه تطوع و جمع میان این احادیث میتوان کرد که اگر اظهار نکند که روزه ام
ثواب یکسال میدهند و اگر اظهار سازد یکی است ده هند و اگر اظهار کند و منت
کفاره نمیدهند و این داخل بوی از احادیث میتوان کرد و اگر افضلیت و اکثریت
ثواب دیگر بسیار است و محتمل است که مجموع احادیث و دیانات قلوب بود و الله تعالی اعلم قال مصنف
هذا الکتاب حمد الله عن الی السنة والنقص جمیعا الروه و جون این معنی با ملحق است
روزه سنت توجه میشود که خصوص سنت باشد نص محصول که ثواب افطار کردن مخصوص
بسنت نیست بلکه روزه تطوع نیز چنین است یا بوکیلی ملک اطلاق اخبار شامل
قضا و مثل الظهر و غیر معین و سایر روزها غیر معین هست که خوردن اولی
و احتیاطی الرواه آن مومن نیز در ثواب حاصل است چه در احادیث صحیح مذکور در
اکثر متواتر وارد شده است و احتمال ثوابها بجهت تفاوت احوال مومنین است
ومال الحی رضی الله عنه فی رسالته الی اهل اردن سواد اگر دشاف تقدم
صوم السنة شیئا فصم ثلثة ایام للشهر الذی تریدالخروج فیه و بدار هم کرحی سبحانه و تعالی
آرزو خواهند شود باشد در رساله که شنوی من فرستاده بود نوشته بود و آن عبارت
فقد و صوم است که هر گاه خواهی که بشود روزی رخواهی که از روزه سنت و احتمال

وارد که بخصوص مراد باشد یعنی از روزه کرده همیشه سال میدارد یا جمیع سال
میدارد بنابر آنکه هر روز دیگر روزه میدارد چنانچه است که هر که داشته باشد یا مثل
یکسال در پیش داشته باشد و روزهای یکماه و سه روز فی شود و اگر خواهی که
چیزی از آن مقدم داری پس سه روز روزه بگیر از جهت حاجی که بیرون میروی
و در سفر نمیتوانی گرفت و این تقدیم بجای قضا نمی این صوم است و در حدیث کالصحیح
وارد است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که من هر گاه میخواهم بسفر
روم و در سفر بروز محرم نیستم بعوض روزه تصدق میکنم بدل از هر روز
یکمد از قوت اهل که با ایشان مدح و در حدیث کالصحیح از عبدالله بن سنان منقول
است که قضا میکنند روزه سنتی را مگر آن سه روزی که در هر ماه میگیرد و گمان
میکنم که عوض آن روزه واجب است و من دوست میدارم از جهت آنکه هر گاه کار
خوبی کنی بر آن مداومت نمایی و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت با او فرمودند
که اگر میخواهی قضا کنی بعد از مراجعت از سفر و در حدیث صحیح از سعد منقول است
که گفت عرض نمودم بحضرت امام رضا صلوات الله علیه که ایا بر مسافر لازم است که قضا کند
این سه روز هر ماه را حضرت فرمودند که نه و در حدیث کالصحیح از عرزمان منقول است که
با آنحضرت عرض نمودم که میخواهم بسفر روم میتوانم روزه این ماه را مقدم دارم حضرت
فرمودند که نه عرض نمودم که چون از سفر برگردم قضا کنم حضرت فرمودند که هم چنانکه
غیبکنی قضا بر تو نیست ظاهر شد که احتمالی نیست در تقدیم و قضا هر دو خوب است
و اگر کسی ضعیف باشد و تصدق کند بهتر است والله تعالی اعلم و روی عن رسول الله صلی الله
علیه عن خمیس سفقان فی آخر العشر فقال اما الاول فلعله لا یلحق الثانی و روی
که آن معصوم صلوات الله علیه بوده که هر ماه چهار دهه او خود در پنجشنبه واقع شود چکند
حضرت فرمودند که اول را روزه بگیر که شاید بدوم نرسی و چنین است که چون بدوم

[illegible] کرده [illegible] سوم [illegible] فرزند این آیت

[illegible] بیان [illegible] چنانکه [illegible]

[illegible] روزها [illegible] بیت [illegible] بکرده [illegible]

روزه [illegible] روزه [illegible] حضرت [illegible] روزه [illegible]

که [illegible] از [illegible] الا

[illegible] صوم [illegible] قبل [illegible] رمضان [illegible]

شهر رمضان [illegible] که گفت

سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه از روزه [illegible]

[illegible] فرمودند که [illegible] از روزه ماه رمضان روزه عاشورا بود [illegible]

ماه رمضان [illegible] متروک شد [illegible] گذشته [illegible]

[illegible] فرمودند که [illegible] شد [illegible]

[illegible] که [illegible] صحیح است [illegible] گفت عرض نمودم

[illegible] امام جعفر صادق صلی الله علیه که [illegible] روزه [illegible] عاشورا [illegible]

[illegible] که روزه [illegible] نیت کنی و افطار کنی [illegible] روز

[illegible] بر کسی [illegible] بعد از [illegible] افطار کن [illegible]

[illegible] الصحیح منقولست از نجبه که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر

صلوة الله علیه از روزه عاشورا حضرت فرمودند که روزه [illegible]

[illegible] روزه ماه رمضان و متروک [illegible] گفت [illegible] صادق

صلوة الله علیه نیز سوال کردم [illegible] حضرت [illegible] جواب [illegible]

[illegible] فرمودند که روزه [illegible] که [illegible]

[illegible] سنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

ای [illegible] حضرت سید [illegible] صلوة الله علیه [illegible]

و در حسن کالصحیح منقولست از [illegible] که [illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوة

الله علیه سوال کرد از روزه [illegible] عاشورا حضرت فرمودند که هر که این روزه را بگیرد بهره

او [illegible] روزه [illegible] الله [illegible] رضی الله عنهم تعالی عرض

نمودم که ایشان [illegible] داشتند از این روزه حضرت فرمودند آتش جهنم بهره ایشان

[illegible] الله [illegible] آتش جهنم [illegible] آتش [illegible]

[illegible] حدیث [illegible]

[illegible] که [illegible] روزه [illegible]

[illegible] حدیث عبد الله [illegible] من النار [illegible]

[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله من صام [illegible]

الجنة و کالصحیح منقولست از حضرت [illegible] فرمودند که هر که [illegible] سنت [illegible]

سبحانه و تعالی [illegible] داخل [illegible] بهشت و در صحیح از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه

[illegible] که [illegible] روزه میگیرد [illegible]

[illegible] روزه [illegible] بهشت میکند [illegible] جابر عن ابی جعفر صلوة الله

علیه قال من ختم له بصیام یوم دخل الجنة [illegible] جابر [illegible]

[illegible] روزه [illegible] روزه [illegible]

از [illegible] داخل بهشت [illegible] که [illegible]

[illegible] داخل بهشت [illegible] قال رسول الله صلی الله علیه و آله من صام یوما [illegible]

سبیل الله کان [illegible] روایت کرده است ابو هریره که از

حضرت [illegible] فرمودند [illegible] روزه [illegible] سال روزه [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] الحکم منسوخ [illegible]

ودور ... که ... [illegible] حق تعالی ... چنانکه بسیار است که ...
... است ... باشد ... کان یعمل به ... اعظم ... است وهو ...
باز ... الاعمال ... [illegible] حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه
منقول است که هر که روزه ... [illegible] ... حق سبحانه
و تعالی بر فرشتگان فرماید که ... من ... از ... [illegible]
جستی ... عدد ... فرشتگان ... [illegible] ... تعالی
جمیع فرشتگان خود را امر ... [illegible] ... باخلاص
و امر ... [illegible] ... الحمد ...
پس حضرت فرمودند که ... صائم ... عبادت ... و نفس او تسبیح است و ... [illegible]
الله علیه من تطییب بطیب اول النهار و هو صائم ... [illegible]
است که آن حضرت ... فرمودند که هر که ... [illegible]
که خلق ... عقل ... صوم ... [illegible]
... و احادیث ... رسول الله صلی الله علیه و آله ...
... الا استجیب له ... اعضاؤه وکانت صلوة الملائکة علیه ... صلواتهم
استغفارا ... روایت کرده است که آن حضرت فرمودند که هر صائمی که حاضر شود نزد
... ایشان ... چیزی ... خوردن ... تواند خورد ... [illegible]
... قضای رمضان ... [illegible] ... ماه رمضان باشد ...
جماعتی ... باشند ... خورند ... اعضای او تسبیح کنند از جهت او
او و فرشتگان ... صلوة ... ملائکه ... مغفرت است ... او
وکافی ... منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که
چون صائمی ... جمعی ... ایشان ... تسبیح ... [illegible]

جهد او

جهد او ... [illegible] ... ذکر کرد ... چنانکه ...
... [illegible] ... تسبیح ... [illegible]
... [illegible] ... تسبیح ... [illegible]
... [illegible] ... تسبیح ... [illegible]
... [illegible] ... حق سبحانه و تعالی ... [illegible]
عن ... صلوة الله علیه ... اول یوم من ذی الحجة ... الله له صوم
... [illegible] ... صوم الدهر ... [illegible]
... [illegible] ... حق سبحانه و تعالی ... [illegible]
... [illegible] ... روزه دارد ... عمر ... [illegible]
... [illegible] ... روایتی ... است که ... ذی الحجه ... [illegible]
... [illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه واقع شد ... روایتی ... [illegible]
... [illegible] ... عوام ... [illegible]
... [illegible] ... ماه شوال ... [illegible]
نقل کرده ... [illegible] ... حضرت فاطمه صلوة الله علیها ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
و در دویم[2] ... [illegible] ... چهار رکعت ... [illegible]
... حدیثی از عایشه روایت کرده است ... از حضرت سید المرسلین
در فضلیت[3] صلی الله علیه و آله ... فضلیت بسیار ذکر کرده است و شیخ ... [illegible] ... نقل
... [illegible] ... روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه
... [illegible] ... حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله ... [illegible]
... [illegible] ... احادیث ... [illegible]

هرکس این نماز بین [illegible] کرده [illegible] عکس [illegible] کرد [illegible] دیگر حدیث
ضعفا از ثقات نیز نقل کرده [illegible] ذکر [illegible] که حدیث بیان عذر را
اعتقاد نداریم چون راوی او محمد همدانی است [illegible] در [illegible] دیگر را ثبت
نظر اعتبار باشد و قال الصادق صلوات الله علیه صوم یوم الترویة کفارة سنة و صوم
عرفه کفارة سنتین و در حدیث [illegible] که [illegible] روز
هشتم ذی الحجه کفاره یک ساله گناهان است و روزه روز عرفه کفاره دو ساله گناهان است
و وجه تسمیه ترویه [illegible] در [illegible] روز هشتم ذی الحجه
ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام [illegible] الیوم [illegible] سنة و جهه
یعقوب کلینی [illegible] کرده [illegible] بعضی از اصحاب
از حضرت ابی الحسن صلوات الله علیه که در [illegible] ذی الحجه متولد شد حضرت ابراهیم
خلیل الرحمن [illegible] هر که روزه آن روز بدارد او را کفاره شصت ساله گناهان او شود
و فی تسع من ذی الحجه نزلت توبة داود علیه السلام من صام ذلک الیوم کان کفارة
تسعین سنة و در روز نهم ذی الحجه که روز عرفه است توبه حضرت داود نازل شد
هر که این روز را روزه بدارد کفاره نود ساله گناهان او باشد و قصه حضرت داود
[illegible] از [illegible] بسیار [illegible]
ابو الصلاح [illegible] که چون [illegible] یهود و نصاری و مجوس
[illegible] حضرت امام [illegible]
علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما [illegible]
[illegible] مذکور است [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible]

در عصیان

در عصیان که انبیا [illegible] حضرت [illegible] جواب [illegible]
داود [illegible] حضرت [illegible]
که علمای شما [illegible] حدیث [illegible] که حضرت داود [illegible]
[illegible] داود [illegible]
[illegible]
[illegible] داود [illegible]
[illegible] عاشق شد [illegible]
[illegible]
[illegible] شد [illegible]
[illegible] شهید شد [illegible]
[illegible] انا لله و انا الیه راجعون
[illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

کرفتن

دکنا هشرابی بود که تعجیل کرده بحکم را از مدعی علیه نپرسید که در راست میگوید یا نه و از
مدعی بینه نطلبید و این ترک اولی بود زیرا که حضرة داود حکم نمیفرمودند بلکه میفرمودند
که بر تقدیر حقیقت قول خصم کرده است و بر ترک اولی داود این بود یعنی که حق سبحانه
و تعالی میفرماید که ای داود ما ترا خلیفه خود کرده ایم در زمین پس میان مردمان بحق حکم کن الی
بن علی بن جهم گفت یا بن رسول الله که اینست داود و اوریا بچه عنوان است حضرة صادق فرمودند
که مردی چنین بود در زمان حضرة داود که اگر زنی شوهرش بمیرد یا کشته شود بعد از آن
هرگز شوهر نمیکرد و اول کسی که حق سبحانه و تعالی برو مباح کرد اینکه زن شوهر مرده
را بخواهد حضرة داود بود و این معنی بر اوریا شاق بود و جمعی بسیار دیگر گفته اند
باین اکتفا شد و اکثر محققین نفی این قصه کرده اند حتی بیضاوی و اینها که ذکر کرده اند
تاریخ یهود گفته اند و یهودان با داود و سلیمان هر چند بر انبیا و بهر دو دشمنی ترند
بوده اند و سبب عداوتشان بود که حضرة داود عم بر ایشان مال خراج مقرر فرمود
از جهت مجاهدان و این بر ایشان شاق بود و این نسبتها با ایشان داده اند و کسیکه
مطالعه کند این قصه را چه میکند ما که انبیا است و سبب عداوت ظاهر بود و سایر
تحریفاتی که در تورات کرده اند و الحمد لله که در سطح الواح یهود بود در اباب اسفار الخمسه
را مطالعه کردیم پنج سفر تورات است که در سفر آخر یهودان در آن خلاف کرده اند
که الیعزر شاگرد که ایشان هست در باقی اسفار را ملحق بتورات کرده اند از جهت اغوای
عوام که این حکایات از آسمان آمده است و ملاعین اهل سنت چون دست از متابعت
ابواب علوم الهی برداشته اند تاریخ یهودان برداشته اند و هر را در تفاسیر خود
جا داده اند قاتلهم الله انی یؤفکون و روی عن یعقوب بن شعیب قال سألت ابا عبد الله
صلوة الله علیه عن صوم یوم عرفه قال ان شئت صمت و ان شئت لم تصم و ذکر ان رجلا
اتی الحسن والحسین صلوة الله علیهما فوجد احدهما صائما والاخر مفطرا فسألهما فقالا

همت

ازجهت

ان صمت فحسن و ان لم تصم فجایز و در حدیث صحیح از یعقوب منقول است که گفت سوال نمودم از
حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از صوم روز عرفه حضرة فرمودند که اگر میخواهی
روزه میگیری و اگر نمیخواهی روزه نمیگیری پس فرمودند که شخصی بخدمت حضرة امام
حسن و حضرة امام حسین صلوة الله علیهما آمد دید که یکی از ایشان که حضرة امام حسین صلوة
الله علیه است صایم بودند و دیگری افطار نموده بودند پس وجه پرسید یا پرسید که در روز
عید عرفه چون است پس حضرت فرمودند که اگر روزه میگیری خوب است و اگر روزه نمیگیری
جایز است و روی عبد الله بن المغیرة عن سالم عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال اوصی رسول
الله صلی الله علیه وآله الی علی علیه السلام وحده واوصی علی صلوة الله علیه الی الحسن
والحسین صلوة الله علیهما جمیعا وکان الحسن صلوة الله علیه امامه علیه السلام فدخل رجل یوم
عرفة علی الحسن صلوة الله علیه وهو یتغدی والحسین صلوة الله علیه صائم ثم جاء بعد ما قبض
الحسن صلوة الله علیه فدخل علی الحسین صلوة الله علیه یوم عرفة وهو یتغدی و علی بن الحسین
صلوة الله علیهما صائم فقال له الرجل انی دخلت علی الحسن صلوة الله علیه وهو یتغدی وانت
صائم ثم دخلت علیک وانت مفطر فقال ان الحسن صلوة الله علیه کان اماما فافطر لئلا یتخذ
صومه سنة و یتأسی به الناس فلما ان قبض صلوة الله علیه کنت انا الامام
فاردت ان لا یتخذ صومی سنة فیتأسی الناس و منقول است در حدیث صحیح از عبد الله بن سنان
که حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که حضرة سید الانبیا صلی الله علیه وآله حضرة
امیر المؤمنین صلوة الله علیه را وصی و جانشین خود کردند و حضرة امیر المؤمنین صلوة الله علیه
حسن و حسین صلوة الله علیهما را وصی کرد لیکن مقدم بود را حضرة امام حسن صلوة الله علیه
را امام گردانیدند پس حضرة امام حسین صلوة الله علیه پس شخصی در روز عرفه داخل شد
بر حضرة امام حسن صلوة الله علیه و دید که ایشان چاشت میخوردند و حضرة امام حسین صلوة
الله علیه روزه بودند و بعد از وفات حضرة امام حسن صلوة الله علیه در روز عرفه داخل

[illegible] حضرت امام حسن صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] صلی الله علیه [illegible] امام
[illegible] صلوة الله علیه و آله حضرت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] صلوات الله علیه امام
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] استحباب [illegible]
[illegible] اللهم [illegible] قال
[illegible] یوم عرفه [illegible] سنة قال
کان [illegible] الله علیه [illegible] یوم عرفه [illegible] دعا و
فاتخوف ان یضعفنی عن الدعاء واکره ان اصوم [illegible] یوم عرفة یوم
الاضحی [illegible]
حضرت [illegible] صلوة الله علیه [illegible] امام محمد باقر صلوة الله علیه
سوال کردم [illegible] روزه روز عرفه [illegible]
[illegible] صلوة الله علیه [illegible] روزه [illegible]
[illegible]
[illegible]
روزه [illegible] روز عرفه [illegible] روز عید [illegible]
[illegible] حدیث جمع میکند میان احادیث [illegible] فضل صوم عرفه [illegible]
[illegible] احادیث [illegible] روزه [illegible]

[illegible] حلال [illegible] باشد [illegible]
باشد [illegible] حلال [illegible]
[illegible] صاحب الامر صلوات الله علیه
[illegible] هلال [illegible] اشتباه [illegible]
[illegible] قال المصنف هذا الکتاب رحمه الله [illegible]
[illegible] صوم [illegible] یوم العید [illegible]
[illegible] الحسن بن علی صلوة الله علیهما [illegible]
[illegible] الاضحی [illegible]
[illegible] ولا اضحی [illegible] یوم عرفة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه [illegible]
[illegible]
که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که چون حضرت امام حسین صلوة الله علیه
شهید شد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
کما [illegible]
و حدیث اول [illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه [illegible]

نسبت بصادق صلوة الله علیه داده است مگر اکثر روایتش از صادق معصوم باشد چون بسیار
کرده اند و بعضی گذشت و دیگری چنین ها هست که سند تو ظاهر می شود در احادیث اول الصلوات
در توقیع ابی جعفر اسمعیل نقل کرده که عرض نمودم بحضرت امام محمد تقی صلوة الله علیه که فدایت گردم
چه بسیار شاد در عامر دو کتابی فی الصوم است یعنی در صوم ایشان در روزهای پیاپی ستوده است که ایشان
توفیق نمی یابند که روزه بدارند حضرت فرمودند که دعای ملائکه بر ایشان مستجاب شده است
و حضرت فرمودند که چون سکان جهنم شهید کردند حضرت امام حسین صلوة الله علیه را حق
سبحانه و تعالی فرمود ملکی را که ندا کند که ای امت ظالمی که عترت پیغمبر خود را کشتید حق سبحانه
و تعالی شما را توفیق صوم و فطر ندهد و در حدیث دیگر توفیق فطر و اضحی ندهد و ابن بابویه
کلینی روایت کرده است در قوی از سدیر که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند
که چون شهید نمودند آن حضرت را زدند و آن حضرت را با سر مبارک و خواستند که سر مبارک آن حضرت
را از بدن مبارک جدا کنند منادی از عرش ندا کرد که ای امت حیران شده که راه شده
بعد از پیغمبر خود حق سبحانه و تعالی شما را توفیق اضحی و فطر ندهد پس حضرت فرمودند که از این
جهت است والله که عامه موفق نشده اند و نخواهند شد تا وقتی که حضرت صاحب الامر صلوة
الله علیه ظاهر شوند و طلب خون آن حضرت بکنند تا آنکه قاتلان آن حضرت و راضیان بفعل ایشان
را از میان بردارند و شیعیان که در هر زمانی از ایشان بحضرت آن حضرت داشتند اتباع ایشان نمودند
کشتند و هر یک از شیعیان سکان را کشتند و زنده کردند حضرت [illegible] او ایشان را عذاب
کنند و بسیار از اخبار در رجعت خواهد آمد چون اهل رجعت ائمه معصومین صلوة الله علیهم
می توانست و حق سبحانه و تعالی فرموده است که روزی باشد که مبعوث کنیم از هر امتی فوجی را
از جماعتی که آیات ما را تکذیب می نمودند و در روز قیامت همه مبعوث می شوند پس
البته مراد قیامت صغری است که رجعت است و علمای قدمای شیعه هر یک در رجعت
کتابی تصنیف کرده اند و شیخ طوسی و شیخ نجاشی هر دو در فهرست کتب علمای شیعه

در حق

در حق ذکر کتب ایشان ذکر کرده اند که کتاب فی الرجعة و ابان کتب چندی نمانده است که
زیاده از صد هزار کتاب بوده است و در زمان حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه چهار هزار
مصنف بوده اند از اصحاب آن حضرت مثل زراره و محمد بن مسلم و بریدة و ابو بصیر که منقول است
از محمد بن مسلم که سی هزار حدیث در حفظ داشت و جابر جعفی هفتاد هزار و بعضی منقول
است که ابن عقده سیصد هزار حدیث در حفظ داشت و صد و سی هزار حدیث با
سند در حفظ داشت و ذکر این محفوظات نیز در کتب رجال شیعه است و شیخ امین
الاسلام ابو علی طبرسی در کتاب مجمع البیان ذکر کرده است که اخبار رجعت متواتر است و
متفق اند اهل البیت در احوال شیعه است و اما آنکه اخبار ما و کتب علمای شیعه
مطلع ما نرسیده است از متواتر است و در بعضی اخبار در روضه مذکور است و در بحار الانوار اشاره
ما می خواهد شد و یکی از شواهد ذکر کتابی جدا ضرور است تالیف نمودند چون متواتر است
شده است و کتب علمای شیعه الیوم ما باعتبار اشتغال طلبه بکتب حکما و عامه و شیطان در بی
باب سعی خود را تمام کرده است و لیکن ما بحمد الله تعالی چنان کرده ام که از ابتدا رفته
بجویی تا باید و حق سبحانه و تعالی حکایت دابة الارض و رجعت را در قرآن مجید ما هم
آورده است و عامه قائل بر آن شده اند بلفظ اما بحسب واقع منکراند و مولانا نظام الدین
نیشابوری که بحسب ظاهر از کبار علمای عامه است اما در باطن شیعه است و در تفسیر خود
در سوره نمل از طرق شیعه وجوه بسیار گفته است و اشاره والله در تفسیر مجمع البحرین
که بحسب اعطاء حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله در روز بان مامور شده ام مذکور
خواهد شد و اشاره والله تفسیر تمام شود و خواهد شد که در بعضی آیات قرآنی همگی
از ائمه هدی صلوة الله علیهم منقول شود و در الحقیقة حرایه المقالی باشد چنانکه
در روز دوسه روز بحر حوادث زمان واقع شد در حق شارت بسیار که یکی از آن
این بود که ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ و در روز عید الحسن

بن علي الوشا قال كنت مع ابي وانا غلام فتعشينا عند الرضا عليه السلام ليلة خمسة و
عشرين من ذي القعدة فقال له ليلة خمسة وعشرين من ذي القعدة ولد فيها ابراهيم
عليه السلام وولد فيها عيسى بن مريم عليهما السلام وفيها دحيت الارض من تحت
الكعبة فمن صام ذلك اليوم كان كمن صام ستين شهرا و حسن بن وشا گفت
من با پدرم بودم و هنوز کودکی بودم و [illegible] بودم نزد حضرت امام رضا صلوة الله
علیه و صحبت کردیم یعنی مهمانی آنحضرت را خوردیم و آن شب بیست و پنجم ذی القعده بود
حضرت ص با پدرم فرمودند که در شب بیست و پنجم ذی القعده متولد شد ابراهیم علیه السلام
و متولد شد در این شب حضرت عیسی بن مریم و در این شب گسترده شد زمین از زیر کعبه یعنی
حق سبحانه و تعالی اول ماده زمین را [illegible] که [illegible] واقع است
و بعد از آن آسمان را آفرید و بعد از آن [illegible] پهن کرد [illegible]
الحال هست [illegible] چنانکه فرموده [illegible] الارض بعد ذلک دحیها پس هر که این روز را
روزه دارد چنان است که شصت ماه روزه گرفته باشد و [illegible] روزه دارد
که ولادت ابراهیم علیه السلام در شب بیست و پنجم ذی القعده واقع شد [illegible]
[illegible] با حدیث سابق که ولادت آنحضرت در اول ماه ذی الحجه واقع شده [illegible]
جمع [illegible] بسیار [illegible] ولادت ابراهیم فرزند
رسول خدا صلی الله علیه و آله [illegible] ابراهیم [illegible] خلیل الله [illegible] چنانکه
در حدیث سابق [illegible] والله تعالی اعلم و روی ان في تسع وعشرين من
ذي القعدة انزل الله عز وجل الكعبة وهي اول رحمة نزلت فمن صام ذلك اليوم كان
كفارة سبعين سنة و مروی است که در بیست و نهم [illegible]
یاد کرده است از حضرت امام موسی کاظم صلوة الله علیه که آنحضرت فرمودند که در بیست و نهم
ذی القعده حق سبحانه و تعالی کعبه بیت الله را بدنیا فرستاد که آن بیت المعمور بود و

اول رحمتی بود که [illegible] آدم علیه السلام نازل شد پس هر که این روز را روزه دارد [illegible]
[illegible] کفاره هفتاد ساله گناهان او شود و محقق [illegible] در حدیث اول
[illegible] ذکر کرده است [illegible] که این [illegible] باشد [illegible] از
[illegible] کرده اند [illegible] احتمال دارد که [illegible] باین
[illegible] کعبه [illegible] بیت المعمور [illegible]
باشد ولیکن بسیار بعید است و کلینی [illegible] روایت کرده است از محمد بن عبد الله که
حضرت امام رضا صلوة الله علیه [illegible] بیرون آمدند در روز بیست و پنجم
ذی القعده [illegible] فرمودند که [illegible] روزه بگیرید [illegible] روزه ام گفتیم فدای تو گردیم این چه
روز است فرمودند که روزی است که رحمت الهی پهن شد [illegible]
[illegible] حضرت آدم [illegible] روایت کرده است که در بیست و
پنجم ذی القعده کعبه [illegible] و اول رحمتی بود که [illegible]
[illegible]
[illegible] روزه [illegible] شصت [illegible]
[illegible]
[illegible] والله تعالى اعلم وروى الحسن بن راشد عن ابي عبد الله صلوة الله عليه
قال قلت جعلت فداك للمسلمين عيد غير العيدين قال نعم يا حسن اعظمهما واشرفهما
قال قلت واي يوم هو قال يوم نصب امير المؤمنين صلوة الله عليه فيه علما للناس قلت جعلت فداك
واي يوم هو قال ان الايام تدور وهو يوم ثمانية عشر من ذي الحجة قال قلت جعلت
فداك وما ينبغي لنا ان نصنع فيه قال تصومه يا حسن وتكثر فيه الصلوة على محمد وآله
وتبرء الى الله عز وجل ممن ظلمهم حقهم فان الانبياء عليهم السلام كانت تأمر الاوصياء
باليوم الذي كان يقام فيه الوصي ان يتخذ عيدا قال قلت فما لمن صامه منا قال صيام

ستین شهرا ولا تدع صیام یوم سبعة وعشرین من رجب فانه هو الذی انزلت فیه
النبوة علی محمد صلی الله علیه وآله وثوابه مثل ستین شهرا لکم منقول است [illegible]
معنی ما رد اما کتاب [illegible] معتبر بوده است و علمای رجال کتاب او را تحسین کرده اند و علمای حدیث
و فقیر نیز کتاب وی را معتمد میدانسته اند و مدد گرفته اند [illegible] بر کتاب بوده است
نمی دیده اند که موافق است با احادیثی که اعاظم محدثین نقل کرده اند مانند
محمد بن مسلم و برید و حلبی و کسانی که حکم بصحت این کتاب میکرده اند و اگر مشتمل بوده است کتاب
بر احادیث غریب طرح میکرده اند و اگر از هر دو خالی بوده است بیک نوع میگفته اند
و چون کتاب حسن از قسم اول بوده است کلینی و صدوق و شیخ [illegible] ان را در کتب
نقل کرده اند و حکم بصحت ان احادیث کرده اند در جمیع علوم نقلیه چنین است حاصل انکه حسن
گفته است که من عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه که فدای تو گردم آیا مسلمانان را
عیدی هست بغیر از عید فطر و اضحی حضرت فرمودند بلی ای حسن هست و بزرگتر و بهتر از
هر دو است گفت عرض نمودم که کدام است آن عید حضرت فرمودند که آن روزیست که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه وآله حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه را بامامت نصب فرمودند
که خلیفه خلائق و پیشوای خلایق باشد گفتم فدای تو گردم آن چه روز است [illegible] روزهای
[illegible] حضرت فرمودند که روزهای هفته دور میکند و روزهای ماه دور میکند و معین آن روز هجدهم ماه است که آن
روز هجدهم ذی الحجه است و هجدهم در آن سال جمعه بوده و جمعه [illegible]
[illegible] باید در روز هجدهم که روز عید است رعایت کنند گفتم فدای تو گردم [illegible] را چه باید کرد
فرمودند که ای حسن روزه میدارید انروز را و بر حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله
و اهلبیتش صلوة بسیار میفرستید و بیزاری میجوئید که لعنت باد بر کسانی که بر
اهلبیت آنحضرت ظلم کرده اند و حق ایشان را غصب کرده اند یا میگوئید که
خدا داند بیزارم از ایشان و هر [illegible] ان

الکرچی

آنکسانی که حق ایشان را غصب کرده اند و بر ایشان ستم کرده اند و لعنت خدا بر ایشان باد
بدرستیکه جمیع پیغمبران امر کردند اوصیای خود را که عید کنند آنروزی را که وصی خود را
نصب میفرمودند [illegible] گفت که عرض نمودم که ما را چه ثواب است که آنروز را روزه بداریم
حضرت فرمودند که آنروز را روزه داشتن چنان است که شصت ماه را کسی روزه داشته
روزه باشد و دور نیست که بیست و هفتم ماه رجب که آنروزیست که حضرت سید المرسلین صلی الله
علیه وآله را پیغمبری کردند و نبوت بر آنحضرت نازل شد و روزه داشتن آنروز از برای [illegible] مثل
روزه داشتن شصت ماه است و صدوق حدیث دیگر از آنحضرت [illegible] روایت کرده است
بمضمون [illegible] منقول است که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق
صلوة الله علیه که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر از جمعه و عیدین حضرت فرمودند که
بلی عیدی که حرمتش از همه عظیم تر است عرض نمودم که کدام است حضرت فرمودند که روز
هجدهم ذی الحجه است عرض نمودم که چه میباید کرد حضرت فرمودند که خدا را یاد کنید بروزه
از جهت نعمتهای او و بسیار صلوات بر محمد و آل محمد یاد کنید و صلوة بر ایشان و عنوان
[illegible] بدرستیکه حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله وصیت فرمودند بحضرت امیر المؤمنین
صلوة الله علیه که آنروز را عید کنند و همه پیغمبران وصیت میکردند اوصیای خود را
که آنروز را عید کنند یعنی همین روز را [illegible] روزی که در ان روز اوصیای خود را نصب میفرمودند
آنروز را عید کنند یعنی همین روز [illegible] شکر [illegible]
[illegible] باشد روایت کرده از طرق عامه از
خبرکر [illegible] هجدهم ذی الحجه را روزه دارد نویسد حق سبحانه و تعالی از جهت او
روزه گرفتن شصت ماه را و آنروز عید غدیر خم است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله
دست امیر المؤمنین صلوة الله علیه را گرفتند و فرمودند که آیا من اولی نیستم بمؤمنان از
جانهای ایشان صحابه گفتند بلی یا رسول الله حضرت فرمودند که هر که من مولای اویم [illegible]

او بودم پس علی مولی و واجب الاتباع اوست پس عمر گفت بخ بخ برای تو ای پسر ابو طالب که گردیدی
مولای من و مولای هر مسلمانی پس حق سبحانه و تعالی این آیه را فرستاد که الیوم اکملت لکم
دینکم الخ یعنی امروز دین شما را کامل گردانیدم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و راضی شدم
که دین اسلام دین شما باشد و روی المفضل بن عمر عن ابی عبد الله صلوات الله علیه قال صوم
یوم غدیر خم کفارة ستین سنة و کالصحیح روایت کرده است که آن حضرت فرمود که
روزه عید غدیر خم کفاره شصت ساله گناهان است و اما خبر صلوة عید غدیر خم و الثواب المذکور
فیه لمن صامه قال شیخنا محمد بن الحسن رضی الله عنه لا یصححه و یقول انه من طریق محمد بن موسی
الهمدانی و کان غیر ثقة و کلما لم یصححه ذلک الشیخ قدس الله روحه و لم یحکم بصحته من
الاخبار فهو عندنا متروک غیر صحیح و اما حدیث نماز روز عید غدیر خم و ثوابی که در آن
خبر مذکور است از جهت کسی که آن روز را روزه دارد پس شیخ ما محمد بن الحسن بن
الولید که رحمت حق سبحانه و تعالی از او خوشنود باشد آن حدیث را صحیح نمیدانست و میگفت که
در سند این حدیث محمد بن موسی همدانی است و او ثقه و معتمد نبوده است و هر حدیثی را که آن شیخ
صحیح نمیدانست و حکم بصحت آن نکرده است آن حدیث نزد ما صحیح نیست و آن حدیث را ترک
کرده ایم و غیر از این کتاب ذکر نمیکنیم و از این کلام ظاهر میشود که هر چه ابن بابویه در کتاب خود ذکر کرده است
همه را صحیح میدانسته و بر او [illegible] نقل میکند و بکو چون احادیث صحیح و حسن کالصحیح
و قوی کالصحیح باطلاق ما وارد شده است و صدوق نیز آن اخبار را روایت کرده است و علما نیز
روایت کرده اند و نقل اجماع نیز کرده اند که در فضائل اعمال بحدیث ضعیف نیز میتوان عمل کرد
و هذا اکثر مضامین این حدیث در خطبه حضرت امام رضا صلوات الله علیه مذکور است و آن
خطبه [illegible] معتبر و منقول است [illegible] عبارت خطبه دلیل است بر صحت خطبه با آنکه صوم
این روز در احادیث بسیار وارد شده است و متفق علیه است و نماز در حدیث خطبه نیز وارد است
دعوی [illegible] کافی است با آنکه کیفیت صلوة در حدیث [illegible] نیز وارد شده است

بالکسر

با کوفه [illegible] که محمد همدانی [illegible] اجازه است و او از کتاب علی بن حسان [illegible]
روایت کرده است و صدوق حکم بصحت کتاب او کرده است و علمای رجال توثیق او نکرده اند
و بعضی ... حسن فاضل این حدیث را در کتاب خود روایت کرده و بعد از آن اصحاب حکم نکرده اند
کرده اند و شیخ طوسی آن را اعتماد نموده در مصباح و تهذیب ذکر کرده است و محقق حلی که
دور [illegible] خصوصیتی با حدیث ندارد و نظر با شیخ اعظم خود [illegible] است که
چون علما در شصت ماده روایت کرده اند که ائمه هدی صلوة الله علیهم اجمعین را از جهت علم
ثبت کرده باشند و [illegible] را از جهت خواص شیعه روایت کرده باشند با آنکه
[illegible] ابن ولید نسبت غلو [illegible] داده اند و او کتابی جامع در [illegible] بن علاوه [illegible]
شده که این [illegible] سهو از نبی نا صلی الله علیه و آله را غلو میدانسته [illegible]
نتوان کرد و غالب اوقات غلو حال سبب نسبت غلو شده است بر بزرگان چنانکه فضل
از اعراض روضة المتقین ذکر کرده ام و الله تعالی یعلم و محمد بن ابی طاوس بسند دیگر روایت کرده
است از شیخ محمد بن علی طرازی [illegible] از عبد القاهر از علی بن حسان و اسمعیل در
[illegible] از علی بن حسین عبدی از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه روایت کرده
روایت بجای محمد بن موسی محمد بن علی است و در روایت شیخ این است که علی بن حسان از علی بن حسین
عبدی روایت نموده است و ظاهر علی بن الحسین است چنانکه ابن طاوس روایت کرده است و شیخ نیز
در رجال در اصحاب حضرت صادق صلوة الله علیه علی بن حسین عبدی را ذکر کرده است که گفت از
حضرت صادق صلوة الله علیه شنیدم که فرمودند که روزه روز عید غدیر خم برابر است با روزه عمر
دنیا اگر کسی زنده باشد از اول دنیا تا آخر دنیا و همیشه روزه باشد ثواب او برابر این
از جهت روزه عید غدیر ثواب را خواهد داد و همچنین است که ثواب عمر در مساجد [illegible] و دعا
باشد و شصت ماه با عبادت مضاعف یکصد داده موافق روایت عمر انسان تا
بانزده سال تا بلوغ ما فهم کنند و اوست که شخصی اعتقاد و نیت داده اند ... کرد [illegible]

و تفویض بنی و ائمه معصومین [illegible]
متواتره بر آن وارد است [illegible]
[illegible] اند

بسیار نادرست که مکلف نماند که [illegible] درست نداده باشد و ثبوت آن محقق کرده [illegible]

باشد و هرگاه [illegible] را هفتصد و زیاده در [illegible] عمل [illegible] نویسند بعمر دنیا [illegible]

و مکرر مذکور است که کثرت باعتبار اشخاص مختلف می شود چنانکه حق سبحانه و تعالی در

قرآن [illegible] فرموده است [illegible]

است و [illegible] عفو [illegible] شد [illegible]

و بعد [illegible] روز عید [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] روایت کرده اند

که جمیع صحاح [illegible] یهودی [illegible] در قرآن [illegible]

[illegible] اعیاد خود [illegible] عید

می کردیم عمر گفت کدام آیه است یهودی این آیه را خواند الیوم اکملت لکم دینکم الخ

عمر علیه اللعنه گفت [illegible] است [illegible] عید

عید [illegible] تقدیر [illegible]

و چون اتمام [illegible] حضرة سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] فرمودند که انی

تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی چنانکه [illegible] روایت کرده اند که حضرت

سید المرسلین صلی الله علیه و آله در [illegible] خطبه خواندند و این [illegible] فرمودند و در [illegible]

نیز خطبه خواندند و [illegible] حدیث را فرمودند و در غدیر خم [illegible] و این عبارت

را باعبارت من کنت مولاه فعلی مولاه خواندند و در غیر بخاری [illegible] صحاح سته هم

مذکور است [illegible] اول کسی که [illegible] عمر [illegible] بود و اول کسی که انکار [illegible] بود

[illegible] فرمودند که حق سبحانه و تعالی [illegible] اعید

کند [illegible] این روز را [illegible]

کرده است که حضرة سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که [illegible]

وقت علی بن ابی طالب علیه السلام را امیر المؤمنین نام [illegible] انکار خواهند کرد

انقضیت الحضرت را الحضرت مسمی شد با امیر المؤمنین و حال آنکه آدم میان روح و

بدن بود چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است و اذ اخذ ربک الآیه یعنی یاد کن [illegible] ذریت

اولاد فرزندان آدم از [illegible] ایشان عهد و پیمان گرفت [illegible] گواه گرفت که آیا من

پروردگار شما نیستم گفتند بلی پس حق سبحانه و تعالی فرمود که من پروردگار شما ام و محمد

پیغمبر شما است و علی امیر و پادشاه شما است [illegible] این عهد و پیمان [illegible]

چون [illegible] شما [illegible] می باید [illegible]

علی ابن ابی طالب [illegible] امیر و پادشاه [illegible] گواه گرفت و [illegible] امت

[illegible]

صلوة [illegible] علیهم [illegible] مفصلا مذکور خواهد شد

[illegible] حق سبحانه و تعالی در کتاب حضرة آدم با حضرت عیسی

[illegible] فرموده است [illegible] حضرة سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوة الله

علیهم اجمعین [illegible] یوم العهد است یعنی روزی

که [illegible] حضرة سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] که حق سبحانه

و تعالی [illegible] روز الست [illegible] یوم المیثاق [illegible]

و [illegible] که حق سبحانه و تعالی از ایشان عهد و پیمان گرفت

[illegible] المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] اصحاب خود را

جمع فرمودند در غدیر خم [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]

[illegible] گواه [illegible]

کند [illegible] ساعت [illegible] ده مرتبه قل

هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی [illegible] خالدون و ده مرتبه انا انزلناه

[illegible] روایت [illegible]

کمی کرد نکوانرا این افت عظیم پیدا گردد بود حق سبحانه و تعالی با او چنین است هر جا

هر آنچه هر جا حق از حیثیت دنیا و آخرت کرد حسب بیان شد و تعالی طلب شد العبد

برآورده می شود هر حاجتی که باشد و از این جهت گفت در دعای بعد از آن از نور

شود بعد از آن قضا خواهی کرد و هر که در شب عید آید روز هر کسی را افطار طعام داده

باشد که طعام داده باشد ده طایفه عظیم و اگر هر جا به صد هزار بیچاره و صد شهید

و شهیدان باشند که طعام داده باشد در اوقات تحلیلی دیگر کسی که کرد با هر یک از

بسبب طعام دادن روزه کرده باشد در حرم الهی و آب داده باشد در تشنگی هر یک

و در هر جای دیگر چون روز رضوان کنند برای بیت هزار هزار درهم که حساب آن روز هم

دهد از او مادر تسبیحی فرمودند که کمان داری که حق سبحانه و تعالی روزی بیافرید شد که

هر عطشی از این روز عظیم باشد بر و الله ندرد الله نه و دفعه جمعی فرمودند که چون یک بار

یکدیگر را ملاقات کنید این حمد را بگویید بعربی و اگر نتوانید معنی او را بگویید که الحمد لله الذی

اکرمنا بهذا الیوم وجعلنا من الموفین بعهده الینا و میثاقه الذی واثقنا به من ولایة

ولاة امره والقوام بقسطه ولم یجعلنا من الجاحدین والمکذبین بیوم الدین حمد و

سپاس و ثنا مخصوص بخداوندی است که ما را بسبب این روز بزرگ گردانید یا العلم که

این روز را جا و کرد و عمار از جمله و ما کسانی که بعهد در حق ما کنیم که از دست برو و خوار نشود

الست که ما قیامت کنیم امر معصومین صلوة الله علیهم و کرامات ... الست بود این

دارند و نکرد چانه ما را از جمله کسانی که بعد از کسانی روز جزا ... بیان این اعتقاد

نبود بدبختی بود و اشتد هر اینها اطاعت اخبار حضرت ... انکار ائمه معصومین صلوة الله

علیهم بس فرمودند که بعد از آن اسدر عادل الهی بعد و جهت بس که کمالات این عبارات را به

جماعت میشوند که در ظاهر خطبه حضرت امیر المومنین صلوة الله علیه است که جماعتی بعد از

چون جمع ... لطاف اول است و الله علیه و چون خطبه حضرت امیر المومنین صلوة الله علیه

مشتمل بر

مشتمل بود بر فواید بسیار ... شیخ طوسی در کتاب مصباح روایت کرده است از فیاض

طوسی که گفت حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما بودم در روز غدیر

و جمعی از خواص بسیار در خدمت حضرت بودند که ایشان را نگاهداشته بودند که شب را

خود افطار نمایند حضرت بمنازل ایشان فرستاد طعام و پوشش حتی کفش و انگشتری فرستاد

بودند و احوال ایشان را خلعتها داده بودند و خدمتکاران خیر و فرش و ظروف مجلس

بگردانده بود و حضرت شروع نموده در فضیلت روز غدیر و از آن اخبار فرمودند که جد و آباء من

بمن رسیده که روزی از آبای بزرگوار خود از حضرت امام حسین صلوة الله علیه که فرمود که بعضی

از سالها روز جمعه در روز عید غدیر شد با حضرت امیر المومنین صلوة الله علیه جمع شد با و جمعی از

چون جمع ... و مومن شدند حمد و ثنای الهی بجای آوردند که کسی

کسی شنیده بود چنین حمد و ثنایی چند که کرد که زبان کسی بآن ثنا ها گفته نبود و آن

خطبه در خطبها مذکور است و درین کتاب همه آنها و ثنا ها را مخصوص خداوند آن است که آن

اگر بیان بود از حمد حقیقی حمد ایشان را و بسیار کرده اند که بیان و بسیار راهی و آنچه باشد

از راه های اعتراف بخداوندی و طلب آن و واجب الوجود است و معبود که این است که

اولاً معنی آنکه معنای آن بود که حق سبحانه و تعالی این مایه حمد را کشف کرده است که ما را به این راه برد که در

مقام حقیقت او ... که ما را با این جاها بود که در مقام معرفت دید در راه چون هیچ خود

حقیقت ... و عالی الطاف عرفتی رسانید چه داشتند که چگونه او را حمد بی پایه

کرد پس بیایم تو کوی ... حلالی را بحمد ما تو پیمایی کرد ایشان را بمعرفت خداوند که را انند

که او است واجب الوجود بالذات و غنی بالذات و هر حلالی را داده بالذات ... او

هم را از کتم عدم پدید آورده و جمیع ... باید ظاهرا و باطنا و در جمیع این

مراتب یکانه است در ذات و صفات و صفات او عین ذات او است و چون حق خداوند

ذکر حمد و ثنا را سبب آن نهاده در حمد خود کرد باید و دستاویزی ساخت بمحامد خود را

از جهت طلب فضل و احسان از حضرت حق که [illegible] شکر [illegible] احسان [illegible]
و احتیاج بطلب حاجت [illegible] که حامد [illegible] حمد و ثنا حقیقت اعترا[ف]
را چون [illegible] میگوید که جمیع محامد از وست [illegible] جمیع کمالات از وست
کرده [illegible] توفیق حمد نیز از وست و جمیع نعمتها از وست و نعمتهای او [illegible]
[illegible] معروف است که هر نعمتی که بهر کس عطا کرده است او عطا کرده است چون عمر [illegible]
و نعمت چه [illegible] از وست پس نعمتی که کرامت خواهد کرد [illegible] خواهد بود [illegible]
و تلقین [illegible] از دست چون [illegible] تعلیم کرده اند که بگو الحمد لله رب العالمین و جمیع [illegible]
[illegible] در یک کلمه [illegible] حمید اند و [illegible] عطاهای [illegible]
خواهد داد و او خواهد دانست که سبب چیست و [illegible] که [illegible]
واجب بالذات که مستجمع جمیع کمالات است و صفات [illegible] ذات [illegible]
[illegible] صفات [illegible] کمالات [illegible]
[illegible] باطن [illegible] از صدق [illegible] لفظ [illegible]
باعتقاد ثابت جازم مطابق واقع [illegible] لفظ شهادت [illegible]
[illegible] و گواهی میدهم که محمد صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] جمیع خلایق [illegible]
چون [illegible] که او [illegible] شبیهی و نظیری [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
چون او [illegible]
کرده [illegible] علم [illegible] بجمیع احوال و اطوار ایشان [illegible]
[illegible] بادشاه [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] خداوندی خود و مخصوص

کعایتد

کرد ابتدا [illegible] و تعظیمی که [illegible] رسید از جمیع خلایق و آنحضرت
[illegible] ثابتی فی الله [illegible] بود و چون
محض [illegible] خداوند [illegible] سبحانه و تعالی او را بخصوص [illegible] حبیب
[illegible] و چون او مخصوص [illegible] که [illegible] داشته باشد
[illegible] که خلاف رضای [illegible]
خواهد بود [illegible] آنحضرت [illegible] عظمی که [illegible] در
[illegible] مطلقا مذکور [illegible] آنحضرت را
[illegible] کرامت [illegible]
[illegible] آنحضرت مذکور شود از جهت [illegible] تعظیم آنحضرت [illegible]
[illegible] اجابت دعوات ایشان [illegible]
[illegible] و احادیث [illegible]
[illegible] اجابت [illegible]
[illegible] و تعظیم حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible]
سبحانه و تعالی [illegible] آنحضرت [illegible] محمدی صلی الله
علیه [illegible] آنحضرت را
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] خلایق را [illegible]
[illegible] و کلمات
[illegible] حمد خود
[illegible] تعظیم خداوند خود باشند و ایشان را

تحت [illegible] و هر [illegible] باشد بخدا [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] اولو [illegible] کرد باید سبب
این انوار که ارواح مقدسه ائمه معصومین است صلوات الله علیهم زبانهای الکلام [illegible]
چنانکه دار [illegible] در حدیثی که بعد از بعثت محمد [illegible] الاکم [illegible] [illegible]
که [illegible] اسما [illegible] و [illegible] [illegible] انوار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
وجود [illegible] [illegible] [illegible] کرد باید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] خود کرد باید در [illegible] اراده خود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
و [illegible] خود [illegible] [illegible] [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] [illegible] [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] [illegible] ایشان [illegible] و ایشان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ایشان و ایشان [illegible] [illegible] [illegible] ایشان [illegible] [illegible]
الهی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] الهی [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] الهی [illegible] [illegible] وجود حق سبحانه و تعالی [illegible] [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] [illegible] کرد باید که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اشارات است [illegible] حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله طاهر کرد باید امامت محمود و امامت اولاد معصوم [illegible] حضرت
[illegible] [illegible] [illegible] و حق [illegible] [illegible] [illegible] و جهالات [illegible] حق [illegible]
کرد باید و ایشان و اعقل و هوش [illegible] [illegible] [illegible] عقول [illegible] تکلیف کرده است
و حواس ظاهر و باطنی داده است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خود [illegible]
[illegible] [illegible] علوم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
دلایل وجود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که
حق سبحانه و تعالی حکیم است و عبث [illegible] [illegible] [illegible] عالم [illegible] [illegible] [illegible]
طاعت است و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بعثت [illegible]

اسما

اسیاد او صلوات معصوم باشد و آن [illegible] [illegible] ایشان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] حالات شود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ظهور حق [illegible] و اگر حیات ابدی [illegible]
[illegible] و [illegible] باشد [illegible] [illegible] [illegible] طایفه که [illegible] [illegible] [illegible] حق [illegible]
تعالی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] چون حضرت آیات قرآنی [illegible] کردند [illegible]
حق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حق
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] حق [illegible] حضرت [illegible] ایشان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حق سبحانه و
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عظیم [illegible] کرده است [illegible] [illegible]
تحقیق [illegible] [illegible] خود را بر شما تمام فرماید و شما را [illegible] [illegible] [illegible]
شما [illegible] [illegible] کند [illegible] [illegible] [illegible] روشنی [illegible] اند و میخواهد که از فضل خود [illegible]
احوال شما [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] خود را بر شما تمام فرماید [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] شما کرد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
شما [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بر شما
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خود دارد و [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کرد باید از جهت مومنان که [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اهل بیت [illegible] ایشان [illegible] چنانکه [illegible]
و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خالف [illegible]
و مخالفت کنند و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] ایشان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حاصل شود [illegible]
اوامر و نواهی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] باشند [illegible]
ایشان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از جهت ایشان حاصل

نشود بی مزد نبوده است که تو هیچ جزا دعوت عالمیان را قبول نکند مگر اعتقاد بمحبت
خاتم پیغمبران صلی الله علیه وآله و توحید بی نبوت قبول نمیشود و نبوت بی ولایت اهل البیت را
صلوة الله علیهم نداشته باشند چنانکه فرموده است در قرآن مجید که اطیعوا الله و اطیعوا
خود را و اطاعت کنید رسول او را و اولی الامر [illegible] و امامت [illegible] و در جای دیگر
[illegible] ملک خود را بدهند و منتظم نمیشود اسباب طاعت الهی [illegible] بعصمت
و عصمت اهل ولایتش چنانکه فرموده است که [illegible] اعتصام جویید بحبل الله یا [illegible]
دامن متابعت ایشان زنید تا شما را بهشت [illegible] صلی الله علیه وآله [illegible]
[illegible] یوم الدین میگویند [illegible]
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه [illegible]
عظیم با کار [illegible]
حضرت [illegible]
[illegible] خطبه طویل بخواندند [illegible]
سبحانه و تعالی [illegible]
جمیع خلایق و آنحضرت را مبالغه فرمود که تبلیغ این رسالت [illegible] یا ایها الرسول
بلغ ما انزل الیک من ربک [illegible]
[illegible] علی امیر المومنان و پادشاه [illegible]
ما بلغت [illegible]
بود و [illegible] امامت [illegible] توحید و نبوت [illegible] اصل [illegible]
[illegible] امام زمان خود را نداند کافر مرده [illegible]
کفر و نفاق [illegible]
من الناس [illegible]

این امیرها کشتی [illegible] فرمود که مومنان
و منافقان [illegible] و جمعی [illegible] و جمعی که مومن بودند [illegible]
[illegible] امامت را از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله شنیده بودند [illegible]
[illegible] کفر و ضلال و جهل منافقان بیشتر شد [illegible]
[illegible] اسلام ظاهری کرده داشتند بر گشتند و [illegible]
خود را [illegible] برگشتند و جمعی اظهار کردند
[illegible] و جمعی [illegible]
[illegible] کفر و ضلال [illegible]
[illegible] مولای من و مولای هر
[illegible]
[illegible]
تمام کرد [illegible]
[illegible]
[illegible] لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی
ولی الله [illegible] محمد رسول الله [illegible] علی ولی الله [illegible] سبحانه
و تعالی فرمود الیوم اکملت لکم [illegible] یعنی امروز دین شما را کامل کردانیدم و نعمت خود را بر شما
تمام کردم و دین اسلام را برای شما [illegible]
آنحضرت [illegible]
سبحانه و تعالی [illegible] فرعون و هامان و قارون [illegible]
[illegible] ابوبکر و عمر و عثمان و ابو عبیده جراح و سالم [illegible]
[illegible]

وخلافت باید داد حضرة سید المرسلین صلی الله علیه وآله را و بعضی دیگر بجوا این
واقعه آوردند که تنها را اهل اختیار و علامت دیگر آنکه آن کسان اعتقاد ایشان درست نشد
در عقیده که بر آنیم می آید در سه نفر یعنی ابوبکر و عمر و عثمان و کار ایشان ... است
اشعار بهم کرده شد در تفسیر ابن کثیر لقد ابتغوا الفتنة من قبل وقلبوا لک الامور
که حذیفه کسی بود که در مقام قتل آنحضرت علیه السلام بودند در عقبه و حیله و مکر کرده
در اهلاک آنحضرت تا آنکه حق ظاهر شد و کاری که حق سبحانه و تعالی اراده کرده بود
غالب شد در تفسیر ابن کثیر و کوزوانعد اسلام هم گفته است که ... عهد
بیمان بستند که آنحضرت را از راحله اش بیندازند در وقتی که بر عقبه بالا رفتند
کرد تنها بیندازند پس عمار بن یاسر مهار شتر را گرفته بود می کشید و حذیفه در عقب
راحله بود و می راند که حذیفه صدای پای شتران را شنید و صدای اسلحات را بشنید
بر گشت و همه را حذیفه بنمائی دید و گفت ای دشمنان حق سبحانه و تعالی دور شوید
همه گریختند بسبب خوفی که حق سبحانه و تعالی در دلهای ایشان انداخت و این بود که
حضرة سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمود که حذیفه منافقان را می شناسد و غزالی
از کلمات عمر بن خطاب شمرده است که از حذیفه می پرسید در ایام خلافت که آیا من از جمله
منافقانم یا نه و علمای اهل سنت همه را باعتقاد خود هموار کرده اند که ایشان مجتهد بودند
چنین اجتهاد کردند و چون این کار چه قدر شنیع است ... که چون ... مگر ...
بعنوان اشارات و در حدیثهای صحیح قریش بغیر حضرة امیر المومنین صلوات الله علیه ...
فرموده اند که روز ... کرد تنها را از کوه انداختند و تفسیر ...
در تفسیر مجمع البحرین مذکور خواهد شد بر حضرة امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود
که با تمامی آنها از اول جمله که بیرون انداختند فساد دین و ... که حق سبحانه و تعالی
ایشان را هلاک کرده و مسکن و خانه های ایشان محو خواهد کرد ... ایشان را و ...

خواهد فرمود

خواهد فرمود دشمنیهای ایشان را و عنقریب مرده اند و حسرتها خواهند خورد در قیامت که
حرمت ما را نگاه نداشتند و زود باشد که حق تعالی خواهد خشم ایشان را و مجمعی که در دنیا حق سبحانه و تعالی
ایشان را گرد آورده است که دستها کشودند و دندانها دراز کردند و تبدیل کردند دین حق سبحانه و تعالی
و تغییر دادند آن را یعنی همیشه چنین بوده در امم سابقه و از آن جمله حضرة سید المرسلین صلی
الله علیه وآله با آنحضرت فرمودند که تو از من بمنزله هارونی از موسی که بجهت سرکشی قوم او مدد
حیات حضرة موسی دست تو خواهد آمد بعد از من و در بود ما شک که حق سبحانه و تعالی امام آل محمد
را از جهت حضرتی ... خواهد فرستاد در وقتی خود و حق سبحانه و تعالی لطف و
حیاة است و الطاف وجود را از برکات او پر خواهد کرد و عالم است با مکر در هر وقت چه باید
کرد که ... در ... که شما در سوره است حجتها بر شما تمام است یعنی
زیاد از قدر ضروری در شمار سوره است ... تامل کنید و چون ... که حق سبحانه و تعالی
شما را امان خواهد بود ... فرموده است تا شما را رحمت کند و از امامت
و شریعت الهی را منظور دارید ... که حق سبحانه و تعالی شما را امان خواهد بود
متابعت مکنید راههای باطل را که سبب دوری شما شود از راه حق و القرآن ... درین خطبه
... مضمون آیات است و در ... مثل ... حضرت
فرمودند که این روز ... نزد حق سبحانه و تعالی عظیم است و در این روز فرج واقع
شد و مرتبها بلند شد و حجتها بر خلایق تمام شد و واضح شد و این روز ...
داد که حضرة امیر المومنین صلوات الله علیه درین خطبه بعضی از اینها فرموده بود و حصهای
دیگر بعضی از کتب اکثر را در مصباح ذکر کرده است و انچه درین خطبه است ... یوم الا
ایضاح ... یعنی روزیست یعنی حق سبحانه و تعالی حق را واضح کرد و دیگر یوم الافصاح
عن المقام ... است یعنی روزیست که حضرة سید المرسلین صلی الله علیه وآله تصریح فرمود
و آشکار کردند مرتبه خلافت را در جهت حضرة امیر المومنین صلوات الله علیه در روزی است

کرده کامل شد ... آنحضرت ... [illegible] ... روزی است که عهد
بیعت را گسستند و خلافت ... بیعتی که در روز الست ... ایشان گرفته بود ...
شاهد و مشهور است ... روز قیامت ... جمیع ...
الهی کردند و فرشتگان و بنی آدم را ... آنحضرت گواه گرفت بر امامت آنحضرت ...
شدند اعتقادات حقه ... از نفاق و انکار ... مومن ...
و از یکدیگر جدا شدند ... بنهایت وضوح ... روزی است که ...
حقایق ایمان ... روزی است که شیطان ... روزی است که ...
... روز فضلی که شما ...
ملائکه آسمانها ... روزی است که ...
... روزی است که ...
روزی است که منافقان ظاهر شدند و اشکار کردند آنچه را در دل داشتند ...
... روزی است که از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله ...
جمیع که حق سبحانه و تعالی ایشان را ... موجود کرده است این روزی است که
حضرت آدم ... خلیفه و جانشین خود کرد ... حضرت آدم ...
که خلیفه ... بعد از شیث ... خلافت ... صلی الله علیه ...
سید المرسلین صلی الله علیه و آله ... روزی است که حضرت موسی یوشع بن نون را خلیفه
خود کرد ... حضرت [illegible] عیسی ... شمعون را وصی خود
کرد ... روزی است که ... منافقان و مومنان ظاهر شد ...
... فرمودند ...
... حضرت امام رضا صلوات الله علیه ... فرمودند ...
... فرمودند ...

حق سبحانه و تعالی ... خود ... تا بشنوند ...
کنند ... خود ... باشد ... خود ...
رأی علما ... است که ... امامت و افضلیت
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه ... احادیث و آیات ...
... امامت
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه ... افضلیت آنحضرت ...
... امیر المومنین صلوات الله علیه ...
... باختیار
خود ...
خود ...
... احادیث ...
... کتب مسطور
... احادیث ... صحیح ...
... امامت و افضلیت
آنحضرت ... خلافت ...
... عبادت ...
عبادت ...
... فضایل آنحضرت ...
...
... علی بن ابیطالب
صلوات الله علیه ... حق سبحانه و تعالی ...

خدعه میکنند با خدا و رسول خدا و در واقع فریب میدهند مگر خود را ایشان فرموده که
فریب میدهید خدا را و خود را و تو ترسی که محمد خدا و خدا خود منی خدا و را طاعت جمعی
که شما را امر فرموده است ما طاعت ایشان و دست فرمیدید با ما طریق الغوان و شبهات ایشان
و پیروی میکنید بغلبه و تشکیک مگراهی که گمراه شوید از راه حق بسبب متابعت جمعی که خود گمراه
و دیگران را از راه گم میکنند چنانکه حق سبحانه و تعالی میفرماید در مذمت جمعی که در روز قیامت
میگویند که ما اطاعت کردیم بزرگان خود را و ما را گمراه کردند ای خدا و ندا ایشان را معذب
ساز و دو نوع از عذاب یکی از جهت گمراهی ایشان دیگر جهت ما را دانسته ترک نمودند دیگر
آنکه ما بیچارگان را گمراه کردند و اشتراک العذاب یکی لعنت بر زبرت دیگر حق سبحانه و تعالی
فرموده که یاد کنید ما نعمت ایشان را در جهنم که ضعیفان متکبران را گویند که در دنیا ما
متابعت شما کردیم آیا میتوانید که دفع نمائید از ما عذاب الهی را آنگاه ایشان در جواب
گویند که ما و شما هر دو برابر بودیم در گمراهی خود بدانید ما و شما هر که ملول کردیم و کسانی
را که حق سبحانه و تعالی واجب الاطاعت کرده بود از انبیا و اوصیا اطاعت نکردیم ما را
و امت فرق می جستیم و از این باب آیات در قرآن مجید بسیار است اگر کسی متوجه
تدبیر و اجر در مواعظ قرآن مجید گردد در مذمت تابعان و متبوعان و ارد شود بداند بیرون شدن
که حق سبحانه و تعالی میفرماید در سوره صف که بدرستیکه حق سبحانه و تعالی دوست
میدارد آن جمعی را که در راه او صف زده جهاد میکنند و مانند دیوار محکم از جای خود
حرکت نمیکنند که گویا آیا میدانید که مراد از راه خدا درین آیه چیست و کیستند که
سبیل و صراطی که امر کرده است حق سبحانه و تعالی بمتابعت آن منم را محمد اکرم که قیامت
میکند بجهنم می روند منم راهی که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله امام منصوب
که بعد از آن حضرت مرا اطاعت نمائید منم قسمت کننده بهشت و دوزخ منم حجت حق سبحانه
تعالی بر خوبان و بدان منم نور الانوار و راه نمایند هر متقی از آئمه هدی بی

بیدار شوید از خواب غفلت پیش و سعی کنید با عمال صالح پیش از رسیدن اجل
و پیش گوئید ببوی چیزی چند که سبب مغفرت و آمرزش خداوند عالمیان است پیش
از آنکه فاسد شوید و چیزها که حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید یاد کرده است در سوره
حدید که در روز قیامت که تاریک باشد مومنان بنور ایمان در روشنائی ایمان
روانه باشند بسوی بهشت و منافقان از عقب ایشان خروش و فریاد کنند که اندکی
صبر کنید تا ما بنور شما قدم بزنیم مومنان گویند که اگر میتوانید برگردید و در آنجا
نور ایمان و عبادت را بهم رسانید که هر که از اینجا نیاورده است درینجا نور ندارد
و درین گفتگو باشند که دیواری در میان مومنان و منافقان کشیده شود که از
طرف منافقان عذاب باشد و از آن طرف رحمت در بهشت حضرت
که امروز فکر خود کنید پیش از آنکه آن دیوار کشیده شود که مومنان در رحمت باشند
و شما در عذاب و فریاد کنید و کسی بفریاد شما نرسد و گریه و زاری کنید و کسی
گریه و زاری شما را نشنود و فریاد رسی خواهید و کسی شما را یاری نکند و این خطاب
حضرت با منافقانی بود که در خدمت آن حضرت بودند از صحابه و تابعین و سایر
طاعات پیش از فوت شدن اوقات بر عمر نیست که امروز سبب شکستن
و شما را پناهی نخواهد بود که سبب نجات شما باشد و نه کوه که موجب خلاص شما
باشد از عذاب الهی ای مومنان که خدا شما را رحمت کناد چون از این جمع برگردید فکر
کنید بر عیال و اطفال خود بدادن عیدیها و نیکی کنید با برادران مومن خود و شکر کنید
خداوند خود را بر نعمتهای که عطا فرموده است بشما و با هم جمعیت کنید تا حق سبحانه و
تعالی الفت دهد میان شما و با یکدیگر احسان کنید و نیکی تا الفت شما را باقی دارد یا
ربط شما مزد بجناب اقدس او در نعمتهای عظمی نامتناهی او و یکدیگر را امداد کنید
یکو شدید بر اینچه شما را امان کشته فرموده است که آن ولایت اهل البیت است که سبب توانائی

غیر متناهی است با اضعاف مضاعف ابجد در عنوان [illegible] کرامت میفرماید بر شما و
[illegible] با یکدیگر یکی کردن بسبب زیادتی مال و بسبب زیادتی عمر است و نیکوکار
مهربانی کند بسبب مهربانی حضرت ایزد تعالی است و [illegible] و بر زیادتی نعمت الهی
که شما را کرامت فرموده است مهیا سازید یا ببخشید [illegible] برادران مومن [illegible] خود و چون
بیکدیگر رسید بشاشت و خوشحالی کنید [illegible] کنید [illegible] خود [illegible] احسان [illegible]
است بر شما از ولایت ائمه هدی صلوات الله علیهم و احسان کنید [illegible]
الهی [illegible] شما امید دارند همیشه احسان شما [illegible] چنین کنید
که هرچه خود میخورید و میپوشید [illegible] احسان کنید تا فقرا و مساکین [illegible]
باشند هرچند در [illegible] نباشد یکدرهم کردن [illegible] تصدق [illegible]
هزار درهم کردن [illegible] تصدق کنید [illegible] حق سبحانه و تعالی از فضل خود
میفرماید که یکی را ده میدهد که هزار هزار درهم باشد یا دو هزار هزار درهم چنانکه
حق سبحانه و تعالی در [illegible] اطلاق فرموده است [illegible] عظیم [illegible]
بحیثیتی که اگر کسی [illegible] کند [illegible]
بعبادت [illegible] حق سبحانه و تعالی عبادت کرده باشد [illegible]
[illegible] برادر مومنش حاجتی دارد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] روزه داشته باشد و شبی را عبادت کرده باشد
[illegible] افطار [illegible]
[illegible] باشد [illegible] یا امیرالمومنین صلوات الله
علیه [illegible] حضرت فرمودند که [illegible] صد هزار [illegible]
خواهد بود [illegible] طعام [illegible] مردان و زنان مومن و مومنه
[illegible] باشد [illegible] شخص [illegible]

بعضی یا بعد از آن تا سال [illegible] کبیره [illegible] باشد [illegible]
خداوند عالمیان است [illegible] برادران مومن قرضی کند و ایشان را مدد و یاری
کند [illegible] الشهداء [illegible] حق سبحانه و تعالی در
[illegible] خواهد کرد [illegible] سلام کنند و مصافحه کنند و [illegible]
[illegible] حدیث [illegible] حق سبحانه [illegible]
[illegible] اغنیا [illegible]
[illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] فرمود که شما
[illegible] حضرت [illegible] خطبه نماز جمعه یا نماز عید [illegible] نماز جمعه [illegible] مقام
نماز عید [illegible] خطبه نماز عید [illegible] و نماز سنت در
وقت نماز واجب [illegible] آنحضرت [illegible] و شیعیان [illegible]
امام [illegible] صلوات الله علیه فرمودند [illegible] آنحضرت [illegible] افطار
[illegible] آنحضرت [illegible] فرمودند [illegible]
[illegible] و [illegible] صحیح
[illegible] روایت کرده است آنحضرت [illegible] علی بن موسی الرضا
صلوات الله علیهما [illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که
حق سبحانه و تعالی [illegible] باشد
[illegible] امیرالمومنین صلوات الله علیه گفت [illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] جبرئیل
[illegible] آنحضرت [illegible] فرمودند که یا علی [illegible] حق سبحانه
و تعالی [illegible] داده است [illegible] فرشتگان [illegible] داده است [illegible]
انبیا و المرسلین [illegible] از [illegible] فرزندان تو [illegible]
[illegible] فرشتگان [illegible] علی

فرشتگانی که حاملان عرش اند و فرشتگانی که بر دور عرش اند تسبیح و تحمید می‌کنند
پروردگار خود را و استغفار می‌کنند از جهت مومنانی که اعتقاد دارند بولایت ما
ای علی اگر ما نمی‌بودیم حق سبحانه و تعالی آدم را نمی‌آفرید و حوا را و نه بهشت و نه دوزخ را و نه
آسمان و نه زمین را و چگونه ما افضل از ملائکه نباشیم و حال آنکه ما پیشی گرفتیم بر ایشان در شناختن
معرفت پروردگار خود و به تسبیح و تهلیل و تقدیس او زیرا که اول آنچه حق سبحانه و تعالی
آفرید ارواح ما بود و ما را ناطق ساخت به توحید و تحمید خود پس فرشتگان را آفرید
مشاهده کردند فرشتگان ارواح ما را یک نور دیدند امر ما را
عظیم دانستیم پس تسبیح کردیم خداوند خود را تا فرشتگان بدانند که ما مخلوقیم و
منزه است از صفات زیرا که معنی تسبیح آنست که منزه است از صفات ما و از نقایص
و صفات او را و افعال او را که ما هست حاشا که پروردگار ما را شریک باشد
توانند رسید و منزه است از صفات ما لا یلیق به ذات او
فرشتگان ملاحظه کردند که شان ما عظیم است لا اله الا الله گفتیم تا بدانند که خدا و یگانه
مخصوص ذات مقدس اوست و ما بندگانیم و ما خدا نیستیم که باید پرستیده شویم
با خداوند پس فرشتگان گفتند لا اله الا الله چون دیدند بزرگی
ما الله اکبر گفتیم یعنی حق سبحانه و تعالی بزرگتر است که وصف او توان کرد تا فرشتگان
بدانند که خدای تعالی از آن عظیم است که رسد بزرگواری او توان یافت مگر از او چون
ملائکه دیدند عزت و قوت ما را گفتیم لا حول و لا قوة الا بالله یعنی نیست گردانیدن
یا کردن طاعت یا باز ایستادن از معاصی و نیست قوتی بر هیچ چیز مگر بحول و توفیق و عطای
مکر و عون باری حق سبحانه و تعالی پس چون فرشتگان دیدند نعمتهایی که حق سبحانه و
تعالی انعام کرده بود بر ما و واجب گردانیده بود اطاعت ما را بر خلایق گفتیم الحمد لله
تا فرشتگان بدانند که حق سبحانه و تعالی را حمد می‌باید کرد بر نعمتهای او پس فرشتگان

گفتند الحمد لله پس ملائکه بسبب ما هدایت یافتند بمعرفت و توحید
و تسبیح و تهلیل و تحمید و تمجید حق سبحانه و تعالی پس چون حق سبحانه و تعالی آدم را آفرید
و ما را در پشت او جا داد و امر فرمود فرشتگان را که سجده کنند حضرت آدم را از جهت تعظیم
و اکرام ما و سجده ملائکه بندگی خدا بود و اکرام و اطاعت آدم بود از جهت که ما در صلب او
بودیم پس چون ما افضل از ملائکه نباشیم و حال آنکه همه سجده حضرت آدم کردند و چون حق سبحانه و
تعالی مرا به آسمان برد و جبرئیل اذان گفت دو دو و پس گفت یا محمد پیش ایست پس گفتم یا
جبرئیل تقدم کنم و تو گفت بلی زیرا که حق سبحانه و تعالی زیاده تفضیل داده است پیغمبران را بر
جمیع فرشتگان و تخصیص تو تفضیل داده است پس پیش ایستادم و امامت همه
کردم و به آن فخر نمی‌کنم پس چون بحجابهای نور رسیدم جبرئیل گفت یا محمد پیش رو
و ایستاد و گفت تعالی مکانی در حق جایی که تعالی امکان ایستادن من نیست جبرئیل گفت
که یا محمد منتهای جایی که خدا مقرر کرده است اینجاست اگر از اینجا بالاتر روم پرهایم می‌سوزد که از حد خود تجاوز
نموده‌ام پس چون در نور افتادم رسیدم بجایی که اراده الهی بود ندا رسید یا محمد
پس گفتم لبیک ای پروردگار من تو منزه‌ای و من پروردگار توام پس مرا عبادت کن و بر
توکل کن که تو نور منی در بندگان من و رسول منی بخلق من و حجت تو
و آنان که اطاعت ترا کنند بهشت خود را از جهت کسانی که متابعت تو کنند و دوزخ
را از جهت مخالفان تو آفریده‌ام و واجب ساخته‌ام کرامت خود را از جهت شیعیان ایشان
واجب کردم ثواب ایشان را پس گفتم ای پروردگار من اوصیای من کیستند پس ندا
رسید که یا محمد اوصیای تو آنهایند که نامهای ایشان بر ساق عرش نوشته است
پس من بودم نزد پروردگار خود و نظر کردم به ساق عرش
دوازده نور دیدم در هر نوری سطری سبز نوشته بود اسم وصیی از اوصیای من
که اول ایشان علی بود و آخر ایشان مهدی امت من بود پس گفتم ای پروردگار من

جماعت ادعیای من از پس تو رسید که با علی ابن ابی طالب دوستان و محبوبان دو گروه کنان
و محبتهای من اند بعد از تو و خلق من و ایشان از عاجی بهواند و خلقانی تو اند و بعون ی
خلق من اند بعد از تو قسم یاد میکنم بعزت و جلال خود که درهم را با ایشان خارج نی کنم گرد
دیگر اسلام را با ایشان هم خواهم کرد و عهدی زمین را از لوث دشمنان پاک خواهم
کرد و ایشان را سلطنت خواهم داد و مشارق و مغارب زمین را بتصرف ایشان
در خواهم آورد و ابرها را فرمان او خواهم کرد و اسباب پادشاهی او را همه خواهم کرد
و او را نصرت خواهم داد بفرشتگان و مدد خواهم کرد او را بمن و یاری کنم
اسلام و ایمان آشکار شود و خلایق جمع گردند بر یکتائی من این بود که
سازم و دوستان خود را بنوبت دولت دهم تا روز قیامت والله منقول است بسند
معتبر از حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوة الله علیهما که چون روز قیامت شود
روز ... را ... چنانکه عروسان را ... بسید ... روزها
کدام اند فرمودند که روز عید قربان و عید فطر و روز جمعه و روز غدیر است و روز
روز غدیر در میان این روزها مانند ماه شب چهارده است در میان کواکب و این روزی
است که حق سبحانه و تعالی نجات داد حضرت ابراهیم علیه السلام را از آتش و این روزی است که
و این روزی است که حق سبحانه و تعالی دین را کامل کرد بسبب آنکه حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه را خلیفه خود کرد و فضیلت آن حضرت
را و وصی بودن آن حضرت را ظاهر ساخت و ... آن حضرت ... این نعمت را
روزه گرفتند و این روز کمال دین است و این روز ... روز ... است ... شیطان ...
و این روزی است که اعمال شیعیان و دوستان آل محمد مقبول می شود و این روزی است
که حق سبحانه و تعالی کارهای دشمنان اهل البیت را هباء منثورا کرد و این روزی است
که جبرئیل علیه السلام را امر میکند که کرسی کرامت الهی را در برابر بیت المعمور نصب کنند

وجبرئیل

وجبرئیل بر بالای آن کرسی ... و فرشتگان همه آسمانها در اینجا جمع می شوند و ثنا
و ثلاوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بیان میکنند و همه فرشتگان از جهت شیعیان
حضرات ائمه معصومین صلوة الله علیهم استغفار میکنند و همچنین از جهت دوستان
ایشان ... از حضرت آدم تا ... طلب آمرزش میکنند و این روزی است که حق سبحانه و تعالی
امر میکند نویسندگان اعمال را که قلم بردارند تا سه روز از دوستان و شیعیان ایشان
و ... گناه ... از جهت کرامت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین
۴۷ و صلوة الله علیهم و این روزی است که حق سبحانه و تعالی این روز را عید آل محمد و دوستان
... و این روزی است که حق سبحانه و تعالی زیاده میکند مال کسی را که در این
روز ... دست گشاده باشد ... و ... و برادران مؤمن کرده باشد و او را
از آتش جهنم آزاد میکند و این روزی است که حق سبحانه و تعالی سعی شیعیان حضرات
ائمه معصومین صلوة الله علیهم را مشکور و مقبول میکند و گناهان ایشان را مغفور
میگرداند و اعمال ایشان را مقبول میگرداند و این روزیست که شیعیان و المهاد ... ایشان
... و این روزی است که گناهان و اندیشه‌های ایشان را آمرزند و این روز بخشش
و عطاست و این روزی است که ... و ... میکند که ... اند امامت آن حضرت را
و این روز بشارت است و این عید بزرگترین عیدهاست و این روز مستجاب دعوات است
و این روز موقف عظیم است در عید و جشن و این روزی است که بنی عباس جامهای سیاه
را بسبب آن حضرت کردند و جامهای سبز پوشیدند و این روز شرط مشروط است که
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله بر علماء شرط فرمودند که هرکه اعتقاد به امامت
امیر المؤمنین و یازده فرزند آن حضرت صلوات الله علیهم کند آتش دوزخ بر او حرام باشد و این روزی
است که عیدها ... شود و این روزیست که گناهان شیعیان معفو می شود و این روز
شیعیان است و این روزیست که صلوات بر محمد و آل محمد بسیار باید فرستادن و این

روز جشن و شادی خدا و رسول و ایمه معصومین صلوات الله علیهم و شیعیان ایشان است و
این روز عید اهلبیت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و این روز [illegible] اعمال
و این روز روزیست که می باید که از حق سبحانه و تعالی طلب کنند زیادتی علم [illegible] و این روز
استراحت مومنان است و این روز [illegible] دشمنان ایشان است و این روز روز [illegible]
مومنان است و این روز وقت گناهان کبیره و صغیره است و این روز روز [illegible] رحمت
خداوند رحمان است و این روز روز [illegible] گناهان مومنان است و این روز [illegible]
محل افطار فرمودن مومنان است پس هر که افطار فرماید مومنی روزه دار [illegible] است که
طعام داده باشد [illegible] قیام [illegible]
فرمودند که [illegible] کردیم [illegible] راوی گفت حضرت فرمودند که صد هزار
[illegible] و این روز [illegible] که می باید که چون مومنان [illegible] بهار کباد
یکدیگر بگویند و بگویند که الحمد لله [illegible] که [illegible]
[illegible] که دست در دامان ولایت حضرت امیر المومنین و ایمه معصومین صلوات الله
علیهم [illegible] و اگر [illegible] بگویند [illegible] الحمد لله الذی
جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المومنین والائمة صلوات الله علیهم این روزی است
که می باید که چون مومنان [illegible] تبسم و خوشحالی کنند [illegible] روز [illegible]
کند در روز [illegible] حق سبحانه و تعالی در روز قیامت نظر شفقت و رحمت [illegible]
کند و [illegible] حاجت او [illegible] از جهت او در بهشت قصری از مروارید سفید
در روز قیامت [illegible] غم [illegible] باشد [illegible] و خندان و خوشحال
باشد و این روز [illegible] که [illegible] کند از جهت [illegible] حق سبحانه و
تعالی گناهان او را [illegible] خواه کبیره و صغیره و حق سبحانه و تعالی فرشتگان [illegible]
او فرستد که از جهت او حسنات می نویسند و درجات او را بلند کنند تا سال آینده

۲۰۳

در چنین روز [illegible] و اگر بمیرد شهید مرده باشد و اگر زنده ماند با سعادت و خوشحالی باشد و
هر که مومنی را طعام داده باشد [illegible] هر که در این روز مومنی را زیارت کند [illegible]
[illegible] هفتاد نور [illegible] هفتاد
[illegible] و حق سبحانه و تعالی
[illegible] ولایت اهلبیت را بر اهل [illegible] آسمان [illegible] اهل آسمان هفتم سبقت
نمودند [illegible] اهل آسمان چهارم قبول کردند [illegible]
[illegible] اهل آسمان دنیا [illegible]
که [illegible] ولایت را عرض فرمود [illegible]
[illegible]
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و ایمه طاهرین صلوات الله علیهم [illegible]
[illegible] امیر المومنین صلوات الله علیه [illegible]
[illegible] عقیق [illegible] یاقوت [illegible]
[illegible] جواهر [illegible] جواهر را افضل [illegible]
معدن [illegible]
[illegible]
[illegible] ولایت [illegible]
هر [illegible] قبول کرد [illegible] مومنان [illegible]
مثل فرشتگان [illegible] سجده حضرت آدم [illegible] شیطان [illegible]
[illegible] ولایت اهلبیت [illegible] مثل شیطان ملعون و مطرود [illegible]
[illegible] اسلام و ایمان است و [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] الیوم اکملت لکم دینکم
[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]

[illegible] جمیع [illegible]

[illegible] ولایت [illegible] قبول کرد [illegible] قبول نکرد [illegible]

نجات ما پیروی سنی شیطان است و کافی صحیح منقول است از عبدالله بن فضل از حضرت
امام جعفر صادق از آبای بزرگوارش صلوة الله علیهم از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله
فرمود که روز غدیر بهترین عیدهای امت من است و آن روزیست که حق سبحانه و تعالی
امر فرمود مرا که برادرم علی بن ابیطالب علیه الصلوة را امام و خلیفه و جانشین خود گردانم که
بعد از من امت مرا هدایت کند به راه خدا و آن روزیست که حق سبحانه و تعالی دین مرا کامل گردانید
و نعمت خود را بر امت من تمام فرمود و دین اسلام را از ایشان راضی شد [illegible]
حضرت فرمودند که ای گروه خلایق بدرستیکه علی از منست و من از علی ام و من و علی را
حق سبحانه و تعالی از یک طینت آفرید و از یک نور و هر اختلافی که در میان امت من
شود او بیان خواهد کرد و او پادشاه مومنان است و پیشوای شیعیان است که در روز
قیامت روی و دستها و پاهای ایشان سفید خواهد بود و او امیر مومنان است و یعسوب
اوصیای پیغمبران است و شوهر بهترین زنان عالمیان است و پدر امامان هدایت یافتگان و
هدایت کنندگان است و اخباری که از طرق عامه از صحاح ایشان منقول است فوق تواتر
و از طرق خاصه بمرتبه ایست که اطفال هم میدانند و از ضروریات مذهب شیعه است و
اخباری که در فضایل این روز است فوق حد و حصر است بهمین اکتفا شد و ان شاء الله
در باب زیارات پاره از اخبار مذکور خواهد شد و منقول است در قوی از ائمه هدی
صلوة الله علیهم که سنت است روزه روز مباهله که بیست و چهارم ذی الحجه است بنابر مذهب
مشهور و این دعا از کتاب محمد بن علی بن ابی قره ذکر کرده است در خبر مباهله که آن روز
بیست و چهارم ذی الحجه است و بعضی گفته‌اند که روز بیست و پنجم است و بیست و یکم و بیست
و هفتم ذی الحجه نیز گفته‌اند و اصح روایات بیست و چهارم است و مشهور است که روزه
بدارد شکرانه این نعمت که مباهله با نصاری کرد و آیه تطهیر نازل شد یا
آیه مباهله در شان اهل البیت صلوة الله علیهم و سنت است که غسل کند و جامه‌های

خود را در روز غدیر با امامت منصوب کردانید و خلیفه و جانشین خود ساخت و عهد
و پیمان خدا را بجا آوردند و کافی صحیح از مفضل بن عمر منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوة
الله علیه فرمود که در روز قیامت چهار روز را به نهایت حسن و زینت در صحرای محشر
حاضر سازند چنانچه عروس را به حجله برند و آن روز فطر و اضحی و جمعه و غدیر است و
روز غدیر در میان این روزها مانند ماه شب چهارده باشد در میان کواکب و بدرستیکه
حق سبحانه و تعالی موکل میسازد بروز غدیر جمعی از ملائکه مقرب را و سید ایشان در آن روز
جبرئیل علیه السلام خواهد بود و همچنین از رسولان و پیغمبران را و سید ایشان حضرت امیر المومنین
صلوة الله علیه خواهد بود و از محبان او ایشان را و سید ایشان سلمان و ابوذر و مقداد و عمار
خواهند بود و او را به بهشت برند چنانکه شبان گوسفندان خود را به علف برند
و ظاهراً از قلم نساخ در اینجا افتاده باشد اگر روز غدیر کسی را اگر رحمت ایشان
بهشت برد و چون نسخه اقبال چنین بود نقل شد اما نکر مفضل گفت ای بزرگوار
من امر ما میکنی که روزه بگیرم روز غدیر را حضرت سه مرتبه فرمود که ای والله بتحقیق
که این روزیست که حق سبحانه و تعالی توبه حضرت آدم علیه السلام را در این روز قبول فرمود و آن
حضرت این روز را بشکرانه قبول توبه روزه گرفتند و این روزیست که حق سبحانه و تعالی
ابراهیم خلیل علیه السلام را از آتش نجات داد و آن حضرت بشکرانه این روز را روزه گرفتند و این
روزیست که حضرت موسی علیه السلام حضرت هارون علیه السلام را خلیفه و جانشین خود کرد و ایشان آن حضرت
بشکرانه این روز را روزه گرفتند و این روزیست که حضرت عیسی علیه السلام شمعون الصفا را
وصی خود کرد و ایشان بشکرانه روزه گرفت و این روزیست که حضرت سید المرسلین صلی
الله علیه و آله حضرت امیر المومنین صلوة الله علیه را خلیفه و جانشین خود فرمود و آن حضرت
بشکرانه این روز را روزه داشتند و این روز روز نماز است و طعام دادن خصوصاً مثل طعام
دادن فیام است و این روز احسان با خوانست و این روز خوشنودی رحمان است و

فکر

پاکیزه بیرون آمد و بوی خوش [illegible] الخ و شیخ طوسی گفته است که روز بیست و چهارم ذی الحجه
روز مباهله است و گفته است که روز بیست و چهارم است و این قول اصح است و روایتی
ذکر کرده است مستند از محمد بن [illegible] عن حضرة ابی ابرهیم موسی بن جعفر صلوات
الله علیهما که فرموده اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ذی الحجه است و در آن روز [illegible]
خواهی [illegible] نماز بگذار [illegible] در رکعت که بگذاری [illegible] استغفار [illegible]
[illegible] و نظر [illegible] و تشکر [illegible] کرده باشی و این [illegible]
که الحمد لله رب العالمین الخ و شیخ [illegible] ذکر کرده اند که روز بیست و چهارم ذی الحجه
حضرة امیر المومنین صلوات الله علیه [illegible] انگشتری [illegible]
ایتاء زکوة [illegible] در شان آنحضرت [illegible] نازل شد و در بیست و پنجم [illegible]
بود که طعام [illegible] و اسیر و مسکین دادند و در روز [illegible] اهل آتی نازل شد و این
[illegible] جمله روایات از عامه و خاصه نقل کرده است که در روز [illegible]
ایشان نازل شد و [illegible] شکرانه این روز [illegible] ادا [illegible]
در تفسیر [illegible] ذکر کرده است و [illegible] کرده است که در روز [illegible]
نازل شد و در [illegible] ذکر کرده است [illegible] و فتنه [illegible] کرده است و سید
[illegible] رضی الله عنه ذکر کرده است که [illegible]
امور نصاری نجران [illegible] حضرة سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] شد حضرة سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] پادشاهان
مثل خسرو پادشاه عجم و هرقل قیصر روم [illegible] نجاشی [illegible]
موضعی بود در [illegible] و در بحرین و در یمن اما [illegible] نجران [illegible]
آنحضرت [illegible] و ایشان را باسلام یا حرب یا جزیه خواندند و [illegible]
[illegible] ایشان ساخته بود و صورت عیسی و مریم را [illegible] ایشان

ساخته بود

ساخته بود چون به رسولان آنحضرت [illegible] ایشان [illegible] اجتماع نمودند و جمعی از
[illegible] ایشان [illegible] حارثه بن [illegible] ایشان گفت که [illegible] اسلام شویم و شرف
اسلام را [illegible] داشتیم [illegible] و نعمت [illegible]
کرد جمیع کتب [illegible] مذکور است [illegible] که [illegible] ایشان بودند
و [illegible] و [illegible] ایشان [illegible] و همچنین پادشاهان دیگر [illegible]
آنحضرت [illegible] داشتند و [illegible] کتب
انبیا [illegible] حضرة آدم [illegible] که بسم الله الرحمن الرحیم
[illegible] خداوند [illegible]
[illegible] آدم
[illegible] اراده [illegible] موجود [illegible]
امور [illegible] خود [illegible] خداوند [illegible] قهار
و [illegible] مهربانی [illegible] مهربان [illegible] و رحمت من بر
غضب [illegible]
[illegible] تمام کرده ام [illegible] پیغمبران خود را [illegible]
[illegible] خود [illegible] آدم
[illegible] پیغمبران [illegible] که [illegible]
[illegible] جای [illegible] و تمام پیغمبران [illegible]
[illegible] حضرة آدم [illegible] کیست [illegible] پیغمبران [illegible] احمد
[illegible] خطاب [illegible] ذریت تو خواهند بود
آخر پیغمبران احمد خواهد بود آدم گفت [illegible] معبوث خواهی
ساخت و ارسال خواهی فرمود خطاب [illegible] پیغمبران [illegible]

بشناسند و هر را سلام کنند و هر نیابت شرعی و امتی و سعید و سعی شریعت خواهم
فرستاد و اینکه و شریعت احمد مکمل همه جا حجت بود و تو را بگو خودم که هر کرد شریعت پیغمبر خود
عمل نماید با ایمان عن و رسولان من از اهل اهل بهشت کنم و جهنم این امور مذکور شد که تجلی
این است که حق سبحانه و تعالی عرض نمود بر حضرت آدم ... معرفت جمیع پیغمبران ... و ذریات ایشان را
و ارواح ایشان را بحضرت آدم نمود و یکیک را بامی نمود تا آنکه حضرت آدم نظر بنوری کرد که
لامع شد و میان آسمان و زمین را نور کرد و مشارق را احاطه کرد و مغارب رسید
و بلند شد ... ها را چون نیکو نظر کرد دید که نور حضرت محمد است
علی التقی ... نظر کرد دید که چهار نور از چهار جانب
او را احاطه کرده اند و این انوار سوی او اشتباه بودند و از عقب این انوار انوار دیگر دید
که در روشنایی و عظمت شبیه باین انوار بودند و در عقب این انوار انوار دیگر دید
که نور ترا انها بعد دستارهای آسمان و اینها متفاوت بودند بعضی از اینها از بعضی
روشن تر بود دیگر سیاهی دید مانند شب تار از اطراف مانند سیلی آمد تا آنکه عالم را سیاه
کرد با نهایت قباحت و بدبویی حضرت آدم از مشاهده اینها حیران شد و گفت ای
خداوندی که هر عیبی نزد تو ظاهر و هویداست این امر زنده گناهان و ای صاحب
قدرت قاهره و ای صاحب مشیت غالبه کیستاین خلق سعادتمند که او را مکرم ساختی
در همه عالمیان از راه رفعت و بلندی کرامت فرمودی و کیستند این انواری که آن نور
اکبر را احاطه کرده اند پس حق سبحانه و تعالی وحی کرد یاد کرد آنها عزت و جلال نور
و سیله سعادت شدند خلق من اند کرده و هرامری که از تو بیش آید از خلائق
از آن ایشان او وسیله می سازند و میگویند الهی بحق ایشان که مرا نجات ده و فلان
حاجت مرا برآور و فلان رتبه مرا برسان وایشانند که بر و جهه ما ایمان شفقت و
بیشی گفته اند و مرا نیز فرار بوحدانیت من ایشانند که شفاعت کنند کان خلایق اند

و شفاعت ایشان مقبول است ایشانند که عالمیان ایشان را شفیع خود مسکر داشته در دنیا
و عقبی و این احمد بهترین ذکر و اشرف و سید ایشان است و بهترین مخلوقات من
است و او را دانسته از همه خلایق برگزیده ام یعنی مستحق بر گزیدن بود و نام او را از
نام خودم بیرون آورده ام منم محمود و او است محمد و این نور مثل اوست و برادر اوست
و وصی و خلیفه اوست و موید ساختم محمد را بعلی و برکات و عصمت را در فرزندان
او مقرر ساختم و این نور دیگر نور فاطمه زهراست که بهترین کنیزان من است ... و بقیه
علم من است ایشان که بعد از من ... و این دو نور دیگر فرزندان ... محمد اند از علی و فاطمه
و خلف و جانشین پدر و جد خود خواهند بود ... و بعض ... را ایشان
ظاهر است خلفا از فرزندان ایشانند ائمه معصومین بدرستیکه همه را برگزیده ام و همه
مطهر و معصوم گردانیده ام از جمیع نا شایستها و بر همه برکت کرده ام و تفضل نموده ام
و همه را دانسته و پیشوایان خلایق کرده ام و روشنی عالم گردانیده ام و عالم را بنور
کمالات و علوم و ولایت ایشان منور ساخته ام و چون آدم نظر کرد در احوال ایشان شبیه
بمثالی دید که میان خورشید مانند ستاره صبح پس حق سبحانه و تعالی فرمود که ای آدم
این خلیفه سعادتمند بلاد و عباد و امنها از دیدهای بندگان خودم و گناهان از نشستهای
ایشان بر میدارم و زمین را پر از عدل و داد خواهم کرد بعد از آنکه پر از ظلم و قساوت
و تزلزل و جور شده باشد حضرت آدم گفت خداوندا بزرگوار کیست که تو او را بزرگ
کرده و عالی مقدار کیست که تو او را بلند مرتبه گردانیده باشی و هر کرا تو بلند در رفیع العلا
کنی سزاوار است او را اگر چنین باشد پس ای خداوند منعمی که نعمتهای تو انقطاع نیست
و ای احسان کننده که احسانهای تو از حالی نه بحد چنین این سرکان عالی مقدار است از
شرف عطایت و مشرف شده اند باین مراتب عالیه و این رتبهای عظیمه رفیعه و
همچنین هر کرا بلند مرتبه گردانیده از پیغمبران و رسلت بجهه و جر باین تشریفات مخلع

و بعوالت خود تقسیم کردیم که معذب کردانم هر کرا با تش خود کسی بکا (؟) اعتقاد داشته باشد و محبت ایشان داشته باشد و ایشان را پیشوایان خود داند
پس او حارثه ایشان را بر صحیفه های حضرت شیث و صحیفه حضرة ادریس و
صحیفه حضرة ابراهیم در سفر دوم توریت و عقایح چهارم انجیل اورده و در بسیاری
از دیگر کتب ظاهر تر و مدایح بیشتر بود و اسامی ایمه معصومین صلوة الله علیهم را مفصل
خوانده‌اند و بسولان الحضرت که با بحار رفته بودند ایمان ایشان قوی تر شد و تفصیل
این حکایت که قریب چهار جزو است در اقبال ابن طاوس که عربی هست و فارسی نیز اورده‌ام
موجود است و اشاره‌اند که حضرة سید المرسلین صلی الله علیه و اله و ایمه اثنی عشر صلوة الله علیهم
هر چند در توراتی که الحال یهودان دارند هست در انجیل و بالفعل ایشان در انجیل
یوحنا در سوره سی و چهارم یا سی و پنجم اسم حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و اله
با صفاتش هست و همچنین در سایر کتب انبیا که ترجمه هست موجود است و تفصیلش در
عیون اخبار الرضا و غیر آن موجود است و خود مقابله کرده‌ام موافق است با کتب
یهود و نصاری که الحال دارند سوای انچه حضرات ایمه معصومین صلوة الله علیهم بیان
فرموده‌اند از انجیلی که تغیر نیافته است و نزد ایشان بوده است و در روضه کافی
موجود است حاصل انکه بعد از انکه معجب چار شد دای ایشان چنان قرار گرفت که بخدمت
الحضرت برسند و چهارده کس از بزرکان ایشان از علما و فضلا و عقلا و کسی از اشراف
و سادات ایشان متوجه حرم حضرة سید المرسلین صلی الله علیه و اله شدند و حضرت
احتیاط خالد بن ولید را با سعد سوار نزد ایشان فرستاد که صادرات ایشان مکری
ها در یهود و نصاری با زینت عظیم امدند و اهل مدینه بتفرج و تماشای ایشان بیرون
رفتند و باو زینت سیره بودند که ی را با بخدمت حضرت رسیدند و وقت نماز
ایشان شد خواستند که نماز کنند جمعی از صحابه برخاستند که منع کنند ایشان را

کشتند این بین خداوند عالمیان جل جلاله فرمود که منم خداوند بر حالی که نیز خداوندی
نیست و بخشنده و مهربانم بدو بکوار و نیکی کردم و علام الغیوبم و هر پنهانی نزد من
اشکار است و هر چه خواهد شد و ابد الاباد در ازل الازل میدانم که چه خواهد شد و
هر چه نخواهد شد میدانم که اگر شود چه مفسده دارد و چون نظر کردم بصحراهای
مکان خود ندیدم کسی را که اطاعت بیشتر کنند و خیر خواهی من را بیشتر داشته
باشد از انبیا و رسولانم از جهت ایشان را برگزیدم و مبعوث ساختم بروح مقدس
خودم بروح القدس و بکمالات خودم ایشان را مکمل ساختم و بتحمل رسالت خود
بایشان عطا فرمودم و ایشان را برگزیدم در علیین و ذات ایشان کرامت فرمودم برسالات
و وحی خودم و بعد از ایشان جمعی را اوصیا مقرر فرمودم و به ستیها و کمالات و علوی
که بجمیع رسولان خود عطا فرموده بودم باوصیای ایشان که از اقربای ایشان حقیقی
ایشان بودند لطف فرمودم و امامت بحجتهای که ایشان را پیش از ایشان کرد ایشان بودم
بایشان با تمام تمام کرده ادم و بر نیمه ایشان در میان خلایق بلند کردانیدم تا ذرات کم
شکستگیهایی که خلق را از فقدان انبیا بهم رسیده بود و اعوجاج ایشان را با وصیا
مستقیم کردانیدم چون من عالم و لطیفم و لطف خود را هر کز از خلق خود باز نمیدارم
و بعد از انکه چون نظر کردم بدلهای این برکزیدکان نیافتم کسی را که اطاعت من
و خیر خواهی خلقم در او بیشتر باشد از محمد که برکزیده منست و محبوب و خالص من است
دانسته او را بر جمیع بندگان خودم و نام او را با نام خود قرین کردانیدم و اطاعت او را
اطاعت خود و عصیان او را عصیان خود کردانیدم بعد از ان نظر کردم بدلهای خواص او
که الحضرت فاطمه زهرا و ایمه معصومین اند صلوة الله علیهم که از طینت او مخلوق بودند
و متصف بصفات کمالیه او بودند ایشان را امامان ساختم با و وراثت بدایت و اوتان کتاب
خود کردانیدم و محل وصیتهای خود ساختم و منبع علوم و حکم و او را خود ساختم ایشان را

حضرة فرمودند که نماز ایشان که نماز خود را بکنند پس بجانب مشرق کرده نماز کردند و حضرت سه روز ایشان را مهلت داد که اندیشه تا ببینید و بسر حضرت ایشان با آن حضرت مناظره عادلند و بیانند که موافق است با آنچه در کتب انبیاست و بعد از سه روز حضرة ایشان را دعوت فرمودند باسلام ایشان گفتند یا محمد چه چیز میگوئی در حق عیسی ع گفت حضرت که بنده خداست که خدا او را در تورات خلق حوصله بوده موافق بود که بیات حضرة فرمودند که کدام است گفتند در انجیل مذکور است که پیغمبری بعد از عیسی می آید ایمان باو دارد و تصدیق او میکند و قد او را ستایش میکنند و میگوئی او بنده است حضرة فرمودند که من تصدیق او میکنم و ایمان باو دارم که پیغمبر است و حق سبحانه تعالی او را برسالت بقوم او فرستاده است و میگوئیم که او بنده خدا است و مالک نیست حیات خود نفعی و ضرری را و اعمه را و کور مادرزاد را شفا میداد و مرده را زنده میکرد و کور مادرزاد را روشن میکرد و ابرص را صحیح میکرد و از هر چه مردم میخورند خبر میداد و آنچه در خانه ها ذخیره میکردند از اینها خبر میداد و این کارها را بغیر از خدا کسی چه میتواند کرد و از خدا غافل گفتند حضرة فرمودند که حق تعالی همه پیغمبران معجزه ها داده است و معجزات این بوده اند و حضرت عیسی ع هم اینها را میکرد باذن الله و لعنتی داشت و چون خدا باشد کسی که مرکب باشد از گوشت و خون و استخوان و اعضا و جوارح یا آنکه چیزی محتاج باشد و به بیت الخلا برود و خدا او را خدا ندانند ایشان گفتند حق که چیزی مانند او نیست گفت پس چرا پدر نداشت حضرة فرمودند که آدم پدر و مادر نداشت چیزی دشوار نیست نزد قدرت الهی و هر چه را اراده کند که بگوید باش میباشد پس جبرئیل ع آمد و این آیه را آورد که داستان عیسی مثل داستان حضرة آدم بود که او را از خاک آفرید و او را گفت که موجود شو موجود شد گفتند اینها را ...

تا از جهیلا با تو مباهله کنیم پس جبرئیل آمد و آیه مباهله را آورد چنانچه پیشتر مذکور شد و تفصیلش ان شاء الله در مجمع البحرین خواهی یافت پس حضرة فرمودند که حق سبحانه تعالی مرا امر فرموده که با شما مباهله کنم اگر پسر گفته خود باشید و نگویید ایشان گفتند که فردا و عده است که مباهله کنیم و نصاری روانه جای خود شدند و با یکدیگر گفتند که ببینید محمد با تمام فرزندان خود و اهل بیت خود که با ما مباهله میکنیم و اگر با خویشان خود بیاید با او مباهله نمیکنیم زیرا که این طریقه انبیاست چنانکه حضرة موسی ع هم مباهله نمود با قارون و با موسی ع هارون بود و پسرهای هارون قارون بزمین فرو رفت و هر که با او ستمگر است اگر با او مباهله کنم خود هلاک خواهیم شد و سبب هلاکت کل نصاری خواهیم شد و متواتر است و در جمیع تفاسیر و کتب احادیث مسطور است که روز دیگر حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله حضرة امیر المومنین و حضرة فاطمه و حسنین صلوة الله علیهم متوجه صحرا شدند بزرگ نصاری که حارثه بن علقمه و ابو حارثه گفتند و سید و عاقب که اگر رسالت محمد ظاهر شده والله روی چند بینیم که اگر ایشان دعا کنند که کوهها را از جای خود قلع میکنند زنهار که مباهله مکنید که همه هلاک خواهید شد و بروی زمین نصرانی نخواهد ماند تا روز قیامت پس ایشان از روی تضرع گفتند یا ابا القاسم اقاله کن ما را که ما با تو جرات نخواهیم کرد حضرة فرمودند که با شما جزیه میکنیم عرض نمودند که قوت جزیه ما ظاهر شد با پیغمبر صلح میکنیم و لیکن جزیه میدهیم که ما را عیال خود گرفتاری و با ما صلح بکنی و ما از تو سالی هر سال چهار هزار حله ده هم دو هزار شش ماه در صفر بدهیم و دو هزار شش در رجب و سی هزار عادی برع و دیگر پس صلح واقع شد پس حضرة فرمودند که بحق خداوندی که جان من در قبضه قدرت او است که هلاکت نزدیک شده بود با اهل نجران و اگر ایشان مباهله میکردند

اصحاب

از بندهید

ملازم

هر آینه مسخ می‌شوند بمیمون و خوک و عادت بحران آنستی می‌شناسد و ختم دیگر
و بنیاد بحرانیان متامل می‌شد حتی فرمان بردن بر حیثار می‌جستند و سالی
بر نمی‌آمد بر بحرانیان که در حیلات می‌شدند و امثال ایشان [illegible] کشف گشت بلا
و بادی که از آن ایشان نقل کرده است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله بعد
از خانه وقتی بیرون آمد بر دوش مبارک داشت رنگین و آن عبای سیاه بود پس حسن صلوة
الله علیه آمد او را داخل کرد پس حسین صلوة الله علیه آمد و او را داخل کرد پس فاطمه صلوة
الله علیها آمد پس علی صلوة الله علیه و آله ایشان را داخل کرد پس این آیه را خواند که انما یرید الله
الی یعنی اراده الهی تعلق گرفته است که شما که هر ناخوشی را از شما دور کند و شما را مطهر
کند تطهیری که از وصف نتوان کرد و کسی که از عربیت آنرا که مطلع باشد می‌داند
که تاکیدات و مبالغات در چه مرتبه است و بدیهی است که [illegible] اعلای عصمت
و بدیهی است که داخل کردن ایشان از جهت عظمت و تنبیه ایشان بود بجانب اهل بیت
و انستند زمخشری او را نقل کرده است و چون همه [illegible] اهل بیت دارند
ذکر کرده است که جواب برای داخل کسا فرمود از جهت آنکه [illegible] اهل و یاران های
حکی آنحضرت بودند ایشان را در معرض [illegible] تحقق ایشان را
در معرض [illegible] منظور باشد والله [illegible]
عصمت ایشان [illegible] فرمودند علیه
علم [illegible] چون [illegible] اعظم [illegible]
فرمودند که [illegible] عاقبت [illegible]
بخلاف [illegible] و فی اول یوم من المحرم دعا زکریا علیه السلام ربه عزوجل [illegible] صام
ذلک الیوم استجاب الله له کما استجاب لزکریا علیه السلام منقول است که در روز اول محرم حق
سبحانه و تعالی دعای زکریا علیه السلام را مستجاب کرد [illegible]

طلب

طلبید از حق سبحانه و تعالی که از ما فرزندی یحیی علیه السلام داد و بحق کسی که این روز را
روزه دارد و حاجتی از خدا طلبد حق تعالی او را دعا را مستجاب کند چنانکه دعای زکریا
را مستجاب کرد و ابن بابویه روایت کرده است صدوق در [illegible] اندیان بن شبیب
ثقه که گفت داخل شدم بر حضرت امام رضا صلوة الله علیه در روز اول محرم پس حضرت
فرمودند که ای پسر شبیب آیا روزه داری گفتم نه حضرت فرمودند که حق سبحانه و تعالی دعای زکریا
را قبول فرمود که گفت پروردگارا بخش مرا از نزد خود فرزندی نیکو بدرستی که تو مستجاب
گفتن دعاهائی پس حق سبحانه و تعالی دعای او را مستجاب کرد و امر فرمود فرشتگان را
که ندا کردند زکریا را و قتیکه نماز میکرد در محراب که حق سبحانه و تعالی بشارت میدهد
ترا بیحیی پس کسیکه این روز را روزه دارد و بخدا و بخواند خدا را حق سبحانه و تعالی
دعا [illegible] مستجاب کند چنانکه دعای زکریا را مستجاب کرد ای پسر شبیب بدرستیکه ماه
محرم ماهی بود که اهل جاهلیت در زمان کفر حرام میدانستند ظلم و کشتن را از جهت حرمت
این ماه و این امت نه حرمت ماه را رعایت نمودند و نه حرمت پیغمبر خود را حفظ نمودند بلکه
در این ماه شهید کردند ذریت آنحضرت را و با سیری بردند زنان آنحضرت را و غارت
کردند خیمه‌های ایشان را پس بیامرزد حق سبحانه و تعالی ایشان را هرگز ای پسر شبیب
که بگریی بر حضرت سید الشهدا حسین بن علی صلوة الله علیهما که آنحضرت را شهید کردند
چنانکه سر گوسفند را از تن جدا کنند و شهید شدند با آنحضرت هجده کس از اهل بیت آنحضرت
که در روی زمین شبیه و نظیر نداشتند و قسم بخدا که گریستند آسمانها و زمینها
شهادت آنحضرت و قسم بخدا که چهار هزار فرشته از آسمان بزمین آمدند که آنحضرت
را نصرت دهند دیدند که آنحضرت شهید شده است پس مامور شدند که نزد قبر آن
حضرت باشند پریشان مو و گردآلوده تا وقتی که قائم آل محمد صلوة الله علیه
قیام نماید این فرشتگان از جمله مددکاران و یاوران آنحضرت خواهند بود [illegible]

محل است که قائم بوده باشد با حسین صلوات الله علیهما و شک نیست که انصار حضرت
خواهند بود اشتباه در مرجع ضمیر است و شعار ایشان در شکان این خواهد بود که فریاد
کنند که یا لثارات الحسین که میخواهند که طلب کنند خون حضرت امام حسین صلوات الله علیه را
و عبارت یا لثارات الحسین است ای پسر شبیب اگر شاد میکند ترا که ... حضرت امام حسین صلوات
الله علیه شهید شدند از اصحاب خود و حالت سرخ بارید شد ای پسر شبیب اگر گریه
بر حسین صلوات الله علیه بکنی تا آب از دیده بیرون آید که بر دو طرف روی تو ریزان شود
حق سبحانه و تعالی می‌آمرزد هر گناهی که کرده صغیره و کبیره و اندک و بسیار ای پسر شبیب
اگر خوشحالی که خدا را ملاقات کنی که هیچ گناه نداشته باشی پس زیارت کن حضرت امام حسین
صلوات الله علیه را ای پسر شبیب اگر خواهی که ساکن شوی در بالاخانهای بهشت با محمد و
آل محمد صلی الله علیهم پس لعن کن قاتلان آنحضرت را ای پسر شبیب اگر خواهی که ثواب
تو مانند ثواب شهدای کربلا باشد که با آنحضرت شهید شده باشی پس باید که هر گاه که
آنحضرت را یاد کنی بزبان بگذرانی و در خاطر خود در آوری که یا لیتنی کنت معهم فافوز
فوزا عظیما یعنی کاش در آن صحرا با ایشان می‌بودم و در خدمت آنحضرت شهید می‌شدم
و فایز می‌شدم بثواب عظیم ای پسر شبیب اگر خواهی که با ما باشی در درجات اعلای
بهشت پس اندوهناک باش باندوه ما و خوشحال باش بشادی ما و بر تو باد که متابعت ولایت ما
کن که اگر شخصی متابعت یا محبت سنگی نماید البته حق سبحانه و تعالی او را در روز قیامت محشور
میگرداند با او پس باید که محبتی تولا کند که بینند که ایشان از اهل بهشت اند و آن معصوم
است در ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و سأل ابو بصیر ابا عبد الله صلوات الله علیه
عن الصائم المتطوع تعرض له الحاجة قال هو بالخیار ما بینه و بین العصر و ان مکث
حتی العصر ثم بدا له و لم یکن نوی ذلک فله ان یصوم ذلک الیوم ان شاء منقول است از
ابو بصیر که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از کسی که روزه

سنت داشته باشد و او را حاجتی درست شود که باید بخورد حضرت فرمودند که او مخیر
است تا عصر میتواند بخورد و هم چنین اگر نیت روزه نکرده باشد تا عصر و در آن وقت
خواهد که روزه بگیرد و چیزی نخورده باشد اگر خواهد میتواند که آن روز را روزه بدارد
در صحیح از هشام منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هر گاه
شخصی صبح کند و نیت روزه را نداشته باشد چون روز بلند شود خواهد که روزه بدارد
حضرت فرمودند که اگر پیش از زوال نیت کند کل روز حساب می‌شود و اگر بعد از
زوال نیت کند از آن وقت که نیت کرده از جهت او محسوب میشود و در صحیح ...
حضرت ... منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه ... می‌آمدند و میفرمودند
که چیزی هست ... اگر چیزی بود ... و اگر نبود آنحضرت ...
می‌فرمودند ... روزه ...
کرده اند در ... که مخیر است تا زوال آفتاب حضرت فرمودند که ... در روزه واجب است
و اما ... که خواهد میتواند کرد **باب** ثواب صوم رجب در حدیث ابان
بن عثمان عن کثیر النواء عن ابی عبد الله صلوات الله علیه قال ان نوحا صلوات الله علیه رکب
السفینة اول یوم من رجب فامر علیه السلام من معه ان یصوموا ذلک الیوم و قال
من صام ذلک الیوم تباعدت عنه النار مسیرة سنة و من صام سبعة ایام اغلقت
عنه ابواب النیران السبعة و من صام ثمانیة ایام فتحت له ابواب الجنان الثمانیة و
من صام خمسة عشر یوما اعطی مسألته و من زاد زاده الله عز و جل ...
ثواب روزه ماه رجب در موثق کالصحیح منقول است از ابان و او از اهل اجماع است پس
حدیث او ... که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که حضرت
نوح ... در کشتی سوار شد ... روز اول ماه رجب پس حضرت امر فرمودند اهل کشتی را
که آن روز را روزه دارند و فرمودند که هر که آن روز را روزه دارد آتش جهنم یک سال راه

از او دور کرده و اگر هفت روز روزه دارد هفت در جهنم بر روی او بسته گردد
و هر که هشت روز روزه دارد هشت در بهشت بر روی او گشاده شود و هر که
پانزده روز را روزه بدارد هر چه از حق سبحانه و تعالی بطلبد او را عطا فرماید و هر که
از پانزده روز زیاده کند حق سبحانه و تعالی ثواب را زیاده کند و در ثواب الاعمال
از حضرة ابی الحسن موسی بن جعفر صلوة الله علیهما منقول است بهمین عبارت و بهمین اسناد
و قال ابو الحسن موسی بن جعفر صلوة الله علیهما رجب نهر فی الجنة اشد بیاضا من اللبن
و احلی من العسل فمن صام یوما من رجب سقاه الله تعالی من ذلک النهر و باسناد سابق
منقول است که آنحضرة فرمودند که رجب نام نهری است در بهشت که از شیر سفیدتر
هست و از عسل شیرین تر است هر که یک روز از ماه رجب روزه دارد حق سبحانه و تعالی
او را از آن نهر آب دهد و آب دادن از آن نهر لازم دارد دخول جنت را و اگر عطا
بعد از رجب نباشد چنانکه اظهر احادیث است و الله یعلم و قال ابو الحسن موسی بن جعفر
صلوة الله علیه رجب شهر عظیم یضاعف الله فیه الحسنات و یمحو فیه السیئات
و من صام یوما من رجب تباعدت عنه النار مسیرة سنة و من صام ثلثة ایام وجبت
له الجنة و ترجمه ما روینا فی هذا المعنی فی کتاب فضایل رجب و در قوی
باسناد سابق از آنحضرة منقول است که ماه رجب ماهی است بزرگ که حق سبحانه و تعالی
حسنات مؤمنان را مضاعف میگرداند و گناهان ایشان را محو میکند و هر که یک روز ماه
رجب را روزه دارد آتش دوزخ یکسال راه از وی دور شود یا مثل آن چنانکه در نسخه
ثواب الاعمال قدیم است که در نزد ما است و هر که سه روز روزه دارد بهشت او را
واجب شود و بتحقیق که از کتب اصول بیرون آورده ام و درج کرده ام و حدیثی
را که حق رسیده است ایشان در باب فضایل صوم ماه رجب در کتاب فضایل
ماه رجب و چون بعضی از اخبار در فضایل رجب مذکور است در امالی حساب محمد

حکایت از ابن بابویه در موثق کالصحیح منقول است از حسن بن علی بن فضال که حضرة امام
ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوة الله علیهما فرمودند که هر که روز اول رجب را روزه دارد
از روی رغبت در ثواب الهی که حق سبحانه و تعالی از جهت آن مقرر فرموده است بهشت او را
واجب شود و هر که روزی از میان رجب را روزه دارد او را شفیع گرداند در مثل
ربیعه و مضر که دو قبیله عظیم اند از قبایل عرب و هر که روزی از آخر رجب را روزه
دارد حق سبحانه و تعالی او را از پادشاهان بهشت گرداند و او را شفیع گرداند در
مادر و پدر و فرزندان و دختر و خواهر و عم و عمه و خال و خاله و آشنایان و همسایگان
او هر چند همه مستحق جهنم شده باشند و کالصحیح از آنحضرة سید المرسلین صلی الله علیه و آله
منقول است که هر که یک روز از رجب را روزه دارد از روی اعتقاد لوجه الله سبحانه و تعالی
در میان او و آتش هفتاد خندق حایل کند که عرض هر خندق از آسمان است تا زمین
و در قوی کالصحیح منقول است که حضرة امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که هر که یک روز
از رجب روزه دارد از اول یا وسط یا آخر آن حق سبحانه و تعالی واجب کرداند از جهت
او بهشت را و حشر او را با کند در درجه اعلی در بهشت با ما در روز قیامت و هر که در
روز از رجب روزه دارد باو گویند که عمل را از سر گیر که گذشتهای تو آمرزیده
و هر که سه روز از رجب روزه دارد باو گویند که گذشته و آینده تو آمرزیده
شفاعت کن از برای جمیع برادران از برادران گناهکاران و آشنایان خود و هر که هفت
روز از رجب روزه دارد هفت در دوزخ بر روی او بسته شود و هر که هشت روز
از رجب روزه دارد هشت در بهشت بر روی او گشاده شود که از هر دری که خواهد
داخل بهشت شود و در موثق از سالم منقول است که داخل شدم بر حضرت امام
جعفر صادق صلوة الله علیه و چند روزی از ماه رجب مانده بود پس چون نظر مبارکش
افتاد فرمود که ای سالم آیا در این ماه هیچ روزه گرفتی گفتم نه والله یابن رسول الله

فرمودند که اگر اقدر از ثواب این توفیق شرح دهم که چه انواع عنایات بوی از حق سبحانه
و تعالی بدو رسیده ازین ماهی است که حق سبحانه و تعالی او را تفضیل داده است و حرمت او را عظیم
گردانیده است و طاعت کردن درین ماه به نزد او مستحب است و از جهت بقیه ماهها این ماه بس
عزیز ما فرموده اند که این رسول الله گفت اگر ماه رجب ماه خدای است روزه بدارم این است که ای کریم
بعضی از ثواب روزه داران این ماه بعد حضرت فرمود که ای سلمان هر که یک روز از اول این ماه
روزه دارد ایمن شود از سختی جان کندن و از بلای بعد از مرگ و از عذاب گور نجات یابد
و هر که دو روز از این ماه روزه دارد بر صراط بگذرد و هر که سه روز از این ماه
روزه دارد ایمن شود از فزع اکبر و از هول روز قیامت و از جمیع محنتهای روز قیامت و
سختیهای آن و در امان باشد از آتش دوزخ و کلام صحیح منقول است از حضرت امیر المؤمنین
صلوة الله علیه فرموده اند که هر که یک روز از اول رجب یا وسط آن یا آخر آن روزه دارد
حق سبحانه و تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و هر که سه روز از اول یا وسط یا آخر آن
روزه دارد حق سبحانه و تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و هر که شش روز از شبهای
رجب را احیا کند حق سبحانه و تعالی او را از آتش دوزخ آزاد کند و قبول شفاعت
او را در حق هفتاد کس از گناهکاران و هر که در ماه رجب تصدق بکند به قصد رضای الهی
حق سبحانه و تعالی او را کرامت کند در بهشت ثوابی چند که نه چشمها دیده باشد
و نه گوشها شنیده باشد و نه در خاطر کسی خطور کرده باشد و منقول است از
ابو سعید خدری که از اصحاب کبار حضرت سید المرسلین است صلی الله علیه و آله و از
بزرگان و متقیان اصحاب حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه است منقول است
که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرموده اند که بدرستی و راستی که رجب ماه
حق سبحانه و تعالی است و در روایات است که ماه حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه است
و ماه اصم است و این ماهی است بزرگوار و چرا اصم می گویند و اصم یعنی کر که ای کریم

زیرا که هیچ ماهی در فضل و حرمت نزد حق سبحانه و تعالی با وی نمی رسد پس گویا که گوشها را
طاقت شنیدن فضل او نیست و مشهور آنست که در جاهلیت حرمت این ماه را بسیار داشتند
و جنگ نمی کردند پس گویا گوشها کر است از شنیدن صدای جنگ و آلات حرب و در دو
دیگر اصم گفته اند که در او صدای جنگ نمی شنیدند چون رحمت الهی بی ریزد و فرزندان مانند ماران یا با وران هم
بزرگان خدا و اهل جاهلیت که کفار قریش بودند تعظیم این ماه میکردند و از جمله اشهر حرم
بود و چون اسلام آمد در تعظیم و تفضیل او زیادتی کردند بدرستی که ماه رجب
ماه شعبان بهتر و ماه حق است و ماه رمضان ماه امت من و چون علی نفس نبی است ماه
علی ماه نبی است چون مشهور است که حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه این ماه را روزه میداشتند
و میفرمودند که ماه رجب ماه من است و شعبان ماه رسول الله صلی الله علیه و آله و ماه
رمضان ماه خدا است و عالمیان است تحقیق که هر که یک روز از ماه رجب روزه دارد از روی
اعتقاد و اخلاص مستوجب خوشنودی الهی می شود و رضای الهی بزرگتر است از همه
عبادتها و ثوابها و روزه آن روز غضب الهی را از وی دور کند و دری از درهای دوزخ
بر روی او بسته می شود و اگر کسی کل زمین طلا بدهد با وزن آن طلا این روز روزه را
داشت و مزد او عطا نشود بغیر از ثوابهایی که حق سبحانه و تعالی از جهت او مقرر فرموده است
هر گاه این روزه را خالصا از جهت رضای او گرفته باشد و چون آخر روز شود ده
دعا مستجاب کند اگر مشغول به دعا باشد اگر از مطالب دنیوی باشد بدهد و اگر نداد جهت
او ذخیره میکند و از مراتب بهشت بهتر چیزی که از حق سبحانه و تعالی طلب
کرده باشد از دعاهای محبوبان و برگزیدگان الهی چون ایشان دعاهای کامل را
میخواستند بهتر چیزی باید طلبید و هر که از ماه رجب دو روز روزه بدارد وصف
کنندگان از اهل آسمانها و زمینها وصف نتوانند کرد آن کرامتی را که حق سبحانه و تعالی
با وی کرامت میفرماید و نمی رسد از جهت او ثواب چه کسی از صادقان که در مدت عمر

را ستایش کننده باشند و ثواب مثل اعمال [illegible] و هر که [illegible] نوشته شود هر روز
که روزه داشته باشد و چون روز قیامت او را شفاعت دهند [illegible]
[illegible] شود در زمره ایشان تا داخل شود در بهشت و از جمله [illegible]
باشد و هر که سه روز از ماه رجب روزه دارد حق سبحانه و تعالی میان او و آتش
جهنم خندقی حایل کند و حجابی [illegible] که طول آن هفتاد ساله راه باشد حق سبحانه
و تعالی در وقت افطار او فرماید که حق تو بر من واجب شد و دوستی و محبت و ولایت
من واجب شد از برای تو ای فرشتگان شما گواه میکنم که او را [illegible]
گناهان گذشته او را [illegible] و هر که چهار روز از ماه رجب روزه بدارد حق سبحانه و
تعالی او را عافیت کرامت فرماید از جمیع بلاها از دیوانگی و خوره و پیسی و حفظ کند
او را از شر دجال و امان دهد او را از عذاب قبر و بنویسند از برای او مانند ثواب
صاحبان عقول کامل که همیشه توبه کنندگان باشند و هر عملی که از ایشان صادر
شود [illegible] اولو الالباب
و هر که از ماه رجب پنج روز روزه دارد بر حق سبحانه و تعالی لازم میشود که روز قیامت
که او را خوشنود کرداند و مبعوث شود [illegible] روز قیامت و روی او مانند ماه شب
چهارده باشد و [illegible] حسنات [illegible] اعمال او بنویسند و او را
داخل بهشت کنند بی حساب و بگویند که هرچه میخواهی طلب کن [illegible] و هر که
از ماه رجب شش روز روزه دارد چون از قبر بیرون آید روی او روشن تر باشد
از [illegible] کرامت فرماید که اهل
محشر از آن نور منور شوند و مبعوث شود در زمره ایمنان از عذاب الهی تا آنکه
بگذرد بر صراط بی حساب و او را عافیت بخشد از عقوق پدر و مادر و قطع رحم
و هر که از ماه رجب هفت روز روزه دارد [illegible] جهنم را هفت در است

کرده بود

که [illegible] هر روزی [illegible] حق سبحانه و تعالی بر بدن
او [illegible] آتش دوزخ حرام کرداند و هر که از ماه رجب هشت روز روزه دارد [illegible]
هشت در بهشت [illegible] حق سبحانه و تعالی بگشاید [illegible] از هر دری [illegible]
[illegible] که از هر دری از درهای بهشت که خواهی داخل بهشت شوی و هر که
نه روز از ماه رجب روزه دارد چون از قبر بیرون آید فریاد کند بکلمه لا اله الا الله و
[illegible] چون از قبر بیرون آید [illegible] باشد
که اهل محشر [illegible]
[illegible] که بی حساب داخل بهشت شود و هر که از ماه رجب ده روز روزه دارد
حق سبحانه و تعالی او را [illegible] کرامت فرماید [illegible] یاقوت [illegible]
[illegible] بر صراط [illegible] و داخل بهشت شود و حق سبحانه و تعالی [illegible]
گناهان او را بحسنات [illegible] و بنویسند او را در زمره [illegible] رضای الهی [illegible]
[illegible] عبادت الهی [illegible]
باشد [illegible] عبادت [illegible] باشد از جهت رضای الهی و هر که یازده
روز از ماه رجب روزه دارد فردای قیامت هیچکس [illegible] بیشتر [illegible] مگر
کسی که مثل او روزه گرفته باشد یا بیشتر و هر که از ماه رجب دوازده روز روزه دارد
او را در روز قیامت [illegible] صورت
شود [illegible] میان
مشرق و مغرب [illegible] و هر که از ماه رجب سیزده روز
روزه دارد در روز قیامت خوانی از یاقوت سبز در سایه عرش [illegible] بنهند
[illegible] باشد [illegible] هفتاد [illegible]
باشد از مروارید و یاقوت [illegible] هفتاد [illegible] از طعام [illegible]

الله شبیه نیکو و گویا باشد و عجیب‌تر شبیه بوی [illegible] آن خوردند خلایق
در بهشت عظیم [illegible] باشد و هر که از ماه رجب چهارده روز روزه دارد
حق سبحانه و تعالی او را عطا کند از ثواب [illegible] باشد که در بهشتها [illegible]
[illegible] باشد از هر جایی که در بهشتها [illegible] کرده باشند [illegible]
[illegible] و هر که از ماه رجب پانزده روز روزه دارد [illegible]
[illegible] ایمان از عذاب الهی و [illegible] گویند مگر آنکه
میگویند خوشحال تو [illegible] از عذاب الهی [illegible]
هر کس [illegible] خوب [illegible] چنان خواهی بود [illegible] و هر که از ماه
رجب شانزده روز روزه دارد اول کسانی که بر اسپهای نورانی سوار شوند و اسپها
[illegible] شوند در عرصه بهشتها تا ساکن شوند در دار رحمت الهی او با ایشان همراه
بود و هر که هفده روز از ماه رجب روزه دارد [illegible] از جهت او [illegible]
[illegible] هفتاد هزار چراغ از نور [illegible]
ایشان [illegible] خوش [illegible] سلام الهی بر شما باد و خوشحال شما داخل بهشت
شوید و همیشه در بهشت باشید و هر که هجده روز از ماه رجب روزه دارد [illegible]
ابراهیم خلیل [illegible] در قبه او [illegible] همیشه در آنجا باشند
در تختهای مروارید و یاقوت نشینند و هر که نوزده روز از ماه رجب روزه دارد
حق سبحانه و تعالی بنا کند از جهت او قصری از مروارید [illegible] در برابر قصر آدم و ابراهیم
علیهم السلام در بهشت الخلد و او سلام کند بر ایشان و ایشان سلام کنند بر او از برای
تعظیم او که حق او را بر خود واجب دانند و بسبب هر روزی که روزه داشته است
هزار سال [illegible] در نامه عمل او نوشته شود و هر که از ماه رجب بیست روز روزه دارد
چنان باشد که بیست هزار سال عبادت الهی کرده باشد و هر که از ماه رجب بیست و یک روز

روزه دارد

روزه دارد فردای قیامت او را شفیع کنند در [illegible]
[illegible] باشند و هر که از ماه رجب بیست و دو روز روزه دارد منادی از آسمان
ندا کند که بشارت باد ترا ای دوست خدا بکرامتی عظیم [illegible]
خواهی بود که حق سبحانه و تعالی انعام کرده است بر ایشان از پیغمبران و صدیقان و شهدا
و صالحان و نیکو رفیقانند ایشان و هر که از ماه رجب بیست و سه روز روزه دارد
ندا کنند او را از آسمان که خوشحال تو ای بنده خدا [illegible] کشیدی و [illegible] بسیار
خواهی کرد خوشحال تو و [illegible] چشم [illegible]
چه بسیار کرم [illegible] جوار قربان الهی [illegible] در بهشت و هر که از ماه رجب بیست و چهار
روز روزه دارد چون ملک الموت بقبض روح او آید بصورت جوانی [illegible]
از دیبای سبز پوشیده باشد و بر اسبی از اسبهای بهشت سوار باشد و [illegible]
حریری سبز باشد که خوشبوتر از مشک ناب باشد و قدحی از طلا پر از شراب
بهشت در دست دارد و [illegible] دهد تا جان کندن بروی آسان شود پس روح او را
[illegible] حریر بگذارد و بوی خوش [illegible] باشد که [illegible] هفت آسمان از آن بوی معطر
شوند پس چون در قبر [illegible] سیراب باشد [illegible] چون مبعوث شود سیراب باشد تا
برسد بحوض کوثر و ساقی حوض کوثر او را آب دهد و هر که از ماه رجب بیست و پنج روز
روزه دارد چون از قبر بیرون آید هفتاد هزار فرشته استقبال او کنند و در دست
هر فرشته علمی باشد از مروارید و یاقوت و با خود [illegible] انواع مرصع [illegible]
[illegible] جامهای بهشتی و گویند ای دوست حق سبحانه و تعالی بشتاب بسوی بهشت [illegible]
[illegible] اول کسی باشد که داخل بهشت شود با مقربانی که حق سبحانه و تعالی از ایشان خوشنود است
و ایشان از خداوند خود خوشنود [illegible] و هر که از ماه رجب
بیست و شش روز روزه دارد حق سبحانه و تعالی بنا کند از جهت او در سایه عرش

از لؤلؤ و یاقوت و بر سر هر قصری خیمه‌ای سرخی از حریر بهشت [illegible] که
[illegible] عیش در روز [illegible] حساب باشد و هر که از ماه رجب [illegible] هفت
روز روزه دارد حق سبحانه و تعالی قبر او را فراخ گرداند [illegible] روز
[illegible] باشد در تمام عالم [illegible] هر که از ماه رجب هشت روز روزه
دارد حق سبحانه و تعالی میان او و آتش دوزخ هفت خندق حایل سازد و عرض هر
خندقی مثل میان آسمان و زمین با پانصد سال راه باشد و هر که از ماه رجب نه
روز روزه دارد حق سبحانه و تعالی گناهان او را بیامرزد اگر [illegible] باشد [illegible]
نبی باشد که با هفتاد و [illegible] محشور کرده باشد [illegible] در بهشت [illegible]
الهی باشد و خلاصی از دوزخ [illegible] که حق سبحانه و تعالی [illegible] و هر که از ماه رجب [illegible] روز
روزه دارد منادی از آسمان ندا کند که ای بنده خدا حق سبحانه و تعالی گذشته ترا آمرزید
من بعد عمل را از سر گیر و حق سبحانه و تعالی عطا کند او را در هر بهشتی چهل هزار شهر از طلا
در هر شهری چهل هزار هزار [illegible] از طلا در هر خوانی هزار هزار کاسه [illegible]
هر کاسه چهل هزار هزار رنگ از طعام و شراب در هر طعامی و شرابی [illegible]
در هر خانه چهل هزار هزار تخت از طلا طول هر تختی دو هزار گز در [illegible] دو هزار [illegible]
بر هر تختی حوریه [illegible] سفید [illegible]
نهایت سفیدی و سیاهی چشم در نهایت سیاهی و هر حوری سیصد هزار گیسو داشته
باشد که خدمت هر گیسوی را هزار هزار کنیزک کنند که [illegible] عنبر [illegible]
تا بوسند روزه دار را [illegible] ماه رجب [illegible] این ثواب [illegible] روزه داشته
باشد [illegible] اگر کسی عاجز باشد از روزه ماه رجب بسبب ضعف یا مرضی
داشته باشد [illegible] چکند تا این ثوابها برسد حضرت فرمودند که از
جهت هر روزی [illegible] نانی بدرویشان [illegible]

اوست که هر که امروز این تصدق را کند [illegible] ثوابها برسد و بیشتر [illegible] که
[illegible] باشد [illegible] اگر جمیع خلایق جمع شوند [illegible] اهل آسمانها [illegible]
[illegible] متواتر [illegible] شمرده [illegible]
[illegible] یعنی [illegible] روزه [illegible] صدقه را بعرض نمودند که
یا رسول الله صلی الله علیه و آله کسی که قدرت بر تصدق نداشته باشد چه کند تا این
ثوابها برسد حضرت فرمودند که هر روز صد مرتبه این تسبیح را بگوید تا [illegible]
شود سبحان الاله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز الاکرم سبحان
من لبس العز و هو له اهل یعنی منزه [illegible] عظمت [illegible]
منزه خداوندی [illegible] تسبیح و تنزیه [illegible] امکان
[illegible] منزه خداوندی که [illegible]
کرم [illegible] منزه خداوندی که عزت [illegible] مخصوص ذات مقدس اوست و [illegible]
عزت [illegible] شب اول از جمله چهار شبی است که احیا [illegible]
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه وارد شده است که فرمودند [illegible] چهار
شب [illegible] حق سبحانه و تعالی عبادت کنند [illegible] شب اول رجب و شب [illegible]
و شب عید فطر و شب عید [illegible] احادیث بسیار وارد شده است در فضیلت زیارت
حضرت امام حسین صلوات الله علیه در روز اول رجب و در شب [illegible] و در روز سیزدهم
این ماه ولادت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شد در کعبه معظمه و در روز [illegible]
[illegible] فاطمه زهرا صلوات الله علیها با حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله
علیه شد علی اشهر الروایات و عمل استفتاح در این روز است [illegible] ایام البیض
[illegible] وفات ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله در
روز [illegible] این ماه شد و این روایت مخالف [illegible]

کسوف و خسوف شد و کسوف قمر را و آخر ماه نباشد و در روز بیست و هفتم ذی حجه
بر دست حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه آنچه مخالفت دارد با حرمت تحمل شد
شهر حرام مگو اگر جواب نبود حرمت اشهر حرم ... نشد ... بدانستی ابو باشاتی و هرکه
ببرد بی اکراه نقض عهد کرده و روز بیست و نهم وفات حضرت امام موسی کاظم است صلوات الله
علیه منقول است که هر که روزه این روز بگشاید کفاره گناهان ... سال ... بعثت
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله شد و اعمال این شب و آن روز بسیار است رجوع
به مصباح باید کرد ... و روزه این روز مستحب است با استحباب موکد ... رجب
ان صوم ... موکد است چنانکه منقول است از اسحاق بن عبد الله عریضی که گفت
پدرم و عمو ... چهار روزی که ... موکد است ... در هر سال ... فرمود
حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه ... آنحضرت سوال کرد ... که ...
شوق ... حضرت فرمود ... چهار روز در سال است ...
از جمله ... حضرت فرمود که روز هفدهم ربیع الاول است که
ولادت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله در آن روز شد و روز بیست و هفتم ماه
رجب است که آنحضرت در آن روز مبعوث شد ... و روز بیست و پنجم ذی القعده
... روز بیست ... کشتی نوح ... روز جودی ...
و کسی که ... روزه دارد کفاره ... سال گناهان او باشد و روز هجدهم ذی الحجه
است که ... روز ... حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه را ... نصب کردند ... که این روز را روزه دارد کفاره ... سال
گناهان او باشد و ... از اسحاق منقول است ... قریب به این از آن
حضرت ... از حضرت صادق صلوات الله علیه منقول است که هر که بیست و هفتم
را روزه دارد حق سبحانه و تعالی از جهت او روزه هفتاد سال بنویسد ...

که ... ولادت حضرت امام رضا صلوات الله علیه در ماه رجب ... مشهور ...
مشهور آنست که مولد نبی صلی الله علیه و آله هفدهم ربیع الاول است و محمد بن یعقوب کلینی
رضی الله عنه ... کرده است که در دوازدهم ربیع الاول است چنانکه عامه قائلند اکر ...
... است اگرچه ... هفدهم است ... دوازدهم را از ... اهل
علیهم الصلوة ... و کلینی ... کرده است و از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقول است
که حق سبحانه و تعالی مبعوث گردانید حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله را در بیست و هفتم
رجب ... هر که ... روزه دارد حق سبحانه و تعالی ... بنویسد ...
... ثواب صوم شعبان روایت است از ابو حمزه الثمالی از حضرت
صلوات الله علیه ... من صام شعبان کان له طهوراً من کل ذلة و وصمة و بادرة و قال
ابو حمزه فقلت لابی جعفر صلوات الله علیه ما الوصمة قال الیمین فی المعصیة و لا نذر فی المعصیة
قلت فما البادرة قال الیمین عند الغضب و التوبة منها الندم علیها ...
روزه ماه شعبان ... که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود
که هر که ماه شعبان را روزه دارد ... از هر لغزشی ...
... گناهان ... ابو حمزه گفت عرض نمودم ...
... حضرت فرمودند که ... قسم یاد کردن ...
... در کافی و التهذیب و در باقی کتب ...
عرض نمودم ... فرمودند که قسم یاد کردن است نزد غضب و توبه از آن
پشیمانی ... در وقت غضب ... اختیاری ...
... که خود را ضبط نموده است ... خود را ضبط
نماید و قسم نزد غضب ... که قسم یاد کند ...
ممکن است که ... البهی کرده است چنانکه حق سبحانه و تعالی ...

بخداوند خود را در معرض قضایای خود در [illegible] بی قصد

و لغو دیگر ایمان است که قسم را مانع [illegible] سازند اگر اراده [illegible] آیات

دارد شرح است و خواهد آمد و استبعادی ندارد که هر دو مراد الهی باشد چنانکه در

حدیث نیز متضمن [illegible] یکی از یمین در معصیت است اگر قسم یاد کنند که زنا کنند

یا نماز نکنند یا شراب [illegible] معصیت باشد یا مکر اگر شراب بخورم [illegible] که روزه نگیرم

یا اگر ترک [illegible] نکنم [illegible] روزه بگیرم و تفصیل هر خواهد آمد در [illegible] مراد

این است که نذر در معصیت منعقد نمی‌شود و [illegible] منعقد نمی‌شود [illegible]

الهی [illegible] کافی [illegible] نذر در معصیت [illegible] کما [illegible]

[illegible] اطلاق یمین بر نذر شرعیست چنانکه خواهد آمد [illegible]

استدلال نموده اند [illegible] اگر [illegible] نذر شرط [illegible]

یمین شرط است با حدیث صحیح و جواب آنست که [illegible] اطلاق [illegible] سبیل المجاز

و مجاز [illegible] نیست والله تعالی یعلم وروی الحسن بن محبوب عن عبدالله بن مرحوم الازدی

قال سمعت اباعبدالله صلوات الله علیه یقول من صام اول یوم من شعبان وجبت له الجنة

البتة ومن صام یومین نظر الله الیه فی کل یوم ولیلة فی دار الدنیا ودام نظره الیه فی الجنة

ومن صام ثلثة ایام زار الله فی عرشه من جنته فی کل یوم قال مصنف هذا الکتاب رضی

الله عنه زیارة الله زیارة انبیائه و حججه صلوات الله علیهم من زارهم فقد زار الله کما ان

من اطاعهم فقد اطاع الله ومن عصاهم فقد عصی الله ومن تابعهم فقد تابع الله عز و جل

ولیس ذلک علی ما یتأوله المشبهة تعالی الله عما یقولون علوا کبیرا و [illegible] منقول

از [illegible] قسم [illegible] شنیدم که حضرت امام

جعفر صادق صلوات الله علیه میفرمودند که هر که روز اول ماه شعبان را روزه دارد بهشت

از او واجب شود قطعا و هر که دو روز را روزه دارد حق سبحانه و تعالی در هر شبانروزی

بلطف نظر

بلطف نظر رحمت بجانب او اندازد [illegible] مستجاب [illegible] قبول

کند [illegible] و در بهشت همیشه منظور نظر رحمت الهی باشد [illegible] متوالیه و هر که

سه روز [illegible] روزه دارد [illegible] در بهشتی که [illegible] حق سبحانه و تعالی کند در

عرش [illegible] که حق سبحانه و تعالی جسم نیست که مکانی داشته باشد که [illegible]

زیارت توان کرد و زیارت حق سبحانه و تعالی [illegible] زیارت پیغمبران [illegible] معصومین است صلوات الله

علیهم که هر که زیارت ایشان کند چنان است که خدا را زیارت کرده است [illegible] حق سبحانه و

تعالی فرموده [illegible] هر که اطاعت رسول کند [illegible] اطاعت خدا کرده است و هر که عصیان ایشان کند

عصیان حق [illegible] و هر که با ایشان بیعت کند چنان است که حق سبحانه و تعالی را بیعت

کرده است [illegible] در محاورات عرب و عجم [illegible] پادشاه کند

[illegible] پادشاه کرده است [illegible] بر خلاف [illegible] کند [illegible] خواهد بود

چنانکه مشبهه [illegible] که حق سبحانه و تعالی را تشبیه با جسام کثیفه و لطیفه کرده اند

حق سبحانه و تعالی [illegible] بلند [illegible] بلندی [illegible]

[illegible] ذات او [illegible]

[illegible] فلان گفتند [illegible] [illegible] در تاویل منقول

[illegible] از حضرت ابی الحسن موسی الرضا صلوات الله علیهما [illegible]

وقال [illegible] صلی الله علیه صوم شهر شعبان و شهر رمضان شهرین متتابعین توبة

من الله [illegible] توبة من الله [illegible] منقولست [illegible] روزه

ماه شعبان و ماه رمضان [illegible] سازند [illegible] که حق سبحانه و تعالی

[illegible] کرده باشد و قبول نموده باشد [illegible] فرموده [illegible] شهرین در

[illegible] بسیار [illegible] و احادیث [illegible] بسیار است

[illegible] احتیاط است [illegible] صلوات الله علیهم فرموده اند که حق سبحانه و تعالی [illegible]

فرموده است که کسی که روزه نداشته باشد دو ماه پی در پی روزه بدارد که این
دو ماه توبه او است پس هر دو ماهی چنین باشد یا حصر این دو ماه نیز از آیه مراد باشد
و استنباطی که مراد الهی باشد خوب است و روی عمرو بن خالد عن ابی جعفر صلوة الله علیه
قال کان رسول الله صلی الله علیه و آله یصوم شعبان و شهر رمضان یصلهما و ینهی الناس
ان یصلوهما و کان یقول هما شهرا الله و هما کفارة لما قبلهما و بعدهما من الذنوب قوله صلی
الله علیه و ینهی الناس ان یصلوهما علی الانکار والحکایة لا علی الانکار کانه یقول کان
یصلهما و ینهی الناس ان یصلوهما لمن شاء وصل و من شاء فصل و منقول است در موثق از
عمرو که حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
ماه شعبان را وصل می فرمودند با ماه رمضان و مردم را نهی می فرمودند که از وصل کردن
می فرمودند که این هر دو ماه حق سبحانه و تعالی است و هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده
اند صدوق ذکر کرده است که آنکه حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که حضرت صلی الله
علیه و آله نهی می فرمودند مردم را از وصل کردن بر سبیل انکار است و حکایت قول سفیان
است که ایشان می گویند که حضرت روزه وصال میداشتند و نهی می فرمودند مردم را از روزه
وصال در بیان وصال است که وصل کند شعبان را با رمضان پس گویا حضرت
که چون شود که خود وصل کنند و مردم را نهی کنند از وصل بلکه چنین است هر که خواهد
وصل کند و هر که خواهد فصل کند و آن وصالی که حضرت مخصوص خود کرده است معنی دیگر
دارد و مؤید قول صدوق تتمه کلام حضرت است که میفرمایند که این دو ماه کفاره اند و دو ماه کفاره
متتابع می باشند و ظاهر آنست که این کلام بر سبیل تقیه وارد شده است که شیعیان معنی
انکار نفهمند و قرینه ما تعالی و مذهب اهلبیت ظاهر بوده است در وصل چنانکه مذهب
عامه ظاهر است در فصل و بنا بر عبارت آخر صدوق بیوجه است که هر که خواهد وصل
کند الی آخر که وصالی باشد که از جهت تنها است حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و لفظ

اعدای ایشان

اعدای ایشان کما عدای حق اگر حرج حرج دارد و موید این است حدیث کالصحیح سفیان که
عرض نمودم بحضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه که چه میفرمائید در شخصی که روزه
دارد ماه شعبان و ماه رمضان را حضرت فرمودند که این دو ماه است که حق سبحانه
تعالی میفرمایند که دو ماه پی در پی بجهت توبه از حق سبحانه و تعالی بدو باعطا فرماید
عرض نمودم که بنا بر فصل نکند حضرت فرمودند که هر گاه شب افطار کند داخل شده است
و آنکه حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرموده است که وصال نیست در روزه این معنی
... در پی گذارد که شب افطار نکند و معهود است که تا سحر نکند
... و تصدیق ذلک ما رواه زرعة عن المفضل عن ابی عبد الله صلوة الله علیه
قال کان ابی صلوة الله علیه یفصل ما بین شعبان و رمضان بیوم و کان علی بن الحسین
صلوة الله علیهما یصل ما بینهما و یقول صوم شهرین متتابعین توبة من الله و قد صام
رسول الله صلی الله علیه و آله و وصل شهر رمضان و صامه و فصل بینهما و لم یصمه کله فی جمیع
سنة الا ان اکثر صیامه کان فیه و لکن نساء النبی صلی الله علیه و آله اذا کان علیهن صیام
الی شعبان کراهة ان یمنعن رسول الله صلی الله علیه و آله حاجته و اذا کان
شعبان صام و صمن معه و کان رسول الله صلی الله علیه و آله یقول شعبان شهری
و چون صدوق گفته است که مجوز شعبان فصل و وصل میگوید که تصدیق این معنی میکند
روایت موثق زرعة از مفضل که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که
پدرم حضرت امام باقر صلی فرمودند میان شعبان و رمضان و حضرت سید الساجدین صلوة
الله علیه وصل می فرمودند و میفرمودند که دو ماه پی در پی توبه است از حق سبحانه و تعالی
و کفاره گناهان است تا این حدیث مفصل است و تقیه از حدیث ظاهر است و چون امام
محمد باقر صلوة الله علیه مبتلا بود در زمان بنی امیه و مسئله خوردن یوم الشک شایع
بود حضرت بتقیه افطار میفرمودند چنانکه خواهد آمد و صدوق میگوید که حضرت

سید المرسلین صلی الله علیه آگاه بود که ماه شعبان را اعلام میکردند و تعظیم میکردانیدند
بماه رمضان آگاه بود که اعلام صوم فرمودند و یوم الشک را مجهول ... که
حضرت همیشه کل شعبان را روزه داشتند در هر حال و کل اکثر روزه آنحضرت در ماه
شعبان بود و چنین بود که اکثر زنان حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله قضا می
بود را تاخیر میکردند و ماه شعبان بجا می آوردند ... حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
و آله اراده نزدیکی فرمایند و روزه مانع نباشد اراده آنحضرت را و چون در ماه شعبان
حضرت روزه میگرفتند زنان نیز با آنحضرت روزه قضا میگرفتند و همیشه حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه و آله میفرمودند که شعبان ماه من است و ایضا صدوق ذکر کرده است
از حکایت زنان در صحیح حسن کالصحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
منقولست و ابن بابویه ذکر کرده است که افضل الصوم در شعبان بود و در موثق کالصحیح
از یونس بن یعقوب منقولست که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه و گفتم ... ایا هیچیک از پدران تو ... شعبان را روزه میگرفتند
حضرت فرمودند که بهترین پدران تو حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله بود که اکثر
روزه آنحضرت در شعبان بود و ... میشود که وصل میفرمودند یا فصل
و کل را میگرفتند و ... در کل ... و صدوق احادیث بسیار از ... بیت
کرده است ... که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله کل را میگرفتند و وصل
میکردند تا ... حدیثی نیست ... ذکر کرده است که کاهی
فصل میکردند و کاهی وصل ... حکایت حدیثی که کلینی رضی الله عنه ذکر کرده است
یعنی ان احادیث معتبره که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله شعبان را
روزه میداشتند و ... انا بحضرت ... اند از روزه شعبان و حضرت
فرموده اند که حضرت رسول ... صلی الله علیه و آله روزه شعبان را میگرفتند

غفار
چنانکه ... گفته اند از ... فرموده اند که قومی از ... خطا میکنند
ایشان که روزه شعبان فرض است مثل روزه ماه رمضان و اگر کسی افطار کند او را کفاره
میباید داد مثل ماه رمضان ... نفی فرموده اند که گفته اند نفی وجوب اینها بوده اند
یعنی نفی قول وجوب ... قول الجماعه کنند و شیخ رحمه الله چنین ذکر کرده است
و گفته است که الجماعت اتباع ابو الخطاب بودند و احادیث بسیار وارد است که آنحضرت روزه
شعبان و سه روز هر ماه را ... میفرمودند ... باشد و بر ایشان
اعتقاد ... که ... صدوق از این گفتگو در مذهب خطابیه باشد
قال الصادق صلوات الله علیه من صام ثلثة ایام من اخر شعبان و وصلها بشهر رمضان
کتب الله له صوم شهرین متتابعین و از آنحضرت منقولست که هر که سه روز از آخر
ماه شعبان را روزه دارد و وصل کند آنرا بماه رمضان ... حق سبحانه و تعالی از جهت
او روزه دو ماه پی در پی ... سه روز ... و منقولست در قوی از
عباس بن هلال که شنیدم از حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه که میفرمودند
هر که در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند حق سبحانه و تعالی او را
حشر کند با حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و واجب شود از جهت او کرامت الهی
و هر که در ماه شعبان تصدق کند ... نصف خرما باشد حق سبحانه و تعالی بدن
او را بر آتش جهنم حرام کند و هر که سه روز از آخر شعبان روزه دارد و وصل کند
بروزه ماه رمضان ... حق سبحانه و تعالی از جهت او روزه پی در پی دو ماه ...
حریز عن زراره قال قلت لابی جعفر صلوات الله علیه ما تقول فی لیلة النصف من
شعبان قال یغفر الله عز و جل فیها من خلقه لاکثر من عدد شعر معزی کلب و ینزل
الله عز و جل ملائکة الی السماء الدنیا و الی الارض بمکة و باسانید صحیحه منقولست
از حریز از زراره که گفت عرض نمودم بحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که چه میفرمائی

در شب نیمه شعبان حضرت فرمودند که حق سبحانه و تعالی می آمرزد در این شب از خلایق
زیاده از موی بزهای قبیله کلب که ایشان بز بسیار داشتند و حق سبحانه و تعالی در شب
هفتم ملائکه می فرستد به آسمان اول و بر زمین مکه و ظاهر این فرستادن که هر کسی از جهت
عبادت کنند کل در این شب اکثر اوقات ایشان به جانب زمین بسبب خیر و برکت زمین
یا از جهت آنکه لطف بر زمین مباهات فرمایند با فرشتگان والله تعالی اعلم و احادیث که در
این شب است وارد در حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه است و عبادات و دعاهای این شب و
این شب و احیای این شب بسیار است و در مصباح کبیر و اقبال ابن طاوس رحمه الله ذکر شده
اخرجت ما رویتم فی هذا المعنی فی کتاب فضائل شعبان و محققین روزه ماه
از کتب اصول معتبره درج کرده ام در کتاب جداگانه در فضائل شعبان از حق که تالیف کرده ام
اخبار بسیار منقول است و در صحیح از عبدالله بن فضل که حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه فرمودند که روزه ماه شعبان ذخیره ایست از جهت روز قیامت و
هر بنده از بندگان حق سبحانه و تعالی که بسیار بگوید روزه شعبان را حق سبحانه و تعالی
امر معاش او را اصلاح فرماید و کفایت فرماید از جهت او شر دشمنان او را و کمتر
خیر بکمال از جهت روزه داران ماه شعبان است از جهت ایشان
می شود و منقول است از حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم که حضرت سید الانبیا
صلی الله علیه و آله فرمودند که شعبان ماه من است هر که یک روز از ماه من روزه دارد من
شفیع او خواهم بود در روز قیامت و هر که دو روز از ماه شعبان روزه دارد حق
سبحانه و تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و هر که سه روز از ماه من روزه دارد
با او گویند که عمل از سر گیر که گناهان گذشته را بخشیدند و در صحیح صحیح و موثق کالصحیح
و حسن کالصحیح منقول است که حلبی و سماعه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
پرسیدند که آیا صحیح است از پدران بزرگوار شما روزه ماه شعبان را که حضرت

فرمودند که بهترین بدان من حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله بودند و آن حضرت میگفتند
و صله قد تمت الشهر و اما ما فی حدیث طولانی مثل حدیث روایت کرده است
از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله که هر که یک روز روزه بدارد ثواب این است نمی
بیند و از اخبار متواتره ظاهر می شود که فضیلت شعبان بیشتر از فضیلت رجب است
باب فضل شهر رمضان و ثواب صیامه بدانکه فضائل ماه مبارک رمضان
و ثواب روزه ماه رمضان و افطار از حد حصر بیرون است و ثواب مطلق را حدیث بلاغ
که در خصوص این وارد شده است روی الحسن بن محبوب عن ابی ایوب عن ابی الورد عن
ابی جعفر صلوات الله علیه قال خطب رسول الله صلی الله علیه و آله فی آخر جمعة من شعبان فحمد
الله و اثنی علیه ثم قال ایها الناس انه قد اظلکم شهر فیه لیلة خیر من الف شهر و هو شهر
رمضان فرض الله صیامه و جعل قیام لیلة فیه بتطوع صلوة کمن تطوع بصلوة سبعین
لیلة فیما سواه من الشهور و جعل لمن تطوع فیه بخصلة من خصال الخیر و البر کاجر من ادی
فریضة من فرائض الله کان کمن ادی سبعین فریضة فیما سواه من الشهور و هو شهر الصبر
و ان الصبر ثوابه الجنة و هو شهر المواساة و هو شهر یزید الله فیه فی رزق المومن
و من فطر فیه مومنا صائما کان له بذلک عند الله عتق رقبة و مغفرة لذنوبه فیما
مضی فقیل له یا رسول الله لیس کلنا نقدر علی ان نفطر صائما فقال ان الله تبارک و تعالی
کریم یعطی هذا الثواب منکم لمن لم یقدر الا علی مذقة من لبن یفطر بها صائما او شربة
من ماء عذب او تمیرات لا یقدر علی اکثر من ذلک و من خفف فیه عن مملوکه
خفف الله عز و جل علیه حسابه و هو شهر اوله رحمة و وسطه مغفرة و آخره اجابة
والعتق من النار و لا غنی بکم فیه عن اربع خصال خصلتین ترضون الله بهما و
خصلتین لا غنی بکم عنهما فاما اللتان ترضون الله بهما فشهادة ان لا اله الا
الله و انی رسول الله و اما اللتان لا غنی بکم عنهما فتسئلون الله فیه حوائجکم و الجنة

و دست اوزن الله فيه اياه هم و تعوذون به من النار و در حديث القدسی منقول است
که حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه فرمودند که حضرت سيد المرسلين صلى الله عليه وآله وسلم
از ماه شعبان خبر ميفرمودند و جمعه [illegible] ماهی [illegible] فرمودند که
ای گروه مومنان بتحقيق که سايه بر شما افکنده است ماهی بزرگ [illegible] شريف که ماهی
بزرگ است شما ماهی [illegible] است از هزار ماه يعنی [illegible]
[illegible] ماهی که [illegible] ماه رمضان [illegible] حق
سبحانه و تعالى روزه [illegible] بر شما واجب کرده است [illegible]
[illegible] ماهها [illegible]
[illegible] ماه عمل خيری [illegible]
ديگر واجبی [illegible]
باشد که [illegible]
[illegible] و ثواب صبر بهشت است و اين ماهی است [illegible]
رسند که [illegible]
تعالى [illegible] روزی مومنان را زياد [illegible]
[illegible] نزد حق سبحانه و تعالى [illegible]
[illegible] عرض [illegible] که يا رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible]
[illegible] فرمايند [illegible] حضرت فرمودند که بتحقيق که حق سبحانه و تعالى کريم است
و اين ثواب را [illegible]
[illegible]
[illegible]
روز قيامت [illegible]

دهانی

دهانی او نشينی [illegible] و آخرش اجابت [illegible]
[illegible] چهار چيز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و اعتقاد [illegible]
[illegible] عليهم
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] تعالى
[illegible] رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible] شهر رمضان [illegible]
[illegible] الله [illegible] عليه
[illegible] شهر [illegible] و هو سيد الشهور و فيه ليلة خير من
الف شهر [illegible] فيه ابواب النار و تفتح فيه ابواب الجنان [illegible]
الله و من ادرک [illegible] الله [illegible] على الله
[illegible] منقول است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه [illegible]
[illegible] ماه رمضان [illegible] ماه شعبان [illegible]
[illegible] حضرت سيد المرسلين صلى الله عليه و آله [illegible] فرمودند [illegible]
حاضر شوند [illegible]
[illegible] حاضر شويد [illegible]
[illegible] حضور مسجد

باشد بر چنانکه ظاهر عبارت است یعنی چون بلال [illegible] کرد و مردمان حاضر شدند در شک
بر منبر فرمودند و حمد و ثنای الهی بجا آوردند و بعد از ان فرمودند که ای مردمان [illegible]
این ماه رمضان نزدیک شده است و این بهترین ماههاست چنانچه [illegible] است که بهتر از
هزار ماه است درهای دوزخ در ان بسته می شود و درهای بهشت در ان گشاده می گردد
پس کسی که این ماه را دریابد و چنان نکند که امرزیده شود بسبب ترک رضای [illegible] طاعات
خصوصا روزه پس حق سبحانه و تعالی او را از رحمت خود دور گرداند یعنی لعنت خدا بر او
باد و هر که دریابد پدر یا مادر یا هر دو را و چنان نکند که بر او احسان و خدمت ایشان
که امرزیده شود پس حق سبحانه و تعالی او را از رحمت خود دور گرداند یعنی لعنت باد بر
وی [illegible] معصوم [illegible] صلوة بر انحضرت متواتر است از طرق صحابه و عامه [illegible]
میکند بر وجود [illegible] بر انحضرت [illegible] شود خواه [illegible] باشد یا [illegible]
بغیر چنانکه [illegible] محجوب بود [illegible] و صلوة [illegible]
ظاهرا خصوصیتی بماه رمضان ندارد چنانکه ظاهر لفظ است و ممکن است که در خصوص این ماه
باشد بنوعی مقام دیگر است که همیشه خود مطلوب باشد و لیکن چون احتمال [illegible]
ماه بیشتر است شاید باین اعتبار مقصود همین ماه باشد [illegible] درهای جهنم
و گشودن درهای بهشت ممکن است که ظاهر شان مراد باشد [illegible] که کسی در این ماه
بمیرد به بهشت می رود هر چند مستحق جهنم شده باشد [illegible] کافر و [illegible]
ماه ایشان را عذاب نکنند و محتمل است که مراد این باشد که چون روزه حقیقی آنست که
جمیع اعضا و جوارح از مخالفت الهی باز ایستند و بطاعت و عبادت مشغول
باشند پس گویا که درهای دوزخ بسته شده است و درهای بهشت گشوده است
یا آنکه چون بسبب روزه قوای شهوانی و غضبی ضعیف می شوند درهای جهنم که
از اعضای معصیت کار [illegible] و گوش و زبان و [illegible] بسته اند و [illegible]

کنی

۷
در عمل اعضا و اشتغال بعبادت
میدارد با دل بحسب نیات
خالصه و صفای دل و شکر و رضا
درهای بهشت گشوده می شود

[illegible] و بادست و بانو [illegible] احادیث بسیار [illegible] بود در [illegible] مع جمیع
بیست که هر مراد باشد در جمیع مسائل مراد باشد از احادیث بسیار که در صوم رجب
و شعبان وارد شده است که هر که هفت روز از ان روزه دارد و هفت در جهنم بسته شود
و هر که هشت روز از ان روزه دارد توفیقات عبادات و طاعات او زیاده شود و
کاملا شود خصوصا باعتقاد بنوعی سبب شود [illegible] باعث احتوا [illegible] واقع شود و چون این معنی
را تحریم [illegible] جرات باین احتمال میکنم و ظواهر این عبارات خود مذکور [illegible]
احتمال شهد [illegible] چون جرم [illegible] و لیکن مهما امکن [illegible] اراده [illegible] نشود [illegible] حالکه
بسیاری از علما کرده اند بسبب استنباطات [illegible] الاحکام الهی [illegible] تعالی بعلم
و بسند [illegible] عن ابی جعفر صلوة الله علیه قال کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا نظر الی
هلال شهر رمضان استقبل القبلة بوجهه ثم قال اللهم اهله علینا بالامن والایمان
والسلامة والاسلام والعافیة المجللة والرزق الواسع ودفع الاسقام وتلاوة القرآن
والعون على الصلوة والصیام اللهم سلمنا لشهر رمضان وسلمه لنا وتسلمه منا حتى ینقضی
شهر رمضان وقد غفرت لنا ثم یقبل بوجهه على الناس فیقول یا معشر الناس اذا طلع
هلال شهر رمضان غلت مردة الشیاطین وفتحت ابواب السماء وابواب الجنان وابواب
الرحمة وغلقت ابواب النار واستجیب الدعاء وکان لله تبارک وتعالى عند کل فطر
عتقاء یعتقهم من النار وینادی مناد کل لیلة هل من سائل هل من مستغفر اللهم اعط
کل منفق خلفا واعط کل ممسک تلفا حتى اذا طلع هلال شوال نودی المؤمنون ان
اغدوا الى جوائزکم فهو یوم الجائزة ثم قال ابو جعفر صلوة الله علیه اما والذی نفسی
بیده ما هی بجائزة الدنانیر والدراهم و کالصحیح منقول است از حضرت امام محمد باقر صلوات
الله علیه که در آن حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله این بود که چون نظر بماه [illegible]
میکردند روی خود را بجانب قبله میکردند و این دعا را میخواندند [illegible]

[illegible] اشاره بار [illegible] این [illegible] را [illegible]

این [illegible] خواهد [illegible] این [illegible] را [illegible]

تفت [illegible] خود [illegible] و با سلامتی [illegible]

سبب [illegible] و قرب [illegible] عشر [illegible] با عافیت که

[illegible] جمیع اعضا از آفات [illegible] علم [illegible]

[illegible] شود که خلاف [illegible] نوشته [illegible]

ظاهر و باطن و مغفرت باشد این ماه بتلاوت قرآن مجید و با عانت [illegible]

خدا و [illegible] سلامت [illegible] از جهت [illegible] عبادات [illegible]

آدمی [illegible] این [illegible] ما [illegible] بعد [illegible] شیم [illegible] با شی

[illegible] فرموده [illegible] حقیقی [illegible] شد [illegible]

مکر [illegible] چون [illegible] بود [illegible] عمل میکند

[illegible] ان شیاطین [illegible] بزرگان [illegible] شیاطین [illegible]

باشند که از اطاعت الهی که [illegible] و [illegible] شود

[illegible] اداره [illegible] شیاطین [illegible] شود

[illegible] ایشان را عمل کرده [illegible] رحمت الهی [illegible]

[illegible] شود و درهای [illegible] شود و سبب طاعات و عبادات

[illegible] درهای [illegible] شود [illegible]

دعاها مستجاب [illegible] شود [illegible]

[illegible] ابتدا میکند [illegible] شب [illegible] آخر شب [illegible]

[illegible] که [illegible] کسی [illegible]

کند [illegible] خدا [illegible] اورا عوض [illegible]

در خلیل [illegible] که [illegible] الحمد [illegible] باید کردن [illegible]

[illegible] شود ماه شوال [illegible] عید که فردا [illegible]

[illegible] که عید [illegible] فردا [illegible]

[illegible] که [illegible] حضرت امام محمد [illegible] علیه فرموده که

[illegible] قدرت [illegible]

[illegible] مغفرت در رحمت [illegible]

[illegible] که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله [illegible] فرموده [illegible] شد

[illegible] خطبه [illegible] علیهم [illegible] مقام [illegible]

[illegible] احادیث [illegible] چند [illegible]

[illegible] فرموده باشند [illegible] عن [illegible]

[illegible] علیه [illegible] النبی صلی الله علیه وآله [illegible] دخل المسجد

[illegible] الناس [illegible] خطیبا فقال بعد الثناء علی الله تعالی

[illegible] علی [illegible] الا [illegible]

[illegible] علیه شهر رمضان [illegible] صیام [illegible] من

[illegible] الی [illegible]

بجایزة الرب عز وجل [illegible] الله صلوة الله علیه [illegible] الله [illegible] لیست [illegible]

[illegible] که حضرت امام محمد [illegible] صلوة الله علیه فرمودند که [illegible]

حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله [illegible] شد [illegible] مسجد

[illegible] مردمان جمع [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] و خطبه [illegible] حمد و ثنای الهی کرده [illegible] فرمودند که [illegible]

[illegible] سوال [illegible] محفی [illegible]

نموده‌ام بعضی عالم را ... حقیقتها هست که ظاهر نکنم ... مذکور ... چیزی را که میدانم از شما
مخفی بکنیم و ... را میدانیم و معنی اول اظهر ... چنانکه خواهد آمد که ... در هر شب
در باره آنحضرت می‌آید چون هلال ماه ... شد ای مردمان بدانید که هر که ماه رمضان بر او داخل
شود و ... باشد و ... باشد در روزهای او او روزه دارد و بعضی از شبهای
او را بعبادت الهی برخیزد و نمازهای او را در اوایل اوقات بجا آورد و در هوای ... نماز
جمعه ... حاضر شود و ... صباح عید ... نماز عید را بجا آورد بتحقیق که ادراک کرده
شب قدر را چون هر شب ... اگر چه ... یافته ... امداد
برای اعمال ... که حق سبحانه و تعالی ... کرده ... مایل ... میباید
جایزه ... حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه ... شوند ... که ... قبل ... مردمان
باشد ... جایی را خواهد یافت
وقال ابو جعفر صلوة الله علیه لجابر یا جابر من دخل علیه شهر رمضان فصام نهاره وقام وردا
من لیله وحفظ فرجه ولسانه وغض بصره وکف اذاه خرج من الذنوب کیوم ولدته
امه قال جابر قلت له جعلت فداك ما احسن هذا من حدیث قال ما اشد هذا من شرط
کالصحیح منقول است که حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه بجابر جعفی فرمودند که ای جابر
هر که ماه رمضان داخل شود ... روزش را روزه دارد و بعضی از شبش را بعبادت
الهی برخیزد و حفظ کند فرجش را از معاصی در کل ماه ... شبها و زبانش از هر چه
بد باشد و چشم خود را بپوشاند از انچه که نظر باو ... و جفا کند ... یکی
... مانند روزی که از مادر متولد شده ... جابر گفت ...
... حدیثی است حضرت فرمودند که ... شرطها و ...
انچه کلینی و شیخ ... نیز روایت کرده‌اند از جابر جعفی از حضرت امام محمد باقر صلوات

الله علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله بجابر بن عبد الله انصاری فرمودند
در فقره ... قریب ... بسبب ... رسول صلی الله علیه و آله دعا ... کرده‌اند
باین عبارت و ... مخالفت دارد با عبارت ... ظاهر است که حضرت امام
محمد باقر صلی الله علیه بجابر جعفی نیز فرموده باشند چنانکه حضرت سید المرسلین صلی الله
علیه و آله بجابر انصاری فرموده اند و احتمال ... هست که ... حدیث ... باشد
باشد و ... نقل بالمعنی ... باشد چون ... کرده‌ام و اکثر احادیثی که در فضائل نقل
کرده‌ست ... عمل ... در ثواب الاعمال نقل کرده ... باکافی ...
ثواب الاعمال ... و قال ... که ... رسول الله صلی الله علیه و آله یا شد
وعلی ای حال معنی مختلف نیست وقال علی صلوة الله علیه لما حضر شهر رمضان قام
رسول الله صلی الله علیه و آله فحمد الله واثنی علیه ثم قال ایها الناس کفاکم الله عدوکم من
الجن والانس وقال ادعونی استجب لکم ووعدکم الاجابة الا وقد وکل الله عز وجل بکل
شیطان مرید سبعة من الملائکة فلیس بمحلول حتی ینقضی شهرکم هذا الا وابواب السماء
مفتحة من اول لیلة منه الا والدعاء فیه مقبول ... منقول است که
چون ماه رمضان حاضر شد ... داخل شد ... چنانکه گذشت حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله ... مردمان ... بر خود
ثنای الهی بجای آوردند پس فرمودند که ای مردمان حق سبحانه و تعالی کفایت نموده است
شر دشمنان شما را ... جن ... آدمیان ... دعا ... کرده که
... استجابت کنم
و شما را وعده اجابت داده است یعنی ... اکرم الاکرمین خلف وعده کند و
... شیاطین باشند ... کفایت کرده است
و بتحقیق که حق سبحانه و تعالی موکل ساخته است بهر شیطانی متمرد ... نفر از ... ملائکه را

که ملائکه ندا می‌کنند که [illegible] بر شما مسلط کرده [illegible] کرده اند [illegible]
اجابت دعا و [illegible] درهای آسمان
گشوده می‌شود از شب اول تا آخر شب آخر ماه یا [illegible] مقبول
[illegible] شیاطین [illegible] مدفوع
با دعا [illegible] مقبول [illegible] رمضان
درهای آسمان گشوده می‌شود و شیاطین را زنجیر می‌کنند و اعمال مؤمنان مقبول می‌شود
[illegible] ماه رمضان [illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] در هر ماه [illegible] می‌شود و حاجات [illegible]
می‌شود [illegible] محمد بن مروان [illegible]
صلوات الله علیه [illegible] تعالی فی کل لیلة من شهر رمضان عتقاء و طلقاء
من النار الا من افطر علی مسکر [illegible] فی جمیع
[illegible] منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که حق
[illegible] در هر شبی از شبهای ماه رمضان آزاد کرده [illegible]
آتش جهنم مگر کسی که افطار کند [illegible] شب آخر می‌شود آزاد
میکند [illegible] آزاد کرده [illegible]
[illegible] از اهل البیت صلوات الله علیهم یعنی از معصوم که [illegible]
در شب اول ماه [illegible] آزاد میکند [illegible] می‌شود
در هر شبی آزاد می‌فرماید [illegible] آزاد می‌شود [illegible]
شب آخر مثل [illegible] آزاد میکند در شب فطر مثل مجموع آزاد می‌فرماید و چون
آزاد کردن [illegible] کسی [illegible] آزاد شود و فی روایة
عمر بن یزید الا من افطر علی مسکر او مشاحن او صاحب شاهین و هو الشطرنج [illegible]

[illegible]

صحیح از عمر بن یزید منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که
حق تعالی [illegible] در هر شبی از شبهای ماه رمضان آزاد [illegible] از آتش جهنم
مگر کسی که افطار کند بر مسکری [illegible]
عداوت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا دخل شهر رمضان اطلق کل
اسیر و اعطی کل سائل [illegible]
که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] ماه رمضان هر اسیری که
[illegible]
[illegible]
ماه رمضان [illegible] سؤال میکرد [illegible] عطا میکردند
[illegible] هشام بن الحکم عن ابی عبد الله صلوات الله علیه قال من لم یغفر له
فی شهر رمضان لم یغفر له الی قابل الا ان یشهد عرفة و در حدیث صحیح [illegible] منقول
است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند [illegible] در ماه رمضان [illegible]
[illegible]
[illegible] هر شب چندین هزار کس را
[illegible]
[illegible] کان الصادق صلوات
الله علیه یوصی ولده و یقول اذا دخل شهر رمضان فاجهدوا انفسکم فان فیه

کقسم الارزاق و یکتب الآجال و فیه یکتب وفد الله الذین یفدون الیه و فیه
لیلة القدر فیها خیر من الف شهر و در موثق کالصحیح منقول است از سماعه که گفت
شنیدم که آنحضرت ص وصیت و نصیحت میکرد فرزندان خود را و فرمودند که هرگاه
رمضان داخل شود پس خود را بتعب اندازید در طاعت و عبادت حق سبحانه و تعالی در آن
در این ماه قسمت می‌شود روزیهای خلایق و نوشته می‌شود مدتهای عمر ایشان و در این ماه
نوشته می‌شود حاجیان بیت الله الحرام و در این ماه شبی هست که عبادت در آن شب بهتر
است از عبادت هزار شب و معلوم نیست که در کدام شب است پس باید که همه شبها
را بعبادت بسر آورید تا شب قدر را یقینا دریافته باشید و چون قسمت ارزاق
و آجال در این ماه می‌شود پس اگر در عبادات کوشید نصیب شما عظیم خواهد
شد و عمر شما دراز می‌شود و توفیق حج می‌یابید و قال الصادق صلوة الله علیه ان عدة
الشهور عند الله اثنی عشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السموات والارض فغرة الشهور
شهر الله و هو شهر رمضان و قلب شهر رمضان لیلة القدر و نزل القرآن فی اول
لیلة من شهر رمضان فاستقبل الشهر بالقرآن قال مصنف هذا الکتاب رضی الله عنه واستقبل ۲
کذا انزل نزول القرآن لیلة القدر و در حسن کالصحیح منقول است از عبد الله بن مغیره از
عمرو شامی که آنحضرت ص فرمودند که عدد ماهها نزد حق سبحانه و تعالی دوازده
ماه است از آن روزی که حق سبحانه و تعالی آسمانها و زمین را آفرید تا انتها است پس
اولها ماه خدا است که آن ماه رمضان است یعنی باتفاق [illegible] رمضان
شهر الله است پس باید که اول باشد و اگر کسی گوید که بعضی [illegible]
گرد [illegible] و بعضی ذی القعده [illegible] شب روز شود [illegible]
ظاهر شدن آفتاب است بر روی زمین و پنهان شدن آفتاب است زیر زمین
پس چگونه همه شود [illegible] این است که [illegible] دلالت میکند بر آنکه

بیشتر

بیشتر بوده شب بوده است یا فرو رفتن آفتاب و غایب شدن و ظاهر شدن آن ب
با نجس [illegible] اول ماه رمضان شب قدر است و تشبیه دل باعتبار آنست که
چون دل جسمانی که شکل صنوبری دارد اشرف اعضای بدن است چون روح
حیوانی از آنجا به بدن منتشر می‌شود همچنین رحمتها در شب قدر بسایر لیل
میرسد اگر فقیر ناطق باشد اظهر است و نازل شدن قرآن در شب اول ماه رمضان پس
استقبال کن این ماه را بجو اعنی قرآن در شب اول این ماه چون قرآن در شب اول نازل
شده است و بنابر تحریر استقبل بالمجهول خوانده می‌شود یعنی از شرف این
[illegible] داخل ماه قرآن استقبال کرده یعنی مناسبت دارد خواندن قرآن و اهل الطهر
است چنانکه در کافی و تهذیب است بعد از [illegible] امالی صحیح قدیم نوادر است و چون ظاهر
شب قدر ۲ قرآن دال است بر آنکه قرآن در شب قدر نازل شده است و باعتقاد صدوق [illegible]
سیوم شب است بحدیث را تاویل کرده است باینکه ابتداء نزول قرآن در شب اول بود و در
شب قدر تمام نازل شد و شکی نیست که قرآن در عرض بیست سال یا بیست و
سال نازل شده است پس مراد نزول قرآن در اول [illegible] خواهد بود که از لوح
محفوظ به بیت المعمور آمده باشد و در شب قدر باسمان دنیا که فلک قمر است
[illegible] در عرض [illegible] بحضرت نازل شده باشد سوره سوره و آیه آیه [illegible] که اول
[illegible] سه سال بوده در سه سال متوالی متفرق قرآن [illegible]
دارد است که آخر سوره که نازل شد اذا جاء نصر الله بود که در فتح
[illegible] آنحضرت قریب سه سال شد چنانکه در بعضی [illegible]
[illegible] شوره [illegible] که در سال [illegible] نازل شد [illegible] خواهد بود و در
موثق کالصحیح منقول است از حفص که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوة
الله علیه که حق سبحانه و تعالی فرموده است که قرآن [illegible] نازل شده

حق الله در بست ... ان نازل شد حضرت فرمود که چون نازل شد در بیت المعمور و از آنجا
فرمود ... سال نازل شد و از آنجا حضرت ... که قرآن از آسمان دنیا ... در
بیست ... سال نازل شد حق ... بیست و سه سال ... در ... سال
... المذکور ... حفص بن البختری قال سمعت ابا عبد الله صلوات الله علیه یقول ان ... رمضان
لم یفرضه الله صیامه علی احد من الامم قبلنا فقلت له فقول الله عز و جل یا ایها الذین
آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم قال انما فرض الله علیهم شهر رمضان علی
الانبیاء دون الامم ففضل به هذه الامة وجعل صیامه فرضا علی رسول الله صلی الله علیه
و آله و علی امته و قد اخرجت بجزء الانصار و ... فی ... المعتبر ... رمضان
رمضان و کما فی الصحیح منقول است از حفص که گفت شنیدم که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه میفرمودند که حق سبحانه و تعالی روزه ماه رمضان بر هیچ امتی پیش از ما واجب
نگردانید ... حق سبحانه و تعالی ... واجب شده
روزه بر شما چنانکه واجب شده بود بر جمعی که پیش از شما بودند حضرت فرمودند که روزه
ماه رمضان واجب نبود مگر بر پیغمبران ... حق سبحانه و تعالی این امت را بر
سایر امم فضیلت داد به روزه ماه رمضان و واجب گردانید بر سول خدا و امت او و بحقیق
که این احادیث ... باب که ... در فضل صوم ماه رمضان
... کرده ام در کتابی مخصوص فضیلت صوم ماه رمضان و کما فی الصحیح منقول است از محمد بن
مسلم که گفت از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که فرمودند که حق سبحانه و تعالی
فرشتگانی چند هست که موکلند بر روزه داران و استغفار میکنند ...
از اول ماه تا آخر ... روزه داران را در هر شب ... افطار ... ندا ... که بشارت
باد شما را ای بندگان حق سبحانه و تعالی که ... گرسنگی کشیدید و بسیار ... خواهید کرد
حق سبحانه و تعالی برکت ... عمر شما و ... چون شب اول ...

الخیر ... بدانید که ... باد شما را ای بندگان حق سبحانه و تعالی که حق سبحانه و تعالی
گناهان شما را آمرزید و توبه شما را قبول کرد و ... کنید که بعد از این ... کنید و در ...
کما فی الصحیح منقول است از ابی الفضل از حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه از آبای
کرام او صلوات الله علیهم که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده اند که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله خطبه فرمودند مشتمل بر حمد و ثنای الهی ... پس فرمودند که
ایها الناس ... ماه خدا ... حق سبحانه و تعالی ... شما ... ماهی است که ... رحمت
مغفرت ماهی است که نزد حق سبحانه و تعالی بهترین ماههاست و روزهای آن بهترین
روزها ... و شبهای آن ... ساعات آن بهترین ساعتها است ماهی
که در آن ... شما را ... حق ... شما اهل کرامت الهی کرده اند ...
... که ... شد ... نامه عمل شما تسبیح ... و خواب شما ... عبادت
و عمل شما مقبول است و دعای شما مستجاب است پس ... کنید ... خود را
خالص ... پاک ... و ... تا ... توفیق
کرامت ... کند ... توفیق دهد که تلاوت
کنید قرآن مجید ... تلاوت ... کرد ...
... یاد کنید ... گرسنگی ... تشنگی قیامت را
تصدق کنید بر فقرا و مساکین خود از مؤمنان و تعظیم کنید پیران خود را و رحم کنید
... خود را و احسان کنید ... خود را یعنی ... که مؤمن باشند ...
... که صالح باشند ... خواهد بود ... زبانهای خود را نگاه دارید
از غیبت ... و ... چشمهای خود را از چیزی چند که نباید
نظر کردن ... شنیدن آن را و مهربانی کنید بر یتیمان
خود ... کنند بر یتیمان شما ... کنید ... گناهان خود

دستهارا بجانب او بدعا در اوقات نمازها که آن وقتها بهترین ساعتهاست و حق
قبول میکند دعاهای حق سبحانه وتعالی درین اوقات نظر شفقت و رحمت میفرماید به
بندگان خود و اگر آهسته بخوانند او را اجابت میکند دعای ایشان را و اگر بلند بخوانند او را
لبیک عبدی میفرماید و لبیک الهی بمعنی اجابت دعاست و مستجاب میکرداند دعوات
شما را ای گروه مردمان بدرستیکه نفوس شما گرو کرده اعمال شماست پس نفوس خود را رهانی
دهید باستغفار و طلب آمرزش و پشتهای شما از بار گناهان سنگین است پس سبک سازید
گناهان خود را از پشتهای خود بدرازی سجود و بدانید که حق سبحانه وتعالی قسم یاد
کرده است بعزت و بزرگواری خود که عذاب نکند نمازگزاران و سجود کنندگان را و نترساند
ایشان را از آتش دوزخ در روزی که همه ایستاده باشند که پروردگار عالمیان حساب
کند ایشان را ای مردمان هرکه از شما افطار فرماید روزه داری را که مومن باشد درین ماه
از جهة او میرسد آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته او عوض خود بندگی یا رسول
الله صلی الله علیه وآله همه قدرت نداریم که همه افطار فرمائیم حضرت فرمودند که بپرهیزید
از آتش جهنم اگرچه بنصف خرما باشد بترسید از عذاب الهی و افطار فرمائید اگرچه
بشربتی از آب باشد ای مردمان هرکه درین ماه خلق خود را نیکو کند فردای قیامت از صراط
بگذرد در روزی که قدمها از صراط بلغزد بسبب لغزشهای دنیا در مخالفت
الهی و هرکه درین ماه سبک کند خدمت را از غلام و کنیز خود حق سبحانه وتعالی حساب را
بر او آسان کند و هرکه شر خود را نگاهدارد از مردم و در این ماه نکند حق سبحانه وتعالی
غضب خود را از او بازدارد در روز قیامت یا در وقت مردن یا در قبر و هرکه گرامی
میکند خداوند خود را یا یکی جزای عمل او را باو دهند انچه و هرچه مراد او باشد از ملاقات در
ثواب و اجابت این است و هرکه درین ماه یتیمی را گرامی دارد حق سبحانه وتعالی او را گرامی
دارد در روز قیامت ملاقات کند خداوند خود را و هرکه نیکی کند با خویشان خود حق سبحانه وتعالی

او را برحمت خود نزدیک گرداند روزی که ملاقات کند او را و هرکه درین ماه قطع کند رحم
خود را حق سبحانه وتعالی او را از رحمت خود قطع کند در روز ملاقات و هرکه درین ماه
نماز سنتی بکند بنویسند از جهة او برائتی از آتش یعنی بریست از آتش دوزخ و هرکه
درین ماه واجبی را ادا کند او را ثواب ادا کردن هفتاد فریضه که در ماههای دیگر ادا کرده باشد
بجاه او دهند و هرکه درین ماه صلوة بر من بسیار فرستد حق تعالی سنگین کند ترازوی عمل
او را در روزی که ترازوها از حسنات سبک باشد و هرکه درین ماه آیه از قرآن مجید تلاوت
کند او را ثواب ختم قرآن در غیر این ماه کرامت فرمایند ای گروه مردمان بدرستیکه در ماهی
بهشت درین ماه گشوده است از پروردگار خود سوال کنید که آن درها را بر روی شما نبندد
و درهای دوزخ را بر روی شما بسته اند از پروردگار خود سوال کنید که آن درها را بروی
شما نگشاید و شیاطین را غل کرده اند از پروردگار خود سوال کنید که دیگر ایشان را بر شما
مسلط نکند پس حضرت امیرالمومنین صلوة الله علیه فرمودند که من برخاستم و گفتم یا رسول
الله صلی الله علیه وآله چه عمل درین ماه بهتر است از همه اعمال حضرت فرمودند که یا ابا الحسن
بهترین اعمال درین ماه ورع و پرهیزکاری است از محرماتی که حق سبحانه وتعالی آنها را حرام
کرده است پس حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله گریستند عرض کردم که یا رسول الله
صلی الله علیه وآله سبب گریه شما چیست فرمودند که از آن میگریم که درین ماه ترا شهید خواهند
کرد و میبینم ترا ای که شقی ترین پیشینیان و پسینیان و برادر آنکسی که پی کرد ناقه صالح را
ضربتی بسر تو زند که محاسن ترا رنگین شود پس حضرت امیرالمومنین صلوة الله علیه
گفتند که عرض کردم یا رسول الله صلی الله علیه وآله در آن وقت دین من بسلامت باشد
حضرت فرمودند دین تو بسلامت خواهد بود پس فرمودند که یا علی هرکه ترا شهید کند مرا
شهید کرده است و هرکه با تو دشمنی کند با من دشمنی کرده است و هرکه ترا ناسزا گوید مرا ناسزا
گفته است زیرا که تو از منی بمنزله جان منی روح تو از روح منست و طینت تو از طینت

[illegible] و از [illegible] گرد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قسم باد [illegible] که مرا مبعوث [illegible]

[illegible] خدا

[illegible] حضرت [illegible]

حضرت موسی علیه السلام [illegible]

رسید که [illegible]

[illegible]

ترسی تو خطاب رسید [illegible]

[illegible]

[illegible] خطاب رسید [illegible]

[illegible]

رسید که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در تفسیر [illegible] مذکور خواهد شد ان شاء الله [illegible]

باب [illegible] اول شهر رمضان قال امیر المؤمنین علیه صلوات الله

علیه اذا رأیت الهلال فلا تبرح وقل اللهم انی اسئلک خیر هذا الشهر [illegible]

دعوه

[illegible] اسئلک خیر ما فیه وخیر ما بعده واعوذ بک من شر

ما فیه وشر ما بعده اللهم ادخله علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام والبرکة

والتقوی والتوفیق لما تحب وترضی [illegible] دعاهای که مستحب است خواندن آن

در وقت دیدن هلال ماه رمضان [illegible]

[illegible]

[illegible] شوال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نقل کرده است این است که الحمد لله الذی خلقنی وخلقک [illegible]

مواقیت للناس اللهم اهله علینا اهلالا مبارکا اللهم [illegible] والسلامة والاسلام

والیقین والایمان والبر والتقوی والتوفیق لما تحب وترضی [illegible]

[illegible] حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کرحیف محرحال باشد وکی [illegible] در یادی هفتهای خاص خرم از بوذی [illegible] صالح السیار
و هفتهای ماه [illegible] کران علو و عدالت و اخلاص و رضا [illegible] و هر ست [illegible] حکم بسیار
ست کر [illegible] هفتهای خرم و استعمال این ماه [illegible] تو سوال میکنم که دی بماه مطهر شوم
از گناهان ادم [illegible] برکت گناهان [illegible] بد و بعد از این [illegible] خواهم کرد [illegible]
خلاف رضای تو باشد حق مناجات داکنم [illegible] تو سوال میکنم [illegible] را در بماه واز تو
سوال میکنم [illegible] خیرهای این ماه و [illegible] خوشیهای بعد از بماه [illegible] از هفتهای طاهره
و باطنه در ماه [illegible] ارم از شر [illegible] بعد از بماه بت کرماراد
جمیع شهر ظاهری و باطنی محفوظ داری محفوظ خود کردان در این ماه [illegible]
یا ایمنی از دشمنان و با اعتقادات صحیح [illegible] و [illegible] باشد و باسلامتی [illegible] و
با طاعت و فرمان برداری [illegible] و هر [illegible] از هفتها [illegible] در خیرهای کر
توا [illegible] و این [illegible] خوشنودی فرمان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا اهل هلال
شهر رمضان استقبل القبلة و [illegible] اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة
والاسلام والعافیة المجللة والرزق الواسع ودفع الاسقام اللهم ارزقنا صیامه و قیامه
وتلاوة القرآن فیه و سلمه لنا و تسلمه منا و سلمنا فیه [illegible] منقول است [illegible]
امام محمد [illegible] الله علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله هلال ماه رمضان
را میدید [illegible] میکرد [illegible] بجانب آسمان [illegible] و [illegible]
و [illegible] بود که [illegible] بماه [illegible] با ایمنی از [illegible] و با ایمان
اعتقادات حقه و باسلامتی [illegible] با اسلام والانقیاد و فرمان برداری [illegible]
کرد [illegible] باشد [illegible] اسلام [illegible] و [illegible]
الهی که [illegible] عفو [illegible] که هر [illegible] عفو [illegible]
تا از عقاب [illegible] و [illegible] بماه [illegible]

امام و عبادت شبهای این ماه با دیدن [illegible] کن که [illegible] و [illegible] سال [illegible]
[illegible] این جهت ما کمال [illegible] شود در هلال شوال و [illegible] بانگ [illegible] بروم و [illegible]
[illegible] اینکه [illegible] چون [illegible] کریم [illegible] که [illegible] مقبول شود و ما را [illegible] من
[illegible] در روزهای [illegible] که [illegible] رضی الله عنه فی رسالة
[illegible] هلال شهر رمضان [illegible] استقبل القبلة وارفع یدیك الی الله عز
و جل و خاطب الهلال تقول ربی و ربك الله رب العالمین اللهم اهله علینا بالامن و
الایمان والسلامة والاسلام والمسارعة الی ما تحب و ترضی اللهم بارك لنا فی شهرنا
هذا و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
و [illegible] خوشنود باد [illegible] بسوی [illegible] و عبادت [illegible]
که هر [illegible] هلال [illegible] اشاره [illegible] در وقت [illegible] عوام [illegible]
و [illegible] که [illegible] در [illegible] اعتقاد [illegible]
[illegible] جهت دعا و چون آسمان [illegible]
کو [illegible] دست [illegible] طرف [illegible] دست بسوی خدا [illegible] استقبال [illegible]
است که میگویند [illegible] خدا کرد [illegible] ماه را [illegible] کار [illegible]
تو [illegible] کار عالمیان [illegible] از [illegible]
و [illegible] فرمان [illegible] این ماه را [illegible] شر اعادی ظاهر و باطن که
شیاطین [illegible] اعتقادات حقه و باسلامتی و بالانقیاد و فرمان برداری و [illegible]
[illegible] که [illegible] دست [illegible] از اعمال صالحه [illegible]
و [illegible] این جهت [illegible] ماه [illegible] بماه [illegible]
احوال ما [illegible] و [illegible] و بلاهای [illegible] ما [illegible]
که [illegible] مارا [illegible] ابتلاء [illegible]

قول امیر المؤمنین [illegible] علیه [illegible] ایها الخلق المطیع الدائب السریع
المتردد فی منازل التقدیر المتصرف فی فلک التدبیر آمنت بمن نور بک الظلم و اوضح بک
البهم و جعلک آیة من آیات سلطانه و امتهنک بالزیادة والنقصان والطلوع والافول
والانارة والکسوف فی کل ذلک انت له مطیع و الی ارادته سریع سبحانه ما اعجب ما دبر
[illegible]
امن و ایمان و سلامة و اسلام هلال امنة من الآفات و سلامة من السیئات اللهم
اجعلنا اهدی من طلع علیه و ازکی من نظر الیه و صل علی محمد و آله [illegible] یا ارحم
الراحمین منقول است که [illegible] امیر المؤمنین [illegible] علیه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ماه رجب و شعبان و دحو الارض و نه روز ذی الحجه و روز غدیر [illegible]
[illegible] و نه روز محرم [illegible] مولد نبی صلی الله علیه و آله [illegible]

استحبا [illegible] و ماه شوال [illegible] و ذی حجه [illegible] حرام
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الا تعلمون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

اسحبا

بر خلاف این قول اول بر خلاف ضرورت حس است ولیکن ممکن است که ایشان نیز مشتمل بر حیات
باشند و شعوری داشته باشند و احوال ایشان بر ما پوشیده است مثل بسیاری از امور دیگر چنانکه احوال
مخلوقات عجیبه که در این باب وارد شده است و حق سبحانه و تعالی فرموده است که کرمنا بنی آدم ... ممن خلقنا
تفضیلا و ابحجه گذشت بر سبیل احتمال است و جمعی ممکن این احوال را باعتبار الهیه بوده داده
شده است در مذهب ... و بعضی از تعلم و تعلیم نجوم و شکی نیست در اینکه بعضی از کواکب بوده اند
و هستند و کواکب و امور تمام مثل اجداد و اجداد وجود میداشته اند و ... رسید عده و
تفصیل کلام بعد از بین خواهد شد ... تجارت ... الله و محتمل است که ... القمر
نیست و ... قول معروف قریب است که ماه در روشنائی و تاریکی تقریبا ... هیئت
باشد که آن زیاده و نقصان و کواکب سیاره هر یک ... در منازل ... و ... ملل
تعجب ... قسمت کرده اند ... الافلاک دایر ... و نیستند ... منوال
هر کوکبی از کواکب سیارات و ثوابت که حرکات خود را ... بر دور آن ... تحت اعلام
داخل این برج و آن ... و این مقدار عزیز علیم است که از جهت ... منازل ... قررناه
است و عقول ضعیفه بعضی از این منافع ... مثل ... حرکت آفتاب حصول اصول
که بحسب اعتدال شب و روز در دو ... نمی رسد چنانکه ... بسیاری
از آن ... و لیکن اجمالا میدانیم که حق سبحانه و تعالی هر چه را آفریده است حکمتهای
بی نهایت در خلق آن ... که ایمان داریم با خداوندی که ... حکمت
کرمانرا ... و ... است و ... ساخته است ... جهة
نور آفتاب ... است و لیکن ... که شبهای ماه ... شبهای تاریک ...
چه نسبت ... و ... از ایات با حضرت ... و عظمت خود ... است چنانکه ...
معجز وارد شده است که هر گاه خواهید عظمت خداوند خود را ببینید نظر کنید ... عظمت
خلق او ... ازوالای وجود در ... علم و قدرت و اراده خود ...

دایما

دایما تعلق کرده است ... در ... و ... و آن ... در دو ... که
روایت ... باشند ... از ... است چون ...
... جامع ... است که ... را از ... امتحان
بر سبیل ... که ... احوال ... که ...
... جدایی ...
... اختیار ... گاهی نورت را زیاده میکند بسبب ... از آفتاب و گاهی کم میکند بسبب
قرب شمس گاهی طلوع میکرد اند ... گاهی غروب ... گاهی در مرتبه ... داد
تا ... همان مرتبه نورت دایم ... در جمیع ... اطاعت ... خود را
... میماند ... شعور ...
همچنین بر تقدیر عدم شعور ... خداوندی که ... احوالات مختلفه داده است ... میکند
... در ... مختلف ... داده است ...
...
تعجب باشد ... است بعنی ...
و مصلحتهای بسیار ... است ... کرده است ... پادشاهی خود کرده است ... میکند
حق سبحانه و تعالی ... هلال ماهی ... از جهت اموری که در ... مخصوص ... است
خلایق ... دعو ... اجمالی است که ... مخصوص ماه و ... باشد از
صوم با صلوة یا تصدقات و ... قطع ... که هر ماهی ...
... و ولادت هر یک از حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم و ابتدای امامت
هر یک حق سبحانه و تعالی گردانیده است ... و ... بسبب ...
... باشد بسبب تقویت اعتقادات و اعمال صالحات و ...
گردانیده ... اسلامی ... اسلام و اطاعت و انقیاد ... هلال ...

[illegible] و [illegible] کبیره و صغیره و [illegible] اگر [illegible] حاجت باشد
[illegible] باحوال [illegible] کند [illegible] بر ادای [illegible] مشغول عبادت
[illegible] و [illegible] و [illegible] کسانی [illegible]
[illegible] اگر حال [illegible] از مکروهات دنیا [illegible] باشد
[illegible] محمد [illegible] خواهد
که [illegible] در حقیقت [illegible] دعای صحیفه کامله است و [illegible]
[illegible] باب ما يقال في اول يوم من شهر رمضان روى عن العبد
الصالح موسى بن جعفر صلوات الله عليهما قال ادع بهذا الدعاء في شهر رمضان مستقبل دخول
السنة وذكر ان من دعا به محتسبا مخلصا لم تصبه في تلك السنة فتنة ولا آفة يضر بها دينه
وبدنه ووقاه الله شر ما ياتي في تلك السنة اللهم اني اسئلك باسمك الذي دان
له كل شيء وبرحمتك التي وسعت كل شيء وبعزتك التي قهرت كل شيء وبعظمتك التي تواضع
لها كل شيء وبقوتك التي خضع لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت كل شيء وبعلمك الذي
احاط بكل شيء يا نور يا قدوس يا اول قبل كل شيء ويا باقي بعد كل شيء يا الله يا رحمن يا رحيم
صل على محمد وآل محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تنزل النقم واغفر
لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي تديل الاعداء واغفر لي الذنوب التي
ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي [illegible] نزول البلاء واغفر لي الذنوب التي
تحبس غيث السماء واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي تورث
الندم واغفر لي الذنوب التي [illegible] والبسني درعك الحصينة التي لا ترام وعافني من
شر ما احاذر [illegible] بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب
السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم ورب
السبع المثاني والقرآن العظيم ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب محمد سيد المرسلين

وخاتم النبي

وخاتم النبيين اسئلك بك وبما سميت به نفسك يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع كل محذور
وتعطي كل جزيل وتضاعف من الحسنات بالقليل وبالكثير وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن
يا رحيم صل على محمد وآل محمد واهل بيته والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك ونضر
وجهي بنورك واحببني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم عطائك
من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه احدا من خلقك مع ما انت مولاه من فضلك يا
موضع كل شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل خفية ويا دافع ما تشاء من بلية يا كريم العفو
يا حسن التجاوز توفني على ملة ابراهيم وفطرته وعلى دين محمد وسنته وعلى خير الوفاة
فتوفني مواليا لاوليائك معاديا لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل
يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني منك في هذه السنة يا ارحم
الراحمين وامنعني من كل عمل او فعل او قول يكون مني اخاف سوء عاقبته واخاف مقتك
اياي عليه حذرا ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به نقصا من حظ لي عندك يا رؤوف
يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني ستر
عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعا
لصالحي من مضى من اوليائك والحقني بهم واجعلني مسلما لمن قال بالصدق عليك منهم
واعوذ بك يا الهي ان تحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي
فيحول ذلك بيني وبين رحمتك ورضوانك فاكون منسيا عندك متعرضا لسخطك و
نقمتك اللهم وفقني لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك
محمدا صلى الله عليه وآله هول عدوه وفرجت همه وكشفت كربه وصدقته وعدك و
انجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول هذه السنة وآفاتها واسقامها
وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية
بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي اسئلك سؤال من اساء وظلم واستكان

واعتذر واسئلك ان تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك واحصيتها
كرام ملائكتك علي وان تعصمني الهي من الذنوب فيما بقي من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا
رحمن يا رحيم صل على محمد واهل بيت محمد واتني كل ما سالتك ورغبت اليك فيه فانك
امرتني بالدعاء وتكفلت لي بالاجابة يا ارحم الراحمين اين دعا بيست در بيان دعائي كه در روز
اول ماه رمضان بايد خواند در آخر ماه شعبان مرويست در كافي [illegible] مطون
كه حديث صحيح [illegible] است كه صدوق در كتاب [illegible] محبوب يا كتاب علي بن [illegible]
باشد و طريق صدوق بايشان صحيح است و علي بن رئاب روايت كرده است از مرحوم [illegible]
در كاه الهي حضرة امام موسى كاظم صلوات الله عليه كه فرمودند كه اين دعا را بخوان در ماه رمضان
در حالتي كه استقبال كرده باشي داخل شدن سال نو را و او دعا نزد ائمه اهل البيت صلوات
الله عليهم ماه رمضان است و ظاهر استقبال آنست كه پيش از دخول باشد يا اول شب يا روز
كل شب باشد و [illegible] اول سال اول روز باشد و محتمل است كه مستقبل اسم زمان باشد
معني و حضرة فرمودند كه هر كه اين دعا را بخواند از روي اخلاص و از جهت رضاي الله
تعالى خداي [illegible] سال با و نرسد فتنه [illegible] در دين او و در جسد او و [illegible] سبحانه
و تعالى حفظ كند او را از شر آنچه [illegible] آن سال مي آورد و از بلاها يا از شر [illegible] در آن
سال او توجه دعا اين است كه خداوندا بدرستيكه از تو سوال ميكنم بحق آن نامت كه هر چيزي
نزد آن خاضع و منقاد اند و آن اسماء طيبت كه مخصوص حات مقدس او است و دور
كه آن اسمي باشد كه دلالت بر ذات بحت كند قطع نظر از صفات اضافيه ياعد [illegible]
و كه عين او است از معرفت ذات اقدس او و ظاهر است اسمي كه دلالت كند و آن [illegible]
او است و كسي بر آن مطلع نيست چنانكه از احبار بسيار ظاهر ميشود كه اسماء اعظم الهي
هفتاد و سه اسم اند و هفتاد و سه اسم را حق سبحانه و تعالى با انبيا صلوات الله
عليهم كرامت [illegible] اسم را مخصوص خود گردانيد هيچ كس را بان معرفت كل

اسماء

اسماء اعظم الهي كه حضرت سيد المرسلين صلى الله عليه و آله و ائمه طاهرين صلوات الله عليهم
و كلان [illegible] و دال ميكنم ترا بحق آن رحمتي كه فرا گرفته است همه اشيا را و چيزي
كه از رحمت [illegible] باشد و بحق عزت و قهر تو كه همه اشيا مقهور او [illegible]
بحق عظمت و بزرگواري تو كه همه اشيا و از ذليل و مطيع و منقاد اند و بحق قدرت تو كه
خاضع و ذليل بود از همه اشيا و بحق جبروت و عظمت [illegible] همه اشيا [illegible]
و بعلم [illegible] و بحق علمت كه احاطه كرده است بر همه اشيا اي خداوند لا وجود و محض
[illegible] عين خالص و ذات [illegible] بامر تو همه اشيا را بوجود و هدايت
بكمالات داي خداوندي كه مرجع او جميع لاتي و ذات و صفات و افعال تو است
ايجاد و مدد كه بعد [illegible] اشيا موجود شوند لا ابتدا الوجودي و بعد از فوت همه اشيا
تو باقي خواهي بود يا واجب الوجودي كه ابتدا ندارد و ابقاء [illegible]
جميع كمالات و واجب الوجود بالذاتي داي [illegible] مهربان صلوات [illegible] بر محمد
و آل او و بيامرز مرا و در گذر از آن گناهاني كه تغيير ميدهند نعمتهاي الهي را [illegible]
سبحانه و تعالى فرموده است كه بدرستيكه الله تعالى تغيير نميدهد نعمت خود را [illegible]
از جمعي كه [illegible] فرموده است [illegible] جدا [illegible] كه سبب [illegible]
حق سبحانه و تعالى آن نعمت را تغيير ميدهد و خداوندا بيامرز مرا و در گذر از گناهاني
كه سبب نازل شدن عذابهاي الهي است و در گذر از گناهاني كه قطع ميكند اميد مرا
[illegible] سبب [illegible] كه شرت و كوشت بالي [illegible] در گذر از من از گناهاني
كه [illegible] و [illegible] بيامرز مرا و عفو فرما از گناهاني كه سبب ابعاد دعاها
مردود مي شود و بيامرز مرا و در گذر از گناهاني كه سبب نازل شدن بلاها است و در گذر
از گناهاني كه سبب [illegible] است و بيامرز آن گناهاني كه [illegible] حفظ
[illegible] سبب پرده [illegible] است و در من پوشان [illegible]

حاجتی است از من بنده عاصی که نفس اماره و شیاطین و هر کدام از ایشان حظی است
و او تو نیستی مگر بار خدا بسته شد و بار غم سوخت و عاجزی و عاقبت بر ما از ضعف ما ایمان از تو ای حکیم
در حب و دیدن عاجزی تو ای خداوند ای پروردگار هفت آسمان و هفت زمین
و ای خداوندی که اسمای تو در میان است و ای مجید و ای پروردگار عرش عظیم و ای
خداوندی که حمد تو گفته اند ای الحمد لله و سوره حمد که کرده در شان تو شریف
در مکه معظمه و در مدینه منوره نازل و حمد تو بی انتها است ای خداوند
در پیش تو هستی ای آنکه رحمت تو بر غضب تو سبقت دارد و صلوات و سلام بر پیغمبر
شنیدم که فرشتگان در حجب تو الحق است و ای تو پروردگار قرآن عظیم و ای خداوندگار
اسرافیل و میکائیل و جبرئیل و ای پروردگار محمد که بهترین پیغمبران مرسل است و خاتم
پیغمبران است ای پروردگار حکیم بحق ذات تو و بحق اسمای تو و صفات تو ای مجید و ای
بزرگوار تو ای خداوندی که انعام میکنی بر خلایق نعمتهای عظیم و دفع میکنی بلاها
و ای آنکه رحمت بر بندگان واسع است و عطا میکنی مال بسیار که کی
داده و عطا میکنی و مینمائی و هیچ کس مانند تو نیست ای قادر بر کمال
ای خداوند ذو الجلال و ای بخشنده بی منت و ای بزرگ و مجید و ذو الاکرام
سال ای خداوند حاجت من و روی من از تو خواهم و از در تو دور کردن
مرا و مرا از محبت یاد و شکر تو و الحمد خود کردن تا محجوب نشوم
مرا محروم مکن و عطای مرا از نعمتهای بزرگ و بخششهای عظیم
عطاهائی که بهترین عطای تست و از بهترین عطاهائی که عطا کرده و با خواهی کرد
احدی از خلق و با این جامه جامه عافیت و ازمن مگردان ای خداوندی که
محل شکایت هر بیچاره کماز حال خود و از ستم دیگران بتو شکایت کنند ای خداوندی که
هر کسی بادگیری یادگیر بتو حاضر و مطلع ای خداوندی که بهترین عطاهای بندگان

حاجاتی

دانائی ای خداوندی که هر بلائی را که خواهی دفع میکنی ای خداوندی که عفو کنی گناهان
گناهکاران را و محو کنی خود بر مطلع عیوب چنانکه فرموده است که من عمل سیئات
بالحسنات جزای آن مرا بر ملت حضرت ابراهیم علیه السلام و بر دین حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله و بر سنت آنحضرت چنانکه با ایمان و اسلام
از دنیا بیرون روم خداوندا مرا محو عیوب که بهترین مردم باشند مانند
ائمه معصومین صلوات الله علیهم و بر دشمنان تو باشم که از دنیا بیرون
روم خداوندا ما مذهب صحیح اختیار فرمام از تو سال الهی علی با توکلی که مرا
از تو رسید و تو فیض که ساخته که بکنم حرم علی با توکلی که سبب آن
قرب تو شوم و سبب قرب تو و قرب و محبت تو باشد الهی سال الهی بخشنده
بخشندگان خداوندا مگذار مرا از سال حرمتی با توکلی که خود داشته ام
عافیت بر باشد و حال دیگر تو سال باشم از غضب تو و از گناه و چنان شود که بر
کرم تو ای من بکوشش و هستی حسنات شوم که از بندگی تو حرام است بر تو بسبب
نقصان خیالم شود ای خداوند مهربان بخشنده بکردن مرا در این سال ای خداوند حفظ
امان خود و در پناه خود حافظ عافیت بدار و مکر دشمن جمیع اعضای من سالم
باشد از مرضها و از گناهان و بیچارگی که اسیر احسان تو باشد ای خداوندا هر که بناه بتو
آورد عزیز شد و کسی بردی دست نیابد و بر نیستی تو نیست ای خداوندی بجز تو
خداوندا اکرام کن مرا با صالحان که از پیش رفته اند از بزرگان خودت و مرا بنواز عقب
ایشان بی بیچارگی کرامات و آبرو که مرا از ترس عاقبت بهشت کردان مرا از حیات در دنیا
بر حال که باشم چنین که همیشه راست گفته اند بر تو و در دین بسته اند بر تو و آن
ائمه معصومین اند صلوة الله علیهم و انبیاء چنانکه در قرآن مجید فرموده که ای مومنان
از خدا بترسید و با صادقان باشید که همیشه راست گفته اند حضرت ما بر خدا در طلب مرا

چرا که محال است که غیر معصوم دروغ بر خدا و رسول نبندد چون ممکن است که اخبار دروغ
نقل یابد اما ممکن نیست که علما دروغ بر خدا و رسول ببندند و از کلام رسول [illegible] خطی نیست و جمع
احادیث معلوم نیست که حضرات فرموده باشند بلی یک شخصی حدیثی را بیند از معنی ظاهری
داشته باشد بگوید چون واقع غلط کرده باشد اگر دروغ بسته است بر خدا و رسول اسناد نمی
و محال [illegible] است که اگر [illegible] جهد خود کرده باشد مواخذ باشد و اگر جهد [illegible] نیز هست
و هکذا بسیاری از احادیث است که مواخذه نیز هست و مواخذه او کمتر از مواخذه
کسی است که عمدا دروغ بسته باشد و تسلیم عبارت از آن است که اگر حدیثی از رسول خدا
یا از ائمه هدی صلوات الله علیهم به او رسد و عقل او به آن نرسد نفی آن نکند که غلط است
چنانکه بسیاری از علما به این غلط مبتلا اند و به خدا پناه می آوریم [illegible]
که [illegible] احاطه کنند ما را یا ظالم باشیم بر نفس خود که متابعت کنیم هواهای نفسانی را
یا مشغول کردیم به خواهشهای خود [illegible] شوند [illegible] خوشنودی تو شامل
احوال من شود به سبب [illegible] خود را از من [illegible] در معرض عذاب و غضب تو
در آیم [illegible] آدم که [illegible] حفظ [illegible] خود [illegible] خداوندا
توفیق کرامت کن هر که [illegible] آدم [illegible] بسبب آن آدمی
[illegible] خوشنود شوی [illegible] سید الساجدین
صلی الله علیه و الرفیع [illegible] و احزاب و
[illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
دفع کردی [illegible] اعدا را [illegible] کردی و [illegible] بخشند
[illegible] و عهد خود را [illegible] بجمع
[illegible] خداوندا [illegible] فضل خود را شامل حال ما کن و دفع کن [illegible]
و بیمها و [illegible] و فتنهها و [illegible] و بدیها و [illegible] و تنگی معاش را

ودیگر

در سال [illegible] بعد از حمد و ثنای الهی [illegible] تمام کردن [illegible]
[illegible] تا وقتی که اجل معلوم برسد [illegible] سوالی که میکنم از تو
[illegible] سوال کردن [illegible] کرده باشد و ستم کرده باشد بر خود و بعد از آن [illegible]
[illegible] تضرع و زاری و معترف باشد به گناهان خود و سوال میکنم و در
[illegible] اقبال [illegible] و اسئلک ان تغفر لی و ای [illegible]
[illegible] که از گناهان من در گذری و بیامرزی [illegible]
عمل من نوشته اند حافظان که بر من موکل کرده [illegible] فرشتگان
[illegible] از تو سوال میکنم از تو ای [illegible] که گناهان مرا از جمیع [illegible]
و [illegible] تا وقتی که اجل برسد [illegible] که [illegible] علی
و محمد و اهل بیت محمد [illegible] سوال کرده ام او را از تو [illegible]
یا مجیب [illegible] کما اجبت [illegible] دعای
[illegible] ذکر کرده است [illegible]
[illegible] یا ارحم الراحمین [illegible] و کان علی بن الحسین
صلوات الله علیهما یدعو [illegible] فی شهر رمضان اللهم هذا شهر رمضان الذی
انزلت فیه القرآن و هذا شهر الصیام و هذا شهر الانابة و هذا شهر التوبة و هذا شهر
المغفرة و الرحمة و هذا شهر العتق من النار و الفوز بالجنة اللهم فسلمه لی و تسلمه منی و اعنی
علیه بافضل عونک و وفقنی فیه لطاعتک و فرغنی فیه لعبادتک [illegible]
[illegible] و اعظم لی فیه البرکة و احسن لی فیه العافیة و صحح لی فیه بدنی و اوسع فیه
رزقی و اکفنی فیه ما اهمنی و استجب فیه دعائی و بلغنی فیه رجائی اللهم اذهب عنی فیه
[illegible] و الکسل و السامة و الفترة و القسوة و الغفلة و الغرة اللهم جنبنی فیه العلل
و الاسقام و الهموم و الاحزان و الاعراض و الامراض و الخطایا و الذنوب و اصرف عنی

فيه الشرور والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سميع الدعاء اللهم اعذني
فيه من الشيطان وهمزه ونفخه ونفثه ووسوسته وكيده ومكره وحيله وامانيه وخدعه
وغروره وفتنته وخيله ورجله وشركائه واعوانه واتباعه واخوانه واشياعه
واوليائه وجميع كيدهم اللهم ارزقني فيه تمام صيامه وبلوغ الامل في قيامه واستكمال ما يرضيك
عنى صبرا وايمانا ويقينا واحتسابا ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم
اللهم ارزقني فيه الجد والاجتهاد والقوة والنشاط والانابة والتوبة والرغبة والرهبة
والجزع والخشوع والرقة وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك
والتقرب والورع عن محارمك مع صالح القول ومقبول السعي واستكمال ما يرضيك
عني صبرا ويقينا وايمانا واحتسابا ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر
العظيم اللهم ارزقني فيه الجد والاجتهاد والقوة والنشاط والانابة والتوبة
والرغبة والرهبة والجزع والرقة والمرفوع اليك واستجابة الدعاء ولا تخل مني ذنبي
شيئ من ذلك من مرض ولا عرض ولا همّ برحمتك يا ارحم الراحمين وكما صحيح منقول است
از حضرت سيد الساجدين صلوات الله عليه اين دعا در ماه مبارك رمضان يعني الذي معنيه
در شبها و روزها ترجمه اين است که خداوندا اين ماه رمضان است که تو اين را در او
از لوح محفوظ به بيت المعمور فرستادي و از آنجا به آسمان اول دادي و اين ماهي است که روزه داشتن
بنده ان را کاملان عالميان و اين ماهي است که الکوئ عالميان در حلاوت و سرور مبارک گشته
خداوند عالميان يا پيغمبر که کنند و اين ماه امرزش و رحمت است و اين ماه آزاد شدن از
آتش جهنم است و سعادت و فيروزي يافتن بر بهشت خداوندا اين ماه و اسلام است ما را از
جهت من يعني شيطان در ماهش بهم نرسد الا که از من حالتي حادث نشود که سبب نقصان
ماه شود و عبادات اين ماه را از من قبول کني و مرحمت کني و ياري ده مرا بر عبادات اين ماه
بهترين بابها بجهت خود و ازجهت تلاوت قران و بزرگي آن ازجهت من در اين ماه

توفيق بده مرا در اين ماه از جهت
طاعت خود و فارغ گردان مرا
در اين ماه از جهت عبادت خود
دعاي خود

بکشت خود را و نيکو کردن در اين ماه از جهت من عافيت و نفس و سوق از کفاره گناهان
يا اخنيار انعامي يا عاقبت و احسان کردن در اين ماه و در تهذيب از هم است و از عجز است
ودر کابي و اجابت است يعني هيچ حاجت الاسلام کن شاد و ما هي از انبياء است و از اين که گرانند
هيچ عضوي هيچ معصيت حادث نشود در هر عضوي در عبادت شکر از آن طلب کرده شود و ان
خود در روزي مراد نيکو فرام کردن و هيهات از کفايت کني دعا و هر اجابت گردان و
فرا با زده هاي خود رسان خداوندا برا از من بيکي را چه جاي خواب يعني شبهاي او را به
عبادت بسيار در اين ماه آخر است که گاهي است از عدم نشاط يعني تنبلي و سستي را در عبادت
و ملال و سستي را از بيخبر کردن و دوري کن از من قساوت قلب را بکلام حضرت کمال ختم
و دوري کن غفلت را و حمد و ترد و نفس و نيا ساز را از خدا اراده و دوري کن از من زنگها
و رضها و بيماريها و غمها و اندوهها و کارها و ميان و کناهان هيچ و سوره را دوري
کرد ان از من بديها و بلايها و حقيقتها و بلاها و فتنها و رنجها و اندوهها شکر بر اما من
کننده دعاهاي خداوند امرا در پناه خود و مرا در پناه از شر شيطان و وسواسهاي او
و در بعضي نسخ و نفس موجود است بعد از هم و يعني خدا کردن او و ملاء از شهرستان اين
و صلاح و تقوي و از ديدها و ساحران و زوايا از بادهاي مکار و در کوچهاي
باطل ادعا از بيدادگر و خدعها و حيلها و دروغها و فريبها و عزو در ساختنهاي او
و از نيشها و از شر لشکرهاي سوارها و پيادههاي او که گفت شکر طاهر ش مراد است
يا اکثر مراد است سواره از شياطين که تسلط ايشان قوي است بر خلاف پيادهها
و از شر مکرهاي او که شياطين انس اند و از شر تسلطهاي بعد کار او و تابعان او
دوستان و پيروان و تابعان او و از شر مکرهاي همراهان خداوندا روزي کن مرا
در اين ماه که روزه اش را تمام کنم و مرسوم باشد مراد من است در عبادت شبهاي او
کامل گردانيدن هر چه تو از من خوشنود کند و صبر و تحمل سختيهاي آن را عادت

و از همه مکرهاي ايشان

دکر

یقین و اخلاص بکار عادتی بودن ... اخلاص کامل مکمل حق تعالی
عبادت ... ازین در عبادت را مضاعف گردانی با اضعاف بسیار و با ثواب عظیم و اجر جزیل
خداوند ... برانکه نهایت سعی و جهد کنم در عبادت ... که امت
مرا ... ثواب و خوف از عقاب ... و خشوع
در ... ثواب ... با توکل بود
... از محرمات ... و سعی کرده ...
در مانی ... سنه ... الا رفعه ...
بجمیع ... جمیع ... آن کتاب که
موجود است ... تاکید است ... تعهدست و در اینجا
در بقیه عبادات که ... باشند ... با یقین ... اخلاص ... عباد
مرا با ضعاف بسیار ... عمل ... ثواب
ثواب عظیم خداوندی ... که ... مقدم باشد ... تمام و جد
و جهد ... ثواب و خوف از عقاب ...
نا ... روزی ... مستجاب کند خداوند
که ... رحمت ...
... دعاها ... بسیار ... مصباح و تهذیب
دارد ... باب القول عند الافطار فی کل لیلة
من شهر رمضان من اوله الی آخره کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا افطر قال اللهم لک
صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبله منا ذهب الظماء و ابتلت العروق و بقی الاجر ...
بابیست در دعاهائی که مستحب است خواندن آن در وقت افطار در هر شبی از شبهای
ماه رمضان از اول ماه تا باخر آن و منقول است ... سکونی که حضرت سید المرسلین

صلی الله علیه و آله ... در وقت افطار ... که خداوندا از جهت رضای تو
روزه گرفتیم ... و بر روزی تو افطار نمودیم ... آب ... که
... ثواب ... الحمد لله ... شامل
...
...
جهت رضای الهی ... از جهت تو روزه گرفتیم و استغاری ...
... افطار ... تا توان گفت ...
... افطار ... باشند ...
... افطار ... شیرینی ...
... افطار بر آن ... شیرینی ... افطار بر آب ...
که التعبیر از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه منقول است که افطار ... کرم
باشد ... گناهان ...
... چشم را قوت میدهد ... قوت میدهد و التعبیر
از آنحضرت ... منقول است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله افطار بشیرینی میفرمودند
و چون ... شیرینی نیافتندی ... افطار میفرمودند ... آب ...
معده را ... میکند ... قوت میدهد ...
قوت ... چشم ...
... و اگر شیرینی ...
و در ... است چنانکه منقول است ... از حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله ... افطار بر خرما و آب میفرمودند ...
نان ... منقول است ... زمانی که

و بلغم را قطع را میکند و حرارت معده را فرو مینشاند

رطبی بود افطار بر طعام حلوا نمودند و اگر رطب نبودی بر خرما افطار میفرمودند و گاهی بحلوا

و گاهی بشکر و گاه با آب گرم [illegible] افطار [illegible] فقط آب [illegible] میفرمودند و مستحب است که افطار

با شکستگان حلال باشد و روی ابو بصیر عن ابی عبد الله صلی الله علیه قال تقول کل

ليلة من شهر رمضان عند الافطار الى آخره الحمد لله الذي اعاننا فصمنا و رزقنا

فافطرنا اللهم تقبل منا و اعنا عليه و سلمنا فيه و تسلمه منا في يسر منك و عافية الحمد لله

الذي قضى عنا يوما من شهر رمضان و در موثق [illegible] منقول است که حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه [illegible] هر کس روزه دارد در هر شبی از شبهای ماه رمضان آن

او را [illegible] در وقت افطار [illegible] مخصوص

ذات خداوند [illegible] روزه گرفتیم [illegible] افطار نمودیم

خداوندا [illegible] روزه [illegible]

و از [illegible] بگو [illegible]

خداوندا [illegible]

از [illegible] منقول است که [illegible] حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible]

افطار [illegible] داشت و حضرت [illegible]

امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible] حضرت [illegible]

در [illegible] که شاید [illegible]

چیزی [illegible]

[illegible]

محروم کردند [illegible] افطار فرمایند [illegible]

اللهم لك صمنا و على رزقك افطرنا فتقبل منا انك انت السميع العليم یعنی [illegible]

حق سبحانه و تعالی [illegible] و افطار خداوندا از جهت تو روزه گرفتیم و بر روزی تو

عطا فرموده افطار کردم [illegible] این روزه [illegible] قبول کن [illegible]

کند شنوای دعای [illegible] و قال صلی الله علیه و آله [illegible] دعاء الصائم

عند الافطار و از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که حق سبحانه و تعالی

مستجاب میکند دعای صائم را در وقت افطار پس می باید که در این وقت دعا بسیار کند و [illegible]

منقول است [illegible] باب آداب الصیام و ما ینقض صومه و ما لا ینقضه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و بعضی مطلوب است و بعضی مکروه است و بعضی واجب است [illegible]

اجتناب [illegible] در حقیقت صوم نیست [illegible] کمال [illegible]

[illegible]

[illegible]

قال الله تبارک و تعالی يا ايها الذين آمنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم

لعلكم تتقون اياما معدودات فمن كان منكم مريضا او على سفر فعدة من ايام اخر و على

الذين يطيقونه فدية طعام مسكين فمن تطوع خيرا فهو خير له وان تصوموا خير لكم ان

كنتم تعلمون شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى

والفرقان فمن شهد منكم الشهر فليصمه ومن كان مريضا او على سفر فعدة من ايام اخر يريد

الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر ولتكملوا العدة ولتكبروا الله على ما هداكم ولعلكم

تشكرون واذا سالك عبادي عني فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا لي

وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون احل لكم ليلة الصيام الرفث الى نسائكم هن لباس لكم

وانتم لباس لهن علم الله انكم كنتم تختانون انفسكم فتاب عليكم وعفا عنكم فالآن باشروهن

هن وابتغوا ما كتب الله لكم وكلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الابيض من الخيط

الاسود من الفجر ثم اتموا الصيام الى الليل ولا تباشروهن وانتم عاكفون في المساجد تلك
حدود الله فلا تقربوها كذلك يبين الله آياته للناس لعلهم يتقون و در جمله آياتست
باقي في الجمله تفسير او را مذكور مي سازيم و در ضمن احداً اين نوع ظاهر خواهد شد الخبر و از انجا
ست و مفسران اختلاف بسيار كرده اند در تفسير اين آيات اما اكثر هر تكليفي كرده اين
شفقتي هست حق سبحانه و تعالى در ضمن بيان ان انواع لطفها ميفرمايد تا مشقت آن تكاليف
بجميع ياران كند و نظر بجميع مخلوق كرده وجود بني آدم معتادانه ... و
صوم عبارتست از امساك نفس از ديها و غير ايشها از لا تنوعي از خطاب ظاهر ساخته
است و آورده اكثر تكاليف فرموده است يا ايها الذين آمنوا ما كه خوردني و الخطاب ساخته
شد ... حكمي كه ... فرمايد بجميع ... بتحقيق
ان ... خود ... بحكم تكليف ... در وي ... متوجه
مي شود ... و اكثر اوقات ... بسبب ... مشغول ميشد و با آنكه
حق سبحانه و تعالى بغايت قرب ... دارد ... از حد او وجود بغايت بعد
دارند ... جمعي ... از جهت ... شبهات ... في
ولذات ... الذين آمنوا ... و
ما ... لام ... و الف لام ... تعريف ... و لكن ... جمع كرده
مباد ... التعريف ... مقصود ... كرده ... است و ... اورده است
و معني ... است ... مقصود ... است ... از
كرد امروز ... است ... كه ... بايد ... از خواب غفلت
بيدار فرمايد و بعد ازان ... خطاب ساخته ... خطاب ...
كرد امروز ... است ... پادشاهان عظيم الشان ... است
شده اند ... مي شود و ... عجب ... و ... خطاب

كرداسوه

... ما موميان كرده است ... ايشان شود و اشعاري ... و با آنكه
... ايمان ... جون ايمان از فضل الهي عطا شده است ايمان مقتضي
... است ... از جمله ... و ... مثمر
باشد كه مومنان جمع اند ... به سبب عبادات و طاعات ... اند
شده است ... مومن ... از عبادت و طاعت خالي باشد ... چه ... است
... و ... كه جواب ... عبادت است يعني ... خداوند
خود ... بالقصد ... از جهت عبادت ... كه
اين نوع خطاب ... است اما خصوص صوم ... است ... از جمله
آنكه ... مومنان نوشته شده است بر شما ... چون ... پادشاهان
... بايد يعني ... اين تكليف ... بجا مي ... تكليف
مخصوص ... كه بر شما ... از شما ... بوده اند ...
امتهاي ايشان نوشته شده بود و ... است كه ... است ...
حضرت آدم و ساير پيغمبران صلوات الله عليهم ... از ... و ...
ديگر ... فرمود كه ... است كه ... است ...
... خداوند ... از جهت ... است و ... است كه ... الدنيا
... عظيم است و آن ... كه شايد ... تقوي و متقيان حد
عظمت مرتبه است كه بسياري ... آيات قرآني ... است و موجب سعادت
... است و اين تقوي ... است ... در صوم كه ... ميكند
... و ... جماع كردن و امثال اينها از چيزهاي كه ... حقيقت صوم است
... از سبب ... صوم است ديگر ... از جميع ... جميع واجبات
... است و كمال صوم ... لعلكم تتقون ... باشد

چون تقوی [illegible] صوم ظاهر شد پس گوییم [illegible]
کرده ایم که سبب اعتیاد و توبت عادات [illegible] عادت کنند
و ترک منهیات ما گفتیم که فکر کنید که هر گاه حق [illegible] در صوم بر شما
حرام کرده است چیزی که مباح است [illegible] محرمات [illegible] آیات
صحیحه متواتره وارد شده است که هر گاه روزه بگیری باید جمیع اعضا و جوارح از جمیع
منهیات صائم باشند [illegible] متقی شود [illegible]
که چون خواهش شهوانی و [illegible] نفسانی شکسته شد خواهش معاصی کم می شود و تقوی [illegible]
می شود چنانکه در اخبار بسیار وارد شده است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible]
که خصی کردن [illegible] امت من صوم است [illegible]
که هر گاه معده سیر می شود همه اعضا گرسنه می شوند و چون شکم گرسنه است اعضای جوارح
سیر می شوند از مخالفت الهی تعالی [illegible] که چند روزی است یعنی صومی که
واجب کرده ایم بر شما چند روزی است که آسان است [illegible] اگر تکلیف [illegible] بر شما
واجب کرده ایم که همیشه روزه باشید [illegible]
همیشه [illegible]
[illegible] ساعات [illegible] ثواب و عقاب
[illegible] در سه روز [illegible]
[illegible] و اگر [illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible] تفاسیر متضاده [illegible]
[illegible] مشکل نکرده ایم [illegible]
هر که از شما بیمار باشد بیماری که روزه ضرر داشته باشد اگرچه بطول مرض [illegible] شد

[illegible] اشتراط [illegible] بر ایشان واجب است که روزه را
افطار کنند [illegible] روزهای که در حضر باشند [illegible]
بگیرند [illegible] صحیح باشد و در حضر باشند روزه بگیرند
[illegible] صعوبت داشته باشد [illegible]
[illegible] حاملهٔ [illegible] کسی که مرض
[illegible] افطار کنند و کفاره [illegible]
[illegible] تفاسیر [illegible] در احادیث صحیحه وارد
شده است [illegible] از جهت او بهتر است
[illegible] بهتر
خواهد بود [illegible] روزه [illegible]
[illegible] روزه [illegible] از جهت شما بهتر [illegible] از جهت شما
بهتر است اگر [illegible]
[illegible] علما و عقلا [illegible] عظیمه
[illegible] از جهت [illegible]
[illegible] ابد الآباد [illegible]
[illegible] واجب کرده ایم ماه
[illegible] رمضان است [illegible] روزهای [illegible]
[illegible] کتابهای الهی است [illegible] لوح محفوظ [illegible] آمد
[illegible] آسمان اول [illegible]
[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه
و آله [illegible]

در اوقات خود بیزار الهی شود و عبادت که عمده شهر قدری بر انحضرت نازل شده
باشد بهذا صوت تقدم وجبرئیل مکرر کشند ما آید ولا تعجل ما نزل شده در حج وداع
فرموده‌اند که جبرئیل در هر سالی یکبار قرآن را بر من میخواند و درین سال دو مرتبه خوانده پس علامت
رحلت من است و چون شرف ماه بشرف قرآن ظاهر شد فرمود که قرآن در این ماه فرستاده‌ام
که هدایت کننده جمیع عالمیان است و هر عالمی را علمی بحسب قابلیت خود از نور هدایت آن
روشنی میباید و هر سوره از سورهای آن معجزه است پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله را باعتبار
اشتمال آن سوره بر علوم نامتناهی و باعتبار اعجاز بحسب ظاهر نیز که جمیع فصحا و بلغای
عالم عاجز شدند از آنکه سوره مثل آن بتوانند بیاورند پس چون این شرف یافته
باین شرف از سایر ماههای تمام شرح است جا دارد که مردمان همه در روزه آن و شرایط
احترام و اعظام الهی بکوشند و اشعاری دارد باآنکه در این ماه زیاده بر ماههای دیگر
در تلاوت قرآن مجید سعی نمایند چنانکه منقول است که هر چیزی را بهاری هست و بهار
قرآن ماه رمضانست پس کسیکه درین ماه حاضر باشد در بلد خود یا بلد اقامت باید که این ماه
را روزه بگیرد و هر که بیمار یا مسافر باشد واجب است که عوض آن روزها روزهای دیگر قضا
دیگر واین امر هم درین است که از جهت تاکید باشد تا جهت تمام توان باشد و مطلق علامه
گفته‌اند که حق سبحانه و تعالی حکم فرموده است که در سفر روزه بگیرند خلاف اهل سنت که در روزه
را میگیرند بعضی الحق سبحانه و تعالی میخواست که بر شما آسانی کند نمیخواهد که بر شما دشوار
باشد و این از جهت تاکید است تو میفرماید که حق سبحانه و تعالی آسانی شما را میخواهد که دشواری
شما را نمیخواهد و آنکه تمام را اتمام کنید یعنی روزه را بگیرید و متوجه فرمود که هر چه افطار کنید
در سفر و مرض آن را قضا کنید تا عدد آنچه بر شما واجب کرده‌اند تمام کنید و چون روزه
را تمام بگیرید خداوند خود را به بزرگی یاد کنید در عقب چهار نماز که از شام و خفتن شب
عید است و نماز صبح و نماز عید است و این عبادات را متوجه فرمودم شاید که شکر کنند

نعمتهای پروردگار خود را بدان توفیقی که یافتند بر روزه و نماز عید و چون اعظم عبادات این
ماه سال روزه و دعا است چنانکه در خطبه حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و علی آله مذکور گشت
حق سبحانه و تعالی آیات دعا را در میان آیات مذکور ساخت یا آنکه فرمود که یا محمد اگر از تو سوال
کنند بندگان من از احوال من کیفیت دعا که آهسته دعا باید کرد نظر به حقیقی که حضرت او حق تعالی
با بندگان کرده است و یکسان مانند که از کوید یا بلند یا بلند بباید خواند باعتبار
دوری که بندگان را بسبب معاصی و بدیها از جناب اقدس او حاصل شده است که سوال تعلیم کند
یا بجهت فهم این سوال را کرده باشند چنانکه منقول است که از حضرت هم اعرابی سوال کرد که
آیا خداوند ما نزدیک است با او دعا آهسته بخوانیم یا دور است تا بلند بخوانیم پس این آیه
نازل شد و منقول است که از آنحضرت هم سوال کردند که چگونه سوال کنیم بلند یا آهسته و حضرت
اول را اتو بر معنی ثانی حمل میتوان کرد چنانکه در صحیحه از ثمالی منقول است که حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه فرمودند که مکتوب است در تورات که خدا و موسی گفت که حضرت موسی علیه السلام از
پروردگار خود سوال کرد که خداوندا آیا تو دوری تا ترا ندا کنم یا نزدیکی تا آهسته دعا کنم
که ترا المندم بخوانم پس جواب بموسی رسید که من همنشین کسانی ام که یاد من کنند و ای کو حمل
کرده‌اند بر آنکه کیفیت دعا سوال کرده است که بچه نحو و چگونه دعا باید کرد یا بحیود از آن
احتمال دارد که اسناد را تا آنجا نسبت کرده باشند مانند سوال از دیدن خدای جل حق سبحانه
و تعالی فرمود که من نزدیکم بدعا کنندگان یعنی باید که آهسته دعا کنند چنانکه در صحیح وارد
است که بلند دعا میکنند بهتر است از هفتاد دعای آشکار و محتمل است که مراد از قرب
سرعت اجابت باشد و تو شما تکرار فرموده است که اجابت میکنم دعای دعا کنندگان را هر
دعا کند بشکر من اجابت کنند پس باید که بندگان من اجابت کنند مرا یعنی دعا کنند بطلب که
و دعوات آیات مرا بدین صفات بخوانند و دلیلم بخواهند هر که مراد است در حقیقت
فرموده که سلامت در تمام روز و تمام شب ملکی موکل است که بندگان حق سبحانه و تعالی را

مطول کردن و تنگ آوردن

بلکه حق را دریابد که ایمان و اعتقاد داشته باشند که من بوجود خود دعا میکنم و بر دعای
ایشان را مستجاب میکنم تا شاید که عطا و خود را بیابند یعنی دعای ایشان را مستجاب کنم
و شاید که ایمان حضرت ما اکرم الاکرمین متحقق الوقوع است در احادیث بسیار از ائمه
اطهار صلوات الله علیهم منقول است که حق سبحانه و تعالی بجهت [illegible] که فرموده است دعا مستجاب
میشود باید دانست اگر مصلحت در بر آمدن زود بوده باشد زود میدهد و الا دیر میدهد هر گاه
که مصلحت در بر آمدن آن نبود که سبب معصیت و [illegible] و فوت الهی [illegible] زود حاصل شود
[illegible] که مصلحت [illegible] مطلوب را در آخرت [illegible]
کرده است [illegible] که [illegible] دعای من [illegible] مستجاب [illegible]
[illegible] از حاجتی [illegible] که [illegible] باشد و [illegible]
حاصل شود و [illegible] و ارد [illegible] که هر چند دعا [illegible] مستجاب می شود [illegible]
و زاری [illegible] که [illegible] و [illegible] که هر گاه حق
سبحانه و تعالی [illegible] مصلحت اجابت [illegible] دعا [illegible] دعا [illegible] خواهد بود [illegible]
مصلحت [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] دعا [illegible] که [illegible]
دعا [illegible] زیرا که [illegible] باشد [illegible] دعا مصلحت [illegible] دعا مصلحت
باشد [illegible] که دعا [illegible] که [illegible] فرموده است [illegible] کسی [illegible]
و [illegible] که [illegible] اگر مقدر [illegible] که [illegible] خواهم
رفت [illegible] اگر مقدر [illegible] خواهم رفت [illegible] اصل [illegible]
و شاید که مقدر [illegible] باشد [illegible] حاصل [illegible] قدر [illegible] حاصل
شود [illegible] اعتقاد [illegible] و [illegible] در احادیث [illegible] وارد
شده است [illegible] فرموده [illegible] که حق سبحانه و تعالی حلال کرده است در شب [illegible] که با زنان خود
جماع کنید [illegible] حرام بود جماع کردن در ماه رمضان در شب [illegible] حق سبحانه و تعالی

[illegible] مسوخ کرده [illegible] حلال [illegible] در شب اول ماه رمضان جماع کنید با
زنان خود تا اطاعت حق سبحانه و تعالی کرده باشید [illegible] و [illegible] منسوخ شده [illegible]
[illegible] شما [illegible]
[illegible] بر شما [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] که شما [illegible] جماع [illegible]
و [illegible]
نقل کرده اند که [illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] کرده ام [illegible]
[illegible] کرده ام [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] قبول [illegible]
[illegible] منسوخ [illegible] در
[illegible] حرام [illegible]
[illegible] منسوخ شد [illegible] حق سبحانه و تعالی فرمود
[illegible] جماع [illegible]
جماع کنید [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible]
[illegible] دعا کنید در وقت جماع [illegible] دعای [illegible] قصد
[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمود که نکاح کنید تا
نسل شما و اولاد شما بسیار شوند [illegible] در
[illegible] در برابر
[illegible] جماع [illegible] رضای الهی [illegible]
شما [illegible] بعضی
[illegible] مطلب
[illegible] شهوت [illegible] حق [illegible] فرمود [illegible]

تا ظاهر شود و شیخ و سید ... صادق ... شب ... باشند بر روزه
داشتن تا بامداد ... پس ظاهر شد که جماع یا اکل و شرب میتوان کرد تا صبح ظاهر شود
تا آنجا که امساک ... باید کرد تا شب اما جماع پس خلافی نیست که در شب میتوان کرد تا آنکه
اندکی از آن بماند که بعد از جماع پیش از صبح غسل تواند کرد و اما آن دیگری تا صبح خلافی است که
خواهد آمد و خلافی نیست که اکل و شرب میتوان کرد تا صبح ظاهر شود و [illegible] اعتقاد
بعضی آن است ... در حقیقت ... و تحقیق جماع ... و لیکن ... است
از جماع ... حقیقت صوم است ... اشتباهی ... خلافی نیست ... باید که
... باشد ... صوم است و ... مباشرت ... میتوان کرد
و باقی ... خواهد آمد ... خلاف ... خواهد آمد ... و ... صوم
است ... اسراف ... مباشرت ... با زنان خود ... احکام
کرده باشید در مساجد ... احکام ... خواهد آمد ... حدود
خدا ... تعالی ... با زنان ... اکل و شرب و جماع و استمناء در صوم
... احکام صوم ... از صوم ... است و تحقیق
... ثابت ... احکام ... خواهد ... که ...
... اجتناب کنند ... و تفصیل اینها ... خواهد
امروز ظاهر خواهد شد روایت محمد بن مسلم عن ابی جعفر صلوات الله علیه قال لا یضر الصائم ما
صنع اذا اجتنب اربع خصال الطعام والشراب والنساء والارتماس فی الماء و کان الصحیح
در صحیح منقول است که حضرت امام محمد باقر صلوات الله فرمودند که ضرر نمیرساند به روزه‌دار
... هرگاه اجتناب نماید از چهار چیز خوردن و آشامیدن و ...
... باشد ... و ... اینها ... باشد ...
الی آخر ... مشهور است ...

صوم اند که جماع زنان ... روزه ... خلافی است و مشهور فساد صوم
است ... در باب ... وطی ... بطلان
صوم است و ... احادیث صحیح وارد شده است و حدیث صحیح دیگر بعنوان نفی وارد
شده است و ممکن است ... صحیح اسحاق بن عمار منقول است که گفت عرض نمودم بحضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه که اگر ... قضا میکند ... حضرت
فرمودند که قضا ... دیگر ... کند ... اکثر علما ...
قضا ... اختیار ... کراهت ... صحیح از عبدالله بن سنان منقول
است که ... مکروه است ... احوط
بسیار ... احوط آن است ...
که ... روزه بگیرد و قضا ... کند و اگر کفاره ... نهایت احتیاط خواهد بود
... وارد شده است از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه ... روزه ... آن زن ...
و غسل ... واجب ... احوط قضا و کفاره است
اما اگر منی ... ظاهر ... وجوب قضا و کفاره چون احادیث صحیحه وارد
شده است از عبدالرحمن بن الحجاج که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
از مردی که ... بازی کند با زن خود در ماه رمضان تا انزال منی ... فرمودند که
... کفاره مانند کسی که با اهل خود جماع کرده باشد ... این احادیث ...
... التصحیح ... شامل وطی ... و غیر آنست ...
... احتیاط ... منی ... باشد کفاره
... و ... کفاره باید داد
و ... کفاره را حمل کنند بر صورتی که ...

او را هي ... يا نقصان ... بي كند ... حديث ... بكلاد ... احمد هي ...

عاقبت خواسته باشد و نقصان اسم ... و في رواية منصور بن يونس عن ابي بصير عن

ابي عبد الله صلوة الله عليه ان الكذب على الله و على رسوله و على الائمة صلوة الله عليهم يفطر

الصائم ... از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله عليه منقول است كه دروغ بستن بر خدا

و رسول خدا و ائمه هدى صلوة الله عليهم روزه را باطل ميكند و هرون ... ابا الحسن

... چون كليني و شيخ ... حديث را از منصور از ابو بصير روايت كرده اند كه گفت از آن

حضرت ... شنيدم كه ... دروغ ... روزه را باطل ميكند بس

... كرده ام ... شديم كه ... باطل است ... حضرت فرمود

كه مطلق دروغ ... دروغ بر خدا و بر رسول خدا و ائمه هدى صلوة الله عليهم ... 3

... حديث است كه ... خدا و بر رسول خدا و ائمه

سبب نقص كمال ... سبب نقص كمال ... اكر اين كه ...

اعظم ... در روزه اعظم ... خصوصا در صوم ...

... تفسير قران و حديث كنند ... خود ... مجتهد ...

... احتياط ... در روزه ... مسلم عن ... قال اذا صمت

فليصم سمعك و بصرك و شعرك و جلدك ... يوم

صومك ... در روزه ... منقول است ... كه

حضرت امام جعفر صادق صلوة الله عليه فرمود ... بايد كه ... روزه

باشد ... و ... نيز ...

از ... باشد و ... روزه باشد ... باطل ... مي ...

... مي رسد ... اعضا ... بايد كه ... در

روزه ... باشد ... مطلق ... و ...

از توهم و نيز

اين ... بعد ... التي ... قال النبي صلى

الله عليه و اله ان الله ... ذكر ... الا و صيام من ... ادى

امانتهم من بعدي ... الصوم ... الحضرة صلى الله عليه منقول است كه حق تعالى

عليان بخواست ... ادم ... كه ... كرامت ... از

... ايشان ... ايشان ... يا ... ادى ... انسان

حلم ... در حالت صوم ... كه ... ابواب الجارة

... ايجا ... كرد ... و ...

... از جزو حقيقت صوم ... باشد ... از ...

في نفسه ... حرام ... و ... صلوة

الله عليه انه قال ان الصيام ليس من الطعام و الشراب وحده ... قال ابي ...

... الستكم ... ابصاركم و لا تحاسدوا و لا تنازعوا

الحسد ياكل الايمان كما تاكل النار الحطب ... منقول است كه الحضرة صلى الله عليه فرمود ...

... كه الحضرة ... فرمود ... كه ...

... در روزه ... حفظ كنيد ... و ...

... بكو ... و ... و جدال مكنيد ...

... اشهادى ... فرمودند باعتبار ...

... در روزه ... كه در بني اسرائيل بود ... در روزه

... و ... جهت ...

... و ... باعتبار

... كه ... ايمان ... در زبان ... باشد

... و قال امير المومنين صلوة الله عليه ... لكونه الا

... الا استغفار

فحی بعد ... و در ... از آنحضرت صم منقولست که فرمودند که بیشتر یاد کنید در ماه رمضان

به بسیاری استغفار و دعا اما دعا پس دفع میکند بلاها را ازشما و اما استـ

غفار محو میکند گناهان شمارا و بصحیح منقولست از حضرت صادق صلوة الله علیه

منقولست که حضرت سید الساجدین صلوة الله علیه چون ماه رمضان میشد سخن نمیفرمودند

مگر دعا و تسبیح و استغفار و تکبیر را و در وقت افطار میفرمودند که خداوندا اگر خواهی

که بکنی میتوانی که بکنی اگر خواهی که بیامرزی و رحم کنی خداوندی و میتوانی که بکنی و قال

الصادق صلوة الله علیه لا تنشد الشعر بلیل ولا تنشد فی شهر رمضان بلیل ولا

نهار فقال له اسمعیل یا ابتاه وان کان فینا قال وان کان فینا و در صحیح دیگر از آنحضرت

منقولست که آنحضرت صم فرمودند که شعر مخوان در شب و شعر مخوان در ماه رمضان در

شب و روز اسمعیل پسر آنحضرت گفت که ای پدر بزرگوار اگرچه شعر در مدح ما باشد

حضرت فرمودند که اگرچه در مدح ما باشد و در صحیح از حماد منقولست که گفت شنیدم

که آنحضرت صم فرمودند که مکروه است خواندن شعر روزه دار و محرم را و در حرم و در

روز جمعه و در هر شبی نیز مکروه است حماد گفت عرض نمودم که اگرچه شعر حق باشد حضرت

فرمودند که اگرچه شعر راست باشد و قال النبی صلی الله علیه و آله ما من عبد صائم یشتم فیقول

انی صائم سلام علیک لا اشتمک کما تشتمنی الا قال الرب تبارک و تعالی استجار عبدی

بالصوم من شر عبدی قد اجرته من النار و کافی صحیح منقولست که آنحضرت صم فرمودند

که هر بنده که روزه باشد او را دشنام دهند او با خود گوید یا با او گوید که من روزه ام

و دشنام نمیدهم چنانکه مرا دشنام دادی و بر تو سلام کند در عوض دشنام حق سبحانه و

تعالی فرماید که این بنده من در پناه روزه من در آمد از شر بنده من و در بعضی نسخ شتم

بجای شر است یعنی از دشنام دادن بنده من او را از آتش جهنم در پناه خود در آوردم

و در ... ... دو بار ... حق سبحانه و تعالی میفرماید که ای

منع مرا اذا اتی من اهلی ... ... که رسول الله صلی الله

علیه و آله امر ... جاریه ... دعا رسول الله صلی الله علیه و آله بطعام فقال

لها کلی فقالت انی صائمة فقال کیف تکونین صائمة وقد سببت جاریتک ان الصوم

لیس من الطعام والشراب فقط و کافی صحیح منقولست از جراح از حضرت امام جعفر صادق

که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله شنیدند که زنی کنیز خود را دشنام میداد و آن

زن روزه بود پس حضرت فرمودند طعامی حاضر کردند با آن زن فرمودند که بخور آن زن

گفت من روزه ام حضرت فرمودند که چگونه روزه داری حال آنکه کنیز خود را دشنام

دادی بدرستیکه روزه همین از خوردن و آشامیدن نیست و قال الصادق صلوة

الله علیه اذا صمت فلیصم سمعک وبصرک من الحرام والقبیح ودع المراء واذی

الخادم ولیکن علیک وقار الصیام ولا تجعل یوم صومک کیوم فطرک و این حدیث

تتمه حدیث سابق است چنانکه در کافی ... و هم جراح شنید که حضرت ... از

حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله روایت فرموده اند که گفت قال و قال و چون قال

اول از کلام ... ... که حدیث ... باشد حدیث اول باین تتمه

تمام است که آنحضرت صم فرمودند که هرگاه روزه بگیری باید که گوش تو و چشم تو

روزه باشند از حرام و قبیح و ترک کنی جدال را اگرچه در مسایل علمی باشد و ترک کنی

آزار خدمتکاران را و باید که ... روزه ... باید که ...

باشی و ... بسبب ... در هر صورت ... افطار ...

در روزه ... باشد که روزه ... مطلق ... باشند

روزه افطار ... جمیع اعضا و جوارح ... از جمیع محرمات و مکروهات

باشند و ... که ... مخلوق ... مشغول باشند ولا باس ان

بحق الصائم فی شهر رمضان کذلک رواه الحلبی عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال انما

[illegible] ان يحتجم في شهر رمضان [illegible]
ابي الحسن [illegible] قال [illegible]
[illegible] قوي على ذلك ولم يخش [illegible] قال [illegible]
كند [illegible] روايت كرده اند از شيخ [illegible] و صحيح [illegible] از حضرت امام جعفر صادق
[illegible] فرمودند [illegible] كه حجامت [illegible] در حجامت ماه رمضان
[illegible] از آنحضرت [illegible] سؤال [illegible]
مي ترسم [illegible]
حضرت فرمودند [illegible]
[illegible]
[illegible] داشته باشد [illegible]
[illegible]
زياده [illegible] كه امير المؤمنين صلوات الله عليه [illegible] ان يحتجم الصائم [illegible]
[illegible] و منقول است كه آنحضرت [illegible] فرمودند [illegible] صائم [illegible]
[illegible] و در صحيح [illegible] منقول است كه
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمودند كه باكي نيست كه صائم حجامت كند [illegible] در ماه
رمضان [illegible] خواهم حجامت كنم در شب
حجامت ميكنم و منقول است در صحيح از سعيد [illegible] از آنحضرت سؤال كردم از صائم حجامت
ميتواند كرد فرمودند كه باكي نيست مگر خوف ضعف داشته باشد [illegible]
[illegible] از آنحضرت [illegible] در صحيح [illegible] منقول است كه آنحضرت [illegible]
فرمودند كه [illegible]
سيد المرسلين صلى الله عليه و آله [illegible] فرمودند در صوم و آنحضرت [illegible] فرمودند كه باكي نيست

[illegible]
[illegible] حجامت كردن [illegible]
[illegible] اين اخبار [illegible] كه حجامت كردن [illegible] سبب ضعف [illegible]
باشد [illegible]
[illegible] الصائم [illegible]
[illegible] صائم [illegible]
[illegible] منقول است [illegible]
كه گفت [illegible] صلوات الله عليه [illegible]
[illegible] حضرت فرمودند كه باكي نيست [illegible] در صحيح از محمد منقول است
كه از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه [illegible] فرمودند كه باكي
نيست [illegible]
منقول است [illegible] سؤال كردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه [illegible]
[illegible] فرمودند كه باكي نيست [illegible] و در صحيح از آنحضرت
[illegible] فرمودند كه باكي نيست [illegible]
[illegible] سؤال كردم از حضرت امام رضا صلوات الله عليه [illegible] در ماه رمضان
[illegible] داشته باشد [illegible]
حضرت فرمودند [illegible]
[illegible] از آنحضرت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] موافق مذهب [illegible]
[illegible] عليهم [illegible] اين باشد [illegible] استحباباً

و در صحیح از حلبی منقول است که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم از شخصی
که سر مریض را ازو کشید در حال صوم حضرت فرمودند که نمیتوان کرد داخل شود در سرش
سبب این هرگز شعاع یعقل واین احتیاط را حمل کرده اند بر آنکه دارو وشبات با اجتهاد آن
و ... باشد که مرده آن احتیاط ورود و بعضی بعید نیست معهذا آنکه دوست جون علم ندارم که علی
الدعا علی ... جنانکه بحرست که شخص حنظل را اگر برکف پا مالند در حلق ... عشت
مرده آن ... بحسب برسد جنانکه مجربست و بو نعقد و یکر یعنی آن بو بو ... راحت
سازی کند شک که مقصود انداره جو ... نیست و در موثق کالصحیح از سماعه منقول است
که گفت از امام صادق صلوات الله علیه سوال کردم از کسی که سرمه کشیدن صایم حضرت فرمودند که هرگاه مشک دارد
نداشته باشد و مزه آن در حلق ظاهر نشود باکی نیست و در صحیح از احدهما صلوات الله علیهما
منقول است که از ایشان پرسیدم از مرد روزه داری که سرمه میکشد در رمضان حضرت فرمودند
که هرگاه مزه سرمه دار رو را در حلق نیابد باکی نیست ولا بأس بان یبتاک بالماء ولا بالعود
الرطب یجد طعمه این احتیاط شاید و باکی نیست که مسواک کند با جوب تر که مزه ازو
فرو نمی یابد و هر وقتی که خواهد از روز پیش از ظهر و بعد از ظهر و بعضی علما گفته اند
مسواک کردن بعد از ظهر ولیکن جوب تر جون بعد از ظهر بوده عادت است در روزهای
در طوبت آن جوب تر و احتیاط میکند و حق آنست که بر تقدیر یکه احتیاط بکند بجوب تر
خارد جون خلافی نیست که بعد از ظهر مضمضه و استنشاق سنت است که آب
ما که جوب خشک ... بیشتر تر جنانکه منقولست بسند صحیح از حلبی که گفت
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کردم آیا صایم مسواک میتواند کرد بجوب تر
میتواند کرد حضرت فرمودند که بلی هر وقتی که خواهد از روز مسواک میتواند کرد
و در صحیح از ابن سنان و در صحیح ابو بصیر و در صحیح حلبی و در موثق کالصحیح محمد بن مسلم
منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که صایم مسواک میتواند کرد

صوم وقتی

صوم وقتی که خواهد از روز و در صحیح و حسن کالصحیح و جند موثق کالصحیح منقول است
که آن حضرت صلوات الله علیه فرمودند که مسواک تر کردن جوب تر در حال روزه آن بهر کراهت مسواک کردن
بابا بعد از زوال یا در صحیح ابی که در طوبت آن بحلق رود و جنانکه در حسن کالصحیح از ابن سنان
منقول است که آن حضرت صلوات الله علیه فرمودند که مکروه است صایم را که مسواک کند بجوب تر
و فرمودند که باکی نیست که مسواک را تر کند در آب و بیفشاند آب را جمیع رطوبت آن تا کند
و در کالصحیح منقول است که بعضی از مخلصان حضرت امام رضا صلوات الله علیه از آن حضرت
سوال نمودند از مسواک در ماه رمضان حضرت فرمودند که جایز است بعضی عرض نمودند
که رطوبت مسواک بحلق یا داخل بدن نمی رود حضرت فرمودند که رطوبت آب مضمضه
بیشتر از رطوبت مسواک است واگر کسی گوید که مضمضه سنت است مسواک نیز سنت
است و حبرئیل اوامر از جهت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله آورده ... علی محمد
... سلم عن ابی جعفر صلوات الله علیه انه سئل عن القلس یفطر الصایم فقال لا و بسند
صحیح و در موثق کالصحیح منقول است که از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه سوال کردند
از آنچه که از حلق بی اختیار بالا آید آیا روزه را باطل میکند حضرت فرمودند که نه بلکه
همین ... فی عکس که هرگاه بی اختیار آید ... نشود در این مضمون احادیث صحیح و احادیث
موثق کالصحیح منقول است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و لا بأس بالمضمضة و
الاستنشاق للصایم و باکی نیست که مضمضه و استنشاق صایم را اگر از جهت وضو
باشد یا ... غیر آن ... از جای نماز واجب باشد تا از جهت نماز سنت باشد
مشهور آنست که قضا میکند روزه را و در صحیح حلبی وارد شده است که قضا میکند
در حال که ... اولی آنست که اجتناب کند و احوط قضاست و در موثق از سماعه منقول است که
گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که مضمضه کند و آب
بحلقش فرو رود روزه باشد حضرت فرمودند که بر او چیزی نیست عرض کردم که اگر

اگر بحلق بجهد آب بی اختیار او ازو ری آنچه در شیمه با سید ... باید کرد و اگر وضوی ... باشد

[illegible] بر مضمضه کند و آب بحلقش [illegible]

فرمنه [illegible] حضرة فرمودند که [illegible] کرده [illegible] چون [illegible] شد [illegible]

[illegible] تمضمض واستنشق فلا یبلع ریقه حتی یبزق ثلاث مرات

منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هر که در حال [illegible] مضمضه کند [illegible]

دا فرو برد تا سه مرتبه [illegible] و ظاهر الفضلا استنشاق [illegible]

[illegible] در حال [illegible] در آن [illegible] مشهور [illegible]

[illegible] بدارد [illegible] بدانند [illegible]

کرده [illegible] از حضرت [illegible] شیخ نقل کرده است که [illegible]

[illegible] ما یدخل الحلق [illegible]

علیه [illegible] در [illegible] اختیار [illegible]

[illegible] حدیث [illegible]

ارجاع منقول است که از شخصی روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله

که پرسیدند که صایم مضمضه و استنشاق میکند فرمودند که بلی ولکن [illegible]

استنشاق [illegible] اخبار [illegible] صحیح

[illegible] صحیح منقول است از [illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] کرد [illegible] از جهت نماز [illegible] حضرت فرمودند [illegible]

از جهت نماز واجب باشد [illegible] اگر از جهت نماز سنت [illegible]

قضا [illegible] منقول است [illegible] احتیاط در قضا [illegible]

[illegible] سئل [illegible] ابا عبد الله صلوات الله علیه عن رجل عبث بالماء یتمضمض به من عطش

فدخل حلقه قال علیه قضاؤه وان کان فی وضوء فلا بأس به قال وسألته عن [illegible] فی

رمضان قال ان کان [illegible] فلا بأس [illegible] وان کان شیء یکره علیه نفسه فقد [illegible] علیه

القضاء

القضاء بود در موقت [illegible] منقول است [illegible] سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلی

الله علیه [illegible] مضمضه [illegible] کند [illegible] کتاب [illegible]

جهد حضرت فرمودند که [illegible] قضا کند [illegible]

[illegible] از جهت مضمضه وضو [illegible]

از جهت [illegible]

کرده سؤال کردم از حضرت [illegible] ماه رمضان حضرت فرمودند که اگر [illegible]

[illegible]

[illegible] احادیث صحیحه [illegible]

[illegible] صلی الله علیه عن الرجل [illegible] فی شهر رمضان

قال [illegible] لا یجوز [illegible] منقول است [illegible]

که گفت از حضرت سؤال کردم از شخصی که مریض [illegible] ماه رمضان [illegible]

که حقنه کند فرمودند که صایم را جایز نیست که حقنه کند [illegible]

[illegible] احتیاط [illegible]

[illegible] اطلاق [illegible] در حدیث [illegible]

[illegible] صحیح از علی بن جعفر که گفت سؤال کردم از برادرم حضرت امام

[illegible] صلوات الله علیهما [illegible]

[illegible] حضرت فرمودند [illegible] موثق [illegible] منقول است از حسن بن علی بن

الفضال که [illegible] نوشتم [illegible] حضرت امام رضا صلوات الله علیه [illegible]

[illegible] فرمودند [illegible]

[illegible]

[illegible] ولا یجوز للصائم

این مستحب در جایز نیست صایم را اگر حقنه کند به چیزی که مایع باشد
و این عبارت حقنه روزه نیست و لکن بیشتر روا بود که کراهت است
بجهتی دستار خصوصاً چرکن با کل عادی باشد و مفطر باشد و در حدیثی از آن که
از ایشه موثق عیاش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که فرمودند
که مکروه است سعوط و لا باس ان یصب الدواء فی اذنه یعنی باکی نیست دوا چکانیدن در
در گوش صایم و بر همین مضمون حدیث صحیح و حسن کالصحیح و موثق کالصحیح از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه وارد شده و خلافی نیست در عدم
ان یذوق المرق و یمضغ الخبز للرضیع من غیر ان یبلع شیئاً و حکم روزه دار را
بو کردن که مر ترجیح کند با بخید نان را از جهت طفل شیر خواره که شد
بی آنکه چیزی از آنها را فرو برد و این مضمون عبارت روزه نیست و در صحیح از حماد
منقول است که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدند از صایمی که دارو در گوش کشد
کشد حضرت فرمودند که بلی میتوان کرد و هرگز میتواند چشید که بچه طعام را بیابد دم
بخورد چو چه میتواند داد و در صحیح از حلبی منقول است که از آنحضرت ص پرسیدند از زنی
که روزه باشد و بچه داشته باشد فرمودند که باکی نیست پرسیدند که زنی بچه دار
نان را میتواند خائیدن و بخورد داد حضرت فرمودند که باکی نیست و پرسیدند
و بخوردن مرغان نیز میتواند داد اگر چه روزه باشد و ظاهر آنست مطلقا بو کردن تواند
کرد اگر چه عبث باشد و لیکن اگر از جهت ضرورت باشد و بحلقش فرو رود بی اختیار
او قضا نمی باید کرد و اگر عبث باشد مشهور وجوب قضاست و در صحیح از علی بن
جعفر منقول است که گفت سوال کردم از برادرم حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما از صایمی
که طعام و شربت را در دهن کند و مزه آنرا در حلقش یابد حضرت فرمودند که در دهن عبث
نکند عرض کردم که اگر کرده باشد چه باید کرد فرمودند که بر وجهی عیب نیست و دیگر چنین

نکند

نکند دو روی از ابو ... منقول است ... سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه که صایم مصطکی و امثال آنرا میتواند خائید فرمودند که بلی اگر خواهد و محمول است
بر ... بیند از چون منقول است در صحیح از محمد که حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه فرمودند که ای محمد زنهار که در صوم مصطکی نخائید که من امروز روزه بودم و خائیدم
و یافتم آن در دل ... چیزی در حلق و در حسن کالصحیح منقول است از حلبی که گفت از آنحضرت
... که صایم میتواند خائیدن مصطکی را حضرت فرمودند که نه ... محمول است
بر ... بود بر کراهت در صورتی که جرم داشته باشد که اجزا از آن جدا
شود ... و حال خائیدن اجزا از آن جدا نمی شود با آنکه خائیدن عیبی ندارد
چنانکه در صحیح از سعید منقول است که گفت از آنحضرت سوال کردم از صایم که میتواند
چیزی را بخاید و فرو نبرد فرمودند که نه اگر خوف متهم شدن نیز هست که بهتر
نیست سبب غیبت چیزی نیز ... و در حدیث با آنکه در مست ... روزه دار دانسته است
ولا باس ان یشم الطیب الا المسحوق منه فانه یصعد الی دماغه و این عبارت مضمون حدیثی
است که باکی نیست که در صوم بوی خوش را ببوید مگر بوی خوشی باشد که سائیده باشند
از مانند عنبر و مشک که بر طلا میرود و محتمل است که مراد صدوق نیز کراهت
بو کردن سائیده باشد چون خوردن بواد صادق نمی آید در موثق کالصحیح منقول است
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه کراهت داشتند که صایم بوی خوش کند و غالب در
... با اعتبار آنست که غالبا مثل مانند عنبر است و بحلق بی رود و ظاهر اشتمال اسپها را
بو شدن مکروه باشد اگر چه احوط آنست که هیچ چیزی را داخل هیچ عضوی نکند و الله
تعالی یعلم ولا باس ان یذوق الطباخ المرق و هو صایم لیس له من غیر ان یبلغه لیعرف حلوه
من حامضه عبارت حدیث صحیح است که باکی نیست که طباخ مرق طعام را از زبانش بچشد
در روزه باشد بی آنکه فرو برد تا بداند شیرینی را از ترشی و این عبارتی از صدوق است

از بیرون آمدن و فرض این است که از این جهت که این بحث ... حاجت شده
مرطوبی که داشته باشد بیرون آمده باشد چنانکه در حدیث صحیح حلبی و موثق کالصحیح محمد بن مسلم
و غیر آن هم منقول است از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه و از حضرت صادق صلوات الله
که فرمودند که در روزه مرد و زن هرزه طعام و آشامیدن از جستن بدر رود ... سعید بن ...
انه قال قلت لابی عبد الله علیه السلام الرجل یحمل المرأة فیمذی وهو صائم فقال لا ینقض ... بل
الخاتم قال نعم و در حدیث کالصحیح بلکه صحیح منقول است از مسعر که گفت عرض نمودم
بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که او ... حضرت ... بیرون می آید که گذاشته که
از جهت ... چهره ... حضرت فرمودند که ... کشتی ... بیرون ... می شوند
که فرمودند که ... احتیاط کرده باشد چون احتمال ... که ... از آن
شود بخلاف ... اما اگر ... باشد باید ... آن
می شود و ... داخل ... حیوان که در ... منقول است از ... عمر ...
شخصی که ... در ماه رمضان حضرت فرمودند که ... باکی نیست ... از جهت
شکی ... منقول است که گفت ... از حضرت ... کرده فرمودند که
اگر ... کمی ... اما ... باشد که
احتیاط ... داشته باشد ... باشد ... دهان
بیرون ... باشد ... علت ... باشد
چون ... باشد ... علت ... باشد
کرده باشد مشکل است از آن ماده ... بودن چون ... که ... داخل
در حکم باشد و من احتلم بالنهار فی شهر رمضان فلیتم صومه ولا قضاء علیه ...
رضوی است که هر که محتلم شود در روز ماه رمضان می باید که ... روزه را تمام کند و بر او
واجب نیست که قضا کند ... و در صحیح ... که احتلام روزه را فاسد نمیکند

ودر حدیثی

ودر موثق کالصحیح منقول است از ابراهیم بن عبد الحمید از بعضی موالی او بعنی حضرت امام موسی
... علیه که از آنحضرت سؤال کردم از احتلام صائم حضرت فرمودند که هرگاه در
روز ماه رمضان محتلم شود خواب ... غسل نکند ... در موثق از ابن بکیر منقول است که
آنحضرت فرمودند که هرگاه صائم محتلم شود ... بیدار ... بعنی ... انقضاء
... در حدیث کالصحیح ... و ... صحیح است که گفت با آنحضرت
عرض نمودم که سبب چیست که احتلام روزه را باطل نمیکند و جماع باطل میکند حضرت
فرمودند که جماع باختیار است و احتلام بی اختیار ... مطلوب باشد
از جهت بیرون آمدن ... که ... وارد
شده است که ... که ... خواهد
دست ... بی ... حضرت فرموده اند که ... غد علی
وجوب استبراء ... بعضی از فقها احتیاط ... میکنند ... تمام
و بعد از آن ... غسل میکنند از جهت ... استبراء
باشد ... باشد اگر ... حرب
استحباب کنند والله اعلم وروی عمار بن موسی الساباطی عن ابی عبد الله صلوات الله علیه
والصائم ... قال لا ولا یبلع ... و در موثق از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه منقول است ... حضرت فرمودند ... خون ... دهان
خود ... باشد که چون ... در
کراهت است ... و خون ... چون ... طعام
خون ... حرام است ... چون ... دهان
حرام باشد ... چون ... است که نهی از
... و امثال این نواهی را حکم ... ماند ... است

مستحب است و مکروه نیست و کراهتی ندارد [illegible] مکروه است و عالم که
[illegible] علیهم السلام [illegible] علی الحسین [illegible] ان‌شاء الله
قال کان ابو جعفر صلوات الله علیه اذا صام تطیب بالطیب [illegible] یقول الطیب تحفة الصائم
و کلینی در صحیح از حسن بن راشد روایت کرده است که بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم
روزه میگیرند بوی خوش [illegible] و حضرت فرمودند که [illegible] تحفه روزه دار است
سبب تحفه [illegible] [illegible] شده است بوی خوش در روزه [illegible]
خوش [illegible] بوی خوش [illegible] صائم تحفه [illegible] در صحیح از یونس
منقول است که حضرت صادق فرمودند که هر گاه صائم [illegible]
یعنی [illegible] خلق [illegible] حلق [illegible] و از [illegible] بوی خوش است
که خواهد [illegible] عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر صلوات الله علیه [illegible] الرجل یدخل
الحمام و هو صائم فقال لا بأس ما لم یخش ضعفا [illegible] منقول است که از حضرت
امام محمد باقر صلوات الله علیه سوال کردند از شخصی که روزه دار در حمام رود حضرت فرمودند باکی
ندارد مادام که خوف ضعف نداشته باشد [illegible] صحیح منقول است از ابو بصیر که گفت سوال کردم
از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از شخصی که روزه دار در حمام رود حضرت فرمودند
که باکی نیست یعنی اگر خوف ضعف نداشته باشد [illegible] کراهت ندارد
[illegible] کراهت است [illegible] خوف ضعف مکروه باشد [illegible] و اشکال
آن داشته باشد که در آن صورت [illegible] حرام است والله تعالی اعلم و لا بأس بالقبلة
للشیخ الکبیر [illegible] ان یستقر [illegible] و باکی
نیست که صائم [illegible] بوسد [illegible] باشد ببوسد [illegible] که
ایمن [illegible] بود که بسیار است که شهوت [illegible] اوقات [illegible] می شود
و احتیاط است [illegible] منقول است در صحیح از منصور بن حازم که بحضرت امام

جعفر

جعفر صادق صلوات الله علیه عرض نمودم که چه میفرمایی در شخصی که میبوسد زن یا کنیز خود را
حضرت فرمودند [illegible] اگر [illegible] که ببوسد باشد و [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible] بوسیدن [illegible] یا روزه
باطل می شود یا کفاره [illegible] حضرت فرمودند [illegible] اگر صاحب منی
[illegible] در صحیح از [illegible] منقول است از حضرت امام [illegible] صلی الله علیه فرمودند که
بوسیدن [illegible] روزه [illegible] منقول است که بحضرت امام جعفر
[illegible] صلی الله علیه عرض نمودم که روزه دار [illegible] حضرت فرمودند که
[illegible] سئل النبی صلی الله علیه و آله عن الرجل یقبل
امرأته و هو صائم [illegible] افضل من ذلک ان یتنزه الصائم عنها
[illegible] قال امیر المؤمنین صلوات الله علیه اما یستحیی احدکم ان لا یصبر یوما الی اللیل
انه کان یقال ان بدو القتال اللطام [illegible] از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله
بوسیدن از شخصی که روزه [illegible] حضرت فرمودند که آیا هست [illegible]
که [illegible] یعنی [illegible] بوسیدن [illegible]
[illegible] بوسیدن مکروه است [illegible] بوسیدن [illegible]
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمودند [illegible] روزه
[illegible] بوسیدن [illegible]
[illegible] خواهد [illegible] بوسیدن زنان [illegible] جماع که
روزه خورده [illegible] کفاره [illegible] مشهور است [illegible]
سیلی زدن است [illegible] مرتبه [illegible] بوسیدن
بوسیدن بجماع میکشاند [illegible]

واحادیث که گذشت دریں معانی و در موثق از سماعه وارد شده که گفت سوال کردم از حضرت
امام جعفر صادق صلوة الله علیه از بوسیدن در روزه ماه رمضان آیا باطل میکند روزه را
حضرت فرمودند که نه و در موثق کالصحیح منقول است از اصبغ که گفت شخصی آمد بخدمت حضرت
امیر المومنین صلوة الله علیه آمد و عرض نمود که در روزه زن را میتوانم بوسید حضرت
فرمودند که حفظ روزه کن و ضبط کن خود را از مقدمات فساد روزه بدرستیکه ابتدای کشتی
طلبی بدن است و در موثق کالصحیح منقول است از زراره و محمد بن مسلم که سوال کردند از حضرت
امام محمد باقر صلوة الله علیه که آیا صایم دست یا بدن زنان میتواند رسانید یا بوسه
میتواند کرد در ماه رمضان حضرت فرمودند که من بر آدمی میترسم باید که خود را ضبط کنند
مثل اگر خاطر جمع باشد که منی از وی آید ببیند دست بازی و بوسیدن و جماع محسوسند
مثل اگر ... باشد یا باشد آن و لو آن رجلا لصق بجاریه فی شهر رمضان فادفق علیه غسل
رقبه عبارت فقها هست که اگر شخصی بچسبد با اهل خود بدن خود را ببدن او رساند در ماه
رمضان و منی باید از وی لازم است که بنده آزاد کند و منقول است در صحیح از عبد الرحمن که گفت
سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از شخصی که عبث کند با اهل خود
مراد از عبث آن حالی است که جماع سبب منی شود ماند ... در ماه رمضان را
از بیشی الزامی با جماع دور نه باشد و بهم بچسبند تا او را منی بیاید حضرت فرمودند
که بر او کفاره کسی که در روز با اهل خود جماع کند و در صحیح از عبد الرحمن منقول است
که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوة الله علیه از کسی که عبث کند با اهلش
در ماه رمضان تا آنکه منی بیاید ایشان را فرمودند که بر
او لازم است کفاره کسی که با اهلش جماع کند بحجت سند صحیح دیگر از عبد الرحمن
بهمین نحو وارد است و در موثق کالصحیح از سماعه منقول است که گفت از آنحضرت سوال
کردم از شخصی که با اهل خود بچسبد تا از وی منی بیاید حضرت فرمودند که جواز داشت که

شصت

شصت مسکین را طعام دهد هر مسکینی را مدی و از این اخبار ظاهر است که هر کار عملی کند که
بجهت آن سبب آمدن منی باشد و منی بیاید کفاره باید داد و ظاهر میشود که حرام میباشد
و سبب کفاره باشد و استبعادی ندارد چنانکه در بقای بر جنابت تا خواب آمد و اکثر
علما حمل کرده اند عبارت حق منی را بر آنکه قصد او آمدن منی باشد یا احتمال باشد و اظهر
آنست که لازم نیست که این قصد داشته باشد و معهود آنکه نیست که حمل کنیم بر استحباب کفاره
و منقول است کالصحیح از ابو بصیر بحجت سند که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة
الله علیه از شخصی که مس کند با اهل خود در روزه ماه رمضان و منی بیاید از وی حضرت فرمودند
که بر او چیزی نیست و ظاهر آنست که چون متعارف نیست که از مس کردن منی بیاید فرمودند
که بر او چیزی نیست و قال رجل لعلی بن موسی ابی عبد الله صلوة الله علیه عن رجل لامس جاریة فی شهر
رمضان فامذی قال ان کان حراما فلیستغفر الله استغفار من لا یعود ابدا و یصوم یوما
مکان یوم و شیخ طوسی بدو سند صحیح دیگر همین حدیث را روایت کرده است با زیادتی و ان
کان من حلال فلیستغفر الله و لا یعود و یصوم یوما مکان یوم و در صحیح منقول است از
رفاعه که گفت از آنحضرت سوال کردم از شخصی که با کنیزی یا کنیز خود دست بازی کند
در ماه رمضان و از وی مذی بیاید حضرت فرمودند که اگر با کنیز مردمان باشد یا با زن
اجنبیه یا پسر باشد که حرام باشد دست بازی با او در غیر صوم پس واجب است که توبه
کند و طلب مغفرت کند و استغفار و توبه که هرگز بار دیگر این کار نکند و یک روز بروزه میدارد
بدل آن روز و بنا بر نسخهای شیخ اگر دست بازی حلال باشد پس می باید که طلب
مغفرت و توبه کند و این روزه را بگوید و قضا کند و بعد از نقل حدیث گفته است که این حدیث
شاذ و نادر است و مخالف فتاوی جمیع مشایخ ما است و گویا او را این سهو کرده در
جزو آخر حمل کرده زیاد کرده است میان حلال و حرام در فرق نکرده است که در حلال استغفار و
قضا را ذکر کرده است و در مواضع بسیار خود را حمل بر استحباب کرده است و گفته است

از جهت کم آمدن رجب قضا میشود و ممکن است که در روایت حمزه [illegible] راوی سهو کرده [illegible]

در کفن آمدن بمثل [illegible] و حضرت موافق مطلب او جواب داده باشند و استغفار کردم

محمول باشد و استحباب محتمل است که [illegible] درست نقل کرده باشد مثل [illegible] چون مصنف

این اصل را عمده دانسته کرده است یعنی زیادتی و بعضی از روایت سهو کرده باشد در نقل زیادتی

ولیکن بعید است و اظهر آنست که چون صدوق دیده است که باید [illegible] نقل کرده است و شیخ

در حدیث از ابو بصیر روایت کرده است که در طریق [illegible] قاسم و جوهری است که حسین بن سعید

اند روایت کرده است و [illegible] قاسم [illegible] اجازه کتاب ابی بصیر است و محتمل علی بن

ابی حمزه [illegible] حسین بن سعید [illegible] محمول [illegible] بر نقل [illegible]

و این حدیث دال است بر آنکه [illegible]

و حدیث صحیح [illegible] عمل کرده اند علی سبیل الاستحباب [illegible]

آنست که حدیث ابو بصیر [illegible] و حدیث [illegible] اهل [illegible] و حدیث

موافق است باشد [illegible] بخلاف حدیث [illegible] و احوط [illegible]

و سأله سماعة عن الرجل يلصق [illegible] ما لم يخف على نفسه فلا بأس [illegible]

در موثق از سماعه که گفت از آنحضرت سوال کردم از شخصی که با اهل خود [illegible] کند

در ماه رمضان حضرت فرمودند که مادام که بر نفس خود خوف نداشته باشد باکی نیست

شود و با جماع منجر شود باکی نیست و الله تعالی یعلم و روی محمد بن الفضیل [illegible] عن ابی [illegible]

قال سمعت ابا عبد الله صلوات الله علیه ینهی عن النرجس للصائم فقلت جعلت فداك [illegible]

قال لانه ريحان الاعاجم و کالصحیح منقول است از محمد که گفت شنیدم که حضرت امام جعفر صادق

صلوات الله علیه نهی میفرمودند که صایم نرگس را ببوید عرض کردم که فدایت گردم چرا نهی

میفرمایید فرمودند از جهت آنکه [illegible] است یعنی [illegible] مجوس چون [illegible]

مجوس بودند و مخالفت یهود و نصاری و مجوس مطلوب است [illegible] محمد بن یعقوب کلینی رضی الله عنه

ذکر کرده

ذکر کرده است که از بعضی شیخ خود شنیدم که مجوس در روزه نمی بوئیدند و میگفتند که

بوئیدن [illegible] مکروه است و اظهر آنست که مجوس در روزه [illegible] بوده است

[illegible] بوده اند [illegible]

[illegible] مطعون است [illegible] کلینی [illegible]

[illegible] است [illegible] اشتد [illegible]

خوب [illegible] و اظهر [illegible] نهی وارد [illegible]

جهت عدم [illegible] مجوس و الله تعالی یعلم [illegible] کلینی [illegible] از محمد بن [illegible]

روایت کرده اند از حضرت صادق صلوات الله علیه [illegible] مجوس

[illegible] چند [illegible] خواسته است [illegible] محمد بن [illegible]

[illegible] خواسته است [illegible]

[illegible]

[illegible] رجال ذکر کرده است و چون [illegible]

تصحیف کرده اند [illegible] و در علل الشرایع [illegible] منقول است و ممکن است که [illegible]

[illegible] سهو شده باشد و ممکن است که محمد [illegible] کرده باشد و

بی واسطه [illegible] و الله تعالی یعلم [illegible] سئل الصادق صلوات الله علیه عن المحرم یشم الریحان قال لا

قيل فالصائم قال لا قيل [illegible] الصائم [illegible] قال نعم قيل [illegible] يشم الطيب

ولا يشم الريحان قال لان الطيب سنة والريحان بدعة للصائم و کالصحیح روایت

کرده است صدوق از [illegible] که گفت از آنحضرت سوال کردم

[illegible] میتواند

[illegible] بوئیدن فرمودند [illegible] عرض [illegible] کشته [illegible]

فرمودند [illegible] عرض نمودند که [illegible] بوی خوش [illegible]

بوشیدن بحضرت فرموده‌اند که آنچه سبب آنکه حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه و الرد بعث
بیاری خویش داشت و در صوم و نجات ابن سهل نیز دیده باشد اگر کسی بقصد سنت بپوشد
شرع که بدعت است و اگر بقصد سنت نکند بدعت نکرده است و ما دلیلی بر نهی مطلق که دلالت
دلالت میکند بحدیث و کافیست مطلق که کلها در جوف درود و مانند درود و کشیدنه که اجزاء آن
منفصل شود و ظهر آن در حین حدیث کسی خلاف نکرده باشد و اگر شیخ نور الدین علی
بن عطیه ... جمیعا ذکر کرده است و حرمت غبار غلیظ را و جود او نیز گفته‌اند که بعضی از علماء
مطرح ساخته‌اند غبار غلیظ را حتی غبار غلیظی که اگر اجزاء آن منفصل شود ... کمتر
نبوده ... الشیخ ... جایی شود و اگر نیله کشیده شود ... از
آن در حلق شود و در حلق ایشان انست که در غبار غلیظ ... اگر حالت ... او
میرود که ... در حلق ...
... است ... حقیقت ... شود که اجزاء آن منفصل شود
... و ... است ... در اصل غبار ... خلاف است
و ... و اکول ... عادی را ... صوم ... ما ...
باشد ... اگر ... بجوز ... است بخلاف اگر کرد ... حتی
آنست ... شود ... و اگر حدیثی ... عدم
جواز ... در حدیث ... جواز ... در موثق ... اجزاء
بن سعید منقول است که گفت سوال کردم از حضرت ابو الحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما
از ... که ... و ... در حضرت فرمودند که ... در
بکی ... سوال کردم ... که ... فرمودند که ... و در
احادیث صحیح وارد شده ... حضرت ... اگر طعامی
... که ... خورند ... منقول است

کہ جعفر

که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرموده‌اند که باکی نیست که صایم بینی خود را
سیف ... هر ... آمده است ... فرموده و کلام صحیح منقول است از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه ... که ... صایم ... فرموده‌اند که ... قصد کند ...
خورد ... طاهر است که اگر ...
بود ... اختیار ... سبب ... علی
علی بن جعفر منقول است که گفت سوال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه از
صایم که آیا ... دهان ... حضرت فرمودند که باکی نیست
... که گفت عرض نمودم بحضرت ... علیه
که ... که ... آب دهن او ...
حضرت فرمودند که باکی نیست ... طاهر ... است که ... عادی
... اگر ... میتوان کرد ... داشته باشد
که ... سلمان بن حفص مروزی
که گفت ... شنیدم که میگفت که ... صایم ... مضمضه یا استنشاق کند
عمدا یا ... را ... و ... در
کرد ... که ... مانند ...
و ... معلوم نیست که آنکه سوال کرده است ... مضمضه
و استنشاق عمدا کفاره را ذکر کرده است و احادیث مضمضه گذشت که اگر عبث باشد
... و حدیث ... و عبث ... باید کرد و کفاره ...
بر استحباب ... که مراد این است که عمدا مضمضه یا استنشاق کند که آب بحلق برود
عمدا در استنشاق مانند سعوط ... بر استحباب کردن اظهر است و کلام الصادق
صلوات الله علیه اذا ... لا ... فقال ... هو ...

و در صحیح منقول است از حضرت [illegible] که آنحضرت [illegible]
بنی [illegible] آنحضرت [illegible] فرمودند که [illegible] روزه [illegible]
[illegible] و چون [illegible] داشد
منقول است که آنحضرت [illegible] فرمودند که [illegible] صحیح منقول است
که از آنحضرت [illegible] سوال کردند [illegible] میتواند [illegible]
فرمودند که [illegible] و در صحیح [illegible] منقول است که عرض نمودم
بآنحضرت [illegible] که [illegible] عرض نمودم که روزه [illegible]
[illegible] فرمودند [illegible] حضرت [illegible]
عرض نمودم [illegible] فرمودند که [illegible]
تو [illegible] فرمودند [illegible]
[illegible] که صایم [illegible] صایم [illegible]
که [illegible] و [illegible] است و [illegible] صحیح از محمد بن مسلم [illegible]
با آنحضرت [illegible] صایم [illegible] فرمودند که [illegible]
عبد الرحمن منقول است [illegible] از حضرت امام [illegible] صلوة الله علیه که آیا صایم [illegible]
میتواند [illegible] فرمودند که [illegible] منقول است از [illegible]
که [illegible] فرمودند که صایم [illegible] میتواند [illegible] میتواند
که [illegible] من تطیب بطیب [illegible] و هو صایم لم یکن [illegible] و در صحیح از
[illegible] منقول است که [illegible] بعقاشی
[illegible] یا الی [illegible]
[illegible] که [illegible] مذهب [illegible]
امام [illegible] صلوة الله علیه [illegible] فرمودند [illegible]

در صحیح [illegible] صلوة الله علیه [illegible]
[illegible] منقول است [illegible] که گفت سوال کردم از
حضرت امام [illegible] علیه [illegible] خود [illegible]
[illegible] حضرت فرمودند که میتواند [illegible] بلکه [illegible]
[illegible] صحیح [illegible]
[illegible] عبد الله بن سنان [illegible] فی المباشرة [illegible]
و در صحیح از عبد الله از آنحضرت [illegible] فرمودند [illegible]
[illegible]
[illegible] یا کان الانزال [illegible] عبد الله صلوة
علیه عن الصایم [illegible] ولکنی [illegible] فی المبالغة
علی الماء [illegible] و در موثق کالصحیح منقول است [illegible] که گفت سوال کردم از حضرت امام
جعفر صادق صلوة الله علیه که آیا صایم [illegible] میتواند [illegible]
[illegible]
[illegible] و در صحیح از
محمد بن مسلم که حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که [illegible] میتواند [illegible]
آب [illegible] میتواند [illegible]
[illegible] آب [illegible] میتواند کرد [illegible]
[illegible] و لیکن [illegible] است و چون
[illegible] میتواند کرد [illegible] منقول است [illegible] امام
جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که [illegible]
[illegible] احادیث [illegible] کرده [illegible] وارد

شرع ست علی ایشان بکفارة [illegible] واللّه تعالی اعلم باب ما یجب علی من افطر او جامع فی
شهر رمضان متعمدا او ناسیا این بابی است در بیان انچه واجب است از قضا و کفاره برکسی
که افطار کند در ماه رمضان یا جماع کند از روی عمد یا فراموشی بدانکه [illegible]
چه [illegible] واجب [illegible] ذکر میکنند در بیان [illegible]
که سبب [illegible] واجب شود [illegible] در صوم رمضان
جهت حقیقت صوم است [illegible] چنانکه [illegible] اشاره [illegible]
[illegible] در موضع [illegible] الحسن بن محبوب عن عبد الله بن سنان عن ابی عبد الله
علیه السلام فی رجل افطر فی شهر رمضان متعمدا یوما واحدا من غیر عذر قال یعتق
رقبة او یصوم شهرین متتابعین او یطعم ستین مسکینا فان لم یقدر تصدق بما یطیق
روایتست در صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در شخصی که افطار کند
ماه رمضان [illegible] حضرت فرمودند که بنده آزاد
میکند یا دو ماه پی در پی روزه میگیرد یا شصت مسکین را طعام میدهد [illegible]
[illegible] طعام [illegible]
[illegible] افطار [illegible]
صوم [illegible] المومن فی القسم
الانصاری عن ابی جعفر صلوات الله علیه ان رجلا اتی النبی صلی الله علیه وآله فقال هلکت
واهلکت فقال وما اهلکک فقال اتیت امرأتی فی شهر رمضان وانا صائم فقال النبی صلی
الله علیه وآله اعتق رقبة قال لا اجد قال فصم شهرین متتابعین قال لا اطیق قال تصدق
علی ستین مسکینا قال لا اجد فاتی النبی صلی الله علیه وآله بعذق فی مکتل فیه خمسة عشر صاعا
من تمر فقال النبی صلی الله علیه وآله خذها فتصدق بها فقال والذی بعثک بالحق نبیا
ما بین لابتیها اهل بیت احوج الیه منا فقال خذه فکله انت واهلک فانه کفارة لک

وکان صحیح

وکان صحیح [illegible] عبد الرحمن [illegible] الحکیم [illegible]
[illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی
الله علیه وآله آمد و گفت یا رسول الله صلی الله علیه وآله هلاک شدم [illegible]
[illegible] حضرت فرمودند که چکار کرده
[illegible] گفت جماع کردم با اهل خود در ماه رمضان در حالتی که روزه بودم پس حضرت
فرمودند که [illegible] گفت ندارم [illegible] حضرت فرمودند که پس دو ماه
پی در پی روزه بگیر گفت طاقت ندارم حضرت فرمودند که تصدق کن بر شصت مسکین
گفت ندارم [illegible] پس آوردند که در آنجا پانزده صاع بود که
شصت مد باشد پس حضرت فرمودند که این خرما را بگیر و تصدق کن بر شصت مسکین
[illegible]
[illegible] حضرت فرمودند
[illegible] در روایت حسن یا صحیح
عن ابی عبد الله صلوات الله علیه ان المکتل الذی اتی به النبی صلی الله علیه وآله کان فیه عشرون صاعا
من تمر [illegible] روایت صحیح [illegible] از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه مرویست
که [illegible] حضرت آوردند [illegible] روایت [illegible]
در صحیح [illegible] روایت کرده اند که از آنحضرت سوال کردند از شخصی که افطار
کند روزی از ماه رمضان را عمدا حضرت فرمودند که شخصی بخدمت حضرت سید انبیا
صلی الله علیه وآله آمد و گفت یا رسول الله صلی الله علیه وآله هلاک شدم [illegible]
حضرت فرمودند که چه واقع شده است گفت یا رسول الله صلی الله علیه وآله [illegible]
[illegible] حاصل کرده ام فرمودند که چه کرده گفت با اهل خود جماع کرده ام حضرت
فرمودند که تصدق کن و استغفار کن [illegible] گفت که [illegible] کرده [illegible]

کرده است که در حالتی که چیزی نیست انداخت ... بسیاری شخصی از صحابه آنحضرت هم
رسید ... که در آن ... نیست ... بود که با این جماع یا ده صاع برده باشد پس حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمودند که این خرما را بگیر و تصدق کن گفت یا رسول الله صلی الله
علیه وآله بکه تصدق کنم و حال آنکه عرض نمودم که در خانه من اندک و بسیار نیست چیزی
حضرت فرمودند که بگیر و بخور و عیال خود بخوران و استغفار کن از خداوند عالمیان جل
گفته که چون بیرون آمدیم آنحضرت اصحاب ما گفتند که حضرت ابتدا بعتق کرده اند
و فرمودند که بنده آزاد کن یا روزه بگیر یا تصدق کن و طعام ده و آن وقت چیزی مشغول شده
باشد عیبی دیگر از چیز و آن نشنیده باشد یا چیزی از قول جمیل حضرت مفصل
فرموده باشند و بعد از قول مجمل فرموده باشند اعتقاد و آنکه دیگران با او خواهند
رسانید و بخاری بطرق متعدده روایت کرده است این حدیث را و اختلافی که بحسب ظاهر
دارد با حدیث عبد الله آنست که در اینجا بر سبیل تخییر است و ظاهر آنحضرت ترتیب است و جمع
نیست و ممکن است که حضرت ابتدا مرد را کامل کرده باشند و ترتیب مستحب است و جمع میان
کرد حدیث اول با ترتیب که مراد این باشد که بنده آزاد کن اگر داشته باشی یا دو ماه
پی درپی روزه بگیر اگر بنده نداشته باشی ولیکن حمل اول مخالفت بسیاری ندارد با ظاهر
و شاید نیست که احوط ترتیب است و اختلافی که در ... واقع است باعتبار اختلاف
صاع بوده است چنانکه از آخر حدیث جمیل ظاهر میشود که در زمان نقل حدیث بزرگتر بوده است
که پانزده صاع شرعی بوده است و قبل از آن سنگین بوده است که بیست صاع شرعی بوده است و در ...
ادریس بن هلال عن ابی عبد الله صلوات الله علیه انه سئل عن رجل اتی اهله فی شهر رمضان
قال علیه عشرون صاعا من تمر و بذلک امر النبی صلی الله علیه وآله الرجل الذی اتاه فسأله
عن ذلک و کالصحیح منقول است که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کردند
از شخصی که جماع کند با زن خود در ماه رمضان حضرت فرمودند که برو بیست صاع از ...

که شصت

که شصت مسکین بدهد و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله آن مردی را که بخدمت
آنحضرت آمده بود و سوال کرده بود ابتدا امر فرمودند که تصدق کند و این حدیث نیز محمول
مفهوم میتواند بود و اگر محمول بود هر اینه ابتدا بعتق میفرمودند که جمع کن ... از آنحضرت هم
بجای اول استدلال جواب فرموده باشند و سبیل وجوب یا استحباب و در صحیح محمد بن نعمان
عن ابی عبد الله انه سئل عن رجل افطر یوما من شهر رمضان فقال کفارته جریبان من طعام و هو
عشرون صاعا و در حسن کالصحیح منقول است که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
سوال کردند از شخصی که افطار کند روزی را از ماه رمضان حضرت فرمودند که کفاره او دو
جریب گندم است یا جو و دو جریب بیست صاع است و در موثق از عبد الرحمن بن ابی عبد الله
منقول است که گفت از آنحضرت سوال کردم از شخصی که یک روز از ماه رمضان را عمدا افطار کند
حضرت فرمودند که تصدق میکند به بیست صاع و آن روز را قضا میکند و در موثق کالصحیح
از عبد الرحمن ... منقول است که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال
کردم از شخصی که یک روز از ماه رمضان را عمدا افطار کند حضرت فرمودند که تصدق کند
به بیست صاع برای آنست پانزده صاع که هر مسکینی را مدی بدهد مد پیغمبر صلی الله علیه وآله
افضل است و در صحیح ... منقول است که گفت از حضرت امام رضا صلوات الله علیه
سوال کردم از شخصی که چند روز از ماه رمضان را افطار کرده باشد عمدا کفاره او چه چیز است
نوشتند که هر که یک روز از ماه رمضان را افطار کند عمدا بر او است که بنده
مومنی را آزاد کند و آن روز را قضا کند و در موثق از سماعه منقول است که گفت از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کردم از شخصی که اعتکاف کرده باشد با زن خود
جماع کند حضرت فرمودند که کفاره او مثل کفاره ماه رمضان است که بنده آزاد کند یا دو ماه
پی درپی روزه بگیرد یا شصت مسکین را طعام دهد و فی روایة المفضل بن عمر عن ابی
عبد الله صلوات الله علیه فی رجل اتی امرأته و هو صائم و هی صائمة فقال ان کان استکرهها

فعليه كفارتان وان كانت طاوعته فعليه كفارة وعليها كفارة وان كان اكرهها فعليه
ضرب خمسين سوطا نصف الحد وان كانت طاوعته ضرب خمسة وعشرين سوطا
وضربت خمسة وعشرين سوطا قال مصنف هذا الكتاب رحمه الله لم اجد ذلك
في شيء من الاصول وانما تفرد بروايته علي بن ابراهيم بن هاشم و در روایت مفضل
منقول است که نصیحه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در شخصی که جماع کند با
زنش و مرد و زن هر دو روزه باشند حضرت فرمودند که اگر مرد با اکراه زن جماع
جماع کرده باشد مرد دو کفاره میدهد یکی از جهت خود و دیگری را باعتبار تحمل از
زن یا باعتبار قباحت جبر چون بر مکلف هر کفاره هست چگونه متحمل شود از زن و اگر
همراهی کرده باشد بطوع و رغبت هر یک کفاره بر هر دو است یکی بر مرد و اگر اکراه کرده
باشد زن را تصور حد نه اگر پنجاه تازیانه بر مرد می زنند و اگر بطوع و رغبت
جماع کرده باشند بیست و پنج تازیانه بر مرد می زنند و بیست و پنج تازیانه بر زن
چنین گوید مصنف این کتاب که حق تعالی او را رحمت کناد که من ندیدم این حدیث را
در هیچ اصلی از جهات اصول و این روایت را علی بن ابراهیم روایت کرده است و بس از
مفضل ظاهر صدوق اشتباه کرده است علی او بجهت آنکه [illegible] از ابراهیم
و اسمعیل علی بن ابراهیم چون کلینی این حدیث را از ابی هاشم روایت کرده است و
ممکن است که در کتب ابی هاشم نبوده باشد در مشهور [illegible] است که گفته اند
که عینا او روایت کرده است و ممکن است که مراد صدوق این باشد که این حدیث
در اصول اربعمائه مذکور نیست و مراد [illegible] این اصول بوده است پس اگر ابن هاشم
بانی اسناد روایت کرده باشد ضعفی ندارد از جهت اعتبار حدیث و ظاهر او
کتاب مفضل نیز بوده است چون صدوق اصل او را معتبر میدانند و علی ای حال نقل
اجماع کرده اند بر عمل باین حدیث و خلافی که در شرح [illegible] در فروع بسیار است که متفرع

ما خصه الدلیل این خبر مثل اکثر اکراه [illegible] اجنبیه یا الجنبی را یا اینکه اکراه
کند مرد را بوطی یا اگر روزه نذر معین [illegible] باشند یا اگر [illegible] اطلاق خبر شامل
اینها نیز هست یا اکراه کند کنیز خود را یا غیر خود را یا اکراه در غیر وطی باشد از
مفطرات دیگر و مشهور آنست که در غیر موضع نص تحمل نیست در کفاره دار
تعزیر را در روی الحسن بن محبوب عن هشام بن سالم عن برید العجلی قال سئل ابو جعفر
صلوات الله علیه عن رجل شهد علیه شهود انه افطر من شهر رمضان ثلثة ایام
قال یسئل هل علیك في افطارك في شهر رمضان اثم فان قال لا فان على الامام ان
یقتله وان قال نعم فعلى الامام ان ینهکه ضربا و در صحیح از برید منقول است که سؤال کردند
از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از شخصی که دو گواه عادل گواهی دهند بر او که
آن شخص [illegible] سه روز از ماه رمضان را خورده است بی مانعی
از سفر و مرض و غیر آن حضرت فرمودند که از او سؤال میکنند که آیا بر تو گناهی هست در آنکه
روزه ماه رمضان را خورده اگر گوید که نه پس بر امام واجب است که او را بکشد از
جهت آنکه منکر ضروری از ضروریات دین اسلام شده است و [illegible] آنست که مذهب
خدا و رسول کرده باشد و مرتد می شود و واجب القتل و اگر بگوید که بلی گناه کرده ام پس بر
امام است که او را تعزیر عظیم کند در زدن و ظاهر الخبر [illegible] و ضعیف
و محتمل است که حد او بیست و پنج تازیانه باشد چنانکه گذشت در خبر مفضل و باو
اختیار حاکم [illegible] در مخالفت [illegible] در آن بوده است و از این
حدیث ظاهر می شود که تعزیر با امام [illegible]
حضور معصوم و با اختیار او مخصوص است [illegible] حاکم [illegible] در
حالت غیبت معصوم [illegible] خلاف است که مجتهد جامع الشرائط آیا متصدی میتواند
که باشد [illegible] ذکر خواهد شد ان شاء الله تعالی وفي روایة سماعة عن

ابي عبد الله صلوة الله عليه قال [illegible] في شهر رمضان و

نقل رفع الى الامام [illegible] قال فيشتغل [illegible] در روايت [illegible]
منقول است كه [illegible] آن حضرت امام [illegible] كه
افطار كرده باشد [illegible] رمضان [illegible]
اورا [illegible] امام معصوم [illegible] باشد [illegible]
فرمودند كه [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
و [illegible] كه [illegible]
باشد [illegible]
و [illegible]
انحدیث [illegible] امام [illegible]
صلوة الله عليه [illegible] صلوة الله عليه [illegible] مسجد [illegible]
بودند كه اصحاب آنحضرت [illegible]
مي خورده [illegible] آنحضرت [illegible]
كه شما [illegible] فرمودند كه [illegible] يهود [illegible] گفتند
فرمودند [illegible] فرمودند كه [illegible] اسلام
گفتند [illegible] فرمودند كه [illegible] گفتند [illegible]
خورده [illegible] داشته باشد كه [illegible] و شما [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالى فرموده است كه [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] فرمودند [illegible] كه شما [illegible]
[illegible] اعتقاد [illegible] گفتند اعتقاد [illegible]

بمحمد را مي شناسيم برسالت [illegible] بود و مردمان را بخود خوانده است
از بيت [illegible] حضرت فرمودند كه اگر [illegible] برسالت آنحضرت [illegible]
و اگر [illegible] گفتند [illegible] كه ما [illegible] برسالت
محمد پس حضرت [illegible] بصحراي نجف بودند حضرت
[illegible] رفتند و فرمودند كه در چاه [illegible]
[illegible] كردند [illegible] كردند كه [illegible] چاه
[illegible] چاه [illegible] گفتند [illegible]
[illegible] جاري [illegible]
[illegible] چاه [illegible] حضرت [illegible] فرمودند
[illegible] گفتند [illegible] رفتند و مردمان
[illegible] آنحضرت [illegible] مسجد كوفه نشسته
بودند كه [illegible] شخصي [illegible] يهودان
بود كه [illegible] شخص [illegible] آنحضرت فرستادند كه ما جمعي
از [illegible] خدمت آنحضرت [illegible] رخصت بدهيد كه داخل
[illegible] با آنحضرت [illegible] آن حضرت [illegible] فرمودند كه
[illegible] اسلام [illegible] مسجد [illegible] خواهد
گرفت [illegible] اصحاب [illegible]
گفت كه [illegible] محمد [illegible] حضرت فرمودند كه كدام بد
يهودي [illegible] كه شما [illegible] كه قايل [illegible]
[illegible] برسالت محمد [illegible] حضرت فرمودند كه [illegible]
[illegible] حضرت موسي بن عمران [illegible] آنحضرت نازل شد

دیگر تجدید تدریس و بخدا دادند و یهودیان که میدانی که یوشع بن نون وصی
حضرت موسی بن عمران بود چنین کرده اند با جمعی که اقرار بوحدانیت حق
سبحانه و تعالی داشتند و اقرار بنبوت حضرت موسی نداشتند و همین عنوان
ایشان داشت یهودی گفت که گواهی میدهم که توئی نایب حضرت موسی و علی جمیع
مذاهب انبیا و کودهای ایشان پس از قبای خود کتابی بیرون آورد و بآنحضرت
داد و مهر بود حضرت مهر را برداشتند باز کردند و مطالعه فرمودند و مسکی بستند
یهودی گفت ای برایبعا لیسکه برحبیستا این کتاب سریانی است و ترجمه این خط
را بزبان جبرئیلی حضرت فرمود که خود در امیدانم و این نام من است یهودی گفت
نجی نما و بگو نام تو در سریانی چه نام است حضرت فرمودند که نام من الیا است و
نمودند در آن صحیفه پس یهودی گفت اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
محمدا رسول الله و گواهی میدهم که تو وصی محمدی صلی الله علیه و آله و گواهی میدهم که
بعد از محمد صلی الله علیه و آله تو جانشین اوی و این رتبه تست و همه بیعت کردند
رد اهل مسجد شدند بر حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه فرمودند که حمد
خداوند عالمیان را سزاست که مرا در کتب خود یاد کرد و نام مرا در صحیفه خوبان
جا داد و امثال این حدیث بسیار است که بعضی از علمای یهود بعد از حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله بخدمت حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه می‌آمدند
و مسایل می‌پرسیدند و جوابها می‌شنیدند و مسلمان می‌شدند و بالفعل
در توراتی که تحریفات بسیار کرده اند بودن حضرت سید المرسلین و امامت
دوازده امام صلوة الله علیهم هست و این ضعیف در توراة عربی و فارسی و
عبری هر سه دیده ام و با یهودان بسیار سخن گفته‌ام همه از روی عناد
این جواب میگویند که این محمد بعد از این خواهد آمد و با ایشان گفته‌ام که محمدی

که خواهد آمد خواهید گفت که آن محمد دیگر است می‌باید که معجزه بنماید تا دلیل حقیقت
او باشد و معجزات پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین صلوة الله علیهم از حد حصر
بیرون است و لیکن هدایت از جانب حق سبحانه و تعالی است جمعی از ایشان که عناد
نداشتند و اعلم علمای ایشان بودند در روستای ضعیف چشم و اسلام مشرف
شده اند و در طلب علوم دینیه سعی می‌نمایند و فاضل شده اند الحمد لله رب العالمین
و قال الصادق صلوة الله علیه من افطر یوما من شهر رمضان خرج روح الایمان منه
و در اخبار کثیره وارد شده است از آنحضرت و مضمون آنکه هر که یک روز از ماه رمضان
را افطار کند روح ایمان از و مفارقت میکند و در اخبار بسیار وارد شده است که
مؤمن چهار روح دارد یکی از آنها روح ایمان است که هرگاه گناهی از گناهان کبیره
میکند از و مفارقت میکند و بعد از آن باز می‌آید و ممکن است که آن روح از قبیل ملک
باشد که همیشه مؤمن را هدایت کند چنانکه اخبار متواتره وارد است که
حق سبحانه و تعالی فرشته چند را بر مؤمن موکل کرده است که همیشه او را
هدایت میکند بازای آنکه شیاطین اضلال میکنند و بهمین معنی دلالت دارد
قول حق سبحانه و تعالی و هدیناه النجدین و انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما
کفورا و محتمل است که مراد این باشد هرگاه بمرتبه منافقین اند و واقع شود در اینجا
یقینی که دارد بجای در سوی لحظ ابسبب شهوت یا غضب از و کم می‌شود و آن
فعل را میکند و بعد از آن نهایت پشیمانی دارد پس گویا ایمان رفت و آمد و
منافاتی نیست که هر دو باشد و هر دو محسوسند نظر بجمعی که عظم دین دارند و شاید
که هرگاه خواهند معصیتی را بفعل آورند و در خاطر ایشان می‌افتد چیزی چند
که مانع گردد و در وسوسهای شیطان نیز می‌افتد که یکی و حق سبحانه و تعالی کریم
است و اگر معصیت نکنی کرم او کی ظاهر می‌شود و در بستر توبه کاران بهتر است از

دشمن مظهران واگر فسق کنی عجب بعقاب نمی شوی ومیتوان از ان طاعتی که تعجب
آورد و عبارت معصیتی که ملامت بعد آرد و شاید که خواند دلیل از آیات و احادیث
بیاورد و انا انظرف ملامتی وجوه بر دارای سخنان میکویند که هرکناه که هست
چو طاعت عملیکی که کرمش بیشتر ظاهر شود که اگر کناه بخشند شرمساری هست
وبی نهایتی بی نیاز است که عذاب بکنند اگر توبه دست دهد وشاید که مرات
امان ندهد شاید بسبب این معصیت دین وطبع در دل بهم رسد که قابلیت
توبه برطرف شود خصوصا نظر بعلما وخصوصا جمعی که خداوند خود را حافظ
و ناظر دانستند وانقدر از فسوق ومخالفت کرده که عفو از کرم الهی حتی نمی باید
نخواهد رسید انها کفته که دیکر باید فسق کردن که کرم ظاهر شود وامثال اینها
انظر من بسیار است ومن افطر فی شهر رمضان متعمدا فعلیه کفارة واحدة وقضاء
یوم مکانه والله اعلم این عبارت مضمون عبارت فقه رضوی است که هرکه
افطار کند در ماه رمضان عمدا بی عذر است که بنده آزاد کند یا دو ماه پی در پی
روزه بکیرد یا شصت مسکین را طعام دهد و قضای آن روز را بجا آورد
وبا اینهمه که بکند کجا ثواب روزه اصل را دارد وانی نهایت نیست ودر فقه
رضوی مذکور است که حضرت هم فرمودند که هر سال است از عالم اهل بیت هم
که حق سبحانه وتعالی در شب اول ماه رمضان ششصد هزار نفس را از دوزخ
آزاد میکند بسبب روزه و همچنین در شب دوم و سوم تا شب
بیست و نهم مثل انچه در این بیست شب آزاد فرموده است در آن شب آزاد میفرماید
و همچنین در شب بیست و دوم و بیست و سوم تا آخر و در شب عید آزاد میکند
مثل انچه در جمیع شبها آزاد فرموده است واحادیثی که سابقا مذکور شد
یک کفاره فرمودند واکر از جهت خوردنی و هر جماعی واجب بود می بایست

بیان فرمایند بیان نفرموده اند در هیچ حدیثی مگر در حدیثی که صدوق
در عیون روایت کرده است بسند قوی از حضرت امام رضا صلوات الله علیه
که فرمودند که اگر کسی جماع کند در ماه رمضان خواه حلال وخواه حرام ده مرتبه
ده کفاره میدهد بسبب هر جماعی یک کفاره واکر اکل وشرب واقع شده
باشد عمدا ومکرر واقع شده باشد یک کفاره میدهد وجمعی از اصحاب
باین حدیث عمل کرده اند وجمعی کفته اند که از جهت هر لقمه که فرو می برد کفاره
میدهد واگر یک لقمه را ده مرتبه فرو برد ده کفاره میدهد چون صادق است
بر او که افطار کرده است در هر مرتبه وهمچنین در جماع در هر دخولی حتی در جماع
جماع که بیرون نیاید واندکی بیرون میل کند که مقدار حشفه از ان جای اول
بالا تر آید بیرون برود واز جهت هر یک کفاره میدهد چون روزه را واجب است
داشتن هر چند خورده باشد واکثر علما بر انند که در جماع وغیر آن یک کفاره
می باید داد چون بمرتبه اول روزه فاسد شد و بعد از ان روزه نیست امساک
واجب است و دلیل نداریم بر انکه از جهت خوردن وآشامیدن امساک را
کفاره باید داد بعد از آنکه روز را قضا میکند باتفاق علما وحدیثی که در جماع
وارد شده است بر استحباب حمل می باید کرد چون در سندش جمعی هستند که
در کتب رجال مذکور نیستند اگرچه باعتقاد صدوق همه از ثقات اند چنانکه
در همین کتاب ذکر کرده است که هر که ثقه نیست من از او روایت نمیکنم و هر که را
استادم ابن ولید خوب نمیداند من در کتب خود از او روایت نمیکنم مکر در اینجا
که استادم سمعی را اعتقاد نداشت ومن حدیثی را که او روایت کرده بود
بر او خواندم رد نکرد ودانستم که این حدیث از سند دیکر یا در پیش او خواهد بود
در عیون ذکر کردم ولیکن چون تقلید مذموم است ما نمیتوانیم باین عمل کردن

معهذا صدوق نیز درین کتاب و کتب دیگر او که کتاب عمل اوست فتوی بآن عمل نکرده
است و اما الخبر الذی روی فیمن افطر یوما من شهر رمضان متعمدا ان علیه
ثلث کفارات فانی افتی به فیمن افطر بجماع محرم علیه او بطعام محرم علیه لوجود
ذلک فی روایات ابی الحسین الاسدی رضی الله عنه فیما ورد علیه من الشیخ
ابی جعفر محمد بن عثمان العمری قدس الله روحه اما خبری که مروی است در کسی
که افطار کند یک روز از ماه رمضان را عمدا که بر وی سه کفاره است و ظاهر آن حدیث
موثق سماعه است که گفت سوال کردم از وی از شخصی که با عیال خود جماع کند در ماه
رمضان عمدا فرمودند که بر وی است بنده آزاد کردن و دو ماه روزه گرفتن و شصت
مسکین طعام دادن و قضای آن روز و کی ثواب آن بعینه رسد اگرچه قطعی است که
واو بمعنی او باشد چنانکه در قرآن مجید واقع شده است مثنی و ثلث و رباع
و باتفاق علما واو بمعنی او است اما من بان فتوی میدهم در کسی که افطار کرده
باشد روزه ماه را باطل کرده باشد بجماعی که بر او حرام باشد یا طعامی که بر او
حرام باشد چون یافته ام این معنی را در حدیث روایاتی که روایت شده است از ابو الحسین
محمد بن جعفر اسدی رضی الله عنه که سوال کرده بود و جواب صادر شده بود از ناحیه
شیخ بزرگوار محمد بن عثمان عمری که حق سبحانه و تعالی روح او را در اعلا علیین جسم او را
مقدس گرداند و او از حضرت صاحب الزمان و خلیفة الرحمن صلوة الله علیه نقل
میکند همیشه پس هر چه او میگوید از جانب آنحضرت است و معهذا صدوق حدیث
دیگر دارد در این تفصیل که در باب کفارات و سایر کتب خود ذکر کرده است و در حسن
کالصحیح و شهید ثانی رضی الله عنه حکم بصحت این حدیث کرده است از عبد السلام
هروی که گفت عرض نمودم بحضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوة الله علیهما
که از پیغمبر رسول الله بما روایت رسیده است از آبای بزرگوار شما صلوة الله علیهم

در کسی

در کسی که جماع یا افطار کند در ماه رمضان که در آن سه کفاره می باید داد و از
ایشان علیهم السلام نیز روایت بما رسیده است که یک کفاره می باید داد بکدام
یک از این دو حدیث عمل کنیم حضرت فرمودند که بهر دو عمل کنید باین تفصیل
که اگر جماع حرام یا افطار بر حرام کرده باشد در ماه رمضان بر او سه کفاره است
بنده آزاد کردن و دو ماه پی در پی روزه گرفتن و شصت مسکین طعام دادن
و قضای آن روز و اگر جماع حلال باشد یا افطار بر حلال باشد پس بر او یک کفاره
است و قضای آن روز و اگر از روی نسیان واقع شده باشد از بر او چیزی نیست
و اکثر متاخرین باین تفصیل عمل کرده اند و احتمال استحباب نیز هست پس بنابر مشهور
اگر افطار بخمر یا بر مال دزدیده باشد سه کفاره می باید داد و همچنین در مثل حرام
و امثال آن تا آنکه شهید ثانی گفته است که از جهت غبار غلیظ یا بخار که بحلق
رسیده باشد خواه از سر و خواه از سینه سه کفاره باید داد در روی الحلبی
عن ابی عبد الله صلوة الله علیه انه سئل عن رجل نسی فاکل و شرب ثم ذکر قال
لا یفطر انما هو شیء رزقه الله فلیتم صومه و بسند صحیح نیز و در حسن کالصحیح
از عبد الله منقول است که از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه پرسیدند
از شخصی که فراموش کند و بخورد و بیاشامد بعد از آن بخاطرش رسد که ماه
رمضان است حضرت فرمودند که روزه اش باطل نمیشود بدرستیکه نیست مگر
روزیی که حق سبحانه و تعالی روزی او کرده است باید که تمام کند روزه اش را و
ممکن است که مراد از عدم افطار این باشد که نگوید حالا که روزه را خوردم می باید
خورد بلکه بعد از این چیزی نخورد بلکه لقمه که در دهان او است می باید که فرو نبرد
که اگر عمدا فرو برد قضا و کفاره می باید داد و اگر جاهلا فرو برد بگمان آنکه ضرر
ندارد مشهور آن است که جمعی بعضی قضا و کفاره می باید داد و در قضا

و علیه ... کفاره خلاف است ... منقول است
از ... ابو بصیر که سوال کردم از امام محمد باقر صلوة الله علیه از شخصی که نادانی
... جماع میکند در ماه رمضان یا در احرام با اعتقاد آنکه بر او حلال است حضرت
... نیست ... که جاهل است ... و نسیان ...
... عدم کفاره ... که احادیث کفاره ... عمدا وارد
است ... عرف جاهل را عامد نمیگویند ... کفاره بسبب جهل
... جاهل ... و احادیث ... عدم کفاره و قضا ...
... از طریق خاصه و عامه منقول است و ... سند صحیح ...
منقول است از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه که حضرت امیر المؤمنین صلوة الله
علیه میفرمودند که هر که روزه باشد و فراموش کرده باشد ...
... افطار میکند تا روزه ... فراموش کرده است ...
... حق سبحانه و تعالی ... پس واجب است که روزه را تمام
کند و ظاهر عدم افطار ... یعنی ...
و ... یعنی ... محتمل است ... از ساعه ...
حماد بن عثمان ... از ابو بصیر جمیعا از حضرت امام جعفر صادق صلوة
الله علیه منقول است بهمین مضمون و این روایات ... در روزه
... از ابو بصیر منقول است ... که شخصی روزه سنت
گرفته ... فراموش کرد ... حضرت فرمودند
که ... روزه را ...
... پس اگر نیت صوم کرده باشد ... روز بخورد ...
... و اگر نیت نکرده باشد ... روز ...

... دعوی ... اهل البحر ...
تمام ... نیست و ترک ... دروغ گفتن ... رسول ...
جماع ... ارتماس ... قی کردن ... بالجنابه ... نیت کرده ...
... باشد ... کرده است ...
... افطار ... فراموش ...
... تمام ... و ... اولا و اخبار ... در وجوب نیت ...
... [illegible] ...
... روایات صحیحه وارد شده ... مذکور ...
و ... قضا ... الله تعالی ... موسی ... الرجل ...
یجامع اهله قال یغتسل ولا شیء علیه قال مصنف هذا الکتاب رحمه الله ...
فی شهر رمضان وغیره ولا یجب علیه القضاء هکذا روی عن الائمة صلوة الله علیهم
و در موثق ... منقول است که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه
از شخصی که فراموش کند که روزه است و جماع کند با اهل خود خواه ...
خواه ... حضرت فرمودند که غسل میکند و ...
گناه و کفاره و قضا ... مصنف این کتاب که ...
جاری است در روزه ماه رمضان و ... احادیث افطار صوم ...
هر روزه را ... واجب است و ... منقول
است از ائمه معصومین صلوة الله علیهم ...
علی بن رئاب عن ابراهیم بن میمون قال سألت ابا عبد الله صلوة الله علیه عن الرجل
یجنب باللیل فی شهر رمضان ثم ینسی ان یغتسل حتی یمضی لذلک جمعة او
یخرج شهر رمضان قال علیه قضاء الصلوة والصوم ...

منقول است از حسن بن محبوب از علی و از فضالة از ابان [illegible] که پرسید
از امام [illegible] ابو ابراهیم که گفت سوال کردم از حضرت امام
جعفر صادق صلوة الله علیه از شخصی که جنب شود در شب در ماه رمضان و فراموش
کند که غسل کند تا آنکه [illegible] ماه رمضان بیرون رود حضرت
فرمود که بر وی است که قضا کند نماز و روزه را [illegible] صحیح منقول است از حلبی
که از آن حضرت ص سوال کرد [illegible] سوال کردند از شخصی که جنب شود
در ماه رمضان و فراموش کند که غسل کند تا ماه رمضان بیرون رود حضرت
که بر وی است که قضا کند نماز و روزه را و اگر شکی نیست در قضای نماز چون
شرط است در نماز و اما در صوم شرط نیست [illegible] باید صبح را
با طهارت دریابد [illegible] و مذهب
صدوق است و [illegible] شرط نیست [illegible] استحباب [illegible]
صدوق [illegible] است که [illegible]
صوم را قضا نمیکند [illegible] قضا میکند [illegible] شیخ
بر ظاهر است که [illegible] قضای صوم [illegible] والله تعالی یعلم
روی فی خبر آخر ان من جامع فی اول شهر رمضان ثم نسی الغسل حتی خرج شهر
رمضان ان علیه ان یغتسل و یقضی صلوته و صومه الا ان یکون قد اغتسل للجمعة
فانه یقضی صلوته و صیامه الی ذلک الیوم و لا یقضی ما بعد ذلک [illegible] در روایت
دیگر که [illegible] که جماع کند در اول ماه رمضان و فراموش کند غسل را تا ماه رمضان بیرون
رود آنکه بر وی است که غسل کند و قضا کند نماز و روزه را مگر آنکه غسل جمعه بکند که
جنابت محو شود و هر نمازی که پیش از غسل جمعه است قضا میکند چون بسبب طهارت
واقع شده است و روزه ها را قضا میکند در روز جمعه را [illegible] قضا میکند چون

صحیح او ناط [illegible] حدیث [illegible] است که صدوق تخصیص میدهد احادیث
سابقه را باین حدیث و حمل میکند سابقه را بر صورتی که غسل جمعه نکرده باشد
در تخصیص [illegible] دو محال [illegible] مشهور [illegible] غسل
جمعه از غسل جنابت [illegible] احادیث سابقه که هر گاه جمع شود
چرا [illegible] حتی [illegible] و سید مرتضی [illegible] قائل است بر این قول
و احوط آن است که مجموع نمازها را قضا کند و لیکن روزه ها را بجز قضا کند بنا بر
احتیاط خواهد بود و فی روایة ابن ابی عمیر عن ابی سعید القماط انه سئل ابو
عبد الله صلوات الله علیه عمن اجنب فی اول اللیل فی شهر رمضان فنام حتی
اصبح قال لا شیء علیه و ذلک ان جنابته کانت فی وقت حلال و باسناد صحیح
و حسن کالصحیح منقول است از [illegible] ابو سعید [illegible] که از حضرت امام جعفر صادق
صلوة الله علیه سوال کردند از کسی که جنب شود در اول شب در ماه رمضان و خواب
رود تا صبح شود حضرت فرمودند که بر او چیزی نیست از گناه و کفاره و قضا
چون جماع او در وقتی واقع شد که حلال بود جماع چنانکه حق سبحانه و تعالی فرمود
که حلال شد شما را جماع کردن در شبی که روزه [illegible] بگیرید [illegible]
ظاهر حدیث آنست که خواب او [illegible] تا صبح [illegible] چیزی واجب نیست و علتی که
حضرت فرموده اند [illegible] حلال [illegible] جاری است و لیکن احادیث
تخصیص آن کرده است یا [illegible] ممکن است که مراد این باشد که گناهی بر او نیست چون
جنابت حلال است و خواب حلال و [illegible] داشته باشد [illegible]
صورتهای دیگر [illegible] مصنف [illegible] عبارت ادا کرده است و فی روایة ظاهرا
که غرض او این باشد که اگر چه این اخبار سابقه وارد شده است این خبر نیز
وارد شده است پس ناچار است که اخبار سابقه را حمل کنیم بر استحباب در روی

ابن ابي يعفور عن ابي عبد الله صلوة الله عليه قال [illegible] الرجل يجنب [illegible]
ثم يستيقظ ثم ينام حتى يصبح قال يتم صومه ويقضي يوما آخر وان لم يستيقظ حتى
يصبح اتم صومه وجاز له و در صحيح منقول است از عبد الله كه گفت عرض نمودم به حضرت
امام جعفر صادق صلوة الله عليه كه شخصي كه جنب شود در ماه رمضان
پس بيدار شود از خواب احتلام پس بخواب برود تا صبح شود حضرت فرمودند كه اين روز
را روزه مي گيرد و در تهذيب بخط شيخ يصوم بوده بود و در غير خط شيخ [illegible]
بود يعني اين روز را تمام ميكند و قضا ميكند كه روز ديگر را پس اگر بيدار شد [illegible]
همان روز را تمام ميكند و اين روز صحيح است از جهت آنكه يعني احتياج بقضا ندارد و
ظاهر اين حديث آنست كه خواب اول محتلم از خوابي است كه در آن خواب محتلم شود
و خواب ديگر او سبب قضا است و ظاهر عبث شود كه خواب دوم حرام باشد والله [illegible]
فهميده اند كه چون سبب قضا است و قضا در صورتي است كه روزه فاسد شود و
افساد روزه حرام است و ليكن لازم خواب نيست كه تا صبح كشند ممكن است كه
پيش از صبح بيدار شود چنانكه صحيح عيص دلالت دارد بر آنكه اثم نيست در صحيح
از حلبي منقول است كه حضرت امام جعفر صادق صلوة الله عليه فرمودند در شخصي كه
محتلم شود در اول شب و بعد از آن جماع كند با اهلش پس بخواب برود عمدا در ماه
رمضان تا صبح شود حضرت فرمودند كه اين روز را تمام ميكند و قضا ميكند بعد از عيد
فطر و توبه و استغفار ميكند از بزرگ كارش و ظاهر اين حديث آنست كه افساد
سبب اين است كه بقصد غسل نخوابيده شد و در صحيح از معوية بن عمار منقول است
كه گفت بآن حضرت عرض نمودم كه هرگاه شخصي جنب شود در اول شب در ماه
رمضان و عمدا بخواب برود تا صبح شود حضرت فرمودند كه اين روز را تمام ميكند
و قضا ميكند بعد از عيد الفطر و توبه و استغفار ميكند بر او چيزي نيست ديگر

[illegible] شود و بخواب برود در مرتبه دوم تا صبح شود حضرت فرمودند
كه [illegible] را قضا ميكند از جهت عقوبت آنكه بخواب دوم رفته است و اين حديث
[illegible] دلالت ندارد بر آنكه گناه كرده باشد [illegible] دلالت دارد كه عقوبتي است
[illegible] و از بزنطي منقول است كه گفت سوال كردم از حضرت ابو الحسن علي بن موسى الرضا
از شخصي كه جماع كرده باشد با اهلش يا محتلم شده باشد كه عمدا بخواب
برود تا صبح حضرت فرمودند كه اين روز را تمام ميكند و قضا ميكند و در جنب خواب
اول است و قضا از آن جهت است كه به نيت غسل نخوابيده است و در صحيح از محمد بن
مسلم منقول است كه [illegible] سوال كردم از حضرت امام محمد باقر يا حضرت امام جعفر صادق
[illegible] از شخصي كه جماع كند با كنيزش در ماه رمضان و بخواب برود پيش
از غسل حضرت فرمودند كه اين روز را روزه مي گيرد و قضا ميكند مگر آنكه پيش از
صبح بيدار شود و غسل كند پس اگر انتظار كشد كه آب را گرم كنند يا آب بكشند
صبح طالع شود قضا نميكند اين روز را و در تهذيب چنين است كه محتلم شده باشد
و بنا بر نسخه خواب بعد از خواب احتلام خواب دوم است و موجب قضا است
و بنا بر نسخه كافي خواب اول جنب است و قضا از آن جهت است كه بقصد غسل نخوابيده است
و ظاهر والتصحيف از نساخ كافي شده است كه بجاي تصيب الجنابة تصيب
الجارية خوانده اند و محتمل است كه حديث ديگر باشد چون سند ديگر است و سالته
صلوة الله عليه عبد الله بن سنان عن رجل يقضي شهر رمضان فيجنب من اول
الليل ولا يغتسل حتى يجيء آخر الليل وهو يرى ان الفجر قد طلع قال لا يصوم ذلك
اليوم ويصوم غيره و در صحيح منقول است از عبد الله كه گفت سوال كردم از حضرت
امام جعفر صادق صلوة الله عليه از شخصي كه ميخواهد قضاي ماه رمضان را بگيرد و در
اول شب جنب شود و غسل نكند تا آخر شب و ميبيند كه صبح طالع شده حضرت م

فرمودند که این روز را روزه نگیرد و روز دیگر را روزه بگیرد و بعضی گفته‌اند قریب
است باین عبارت و خالی از خوبی نیست و کلینی در صحیح ابن عبدالله [illegible]
خیر از این سند شیخ روایت کرده است که گفت شنیدم که عرایضه نوشت بخدمت از
حضرت صلوات و اراده داشت با قضای ماه رمضان میگرفت عرض نمود که صبح میشود
جُنُبم و غسل نکرده‌ام تا صبح میشود پس فرمان همایون آنحضرت صلوات رسید که این روز
را روزه مگیر فردا را روزه بگیر از ابتدا اول بعنوان مکاتبه پیش نوشته بوده
و خود نیز از حضرت مشافهه از جهت علما بیشتر قبل سؤال کرده بود و همچنین
حدیث است موثق در سماعه که گفت از آنحضرت صلوات سؤال کردم از شخصی که میان شب
محتلم شود در ماه رمضان و بعد از آن که دانست که محتلم شده است باز بخواب برود
و بیدار نشود تا صبح طالع شود حضرت فرمودند که بر او است که آن روزه را تمام کند
و روز دیگر را قضا کند دیگر عرض کردم که اگر خواهد قضای ماه رمضان را بگیرد
و صبح طالع شود حضرت فرمودند که این روز را افطار کند در روزی دیگر بگیرد
وسأل العیص بن قاسم عن الرجل ینام فی شهر رمضان فیحتلم ثم یستیقظ ثم
ینام قبل ان یغتسل قال لا بأس و در صحیح منقول است از عیص که گفت از حضرت
امام جعفر صادق صلوة الله علیه سؤال کردم از شخصی که بخواب برود در ماه رمضان و
محتلم شود و بیدار شود و باز بخواب برود پیش از غسل حضرت فرمودند که باکی نیست
و این حدیث نیز دلالت میکند که خواب مشروع باشد اگر چه قضا واجب باشد
و ممکن است که قضا سنت باشد چنانکه از صدوق نقل کرده اند که او مشروع میداند
تعدی بر جنابت را تا طلوع صبح اگر چه محتمل است که عمدا جائز باشد بقا و کفاره ما
قضا لازم باشد و کفاره یا عدم حرمت بعید است و در صحیح از عیص منقول است
که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از شخصی که جنب

شود

رمضان در اول شب و تاخیر کند غسل را تا صبح طالع شود حضرت صلوات
فرمودند که ظلم میکند روزه را و بر او قضا نیست و ظاهر آن در دیگر حدیث بوده است
و بیت را جدا کرده باشند و ظاهر شائع است که مراد خواب اول باشد اگر چه لفظ خواب
مذکور نیست چون متعارف بمیان است که شخصی اول شب جنب شود و بیدار باشد
تا صبح و اگر جنب شود یا محتلم شود بر نیت غسل بخوابد یا بیدار باشد عمدا تا صبح شود
قضا و کفاره هست چنانکه مروی است در موثق کالصحیح از ابو بصیر از حضرت امام
جعفر صادق صلوة الله علیه در شخصی که جنب شود در شب ماه رمضان و عمدا ترک کند
غسل را تا صبح شود حضرت فرمودند که بنده آزاد کند یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد
یا شصت مسکین را طعام بدهد پس حضرت فرمودند که با وجود کفاره بجا آوردن فضل
روزه بوی نمیرسد البته و کالصحیح منقول است که حضرت فقیه یعنی حضرت
امام علی نقی صلوة الله علیه فرمودند که هرگاه شخصی جنب شود در شب ماه رمضان و غسل
نکند تا صبح پس بر او است که دو ماه پی در پی روزه بگیرد و آن روز را قضا کند و در موثق
از ابراهیم بن عبدالحمید منقول است که بعضی از ائمه معصومین صلوة الله علیهم فرمودند
که اگر جنب شود در شب ماه رمضان پس میباید که ساعتی تاخیر نکند تا غسل
کند و کسی که جنب شود در ماه رمضان و بخواب برود تا صبح یعنی بی نیت غسل
پس بر او است که بنده آزاد کند یا شصت مسکین را طعام دهد و آن روز را روزه
بگیرد و قضا کند و هرگز بفضیلت روزه ماه رمضان نمیرسد اگر چه این کارها را
بجا آورد و در فقه رضوی است که اگر جنب شوی در اول شب باکی نیست که بخواب
بروی عمدا القصد آنکه بیدار شوی و پیش از صبح غسل کنی پس اگر در بیضو رفتی خوابت
ببرد تا صبح بر تو چیزی نیست مگر آنکه از خواب اول بیدار شوی و تقصیر کنی
در غسل و غسل نکنی تا خوابت ببرد تا صبح که در این صورت آن روز را بگیری

و قضا میکنی و اگر عمداً بخواب رود نه بنیت غسل پس بر وست که آن روزه را قضا کند
و کفاره بدهد یا آنکه بنده آزاد کند یا دو ماه روزه بگیرد یا شصت مسکین را طعام
دهد و آنچه گذشت از اخبار موافق است با آنچه در فقه رضوی است و اما آنچه در روایت
صحیحه از حبیب خثعمی و حدیثی دیگر مذمت او وارد شده است از حضرت امام
جعفر صادق صلوة الله علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله در ماه رمضان
نماز شب را بجا می آوردند و جنب میشدند و عمدا تاخیر غسل میفرمودند تا صبح طالع
می شد در قوی از اسمعیل بن عیسی منقول است که گفت سوال کردم از حضرت امام
رضا صلوة الله علیه از شخصی که جنب شود در ماه رمضان و عمدا بخواب رود تا
صبح شود چه چیز بر او هست حضرت فرمودند که ضرر با او ندارد و بر روزه اش باطل
نمیشود و بر وا نداشته باشد بدرستیکه پدرم صبح میفرمودند که عایشه گفت
که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله جماع کردند بی آنکه او را احتلام واقع شده باشد
و بر جنابت ماندند تا صبح شد دیگر پرسیدم که اگر کسی جنب شود و بخواب برود تا
صبح شود بر او چه چیز لازم می شود حضرت فرمودند که بر او چیزی لازم نمی شود غسل
میکند و دیگر سوال کردم از شخصی که در آخر شب جنب شده باشد پس بر خیزد
که غسل کند و آب نداشته باشد و بطلب آن بیرون رود یا کسی بطلب او فرستد
و آب را دیر آورند و بهم رسد تا صبح شود چه کند حضرت فرمودند که غسل میکند نماز
میکند و حدیث ضعیفی دیگر وارد است که اگر عامد بر جنابت تا صبح بماند ضرر ندارد و این
اخبار محمول است بر تقیه چنانکه حدیث اسمعیل صریح است در تقیه که نسبت
بعایشه میدهد که چنین گفت و همین حدیث دلالت دارد بر آنکه از عایشه ملعونه روایت
کرده اند و حدیث حبیب نیز بیان گفته عایشه است و ظاهر است که بر نقل بر که
ماندن بر جنابت سبب فساد صوم نمیشود مع عدم تمکن روزه است و چگونه آنحضرت ص

ده باشد بر این مکروه و اما آنکه بعد از خواب سیم یا بیشتر قضا و
از مستند اجماعست که قایلند باین قول حدیث ابو بصیر است و از
ند را بمعنی اصلا بی ظاهر است که در غیر خواب اول قضا باید کرد
اگر در خواب سیم و بالاتر کفاره بدهد احوط خواهد بود چون اکثر علما باین قولند
و غالب آنست که آنچه نزد ما بان قایلند حدیثی بران دارند که بما نرسیده و احادیث
بسیار در احتیاط وارد است پس اگر عمل بمشهور کنند عمل باین اخبار کرده خواهند
بود و بلکه احوط آنست که حایض و نفسا و مستحاضه نیز پیش از صبح غسل کنند
چنانکه در موثق از ابو بصیر وارد است از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه
فرمودند که اگر حایض پاک شود باشد و تقصیر کند در غسل تا صبح شود در ماه
رمضان آن روزه میگیرد و قضا میکند و نفسا در جمیع احکام حکم حایض دارد
و حدیث مستحاضه خواهد آمد انشاء الله تعالی و در روی محمد بن الفضیل عن ابی الصباح
الکنانی قال سالت اباعبدالله صلوة الله علیه عن رجل صام ثم ظن ان الشمس قد
غابت و فی السماء غیم فافطر ثم ان السحاب انجلی فاذا الشمس لم تغب قال قد تم صومه
و لا یقضیه و کالصحیح منقول است از ابراهیم بن نعیم که گفت سوال کردم از حضرت
امام جعفر صادق صلوة الله علیه از حال شخصی که روزه باشد و گمان کند که آفتاب
فرو رفته است و در آسمان ابری باشد و افطار کند بگمان آنکه شام شده است
پس ابر بر طرف شود و ظاهر شود که آفتاب غایب نشده بوده است حضرت فرمودند
که روزه اش صحیح است و آن روزه را قضا نمیکند و علما کرده اند باین حدیث را بر حمل
صورتی که ظن غالب بهم رسیده باشد و در روی حماد عن حریز عن زراره
قال قال ابو جعفر صلوة الله علیه وقت المغرب اذا غاب القرص فان رایته بعد
ذلک و قد صلیت اعدت الصلوة و مضی صومک و تکف عن الطعام ان کنت

اصبت منه شیئا و کذلک یروی زید الشحام عن ابی عبد الله صلی الله علیه ... و بعض
الاخبار افتی ولا افتی بالخبر الذی اوجب القضاء علیه لانه روایة ...
وکان واقفیا و باسانید صحیح و حسن کالصحیح منقولست که حضرت امام جعفر صادق
صلوة الله علیه فرمودند که وقت شام وقتی است که قرص آفتاب غایب شود پس اگر
بگمان فرو رفتن آفتاب نماز کرده باشی و افطار کرده باشی و بعد از آن ابر بر طرف
شود نماز را اعاده میکنی چون پیش از وقت واقع شده و روزه ات صحیح است اگر
چیزی خورده باشی و بعد از آن چیزی نمیخوری و بهمین مضمون روایت کرده است زید
از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه و من بابی الجمار ... و فتوی میدهم
و فتوی میدهم بچیزی که واقع است که واجب است که قضا کند زیرا که الخبر ... سماعة
سماعة بن مهران است و او واقفی بوده است یعنی بعد از حضرت امام موسی کاظم
صلوة الله علیه بامامی دیگر قایل نیست و اعتقاد واقفیه آنست که آنحضرت مهدی
است و غایب شده است و بعضی نقل کرده اند که سماعه در سال وفات حضرت امام
جعفر صادق صلوة الله علیه پیش از آنحضرت فوت شده است و فوت حضرت امام
موسی کاظم صلوة الله علیه بعد از وفات حضرت امام جعفر صادق است صلوات الله علیه
بسی و سه سال و مذهب وقف بعد از وفات آنحضرت بهم رسید پس ...
واقفی بودن او صحیح باشد لیکن نقل کرده اند که بعضی در زمان آنحضرت واقفی
شدند ممکن است که سماعه از آن جماعت باشد و ظاهر آنست غرض مصنف از
آنکه گفته است که او واقفی بوده است آنست که چون تعارض واقع شده است میان
این احادیث قضا و عدم قضا ترجیح عدم قضا داده است باعتبار آنکه ...
... است ظاهر آنست که طرح کند حدیث سماعه ... نقل میکند ازو و بان
حمل میکند ... بصورت عدم تعارض و ظاهر آنست افضل شرع است از حدیث صحیح ابو بصیر

... امام جعفر صادق صلوة الله علیه در جمعی که روزه ماه رمضان را
... سیاهی بهم رسید تو در فرو رفتن آفتاب در جمعی گمان کردند که شب
... کردند و بعد از آن ابر بر طرف شد و آفتاب پیدا شد حضرت
فرمودند ... که افطار کرده اند بر ایشان است روزه آن روز زیرا که حق سبحانه و
تعالی میفرماید که تمام کنید روزه را تا شب پس کسی پیش از دخول شب افطار کرده باشد
بر وست که قضا ... زیرا که عمدا خورده است روزه را یعنی بقول عمدا است و در موثق
از سماعة بن مهران ... منقولست بهمین نحو و چون بعد تقدیر سماعه روایت
کرده است ... سماعه میگویند اما مجیب واقعی حکم چنین است که گاه که سماعه
واقفی است یا آنکه ... است جمع بین الاخبار باین نحو که اگر ظن غالب بهم رسیده باشد
قضا نباید و اگر ... بهم رسیده باشد و افطار کرده باشد قضا باید کرد یا
حمل کنیم احادیث قضا را بر استحباب ... در موثق کالصحیح از زراره منقولست
که گفت ... کردم از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه از وقت افطار صایم حضرت
فرمودند که آن وقتی است که سه ستاره ظاهر شود و فرمودند که شخصی که گمان کرده
بود که آفتاب فرو رفته است و افطار کرده بود و بعد از آن آفتاب را دید حضرت
فرمودند که بر او قضا واجب نیست و حدیث زید شحام قریب است بحدیث ابو الصباح
اگر چه ظاهر کلام صدوق آنست که عین حدیث ... است و ... لیکن
ظاهر صدوق ... آنست که مثل او ... در عدم وجوب قضا اگر در باقی
تعبیر ... داشته باشد ضرر ندارد باب الحد الذی یوخذ فیه
الصبیان بالصوم قال الصادق صلوة الله علیه الصبی یوخذ بالصیام اذا بلغ تسع
سنین علی قدر ما یطیقه فان اطاق الی الظهر و بعده صام الی ذلک الوقت
فاذا غلب علیه الجوع و العطش افطر ... یعنی ... که کودکان ...

باز میدارند و منقول است از آنحضرت [illegible] بارت فقیر ره
که کودک را از روزه باز میدارند هرگاه نه ساله شود آنچه طاقت داشته
تا ظهر یا آنچه بعد از آن طاقت داشته باشد تا آن وقت روزه
یا تشنگی بر او غلبه میکند افطار میکند و ممکن است که از آنحضرت [illegible]
باشد یا باعتبار آنکه عمر صادق شد یا باعتبار آنکه هر چه حضرت [illegible]
فرموده مشغول سازی است تا آنحضرت سید المرسلین صلی الله علیه و
عالمیان و اظهر آنست که عبارت فقیر را ذکر کرده است و معلوم
ذکر کرده است و در حدیث صحیح اسمعیل بن مسلم است قال اذا اطاق الغلام صوم ثلثة ایام
فقد وجب علیه صیام شهر رمضان و روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه سکونی در موثق و در فقه رضوی نیز هست که از عبارت ساقط
که فرموده اند که هرگاه کودک طاقت و توانایی داشته باشد که سه روز پی در پی
روزه بگیرد پس تحقیق که واجب است و اگر ولی او را بدارد بر روزه ماه رمضان چون
هرگاه سه روز پی در پی تواند داشت پس همه را میتواند داشت و در فقه بعد
از آن گفته است که بعضی همه روزهای ماه ندارند که ریاضت کشند [illegible] کافی
بجورد و سالم سماعه عن الصبی متی یصوم قال اذا قوی علی الصیام و منقول است در
موثق از سماعه که گفت سوال کردم از آنحضرت ص از کودک که چه وقت روزه بگیرد
حضرت فرمودند که در وقتیکه قوت روزه داشته باشد که بگیرد و فی روایة معویة
بن وهب قال سالت اباعبدالله صلوات الله علیه فی کم یوخذ الصبی بالصیام
قال ما بینه و بین خمس عشرة سنة او اربع عشرة سنة فان هو صام قبل ذلك فدعه
فقد صام ابنی فلان قبل ذلك فتركته و در حسن کالصحیح و در صحیح [illegible]
ابی راهب منقول است که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

کردم

[illegible] که اطفال را [illegible] میدارند چنانچه اگر محتاج بودن باشد بخورند
[illegible] که تا پانزده سالگی یا چهارده سالگی و اگر بیشتر از چهارده
[illegible] بخواهی بگذارد که بگیرد بتحقیق که فلانی پسرم بیش از نه روزه
[illegible] خود گذاشتم و در صحیح از زراره و حلبی منقول است که از حضرت
صلوات الله علیه پرسیدند از نماز صبی کی بر او واجب میشود
[illegible] شش ساله شوند نماز شان بدارید و هرگاه طاقت روزه داشته
شان بدارید و در حسن کالصحیح از حلبی منقول است که آنحضرت فرمودند
که ما اطفال خود را امر میکنیم بروزه هرگاه هفت ساله باشند بهر قدری
که طاقت آن داشته باشند تا نصف روز یا بیشتر یا کمتر چون تشنگی و گرسنگی
بر ایشان غلبه کند بخورند تا عادت کنند بروزه و هر مرتبه قدرت بر گرفتن
بهم رسانند پس شما امر کنید اطفال خود را که نه ساله باشند بهر چه طاقت آن داشته
باشند از روزه و چون تشنگی بر ایشان غلبه کند بخورند و در صحیح از عبدالله بن
سنان منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه طفل
قوی شود و سیزده سالش تمام شود و در سال چهارده داخل شود واجب است بر او
آنچه واجب است بر بالغان خواه محتلم شده باشد یا نشده باشد و گناهان بر او
مینویسند و حسنات از جهت او مینویسند و هر فعلی که از او واقع شود مانند
عقود صحیح است از او شاید مگر آنکه عقلش ضعیف باشد یا سفیه باشد که مالش
را اسراف کند و در جاهای نامشروع صرف نماید و در موثق از عمار منقول است
[illegible] و در حسن کالصحیح منقول است از محمد بن مسلم که از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
سوال کردند که صبی کی روزه میگیرد حضرت فرمودند که هرگاه طاقت داشته باشد
[illegible] صحیح منقول است از علی بن جعفر که گفت از برادرم هم سوال کردم که چه وقت ج

طفل چه زمان روزه واجب می شود فرمودند که وقتیکه توت بشد بسیار
روزه را طاقت داشته باشد و فی خبر اخر علی الصبی اذا احتلم الصیام و علی
الجاریة القیام و در حدیث دیکر که آن صحیح منقول است از ابو بصیر که حضرت
صلوة الله علیه فرمودند که بر صبی وقتیکه محتلم شود روزه واجبست و بر دختر وقتیکه
حائض شود روزه واجب می شود و عموم الاخبار کلها متفقة
بالقیام اذا بلغ تسع سنین الی اربع عشرة سنة او خمس عشرة سنة و الی
الاحتلام و کذلک المرأة الی الحیض و وجوب الصوم علیهما بعد ذلک کما فی التهذیب
ما قبل ذلک تادیب و صدوق میکوید که اکرچه این اخبار مختلفند بحسب لفظ
در معنی مختلف نیستند بلکه متفقند که کودک را بروزه کرفتن جبر میکنند
هرکاه نه ساله شود تا چهارده ساله یا پانزده ساله و تا احتلام و همچنین زن را
میکنند تا وقتیکه حائض شود و وقتی که پسر و دختر بالغ شدند و پسر محتلم شود و
دختر حائض واجب میشود و پیش از آن تادیب است یعنی پیش از بلوغ ایشان را
مادران مکلفند بآن که معتاد شوند بعبادات و ظاهر جمع میان اخبار مختلفه
باشد بعضی را که شعور ایشان بیشتر باشد زودتر میباید داشت و همچنین بحسب
حرارت بلاد مختلف می شود و در بلاد حاره دیرتر میباید ایشان را جبر کنند زیرا
اکر در اکثر اخبار بنای او بر طاقت ایشان گذاشته اند و مراد از این تادیب
تمرین است و کمکی است که مستحب باشد و حق سبحانه و تعالی اولاد را بسیار ایشان که
توانی کوتاه فرماید بفضل خود و الله تعالی یعلم باب الصوم للرؤیة و الفطر
انی بابی است در بیان آنکه روزه داشتن وقتی است که ماه را ببینند و روزه خوردن
در شوال وقتی است که ماه را ببینند و مخبر ظاهر این قول مخالف اقوال جمعی است
و لیکن اعتقاد صدوق آنست که بعد عمل میباید کرد تا اگر ماه را نه بینیم

سی تمام کرده ایم اگر شب سی ام ماه را نه بینند واجب نیست روزه
الا آنکه ... بیکنیم که اگر ماه شوال را در شب سی ویکم نه بینند و ماه رمضان
... باشد کاشف می آید که یکروز ماه رمضان را خورده اند
... اند پس در عوض آن خورده است یکروز قضا
... احادیث این می باید که شعبان بیست و نه روز باشد یعنی
... که شوال تمام بیست و نه باشد اعمال مردمان حنبلی شده است که ماه
پس قضا باید کرد و چون صدوق بعو احادیث مجمل اکثر جمع بین الاخبار
نمی نماید و جمعی که اصحاب کرده اند این اخبار را رد میکنند که هر از
بر روی تقیه وارد شده است و صدوق بر خواهد گفت حدیثی محمد بن مسلم عن ابی
جعفر صلوة الله علیه قال اذا رأیتم الهلال فصوموا و اذا رأیتموه فافطروا و اذ
لیس بالرأی و التظنی و لیس الرؤیة ان یقوم عشرة نفر فیقولون فیقول واحد منهم
هو ذا هو و ینظر تسعة فلا یرونه لکن اذا رآه واحد رآه الف و التصحیح و در
صحیح بطرق متعدده منقول است که حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که هرکاه
ماه را ببینید روزه بکیرید و هرکاه ماه را ببینید روزه را افطار کنید و در دیدن ماه
داشتن بجای دیکران معتبر نفرموده است و دیدن آن نیست که ده نفر که ایستاده باشند
نظر کنند یکی از ایشان کوید که اینک ماه است و نه کس نه بینند هرکاه یکی ببیند هزار کس
می بینند و اکر نظر کنند و بعضی کویند که می بینیم غالب اوقات آنست که اشتباه کرده
... ماه اشتباه بسیار می شود و ظاهر آنست که بر سبیل مبالغه باشد و مراد این با
که ... جمعی حدید البصر باشند و بیک نسبت باشد حدت بصر ایشان هرکاه
... جمعی باید که همه ببینند و الا بسیار است که جمعی مغرور شده بر تیز بینی
در بعضی بر خلاف جمعی دیکر که شب اول ماه را نمی بینند پس اکر همه متفق باشند

می باید که چنین باشد که چون یکی نمی بیند باقی نمی بینند و در روایة الفضل
عن ابی عبدالله صلوات الله علیه قال لیس علی اهل القبلة الا الرؤیة
لیس علی المسلمین الا الرؤیة و باسانید صحیحه منقول است که حضرت امام جعفر
فرمودند که نیست بر اهل قبله مگر دیدن ماه و نیست بر مسلمانان مگر دیدن ماه پس
قبله عبارت از کافه مسلمانانست یعنی حق سبحانه و تعالی بر همه چنین [illegible] فرموده است و
هر که مسلمان است می باید که این عمل کند چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است که [illegible] از تو
سوال میکنند از هلال که هلال چیست که چنین متردد فرموده است که اهل [illegible] باشد
تا اگر سبب شود و باز بپرسند سوال [illegible] بگو که این عنوان مقرر فرموده ایم که وقتها باشد
از جهت جمیع مردمان و اوقات حج را و ماههای حج را به هلال بدانند و تفصیل آیه
گذشت پس حق سبحانه و تعالی هلال را سبب معرفت ماهها گردانید و علما تاکید کرده اند
و هرچه را تاکید کرده است می باید که آن عمل کنند و در روایة القاسم بن عروه عن ابی العباس
الفضل بن عبد الملک عن ابی عبدالله صلوات الله علیه قال الصوم للرؤیة والفطر
للرؤیة ولیس الرؤیة ان یراه واحد ولا اثنان ولا خمسون و منقول است بسند صحیح که
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که روزه و فطر نیست که ملاحظه رمضان
را نیستند یعنی عدد ایام ماه اعتبار ندارد ملاحظه مدار بر علم است پس اگر شهادت
کسی که علم بهم رسد او اعتبار میکنند و اگر اند و بسیار کسی علم بهم نرسد اعتبار
ندارد و فی روایة محمد بن قیس عن ابی جعفر صلوات الله علیه قال قال امیرالمؤمنین صلوات
الله علیه اذا رأیتم الهلال فافطروا او شهد علیه عدل من المسلمین وان لم تروا
الهلال الا من وسط النهار او آخره فاتموا الصیام الی اللیل وان غم علیکم فعدوا
ثلثین لیلة ثم افطروا و در حسن کالصحیح و صحیح منقول است از حضرت امام محمد باقر
صلوات الله علیه که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه ماه شوال را

ببینید بگیرید یا جمعی از عدول مسلمانان شهادت دهند که ماه را دیده اند
افطار کنید و اگر نبینید ماه را مگر از میان روز تا آخر روز آن روزه را تمام کنید
تا شب و اگر ابر حایل شود ماه را نتوانید دیدن ماه رمضان را سی روز حساب کنید
و از روز سی ام را افطار کنید و فی روایة الحلبی عن ابی عبدالله صلوات الله علیه ان علیا
صلوات الله علیه کان یقول لا اجیز فی رؤیة الهلال الا شهادة رجلین عدلین
و باسانید صحیحه منقول است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که حضرت
امیرالمؤمنین صلوات الله علیه همیشه می فرمودند که من قبول نمیکنم در دیدن هلال
مگر گواهی دو مرد عادل را یعنی از حیثیت شهادت و هر جا که شهادت میگویند
ظاهر آن عدالت است و اگر دو مرد عادل شهادت بدهند مسموع نیست اما اگر
از طریق تواتر باشد خبر زنان و فساق و کفار مسموع است و مدار تواتر بر علم است
چنانکه گذشت و سأل سماعة عن الیوم من شهر رمضان یختلف فیه قال اذا اجتمع
اهل المصر علی صیامه للرؤیة فاقضه اذا کان اهل المصر خمسمائة انسان و منقول است
در موثق از سماعه که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
از روز اول یا آخر ماه رمضان که در آن اختلاف بهم میرسد جمعی میگویند که
دیدیم و اکثری میگویند ندیدیم حضرت فرمودند که هرگاه شهر پانصد کس اهل
الشهر یا اضعاف آن باشند و توان بود را جو؟ ده باشی قضای آن روز میکنی و افعال
مسلمین محمول است بر صحت و یا الکه از هر که دیدیم گوید که ندیدیم و تا علم بهم رسد
از شهادت ایشان و ظاهر اینجا از روی تقیه یا اتفاق وارد شده است چون علمای
ایشان عدد بسیار داشتند که کسی مخالفت ایشان نکند و قال علی صلوات الله علیه
لا تقبل شهادة النساء فی رؤیة الهلال الا شهادة رجلین عدلین و در
صحیح از حلبی و در صحیح از حماد نیز منقول است از حضرت امام جعفر صادق صلوات

۲ متفق اند که ماه را دیده ایم و گرفته ایم اول الشهر

الله علیه که حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه فرمودند که مقبول نیست [illegible] زنان
در دیدن هلال و مقبول نیست مگر شهادت دو مرد عادل و احادیث [illegible]
هلال متواترست ولیکن جمعی از اصحاب حمل کرده اند بر این را بر خلاف [illegible]
همی که اشتباهی باشد که اگر اشتباه نباشد شهادت پنجاه عادل بباید چنانکه
در صحیح ابو ایوب منقولست که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوة
الله علیه که در دیدن هلال چند کس کافیست حضرت فرمودند که ماه رمضان فرضیست
از فرایض الهی او را بظن و گمان منوط مگردانید چون هلال را ببینید چند
کس و حکم نکنید بگوید که من دیدم و دیگران گویند که ندیدیم هرگاه یکی دید صد کس
می بیند و هرگاه صد کس دید هزار کس می بیند و کافی نیست در دیدن هلال هرگاه
در آسمان علتی نباشد کمتر از شهادت پنجاه کس و هرگاه در آسمان علتی باشد قبول
میکنند شهادت دو مرد را که از خارج شهر آمده باشند و دیگر روایات پنجاه کس
دارد متواتر نمی شود در صحیح از مفضل و زید شحام از حضرت امام جعفر صادق
صلوة الله علیه که از آنحضرت سؤال کردند از اهله که در قرآن مجید وارد شده است
که یسئلونک عن الاهله حضرت فرمودند که مراد از سر ماههای ایشان هلال ماههای ماه
پس هرگاه هلال را دیدی بگیر و هرگاه هلال را ببینی افطار کن عرض نمودم که اگر ماهی از
ماههای رمضان بیست و نه روز باشد آن یک روز را قضا کنیم چنانکه مذهب
جمعی است که اصحاب عدد اند حضرت فرمودند که نه مگر آنکه جمعی عادل گواهی
دهند نزد تو که یک شب پیشتر دیده بودند اول ماه رمضان را که در این صورت لازم
است که روزه قضا میکنی و احادیث متواتر است که اعتبار به عدد نیست و آنچه معمول
صلوة الله علیهم متواترست حتی آنکه اصحاب عدد مثل صدوق نفی تواتر نمیتوانست
کرد ولیکن میگوید که ائمه هدی صلوة الله علیهم تقیه فرموده اند چون [illegible]

موافق اهل [illegible] است و حق این است که حدود قول را حدود دارند [illegible]
[illegible] اند اما روایات نفی متواترست در روایات حدود اما احادیث
[illegible] [illegible] قضا کند بهتر است و اکثر احادیث را در روضه المتقین شرح ذکر
کرده ام اگر خواهید بآن رجوع کنید و سال علی بن جعفر اخاه موسی بن جعفر صلوة الله
علیهما عن الرجل یری الهلال فی شهر رمضان وحده لا یبصره غیره اله ان یصوم
قال اذا لم یشک فلیفطر والا فلیصم مع الناس و باسناد صحیح منقول است که علی
گفت سؤال کردم از برادرم حضرت موسی بن جعفر صلوة الله علیهما از شخصی که هلال
ماه رمضان را تنها ببیند و غیر او دیگری ندیده باشد آیا روزه بگیرد یا نگیرد
حضرت فرمودند که هرگاه شک نداشته باشد و یقین داشته باشد بخورد و
اگر یقین نداشته باشد چنانکه مردمان روزه اند او نیز روزه باشد و مکرر تجربه
کرده ام از صلحا و عدول که شهادت داده اند و باز معلوم شده است
که اشتباه کرده اند برگشته اند و غالب آنست که چون طالب ماه اند در وقت
تخیل الشئ منصوری شود و خیال میکنند که در آسمان هست و بسیار است که
باعتقاد خود ماه را دیده اند و نشان میدهند و دیگری نمی بیند بعد از آن از
جانب دیگر دیده می شود و می یابند که غلط کرده بوده اند و اذا بجهت کسانی که
صلاحی و عقلی دارند نزد بنده شهادت میدهند تا یقین نشود ایشان را
در روی محمد بن مرازم عن ابیه عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال اذا تطوق الهلال
فهو لیلتین و اذا رایت ظل راسک فیه فهو لثلث لیال صدوق ذکر نکرده است
سند خود را بمحمد اما کلینی و شیخ بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام
جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که هرگاه ماه طوق زند آن ماه دو شبه است
و هرگاه سایه سر خود را ببینی ماه سه شبه است و جمعی عمل باین حدیث کرده اند

و اکثر عمل کرده‌اند چون مخالف احادیث متواتره است که مدار بر رویت است و او معنی
غالبی است و کلی نیست و البته از روی تقیه وارد شده است چون
میکرده‌اند و قرینه تقیه آنکه حضرت نفرموده‌اند که روزه بگیر یا بخور
عجیب‌تر آنست که مخالف چنین است و مجرب است که در زمستان
قبله دیده می‌شود اگر بعد از دو ساعت از شب خروج شعاع شود در شب یکم
می‌زند و در شب دوم سایر ... و اگر یک ساعت بیشتر خروج شعاع شود
باشد می‌بیند بی‌تفاوت یک ساعت و یک ساعت چه مقدار ... میکند
و روی حماد بن عیسی عن اسمعیل بن الحر عن ابی عبدالله صلوات الله علیه قال اذا غاب
الهلال قبل الشفق فهو لیلته و اذا غاب بعد الشفق فهو لیلتین و در صحیح از حماد
منقول است از اسمعیل که اصحاب رجال او را ذکر نکرده‌اند که حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه هلال پیش از ذهاب حمره مغربی غایب شود آن ماه
یک شبه است و اگر بعد از ذهاب شفق غایب شود آن ماه دو شبه است و این معنی نیز
غالبی است و کلی نیست و بعینه مثل حدیث سابق است و تجربه شهادت میدهد
که اگر دو ساعت شب خروج شعاع شود در این شب غالبا ... نمیشود در
که شب اول ماه است غالبا بعد از شفق فرو می‌رود و گاه هست که در این شب دیده
و در شب ... بسبب کثرت بخارات ماه فرو می‌رود و سرخی باقی است و بعضی از اصحاب
فرموده‌اند که عمل کنید باین و این معنی نیز علامت تقیه است و مخالف احادیث متواتره
است مانند سابق و لاحق و قال الصادق صلوات الله علیه اذا اصح هلال رجب فعد
تسعة وخمسین یوما و صم یوم الستین و این حدیث را مرسلا روایت کرده است
که آنحضرت صلوات فرمودند که ماه رجب هرگاه اولش مشخص شود پنجاه و نه روز حساب
کن و روز شصتم را روزه بگیر و ظاهرا این حدیث با اصحاب عمل ...

ماه جر

...ت و ماه شعبان ناقص است و در حدیث ...
...ن است بآن دلالت میکند بر استحباب روزه یوم الشک و
...بهذا فرموده‌اند که اول شعبان که مشخص باشد روز شصتم را
بخورید ... مساعد است که بیان است که سه ماه پی در پی ناقص می‌شود و گاه هست
که سه ماه پی در پی سی کم یک باقی می‌شود بلی غالب اوقات چنین است که سال
را که حساب میکنند ... شش ماه سی و شش ماه سی کم یک می‌شود و آن قاعده
ندارد و قال صلوات الله علیه اذا صمت شهر رمضان فی العام الماضی فی یوم معلوم
فعد فی العام المستقبل من ذلک الیوم خمسة ایام و صم یوم الخامس منقول است
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه مرسلا که آنحضرت فرمودند که هرگاه ماه
رمضان را در سال گذشته در روزی روزه گرفته باشد مثلا روز جمعه اول
ماه بوده باشد در این سال از آن روز حساب کن پنج روز در روز پنجم را روزه بگیر که
روز سه شنبه باشد و این قاعده نیز اکثری است و در حدیث مرسلی منقول است
که در غیر سال کبیسه پنج روز حساب میکنند و در سال کبیسه شش روز و جمعی
باین احادیث عمل نموده‌اند در صوم از جهت احتیاط ... و جمعی دیگر
در روزه ۲ — دو روز در حدیثی وارد است که باین عمل کنید از جهت احتیاط هر دو روزه و اتفاقا
هیچکس عمل باین اخبار ننموده است در حالت صحو بلکه جمعی که عمل نموده‌اند در
صورت اشتباه و غیم عمل نموده‌اند و مخالفتی با احادیث متواتره ظاهرا
و در صوم عاملی باید کرد اما نه بعنوان وجوب بلکه بقصد استحباب اگر در یوم
الشک آنکه چنانکه غالب چنین است و این احادیث نیز موافق عمل بعدد است و
... و ... آنکه ... حساب میکنند و شش ماه سی است و
شش ماه ... در غیر سال کبیسه که در آن سال هفت ماه سی است و ...

ماه ... این قاعده موافق است با حساب منجمان غالبا ... دیگر

تا بلند نحو دیگر سابقا گذشت که ماه رمضان تمام است و شوال ناقص است تا در چنان که

ناقص است و این حساب غالبا مخالف است با رویت چون بسیار است که دو ماه و بیشتر

ماه متفق می باشند والله تعالی یعلم و روی ابان بن عثمان عن عبد الرحمن بن ابی عبد الله

عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال قلت له رجل اسرته الروم ولم یصح له شهر رمضان

ولم یدر ای شهر هو قال یصوم شهرا یتوخی و یحسب فان کان الشهر الذی صامه قبل

شهر رمضان لم یجزه وان کان بعد شهر رمضان اجزاه و در موثق کالصحیح یا صحیح از

عبد الرحمن بن ابی عبد الله منقول است و در بعضی از نسخ این کتاب بن ابی العلا است

و از سهو نساخ است البته چنانکه در کافی و تهذیب ابن ابی عبد الله است که گفت عرض

نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه که هرگاه مردی را شخصی با اسیر کنند

و ماه رمضان از خاطرش رفته باشد و اسامی ماههای ایشان دیگر است چکند حضرت

فرمودند که تحری میکند یکماهی را و حساب نگاه میدارد تا در آید یا حیوان از مسلمانان

بر وی وارد شوند پس اگر آن ماهی را که گرفته است پیش از ماه رمضان است مجزی نیست

او را و هر شنبه دیگر قضا میکند و اگر در ماه رمضان واقع شده است یا بعد از آن مجزی است

او را چون بعد از رمضان قضا خواهد بود و نیت ادا و قضا در کار نیست خصوصا

هرگاه نداند و کسی خلاف نکرده است در این حکم و سال عیص بن القسم عن الهلال

اذا رآه القوم جمیعا فاتفقوا علی انه للیلتین ایجوز ذلک قال نعم و در صحیح

منقول است از عیص که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه

که هرگاه شب سی ابر باشد و در شب که همه کس ماه را ببینند متفق باشند

که ماه دو شبه است آیا جایز است که حکم دو شبه را بر آن جاری سازند فرمودند که

بلی و ظاهر مراد از قوم جمعی اند که بسیار در جات کواکب خبر داشته باشند

میبینند که ماه چون از ابر جدا است احتمال ندارد که ماه یک شبه باشد ... شبه

... باشد که سه شبه باشد اما دو شبه معلوم است که کمتر نیست بر وجهی

صورت اگر چه بوده باشند امروز را قضا میکنند و چون سی روز گذرد تا اول ...

روز سی دیگر افطار میکنند دانستی بنظر یکیی که عالم باشد و در بحث قمر را شناسد

خوب است و اما نظر با کثر مردمان که اندکی که ماه را می بینند که در جایش عالی ا

میگویند دو شبه است پس هرگاه ماهها ابر باشد واز نو ظاهر باشد روز سی سی

حساب میکنند باد و ماه خوب است و ناسه بر احتمال و در باقی خلاف است و بعضی

یکماه سی کم یک و یکماه سی حساب میکنند و بعضی بحدیث خمسه و احادیث سابقه

عمل می نمایند و اینها همه وقتی است که خلاف متیقن نشود چنانکه در بحدیث است

والله تعالی یعلم باب صوم یوم الشک سئل امیر المؤمنین صلوة الله علیه عن الیوم

المشکوک فیه فقال لان اصوم یوما من شعبان احب الی من ان افطر یوما من شهر

رمضان فیجوز لمن صام علی انه من شعبان ما کان من شهر رمضان اجزاه وان

کان من شعبان لم یجزه ومن صامه وهو شاک فیه فعلیه قضاؤه وان کان من شهر

رمضان لانه لا یقبل شیء من الفرائض الا بالیقین ولا یجوز ان ینوی من یصوم یوم الشک

انه من شهر رمضان وقال امیر المؤمنین صلوة الله علیه قال لا افطر یوما من شهر رمضان

احب الی من ان اصوم یوما من شعبان اذیده فی شهر رمضان این باب است در روز

روز سی ام شعبان هرگاه در شب اشتباهی باشد از بخارات یا ابر یا اعم

از آنکه باشد یا باشد و آنرا یوم الشک میگویند و منقول است که از حضرت امیر المؤمنین

صلوة الله علیه پرسیدند از روزی که در آن شک باشد روزه میگیریم یا چه میفرمائید

حضرت ... نکه هر آینه با والله که روزه داشتم شعبان را احب بود نزد

من از آنکه افطار کنم روزه از رمضان را با دانی چون احتمال شعبان در رمضان

خورده است پس اگر گویم در رمضان باشد روزه اینست که توفیق یافته‌ام که گرفتم اگر از آن
اگر شعبان باشد روزه سنتی گرفته خواهم بود و اگر افطار کنم و شعبان [illegible] روزه
سنتی را خورده‌ام و اگر افطار کنم و از ماه رمضان باشد روزه واجبی را خورده‌ام
هر چند نادانسته باشد پس از نیت ادنی باشد هر چند خوردن جایز باشد و صدوق [illegible]
که بی جایز است که روزه بدارند از افضل شعبان اگر از ماه رمضان باشد مجزی است
او را باحادیث صحیحه و اگر از شعبان باشد باد خیری خواهد بود روزه سنتی را که
است و کسی که روزه دارد یوم الشک را بعنوان شک که اگر واجب است واجب باشد
اگر سنت است سنت باشد واجب است که او را قضا کند اگر چه بحسب واقع از ماه رمضان باشد
زیرا که هیچ واجبی مقبول نیست بدون آنکه بیقین بداند که واجب است بلکه نمیتوان
نیت نمود کردن که اگر واجب باشد واجب باشد زیرا که یقینا واجب نیست این یک احتمال
عبارت صدوق است از عبارت [illegible] اگر چه خلاف ظاهر است و [illegible]
می باید شد تا مکرر نشود و لا یجوز و احتمال دیگر آنست که هر کس روزه یوم الشک را
بقصد ماه رمضان بدارد و شک داشته باشد که از ماه رمضان است یا از شعبان
بی بود است که او را قضا کند اگر از ماه رمضان باشد و لفظ داود و [illegible]
است از نساخ و بر هر احتمالی خوب نیست پس مصنف دلیل بر این مطلب گفته است پس اگر
هیچ یک را از فرایض قبول نمیکنند بدون یقین پس کسیکه یقین نداشته باشد
که از ماه رمضان است هر چند بحسب واقع از ماه رمضان باشد صحیح نیست روزه او بلکه
که از رمضان باشد می باید که او قضا کند و بنا بر او معنی چنین میشود که قضا
می باید کرد و اگر چه از رمضان باشد یعنی اگر از شعبان باشد قضا می باید کرد و فرد
خفی نیست که اگر چه از رمضان باشد قضا می باید کرد و در واقع اگر از شعبان باشد
قضا نمی باید کرد بلکه اگر از ماه رمضان باشد قضا می باید کرد چه نیت کرده ماه رمضانی

که یقین همان نداشته باشند که از ماه رمضان نیست نمیتوان کرد که فردا روزه رمضان
میدارم را واجب قربة الی الله زیرا که عید آنی که از ماه رمضان است و نمیدانی که واجب است
معهذا نهی واقع شده است از آنکه روزه یوم الشک را بنیت واجب بدارند زیرا
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرموده است که والله که اگر افطار کنم روزی از رمضان
را محبوبتر است نزد من از آنکه یک روز شعبان را داخل کنم در ماه رمضان و این حدیث نیز
چند احتمال دارد یکی آنکه یوم الشک خوردنش بهتر است از گرفتن بقصد رمضان
هم چنانکه گرفتنش بهتر است از خوردن و این صورت دو احتمال دارد یکی آنکه خوردنش
بهتر است از گرفتن بقصد رمضان باشد بحسب واقع چون ما مکلفیم بظاهر نه بواقع
و نعیم بهتر است و دوم آنکه فرض محال میفرمایند که نزد من افطار رمضان بهتر است
از تشریع اگر چه هر دو حرامند اما علاج افطار بقضا و کفاره می توان کرد و تشریع
دروغ بر خدا و رسول بستن است و حق سبحانه و تعالی فرموده است که کیست ظالمتر از کسی که
دروغ بر خدا ببندد و جماعتی که دروغ بر خدا می بندند روی ایشان در روز قیامت
سیاه خواهد بود اما بنا بر احتمال اول تردید را هم احتمال دارد و صدوق فرق کرده است
میان تردید و جزم بوجوب که در جزم بوجوب گفته است جایز نیست و در تردید
گفته است که مقبول است و تردید بنا بر آنکه گفته شد آن بود که تردید کند میان واجب
و سنت چون روزه یوم الشک بعد از عذر سنت است تردید مقبول است و احتمال
دارد که بنا بر نحو تردید یکسان که فردا روزه میگیرم اگر از ماه رمضان باشد از ماه رمضان
باشد و اگر از ماه شعبان باشد از ماه شعبان باشد و بعو احتمال قصد سنت کند
زیرا که ما رمضانی را العلم بان نداشته باشیم سنت است و ظاهر این تردید بنیت
نیست تردید در نیت است و تشریع نیست و در واقع چنین است که اگر از ماه رمضان
است حق سبحانه تعالی آنرا قبول میفرماید و هم چنین از شعبان و خوب عبادت

روزی بسیار مشوش بود این احتمالات را ذکر کرده ام و احادیثی که در این باب وارد
شده است ما چهار است که ذکر کنیم اول انچه در حسن کالصحیح از کاهلی منقول است که گفت
سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از یوم الشک حضرت فرمودند
که هر اینه یا والله که اگر روزه دارم روزی را از شعبان محبوب تر است نزد من از آنکه افطار
کنم روزی را از ماه رمضان و در صحیح از سعید منقول است که گفت عرض کردم بحضرت
امام جعفر صادق صلوة الله علیه که من روزه یوم الشک را گرفتم و بعد از آن ظاهر شد
که از رمضان بوده است حضرت فرمودند که روزی است که توفیق یافته که گرفته
موافق واقع افتاده است و احادیث بسیار برین مضمون وارد شده است و در حسن کالصحیح
و موثق کالصحیح و قوی کالصحیح از آنحضرت ص و احادیث بسیار وارد شده است از
موثق کالصحیح و قوی کالصحیح که بقصد شعبان روزه میگیری اگر از ماه رمضان است
بحسب واقع توفیق یافته و اگر از شعبان است ثواب روزه شعبان داری و احادیث
صحیحه و حسنه کالصحیحه و موثق کالصحیحه وارد شده است در نهی از روزه یوم الشک
و همه محمول است بر آنکه بقصد ماه رمضان باشد چنانکه احادیث صحیحه و کالصحیح
وارد شده است که مصرح است که بقصد رمضان حرام است و بقصد شعبان مطلوب
است در روزه توفیقی است و احادیث مجمله وارد شده است در نهی از روزه یوم الشک
که محمول است بر تقیه چون مذهب عامه حرمت است و اکثر اخبار را در روضة
المتقین ذکر کرده ام و سال بشیر النبال ابا عبد الله صلوة الله علیه عن صوم یوم
الشک فقال صمه فان کان من شعبان کان تطوعا وان کان من شهر رمضان فیوم
وفقت له و در موثق کالصحیح منقول است از بشیر نبال که گفت سوال کردم
از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از روزه یوم الشک حضرت فرمودند
که روزه بدار اورا پس اگر شعبان باشد روزه سنت خواهد بود و اگر از ماه رمضان

بمثابه روزه ایست که حق سبحانه و تعالی توفیق داده است که گرفته ای و در این
باب احادیث معتبره وارد شده است و سال عبد الکریم بن عمرو فقال انی جعلت
علی نفسی ان اصوم حتی یقوم القائم صلوة الله علیه فقال لا تصم فی السفر ولا فی العیدین
ولا فی ایام التشریق ولا الیوم الذی تشک فیه و در موثق کالصحیح منقول است
که عبد الکریم گفت که عرض کردم بحضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه که بر خود
الزام کرده ام بنذر و یا شبیه بنذر که روزه بدارم تا صاحب الامر صلوة الله علیه ظاهر
شود حضرت فرمودند که در سفر روزه مگیر و در عید رمضان و عید قربان و
سه روز بعد از آن و در یوم الشک روزه مگیر و ظاهر این حدیث حرمت یوم الشک
است و حمل کرده اند بر آنکه بقصد رمضان مگیر یا آنکه محمول است بر تقیه و این اظهر
است و مثل این است حدیث صحیح که آنحضرت ص فرمودند که حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از روزه شش روز که آن دو عید است و ایام تشریق
که آن یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه است و روزه شک است از ماه رمضان
یعنی بقصد آن و ایام تشریق در منی حرام است و در غیر منی مکروه است و نهی شامل
هر دو بوده است و من کان فی بلد فیه سلطان فالصوم معه والفطر معه لان فی
خلافه دخولا فی نهی الله عز و جل حیث یقول ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکة و
کسیکه در شهری باشد از شهرهای سنیان که پادشاهی در انجا باشد از سنیان
پس روزه با او گیرد و افطار با او است زیرا که در مخالفت او داخل شدن است
در نهی حق سبحانه و تعالی در انجا که میفرماید که میندازید خود را بدست خود در
مهلکه پس اگر روز [illegible] را خورند میباید خورد اگر خوف ضرر باشد و هم چنین
روز آخر [illegible] روزی که روزه دارند روزه می باید داشت [illegible]
که خوف [illegible] مالهای عظیم باشد که از بردن آن ضرر عظیم بر این کس [illegible]

باخوف بوده است یا با وامثال آن باشد و در صحیح ابن عبد الله بن مغیره
است از ابو الجارود و ضعفش منجبر است بروایت عبد الله که از اهل
سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه که در سالی شک کردیم در عید قربان
پس حضرت فرمودند که افطار در روزی می باید کرد که مردمان افطار میکنند و قربانی
در روزی که مردم میکنند و روزه در روزی که مردم میگیرند و در روایت عیسی بن
ابی منصور قال کنت عند ابی عبد الله صلوة الله علیه فی الیوم الذی یشک فیه انه من
فقال یا غلام اذهب فانظر هل صام السلطان ام لا فذهب ثم عاد فقال لا فدعا
بالغداء فتغدینا معه و تحقیق که مروی است در صحیح از عیسی که گفت بودم در حضور
امام جعفر صادق صلوة الله علیه بودم در روزی که مردمان در او بودند در شک که در آنجا شک شد
که از ماه رمضان است یا شعبان حضرت یکی از ملازمان فرمودند که ای برو
و نظر کن و ببین که آیا پادشاه روزه گرفته است یا نه پس رفتند و برگشتند گفتند
روزه نگرفته است حضرت سفره طلبیدند از جهت چاشت پس ما نیز با حضرت
چاشت کردیم و قال الصادق صلوة الله علیه لو قلت ان تارک التقیة کتارک
الصلوة لکنت صادقا و منقول است که آنحضرت فرمودند که اگر من بگویم که ترک
کننده تقیه مثل ترک کننده نماز است هر آینه صادق خواهم بود و پیش گذشت
که تارک الصلوة کافر است یا مانند کافر پس تارک تقیه نیز کافر است یا مانند کافر
و قال صلوة الله علیه لا دین لمن لا تقیة له و سابق گذشت که در احادیث صحیحه و حسنه
کالصحیح وارد شده است از آنحضرت و سایر ائمه هدی صلوة الله علیهم که دین ندارد
کسی که تقیه نمیکند و نه عشر دین در تقیه است و ایمان ندارد کسی که تقیه نمیکند
و تقیه از دین من و دین پدران من است و تقیه سپر مومن است و تقیه حرز و
حافظ مومن است و در هر جا مضطر شود بان تقیه هست و واجب است چنانچه

سبحانه

سبحانه و تعالی برای او حلال کرده است و اخبار در تقیه خصوصا درین باب بسیار
اخبار بسیار وارد شده است که ائمه معصومین صلوة الله علیهم یوم الشک
را ماه فیل میفرمودند و میفرمودند که میخوریم با آنکه میدانیم که بحسب واقع از ماه است
و سکان خلفای عباسیه خصوصا منصور دوانقی که در مقام قلع و قمع بنی هاشم
بودند میدانستند که مذهب ائمه معصومین صلوة الله علیهم احتیاط است در صوم
یوم الشک و آنرا بهانه قتل ایشان ساخته بودند که ایشان مادام که ملازم میبودند
و حضرت مبالغه بسیار میفرمودند شیعیان را که تقیه بکنید و از جهت آنکه شیعیان
در تقیه مساهله نکنند تقیه میفرمودند و میفرمودند که نکردن ماه رمضان خوردن
بهتر از قتل معصومی است که عالم بوجود او برپا است و حق سبحانه و تعالی از جهت
اذیت بیماری و هشت فرسخ راه رفتن بلکه چهار فرسخ رخصت داده است
که روزه را باطل کنند در امری که سبب قتل شود چگونه تجویز نمی نماید که بخورند و در قرآن مجید
از جهت سخنی و رسول رخصت تقیه داده است الا ان تتقوا منهم تقیة و
در قرائت اهل بیت تقیه است و روی عبد العظیم بن عبد الله الحسنی عن سهل بن سعد
قال سمعت الرضا صلوة الله علیه یقول الصوم للرؤیة والفطر للرؤیة ولیس منا من صام
قبل الرؤیة للرؤیة وافطر قبل الرؤیة للرؤیة قال قلت له یا ابن رسول الله فما تری فی
صوم یوم الشک فقال حدثنی ابی عن جدی عن آبائه صلوة الله علیهم قال قال
امیر المومنین صلوة الله علیه لان اصوم یوما من شعبان احب الی من ان افطر یوما
من شهر رمضان قال مصنف هذا الکتاب رضی الله عنه و هذا حدیث غریب
لا اعرفه الا من طریق عبد العظیم بن عبد الله الحسنی المدفون بالری فی مقابر الشجرة
و کان مرضیا رضی الله عنه و کالصحیح منقول است از عبد العظیم بن عبد الله بن علی
بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما از سهل بن سعد نقل

که گفت شنیدم از حضرت امام رضا صلوة الله علیه که میفرمودند که روزه که ... وقت
وقت دیدن ماه است و افطار کردن در وقت دیدن ماه است و نیست از اهل کسی که
روزه کیرد پیش از دیدن خود ش یا دیدن جمعی که ثابت شود ش عدالت از جهت
دیدن نه مجهولی و همچنین افطار کند پیش از دیدن نه شبیه که از جهت دیدن
جمعی که ثابت نشود از دیدن ایشان یا انکه ندیده باشد و نقرا این عمل کند یا قرا
و اعتوار رویته اند و این احتمالات ما بود سخن الرؤیت است و از جهت عبارت دارد
سهل میکوید که عرض نمودم که یا بن رسول الله چه میفرمایید در روزه یوم الشک
حضرت فرمودند که حدیث کرد مرا پدرم از جدم از پدرانش که حضرة امیر المومنین صلوة
الله علیهم فرمودند که روزه که یک روز از شعبان بدارم محبوب‌تر است نزد من
از انکه افطار کنم روزی از ماه رمضان را چنانکه کوید مصنف این کتاب رضی الله عنه
که این حدیث غریبی است که از قبیل احادیث دیگری نقل نکرده است خواه ملازمت داشته
باشد و خواه نداشته باشد چون احادیث بسیار در این باب منقول است و مانی
عبادت ها در نشره است و ما انکه با این عبارت غیر سهل روایت نکرده است و
از سهل غیر عبد العظیم حسنی روایت نکرده است و او مدفون است در جای
که مشهور است مقابر شجره دری و ایمه هدی صلوة الله علیهم اند خوشنود
بودند بخدمت حضرة امام محمد تقی و امام علی نقی صلوة الله علیهما و بسیره اند
و از ایشان بسیار روایت کرده است کالتصحیح منقول است از حضرت امام علی نقی
صلوة الله علیه که ثواب زیارت او ثواب زیارت حضرت امام حسین صلوة الله علیه
دارد باب الرجل یسلم وقد مضی بعض شهر رمضان این بابی است در بیان
حال شخصی که در اثنای ماه رمضان مسلمان شود سئل الصادق صلوة الله علیه
عن رجل اسلم فی النصف من شهر رمضان ما علیه من صیامه فقال لیس علیه

یا انکه ندیده باشد و کوید که دیده ام

او بصوم الا ما اسلم فیه و لیس علیه ان یقضی ما قد مضی منه منقول است در صحیح
که از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه پرسیدند از شخصی که
مسلمان شود در نیمه ماه رمضان از روزه انچه کذشته مقدار برو هست حضرت فرمودند
که نیست برو او اکر همانروزی که در ان مسلمان شده است ... کافی و تهذیب
حدیث است و نیست برو که قضا انچه کذشته را و این عبارت حلبی است که در کتاب
حلبی باشد یا صدوق مضمون حدیث را نقد باشد از جهت انکه عبارت سالی
بلیس و الازمان کذشته را بیرون میکند باحدیث کالمتواتر معمول بها در اهل الاسلام
کما الاسلام یجب ما قبله یعنی اسلام قطع میکند انچه پیشتر از ان واقع شده است
و محو میکند کناهان و قضاهای عبادات را که بان مکلف بودند با اجماع شیعه و
اکثر عامه چون یعنی قابل تکلیف ایشان نیستند و علی ای حال همه متفق اند که
قضای ایام کذشته نمیکنند از نماز و روزه و زکات و حج و باقی عبادات و کالتصحیح
منقول است که حضرة امیر المومنین صلوة الله علیه فرمودند در شخصی که در نصف
ماه رمضان مسلمان شود که نیست برو مکر انچه مانده است ان ماه یعنی قضای نماز
نیست و عیص باید کرد او را و روی صفوان بن یحیی عن العیص بن القسم قال سالت
ابا عبد الله صلوة الله علیه عن قوم اسلموا فی شهر رمضان وقد مضی منه ایام
هل علیهم ان یصوموا ما مضی منه او یومهم الذی اسلموا فیه فقال لیس علیهم
قضاء و لا یومهم الذی اسلموا فیه الا ان یکونوا اسلموا قبل طلوع الفجر و حسن
کالتصحیح و در صحیح منقول است از عیص که کفت سوال کردم از حضرة امام جعفر صادق
صلوة الله علیه از قومی که مسلمان شوند در ماه رمضان و حال انکه چند روز از
ماه کذشته باشد ایا بر ایشان واجب است که کذشته ها را قضا کنند یا ان روزی
که در ان مسلمان شده اند اکر چیزی نخورده باشند یا قضا کنند اکر خورده باشند

پس حضرت فرمودند که واجب نیست قضای ایام گذشته و نه قضا و ادای آن
روزی که در آن مسلمان شده اند مگر آنکه پیش از طلوع فجر مسلمان شوند که آن روز را ادا
میگیرند و اگر خورده باشند قضا نکنند و ادا و در حدیث صحیحی از حلبی منقول است
که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه سوال کردم از شخصی که در میان ماه
رمضان مسلمان شود حضرت فرمودند که هر چه فوت شده است قضا کند آنرا و او
حمل کرده اند بر آنکه آنچه بعد از اسلام او فوت شده باشد قضا کند یا استحباب یا
واحتمال تقیه هست چون بعضی از عامه قایل شده اند و بعضی از خاصه گفته اند که اگر
پیش از ظهر مسلمان شود و چیزی نخورده باشد آن روز را روزه میگیرد و اگر خورده
باشد قضا میکند و ممکن است که حمل کنند این حدیث را بر مذهب خود و لیکن هر گاه حلبی
و دیگری روایت کرده باشند که آن روز را قضا نمیکنند ناچار است که این حدیث
را حمل بر استحباب یا تقیه کنیم باب الوقت الذی یحل فیه الافطار و تجب
فیه الصلوة این بابی است در بیان وقتی که حلال است در آن وقت افطار نمودن
و واجب است نماز شام کردن و غرض از این عبارت آن است که وقت افطار و وقت
نماز است و در وقت نماز گفته که بغروب شمس واجب میشود یعنی قرص پنهان شود
در افطار نیز چنین است و پیشتر مذکور شد که احادیث بسیار وارد شده است
که غروب شمس بذهاب حمره مشرقی حاصل میشود و معهذا حق سبحانه و تعالی
فرموده است که روزه را تمام کنید تا شب و در عرف وقت غروب قرص را شب
نمیگویند اگر چه حقیقت شرعی مقدم است بر عرفی لیکن چون در اینجا الفت که
عامه غروب را غیبوبت قرص میدانند و ظاهر آنست که اخباری که موافق ایشان
وارد شده محمول بر تقیه باشد خصوصاً در اینجا که بغایت تصریح بغیبوبت
قرص است و احادیث بسیار وارد شده است که غیبوبت قرص بذهاب حمره مشرقیه

است که چون آفتاب از سرخی است باقیست و در محاذات تا سر است گویا که قرص
هنوز فرو نرفته است و روی عن عمرو بن شمر عن جابر عن ابی جعفر صلوة الله علیه قال
قال رسول الله صلی الله علیه و آله اذا غاب القرص افطر الصائم و دخل وقت الصلوة مروی است
در ضعیف از جابر که حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که هر گاه قرص غایب شود افطار میکند صایم و وقت
نماز داخل می شود و قال ابی رضی الله عنه فی رسالته الی یحل لک الافطار اذا بدت
ثلثة انجم و هی تطلع مع غروب الشمس و هی روایة ابان عن زرارة عن ابی جعفر صلوة
الله علیه و پدرم رضی الله عنه در رساله که نوشته بود بسوی من ذکر کرده بود و عبارت
فقه رضوی است که حلال است ترا افطار وقتی که سه ستاره ظاهر شود و آن سه ستاره
طالع می شود وقتیکه غروب آفتاب واقع شود و آن بذهاب حمره مشرقیه است چنانکه
در چند جا ذکر کرده است یکی آنکه در وقت مغرب میگوید که اول وقت مغرب سقوط
قرص است و علامت سقوط قرص آنست که افق مشرق سیاه شود و در موضعی دیگر
ذکر کرده است که وقت مغرب سقوط قرص است و دلیل غروب شمس ذهاب حمره است از جانب
مشرق و در روایات بسیار در وقت مغرب سقوط قرص وارد شده است و معمول
به آنست که سیاهی مشرق بفوق سر رسد و تا سرخی مشرق زایل نشود آن سه
ستاره از جانب مشرق طالع نمی شود و صدوق ذکر کرده است که آنچه پدرم روایت
کرده است روایت ابان از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه است و سندش
صحیح است یا موثق کالصحیح بنا بر خلافی که در ابان شده است و شیخ نیز این حدیث
را به همین سند ذکر کرده است که زراره گفت که سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوة
الله علیه از وقت افطار صایم که حضرت فرمودند که آن وقتی است که سه ستاره
ظاهر شود و حضرت شیخ فرمودند که گمان کرده که آفتاب فرو رفته است و افطار

کرده بود بعد از آن دیر بود که آفتاب فرو رفته است فرمودند که برو قضا نیست
و محمول است بر ظن غالب چنانکه گذشت و قریب باین است صحیحه اسمعیل بن همام که گفت
دیدم حضرت امام رضا صلوات الله علیه را و در خدمت آنحضرت بودم که نماز شام
را تأخیر کردند تا وقتیکه ستارها ظاهر شد برخاستند و پیش ایستادند و اقتدا
بآنحضرت کردیم در خانهٔ ابن ابی محمود یعنی سه ستاره ظاهر شد برخاستند و
احادیث خصال حمره و قریب بتواتر است و در تقسیم اشارت بآن شد و روی
الحلبی عن ابی عبد الله صلوات الله علیه انه سئل عن الافطار قبل الصلوة او بعدها
قال ان کان معه قوم یخشی ان یحبسهم عن عشائهم فلیفطر معهم و ان کان غیر
ذلک فلیصل ثم یفطر و باسانید صحیحه منقولست که از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه پرسیدند که افطار را پیش از نماز شام بکنند یا بعد از آن حضرت
فرمودند که اگر با او جمعی باشند که انتظار او کشند و تا او بیاید چیزی نخورند
پس باید که با ایشان افطار کند و بعد از آن نماز کند و اگر انتظار او نکشند اول نماز
کند و بعد از آن افطار کند و بعد ازین خواهد آمد در حدیث صحیح زراره و فضیل
که اول نماز کند و دیگر افطار کند و در موثق کالصحیح از زراره و فضیل منقولست
که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که نماز میکنی و افطار میکنی مگر آنکه با جمعی
باشی که انتظار کشند ترا اگر در این صورت مخالفت ایشان مکن افطار کن و بعد
از آن نماز کن و الا انتظار نکشند ابتدا بنماز کن عرض کردم که چرا نماز را مقدم
میباید داشت حضرت فرمودند که از آنجهت که دو واجب پیش آمده است ترا
یکی افطار و دیگری نماز پس ابتدا کن بهتر است که بهتر باشد ازین دو و بهترین آنها
نماز است پس فرمودند که نماز میکنی و صایم افطار کرده این نماز را در نامه عملت کامل
می نویسند و صوم را آخر اعمالت میگردانی محبوب تر است نزد من و بعضی از علما

گفته اند

گفته اند که اگر نفس بنوعی مانع کند و تاب گرسنگی نداشته باشد اول افطار کند
چون حضور قلب روح عبادتست و اگر ممکن باشد که هر دو جمع شوند نور علی
نور خواهد بود **باب** الوقت الذی یحرم فیه الاکل والشرب علی الصایم و تحل
فیه صلوة الغداة روی عاصم بن حمید عن ابی بصیر لیث المرادی قال سألت ابا
عبد الله صلوات الله علیه فقلت متی یحرم الطعام علی الصایم و تحل الصلوة صلوة الفجر
فقال لی اذا اعترض الفجر و کان کالقبطیة البیضاء فثم یحرم الطعام علی الصایم و
تحل صلوة الفجر قلت افلسنا فی وقت الی ان یطلع شعاع الشمس قال هیهات این
یذهب بک تلک صلوة الصبیان یعنی ابا بصیر پرسید که در چه وقتی حرام می شود در آن
وقت خوردن و آشامیدن بر صایم و در آن وقت جایز است نماز صبح منقولست
در حسن کالصحیح و در صحیح از لیث که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه و عرض نمودم که کی حرام می شود طعام بر صایم و حلال می شود نماز صبح
پس حضرت فرمودند که وقتیکه عرض افق سفید شود و در سفیدی مانند جامهای
سفید مصری شود که در آن وقت حرام می شود طعام بر صایم و حلال می شود نماز صبح
عرض نمودم که آیا وقت نماز ممتد نیست تا ظاهر شود شعاع آفتاب یعنی بر در و دیوار
یا مراد سرخی مشرق باشد که بعد از صبح با اندک زمانی بهم رسد در مشرق یا در مغرب
حضرت فرمودند که هیهات یعنی چه دور افتاده کجا میروی یا خود را کجا میبری
آن نماز کودکانست که تا بر آمدن آفتاب [illegible] نماز صبح [illegible] و روی ابو بصیر
عن احدهما صلوات الله علیهما فی قول الله عز و جل و کلوا و اشربوا حتی یتبین لکم
الخیط الابیض من الخیط الاسود من الفجر فقال نزلت فی خوات بن جبیر الانصاری
و کان مع النبی صلی الله علیه و آله فی الخندق و هو صایم فامسی علی تلک الحال و کانوا
قبل ان تنزل هذه الآیة اذا نام احدهم حرم علیه الطعام فجاء خوات الی اهله

حین امسی فقال هل عندکم طعام فقالوا لا تنم حتی نصنع لک طعاما فاتکی فنام

قالوا قد فعلت قال نعم فبات علی الحال فاصبح ثم غدا الی الخندق فجعل یغشی علیه

فمر علیه رسول الله صلی الله علیه وآله فلما رای الذی به اخبره کیف کان امره

فانزل الله عز وجل وکلوا واشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابیض من الخیط

الاسود من الفجر و منقول است در صحیح از ابو بصیر در صدوق از لیث ابو یحیی

مرادی روایت کرده است و در فهرست طریق خود را بیحیی ذکر کرده است و بلیث

ذکر نکرده است و غالب آنست که راوی لیث ابن مسکان است و در حدیث ثانی

عاصم بن حمید بود و کلینی و شیخ ابو جعفر بسند در صحیح از ابن مسکان از ابو بصیر

روایت کرده [illegible] از حضرت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق صلوة الله علیهما

در تفسیر قول حق سبحانه و تعالی که فرموده است که بخورید و بیاشامید تا ظاهر شود

ریسمان سفید صبح از ریسمان سیاه شب که ریسمان سفید صبح است و ظهور ش

بصبح صادق است حضرت فرمودند که آن از جهت خوات بن جبیر برادر عبد الله

بن جبیر که در جنگ احد شهید شد نازل شد و او از انصار بود و با حضرت

رسول خدا صلی الله علیه وآله در کندن خندق کار میکرد و روزه بود و شب چیزی

نخورده بود و چنان بود قبل از نزول این آیه که اگر کسی بخواب میرفت خوردن

بر او حرام بود و خوات چون بروز در خندق کار کرده بود وقت شام بخانه آمد

و گفت طعامی دارید ایشان گفتند بخواب مرو تا طعامی مهیا کنیم و تکیه کرد از

ضعف و خوابش برد اهلش گفتند خواب رفتی گفت بلی و چیزی نخورده

چون صبح شد بکار خندق آمد و کار میکرد و ساعت بساعت غش میکرد پس

حضرت سید ابرار صلی الله علیه وآله بر او گذشتند و دیدند که چنین حالی دارد

از حال او پرسیدند حال خود را بانحضرت نمود حق سبحانه و تعالی فرستاد

این ایررا

این آیه را کرده تمام شب بخورید و بیاشامید تا ظاهر شود صبح و تفسیر آیه گذشت

و سئل الصادق صلوة الله علیه عن الخیط الابیض من الخیط الاسود من الفجر

فقال بیاض النهار من سواد اللیل و نیز ابن الفجر و در بعضی از نسخ نبود و اگر نباشد

ظاهر نیست که صدوق جزو حدیث ذکر را باین متصل کرده است چون تفسیر

مقصود است و در صحیح و حسن کالصحیح از حلبی منقول است که گفت از آنحضرت

سوال کردم که مراد از خیط سفید و سیاه چیست گفت اگر شنیده بودند از صحابه

و تابعین میخواستند که از آنحضرت بشنوند حضرت فرمودند که مجاز شایع است

که سفیدی صبح را عرب تشبیه میکنند بریسمان سفید و سیاهی شب را بریسمان سیاه

و عامه ذکر کرده بودند که عدی بن حاتم گفت که من بود و ریسمان شتری سیاه و سفید

با هم تابیده بود و ملاحظه می نمود که روشن شود چنانکه فرق توان کرد سیاه

و سفید را از هم حق سبحانه و تعالی من الفجر فرستاد که بر کسی مشتبه نشود و قال

فی خبر آخر و هو الفجر الذی لا شک فیه و در حدیث بشیک از آنحضرت منقول است

که آن صبحی که در آن شک نیست چون صبح کاذب [illegible] بعضی

میگویند صبح است چون فی الجمله روشنی دارد اما [illegible] صبح صادق مشتبه نیست

و سال سماعة بن مهران عن رجلین قال ما ینظران الی الفجر فقال احدهما هو ذا و قال

الآخر ما اری شیئا قال فلیاکل الذی لم یتبین له الفجر و الشرب لان الله عز و

جل یقول وکلوا واشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابیض من الخیط الاسود من

الفجر ثم اتموا الصیام الی اللیل قال سماعة و سالته عن رجل اکل و شرب بعد ما

طلع الفجر فی شهر رمضان فقال ان کان قام فنظر فلم یر الفجر فاکل ثم اعاد النظر

فرای الفجر فلیتم صومه و لا اعادة علیه و ان کان قام فاکل و شرب ثم نظر الی الفجر

فرآه قد طلع فلیتم صومه و یقضی یوما آخر لانه بدا بالاکل قبل النظر فعلیه

الاعادة ودر موثق منقول است از سماعه که گفت که از آنحضرت سوال کردم از دو کسی
که ایستاده باشند و نظر بصبح کنند و یکی گوید که این صبح است و دیگری گوید که
من چیزی را نمی بینم حضرت فرمودند که آنکه بر وی ظاهر نشده است میتواند خوردن
و آشامیدن تا اینکه حق سبحانه و تعالی میفرماید که بخورید و بیاشامید تا یقین شود
شما را صبح پس تمام کنید روزه را تا شب سماعه گفت که دیگر سوال کردم از شخصی که
بعد از طلوع صبح خورده باشد یا آشامیده باشد در ماه رمضان بنا بر آنکه حضرت
فرمودند که اگر برخاسته است و ملاحظه کرده است و صبح را ندیده است و خورده
و بعد از آنکه مرتبه دیگر ملاحظه کرده است دیده است که صبح شده است در وقتی که چیزی
خورده است پس روزه را تمام کند و بر او چیزی نیست و اعاده نمیکند چون تفحص
کرده خورده است و اگر تفحص نکرده خورده و آشامیده است و بعد از آن دید که صبح
طالع بوده است که خورده است آن روز را تمام میکند و روزی دیگر را قضا میکند
زیرا که چون خورده است پیش از ملاحظه بوده است که قضا کند و منقول است در صحیح
از ابو ابراهیم بن مهزیار که خلیل بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه عرضه
نوشت که شخصی در ماه رمضان صدای یا مردم را شنید و بانگ موذن را
شنید و گمان کرد که بانگ پیش از صبح است و جماع کرده بیرون آمد و دید که صبح
شده است حضرت بخط مبارک خود نوشتند که آن روز را قضا میکند انشاء الله
ودر موثق کالصحیح از اسحق منقول است که عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه که در ماه رمضان چیزی میخوردم تا وقتیکه شک میکنم که صبح شده است
یا نه حضرت فرمودند که بخور تا شک نکنی یعنی جایز است خوردن تا وقتیکه
یقین شود طلوع صبح و شک و احتمال زایل شود یا آنکه آدمی تا نخورده است شیطان
وسوسه میکند که نخور ... خورد شک که از وسواس شیطان است مرتفع

می شود و روی صفوان عن العیص بن القسم قال سألت ابا عبد الله صلوات الله علیه
عن رجل خرج فی شهر رمضان واصحابه یتسحرون فی بیت فنظر الی الفجر فناداهم انه
قد طلع فکف بعض وظن بعض انه یسخر فاکل فقال یتم ویقضی و منقول است در صحیح
و حسن کالصحیح از عیص که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه
از شخصی که بیرون رود در ماه رمضان و یاران او در خانه سحور کنند پس نظر کند
بصبح و بر یاران ندا کند که صبح طالع شده است پس بعضی دست نگاه دارند و بعضی گمان
کنند که خوشطبعی میکند و بخورند حضرت فرمودند که تمام میکند این روز را و قضا
میکند چون تفحص نکرده است و اگر بعضی تفحص کرده باشد چون آن ندا را شنیده است یعنی
که تفحص دیگر بکند و چون نکرده است بالحیطه استصحاب بقای ایشان روز را تمام
میکند و قضا میکند و روی محمد بن ابی عمیر عن معویة بن عمار قال قلت لابی عبد الله صلوات
الله علیه آمر الجاریة لتنظر الی الفجر فتقول لم یطلع بعد فاکل ثم انظر فاجده قد کان
طلع حین نظرت قال اقضه اما انک لو کنت انت الذی نظرت لم یکن علیک
شیء و این حدیث بدو سند صحیح و حسن کالصحیح منقول است از معویه که گفت
عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که کنیزک را امر میکنم که نظر کند
بصبح و میگوید که طالع نشده است هنوز و چیزی میخورم و بعد از آن نظر میکنم میبینم
که صبح طالع بوده است در وقتی که کنیزک نگاه کرده بود حضرت فرمودند که آن روز را
قضا کن بدرستیکه اگر خود نظر کرده بودی بر تو چیزی نبود و در صحیح از حلبی منقول است
که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کردند از شخصی که سحور کند و بعد
از آنکه از خانه بیرون آید ظاهر شود که صبح شده بوده است و او چیزی خورده است
حضرت فرمودند که این روزه را میگیرد و قضا میکند و اگر سحور در غیر ماه
رمضان خورده باشد بعد از صبح آن روز را ... میگیرد یعنی فرمودند که چنین

بدیم نماز میکردند و من سحور میخوردم بدیدم تا فارغ شوند از نماز و فرمودند که [illegible]
بعد از صبح خورده باشید فرمودند که اتمام کنید روزه بکنم و در [illegible]
صحیح وارد است که اگر نیت قضا کرده باشد و در صبح چیزی خورده باشد آن روز
را میخورد و از قضا بیرون میکند چنانکه گذشت در احادیث معتبره که هرگاه صبح
کند جنب باشد از قضای رمضان حساب میکند و سحور را نخورد را باب

حد المرض الذی یفطر صاحبه این بابی است در بیان مرضی که صاحبش را افطار جایز
است بدانکه اگر علم است در هر مرضی و لکن مخصوص است با جماع شیعه و اکثر
عامه و روایات متکثره از طریقین روی ابن بکیر عن زراره قال سالت ابا عبد الله صلوة
الله علیه ما حد المرض الذی یفطر فیه الصائم و یدع الصلوة من قیام فقال بل الانسان
علی نفسه بصیرة و هو اعلم بما یطیقه و در موثق کالصحیح منقول است که زراره گفت
سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه که چیست حد بیماری که در آن
بیماری صایم روزه را میخورد و نماز را نشسته میکند بایست تو الانسان علی نفسه
به پهلو ها و پشت حضرت جواب بالا از این آیه اقتباس فرمودند که حق سبحانه و تعالی
میفرماید که روز قیامت خبر میکشد هر کس را با نچه از پیش فرستاده است و با نچه
از پس گذاشته است از اعمال خیر و شر بلکه احتیاج باخبار نیست آدمی خودش
بر خود گواه است یا خود باحوال خود مطلع است با حجت است هر چند که عذرها
آورد او و اما تو است بانچه طاقت دارد یا ندارد چه در روزه نا قدرت دارد
که سبب زیادتی مرض یا دیر زایل مرض شود میکوید الامی خورد و همچنین در
ایستادن و نشستن و خوابیدن حسب المقدور عمل میکند و موید این است حدیث
حسن کالصحیح ابن اذینه که گفت عریضه بخدمت حضرت امام جعفر صادق صلوة
الله علیه نوشتم که چیست حد آن مرضی که مریض بسبب آن افطار میکند روزه را

...می نماز را ایستاده نشسته را ترک میکند حضرت جواب ایشان نوشته بودند
و حال خود بینا است و فرمودند که ایشان بجهت را با و گذاشته اند و خود اعلم
است بحال خود اند که آن در صحیح از محمد بن مسلم منقول است که گفت عرض نمودم بحضرت
که چیست حد مریضی که در نقاهت باشد در روزه که فرمودند که اینقدر را
باو گذاشته اند و او اعلم است بحال خود در مرض در نقاهت بعد از مرض هر گاه قوت
بهم رساند روزه بگیرد و نقاهت انست که ترشح امراض است که و کم است و ضعیف است
در صحیح جمیل بن دراج عن الولید بن صبیح قال حممت بالمدینة یوما فی شهر رمضان
فبعث الی ابو عبد الله صلوة الله علیه بقصعة فیها خل و زیت و قال لی افطر و صل
و انت قاعد و منقول است در صحیح از ولید که گفت تب کردم در مدینه مشرفه روزی
در ماه رمضان پس حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه کاسه فرستادند که در آن
سرکه و روغن زیت بود فرموده بودند یا فرمودند بعد از ملاقات چنانکه ظاهر لفظ است
و در کافی لی است که افطار کن روزه را و نماز را نشسته بکن و ظاهر حدیث است که
در خوردن و ایشان ... ظاهر است که بسبب حمی یوم میتوان خورد و نشسته نماز
میتوان کرد و محتمل است که حضرت حال او را دانسته که قدرت بر هیچیک نداشته
خصوصا در هوای حاره مدینه مشرفه و روی بکر بن محمد الازدی عن ابی عبد الله صلوة
الله علیه قال سأله ابی و انا اسمع عن حد المرض الذی یترک الانسان فیه الصوم
قال اذا لم یستطع ان یتسحر و منقول است در صحیح از بکر ازدی و در کافی و
تهذیب و در صحیح از ابو بکر الحضرمی و مکنی است که خود در روایت کرده باشد که پدرم
سوال کرد و من میشنیدم از حد مرضی که در آن مرض ترک میکند آدمی روزه را
حضرت فرمودند که هر گاه نتواند سحور کردن و اکثر علما باین حدیث عمل نکرده اند چون
بحسب ظاهر مخالف است با احادیث سابقه و لا حقه بلکه اکثر ممکن است ...

سحور نتوانستند کرد چه جای بیماران و محتمل است که مراد این باشد که اگر کسی تواند که
شب افطار کند و غذا را در سحر بخورد و بروز روزه باشد نمی‌تواند روزه گرفتن
و کسی که چنین نتواند کرد نمیخورد و بر این شکسته واقع شد که در ماه رمضان بیماری
عظیم بهم رسید و چنین کردم که اول شب شربت دوا میخوردم و در سحر غذای بیمار
و روزه گرفتم و در این اثنا کوفت زایل شد والله تعالی اعلم و روی سلیمان بن عمر عن
ابی عبدالله صلوة الله علیه قال اشتکت ام سلمه رضی الله عنها عینها فی شهر رمضان
فامرها رسول الله صلی الله علیه وآله ان تفطر و قال عشاء اللیل بعینک ردی و در تری
و کلینی در صحیح از سلیمان روایت کرده اند و کتاب سلیمان معتمد است و فضلا ازو نقل
از او روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که در ماه رمضان
چشم ام سلمه زوجه مطهره حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله کوفت یافت شد
پس حضرت او را امر فرمودند که روزه را بخورد و فرمودند که چیزی خوردن شب از
جهت چشم ضرر دارد و ظاهر میشود که آن علت مرضی بوده است که حضرت چنین
فرموده اند و فی روایة حریز عن ابی عبدالله صلوة الله علیه
قال الصائم اذا خاف علی عینیه من الرمد افطر و باسانید صحیحه منقول است از
حریز که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که هرگاه صایم بسبب درد
چشمی که داشته باشد خوف داشته باشد که چشمانش ضایع شود یا کوفتش
بیشتر شود یا باطل شود افطار کند و محتمل است که مراد این باشد که هرگاه از حال خود
یابد که اگر روزه بگیرد درد چشم حادث شود افطار کند و در این مسئله خلاف
است که خوف کوفت سبب افطار هست یا نه و این حدیث دلالت ندارد بلکه هر دو
احتمال دارد و بآن احتمالات استدلال نمیتوان کرد و دلیلی دیگر بحسب ظاهر
نیست و قال صلوة الله علیه کلما اضر به الصوم فالافطار له واجب که از حضرت

طول

امام

امام جعفر صادق صلوة الله علیه منقول است که هر مرضی که بروزه بآن ضرر رساند افطار
واجب است چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است که مریض و مسافر بر ایشان واجب است
قضا پس چه جای احرام باشد و در موثق کالصحیح از سماعه منقول است که از آنحضرت صم
سوال کردم که چیست حد مرضی که افطار بآن میباید کرد همچنان که در سفر واجب است
بگفتند الهی حضرت فرمودند که حضرت باو گذاشته اند و او را امین کرده اند
است و خدای تعالی پس اگر در خود ضعفی یابد افطار کند و اگر قوت داشته باشد
بگیرد هر مرضی که باشد حد همین است که حدیث متن همین حدیث باشد که نقل معنی
کرده باشد و در موثق از عمار منقول است از آنحضرت صم در شخصی که درد سر عظیم
داشته باشد آیا جایز است که افطار کند حضرت فرمودند که هرگاه درد سر عظیم
داشته باشد و تب محرق داشته باشد و درد چشم عظیم داشته باشد حلال است
افطار و در قوی از آنحضرت صم منقول است در شخصی که روزه ماه رمضان را گرفته
باشد و بیمار باشد حضرت فرمودند که روزه را تمام میکند و اعاده نمیکند آنچه
کرده است مجزی است و این محمول است بر روزه که ضرر نداشته باشد یا جاهل مسئله
باشد و اظهر آنست که از روی تقیه وارد شده است و ظاهرش موافق مذهب
اکثر عامه که روزه مریض و مسافر را رخصت میدانند نه عزیمت بر خلاف آیه و
احادیث که خواهد آمد در سفر

باب ما جاء فیمن یضعف عن الصیام من
شیخ او شاب او حامل او مرضع روی العلاء عن محمد بن مسلم قال سمعت ابا جعفر
صلوة الله علیه یقول الشیخ الکبیر والذی به العطاش لا حرج علیهما ان یفطرا
فی شهر رمضان و یتصدق کل واحد منهما فی کل یوم بمد من طعام ولا قضاء
علیهما فان لم یقدرا فلا شیء علیهما ای باکی است در کسانی که ضعیف شده اند از
روزه داشتن از پیری و جوانی یا حامله یا شیر دهنده بتفصیلی که مذکور خواهد شد

روایتست باسانید صحیحه دوازده کانرا از علما که محمد گفت شنیدم از حضرت
امام محمد باقر صلوة الله علیه میفرمودند که پیری که بسیار پیر باشد و شخصی که
عطاش داشته باشد که هرچند آب خورد سیر نشود بر ایشان تنگ نگرفته اند و باکی نیست
که در ماه رمضان افطار کنند و بر هریک از ایشان تصدق کنند در هر روزی بمدی
از طعام و بر ایشان نیست که قضا کنند پس اگر قدرت بر طعام نداشته باشند
بر ایشان چیزی واجب نیست و بعضی چنین تفسیر کرده اند که اگر شیخ و شیخه و ذو
العطاش روزه نتوانند گرفت بمشقت افطار میکنند و تصدق میکنند و اگر قدرت
بر کفارت و روزه نداشته باشند مد بر ایشان واجب نیست اگرچه داشته باشند
و این حمل بعیدست از عبارت و اول اظهرست و در صحیح از حلبی منقولست که گفت
سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از مرد پیری که ضعیف باشد
و نتواند روزه ماه رمضان را گرفتن حضرت فرمودند که تصدق میکند بانچه
مجزیست از صوم و آن اطعام مسکینیست از جهت هر روز و بهمین مضمونست
حسن کالصحیح عبدالله بن سنان از آنحضرت ص و در صحیح از محمد بن مسلم
از آنحضرت ص منقولست بمثل حدیث حلبی لیکن تصدق بدو مدست بالکه
در نسخه خط شیخ بمدیست و حمل کرده اند دو مد را بر استحباب یا بر جایی که
مسکین چون بسیار اند که از دو مد کمتر سیر نمیشوند و در موثق عمار بن موسی عن
ابی عبدالله صلوة الله علیه فی الرجل یصیبه العطاش حتی یخاف علی نفسه قال
یشرب بقدر ما یمسک رمقه ولا یشرب حتی یروی و در موثق از عمار منقولست
از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه در شخصی که باو رسد تشنگی بمرتبه
که خوف هلاکت داشته باشد حضرت فرمودند که بمقدار آب مجزی دارد که بجود
و میخورد بمقدار که سیراب شود و در کالصحیح منقولست از مفضل که گفت عرض

کردم بحضرت ص که شیخها و مردان جوان هستند نزد ما که قدرت ندارند
بعضی بجهة گرفتن از تشنگی بسیاری که میکشند حضرت فرمودند که بمقدار بخورند
آبی که دفع تشنگی ایشان بشود و هلاک نشوند و ظاهر این دو حدیث که
اینها استسقا ندارند که مد باید داد و قضا باید کرد بلکه اینها ذو العطاش اند
مد نمیدهند و روزه را قضا میکنند و فی روایة ابن بکیر انه سئل الصادق صلوة
الله علیه عن قول الله عز وجل وعلی الذین یطیقونه فدیة طعام مسکین قال علی
الذین کانوا یطیقون الصوم اصابهم کبر او عطاش او شبه ذلک فعلیهم لکل
یوم مد و در موثق کالصحیح بروایت عبدالله از بعضی از اصحاب ما از حضرت
امام جعفر صادق صلوة الله علیه منقولست در تفسیر آیه کریمه که حق سبحانه و تعالی
فرموده است وعلی الذین یطیقونه فدیة طعام مسکین حضرت فرمودند که مراد الذین
کانوا یطیقونه است یعنی پیشتر طاقت داشتند و الحال ندارند یا این چنین بوده است
یا یطیقونه را یطیقونه یا یطیقونه خوانده باشند از باب تفعیل یا باب تفعل
یعنی بمشقت و محنت روزه میتوانند گرفت چنانکه یطیقونه را نیز باین معنی
تفسیر کرده اند مجاز انو و نیز این قرات و عفو اینها که از عبدالله بن عباس و غیره
منقولست و اگر این قرات و امثال اینها خوانده باشند مثل یطیقونه از باب
تفعیل یا تفعل و معنی کانوا فرموده باشند حاصل معنی را فرموده باشند که مراد
این باشد که جمعی که پیشتر میتوانستند و الحال نمیتوانستند روزه گرفتن یا
جمعی که الحال اگر روزه گیرند بمشقت عظیم روزه خواهند گرفت بسبب ضعف
پیری یا استسقا یا تشنگی که از مرض باشد یا از حرارت جوانی یا از حرارت
جوانی نیز چنانکه جمعی از جماعت را نیز داخل این آیه کرده اند که مسکینی را طعام دهند
بلکه در کافی عن ابن بکیر عن بعضی اصحابنا است و در اینجا بعضی را انداخته اند

و تغییر اسلوب داده است که گفته است و فی روایة ... چنانکه
کرده است و هر جا اشاره بان شود و ممکن است که ابن بکیر
هر دو شنیده باشد چنانکه بیان است و این نیز از دو از جمیل و حریز
که اولا از زراره و محمد بن مسلم و برید و ابو بصیر شنیده اند و چون جمیع
رسیده اند مشافهة نیز شنیده اند و اکثر بیشتر شنیده بودند در کتاب خود نوشته
بودند و روایت کرده اند و دیگران در کتب خود ثبت کرده بودند تغییر ان نمیتوانستند
داد اما اکثر غالبا اعتماد بر حدیث جماعت بیشتر از احادیث مشافهه ایشان
داشته اند و همچنان حدیث زراره را که ابن بکیر روایت کند مقدم میداشتند
بر حدیثی که ابن بکیر خود شنیده باشد ازان جهت آنکه زراره افضل و اصدق بود و
در کتاب او مثبت بود و در دیگران بود نمیتوانستند رسانید بخلاف حضرت که
احتمال سهو و کذب در ابن بکیر بیشتر بود و کسی که تتبع احوال ایشان کرده است
می داند که چنین است و علی بن ابراهیم این امر را معنی دیگر گفته است که کسانی که
بیمار شده باشند در ماه رمضان و افطار کرده باشند و تا ماه رمضان دیگر قضا
نکرده باشند اما اگر طاقت داشته باشند که قضا کنند بعد از ین ماه رمضان قضا
میکنند ماه رمضان سابق را و هر روزی را مدی از طعام میدهند چنانکه خواهد
آمد و منافات با این حدیث ندارد چون شبیه فالج هست در حدیث و شبیه
از حامل مقرب و مرضعه قلیلة اللبن است و این نیز شبیه است و روی العلا
عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر صلوات الله علیه قال سمعته یقول الحامل المقرب والمرضع
القلیلة اللبن لا حرج علیهما ان تفطرا فی شهر رمضان لانهما لا یطیقان الصوم
و علیهما ان تتصدق کل واحدة منهما فی کل یوم تفطر فیه بمد من طعام و علیهما
قضاء کل یوم افطرتا فیه تقضیانه بعد و بیاورده سند صحیح منقول است

از محمد

از محمد که گفت شنیدم که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه میفرمودند که زنی
حامله که وضع حملش نزدیک شده باشد چنانکه ماه نهم باشد و ماه هفتم و هشتم
ششم نیز محتمل است چون احتمال وضع حمل هست و حکمت هم در طفل است که در شکم
است و محتاج غذای بسیار است و اکثر اوقات زنان می یابند اضطراب طفل را
در شکم در وقتیکه اضطراب در این سه ماه بیشتر باید بخورد و بیشتر که شیر دهد و
شیرش کم باشد و بسبب صوم کمتر شود بر ایشان حرج و تنگی نیست و لیکن نیست که
در ماه رمضان افطار کنند زیرا که طاقت ندارند روزه را یعنی زنان یا اطفال چنانکه
در بعضی از نسخ بیاست و بر زنان واجب است که هر روزی بسبب هر روزی که افطار
نموده اند مدی از طعام بدهند که ربع صاع است و صاع ششصد و چهارده و ثلث مثقال
و ربع مثقال صیرفی است و بر ایشان واجب است که قضا کنند هر روزی را که افطار
نموده اند بعد از ماه رمضان قضا میکنند و در بعضی از نسخ ثم هست در کافی
و تهذیب نیست و ظاهر از قلم نساخ زیاد شده است و بر تقدیر یکه باشد
ثم رتبه است چنانکه عرب و عجم اطلاق میکنند که فلانی حنفی و چنین است یعنی حنفی
ابطالت نیز دارد یعنی قضا میکنند و بی حنفی قضا میکنند که بعد از ماه رمضان بفاصله
قضا میکنند که بعد از بکر و زعید و سبیل وجوب است و بعد از سه روز بعد از
عید و سبیل استحباب است چنانکه گذشت و حق این است که غلط است و اینجا
مراد نیست و لیکن قانون است که فضلا هر نامعقولی را بسازند بر احتمال بعیدی تا
نگویند که عیب تو اند ساخت و متعبیت ایشان گاهی این نامعقول را تمی شود
معتقد در خواهند داشت و کلینی همین حدیث را بسند دیگر ذکر کرده است و بنابر
حدیث ابن بکیر حامل مقرب و مرضعه هر دو اینجا داخلند چنانکه گذشت والله
تعالی یعلم و سال عبد الملک بن عتبة الهاشمی ابا الحسن صلوات الله علیه عن الشیخ الکبیر

والعجوز الكبيرة التي تضعف عن الصوم في شهر رمضان قال تتصدق عن كل يوم

بمد حنطة و در موثق سماعه و صحیح منقول است از عبد الله

حریح نوادر و یکی کتابی که منسوب است به نجاشی ذکر کرده است که [illegible]

حمیری است و او ثقه است و صدوق از آن کتاب روایت کرده

بی جهت حدیث او صحیح باشد علی الظاهر خصوصا که [illegible] روایت کند

که بید عند غنا از کتاب روایت میکند و تصریح بان نموده است [illegible]

که گفت سوال کردم از حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر صلوة الله [illegible]

ابی الحسن نیز دلیل است چنانکه حمیری ثقه است چنانکه نجاشی [illegible]

و حمیری از ادبی صادق و کاظم است صلوة الله علیهما از شیخ کبیره

عجوزه مرد پیر و زن پیر است و تفسیر ایشان بکبیر و کبیره از جهت آنست که

بسیار پیر باشند چون اهل لغت ذکر کرده اند که شیخ کسی است که معمر باشد و ابتداء

آن از پنجاه سالگی یا پنجاه و یک تا آخر عمر یا تا هشتاد سالگی و بعد از آن هرم و فانی

میگویند پس از هشتاد و یک البته نتوانند خورد و لیکن احوط آنست که اگر ضعف

بسیار از صوم بهم رسد بخورند و بواسطه هر روز که خورده اند مدی از طعام

بدهند و چون غالب حال ایشان این است که امید قوت نیست قضا نیست و در

معتبر محمد بن مسلم تصریح بعدم قضا شده است و بعضی از اصحاب گفته اند که

اگر ماه رمضان در تابستان واقع شود و تاب نداشته باشند و در زمستان

توانند گرفت قضا واجب است و لیکن خروج از نص است و در صحیح از محمد بن مسلم

منقول است از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه در تفسیر آیه کریمه که حق سبحانه

و تعالی فرموده است و علی الذین یطیقونه فدیة که جمعی که حالا کشند بسبب صوم یا مشقت

طاقت داشتند حضرت فرمودند که مراد الهی شیخ کبیر است و کسی که مرض

تشنگی

تشنگی داشته باشد و ظاهرا او سبیل مثال باشد و شیخ نیز داخل باشد و حامل

نزدیک بوضع حمل و ... نیز داخل باشند دیگر پرسیدم از قول حق سبحانه و تعالی در آیه

ظهار که کفاره اش بنوع آزاد کردن است و کسی که استطاعت نداشته باشد دو ماه

روزه پی در پی است و کسی که استطاعت نداشته باشد دو ماه روزه پی در پی را شصت

مسکین را طعام بدهد حضرت فرمودند که عدم استطاعت از دو ماه روزه پی در پی

بی جهت مرض است یا استسقا یا تشنگی بسیار و ظاهرا او سبیل مثال باشد چنانکه

در حدیث اول گذشت و ... و شبهه حالات و الله تعالی یعلم و منقول است در صحیح از فضال

آنکه او ... ثقه است گفت جمعی از ... نوشتند که از حضرت امام

جعفر صادق صلوة الله علیه مسئله پرسیدم حضرت فرمودند که کدام است عرض

نمودم که ... که اگر کسی روزه سه روز هر ماه را ترک کرده باشد حضرت

فرمودند که اگر بسبب بیماری ترک کرده باشد بعد قضا کند و اگر بسبب

پیری یا تشنگی باشد بدل هر روز مدی از طعام بدهد و ابن قعنی نیز از حضرت

منقول است که حکم واجب دارد در نظر شیخ و شیخ ذو العطاش در روایت

کرده است شیخ در قوی از ابو بصیر که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوة

الله علیه که شیخ کبیر از قدرت نداشته باشد که روزه بگیرد چه کند حضرت

فرمودند که بعضی از فرزندان بدل او روزه بگیرند گفتم اگر فرزند نداشته باشد

فرمودند که خویشان او بگیرند اگر خویش نداشته باشد از جهت هر روز مدی

تصدق کند و اگر نداشته باشد بر او چیزی نیست باب ثواب من فطر صائما

ابو الصباح الكناني عن ابي عبد الله صلوة الله علیه قال من فطر صائما فله اجر مثله ای

بلی است در بیان ثواب افطار فرمودن صائم و آن وقتی متحقق میشود که لعل مرتبه از

مال اینکس روزه بکشاید و این حاصل میشود به نیکی آب که اینکس او دهد و بیان افطار

کند و اطعام آنست که او را سیر کند یا بقدر سیر شدن که کافی است نان و ... بدهد
و این اعم است از آنکه افطار بچیزی بکند یا نکند یا نذر بی آنکه نذر نفطر ... باشد
می باید که مد از اول شام باو بدهد و در حضور او نخورد تا بعد عشا بیرون شود
و اگر نذر اطعام کرده باشد او را اطعام دهد و در حضور او بخورد یا طعام بپزد و اورد که چون
بر دارد چیزی زیاده یا اندک باشد یا باو دهد یکمد از گندم یا جو یا خرما در ماه رمضان است
یا مویز در ماه رمضان چه که خواهد اما بداد او وعده کرده باشد و بکسی افطار کند احوط
آنست که این بخورد که مکروه جانب آن شخص که باو وعده کرده است و اگر افطار کرده است
ادبرود وعذر خلف وعده می شود و خلاف است که خلف وعده مکروه است یا حرام
و ظاهر این احادیث بسیار حرمت است چنانکه حق سبحانه و تعالی میفرماید که ای مومنان
چرا میگوئید چیزی را که نمیکنید دشمنی بزرگست نزد خدا آنکه بگوئید چیزی را که
نخواهید که بکنید و بعموم شامل خلف وعده و امر که این است بچیزی که خود نمیکنند
از او و در حسن کالصحیح از هشام بن سالم منقول است که شنیدم که حضرت امام جعفر صادق
صلوة الله علیه میفرمودند که وعده مومن ببرادر مومن خود نذر است که عمل از بکند بی آنکه
کفاره نداشته باشد پس بسبب خلف وعده کند مومن اول با حق سبحانه و تعالی خلف
وعده کرده است و خود را در معرض غضب الهی درآورده است چنانکه حق سبحانه و
تعالی فرموده است که یا ایها الذین الخ و ترجمه اش گذشت اولا و در حسن کالصحیح منقول است
که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که هر که ایمان دارد بخدا و بروز قیامت
باید که بوعده خود وفا کند و کالمتواتر است از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله که
فرمودند که منافق را سه علامت است یکی آنکه چون تکلم کند دروغ گوید و چون
وعده کند خلف وعده کند و چون امانتی باو سپارند خیانت کند تا آنکه اگر نماز کند
در خاطر نبوده باشد که اینها و وفا کند دروغ گفته است و آیات و احادیث که ذکر

فاضل تر است تو چه قدر مردی است از ابو الصباح کنانی کالصحیح چون ظاهر
آنست که کتاب او بوده داشته است و محتمل است که از کلینی بوده داشته باشد و سند
کلینی با و حسن کالصحیح است از ابان ابی عمیر از سلمه از ابو الصباح که حضرت امام جعفر صادق
صلوة الله علیه فرمودند که هر که افطار فرماید صایمی را او را اجر و ثوابی مانند ثواب صایم
کرامت فرمایند و در کافی و تهذیب مثل این مروی است و این عبادت بهتر است و ظاهرا
نساخ بیش و کم کرده اند و کالصحیح از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقول است
که هر که صایمی را افطار فرماید او را عطا کنند مانند اجر صایم بی آنکه چیزی از اجر آن
صایم کم شود و همچنین اگر عطا کنند هر عمل خیری که از قوت آن عطام بجا آورد بی آنکه از و
چیزی کم شود و قال الصادق صلوة الله علیه دخل سدیر علی ابی صلوة الله علیه فی شهر
رمضان فقال له یا سدیر هل تدری ای لیال هذه فقال له نعم جعلت فداک ان
هذه لیالی شهر رمضان فما ذاک فقال له أتقدر علی ان تعتق فی کل لیلة من هذه
اللیالی عشر رقاب من ولد اسمعیل علیه السلام فقال له سدیر بابی انت و امی لا
یبلغ مالی ذلک فما زال ینقص حتی بلغ به رقبة واحدة فی کل ذلک یقول لا
اقدر علیه فقال له اما تقدر ان تفطر فی کل لیلة رجلا مسلما فقال له بلی و عشرة فقال
له ابی صلوة الله علیه فذاک الذی اردت یا سدیر ان افطارک اخاک المسلم تعدل
عتق رقبة من ولد اسمعیل علیه السلام و کالصحیح منقول است از مسعده که آنحضرت
فرمودند که سدیر صیرفی داخل شد بر پدرم در ماه رمضان پدرم فرمودند
گفت که ای سدیر آیا میدانی که چه شبهاست این شب گفت بلی فدای تو گردم
این شبهای ماه رمضان است چه مطلب است حضرت فرمودند که میتوانی هر شب
ازین شبها آزاد کنی ده برده را از فرزندان حضرت اسمعیل که بر بندگی گرفتار
شده باشند با از کشتن ایشان را خلاص کنی بعد از سدیر گفت پدر و مادرم فدای تو

بادمالی و دعا میکنند بانی حضرت فرمودند که نکنی و او گفت [illegible] بکنید
میفرمودند تا نیت صوم رسانیدند و در چوم مرتبه او میگفتند که [illegible]
حضرت فرمودند که قدرت نداری که هر شب سلطانی را افطار دهی نیت علی قدر
یکی و ده نزد دارم بنی بدهم فرمودند که مراد من این بود [illegible] بیستکه افطار
فرمودن برادر مسلمانت را برابر است با آنکه کسی صوم [illegible] اسمعیل علیه السلام
و منقولست کالصحیح که حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه با بو [illegible] ثمالی یا نوحنی
فرمودند که حدیث سدیر بطرق صحیحه منقولست از آنحضرت در ماه رمضان ورد
سایر ایام و احادیث دیگر که اطعام مومن برابر است با عتق رقبه در هر وقتی متواتر
است و زیاده بر این وارد شده است و بعضی از آن گذشت و روی موسی بن بکر عن ابی الحسن
صلوات الله علیه قال تفطیرک اخاک الصائم افضل من صیامک کما الصحیح منقولست
که حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمودند که افطار فرمودن برادر مومن صائم
افضل است از ثواب روزه است یعنی ثواب که در روزه گذشت و ظاهر آنست که افطار
فرمودن در روزه واجب افضل باشد از سنت خصوصا ماه رمضان که افطار
فرمودن آن افضل است از تطوع بروزه [illegible] که گذشت که ثواب
این برابر است با هزار هزار نفس که افطار فرمایند از [illegible] و استبعاد
ندارد که بعضی از مستحبات زیادتی داشته باشد بر بعضی از واجبات چنانکه
سابقا گذشت و عن علی بن الحسین صلوات الله علیهما اذا کان الیوم الذی یصوم
فیه امر بشاة فتذبح و تقطع اعضاؤه و یطبخ فاذا کان عند المساء اکب علی القدور
حتی یجد ریح المرق و هو صائم ثم یقول هاتوا القصاع اغرفوا لآل فلان ثم یؤتی
بخبز و تمر فیکون ذلک عشاءه و کالصحیح منقولست از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه هر روز که روزه میگشادند

میفرمودند

میفرمودند که گوسفندی بکشند و اعضای او را پاره پاره میکردند تا او را بپزند
پاره میکردند [illegible] از جهت هر خانه که فرستند یکباره و نزدیکی باشد گذشت که
هر خانه را پاره میفرستادند در مدینه مشرفه و منقولست که طعام را شوربا میفرستادند
یا از جهت جمعی [illegible] که استطاعت چنین نداشته باشند و چون قریب
بشام یا شام میشد حضرت سر مبارک را به دیگها می آوردند فی الجمله بو
از بوی آن مرقها حضرت در سد از جهت عبادت و صوم افطار نفرموده بودند
و ظاهر بعد از شام چنین میفرمودند و منقولست که بخانه هر که صوم نداشته باشد
و قبل از شام چنین کرده باشند بلکه ظاهر است بعد از آن میفرمودند که سایر
کاسه ها را پر کنند از جهت [illegible] خانه تا جمیع خانه های مردمان
میفرستادند و بعد از آن نان و خرمائی می آوردند حضرت بان تناول میکردند [illegible] عبادت میکردند
وقال النبی صلی الله علیه وآله من فطر فی هذا الشهر مومنا صائما کان له بذلک عند
الله عز و جل عتق رقبة ومغفرة لما مضی من ذنوبه فقیل یا رسول الله لیس
کلنا یقدر علی ان یفطر صائما فقال ان الله تبارک و تعالی کریم یعطی هذا الثواب
منکم من لا یقدر الا علی مذقة من لبن یفطر بها صائما او شربة من ماء عذب
او تمیرات لا یقدر علی اکثر من ذلک و گذشت حدیث کالصحیح از ابو الورد
در ضمن خطبه حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله که فرمودند که هر که در این ماه
افطار فرماید مومن صائم را حق سبحانه و تعالی او را عطا کند بسبب این ثواب
ثواب آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته او را چون عرض نمودند که یا رسول
الله صلی الله علیه وآله همه را قدرت نیست که صائمی را افطار فرمایند پس
حضرت فرمودند که حق سبحانه و تعالی کریم است و عطا میفرماید این ثواب را بشما
مومنان بکسی که قدرت نداشته باشد مگر بر دهن جرعه از شیر که بان

صایم را افطار فرماید با [illegible] ثواب خیری بدهد یا چیزی از خرما بدهد
که قدرت بر بیش [illegible] نداشته باشد و بر تقی همین حدیث را در صحیح [illegible]
روایت کرده [illegible] منقول است که [illegible] صادق صلوة الله
فرمودند که هر که [illegible] دهد برادر مومنش را از جهت رضای الهی حق سبحانه و تعالی
عطا کند او را ثواب اطعام صد هزار نفس که عبارت از آزاد کردن صد هزار بنده است و در حدیث
با همین مضمون منقول است در صحیح ابان بن تغلب از ابو المقدام و از رفاعی و غیرهم
از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه و حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه
ممکن است که ثواب بنده آزاد کردن جهت اطعام مستضعفین باشد و صد هزار از جهت
اطعام شیعیان اثنا عشری باشد چنانکه ظاهر حدیث ابو المقدام است که تخصیص
فرموده است حضرة باطعام شیعیان و ممکن است این ظاهر اخبار را حمل بر چیزی نمی
کنیم که صد هزار از جهت اخلاص باشد والله تعالی یعلم **باب** ثواب السحور قال
رسول الله صلی الله علیه وآله السحور برکة این بابی است در ثواب سحر چیزی خوردن
یا آشامیدن کسی که خواهد روزه بدارد باشد منقول است در روایت سکونی که آن
حضرت صلعم فرمودند که سحر چیزی خوردن یا آشامیدن سبب ازدیاد توفیق
و عمر و مال است و مناسب هم است که مصدر باشد یا اسم مصدر اما سحور بالفتح اکثر
بفتح میخوانند و بفتح انجیزیست که آن سحر میکنند مثل وضوء بفتح در اینجا
که آن وضو میسازند و در رحیم که آن می افروزند و قال صلی الله علیه وآله لا تدع
امتی السحور ولو علی حشفة تمر و در روایت سکونی منقول است که حضرت سید
الانبیاء صلی الله علیه وآله فرمودند که امت من ترک نکنند سحر خوردن را اگرچه
یک خرمای زنونی یا یک خرمای خشکی یا معیوب بوده باشد که آن ثواب سحور
حاصل می شود و سأل سماعة اباعبدالله صلوة الله علیه عن السحور لمن اراد الصوم

فقال

فقال اما في شهر رمضان فان الفضل في السحور ولو بشربة من ماء واما في التطوع
فمن [illegible] ان یتسحر فلیفعل ومن لم یفعل فلا باس و منقول است در موثق سماعه که
گفت سوال کردم از حضرت [illegible] جعفر صادق صلوة الله علیه از سحور [illegible] که خواهد که
روزه بوده باشد حضرت فرمودند که اما در ماه رمضان [illegible] پس فضیلت عظیم
در سحور است اگرچه شربتی از آب باشد و اما در روزهای مستحب هر که خواهد که سحور
کند بکند و هر که نکند باکی نیست و سأل ابو بصیر عن السحور لمن اراد الصوم اواجب هو
علیه فقال لا باس بان لا یتسحر ان شاء واما في شهر رمضان فانه افضل ان یتسحر احب
ان لا یترك في شهر رمضان و در حسن کالصحیح منقول است از ابو بصیر که گفت سوال
کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از سحور کسی را که اراده صوم داشته
باشد و در بعضی از نسخ في اداء الصوم است و از تصحیف نساخ است و در کافی
مثل اصل است آیا واجب است سحور بر او حضرت فرمودند که اگر سحور نکند باکی نیست
اگر نخواهد و اما در ماه رمضان افضل آنست که سحور کند و من دوست میدارم
یا ما اهلبیت دوست میداریم که ترک نکند سحور را در ماه مبارک رمضان
و قال النبی صلی الله علیه وآله تعاونوا باکل السحور علی صیام النهار و بالنوم عند القیلولة
علی قیام اللیل و کالصحیح منقول است از رفاعه که حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه
فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمودند که یکدیگر را مدد کنید
با یکدیگر از خواب بیدار کنید و ترغیب کنید یا خود را مدد کنید بخوردن سحر بر روزه
گرفتن و بخواب چاشت بر بیداری شب و روی عن امیر المومنین صلوة الله علیه
عن النبی صلی الله علیه وآله انه قال ان الله تبارك و تعالی و ملائکته یصلون علی
المستغفرین والمتسحرین بالاسحار فلیتسحر احدکم ولو بشربة من ماء
و منقول است از حضرت امیر المومنین صلوة الله علیه از حضرة سید المرسلین صلی

الله علیه وآله فرمودند که الله تبارک وتعالی و جمیع فرشتگان صلوة و رحمت
استغفار میفرمایند بر جمعی که در سحرها استغفار میکنند و در حدیث دیگر است که سحری
میکنند پس باید که از شما سحری کنند اگرچه شربتی از آب باشد و کالصحیح منقول است
از حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمودند
که سحری کنید اگرچه جرعهای از آب باشد بتحقیق که رحمتهای الهی نازل است بر جمعی که
در سحرها سحری میکنند و افضل السحور السویق والتمر و مطلق اکل الطعام و شرب الشراب
الی ان یستیقن طلوع الفجر و عبارت فقه رضوی است که مستحب است که سحری کنند در ماه
رمضان اگرچه شربتی از آب باشد و افضل سحورها آرد بو داده است و خرما و جایز است ترا
خوردن و آشامیدن تا یقین کنی که صبح طالع شده است و مروی است در موثق بلکه کالصحیح
از حفص که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که بهترین سحورها آرد بوداده
است و خرما و کالصحیح منقول است از جابر از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه وآله افطار و سحور میکردند بر دو چیز سیاه عرض کردم که
کدام از حضرت فرمودند که خرما و آب و در موثق بلکه در صحیح منقول است از حضرت امیر
المؤمنین صلوة الله علیه نحو منقول است وسأل رجل الصادق صلوة الله علیه فقال آکل
وانا اشک فی الفجر فقال کل حتی لا تشک و در موثق از اسحق منقول است که گفت
از آنحضرت سؤال کردم که سحری میخورم و شک دارم که صبح شده است یا نه حضرت
فرمودند که میتوانی خورد تا یقین بهم رسد که صبح شده است یا نخورد و در آن
مکن تا شک نکنی وقال الصادق صلوة الله علیه لو ان الناس تسحروا ثم لم یفطروا
الا علی الماء لقدروا علی ان یصوموا الدهر و از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه
منقول است که اگر مردمان سحور بخورند و شب افطار بآب بکنند نه بر چیزی دیگر
میتوانند بی مشقت که همیشه روزه بگیرند چون سحور رفع گرسنگی روز میکند

[illegible] فقط کی بالخاصیت چنین است و محتمل است که مراد این باشد که اول شب
چیزی اندکی بخورند پس طعام را در سحر بخورند و این معنی مجرب است و مدتی همیشه
روزه بودم و تعب نمیکشیدم والله تعالی یعلم باب الرجل یتطوع بالصیام و علیه
شیء من الفرض وردت الاخبار والآثار عن الائمة صلوة الله علیهم انه لا یجوز ان
یتطوع الرجل بالصیام و علیه شیء من الفرض و فی روی بذلک الحلبی و ابو الصباح الکنانی
عن ابی عبد الله صلوة الله علیه این بابی است در بیان آنکه آیا روزه سنتی میتواند گرفت
کسی که مشغول الذمه بروزه واجب باشد اخبار و احادیث وارد شده است از ائمه معصومین
صلوة الله علیهم که جایز نیست روزه سنت هرگاه روزه واجب بر ذمه اش باشد
و این حکم کسانی که این اخبار را روایت کرده اند حلبی و کنانی که از حضرت امام جعفر صادق
صلوة الله علیه روایت کرده اند کلینی در حسن کالصحیح روایت کرده است از حلبی و
طرق صدوق بحلبی صحیح است که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه
از شخصی که چند روز از قضای ماه رمضان بر او باشد آیا روزه سنتی میتواند گرفت
حضرت فرمودند که تا قضا کند هرچه بر او باشد از ماه رمضان و بهمین مضمون
روایت کرده است در قوی آن ابو الصباح کنانی و غیر از این دو حدیثی دیگر کلینی و شیخ
روایت نکرده اند و اطلاق اخبار و آثار کردن باین حدیث چنین غریب است اگرچه ظاهرا
در خاطر اوش بوده است مجملا اما بحسب اصطلاح خبر آنست که صحابی آنرا بحضرت
رسانیده باشد و آثار آنست که صحابی خود گفته باشد یا تابعی و نزد ما هر دو یک
معنی است اما گفتن که جایز نیست از مجرد نهی بعنوان خبر گفتن غریب است و احادیث
متواتره وارد شده است بر اینکه قضا موسع است و بعضی از اینها خواهد آمد پس هرگاه
جایز است و خوردن چون جایز نباشد روزه سنت گرفتن اگرچه این دلیل نیست
بلکه نکته ایست بعد از وقوع و چون حدیث در حدیث نهی وارد شده است

ومعارض صریح ندارد والتورع عن محل الشبهة اولی ولکن جزم بحرمت مشکل است چون
نهی در احادیث در کراهت بسیار وارد شده است بمرتبه‌ای که گویا حقیقت شرعیه
است و مانند حقیقت است بحیثیتی که اگر نهی [illegible] حرمت و کراهت
حتی بر قائلین بآنکه نهی از جهت حرمت است چه جای آنکه در اصل دلیل
کند بر آن [illegible] جهت حرمت است مانند امر که از برای وجوب است و چون محتمل
الامرین است احتیاط در عدم جزم است باحد الطرفین در فتوی و در عمل احوط
در امر آن است که بجا آورد بقصد مطلوبیت و در نهی ترک نماید بقصد آنکه
یقینا ترک مطلوب است اگر چه حرمت یا کراهت ظاهر نیست مگر از خارج دلیلی
که دلالت کند بر یکی از طرفین باب الصلوة فی شهر رمضان سال زرارة ومحمد بن مسلم
والفضیل اباجعفر الباقر واباعبد الله الصادق صلوة الله علیهما عن الصلوة فی شهر
رمضان نافلة باللیل جماعة فقالا ان النبی صلی الله علیه وآله کان اذا صلی العشاء
الآخرة انصرف الی منزله ثم یخرج من آخر اللیل الی المسجد فیقوم فیصلی فخرج فی
اول لیلة من شهر رمضان لیصلی کما کان یصلی فاصطف الناس خلفه فهرب منهم
الی بیته وترکهم ففعلوا ذلک ثلث لیال فقام صلی الله علیه وآله فی الیوم الثالث
علی منبره فحمد الله واثنی علیه ثم قال ایها الناس ان الصلوة باللیل فی شهر رمضان
من النافلة فی جماعة بدعة وصلوة الضحی بدعة الا فلا تجتمعوا لیلا فی شهر
رمضان لصلوة اللیل ولا تصلوا صلوة الضحی فان ذلک معصیة الا فان کل بدعة
ضلالة وکل ضلالة سبیلها الی النار ثم نزل صلی الله علیه وآله وهو یقول قلیل
فی سنة خیر من کثیر فی بدعة وباسانید صحیحه وکالصحیح از فضلای اصحاب حضرت
امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوة الله علیهما منقول است که از حضرت معصوم
سوال کردند از نماز نافله شب ماه مبارک رمضان که آیا بجماعت میتوان کردن ایشان

نهی فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله عادت شان این بود که چون
[illegible] میکردند بخانه مشرف میشدند و در آخر شب بمسجد می‌آمدند و نماز شب را
میکردند پس شب اول [illegible] بمسجد آمدند که نماز کنند چنانکه همیشه میکردند مردم
[illegible] حضرت صف بستند که اقتدا کنند حضرت از ایشان گریختند و بمنزل
تشریف بردند و ایشان را در مسجد گذاشتند پس سه شب [illegible] آنحضرت
روز سیم بر منبر [illegible] شدند و حمد و ثنای الهی بجا آوردند و بعد از آن فرمودند که ای
مردمان بدرستیکه نماز شب ماه رمضان را بجماعت بجا آوردن بدعت است و نماز چاشت
بدعت است زنهار که در شب اجتماع مکنید در ماه رمضان از جهت نماز شب و نماز
چاشت را مکنید بدرستیکه اینها مخالف فرموده الهی است بدرستیکه هر بدعتی ضلالت
است و هر ضلالتی راه آن بسوی جهنم است پس حضرت از منبر بزیر آمدند و میفرمودند
که اندکی موافق سنت بهتر از بسیاری است که بدعت باشد و این حدیث دلالت میکند
بر آنکه [illegible] نافله شب رمضان را بجماعت واقع ساختن بدعت است و این
از اخبار [illegible] است که خبر دادند که چنین بدعتی خواهد شد و در صحیح بخاری
و احیاء غزالی و سایر کتب عامه مسطور است مضمون همین حدیث و در صحیح
بخاری نقل کرده است از عبد الرحمن که گفت رفتم با عمر بن الخطاب در ماه رمضان
بمسجد رفتیم و مردمان متفرق نماز میکردند بعضی منفرد و بعضی با بعضی پس عمر گفت
که چنین بخاطرم میرسد که اگر جمع را مجتمع سازم عقب یک کس بهتر باشد پس مقرر
ساخت که در عقب ابی بن کعب کرده بودند عمر گفت که نعم البدعة و در احیا
[illegible] البدعة است یعنی چه نیکو بدعتی است این بدعت حال ایشان [illegible] نماز
میکردند عمر گفت که اگر در آخر شب واقع سازید بهتر است و از عایشه روایت
کرده است حدیثی متن را بخطبه را نقل کرده است که در رد و زجر مردم فرمودند

نماز کنند پس دیگر بار عمر
بمسجد رفتیم و همه اقتدا
در عقب ابی بن کعب

ودیگر کسی بجماعت نکرده در زمان آنحضرت و در زمان ابو بکر و پاره [illegible]

اما ثانی این بدعت را بهم رسانید و او را ابو هریره نیز روایت [illegible]

از عایشه روایت کرده است و روی ابن مسکان عن الحلبی عن [illegible]

علیه عن الصلوة فی شهر رمضان فقال ثلث عشرة رکعة منها الوتر و رکعتا [illegible] قبل

الفجر کذلک کان رسول الله صلی الله علیه وآله یصلی وانا کذلک [illegible] لم

یترک رسول الله صلی الله علیه وآله و با سند صحیح منقولست از حلبی که گفت سوال

کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از نماز در ماه رمضان [illegible] فرمودند

که سیزده رکعت است هشت نماز شب و سه رکعت وتر و دو

پیش از صبح و در بعضی از نسخ بعد الفجر یعنی بعد از صبح [illegible] حضرت

سید المرسلین صلی الله علیه وآله همین نماز میکردند و من نیز چنین میکنم اگر حرفی بود

حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله نوافل میکردند یعنی نافله رمضان را حضرت

نمیکردند چون احادیث متواتره وارد شده است بر استحباب آن محمل میکنیم که آن سنت

نیست که آنحضرت و ان مراد مستتر فرموده باشند نافله تطوعی بود که گاهی میکردند

و روی عبد الله بن المغیره عن عبد الله بن سنان عن ابی عبد الله صلوة الله علیه

قال سألته عن الصلوة فی شهر رمضان فقال ثلث عشرة رکعة منها الوتر و رکعتان

قبل صلوة الفجر ولو کان فضلا کان رسول الله صلی الله علیه وآله اعمل به و احق

و با سند صحیح و حسن کالصحیح منقولست از عبد الله بن سنان و در بعضی از

نسخ عبد الله بن مسکان است و هر دو ثقه و عظیم الشان اند که گفت سوال

کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از نماز در ماه رمضان حضرت

فرمودند که سیزده رکعت است از آنجمله سه رکعت وتر است و دو رکعت نافله

صبح است پیش از صبح و اگر فضیلتی می بود یعنی فضیلتی بسیار در نافله رمضان

[illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله عمل بآن بیشتر میکردند و آنحضرت سزاوارتر

[illegible] کالصحیح از محمد بن مسلم منقولست که گفت از حضرت

[illegible] شنیدم که میفرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله

چون [illegible] آنگاه خود میفرمودند و صبح نمازی میکردند تا نصف شب

نه در ماه رمضان و نه در غیر آن و احادیث صحیح عامه نیز وارد شده است که حضرت

سید المرسلین صلی الله علیه وآله و حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه در روز نماز میکردند

تا زوال [illegible] میکردند و در شب نیز همین نماز میکردند تا نصف شب و لیکن

[illegible] سنت میکردند و منافات ندارد که تطوع میکرده باشند و نافله

[illegible] سنت [illegible] الزیاده فی التطوع فی شهر رمضان

[illegible] واقفیان قال سألته عن شهر رمضان کم یصلی فیه فقال کما یصلی

فی غیره الا ان لشهر رمضان علی سائر الشهور من الفضل ما ینبغی للعبد ان یزید فی

تطوعه فان احب و قوی علی ذلک ان یزید فی اول الشهر الی عشرین لیلة کل لیلة

عشرین رکعة سوی ما کان یصلی قبل ذلک یصلی من هذه العشرین اثنتی عشرة رکعة

بین المغرب والعتمة و ثمان رکعات بعد العتمة ثم یصلی صلوة اللیل التی کان یصلیها

قبل ذلک ثمان والوتر ثلث یصلی رکعتین و یسلم فیهما ثم یقوم فیصلی واحدة یقنت

فیها فهذا الوتر ثم یصلی رکعتی الفجر حتی ینشق الفجر فهذه ثلث عشرة رکعة فاذا

بقی من شهر رمضان عشرة لیال فلیصل ثلثین رکعة فی کل لیلة سوی هذه الثلث

عشرة رکعة یصلی منها بین المغرب والعشاء اثنتین و عشرین رکعة و ثمان

رکعات بعد العتمة ثم یصلی صلوة اللیل ثلث عشرة رکعة کما وصفت لک و فی لیلة

احدی و عشرین و ثلث و عشرین یصلی فی کل واحدة منهما اذا قوی علی ذلک

مائة رکعة سوی هذه الثلث عشرة رکعة ولیسهر فیهما حتی یصبح فان ذلک

یستحب ان یکون فی صلوة ودعا وتضرع فامر وجی ان یکون لیلة القدر فی احدیها

قال مصنف هذا الکتاب رضی الله عنه انما اوردت هذا الخبر فی هذا الباب مع عدولی

عنه وترکی لاستعماله لیعلم الناظر فی کتابی کیف یروی ومن رواه ولیعلم من اعتقادی

فیه انی لا اری باسا باستعماله واز جمله کسانی که روایت کرده اند زیادتی در مستحبات

نوافل ماه رمضان بر نوافل سایر ماهها ودر ذکر دو واقفی اند یعنی جمعی دیگر را نیز

کرده اند وایشان هم ثقات اند ومحمد ابن مسعود وترجمه است روایت صحیح کرده اند

ایشان روایت کرده اند و سماعه بن مهران کرده وگفته است که سوال کردم از وی که چه افضل

است که مروی عنه حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از نماز ماه رمضان حضرت

که چند رکعت نماز میکند در ماه حضرت فرمودند که همچنانکه در غیر این ماه نماز

میکند یعنی پنجاه ویک رکعت است ولیکن ماه رمضان را بر باقی ماهها فضیلتی هست

که بنده را سزاوار است که زیاده کند در مستحبات پس اگر خواهد زیادتی را که نحو

بر زیادتی داشته باشد خوب است که زیاده کند از شب اول تا بیست و بیست

رکعت علاوه بر باقی ماهها بجا می آورد که پنجاه ویک رکعت واجب و سنت باشد

ازین بیست رکعت دوازده رکعت را میان شام وخفتن میگذارد وهشت رکعت

را بعد از خفتن پس نماز شب را بجا می آورد که پیش ازین میکرد که هشت رکعت

باشد وسه رکعت وتر بدو سلام یا در دو رکعت میکند و سلام میدهد و بر

برمیخیزد ویک رکعت وتر را میکند و در وتر قنوت طولانی میخواند واین سه رکعت

وتر است ودو رکعت نافله صبح میکند و وقت آن باقی است تا صبح طالع شود پس این

سیزده رکعت است که همه را اول شب میگویند پس چون دهه آخر رسد در هر شب

سی رکعت میکند بعنوان سیزده رکعت نماز شب و بیست و دو رکعت نوافل میان

نماز شام وخفتن میکند وهشت رکعت را بعد از خفتن بجا می آورد بعد از ان

سیزده رکعت نماز شب را میکند چنانکه وصف کردیم از جهت تو در شب بیست

ویکم و بیست وسیم در هر شب اگر قوت داشته باشد صد رکعت میکند بجهت این

سیزده رکعت و تا صبح بیدار است بدرستیکه مستحب است که در نماز و دعا و تضرع

باشد و اگر ممکن است که شب قدر در یکی از این دو شب باشد چنین گوید صدوق

مصنف این کتاب که من این حدیث را در این باب ذکر کرده ام با آنکه خود عمل بان نکردم

بان تا آنکه هر که نظر کند در کتاب من بداند که چگونه روایت کرده و بداند که این حدیث

را روایت کرده است و اعتقاد مرا نیز بداند که من باکی نمی بینم که کسی باین حدیث

عمل کند چون حدیث سماعه اگر چه واقفی است و صدوق و ثقه است با این عمل میکنند و

سعی نیز هست چون در زمان حضرت امام جعفر صادق صلوة

الله علیه بوده است لهذا احدیثی بخاطر ندارم که از حضرت موسی بن جعفر

صلوة الله علیهما روایت کرده باشد چه جای آنکه مانوس باشد تا زمان وفات

انحضرت یا آنکه قائم بسی وسه سال است یا سی و دو سال و علی ای حال اگر که

تعارض واقع شود میان احادیث مثل حلبی و ابن سنان و محمد بن مسلم که در یک طرف

باشند و سماعه در طرف دیگر از طرف رجحان میباید داد باعتبار ایمان

او ثقیت و اکثریت و صحت با آنکه اگر چنین باشد حال آنکه اعتراف صدوق

نیز چنین نیست و اگر گویند بو نقدیر کثرت راویان طرف سماعه حدیثی که بی علت

باشد نیست چون باشد و اگر در هر حدیثی از این احادیث بسیار سعی

هست اما اگر جمع توان کرد بغیر طرح نمی باید کرد لهذا صدوق قایل است بتخییر

و میگوید که مخیر است اگر خواهد باین احادیث نیز عمل میتواند کرد چون در

حدیث ابو هریره وارد است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه واله فرمودند

که نماز چیزیست که حق سبحانه و تعالی از جهت بندگان خود مقرر فرموده است

هر که خواهد کم کند و هر که خواهد بسیار کند و چون عامه این کار را جایز
قرار داده اند و بدعتهای ایشان متواتر و مستفیض است بنابراین ائمه هدی صلوات الله علیهم
اهتمام بسیار در این عزیز فرمودند که ما احادیث مجهوله ... تشیع ایشان
حق است و انحطاط سنی جایز است که حضرات اهتمام بان داشته باشند بلکه
چنین نیست و از جمله نظر عامه است و احادیثی که عامه در صحاح خود نقل کرده اند
مثل احادیث صحاح ما نیست و غیر صحاح ایشان مثل غیر صحاح ما نیست بلکه
در غالب اوقات چنین است مگر جائی که مطلبی باشد در وضع آن که از اوقات
فضلای عامه در رجال و صحابه نهایت دقت میکنند و از هر کس نقل میکنند و اگر
از کسی دروغی ظاهر شود دیگر از او نقل نمیکنند و او را مشهور میسازند بانکه
کذاب و وضاع حدیث است مثل وهب بن وهب که از جهت مهدی حدیث
وضع کرد و کسی در ریش را نقل کرد و صدوق نیز نقل کرده است درین کتاب از ائمه هدی
صلوات الله علیهم و لکن مراد آن چنین است و وهب از جهت خاطر منصور در کبوتر
بازی نقل کرد و همچنین حفص بن غیاث چون حدیث ... از جهت رشید علیه اللعنه
و العذاب الشدید نقل کرد و رشید گفت تا هزار مثقال طلا یا ده هزار درهم که
تمسخر و بازی بود باو دادند و چون بیرون رفت رشید گفت شهادت
میدهم که لحیه او لحیه دروغگو و کذاب است شهادت میدهم که لحیه او لحیه کذاب است
و نگفت این دروغ را مگر از جهت من و هر دو را در کتب رجال خود ذکر کرده اند
که وضاع حدیث اند چنانکه علمای رجال ما نیز ذکر کرده اند اگرچه حکم بانکه وضاع اند
نیز مشکل است چنانکه در خصوص این دو افترا ایشان وضع نکرده بودند بلکه غلط
حمل کرده اند بلکه وضع نکردن نیز معلوم نیست و محتمل است که بحسب واقع حدیثی که
صدوق نیز ذکر کرده است موضوع باشد لهذا حق سبحانه و تعالی فرموده است که اگر

فاسقی ... از جهت شما بیاورد شما تفحص و تبیین و تثبت و تجسس کنید
و تا ظاهر نشود حقیقت آن بان عمل مکنید و نیز فرموده که هر چه فاسق نقل کند مگوئید
... مشهور است میان عامه و خاصه که حدیث شخصی را
که علم بحال ... میکنند و حکم بکذب آن میکنند بلکه اکثر عالمیان چنین
اند که اگر حدیثی را بشنوند که موافق عقول ضعیفه ایشان نیست حکم بکذب
آن میکنند و میگویند که چنین نباید باشد بلکه حق سبحانه و تعالی مذمت ایشان
فرموده است ... بما لم یحیطوا بعلمه و لما یاتهم تاویله یعنی بلکه این کفار
تکذیب میکنند هر چه را که علم ایشان بان احاطه نکرده است و هنوز بایشان نرسیده
تاویل آن از ائمه هدی صلوات الله علیهم و جمعی در طرف تفریط مرتبه اند که هر
حدیثی که بایشان رسد حکم بصحت آن میکنند و بان عمل میکنند و حال آنکه حق
سبحانه و تعالی مذمت ایشان [نیز] فرموده است که الم یوخذ علیهم میثاق الکتاب
الا یقولوا علی الله الا الحق یعنی آیا عهد و پیمان از ایشان نگرفتند در کتاب
الهی که نگویند بر خدا مگر آنچه حق باشد و علم بان داشته باشند لهذا احادیث
صحیح وارد شده است که حق سبحانه و تعالی را بر بندگان دو حق است یکی آنکه آنچه را
ندانند نگویند دوم آنچه را نفهمند رد نکنند بلکه رد کنند بائمه هدی
صلوات الله علیهم و حضرات ایشان میگویند بان عمل کنند اگرچه خلاف شی را از ایشان
شنیده باشند که البته در استعمال ایشان کرده اند بسبب تقیه که مبادا بایشان
ضرر رسد چنانکه بسیار واقع شده است که ایشان حکمی برخلاف واقع فرموده اند
و عاقبت ظاهر شده است که اگر برخلاف آن عمل میکردند البته هلاک میشدند
چنانکه گذشت حکایت علی بن یقطین و داود بن زربی و غیر ایشان بلکه
ابحر در موثقه سماعه است که نصف رکعت میشود و در فقه رضوی نیز نصف است

و مضمون نیز قریب باین است و احادیث دیگر نیز چنین وارد شده
شب نوزدهم است و باسانید معتبره کالصحیح هم
در شب نوزدهم و باسانید کالصحیح منقول است که صد
میکنند و هشتاد رکعت را در جمعها میکنند باین ... و بیست رکعت
رکعت میکنند چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه بجای آورد
در هر رکعتی بعد از حمد پنجاه مرتبه قل هو الله احد میخواند و دو رکعت نماز حضرت
فاطمه صلوة الله علیها میکند در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره انا انزلناه
میخواند و در رکعت دوم صد مرتبه قل هو الله احد میخواند و چهار رکعت نماز
حضرت جعفر طیار را میکند بنحوی که گذشت و در شب جمعه آخر ... رکعت نماز
حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه را بجای آورد و مشهور آنست که در روز جمعه
آخر بجای آورد و در روایت مفضل که این تفصیل از آنجا مذکور است شب جمعه آخر است
و در شب شنبه آخر بیست رکعت نماز حضرت فاطمه زهرا صلوة الله علیها بجای آورد
پس حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه بمفضل فرمودند که بشنو و حفظ کن و تعلیم کن
دعا از حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه صلوة الله علیهما را معتمدترین اصحاب
خود یاد ده که این دو نماز بهترین نمازهاست بعد از فرایض پس هر کس این هزار رکعت نماز
را در ماه رمضان یا غیر آن بجا آورد چون فارغ شود گناهی بر او نمانده باشد او را
پس حضرت فرمودند که ای مفضل نوافل ماه رمضان را در هر رکعتی ده مرتبه توحید
میخوانی یا هفت یا پنج یا سه یا یک مرتبه بحسب فضیلت و در شب نیمه ماه رمضان
صد رکعت نماز است هر رکعتی یک حمد و ده قل هو الله احد و فضیلت بسیار
در آن وارد شده است و کالصحیح از جمیل بن صالح منقول است که حضرت امام
جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که اگر توانی در هر شبی از ماه رمضان

دو هزار

دو هزار رکعت نماز بکن بدرستیکه حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه در هر
شبانه روزی هزار رکعت نماز میکردند و در صحیح از بقباق و عبید بن زراره
منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله نمازهای سنت را زیاده میفرمودند در ماه رمضان و چون نماز
خفتن بجای آوردند بعد از آن مشغول نماز می‌شدند و مردمان در عقب آن
حضرت می ایستادند که اقتدا کنند حضرت ایشان را بحال خود میگذاشتند
و [illegible] میفرمودند و چون مردمان متفرق می‌شدند بیرون می‌آمدند و مشغول نماز می‌شدند
باز مردمان جمع می‌شدند تا آنکه از رفتن میفرمودند و مکرر این واقع می‌شد و روایات
معتبره باین مضمون بسیار است و در روایات معتبره متکثره وارد شده است که آن
حضرت فرمودند که این زیادتیها از جهت فضیلت ماه رمضان میکنیم و این نماز
نافله است و در جماعت نیست هر که خواهد بجا آورد و هر چه میتواند
از قرآن بخواند و اگر تواند ختم قرآن در این نوافل بجا آورد بسیار خوب است و اگر
در هر سه شب ختم کند در نمازها بهتر است و ائمه هدی صلوة الله علیهم هر شب
ختم قرآن کرده اند و خواص اصحاب خود را رخصت میداده اند در ختم در هر شب
و متوسطان را در سه شب میفرموده اند و ضعفا را فرموده اند در هر چه اخف باشد
و در حدیث معتبر وارد شده است که بهار قرآن ماه رمضان است و مروی است در
صحیح از علی بن ابی المغیره که عرض نمودم بحضرت امام رضا صلوة الله علیه که پدرم
از جدت سؤال کرد از ختم قرآن در هر شب از ماه رمضان جدت فرمودند که هر چه
توانی بخوان و پدرم در ماه رمضان چهل ختم میکرد و من نیز بعد از پدرم چهل و زیاده
و کم میکنم بحسب اختلاف احوال و چون روز فطر می‌شود یک ختم را هدیه میکنم
از جهت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و یکی را از جهت حضرت امیر المؤمنین صلوة

الله علیه دیگری را از جهت خواندن [illegible]
صلوة الله علیهم را عرض نمودم [illegible]
و تا حال چنین کرده ام چه ثواب دارم حضرت فرمودند که [illegible]
[illegible] محشور شوی با ایشان گفتم الله اکبر چنین خواهم بود [illegible]
فرمودند گفتم و ایشان فرمودند بلی و در موثق از علی منقول است که [illegible]
امام جعفر صادق صلوة الله علیه عرض نمود فرمودند که در هر ماه رمضان در هر شش
روز یک ختم با یاری کنند و در ماه رمضان در هر سه شب [illegible] و میفرمودند
که ماه رمضان مثل ماههای دیگر نیست حق در رمضان بسیار است و تا توانی نماز بسیار
بکن که قرآن در نماز خوانده شود را که در نماز ایستاده بخواند هر حرفی را صد حسنه
میدهند و در نماز نشسته پنجاه و در غیر نماز ده و در روایتی دیگر
و صد سیئه محو میکنند و صد درجه بلند میکنند همان ترتیب
نداشته باشد از قرآن میتوان خواند در با نظر و احوط آن است که [illegible]
بخواند کالصحیح از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه منقول است که حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله فرمودند که هر که در شبی ده آیه بخواند او را از غافلان ننویسند
و هر که پنجاه آیه بخواند او را از ذاکران بنویسند و هر که صد آیه بخواند او را از قانتان
بنویسند و هر که دویست آیه بخواند او را از خاشعان بنویسند و هر که سیصد
آیه بخواند او را از فائزان و رستگاران بنویسند و هر که پانصد آیه بخواند او را از
جمله مجتهدان بنویسند و هر که هزار آیه بخواند از جهت آن بنویسند قنطاری
از نیکوئی کرده باشد یا در راه خدا داده باشد که هر قنطاری پانزده
مثقال طلاست و هر مثقالی بیست و چهار قیراط است قیراط اصغرش مانند
کوه احد باشد و اکبرش ما بین آسمان تا زمین باشد و گذشت و در موثق

کالصحیح

[illegible] نوشته می شود و احادیث
[illegible] باب
[illegible] این بابی است در بیان احادیثی که وارد شده
[illegible] رمضان و در سفرهای غیر مکروه روی علی بن جعفر
قال سألت ابا عبد الله صلوة الله علیه عن الخروج اذا دخل شهر رمضان فقال
لا الا فیما اخبرت به خروج الی مکة او غزو فی سبیل الله او مال تخاف هلاکه او اخ
تخاف هلاکه و انه لیس اخا من الاب و الام مروی است در موثق از علی بن ابی حمزه
[illegible] و در بعضی از نسخ در جای ابو حمزه است [illegible]
[illegible] روایت ابو حمزه از ابی بصیر که گفت سوال کردم از حضرت امام
[illegible] علیه از بیرون رفتن شهر که داخل شود ماه رمضان حضرت
[illegible] تا آن حضرت مانند رفتن مکه معظمه یا جهاد در راه حق سبحانه
و تعالی [illegible] مالی که خوف تلف آن داشته باشی یا برادری که خوف هلاک او
[illegible] کرده در تهذیب [illegible] چنین است که از کتاب حسین بن سعید روایت
کرده است [illegible] یعنی برادری که خواهی وداع او کنی [illegible]
[illegible] و مقصودم از برادر مادری [illegible] برادر مومن
است که از جمله حقوق او این است که [illegible] اگر خوف هلاک او باشد
خواهی که او را خلاص دهی [illegible] طالبی او را گرفته باشد و توانی که او را از دست ظالم
خلاص کنی در نسخه کافی بحسب معنی بهتر است و لیکن نسخه تهذیب در بعضی
چنین [illegible] و همچنین در حدیث دیگر که وارد شده است از اعظم [illegible] که فرمود [illegible]
ماه رمضان داخل شود حق سبحانه و تعالی واجب گردانید [illegible] که فرموده است که من شهد
الخ یعنی هر که حاضر باشد از شما در حضر باشد واجب است که ماه را روزه بگیرد

بیان سفر

دهر که بیمار باشد عرضش روزه هایی دیگر بگیرد بر [illegible]
و ماه رمضان داخل شود که میرود روزه مگر از جهت [illegible]
داشته باشد یا برادری که جوی هلاکت او داشته [illegible]
رود از جهت تلف کردن مال برادرش پس هر گاه شب بیست و سیم [illegible]
خواهد برود و بروی الحلبی عن ابی عبد الله صلوات الله علیه قال [illegible]
شهر رمضان وهو مقیم لا یرید براحا ثم بدا له بعد ما یدخل [illegible]
ان یسافر فسکت فسألته غیر مرة فقال یقیم افضل الا ان یکون له حاجة لا بد له من
الخروج فیها او یتخوف علی ماله و باید صحیح منقول است از حلبی که گفت سوال کردم از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که ماه رمضان داخل شد و مقیم بود در
خانه خود باشد و اراده سفر نداشته باشد و بعد از آنکه ماه داخل شد اراده سفر
کند حال او چون است میتواند یا نه حضرت ساکت بودند و من مکرر سوال میکردم
پس فرمودند که بماند و سفر نرود افضل است مگر آنکه کاری داشته باشد که ناچار
باشد او را از رفتن یا خوف داشته باشد که اگر نرود مالش تلف شود و مراد و بود نیست
که سکوت حضرت ص از جهت باشد که بسیار است که حسین بجمعی جهالت بهم تو
و بسبب جهل باین مسئله خوف دادند که مبادا سفر حرام باشد و نروند و از ثواب
غیر متناهی محروم نشوند و چون دانستند بسبب آنکه هوا گرم است و مشقت است
احرام سفر میکنند و از ثواب محروم می شوند و مناسب ادب این بود که چون
حضرت ص خاموش شدند دیگر نپرسند که گاه باشد که جواب سبب تشنیع
عوام یا خواص عامه شود چون جمعی از ایشان سفر را حرام میدانند در غیر
امور واجبه و جمعی سبب قصر میدانند چنانکه از ظاهر بعضی عبارات
ایشان حرام میدانند بسبب مبالغه در کراهت که واقع شده است در آنچه

کذشتن

کنار [illegible] نیز ظاهر می شود کراهت مثل حدیث مرفوع
[illegible] که بیرون نرود در ماه رمضان مگر از جهت حج یا عمره
[illegible] داشته باشی [illegible] که وقت حج [illegible] و نیز این شرع باشد
مروی از ابو بصیر که گفت عرض نمودم بآن حضرت که گاه هست که ماه رمضان
[illegible] روزه گرفتم که [illegible] بخاطرم میرسد که زیارت قبر حضرت
[illegible] علیهم آیا بروم و رفتن و کشتن افطار کنم بهتر است یا بمانم
[illegible] روزه بگیرم زیاد در روز [illegible] زیارت بروم حضرت فرمودند که بمانی یا عید
بشود گفتم بعد نیز کردم ماندن افضل است حضرت فرمودند که بلی بخوان وحی قرآن که
حق [illegible] است که هر که از شما ماه را دریابد در حضر باید که روزه بگیرد و
همین مضمون استدلال باید مذکور است در حیاره [illegible] حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه و [illegible] استدلالی است که بعضی از عامه کرده اند که حق سبحانه و تعالی امر کرده است
حاضران را بصوم و امر فرموده است مسافران را با افطار و این شبهه است چنانکه بعد
از [illegible] که حضرت میفرماید که چون این آیه مفهوم شرط دلالت میکند بر آنکه
هر گاه سفر رود باید که بخورد [illegible] و اگر بعد از آنکه سفر رفت صادق
است که در حضر نیست و صادق است که مسافر است چنانکه شروع میکنید که چون جایز
باشد سفر رفتن که روزه واجب را افطار کنند خصوصا هر گاه غرضش از سفر
محض افطار باشد و جوابش این است که سفر میرود که روزه حرام را بخورد نه روزه
واجب را چون روزه در سفر حرام است و بعضی از لفظ علی سفر استدلال کرده اند
که در ماه رمضان سفر حرام است چون علی دلالت بر استعلا دارد یعنی کسی که
مستولی و مشرف باشد بر سفر یا آنکه مسافر باشد روزه را افطار میکند و این
استدلال نیز مثل سابق است و جوابش این است که بعد از سفر مستولی است با آنکه

طلب علو کردن یعنی در سفر باشد

اشراف فرقی است که از حضرت که سفر رود و بر تقید
مفهوم شود که ثابت است از جهت ایشان کراهت سفر بجهت چنانکه حکم
کراهت فرمودند قطع نظر از تقیید والله اعلم قال مصنف
حبنتر ما النهی عن الخروج فی السفر فی شهر رمضان یقتی و کما عنه
فی مقام لئلا ینقص فی الصیام وفقیر وعاب الا عن محمد بن مسلم صلوة الله
علیه انه سئل عن الرجل یعرض له السفر فی شهر رمضان وهو مقیم عنه
ایام فقال لا باس بان یسافر و یفطر ولا یصوم حیفی کوید مصنف کتاب مراد
بحبر که حق سبحانه تعالی او را در جنت قرب خود ساکن گرداند که پس از حدیث
حلبی ظاهر شد که نهی که حضرت فرموده بودند در حدیث ابو بصیر از بیرون
رفتن در ماه رمضان از سفر نهی کراهت است نه نهی حرمت و فضیلت در این
است تا روزه را فطر نکند و بخورد و محبوبا باشد صحیح منقول است که از حضرت
امام محمد باقر صلوة الله علیه سوال کردند از شخصی که او را عارض شود سفر در
رمضان و او را حاجت حاجت باشد در بلد و چند روز از روزه گذشته باشد حضرت
فرمودند که تا بیست و سه بگذرد سفر رود و افطار کند در روزه نگیرد و تردید در وی حالت
ابان بن عثمان عن الصادق صلوة الله علیه دیدیم عبارت و مضمون روایت کرده
ابان در موثق که صحیح از آن حضرت صحیح چنانکه مذکور شد بیست و سه که روایتی چنین
میگوید که در بعض نسخ موافق باشد و محتمل است که مراد از حدیث بعد از بیست باشد
و تغییر در اصل افطار باشد خصوصا بنا بر بعضی از نسخ که فسخ است که بیان
آن باشد و بنا بر نسخه غالب و سئل صادق صلوة الله علیه عن الرجل یخرج یشیع
اخاه مسیرة یومین او ثلثة فقال ان کان فی شهر رمضان فلیفطر فسئل ایهما
افضل یقیم و یصوم او یشیعه قال یشیعه ان الله عز و جل وضع الصوم عنه

ابو المعبد ابن معتون و کلینی روایت کرده است در موثق از ابان از زراره
از امام محمد باقر صلوة الله علیه و در صحیح از محمد بن مسلم از احدهما صلوة الله علیهما
و محتمل است که حکایت از ابان باشد از حضرت صادق صلوة الله علیه اما حدیث محمد
بن مسلم این حدیث است که از آن حضرت سوال کردند از شخصی که سفر رود از جهت تشییع
جنازه [illegible] سفر رود و او را مشایعت و همراهی او کند تا کنتول یا در و منزل چنانکه
در حدیث [illegible] وارد است و در حدیث محمد یا سه منزل و در حدیث منزل حسب
[illegible] در متن [illegible] حضرت فرمودند که اگر در ماه رمضان باشد که مشایعت رود
باید که افطار کند حضرت فرمودند که مشایعت برود و قضا کند پس از آن حضرت سوال
کردند که کدام یک افضل است که ماند در روزه بگیرد یا مشایعت برود و افطار کند حضرت
فرمودند که مشایعت برود و افطار کند بدرستیکه حق سبحانه و تعالی روزه را
از او ساقط کرده است هرگاه که مشایعت برود و در حدیث زراره چنین است
که مشایعت میکند و افطار میکند برای که مشایعت برادر مومن حقی است لازم و ظاهر
مومن را از جهت این اختلافات محتمل است که حدیث دیگر با تمام و اگر چه ظاهر است
که حدیث محمد بن مسلم باشد چنانکه مصنف الکافی بر ترتیب برداشته است و بعد
از حدیث حدیث محمد بن مسلم حدیث دیگر است که بعد از این است و تغییرات
لفظی فهمیده اگر چه بود لفظی بهتر است و روی الوشا عن حماد بن عثمان قال
قلت لابی عبد الله صلوة الله علیه رجل من اصحابی قد جائنی خبره من الاعوص و ذلک
فی شهر رمضان القاه قال نعم قلت القاه و اخرج و افطر قال نعم قلت القاه و
افطر او اقیم و اصوم قال تلقاه و افطر و منقول است در صحیح از حماد که گفت عرض
نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه که شخصی از اصحاب ما خبر شنیدیم از اعوص
بضاد معجمه و در موضعی دیگر اعوص است بدون الف و اهل لغت اعوص بضاد مهمله

گفته‌اند که موضعی است قریب بمدینه مشرفه و وادی است [illegible] مینی از
فتح بود و ممکن است بدل از او باشد و گفته‌اند که از اعراض مدینه است مسافه
[illegible] و محتمل است که موضعی دیگر باشد [illegible] در ماه رمضان
[illegible] رسید آیا جایز است که با استقبال او بیرون روم فرمودند که بلی [illegible] با استقبال
روم و روزه را بخورم حضرت فرمودند که بلی عرض نمودم که با [illegible] روم و افطار
کنم یا تمام روزه بگیرم [illegible] حضرت فرمودند که [illegible] اولا
و افطار کن و در صحیح اسماعیل بن جابر منقول است که در ماه رمضان [illegible]
با عرض رسید از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه رخصت کردند که با استقبال
و بیرون روم [illegible] فرمودند که با استقبال [illegible] و افطار کن و عبارت [illegible] و افطار
در حدیث بلفظ امر است [illegible] عبارت [illegible] که اول را [illegible]
استقبال [illegible] دلالت میکند بر افضلیت [illegible] امر یعنی [illegible] استقبال از
افطار واجب است البته [illegible] باشد [illegible] کرها
[illegible] در صحیح از سعید بن [illegible]
منقول است که از آنحضرت سوال کردم از شخصی که [illegible] برادر مومن خود
در ماه رمضان [illegible] با استقبال
[illegible] شخصی [illegible] باشد آیا افطار میکند یا
روزه میگیرد حضرت فرمودند که افطار میکند و احادیث دیگر وارد شده است [illegible]
مضامین [illegible] دلالت میکند [illegible] سبحانه و تعالی
و استقبال مومنان [illegible] هر گاه از سفری آید یا بسفری روند مستحب
موکد است و از حقوق ایمان است و ظاهرا [illegible] سفرها [illegible] باشد بلکه
[illegible] در سفرهای مباح محقق است که هیچ رجحانی نداشته باشد [illegible]

با صحت [illegible] و عموم آیه کریمه و عمومات احادیث متواتره کما فی [illegible]
[illegible] والله تعالی یعلم **باب** وجوب التقصیر فی
الصوم فی السفر [illegible] بن ابی العلا عن ابی عبد الله صلوات الله علیه قال الصائم فی شهر
رمضان فی السفر کالمفطر فیه فی الحضر ثم قال ان رجلا اتی رسول الله صلی الله علیه واله فقال یا رسول
الله اصوم شهر رمضان فی السفر فقال لا فقال یا رسول الله انه علی یسیر فقال رسول الله
صلی الله علیه واله ان الله تبارک و تعالی تصدق علی مرضی امتی و مسافریها بالافطار فی شهر
رمضان ایحب احدکم اذا تصدق بصدقة ان ترد علیه [illegible] واجب بودن
افطار روزه در سفر [illegible]
صحیح است از عیص از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله فرمودند که شخصی که روزه ماه
رمضان را در سفر بگیرد مثل کسی است که روزه ماه رمضان را در حضر افطار کند چون حق
سبحانه و تعالی [illegible] ماه رمضان را در حضر واجب کرده است [illegible]
[illegible] سفر بخورد [illegible] واقع امکان دارد [illegible]
بیشتر باشد [illegible] احادیث [illegible] بسیاری
از اخبار ظاهر میشود که گناه [illegible] بیشتر باشد [illegible] رسول الله
[illegible] بس
حضرت فرمودند که شخصی [illegible] حضرت سید المرسلین صلی الله علیه واله عرض
نمود که یا رسول الله صلی الله علیه روزه ماه رمضان را در سفر بگیرم حضرت فرمودند که [illegible]
گفت یا رسول الله [illegible] بر من آسان است [illegible] حضرت سید الانبیا صلی الله علیه واله
فرمودند که بتحقیق [illegible] و راستی که حق سبحانه و تعالی تصدق فرموده بر بیماران و
مسافران امت من در ماه رمضان افطار [illegible] یکی از شما [illegible]
کافی [illegible] و ظاهرا تصحیف شده باشد از نساخ [illegible]

آیا خوش نمی آید شما را که تصدق کرده باشید و بر شما رد کنند هرگاه مخلوق ما هر آن
حرام الحیا خوش نمی آید خداوند تعالی را که اینست که چون خوش آید که رد کنند تصدق
او را و کلینی در صحیح از ابن ابی عمیر و شیخ از زرارة ابن ابی نجران از بعضی از اصحاب ما از حضرت
روایت کرده اند به همین مضمون و صدوق از سکونی از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله
روایت کرده است که فرمودند که خداوند عالمیان هدیه فرستاده است بسوی من و امت من
که به هیچ امتی نفرستاده است و آن کرامتی است که حق سبحانه و تعالی عطا فرموده عند
الله صلی الله علیه و آله کدام است حضرت فرمودند که افطار در سفر و قصر نماز
افطار و قصر نکند هدیه و کرامت الهی را رد کرده است و سأل عبید بن زرارة ابا عبد الله
صلوات الله علیه عن قول الله عز و جل فمن شهد منکم الشهر فلیصمه قال ما ابینها من شهد
فلیصمه و من سافر فلا یصمه و کالصحیح منقول است از عبید که گفت سؤال کردم از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه از تفسیر قول حق سبحانه و تعالی که هر که از شما در حضر
باشد در ماه رمضان باید که او روزه بدارد آنحضرت فرمودند که چه ظاهر است آیه
مراد این است که هر که حاضر است می باید که روزه بدارد و هر که مسافر باشد روزه نگیرد
ماه رمضان را و ظاهر این حدیث آنست که مفهوم شرط حجت باشد و ممکن است که مراد
حضرت این ظاهر باشد که مضمون کل آیت چون بعد از آن فرموده است و من کان منکم
یعنی و هر که بیمار باشد یا بر سفر باشد بخورد و از روزهای دیگر روزه بدارد و حضرت یا مسافر
معنی تتمه را فرموده باشند که چون حق تعالی فرموده است که قضا را بگیرید یعنی اداء ملزم نیست
و علی ای حال آیه بر افطار مسافر دلالت میکند در اول و آخر و وسط و روی محمد بن حکیم
عن الصادق صلوات الله علیه قال لو ان رجلا مات صائما فی السفر لما صلیت علیه و در حسن
کالصحیح منقول است که آنحضرت فرمودند که اگر شخصی در سفر روزه باشد و بمیرد
هر آینه والله که نماز بر او نکنیم چون او حق تعالی را نسبت به آنکه قبول نکرده اکرام الهی را

چون به مسمی خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده است و بحسب واقع الی شیعه
یا شیعی نزوری چون شیعه است انکار نکرده است و اگر شیعه نباشد وجه کفرش
بسیار است ای نمی بیند که جا از کفرش خواهد بود و ظاهر خبر آنست که جاهل
و جاهل معذور نیست در سفر و فاسق است نه کافر و الله یعلم و در روی حریز
عن زرارة عن ابی جعفر صلوات الله علیه قال سمی رسول الله صلی الله علیه و آله قوما
صاموا حین افطر و قصر العصاة قال هم العصاة الی یوم القیمة و انا لنعرف ابناءهم
و ابناء ابنائهم الی یومنا هذا و ما سابند متفق است که حضرت امام محمد باقر صلوات الله
علیه فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله در وقتی که متوجه مکه
معظمه بودند افطار فرمودند چون در ماه رمضان بود و تقصیر نماز کردند و
جمعی عصیان آنحضرت ص کردند و روزه را گرفتند حضرت فرمودند که اینجماعت
عاصیانند حضرت امام محمد باقر صلوات الله فرمودند که ایشان و فرزندان ایشان
عاصیانند تا روز قیامت و ما می شناسیم فرزندان ایشان را و فرزندان فرزندان ایشان را
تا امروز و روی العیص بن القسم عن ابی عبد الله صلوات الله علیه قال اذا خرج
الرجل فی شهر رمضان مسافرا افطر و قال ان رسول الله صلی الله علیه و آله خرج من
المدینة الی مکة فی شهر رمضان و معه الناس و فیهم المشاة فلما انتهی الی کراع
الغمیم دعا بقدح من ماء فیما بین الظهر و العصر فشرب و افطر الناس معه و تم ناس
علی صومهم فسماهم العصاة و انما یؤخذ بآخر امر رسول الله صلی الله علیه و آله و در روی
در صحیح از عیص که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه شخصی
در ماه رمضان بسفر رود واجب است که افطار کند و فرمودند که حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه و آله در ماه رمضان از مدینه مشرف متوجه مکه معظمه
شدند با مردم بسیار و در میان ایشان پیادگان نیز بودند پس چون آنحضرت ص

مان

بکراع غمیم رسیدند و آن سه منزلی عسفان است که تخمینا وسط
ظهر و عصر قدحی آب طلبیدند و افطار فرمودند و همه افطار کردند
که ایشان افطار نکردند و حضرت سید المرسلین صلی الله [illegible]
نامیدند عصاة و فرمودند بان عاصی باید که بعضی روزه میگیرند [illegible] شد عادت
کافی چنین است و امام بن خد [illegible] رسول الله صلی الله علیه و آله و لفظ اخبار قسم
فسانه افتاده است [illegible] حضرت [illegible] فرمودند
صوم [illegible] افطار فرمودند افطار میکند و [illegible] اتحد [illegible] حال
که روایت از عبد الله بن عباس ذکر کرده است که چون حضرت [illegible] روزه بودند
در راه افطار فرمودند [illegible] ولکن
چون جمعی مخالفت آنحضرت کردند از جهت آنکه عدد [illegible] گفته است و این عددها
ما بر [illegible] از جهت عدالت صحابه [illegible] بسیار جایی
نقل کرده است و باره مذکور شد [illegible] مواضع خود است والله مذکور خواهد شد
و روی ابان بن تغلب عن ابی جعفر صلوة الله علیه قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله خیار
امتی الذین اذا سافروا افطروا وقصروا واذا احسنوا استبشروا واذا
اساؤا استغفروا وشرار امتی الذین ولدوا فی النعیم وغذوا به یاکلون طیب
الطعام ویلبسون لین الثیاب واذا تکلموا لم یصدقوا [illegible] منقول است که
حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که حضرت سید الانبیا صلی الله علیه و آله
فرمودند که بهترین امت من جمعی اند که چون سفر می روند روزه را میخورند و نماز
را قصر میکنند و چون کار خوبی از ایشان صادر می شود خوشحال اند که توفیق الهی
شامل حال ایشان شده است و چون کار بدی کردند توبه و استغفار میکنند و
بدترین امت من جمعی اند که در نعمت متولد شده اند و غذاهای ایشان نعمت

۱. اصل

الهی است طعامهای نفیس و لباس نفیس حرام نیست ولکن نفس طاغی می شود
بسبب آن کارهای بد میکند چنانکه حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید بسیار یاد
کرده است [illegible] اکثر نعمتهای ایشان از ایشان صادر می شود و اکثر عذابهای
الهی بسبب [illegible] می شد [illegible] ریاضت بصوم و صلوة و غیر آن مطلوب است
چنانکه حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه بود در ماکل و ملبس چه
غذاهای [illegible] میل می فرمودند و جامه های خشن می پوشیدند و همچنین اکثر
اوقات حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله چنین سر میکردند و تفصیل این سخن
در خطبه که حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه از جهت عثمان بن حنیف نوشتند
مذکور است [illegible] جمیع خطب نهج البلاغه مشحون است از این مقالات و حق
سبحانه و تعالی فرموده است که والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا وان الله
لمع المحسنین یعنی آنجماعتی که با نفس و شیطان مجاهده میکنند که در احادیث
بسیار وارد شده است که جهاد اکبر است و غرض ایشان از ریاضت همه محض رضای
ما باشد والله که البته می نمایم بایشان راههای قرب خود را و بدرستی در اینکه
حق سبحانه و تعالی با محسنان است و تعریف [illegible] منقول است که از حضرت سید الانبیا صلی
الله علیه و آله پرسیدند که احسان چه چیز است حضرت فرمودند که الاحسان
که عبادت الهی چنین کنی که گویا او را می بینی پس اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند
این مقام مراقبه است و حضور قلبی که روح همه عبادات است و این اول [illegible] است حضرت
مراتب قرب الله والی الله وفی الله ومع الله اوصلنا الله وایاکم الی مراتب قرب
المحسنین بجاه محمد و آله الطاهرین و روی ابن ابی عمیر عن ابی ایوب عن عمار بن مروان عن
ابی عبد الله صلوة الله علیه قال سمعته یقول من سافر قصر وافطر الا ان یکون
[illegible] لا سفره الی صید او فی معصیة الله عز وجل او رسولا لمن یعصی الله عز وجل

بود او شخصی از [illegible] المسلمین و منقول است در
[illegible] بحار که شنیدم که [illegible] صلوة الله علیه سفر بودند کردند که
[illegible] و قصر میکرد و افطار میکرد تا کسی که شخص باشد که از جهت شکار بجهة سفر رود
[illegible] معصیت باشد یا آنکه مقصود وی از سفر معصیت باشد [illegible]
[illegible] و رسالت فرستاده باشد مثل آنکه فلان کس را بنا حق بکشی یا عرض کسی طلب
دشمنی باشد که او ضرر بی برساند که جهاد ساختن یا عرض کسی عبادت باشد یا سعی
کرد در ضرر باشد به جمیع از مسلمانان و در کافی و تهذیب او سحابه هر سفر [illegible]
لفظ و از نسخه زیاده شده است و جمیع حدیث از کافی بر داشته [illegible]
دیگر نسخه کافی نیز در حدیث سهو کرده اند که علی حماد و محمد نوشته اند با آنکه
محمد [illegible] را شیخ از کافی نقل کرده است و عبارت است و در فهرست که نقل کرده [illegible]
سند آن عمار را [illegible] کرده است و حاصل آنست که سفر صید لهو باشد و [illegible] مذکور
از او معصیت الله و قال صلوة الله علیه لا یفطر الرجل فی شهر رمضان الا فی سبیل حق
و منقول است در حسن کالصحیح الحسنة امام جعفر صادق صلوة الله علیه که فرموده اند که
[illegible] در ماه رمضان افطار میکند مگر آنکه سفر وی حلال باشد و معصیت
نباشد و در موثق کالصحیح از عبید بن زراره منقول است که گفت از آنحضرت سوال
کردم از شخصی که بیرون می رود آیا قصر میکند یا تمام میکند حضرت فرمودند که تمام میکند
زیرا که صید وی حق نیست و در موثق کالصحیح از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه
منقول است که سوال کردم از شخصی که از خانه خود بیرون می رود تا جرجر و بازی یک
دو شبانه سه شب از جهت تفرج آیا قصر میکند یا نه حضرت فرمودند که قصر میکند
زیرا که از جهت لهو و بازی بیرون رفته است و منقول است در صحیح از معویة بن وهب
که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که هرگاه در شهر [illegible]

نخواهی کرد یا بجاده روز [illegible] شوی بجای تمام
قصد ده روز نداشته باشی [illegible] تمام کن معوية
عرض نمودم که هرگاه [illegible] در ماه اول ماه رمضان [illegible] شهری شوم و قصد آنکه
ده روز [illegible] باشم فرمودند که نماز را قصر کن و روزه را بخور عرض نمودم
امروز و فردا تو هم [illegible] ماه را بخورم حضرت فرمودند که حکم قصر و افطار یکی است
قصر کنی افطار میکنی و هر جا که افطار میکنی قصر میکنی و بر این مضمون احادیث بسیار
وارد شده است قال مصنف هذا الکتاب رحمه الله قد اخرجت تقصیر المسافر فی
[illegible] فی هذا الکتاب والحمد للمذی یجب فیه التقصیر والذین یجب علیهم
التمام و حضرت کرده مصنف این کتاب رحمه الله که ذکر کردم احادیث را که ذکر کند
[illegible] آورده بودیم در جمله ابواب نماز در این کتاب و ذکر کرده ام [illegible]
تقصیر را در [illegible] جمعی که در سفر نماز را تمام میکنند پس اگر خواهی رجوع بآن کنی
اگر چه آنکه گفته آنکه اکثر احادیث این باب را در هر دو جا ذکر میکنند فاما الصوم
تطوع فی السفر فقد قال الصادق صلوة الله علیه لیس من البر الصوم فی السفر واما
روزه سنتی در سفر پس تحقیق که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند
که از خوبی نیست روزه در سفر و عبادتی که خوب باشد و شارع بجا آورده حرام است
و در صحیح از صفوان منقول است که از حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا صلوة الله علیهما
پرسید [illegible] شخصی که سفر کند در ماه رمضان و روزه بگیرد چون است حضرت فرمودند
که روزه سفر از ما اهل خیر نیست و ایجاد بدعت لازم میکند که در صورتی خوب نیست
پس با ظلم خود باشد و ظاهر است که مراد حضرت از صوم صوم ماه رمضان باشد
و الف لام عهد باشد و ظاهر وارد با او حدیثی از حضرت صادق صلوة الله علیه بصدوق
[illegible] جواب حضرة در اینجا عام است خصوص سوال سبب خصوص جواب

نمیشود چنانکه اکثر اصولیین این اعتقاد دارند [illegible]

المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible]

از [illegible] بودند و سایر [illegible] زده بودند [illegible]

است صحابه گفتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله ایشان روزه [illegible] فرمود که اولئک العصاة [illegible]

من البر الصوم فی السفر و [illegible] و مسلم [illegible] این عبارت را ذکر کرده اند و در

جامع الاصول [illegible] و این عبارت را ذکر کرده [illegible] عبارت [illegible] لازم

کرده [illegible] صام فی [illegible] در [illegible] صحیح [illegible] اکثر [illegible] روزه

ماه رمضان و غیر او را در سفر [illegible] افطار [illegible] واجب است و [illegible]

در سفر حرام [illegible] و احادیث [illegible] گذشته

و جمیع [illegible] و [illegible] الله [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] جمع میکند میان احادیث [illegible]

[illegible] یعنی اول [illegible]

[illegible] معنی [illegible] اینجا [illegible]

[illegible] اینجا [illegible]

خروج [illegible] الحلال [illegible] مستحب [illegible]

اولی [illegible] احادیث [illegible] صلی

الله علیه انه سئل عن الرجل یخرج من بیته و هو یرید السفر و هو صائم فقال ان خرج

قبل ان ینتصف النهار فلیفطر و لیقض ذلک الیوم و ان خرج بعد الزوال فلیتم

یومه [illegible] سند صحیح [illegible] از [illegible] که گفت سوال کردم

از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که از خانه خود بیرون رود بقصد

سفر و روزه باشد حضرت فرمودند که اگر پیش از زوال بیرون رود افطار کند

ان

انوقت [illegible] روزه [illegible] اتمام میکند و قضا نمیکند

[illegible] روزه [illegible] باشد [illegible] که حمل کنیم

[illegible] شب [illegible] دلالت میکند

قصد سفر [illegible] عبادت [illegible] کرده [illegible]

قصد کرده باشد [illegible] و یروی العلاء عن محمد بن مسلم عن ابی عبد الله صلوات الله

علیه قال اذا سافر الرجل فی شهر رمضان فخرج بعد نصف النهار فعلیه صیام ذلک

الیوم و یعتد به من شهر رمضان و اذا دخل ارضا قبل طلوع الفجر و هو یرید الاقامة

[illegible] ذلک الیوم و ان دخل بعد طلوع الفجر فلا صیام علیه و ان شاء صام

[illegible] سند صحیح [illegible] منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات

[illegible] که هرگاه شخصی در ماه رمضان [illegible] بعد از نصف روز

[illegible] روزه [illegible] روزه ماه رمضان [illegible]

[illegible] پیش از طلوع صبح داخل شود واجب است روزه داشتن

[illegible] روزه [illegible] پیش از رسیدن [illegible]

[illegible] افطار [illegible] داخل [illegible]

[illegible] مسافر [illegible] موضعی [illegible]

[illegible] پیش از ظهر [illegible] واجب است [illegible]

[illegible] واجب [illegible] و اگر بعد از زوال [illegible]

خورده باشد [illegible] روزه [illegible] قضا میکند [illegible]

موافق است با حدیث [illegible] سفر بعد از زوال باشد [illegible]

دلالت میکند [illegible] پیش [illegible]

باشد [illegible] از [illegible] منقول است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

در شخصی که مسافر شود در ماه رمضان روزه [ميدارد] تا بیچند ...
پیش از زوال بیرون می رود افطار میکند و اگر بعد از زوال بیرون رود ...
فرموده اند که دلیل اقول قول حضرت امیر المؤمنین است صلوة الله علیه که من خود ...
میدارم یا افطار میکنم یعنی اختیار دارم مادام که پیش از زوال بیرون روم و چون بیرون روم
تا زوال نشود و نگویم و این اختیار هست تا زوال و چون زوال شد لازم است روزه
بودن و در موثق کالصحیح نیز از آنحضرت هم منقول است که اگر پیش از زوال بیرون رود
افطار میکند و اگر بعد از زوال بیرون رود روزه را تمام میکند و این اخبار را حمل
کرده اند بر آنکه شب قصد سفر داشته باشد چنانکه در موثق از علی بن یقطین منقول
است از حضرت امام موسی کاظم صلوة الله علیه در شخصی که خواهد سفر رود در ماه رمضان
آیا افطار میتواند کرد در خانه اش حضرت فرموده اند که اگر در شب عزم داشته
سفر رود در وقتی که از منزل بیرون می رود افطار میکند و اگر در شب عزم نداشته
سفر باشد و در روز در سفر پیدا شود روزه را تمام کند و در صحیح ابان بن عثمان و سماعه از شخصی
از ابو بصیر منقول است که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه شنیدم که فرمود
که هرگاه اراده سفر داشته باشی در ماه رمضان و در شب قصد بیرون رفتن داشته
باشی پس اگر پیش از صبح بیرون روی یا بعد از صبح افطار میکنی و آن روز را قضا میکنی
و در کالصحیح از ابو بصیر منقول است که هرگاه بعد از طلوع فجر بیرون روی و در شب نیت سفر
نداشته باشی آن روز را بگیر و حساب کن از ماه رمضان و در موثق کالصحیح از زراره هم
منقول است که گفت از امام ... سوال کردم از شخصی که بعد از صبح اراده سفر کند در ماه
رمضان حضرت فرمودند که تمام کند روزه را و اما اخبار و روایتی که دلالت میکند
بر آنکه ... حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که هرگاه اراده سفر کند
در ماه رمضان و صبح طالع شود و او در خانه باشد پس باید که آن روز را روزه بگیرد

... رواه ... بگیرد الخ و قریب باین است موثق دیگر از سماعه
... پیش از صبح بیرون رود افطار میکند و بهمین مضمون است حدیث قوی
... جعفر از حضرت امام رضا صلوة الله علیه و این احادیث را حمل کرده اند بر آنکه شب
نیت سفر کرده باشد و در صحیح از رفاعه منقول است که گفت سوال کردم از حضرت امام
جعفر صادق صلوة الله علیه از شخصی که اراده سفر داشته باشد در ماه رمضان حضرت
فرمودند که هرگاه صبح در خانه باشد و بیرون رود اگر خواهد روزه میگیرد و اگر خواهد
افطار میکند و این حدیث جمع میکند میان احادیث صوم و افطار بآنکه مخیر است میان
... آنکه شب نیت نکرده باشد و در این صورت مخیر باشد و این جمع
... اولی صوم است و قضا و احتیاط در آن است که اگر شب قصد سفر
داشته باشد و پیش از ظهر بیرون رود افطار کند و اگر بعد از ظهر روزه بگیرد و قضا کند
و اگر در شب قصد نداشته باشد و اراده سفر در روز سانح شود آن روز را بگیرد و قضا
نیز بکند والله تعالی یعلم و فی روایة رفاعة بن موسی عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال سئل
عن الرجل یقبل فی شهر رمضان من سفر حتی یری انه سیدخل اهله ضحوة او ارتفاع
النهار فقال اذا طلع الفجر و هو خارج لم یدخل فهو فی الخیار ان شاء صام و ان شاء افطر
و در روایت صحیح رفاعه منقول است که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة
الله علیه از شخصی که در ماه رمضان از سفری بیاید و گمان داشته باشد که چاشت
یا قریب بظهر داخل خانه شود چه کند حضرت فرمودند که هرگاه صبح طالع شود
و او بیرون شهر باشد و داخل در حد ترخص شده باشد مخیر است میان روزه داشتن
تا آنکه چیزی نخورد و قبل از ظهر داخل شود و میان افطار کردن مثل آنکه بعد ...
و بهمین مضمون است صحیح محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه و احادیث
بسیار و روی یونس بن عبد الرحمن عن موسی بن جعفر علیهما السلام انه قال فی المسافر

يدخل اهله وهو جنب قبل الزوال ولم يكن اكل فعليه ان يتم صومه ولا قضاء عليه
قال يعني اذا كانت جنابته من احتلام و ديگري هم صحيح روايت كرده است از يونس
و شيخ طوسي بسيار از صدوق بيونس نقل كرده است و از صدوق بواسطه مفيد
كرده است اما نويسنده گفته يونس از جهت روايات همه صحيح است مگر چيزي
كه محمد بن عيسى متفرد باشد بنقل آن و شنيده است كه جنس روايتي را در كتاب
خود نقل نخواهد كرد كه گويند ميان من و خدا حجت است و يونس از ائمه هم روايت
كرده است كه فرمودند در مسافري كه پيش از زوال بخانه خود برود و جنب باشد و
چيزي نخورده باشد برو واجب است كه آن روزه را تمام كند و برو نيست كه قضا كند
يونس گفته يا گفته كه مراد حضرت آنست كه جنابت از احتلام باشد در روز يا
در شب و بقاي بر جنابت عمدا نداشته باشد بر مذهب صدوق يا خواب احتلام
تا صبح كشيده نشده باشد و محتمل است كه جنب از جماع باشد و خواب اول تا صبح كشيده باشد
و محتمل است كه عبارت يعني از يونس باشد و از قول كلام حضرت يافته باشد كه از
احتلام است و در موثق منقول است كالصحيح از ابو بصير كه گفت از آنحضرت سوال
كردم از شخصي كه از سفر بخانه آيد در ماه رمضان حضرت فرمودند كه اگر پيش از
ظهر بايد بخود است كه آن روز را روزه بگيرد و از ماه رمضان حساب كند و كالصحيح از
بزنطي منقول است كه گفت از حضرت امام رضا صلوات الله عليه سوال كردم از شخصي كه از
سفر بخانه آيد در ماه رمضان و چيزي نخورده باشد و پيش از زوال بيايد حضرت
فرمودند كه روزه ميگيرد و سال عبد الله بن سنان اباعبد الله صلوات الله عليه عن
الرجل ياتي جاريته في شهر رمضان بالنهار في السفر فقال ما عرف هذا حق شهر رمضان
ان له في الليل سبحا طويلا قلت اليس له ان ياكل ويشرب ويقصر قال ان
الله عزوجل رخص للمسافر في الافطار والتقصير رحمة وتخفيفا لموضع

التعب

التعب والنصب ووعث السفر ولم يرخص له في مجامعة النساء في السفر بالنهار
في شهر رمضان واوجب عليه قضاء الصيام ولم يوجب عليه قضاء تمام الصلوة اذا
آب من سفره ثم قال والسنة لا تقاس واني اذا سافرت في شهر رمضان ما آكل كل
القوت وما اشرب كل الري والنهي عن الجماع للمقصر في السفر انما هو نهي كراهة لا نهي
تحريم منقول است در صحيح از عبد الله كه گفت سوال كردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات
۲ در سفر الله عليه از شخصي كه جماع كند با كنيزك خود در روز ماه رمضان حضرت فرمودند كه اين شخص
حق و حرمت ماه رمضان را نشناخته است بلكه بسيار از او در شب وسعت بسيار هست
و هر وقت كه خواهد ميتواند نزد گفت عرض كردم بحضرت كه آيا نميتوانيم بخوريم
و آشاميدن و قصر نماز كردن حضرت فرمودند كه حق سبحانه و تعالى رخصت داده است
مسافر را كه افطار كند و نماز را قصر كند از روي شفقت و مرحمت و از جهت سبك
كردن بار او و از جهت مشقت و تعب و عناي سفر و رخصت نداده است او را كه در
سفر جماع كند در ماه رمضان در روز يعني كه قضاي روزه را بروى واجب كرده اند
۲ نماز و قضاي نماز را بر و واجب نكرده اند وقتي كه از سفر برگردد كه شش ركعت را قضا كند
بعد از آن فرمودند كه در اينجا بحضرت مقرر فرموده اند قياس نميشود و من اگر در
ماه رمضان سفر كردم آنقدر نميخوردم از طعام كه سير شوم و آنقدر كه سيراب شوم
و صدوق ميگويد كه اخبار در اين حديث و غير اين حديث مذكور است از نهي از جماع
نهي كراهت است نه نهي تحريم و مناسب آن بود كه حديث معارض را ذكر كند اما در
نفي دو حديث قوي وارد شده است يكي از عبد الله بن سنان و مشتمل است بر نهي
از اخبار در اين حديث مذكور است و ديگري از محمد بن مسلم از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله عليه كه هرگاه شخصي در ماه رمضان سفر برود و با زن نزديكي نكند در روز كه
آن بر وحرام است و اما حديث جواز از اخبار در صحيح از عمر بن يزيد منقول است

که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از شخصی که مسافر بود در ماه
رمضان آیا جماع با زنان میتواند کرد حضرت فرمودند که بلی بعد صحیح است از علی بن
الحکم از عبد الملک بن عتبه که گفت سوال کردم از ابو الحسن موسی بن جعفر صلوة الله علیهما
از شخصی که جماع کند با اهلش در ماه رمضان در سفر حضرت فرمودند که باکی نیست و شیخ
همین حدیث را در صحیح از علی بن الحکم روایت کرده است که گفت سوال کردم از ابو الحسن
صلوة الله علیه و ظاهر است که علی بن الحکم همین حدیث را بی واسطه از حضرت موسی بن جعفر
صلوة الله علیهما روایت کرده باشد و بی واسطه از حضرت امام رضا صلوة الله علیه
روایت کرده باشد و ظاهر است که عبد الملک از قلمش افتاده باشد والله تعالی یعلم
و در حسن از سهل بن یسع از آنحضرت صه و در موثق از یعقوب از حضرت امام جعفر بن
صادق صلوة الله علیه روایت کرده است بهمین مضمون و در موثق کالصحیح از محمد بن
مسلم روایت کرده است که گفت سوال کردم از آنحضرت صه از شخصی که از سفر بخانه اش
آید بعد از عصر در ماه رمضان و دید که زنش از حیض پاک شده است آیا با او جماع
میتواند کرد حضرت فرمودند که باکی نیست پس جمع میان این اخبار کثیره در جواز وارد
شده است اخبار سابقه را حمل بر کراهت شدیده می باید کرد چنانکه اکثر اصحاب
کرده اند و بعضی آن اخبار را حمل بر حرمت کرده اند و حمل کرده اند این اخبار را بر جماع شب
و بسیار بعید است که فضلای اصحاب از جماع شب بپرسند با آنکه بنص قرآن جایز
باشد در شب صوم با آنکه در حدیث اخیر تصریح بروزه شده است و روی الحلبی
عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال قلت له رجل صام فی السفر فقال ان کان بلغه ان
رسول الله صلی الله علیه و آله نهی عن ذلک فعلیه القضاء وان لم یکن بلغه فلا شیء علیه
و باسانید صحیحه و حسنه کالصحیحه منقول است از حلبی که گفت عرض نمودم بحضرت
امام جعفر صادق صلوة الله علیه که اگر شخصی روزه دارد در سفر حضرت فرمودند

که اگر با وجود مسئله است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرموده اند از روزه سفر بوده است
که قضا کند آنچه را روزه داشته است و اگر با وجود مسئله جاهل بوده است چون معذور است
بر او چیزی نیست از قضا و گناه و بهمین عبارت منقول است در صحیح از ابان بن ابی شعبه
حلبی که علی بن ابی شعبه باشد پدر عبید الله که حلبی مطلق در کتب منصرف
با وی شود و محتمل است که مراد از عبید الله باشد از قبیل ابن بابویه و ابن طاوس
و امثال ایشان که معروف بجدند و علی ای حال صحیح است و لکن اگر پدر باشد در جد بهتر است
و اگر پسر باشد بالحدیث است و شیخ در حدیث صحیح فیمره است چنانکه ظاهر لفظ است
و در صحیح از عبد الرحمن بن ابی عبد الله از آنحضرت صلوة الله علیه منقول است بهمین مضمون
و این هرسه حدیث دلالت دارند بر آنکه جاهل معذور است و عالم معذور نیست
و قضا میکند و در صحیح از عیص منقول است که آنحضرت صه فرمودند که هرگاه کسی در سفر
از روی جهالت روزه بگیرد قضا نمیکند و در صحیح ابان بن عثمان از لیث منقول است
که آنحضرت صه فرمودند که هرگاه کسی در ماه رمضان مسافر بود و واجب است که افطار کند
و اگر از روی جهالت روزه بدارد قضا نمیکند و در صحیح از معویة بن عمار مرویست
که از آنحضرت شنیدم که هرگاه شخصی ماه رمضان را در سفر روزه بگیرد مجزی نیست
و بر وی است که اعاده کند و مجهول است و عالم والله تعالی یعلم باب صوم الحائض
والمستحاضة این بابی است در احکام صوم حائض و صوم مستحاضه روی ابو الصباح
الکنانی عن ابی عبد الله صلوة الله علیه فی امراة اصبحت صائمة فلما ارتفع النهار
او کان العشاء حاضت اتفطر قال نعم وان کان قبل المغرب فلتفطر وعن امراة
تری الطهر فی اول النهار فی شهر رمضان ولم تغتسل ولم تطعم کیف تصنع بذلک
الیوم قال انما فطرها من الدم و کالصحیح منقول است از ابو ابراهیم عظیم الشان از حضرت
امام جعفر صادق صلوة الله علیه در زنی که در صبح روزه بود چون قریب بظهر شد

متن باب است در احکام صوم حائض و صوم مستحاضه

یا بعد از عصر حایض شد آیا روزه اش باطل می شود حضرت فرمودند که بلی و اگر چه پیش
از شام باشد که حیض می باید که روزه را افطار کند و در زنی که حایض بوده
و در اول روز پاک شد در ماه رمضان و غسل نکرد و چیزی نخورد تا روز چه کند
حضرت فرمودند که افطار کند از خون است پس ظاهر شد که چون سبب فساد صوم است
خواه در اوایل حیض باشد و خواه در پاک شدن از حیض هر گاه بگذرد از روز
حایض شد اند روزه باطل است و قضا می باید کرد و بعضی مضمون روایت که از کلینی
و حسن کالصحیح از حلبی از آنحضرت ص و روی عن علی بن مهزیار قال کتبت الیه
امرأة طهرت من حیضها او دم نفاسها فی اول یوم من شهر رمضان ثم استحاضت
فصلت وصامت شهر رمضان کله من غیر ان تعمل ما تعمل المستحاضة من الغسل لکل
صلوتین هل یجوز صومها و صلوتها ام لا فکتب صلوة الله علیه تقضی صومها و لا
تقضی صلوتها لان رسول الله صلی الله علیه و آله کان یامر المؤمنات من نسائه بذلک
و باسناد صحیح منقول است از علی که با حضرت صاحب عرضه نوشتم که زنی از خون حیض
یا خون نفاس پاک شد در روز اول ماه رمضان بعد از آن مستحاضه شد و کل ماه
رمضان روزه را گرفت و نماز را بجا آورد و لیکن اعمال مستحاضه را بجا آورد و از برای
هر دو نماز غسل کند آیا نماز و روزه اش صحیح است یا نه حضرت نوشتند که روزه را
قضا میکند و نماز را قضا نمیکند زیرا که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله زنان
مؤمنه خود را امر فرموده بودند که روزه را قضا کنند و نماز را قضا نکنند بلکه این
حدیث را مشایخ ما چنین روایت کرده اند و بر ایشان مشکل شده است حکمش
چون مخالفت دارد با احادیثی که وارد شده است که نماز مشروط است بطهارت
و بر مستحاضه اعمالی که مقرر شده است واجب است و اگر نکند نمازش صحیح نیست
چنین گفته اند که ممکن است که در خصوص این موضع از تخفیف شده باشد

جمعی گفته

جمعی گفته اند که راوی سهو کرده است و عکس بوده است یا آنکه روی عنه معلوم نیست که
کیست و آنچه بخاطر این ضعیف میرسد این است که حضرت حکم حیض را بیان فرموده اند
بقرینه حدیثی که مشهور است از خاصه و عامه که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله
مؤمنات نساء خود را امر فرموده اند که قضای روزه کنند و نماز را قضا نکنند بعد از
زمان حیض و حضرت همان حدیث را بیان فرموده باشند از جهت تغییر حکم
مستحاضه را بیان نکرده باشند چون ایام ماه رمضان بعضی حایض بوده است و بعضی مستحاضه
و علما احادیث را اول که حمل کرده اند و از این حدیث استدلال نموده اند بر آنکه استحاضه نیز
مشروط است بغسل هر حال که غسل باید و آن متوسطه و کثیره است پس مستحاضه می باید
که پیش از صبح غسل کند تا صبح را طاهر در یابد و بعضی گفته اند که غسل از جهت نماز کافی
است و ظاهر آن است که غسل صبح و ظهر و عصر از جهت صحت صوم کافی باشد و احتیاج
بغسل شب نیست مگر از جهت دو نماز مغرب در صورتی که غسل پیش از صبح را واقع سازد
و صبح را با غسل در یابد و ممکن است که غسل شب را دخلی در صحت باشد پس احوط آنست
که اگر کثیره باشد روزه را قضا کند و احتیاط تمام آنست که در ماه رمضان غسل را
پیش از صبح قریب بصبح واقع سازد و احوط آنست که اگر از جهت نماز شب غسل کرده
باشد و زمانی گذشته باشد و خون بسیار آمده یا نیامده باشد که اعاده غسل
کند پیش از صبح و از جهت نماز صبح و قوی تر احتیاط است و در متوسطه نیز
از جهت ظهر و عصر غسلی و از جهت مغرب و عشا غسلی دیگر بجا آورد چون
احادیث بسیار وارد شده است که دال است بر آنکه حکم متوسطه و کثیره متحد است
در احکام و در باب استحاضه گذشت و روی عن سماعة قال سألت ابا عبد الله صلوات الله علیه
عن المستحاضة قال تصوم شهر رمضان الا الایام التی کانت تحیض فیهن ثم
تقضیها من بعد و منقول است در موثق که سماعه گفت که سؤال کردم از حضرت

که مستحاضه

امام جعفر صادق صلوة الله علیه از حکم مستحاضه حضرت فرمودند که روزه میگیرد ماه
رمضان را مگر ایامی که در آن ایام حائض باشد که روزه را میخورد و بعد از ماه رمضان
قضا میکند هر چه را خورده باشد و سال عبد الرحمن بن الحجاج ابا الحسن صلوة الله علیه عن المراة
تلد بعد العصر اتتم ذلک الیوم ام تفطر قال تفطر ثم تقضی ذلک الیوم و منقول است
در حسن کالصحیح و در صحیح از عبد الرحمن که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوة
الله علیه از زنی که بعد العصر زاید آیا آن روز را تمام میکند چون آن روز را که رفته است
در پاکی یا افطار میکند چون طهارت از حیض و نفاس شرط است در وجوب و صحت
صوم حضرت فرمودند که افطار میکند یا بسبب دیدن خون ولادت افطار کرده
که خون نفاس اوست آن روز را قضا میکند و از این حدیث ظاهر شد که نفسا حکم حائض
دارد و ظاهر آنست که افطار بسبب خون نفاس است که غالبا با ولادت و بعد از
ولادت می آید [illegible] که وضع حمل شود و خون نیاید و نقل کرده اند که در
زمان حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله [illegible] واقع شد [illegible] احضرت
نامیدند یعنی بسیار خشک و خشکی بالاتفاق [illegible] و روی العیص بن القسم
عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال سالته عن المراة تطمث فی شهر رمضان قبل ان
تغیب الشمس قال تفطر حین تطمث و باسانید صحیح منقول است از عیص که گفت سوال
کردم از زن که حائض شود در ماه رمضان پیش از آنکه آفتاب فرو رود حضرت فرمودند
که افطار میکند یا مفطر می شود در وقتیکه حائض می شود و روی علی بن الحکم عن ابی حمزة
عن ابی جعفر صلوة الله علیه قال سالته عن امراة مرضت فی شهر رمضان او طمثت او
سافرت فماتت قبل ان یخرج شهر رمضان هل تقضی عنها قال اما الطمث والمرض فلا
واما السفر فنعم و در صحیح منقول است از ابو حمزه که گفت سوال کردم از حضرت امام
محمد باقر صلوة الله علیه از زنی که بیمار شود در ماه رمضان یا حائض شود یا مسافر شود

و بمیرد پیش از آنکه ماه رمضان بیرون رود آیا از او قضا میکنند روزه را که خورده است
حضرت فرمودند که اما ایام مرض و حیض را قضا نمیکنند چون وقت قضا بهم نرسید
که قضا کند و اما ایام سفر را قضا میکنند چون سفر باختیار او بوده است و غالبا چنین است
و بهمین مضمون است حدیث موثق کالصحیح محمد بن مسلم از حضرت امام جعفر صادق صلوة
الله علیه و قوی کالصحیح از منصور بن حازم از آنحضرت ص و در موثق کالصحیح از ابو بصیر
منقول است که گفت از آنحضرت ص سوال کردم از شخصی که در ماه رمضان سفر رود
و پیش از آنکه قضا کند بمیرد حضرت فرمودند که قضا میکنند او را بهترین اهل بیت
او [illegible] بعد از وقوع گفته اند که علی [illegible] اولی است از عمل قضا و [illegible]
که [illegible] از قضا [illegible] قرار میکنند و مسافر را ممکن بود که سفر نرود و بکند
بخلاف حائض و مریض که حیض و مرض اختیاری ایشان نیست و احوط آنست که ترک
نکنند ولی قضای مسافر را چون روایات معارض است و لیکن جزم بوجوب نیز مشکل
است باعتبار اوامر حدیث و در خصوص مرض در صحیح از ابی بصیر منقول است که گفت
سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از زنی که در ماه رمضان بیمار شد
و در شوال فوت شد و بمن وصیت کرد که روزه او را قضا کنم حضرت فرمودند که آیا از
مرض به شد گفتم نه بمرد در آن مرض حضرت فرمودند که از او قضا نمیخواهد
کرد یا نمیباید کرد زیرا که حق سبحانه و تعالی بر او واجب نکرده بود چون فرصت قضا نیافت
عرض کردم که چون وصیت کرده است میخواهم که از جهت او قضا کنم حضرت فرمودند که
چون قضا میکنی چیزی را که حق سبحانه و تعالی بر او واجب نگردانیده بود و لیکن اگر میخواهی
که از جهت خود روزه میگیری خوب است یعنی از جهت خود روزه بگیر و ثوابش را
باو قربت کن و احادیث بسیار وارد شده است که از جهت میت عبادت میتوان کرد
و ظاهرا مبالغه حضرت در اینجا از برای دفع توهم وجوب است والله تعالی یعلم

این باب است در قضای روزه ماه رمضان

و روی ابن مسکان عن محمد بن جعفر قال قلت لابی الحسن صلوات الله علیه ان امرأتی جعلت
علی نفسها صوم شهرین فوضعت ولدها وادرکها الحبل فلم تقو علی الصوم قال
فلتصدق مکان کل یوم مد علی مسکین و در صحیح منقول است از ابن مسکان از محمد
جعفر اوضح ... چون ابن مسکان از اهل اجماع است که گفت عرض نمودم بحضرت
امام موسی کاظم صلوات الله علیه که زن من بر خود مقرر ساخته است بنذر یا در دل که دو ماه
بدارد و بواسطه سلامتی وضع حمل بوده است که اگر بسلامت بزایم دو ماه روزه
بگیرم پس امروز زائیده و دیگر آبستن شد و قوت دو ماه روزه ندارد حضرت
فرمودند که از جهت هر روز از خود تصدق کند بر مسکینی و احادیث بسیار در این باب
وارد شده است و خواهد آمد باب قضاء صوم شهر رمضان روی عقبة بن
خالد عن ابی عبد الله صلوات الله علیه فی رجل مرض فی شهر رمضان فلما برأ اراد الحج
کیف یصنع بقضاء الصوم قال اذا رجع فلیصمه یا فلیقضه ابن بابویه است در قضای
روزه ماه رمضان مروی است در قوی کالصحیح از عقبه مروی که گفت از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه در شخصی که در ماه رمضان بیمار شود و چون خوب شود
اراده حج کند چگونه قضای روزه خود در سفر میتواند گرفت حضرت فرمودند
هرگاه از سفر مراجعت نماید روزه قضا را بگیرد یا روزه را قضا کند و این حدیث
دلالت میکند بر آنکه قضای رمضان را نیز در سفر نتوان گرفت و بعضی گفته اند
که مطلق واجب را نمیتوان و مستحب را میتوان و بعضی گفته اند نه واجب و نه مستحب
را و اولی و احوط است چنانکه گذشت و سأله عبد الرحمن بن ابی عبد الله عن قضاء شهر
رمضان فی ذی الحجة واقطعه قال لا بأس و منقول است در صحیح از عبد الرحمن که گفت
سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از قضا کردن ماه رمضان در ذی الحجه
باعتبار آنکه نمیتوان پی در پی داشت ساختن و قضا را مثل ادا می باید کرد متتابع

باب است در قضای ...

حضرت فرمودند که قضا را در ماه ذی الحجه بدار که مطلوب است صوم نه روز اول آن
در روزهای دیگرش که گذشت و اگر خواهی قضا را در هر وقت واقع سازی قطع کن
و احتمال دیگر آنست که آن شخص متعلق باشد یا قصد یعنی اگر خواهی که در ماه ذی الحجه
واقع سازی واقع ساز اما قطع کن یا نکن و بعید دارد ... عدم تحقق
هلال یا باضعف ... و ایام تشریق را مدار و ... چنانکه
در صحیح از حلبی منقول است که عرض کردم که اگر از ماه قضای رمضان داشته باشم
میتوانم در ماه ذی الحجه قضا کنم حضرت فرمودند که بلی و ظاهرا ...
اعتقاد این بوده است که واجب است که قضای رمضان را متتابع بگیرند چنانکه ادا را
واجب است و حضرت فرمودند که هر که با فریضه فوت شود ... چون شروع است قضا
کند و ظاهر میشود که بعضی اختصاص ... نمیتوان گرفتن در ماه
ذی الحجه روزه قضا گرفتن چون تتابع متحقق نمیشود و در موثق از عمار منقول است
از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از پدرانش صلوات الله علیهم که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فرمودند که در قضای ماه رمضان اگر عاجز باشد بر تتابع متفرق
روزه میگیرد و فرمودند که قضا نگیرند ماه رمضان را در دهه ذی الحجه و ظاهرا بجای
عشر ... بوده است و شاید وقوع حج ... حساب کرد که مجموع ده روز را چنانکه دانم
شده است که ده روزه دو حرام است باعتبار عید و ایام تشریق و اگر شهر باشد
نیز باعتبار خواهد بود و اگر عاشر بر رسم الخط عشر نوشته باشند ظاهرتر است
و شهید رحمه الله ذکر کرده است که کراهت ندارد قضای رمضان در دهه ذی الحجه
و اگر عشر ... است مراد ... است و روایتی که از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول
است محمول بر تقیه ضعیف است بنابر آنکه حفص است و سنی است و شیخ طوسی رحمه الله ذکر
کرده است که نهی محمول است بر آنکه در سفر باشد والله تعالی اعلم و روی الحلبی عن ابی عبد الله

صلى الله عليه قال اذا كان على الرجل شيء من صوم شهر رمضان فليقضه في اي
شهر شاء اياما متتابعة فان لم يستطع فليقضه كيف شاء وليحص الايام فان
فرق فحسن وان تابع فحسن و با سانيد صحيح منقول است که حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله عليه فرمودند که هرگاه بر شخصی از قضای روزه ماه رمضان چیزی باشد پس
باید که او قضا کند در هر ماهی که خواهد پی در پی قضا کند و اگر مشکل باشد بر او پی در پی
که خواهد قضا کند و می باید که ایام قضا را حساب نگاه دارد که عدد را بگیرد اگر متفرق
کند خوب است و اگر پی در پی جا آورد ساز د خوب است یعنی خوبتر است تو بیشتر اول احادیث
و همین مضمون است حديث صحيح عبد الله بن سنان و حسن کالصحیح حلبی و عبد الله
ابا عبد الله صلوات الله عليه و اما حدیث عمار در موثق که گفت سؤال کردم از آن حضرت صادق از شخصی که چند
روزه از ماه رمضان بر او باشد چگونه قضا کند حضرت فرمودند که اگر دو روز باشد باید که روزه را
افطار کند در میان و اگر پنج روز باشد چند روز در میان افطار کند و زیاده از شش روز
را متتابع نکند و اگر هشت یا ده روز باشد یک روز را افطار کند و حمل کرده اند بر تقیه
یا ضعف جماعت فقها اگر چه حدیث عمار بی ضعف بسیار نمی است و بر تقدیر کم
جایز باشد بعد ثبات و علی ای حال سهل نیست که با تعارض احادیث صحیح جایز نیست
عمل بحدیث او کردن و سأل سليمان بن جعفر الجعفري ابا الحسن الرضا صلوات الله عليه
عن الرجل يكون عليه ايام من شهر رمضان ايقضيها متفرقة قال لا بأس بتفريق قضاء
شهر رمضان انما الصيام الذي لا يفرق صوم كفارة الظهار وكفارة الدم وكفارة اليمين
و در صحیح حسن کالصحیح منقول است از سليمان که گفت سؤال کردم از حضرت امام رضا از شخصی
که بر او روزه باشد چند روز از قضای ماه رمضان آیا متفرقه بجا میتوان آورد حضرت
فرمودند که باکی نیست اشعار دارد باینکه متتابع بهتر است بلی بسیار نیکو است روزه را
که متفرق میتوان بجا آوردن روزه کفاره ظهار است یعنی هر چه دو ماه پی در پی مساید

بی واجب است و مانند کفاره قتل خطا و عمدا و اعتکاف در ماه رمضان و نذر متتابع
و امثال آن دیگر صوم دم متعه است و آن سه روز در حج است که الله متتابع است
و در هفت دیگر خلاف است که خواهد آمد دیگر روزه کفاره یمین است که حق سبحانه
و تعالی فرموده است که بنده آزاد کنند یا ده مسکین را طعام دهند یا بپوشانند
و اگر عاجز شوند سه روز روزه بگیرند و این سه روز را پی در پی میباید داشت
و از امثال این اخبار ظاهر می شود که قضای ماه رمضان واجب موسع است و خوبی است
تا وقتیکه عمد از آن زمان ما نع باشد تا رمضان چنانکه گذشت که زنان رسول الله
صلى الله عليه و آله تاخیر میکردند قضای ماه رمضان را تا شعبان و از این باب احادیث
بسیار است غافل مباش از آن چون در هر جا ذکر کردن سبب تطویل است و روی جمیل عن
زرارة عن ابي جعفر صلوات الله عليه في الرجل يمرض فيدركه شهر رمضان ويخرج عنه
وهو مريض فلا يصح حتى يدركه شهر رمضان آخر قال يتصدق عن الاول ويصوم الثاني
وان كان صح فيما بينهما ولم يصم حتى ادركه شهر رمضان آخر صامهما جميعا ويتصدق
عن الاول و در صحیح منقول است از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در شخصی
که بیمار شود در ماه رمضان داخل شود و او بیمار باشد و در بیمار باشد و خوب نشود
تا ماه رمضان دیگر حضرت فرمودند که از جهت روزه ماه رمضان اول تصدق میکند
از جهت هر روزی یک مدی از طعام و روزه ماه دوم را میدارد و اگر صحیح شده باشد
در عرض سال و روزه نگرفته باشد تا ماه رمضان دوم رسیده باشد و هر دو
را روزه میگیرد ثانی را ادا و اول را قضا بعد از ماه رمضان دوم و تصدق نیز میکند
از جهت تقصیر در قضاء اول و همین مضمون است حديث صحیح کنانی از ابی عبد الله
و در طریق محمد بن فضیل است و بر تقدیر ضعف با جهالت ظاهر اثر ندارد و چون
کتاب کنانی اشهر من الشمس بوده مثل خودش و حضرت صادق صلوات الله علیه

ابدا او ازو بی عیب فرموده است و ما عابت شدیم ام صحیح در متون اخبار
اندوکم است که اخبار او روایت کرده باشد موافق بوده باشد فتاوی اصحاب باشد
و حدیث عمار را از جهت نوشتن ابوبصیر او ازین اخبار میدانند که ضعیف مطلق اصحاب
خبر عمار را اعتماد نکنیم و این اخبار را صحیح میدانم ولیکن چون التزام نموده ام که
بقانون متاخرین عمل نمایم امثال این اخبار را که تصحیح می نمایم با اخبار ایشان و امثال
این حدیث و ثبت احکام کرده اند بر تهاون چون حدیث حسن که صحیح منقول است از محمد بن
مسلم که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از مردی که روزه ماه رمضان
از او فوت شد که در ماه رمضان بیمار شد و در وقت نکند تا ماه رمضان دیگر برسد حضرت
حضرت فرمودند که اگر صحت یافته باشد و تقصیر کرده باشد و چون آنکه ماه
رمضان دیگر داخل شود این روزه را بگیرد و از جهت هر روزی مدی طعام بمسکین
دهد و قضا کند روزه ماه رمضان اول را بعد از این رمضان و اگر همیشه بیمار باشد
تا ماه رمضان دیگر برسد این ماه را روزه می گیرد و از جهت تاخیر رمضان اول
هر روزی مدی از طعام میدهد بر و قضا واجب نیست و بهمین مضمون است حدیث
ابوبصیر که بحسب اصطلاح ضعیف می نامند چون در طریق او قاسم بن محمد جوهری است ولیکن
چون از مشایخ اجازه کتب فضلا است حسین بن سعید و فضلای عظیم الشان از او
روایت کرده اند و احادیث او بر مثل احادیث فضلا است بهذا یکی شیخ احمد امثال محمد بن
شیخ از قدما در عمل با حادیث او توقف نکرده اند و جرح او نکرده اند و ثقات صحیح که
و اتم شود و جهش همین است که از اجلاء مشایخ اجازه کتب است و از متاخرین کسی
که منقح علم شرح است یعنی شیخ طاهر جد مولانا عبدالله تستری است د
همچنین ثقه صدوق شیخ حسن بن شیخ زین الملة و الدین انار الله تعالی برهانهم الحمد
و چون جل متاخرین حدیث او را ضعیف میدانند این ضعف نه ضعف او را ذکر

مسلم

مسلم و غیره که تصحیح میکنیم علامه اعلی الله مقامه باسم صاحب کتاب و بس مجملا ابوبصیر روایت
کرده است یعنی مصرف را که اگر تهاون کرده است و ظاهر امر آنست که مراد از تهاون
آنست که در خاطر نداشته باشد قضا را و عزم تهاون آنست که در خاطر داشته
باشد که قضا کند و موانع سهل بهم رسد تا ماه رمضان دیگر بیاید و اظهر آنچه مشهور
است مجموع اخبار آنست که ترتب بر عدم تهاون باشد و اگر تهاون نکرده باشد کفاره
بدهد و قضا بکند و بسبب حدیث قوی سعید بن سعد از شخصی از حضرت
ابوالحسن اول یا ثانی صلوات الله علیهما که آن شخص گفت از آنحضرت سوال کردم از شخصی که
بیمار باشد در ماه رمضان و بعد از آن صحت یابد و تاخیر کند قضا را یکسال یا کمتر
باشد و بسبب این تاخیر بر وجه چیزیست حضرت فرمودند که دوست میدارم که قضا
را تعجیل کند پس اگر تاخیر کند بصدقه چیزی بدهد و از جهت جمع بین الاخبار حمل
کرده اند این حدیث را بعدم تهاون و ظاهر این حدیث آنست که حکم استحبابی است
که چیزی نیست و منافات ندارد با لزوم کفاره چنانکه مذکور شد یا اکثر جهالت و
ارسال مانع نیست الا آنکه بعد تخصیص دهیم احادیث را با احتمال است که انعام مدی محمول
بر استحباب باشد و در حدیث صحیح عبدالله بن سنان از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه و موثق سماعه مذکور است که قضا و کفاره هست اگر چه تا رمضان
دیگر بیمار باشد و قضا محمول است بر استحباب چون حضرت نسبت بخود فرمودند
که من بیمار شدم تا رمضان دیگر و قضا کردم و کفاره دادم و احوط قضا است باعتبار
عموم آیه که مطلق بیمار را حق سبحانه و تعالی قضا فرموده است و در تخصیص قرآن
مجید باخبار آحاد کلامی هست اگر چه این اخبار قریب بتواتر است و اعتقاد جمعی
متواتر است ولیکن احتیاط منافات ندارد با عمل والله تعالی اعلم و من فاته شهر رمضان
حتی یدخل الشهر الثالث من مرض فعلیه ان یصوم هذا الذی دخل و یتصدق

عن الاول لکل یوم مد من طعام ویقضی الثانی واین عبارت صریح است که هرگاه
از مضمون خبر مذکور ذکر کرده شد که هرگاه کسی را ماه رمضان دیگر درآید و شود
تا سیم داخل شود و در بین بیمار باشد و الحال صحیح شود پس واجب است که روزه ثانی
را بگیرد و روزه نگیرد از جهت ماه رمضان اول تصدق کند هر روزی یک مد از طعام در
دوم را قضا کند و عبارت اول تقریبا چنین است که اگر فوت شود از تو دو ماه رمضان
داخل شود ماه سیم و او بیمار باشد الخ و ظاهر این عبارت آنست که ثانی را قضا
میکند اگر چه جایز باشد و حمل بر استحباب باید کرد چنانکه در حدیث سماعه منقول
است که حضرت فرمودند که من بیمار بودم در سه رمضان رمضان گذشت گفت از
صحیح نشدم و بماه رمضان رسیدم و از جهت گذشته تصدق کردم از جهت
هر روزی یک مد از طعام و چون حق سبحانه و تعالی مرا شفا داد هر سه ماه را روزه
گرفتم اگر چه سال که برود و وقف نکند خلاف است کمال جهت هر سال تصدق باید
کرد حتی عموم با اطلاق احادیث شامل آن هست با اگر معتبر نشود چون
ظاهر سال اول است و اهل و اولیت بر متقدمان زیاده و احوط تکرار است اگر چه اظهر
عدم وجوب است و روی الحسن بن محبوب عن الحرث بن محمد عن یزید العجلی عن ابی جعفر
صلوات الله علیه فی رجل اتی اهله فی یوم یقضیه من شهر رمضان قال ان کان اتی
اهله قبل الزوال فلا شیء علیه الا یوما مکان یوم وان اتی اهله بعد زوال الشمس
فان علیه ان یتصدق علی عشرة مساکین لکل مسکین مد فان لم یقدر علیه صام یوما
مکان یوم وصام ثلثة ایام کفارة لما صنع و در صحیح منقول است چنین از حارث و
اداء امثال اصول است اگر چه توثیق صریحی ندارد و با صطلاح علامه ضعیف است
ولکن در منتهی حکم بصحت این حدیث کرده است سهوا زیرا که در ارکان ارابعه است
وحتی محمد حدیث است چون کتب بریدیا العجلی شارحا حارث روایت کرده بود

کار حدیث را اصل یاسید ندارد اصل آن بجماعت و مدار محدثین و علمای شیعه روایتی
اصول بوده اجماع کرده اند بر صحت آن چون حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه فرموده اند
ارحل ثواب اینها کار و یونس نقل کرده است که من عرض کتب ندا داشتم و بر حضرت
امام رضا صلوات الله علیه عرض کردم هر کتابی را که حضرت صحیح کرده بود جلی او بعد از تعلق
روزه دیگر از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت میکند در شخصی که با اهل
خود جماع کرده در روزی که او قضا میکند از ماه رمضان حضرت فرمودند که اگر جماع
پیش از زوال باشد و بیست کفاره
دکنا... اگر انرا زیاده حساب
بکند در روز دیگر می گیرد و اگر
جماع بعد
یعنی بعد زوال باشد از خط ضعف اینها دین برو است که تصدق کند بر ده مسکین
هر مسکینی یک مد از طعام و اگر قدرت بر آن نداشته باشد قضا میکند روز دیگر
را و سه روز روزه میدارد بکفاره انچه کرده است و موید این حدیث است صحیح
هشام بن سالم که گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که شخصی
با اهل خود جماع کرد در قضای ماه رمضان حضرت فرمودند اگر پیشتر از عصر است
روزه چیزی نیست در روز دیگر را روزه میدارد و اگر بعد از عصر است آن روز را روزه
میدارد و ده مسکین را طعام میدهد و اگر ممکن نباشد سه روز روزه میگیرد
و بعد از زوال را عصر میگویند چنانکه گذشت که عشا میگویند و در حدیثی است ان افطر
قبل الزوال فلا شیء علیه وان افطر بعد الزوال فعلیه الکفارة مثل ما علی من
افطر یوما من شهر رمضان و چند روایتی وارد شده است و ان موثق است کالصحیح
زراره است که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از شخصی که
روزه قضای ماه رمضان گیرد و جماع کند با زن خود حضرت فرمودند که کفاره
او کفاره اصل ماه رمضان است زیرا که این روزه عوض حق سبحانه و تعالی از رمضان
است چون بعوض رمضان از بنده قبول میکند و ظاهرا حدیث صدوق عین
این حدیث باشد چون حدیث تفصیل قبل از زوال و بعد از زوال میشود

در حدیث صدوق هست و در تهذیب علت هست و در حدیث صدوق نیست
و حکمی است که اختصار کرده باشد و در فقه رضوی تفصیل هست و در رسیده که
عبارت صدوق عبارت فقه باشد و در فقه اول این کفاره را ذکر کرده است و کفاره
ثانی را بعنوان روی ذکر کرده است و فتاوی ان مثل ظاهر صدوق تحقیق است و این
جمع بهتر است از جمع شیخ رحمه الله که اگر افطار از روی تهاون و استخفاف باشد
کفاره کبری است والا صغری و در روایت موثق از عمار منقول است از انحضرت
از شخصی که چند روز قضا بر او باشد و خواهد که قضا کند تا چه وقت نیت قضا
میتواند کرد حضرت فرمودند که تا زوال و اگر نیت میتواند کرد و چون زوال شد اگر
نیت صوم کرده است روزه را تمام کند و اگر نیت افطار داشته مجزی دارد از انحضرت
سوال کردند که اگر نیت افطار داشته باشد بعد از زوال نیت میتواند کرد حضرت
فرمودند که نه و سوال کردند که اگر نیت صوم کند و بعد از زوال افطار کند حضرت فرمودند
که بد کرده است و بروی چیزی نیست مگر قضای همین روز که میخواسته بگیرد پس روایات
را حمل میتوان کرد بر انکه نیت صوم را بعد از زوال کرده باشد و تا کردنش همین باشد
که بعد از زوال نیت کرده است یا اگر نیت کرده باشد و بعد از زوال افطار کند
بهتر است اما از قضا حساب نکند و محتمل است که مراد نیت شب باشد که اگر شب
نیت کرده باشد بعد از زوال حرام باشد افطار و اگر روز کرده باشد حرام نباشد
و احتمال اظهر انست که مراد نیت پیش از زوال باشد و در بعضی روایت کفاره نباشد
و اگر شب نیت کرده باشد کفاره لازم باشد و این نحو در جمع بین الاخبار اظهر
و اگر حدیث عمار را اعتبار کنیم و چون نزد این ضعیف اعتبار ندارد احتیاج
تاویل نیز ندارد و لیکن انچه وارد شده است مهما امکن نقل میکنم که اگر جمعی عمل
کنند بکنند و چون حرکتی باطل نیست والله تعالی یعلم و در موثق سماعة عن ابی بصیر قال

سئل ابا عبد الله صلوات الله علیه عن المراة تقضي شهر رمضان فيكرهها زوجها على
الافطار فقال لا ينبغي ان يكرهها بعد زوال الشمس و در موثق از ابو بصیر منقول است که
سوال کردم از زنی که قضا کند ماه رمضان را و شوهرش او را افطار فرماید در روز حضرت
فرمودند که سزاوار نیست که زن را اکراه کند بر افطار بعد از زوال افتاب و ظاهرش
کراهت است چون نهی از جماع جایز است و زن را باختیار جایز نیست پس اگر جبر کند و
با او جماع کند مشهور انست که روزه زن صحیح است مگر انکه در اثنای جماع راضی شود که
در بعضی روایت شده که کفاره یا قضا لازم می شود خواه در اداء و خواه در قضا و سالم
سماعة عن قول الصائم بالخيار الى زوال الشمس قال ان ذلك في الفريضة واما في النافلة
فله ان يفطر اي ساعة شاء الى غروب الشمس و منقول است در موثق از سماعة که گفت
سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از قول الصائم که صائم تا پیش
مختار است در صوم و افطار حضرت فرمودند که این حکم در روزه واجب معین است
نه در مطلق و کفاره و غیر ان و احتمال دارد که قضا مراد باشد و بیش چون این شایع است
و اما در روزه سنت هر وقت که خواهد تا شام افطار میتواند کرد و مثل حج سنت و نماز
سنت نیست که شروع در ان واجب نمی شود چنانکه در صحیح از جمیل منقول است که
حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که شخصی که قضای ماه رمضان میکند
تا اول ظهر اختیار دارد و اگر سنت باشد تا غروب افتاب مختار است و بمضمون حضرت
است صحیح عبد الله بن سنان و کالصحیح اسحاق از انحضرت صلوة الله علیه و در
حدیثی وارد شده است که اگر نیت کرده باشد در شب می باید کرد و اگر در روز نیت
کرده باشد تا زوال اختیار دارد و بعد از ان می باید که بگیرد و این حدیث شامل قضا
و سنت هست و در حدیث دیگر از انحضرت وارد شده است که روزه سنت را
نیز میتواند خورد و بعد از ظهر نمیتواند خوردن و محمول است بر تاکید استحباب

در موثق [illegible] بن فضال عن صالح بن عبد الله الخثعمی قال سألت ابا عبد الله صلوة
الله علیه عن الرجل ینوی الصوم فیلقاه اخوه الذی هو علی امره فیسأله ان یفطر
ایفطر قال ان کان تطوعا اجزاه وحسب له وان کان قضاء فریضة قضاه و کالصحیح
منقول است از صالح که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از شخصی که
نیت صوم داشته باشد و برادر مومنی که هم مذهب او باشد تکلیف کند او را که
افطار کند حضرت فرمودند که افطار میکند و اگر روزه سنت باشد در نامهٔ عملش روزه
نوشته می شود بهفتاد و یا بسیصد و شصت برابر چنانکه گذشت و اگر روزهٔ قضا
باشد بروز دیگر قضا خواهد کرد و محمول است بر افطار پیش از ظهر و یا بعد از ظهر هم اگر
خورده باشد قضا میکند و منافات ندارد که آثم باشد و کفاره نیز لازم باشد و اذا
اصبح الرجل ولیس من نفسه الصوم ثم بدا له ان یصوم و هرگاه شخصی صبح کند و در خاطرش
نداشته باشد که روزه بگیرد و بعد از آن بخاطرش رسد که روزه بگیرد میتواند
روزه گرفتن و لازم نیست از جهت صحت صوم که شب نیت کرده باشد اگرچه شرط
است در کمال آن و بدین مضمون وارد است احادیث صحیحه بسیار چنانکه مروی است
در صحیح از عبد الرحمن بن حجاج از حضرت امام موسی کاظم صلوة الله علیه که از آنحضرت
سؤال کردند از شخصی که در خاطر نداشته باشد که روزه بگیرد و در چاشت یا روز
بخاطرش رسید که قضای ماه رمضان بدارد و چاشت نیت کرده باشد حضرت
فرمودند که اگر مفطری تحصیل ننموده باشد میگیرد و از قضا حساب میکند و در
صحیح از هشام بن سالم منقول است که بحضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه عرض نمودم
که هرگاه شخصی در صباح قصد روزه نداشته باشد و چون روز بلند شد بخاطرش
رسید که روزه بگیرد حضرت فرمودند که اگر پیش از ظهر نیت کند کل روز را روزه
داشته است و ثواب جمیع را دارد و اگر بعد از زوال نیت کند از آنوقت حساب

میکند

میکند و بدین مضمون است احادیث صحیحه بسیار و ظاهر این حدیث و احادیث متکثره
اعم است از واجب و سنت و اکثر اصحاب احادیث مطلقه را حمل بر سنت کرده اند چون
احادیث مخصوصه در سنت بسیار است و حمل اکثر بر واجب نیز وارد شده است چنانکه
در حسنه کالصحیح و موثقه کالصحیح و در بسیاری کالصحیح بر وفق وارد شده است از حضرت
امام جعفر صادق صلوة الله علیه و حضرت امام موسی کاظم صلوة الله علیه که بعد از نصف روز
قصد روزهٔ قضای ماه رمضان میتوان کرد و حمل میتوان کرد بر قضای احتیاطی که جزم
نداشته باشد و احوط آنست که در قضای محقق اکتفا بچنین روزه نکند و احوط
آنست که اگر در شب نیت قضای رمضان کرده باشد آنروز را قبل از ظهر نیز نخورد
چنانکه در صحیح عبد الرحمن منقول است که گفت از آنحضرت ص سؤال کردم از شخصی که قضای
ماه رمضان کند آیا قبل از زوال افطار میتواند کرد حضرت فرمودند که اگر شب نیت
قضای ماه رمضان کرده باشد آنروز را نخورد [illegible]
ظهر نیت قضای ماه رمضان میتواند کرد اگرچه شب نیت نکرده باشد و حضرت فرمودند
که یعنی اگر چیزی نخورده باشد [illegible] یعنی اختیار او است که اگر نیت [illegible]
در شب کرده باشد آنروز را نخورد و اگر بخورد عوض بگیرد و سئل عن الصائم المتطوع
تعرض له الحاجة قال هو بالخیار ما بینه و بین العصر و ان مکث حتی العصر ثم بدا له
ان یصوم و لم یکن نوی ذلک فله ان یصوم ذلک الیوم ان شاء و منقول است
در موثق کالصحیح از ابو بصیر که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه سؤال
کردم از صایمی که روزه سنت گرفته باشد و او را کاری پیش آید که نتواند روزه
بردن چکند حضرت فرمودند که تا عصر اختیار دارد و میتواند خورد و اگر تا
عصر چیزی نخورده باشد و بخاطرش رسد که آنروز را روزه دارد و نیت
نکرده باشد از آنوقت نیت میتواند کرد ولیکن ثواب از آنوقت تا شام را دارد

واذا طهرت الحائض من حيضها وقد بقي عليها بقية يوم امسكت بقية المقدار
تاديبا وعليها القضاء لذلك اليوم وان حاضت وقد بقي عليها بقية يوم افطرت
وعليها القضاء وهرگاه زن پاک شود از حیض واز روز بقیه مانده باشد امروز را
امساک کند استحبابا از جهت تشبیه بروزه داران وان روز را قضا میکند واگر
در اثنای روز حائض شود افطار میکند وقضا میکند واحادیث درین معنی متواتر
است واین عبارت عبارت ابو بصیر اقرب است وظاهرا مراد او از کتاب ابو بصیر بوده باشد
است واذا وجب على الرجل صيام شهرين متتابعين فصام شهرا ولم يصم من الشهر
الثاني شيئا فعليه ان يعيد صومه فان صام من الشهر الاول الا ان يكون افطر لمرض فله
ان يبني على ما صام فان [illegible] وحل [illegible] فان صام شهرا وصام من الشهر الثاني
اياما ثم افطر فعليه ان يبني على ما صام عبارت فقه رضوی است که هرگاه بر او واجب شود
بر شخصی دو ماه پی در پی خواه در کفاره ماه رمضان باشد خواه غیر ان وکلا
ماه پی در پی نگیرد و روزی از ماه دوم چیزی گرفته باشد وافطار کند پس بر وی است که همه را
از سر گیرد دو ماه اول را [illegible] اگر افطار پس از جهت بیماری باشد که در حکم
ضرورت است [illegible] بنا بر آنچه روزه گرفته است وتمام میکند از انکه
حق سبحانه وتعالی او را حبس کرده بود واولی است تقبیل عذر شود واگر یکماه روزه
بدارد واز ماه دوم چند روزی روزه گرفته باشد اگر افطار کند بنا بی نهد بر آنچه
روزه گرفته است بنا کند در فقه رضوی عبارت اخر مقدم است ودر اینجا افطار
مذکور بود در عبارت حدیث دوم بکار نبود وصدوق مقدم را موخر کرده است وعقل
شرع [illegible] عبارت اخیر مشروع است وانکه در تتابع یکماه وچند روز
باید بر سبیل استحباب است ویکماه ودیگر یکروز کافی است ودر فقه استظهاری ظاهرا
کرده است در اینجا که گفته است که از ماه دوم هیچ چیز گرفته باشد که متعرض

بر انکه یکماه و یکروز کافی است واین فساد بجز از تقدیم موخر ناشی شده است ورای
مضامین احادیث صحیحه وارد شده است ودر ابتدا ما انکه در مرض بنا بی نهد در صحیح
ابن رفاعه منقول است که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی
که دو ماه پی در پی بر او باشد که دو ماه را پی در پی بیمار شود حضرت فرمودند که بعد از صحت
بنا بر آن ماه میگذارد زیرا که حق سبحانه وتعالی او را حبس کرده است عرض نمودم که هرگاه
زنی دو ماه پی در پی بر او باشد وروزه بگیرد وایام حیض را افطار کند حضرت
فرمودند که ایام حیض را او قضا میکند بعد از دو ماه عمل میکند عرض نمودم که هرگاه
[illegible] است ویاس رسیده باشد [illegible] دو ماه پی در پی روزه بگیرد
حضرت فرمودند که اعاده میکند وانچه را گذاشته صحیح است وهمین مضمون است
صحیح محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه [illegible] از انحضرت ص
واما حدیث صحیح حسن ومحمد بن حمران از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مرد
ازادی که دو ماه پی در پی روزه بر او لازم شده باشد [illegible] بنا بی نهد وحدیث
ابو بصیر از انحضرت ص که گفت سوال کردم از قطع روزه کفاره یمین وکفاره ظهار وکفاره
قتل حضرت فرمودند که اگر بر شخصی دو ماه روزه پی در پی باشد وافطار کند یا بیمار
شود در ماه اول پس بر وی است که اعاده کند روزه را واگر ماه اول را گرفته باشد واز
ماه دوم بعضی را گرفته باشد و او را عذری بهم رسد بنا بی نهد وتمام میکند واین
روایات صریح اند در اعاده بسبب مرض پس محمول اند بر استحباب وظاهر اخبار
دیگر نیز مشعر است باین معنی مثل حدیث صحیح حلبی که گفت حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه فرمودند که روزه کفاره ظهار دو ماه پی در پی است وتتابع انست که
یکماه را تمام روزه بدارد واز ماه دیگر چند روزی روزه بدارد اگر چه یکروز باشد
پس اگر عارض شود او را چیزی که باید افطار کند افطار کند وبعد از ان ماتبقی را

روز باشد وچون یکماه بگیرد
بیمار شود حضرت فرمودند
تمام میکرد واگر یکروز یا
دو روز زیاده گرفته باشد

بجا آورد و اگر یکماه روزه بدارد و بعد از آن او را حیضی عارض شود و افطار کند
پیش از آنکه از ماه دیگر چیزی گرفته باشد و تتابع بهم رسیده باشد کفاره را از سر گیرد
و در موثقه سماعه از سماعه منقول است که گفت از آنحضرت سوال کردم از شخصی که بر او باشد
دو ماه پی در پی آیا تفریق می تواند کرد در میان ایام حضرت فرمودند که هرگاه زیاده از
یکماه پی در پی بدارد و [illegible] پس اگر او را عارض شود امری و افطار کند باکی نیست
و اگر کمتر از یکماه باشد یا یکماه باشد روزه را از سر میگیرد و ظاهر این دو حدیث
آنست که اگر عارضی بهم رسد از مرض و حیض و امثال اینها اعاده باید کرد و احتلام
است اگر صبح بیدار شود و محتلم شده باشد چون احادیث بسیار است که اگر محتلم شده
باشد [illegible] اعاده [illegible] بدارد و مثل
بوده باشد [illegible] مشابهت ندارد بچیزی دیگر چون علما [illegible] کرده اما روزهای
دیگر را در وقت دیگر بجای می تواند آورد و جمعی از علما ما الحمد و استیناف و لیکن
[illegible] احادیث [illegible] احادیث صحیح [illegible] جمع بهتر است [illegible]
میکنیم که اعاده بر سبیل استحباب است یا عذر را داخل میکنیم و عذری که [illegible]
روزه تواند گرفت [illegible] از طرف احادیث بسیار [illegible] مثل حدیث [illegible]
کالصحیح از زراره که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از زنی
که بر خود واجب ساخته دو ماه پی در پی را بنذر و حایض شود چه کند حضرت
فرمودند که دو ماه را میدارد و هر چند از ایام حیض افطار نموده است در ماه سیم
بجای آورد تا دو ماه تمام شود عرض نمودم که اگر این زن یائسه شود اعاده
میکند این دو ماه را حضرت فرمودند که آنچه کرده است صحیح است و کالصحیح
بتصحیح ابن ولید در صحیح از سلیمان بن خالد منقول است که گفت از آنحضرت
سوال کردم از شخصی که بر او دو ماه پی در پی باشد و [illegible] روزه

بدارد

بدارد و بیمار شود و چون صحیح شود آیا بنا می نهد یا بجز کرده است یا حمد را
اعاده میکند حضرت فرمودند که بلکه بنا می نهد با بجز مشغول کرده است و این از
جمله چیزهائی است که حق سبحانه و تعالی برو غلبه کرده است و هر چه را او غلبه کند
و [illegible] ضعیف [illegible] نیست و [illegible] احادیث [illegible] علت است
مقدم است بر عنوان معلل و این علت از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و
ائمه طاهرین صلوات الله علیهم متواتر است که هر چه خدا غلبه کند او اولی است بقبول
عذر چون از جانب [illegible] و این اخبار [illegible] سهل
و امثال اینها مقدم است [illegible] شیخ رحمه الله حمل کرده است اخبار اعاده
را بر آنکه بیماری سهلی باشد که ممکنش باشد روزه با مشقت و چون ممکن
بوده است تتابع [illegible] اعاده میکند و این بسیار بعید است و احادیث که
از جهت آنکه ضرری خوردن واجب است و بیماری که [illegible] شود
[illegible] اضطرار [illegible] سوالها
میکرده اند اما تتابعی که واجب است در جاهای که شارع فرموده است اگر [illegible]
مکرر باشد مثل آنکه دو روز ماه رمضان را خورده باشد ظاهر [illegible] باشد
که دو ماه اول را قصد کند از جهت روزه اول و ثانی را از جهت ثانی اما
اگر اول را قصد کند از جهت ثانی آیا صحیح است ظاهر آنست که صحیح باشد چون
دلیلی نیست که دلالت کند بر ترتیب میان کفارات خواه از یک جنس باشند
یا از دو جنس مثل آنکه کفاره اعتکاف باشد یا کفاره ماه رمضان و اول ماه
رمضان را افطار کرده باشد اگر کفاره اعتکاف را اول بجا آورد ظاهرا صحیح باشد
[illegible] اگر داخل کند دو روز صحیح باشد مثل آنکه یکماه دیگر و از اول از جهت
یک کفاره بدارد و آن تمام نا کرده یکماه دیگر را از جهت کفاره دیگر [illegible]

بعضی از ین و بعضی از ان را بدارد صحیح باشد چون دلیلی بر تربیت نیامده از انجمله
گذشت نداریم مثلا اگر چیزی کفاره باشد اگر عمرا قصد کفاره کند و قصد
خصوص هر یک نکند صحیح باشد و درین مسئله جای تامل است اگر نیت
تعیین کند احوط است و هر جا که ما بر الاشتراک هست تعیین در انجا واقع
شود مستحب که در احصار سایر قرینات را اعتبار کرده اند و در امثال اینها
اما در حدیثی وارد شده و نیت ماه رمضان مکر در یوم الشک چون ظنی
است که بود و وجهی قسم خود و بعجب است در نیت قضا و سنت و امثال اینها
اصلا حدیثی در ماه رمضان وارد شده است بلکه هر که روزه میدارد و نیت
دارد که روزه بگیرد و نیت قصدی است که داعی است بر فعل و نفس لفظ را
در ان مدخلی نیست و خطور را نیست بلکه جمعی که روزه را میخورند نیت
ندارند و یکی اینها که روزه مثل از رجال مند و در ادا نیز جاری شد هر چند بعضی
از ان فقهاء باشد همین که میداند که ماه رمضان است نیت او هست و نیت
وجوب نیز ظاهر است هر گاه شرایط تکلیف باشد اما اگر نداند که بالغ است یا نه
در اینجا نیت عمیق اند کرد مگر انکه از عالمی تحقیق کند و او بگوید که احتیاطا
واجب است یا بگوید که اصل عدم وجوب است تا وجوب ظاهر نشود قصد سنت کن
یا بگوید که قصد واجب کن اگر در واقع مکلف باشی نیت کرده و اگر مکلف
نباشی نیت تمرینی کرده و اطفالی که میدانند بالغ نشده نیز نیت وجوب
از جهت ایشان بهتر است زیرا که بنا بر مذهب مشهور بر ایشان نه واجب است
و نه مستحب بلکه از جهت عادت کردن ایشان است بعبادت و عادت را
میباید کرد ایشان را یا میگوید چنین نیت کن که اگر بالغ باشم واجب باشد
والا تمرینی باشد یا مستحب و این بهتر است اما اگر شرایط تکلیف محقق باشد

۲ [illegible] کردن

میداند

میداند که روزه ماه رمضان است نیت باشد بلی چیزی که مشکل است نیت
قربت است که در همه عبادات بجا طلبیده اند و در چیزی چند که غالب الله
واقع نمیشود در انجا ذکر کرده اند مثل احادیثی که در زیارت برادر مؤمن چون
اکثر اهل دنیا یکدیگر را بواسطه الفتی که با یکدیگر دارند یا از جهت احتمال
نفعی یا رفع مضرتی می بینند و از جهت رضای الهی کم میباشد و در هم
حدیثی که وارد شده است که من زار اخاه المؤمن [illegible] الی الله تعالی است
مگر نادری و هم چنین در چند بر هم از حدیث که در نماز وارد شده است
حدیثی وارد شده است که من صلی لله [illegible] چون درضم نماز از جهت عادت
او است بر خلاف انها نمی باید که واقع شود و غالبا نمیشود و لهذا جماعت مطلق
است و شقاوت بسیار می باید که اصل نماز را از جهت خلق کند و از بن ها هم
است که کسی که چنین است در خانه و خلوت نماز نمیکند و در برابر مردم گاه
گاهی میکند که تارک الصلوة نگویند و هم چنین کسی [illegible] باطل است کجا
گفته اند که وما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین و چنین کسی باید
که سعی کند در تصحیح ایمانش بریاضات و مجاهدات تا ریا از نفس بیرون
رود و دیگر گفته می باید که عبادتش از جهت خوف جهنم باشد و بواسطه
طمع بهشت نباشد و از جهت محبت او باشد یا بگوید تعالی اهلا از باجیا
هستیا شکر الرب یا اطاعة له یا قربة الی الله باشد که قرب معنوی و ربط بجناب
اقدس او باشد و چون محال است که کسی یکی از ین حالات نداشته باشد یا
از جهت اینها واقع سازد مثل حب که عبادت از عشق معشوق عاشق باشد
و بوجود بنده که حالت حکیم دنیا هلاکت است که در دروغی بعوام گوید اما خود میداند
وحق سبحانه و تعالی میداند که کاذب است لهذا این امور در خصوص عبادات

که دارد شوم شخصی در رمضان بایی بجو دارد شوم است ان صلوتی و نسکی و محیای
و مماتی لله رب العالمین و دارد شوم است اما اث بعد دا مات فتعین و
ایشان یک که بجهر رسد در حج حاجیان می شود و اگر نیست عادتش از جهت
محبت [illegible] در روزه اش ملک نیست الحلال رمتی و خوردن و خوابیدن هم
می شود باقی اللهم الی اللهم ما صح الله ما اکبر دانی فی اللهم شود و باقی ما للهم باشد
از صلحا اللهم [illegible] علی مقامات المقربین بجاه محمد و آله الطاهرین و در [illegible]
موسی بن بکر عن الفضیل عن ابی عبد الله صلوات الله علیه قال فی رجل علیه صوم شهر
فصام منه خمسة عشر یوما ثم عرض له امر فقال ان کان صام خمسة عشر یوما
فله ان یقضی ما بقی و ان کان صام اقل من خمسة عشر یوما لم یجزه حتی یصوم شهرا
تاما و شیخ همین حدیث را بسندی دیگر از موسی بن بکر روایت کرده است
از حضرت و شبیه کرده است چون از کافی روایت کرده است و کافی شامل نقل است
والله تعالی اعلم و کالصحیح منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند
در شخصی که یکماه روزه بر او باشد در کافی و هو فی رجل جعل علیه [illegible] یعنی
یکماه روزه نذر یا عهد یا یمین بر او باشد و پانزده روز را روزه بگیرد و اورا
مانعی در سنه [illegible] که نتواند تمام کردن حضرت فرمودند که اگر پانزده روز گرفته بگیرد و
عارضی بهم رسد تغییر را بنا می نهد و اگر کمتر از پانزده روز گرفته باشد
ابتدا کرده است مجزی نیست تا آنکه یکماه تمام را روزه بگیرد [illegible] اصحاب
را عمل کرده اند باین عنوان که هرگاه یکماه روزه نذر داشته باشد و پانزده
روز بنا می نهد و از سر میگیرد و اگر بعد از پانزده روز مانعی بهم رسد
بنا می نهد و ظاهرا نیست ایشان را بهم رسد [illegible] که هر [illegible] کرده
شامل هر مانعی است که واجب باشد و بجویکه شیخان روایت کرده اند الحا[illegible]

بو اردو [illegible] تتابع و در کار
نیست و این حدیث [illegible]
ندارد [illegible] مطالب بلکه
[illegible] مینکند که اگر مانعی بهم رسد
[illegible] کمتر از پانزده روز

الحال [illegible] بان قیاس است [illegible] منصور بن حازم عن ابی عبد الله قال فی رجل صام فی
ظهار شعبان ثم ادرکه شهر رمضان قال یصوم شهر رمضان ثم یستانف الصوم
وان هو صام فی الظهار فزاد فی النصف یوما قضی بقیته و در صحیح منقول است از
منصور که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند در شخصی که در کفاره ظهار
ماه شعبان را روزه دارد و ماه رمضان ادراک [illegible] حضرت فرمودند که ماه رمضان را
روزه میدارد و روزه کفاره را از سر میگیرد و اگر از یکماه [illegible] روزه [illegible] باقی را
قضا میکند یعنی تمام میکند و از کلام حضرت ظاهر میشود که اگر روز شعبان
می افزود اگر [illegible] اطلاق شامل او هست و در چنین [illegible] در روزه شعبان
یکی آنکه معلوم نیست که ترتیب حاصل باشد [illegible] ظاهر میشود آنکه بعد
از یکماه و یکروز تتابع شرط نیست اما آنکه واجب نیست ظاهر میشود اگر تصریح
میشد بآنکه اگر در شعبان بگیرد از ماه رجب می افزود صحیح می بود و دلالت
میکرد بر آنکه تتابع واجب نیست و اگر نذر در ماه شعبان [illegible] روز رجب
صحیح بود مگر بآنکه از اول ماه رجب شروع کند تا آخر شعبان اگر چه هر دو سی کم
[illegible] باشد که صحیح است دوم آنکه اگر با ماه شعبان دو روز از رجب
ضم کنند صحیح است و اگر یکروز ضم کنند خلاف است در صحتش باعتبار آنکه
چون از میان ماه گرفته شود هر دو ماه را هلالی حساب میکنند یا هر دو را
عددی یا ماه میان را هلالی و طرفین را سی سی یا بآنکه هر دو را عددی حساب
کنند که آن باشد که ماه شعبان سی کم یک نو شود و یا هر روز رجب سی شود پس
چون در حالت شروع جزم نداند که سی کم یک خواهد شد یا نه جزم ندارد که
یکماه و یکروز خواهد شد و بعد احتمال آنست که صحتش موقوف باشد بآنکه اگر
ماه شعبان سی از شود صحیح باشد و الا باطل باشد و ظاهر این صحیح است

احادیث بسیار با ظاهر آیه اشکال حلالی حاصل میکند چون حضرة اکثرها فرموده‌اند
نه باحتیاج بکروز و تفصیل نفرموده‌اند که صحتش مشروط است بتمامی ماه شعبان و بروایت
بن محبوب عن ابی ایوب عن ابی عبدالله صلوة الله علیه فی رجل کان علیه صوم شهرین
متتابعین فی ظهار فصام ذا القعدة و دخل علیه ذو الحجة قال یصوم ذا الحجة کله
الا ایام التشریق ثم یقضیها فی اول یوم من المحرم حتی یتم ثلثة ایام فیکون قد
صام شهرین متتابعین قال و لا ینبغی له ان یقرب اهله حتی یقضی ثلثة ایام التشریق
التی لم یصمها و لا باس ان صام شهرا ثم صام من الشهر الذی یلیه ایاما ثم عرضت
له علة ان یقطعها ثم یقضی بعد تمام شهرین و منقول است حدیث صحیح از ابو ایوب از
حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه در شخصی که دو ماه پی در پی بر وی بوده باشد از
جهة کفاره ظهار و ماه ذی القعده را گرفته بود و ذو الحجه داخل شود حضرت
فرمودند که ماه ذو الحجه را تمام روزه میگیرد مگر روز عید و سه روز بعد از آن
که در منی چهار روز متعارف بود که اهل مکه گوشتهای قربانی را آفتاب میکردند
در آفتاب تا خشک شود و در عرض سال داشته باشند و اکثر اوقات ایام
تشریق را اطلاق میکنند بر سه روز بعد از عید و گاهی عید را نیز داخل
میکنند چون چهار روز عید شرع در خشک کردن میکردند و گاهی بمجاز لغوی
و در منی چهار روز مراد است و ممکن است که عید را بظهور که داشته باشند و
بعد از آن این چهار روز را قضا میکند از روز اول محرم تا در چهار روز از اول
محرم تا دو ماه پی در پی روزه گرفته باشد پس حضرت فرموده‌اند
که با اهل خود نزدیکی نمیکند تا سه روز ایام تشریق را قضا کند و سه روز
اینجا منافات ندارد با چهار که گذشت چون این سه روز آخر است و ظاهر است
که لفظ العید از قلم راوی یا از حفظ او افتاده باشد و ماکی نسخه که اکثر

گناه روزه گرفته باشد و از ماه بعد از آن چند روز گرفته باشد و او را
مانعی بهم رسد که قطع کند و مانعی را پی در پی واقع سازد و بعد از آن تتمه
دو ماه را بجا آورد یا نه و اگر دو ماه متحقق شود و ظاهر آنجا باشد لا
میکند بر آنکه تتابع در مانحن فیه واجب نیست که اگر واجب بودی و ابتدای آن از
ماه ذی القعده جایز نبود و مردی است در موثق از عبدالله بن سنان از
حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه از شخصی که در احصار نذر خود که یکسال
روزه بگیرد و نتواند یکسال را پی در پی بجا آورد حضرت فرمودند که تماد
بعضی را پی در پی واقع سازد و بعد از آن اگر متفرق باشد قضا ندارد چون
در عبارت نذر نیست که متتابع واقع سازد و شاید نیت کرده بود تتابع را
حضرة فرمودند که کلام دیگر و آن را پی در پی واقع سازد بر سبیل استحباب و محل
است که تحصیل مانع واجب شد یا در واقع قصد تتابع کرده باشد و محمول بر این
باشد و الله تعالی اعلم — باب — قضاء الصوم عن المیت صحیحاً ابان بن عثمان
عن ابی مریم الانصاری عن ابی عبدالله صلوة الله علیه قال اذا صام الرجل شیئا
من شهر رمضان ثم لم یزل مریضا حتی مات فلیس علیه قضاء و ان صح ثم مات
و کان له مال تصدق عنه مکان کل یوم بمد فان لم یکن له مال صام عنه ولیه ای
باب است در اخبار بکر و اردشیر است در قضای روزه از میت مروی است در
موثق کالصحیح یا صحیح از ابو مریم که حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند
که هرگاه شخصی بعضی از ماه رمضان را روزه بگیرد و بیمار شود و در آن بیماری
فوت شود بر او قضا نیست چون وقت قضا بهم نرسید و اگر صحت یابد
و بمیرد و مالی داشته باشد از او تصدق میکنند بدل هر روز مدی از طعام
و اگر چیزی نداشته باشد ولی که وارث است بحسب ظاهر یا پسر بزرگتر از او

قضا میکند و روزه داد شیخ در صحیح از ابو مریم همین روایت را نقل کرده است و بجای
صام تصدق است و این حدیث را از کتاب صغار روایت کرده است و ظاهر آنست که لفظ صام
در نسخه غلط باشد و ولی چنین باشد میان تصدق و صوم جمع کرد و روایات
متعارض در این باب وارد شده و بهتر آنست که احتیاط بجا آرد و در کافی مثل متن
و اذا مات الرجل و علیه من شهر رمضان فعلی ولیه ان یقضی عنه و کذلک من
فاته فی السفر و المرض الا ان یکون مات فی مرضه من قبل ان یصح بمقدار ما یقضی به
صومه فلا قضاء علیه اذا کان کذلک و ان کان للمیت ولیان فعلی اکبرهما من
الرجال ان یقضی عنه فان لم یکن له ولی من الرجال قضی عنه ولیه من النساء و هرگاه
شخصی بمیرد و بر روزه ماه رمضان در ذمه او باشد [illegible] بر ولی او لازم
بالاتر است که قضا کند و همچنین اگر فوت شده باشد از میت در سفر یا مرض مگر
آنکه در آن مرض فوت شده باشد پیش از آنکه صحیح شود بمقدار آنچه در روزه باشی
را قضا کند پس هرگاه چنین باشد بر و قضا نیست و اگر میت را دو ولی باشد از
مردان هر کدام بزرگتر باشد قضا میکند و اگر ولی از مردان نداشته باشد ولی
او از زنان قضا میکند و این مجموع عبارت فقه رضوی است [illegible] نقض
صوم که صدوق زیاده کرده است و ظاهر بود که غرض از صحت قضا [illegible]
قضا لازم است و از این عبارت ظاهر میشود که مراد از ولی وارث است و اینچه
مشهور است نزد اصحاب پسر بزرگتر است و ما جای [illegible] که
در این باب وارد شده است از انجمله در صحیح از حفص از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه منقول است در شخصی که بمیرد و بر ذمه او نماز یا روزه باشد
حضرت فرمودند که قضا میکند از میت کسی که از همه کس اولی باشد بمیراث میت
عرض کردم که اگر اولی بمیراث زن باشد حضرت فرمودند که نه و قضا نمیکند

کسی

کسی که از مردان وارث و در صحیح از محمد بن مسلم منقول است که سوال کردم از احدهما
صلوات الله علیهما از شخصی که در ماه مبارک رمضان بیمار شود و پیش از آنکه صحت یابد
بمیرد و احادیث عرض در سفر گذشت حضرت فرمودند که بر و چیزی نیست ولکن
قضا میکنند از کسی که صحت یابد پیش از آنکه قضا کند بمیرد و احادیث عرض در سفر
گذشت که از و قضا میکنند و کالصحیح منقول است از حماد بن عثمان از شخصی که گفت از آن
حضرت سوال کردم از شخصی که بمیرد و بر و قرضی باشد از ماه رمضان که از و قضا میکند
حضرت فرمودند که هر که اولی باشد باو عرض کردم که اگر اولی از زنان باشد حضرت فرمودند
که نه مگر مردان و در صحیح از منصور منقول است که سوال کرد از آنحضرت از شخصی که
بیمار باشد در ماه رمضان و صحت نیابد تا بمیرد حضرت فرمودند که از و قضا نمیکنند
و پرسیدم از آنحضرت از حائضی که بمیرد در ماه رمضان حضرت فرمودند که از و قضا
نمیکنند و صحیح ابو بصیر گذشت بهمین مضمون و همچنین است موثقه کالصحیحه سماعه از آن
حضرت هم و قد روی عن الصادق صلوات الله علیه انه قال اذا مات الرجل و علیه صوم شهر
رمضان فلیقض عنه من شاء من اهله و از آنحضرت صدوق روایت کرده فرمودند که هرگاه
شخصی بمیرد و بر روزه رمضان بر او باشد پس باید که قضا کند از و هر که خواهد از اهل
میت و این حدیث ظاهر در استحباب است و جمعی از علما باین عمل کرده اند که اگر چه بر پسر
بزرگتر واجب است اما متولد این است چنانکه گذشت پس اگر دیگری و میسر باشد شخصی
تبرع کند و دین او را از مال خود ادا کند از وارث ساقط میشود و همچنین اگر
هرگاه ادا کند میت بری الذمه میشود خصوصاً هرگاه میت وصیت کرده باشد که از
جهت او استیجار کنند صوم و صلوة را و شخص بجا آورد میت بری الذمه میشود
از ولد اکبر ساقط میشود چون بعد از قضای او مشغول الذمه نیست باینست بزرگتر
اما ادا کند در بعد عذر می رود که شاید مطلوب الهی تعدد اکبر باشد [illegible]

عبادات مثل عنوان هست چون دعایی که تعبد و قربت هست اما اگر بسبب کثرت مسایل
نماز و قرائت و غیر آن تواند و غربی باید که هر وقت که ... استیجار تواند و اعتماد و عدالت
عربی باید که قضا کند های خود را بجا آورد استیجار بدهد تا که عدالت ان بحث
شود که باطل کند و اکثر علما چنین اند و سنگی بیشتر انکه بسبب عبادات عیب را
خلاصی از عذاب الهی یا تخفیف عذاب بهم میرسد هیچ امکان ضمی که بعد ... اران
لازم شود که اول استیجار کند و هی باید از شخصی استیجار کنند که عارف باشد قرائت
و مسایل و عادل باشد و اولا تقدیم باید که مظنون باشد که میکند و درست میکند
و این بسیار نادر است و بر تقدیر جواز استیجار وقتی برات او در حاصل می شود که از
این صفات متصف باشد و کتب محمد بن الحسن الصفار الی ابی محمد الحسن بن علی
صلوة الله علیهما فی رجل مات و علیه قضاء من شهر رمضان عشرة ایام و له ولیان
هل یجوز لهما ان یقضیا عنه جمیعا خمسة ایام احد الولیین و خمسة ایام الاخر
فوقع صلوة الله علیه یقضی عنه اکبر ولییه عشرة ایام ولاء ان شاء الله قال مصنف
هذا الکتاب رضی الله عنه هذا التوقیع عندی مع توقیعاته الی محمد بن الحسن الصفار
بخطه صلوة الله علیه در صحیح بی واسطه و ابن ولید از صفار که ظاهر شیخ است
ابن ولید است و کلینی بواسطه عطار از صفار روایت کرده است و شیخ بابن سند صحیح
روایت کرده است که صفار که نوشتم نوشتم بخدمت حضرت ابو محمد که کنیت
حضرت امام حسن عسکری است صلوة الله علیه و بعضی از این کنیت استدلال کرده اند که
نام حضرت صاحب الامر صلوة الله علیه میتوان برد چون کنیت آنحضرت ابو محمد است
بی نام حضرت برده باشند و این وجهی ندارد چون حق سبحانه و تعالی که فرزند
کرامت میفرماید مستحب است که نام نیکی برای او بنهند مثل حیدر که گویا این پسر بزرگ است
و فرزند بهم رسانیده است و این فرزند فلان نام دارد و از آن طرف گفته اند که

ماعجی غیر

ماعجی غیر از این باب نیست زیرا که حضرت امام علی نقی صلوة الله علیه که فرزندش را مکنی
می ساخت این کنیت میدانست بعلم یقین که اند که فرزند بهم خواهد رسید و این
نام خواهد داشت جواب داده اند که هر وقت کنیت اصلا بحاملی احتیاج که کنیت را
میگویند عمر سبب آنکه فلانی پدر فلانی است مثل حضرت ابی جعفر صلوة الله علیه که کنیت
حضرت باقر است صلوة الله علیه اصلا محتاج نیست که پدر جعفر صلوة الله علیه
و بر تقدیر تسلیم شاید که این کنیت جایز نباشد که کفتن و قضای ... بر تقدیر
تسلیم از این لازم نمیاید که نیتوان گفت ... آنکه بر این کنیت حضرت
مشهور و مسلم است ... شود و در این باب رسایل نوشته شده است در جمیع بابها
باید کرد و متعارف اهل مام و کتب آنحضرت را باید ... و مضمون که مثبت آنکه هرگاه
شخصی بمیرد و ده روز قضای ماه رمضان در ذمه او ثابت شد و او دو وارث داشته باشد
آیا جایز است که او ... روزه را باهم روزه دارند بر رعایت ترتیب کنند چنانکه در قضای
نماز رعایت ترتیب میکنند ... است که مراد ... این باشد که ده روز را حصه کنند
واجب است یا جایز است که پنج روز را این وارث بدارد و پنج روز دیگر آن وارث دیگر
ظاهر لفظ سوال از هر دو ... فرمان همایون آنحضرت صادر شد در اصل توقیع
طغرای پادشاهان و ... امثال ایشان که مخصوص ایشان است و دیگری طغرا
نمیکند و بی ... که حضرت در جواب خواص اسم مبارک خود را طغرا فرموده باشند
که ... روات شود اما اکثر مرتبه شایع شده باشد که کتابت کنند
تشبیه بطغرای ... ملوک کرده چنین گویند ملوک پادشاهی واقعی که از جانب
الهی است پادشاهی ایشان است علی ای حال بعضی لایق آداب را رعایت می نمودند
و بعضی شان ایشان را از آن ارفع میدانستند که اطوار و القاب ملوک بر ایشان
اطلاق کنند یا در حضرت فرمود که قضا میکند از میت بزرگترین دو ولی ده

روزه بود چنانچه پس اگر سوال از وجوب کرده باشد جواب این خواهد بود که اصل وجوب بر فضی نیز که بر وارث بر کرکتون است تا اینکه فوت شده باشد جواز قضا از دیگری و اگر سوال از جواز باشد جواب نفی جواز خواهد بود چون عبادت بدنیست از دو نائلت دیگری باز یعنی روزه و حکم اجرا است تنها شرع نیست و محمل است که اداره الی باشد بر نیز بر اولی که چون تمام روزی قضا واجب نیست چنانکه گذشت بر ضعیف و آخرین بجهت منع او در حق برادر کتو و خلاف است در آنکه مراد از ولی چیست اکثر علما ذکر کرده اند که اکبر اولاد ذکور مراد است و جماعتی مطلق وارث گفته اند پس اگر چند برادر داشته باشد هر یک وارث باشند احوط آنست که برادران بزرگتر قضا بکنند و اگر وارث منحصر باشد در دختر دو طبقه اول میراث یا خواهر در طبقه دوم میراث یا عمه و خاله در طبقه سیم اکثر بر آنند که قضا واجب نیست و صدوق ذکر کرده که زنان قضا میکنند چنانکه در فقه رضوی است و در حدیثی که از حضرت صادق صلوات الله علیه گذشت با طلاق رجل میتوان گفت احادیث مردان را در صورتی که وارث مردان باشند یا مردان و زنان و احوط آنست که اگر تواند زنان قضا کنند و اگر خواهند که قضای بسیار از خود دور نمایند داشته باشند و عمل یا شند محمل است دادن مثلا که از جهت میت استیجار نمایند پس صدوق ذکر کرده است که این فرمان حضرت بسیار فرمانهای که آنحضرت بسوی صفار فرستاده بودند بخط مبارک آنحضرت نزد من است و خط او عطاری با بن ولیدی یا پدرم شاده و ایشان با و داده بودند باب در نذر صوم انتهی بروی احمد بن محمد بن ابو نصر البزنطی عن ابی الحسن الرضا صلوات الله علیه فی رجل نذر علی نفسه ان هو سلم من مرض او تخلص من حبس ان یصوم کل یوم اربعاء وهو الیوم

الذي

الذي یتخلص فيه فعجز عن ذلك لعلة اصابته او غير ذلك فمدّ الله له الرجل في عمره واجتمع عليه صوم كثير ما كفارة ذلك قال تصدق لكل يوم بمد من حنطة او بمد من تمر ودر كافي ادثمن مدا نیاز بابی است در فدای روزه نذری و فدای غیر کفاره است و کفاره خواهد آمد در ابواب یمین با سانید صحیح و حسنه کالصحیح منقولست از بزنطی از آن حضرت در شخصی که بر خود واجب ساز د منذری کما که بیماری صحت یابد از خصی خلاص شود تا زنده باشد ابو روزه بگوید اگر صحیح شود یا از حبس خلاص شود روزه چهار شنبه بدارد اتفاقا خلاصی در روز چهار شنبه شد و حق سبحانه و تعالی او را عمر دراز کرامت فرمود و بسبب ضعف پیری یا بیماری روزه بسیاری را افطار کرد یا بسبب بیماری و عنوان کفاره آنچه افطار کرده است چه چیز است حضرت فرمودند که از جهت هر روز که افطار نموده است یک مد از گندم بمسکین میدهد یا یک مد از خرما در کافی بدل از مد خرما ثمن مد است یعنی گندم میدهد یا بهای گندم را و ظاهر آنست که در کافی سهو شده باشد و ثمن کافی نباشد مگر اگر ثمن نیز طعام باشد مثل خرما و فی روایة ادریس بن زید وعلی بن ادریس عن الرضا صلوات الله عليه تصدق عن كل يوم بمد حنطة او شعير و در روایت ادریس و علی در حسن کالصحیح منقولست از آن حضرت که تصدق کند از جهت هر روز یک مد از گندم یا جو و صدوق جواب حضرت را نقل کرده است و سوال را نقل نکرده است چون سوال همین سوال است در خلاصی از حبس و در کافی در جواب بکفویست یعنی کفاره این است چنانکه سوال نیز از کفاره است و صدوق حاصل معنی را ذکر کرده است که البته مراد حضرت از کفاره فدا خواهد بود و حمل با عتبار لفظ کفاره قایل شده اند که کفاره نذر مد است و دور نیست که مراد از جماعت نیز این باشد که اگر در حین عاجز درخت و مانع عظیمی خورده باشد این فداست و کفاره بر و اطلاق میکنند مجازا و اگر

بی مانعی بخورد کفاره می باید داد و خلافست در کفاره این بعضی گفته اند که مثل
کفاره ماه رمضانست چون ظاهر بعضی از روایات اینست و بعضی گفته اند که
کفاره آن کفاره یمین است باعتبار روایات صحیحه که خواهد آمد و مظنون آنست
که مخیرست هر چند اول اولی است و محتمل است که هر دو حدیث مراد این باشد که
لفظ نذر گفته باشد و لله علی گفته باشد و این کفاره سنت باشد چون در
سوال وارد شده است و حق تعالی در قوی از یحیی بن منصور منقول است که گفت از
حضرت امام رضا صلوات الله علیه سوال کردند از شخصی که نذری بکند که روزه بدارد
دعا قبول شود حضرت فرمودند که بدهم می فرمودند که از جهت هر روزی مدی از
طعام بدهد **باب** صوم الاذن روی الفضیل بن یسار عن ابی جعفر صلوات
الله علیه قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله اذا دخل رجل بلدة فهو ضیف
علی من بها من اهل دینه حتی یرحل عنهم و لا ینبغی للضیف ان یصوم الا باذنهم
لئلا یعملوا اشیاء فیفسد و لا ینبغی لهم ان یصوموا الا باذن الضیف لئلا
یحتشمهم و یشتهی فیترکه لهم و کالصحیح منقول است از حضرت امام محمد باقر صلوات
الله علیه که حضرت سید الانبیا صلی الله علیه و آله فرمودند که هرگاه شخصی داخل
شود در شهری او مهمان اهل آن شهرست از هم دینان خود از هر مذهب
تا بیرون رود و روزه بر آن بر سبیل تطوع نیست الا باذن ایشان و
سزاوار نیست که مهمان روزه دارد بی رخصت مهمان داران که مبادا ایشان
طعامی از جهت او مهیا کنند و او نتواند خورد و آن طعام ضایع شود و سزاوار
نیست مهمان داران را که روزه دارند مگر باذن مهمان که مبادا مهمان اشتها
داشته باشد و حیا کند چون ایشان نخورند و این رخصت با نحو خوبست
که اگر مهمان از ایشان رخصت بگیرد که بجای دیگر برود و روزه باشد ایشان

روزه

روزه نگیرند آنگاه او بگویند که رخصت برو تا ما روزه باشیم در حضورت
مهمان بیشتر ملاحظه خواهد نمود در نخوردن والله تعالی یعلم و در ردی نشیط
بن صالح عن هشام بن الحکم عن ابی عبد الله صلوات الله علیه قال قال رسول الله صلی
الله علیه و آله من فقه الضیف ان لا یصوم تطوعا الا باذن صاحبه و من طاعة المرأة
لزوجها ان لا تصوم تطوعا الا باذنه و امره و من صلاح العبد و طاعته و نصحه
لمولاه ان لا یصوم تطوعا الا باذن مولاه و من بر الولد بابویه ان لا یصوم تطوعا
الا باذن ابویه و امرهما و الا کان الضیف جاهلا و کانت المرأة عاصیة و کان العبد
فاسقا عاصیا و کان الولد عاقا و منقولست از نشیط نقل از هشام تعدد طرق
از کتاب نشیط بیرون آورده باشد پس صحیح باشد اگرچه کلینی از احمد بن هلال
روایت کرده است و صدوق نیز از احمد روایت کرده است از نشیط و احمد ضعیف
است و لیکن چون از مشایخ اجازه است ضرر ندارد و ما اکثر الفوائد است که او را ممدوح
روایت میکند و طریق دیگر نیز دارد یاد کرده از حضره بان طرق یا در سیره که حکم
بصحت کرده است یا اکثر حدیث را او و وثوق بروایت گفته اند که عدل بوده ضبط
و ثقت کرده اند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که از جمله جهالتهای
آنست که می باید که مهمان بداند یا مهمانی که چنین میکند عالم است که روزه سنتی
نگیرد مگر برخصت مهماندار و از جمله چیزهائی که زن بر آن لازم است که اطاعت
شوهر خود در آن بجا کند آنست که روزه سنتی بی رخصت او از شوهر نگیرد
و از جمله صلاح بنده آنست یعنی بنده صالح متقی و مطیع و خیرخواه آقا آنست
که روزه سنتی بی رخصت آقا نگیرد مبادا اگر ضعیف شود در خدمتی کردن آنچه واجب
است که مولا و خود در آن کند نتواند کرد یا بر تقدیر که ضعیف نشود رعایت حال
مولی کردن تا این مرتبه سبب شفقت آقا می شود و بسیار باشد که سبب آزادی

بزه شود و از جمله یکی فرزند پدر و مادر است که بی رخصت امر ایشان روزه
سنتی بگیرد و آنکه در زن و فرزند امر داخل فرموده اند یا اذن اشاره است بانکه
بسیار است که رخصت بدهند بالطبع راضی نیستند القسم و بعضی خوب است
بلکه می باید که چنان راضی باشند که خود بفرمایند که روزه بگیر و اگر این رخصتها
باشد مهمان با دان خواهد بود و در زن عصیان شوهر کرده خواهد بود که بی رخصت
او روزه گرفته است یا باشد که در اثنای روز خواهد مجامعت کند و هر چند در
روزه سنت مجامعت میتواند کرد که روزه زن را باطل کند و بعد از این نقد در صحبت
ولیکن گاه باشد که نداند یا اگر اندد عایشه جز مستور روزه باطل شکستن یا ملند
لهذا زنان حضرة سید المرسلین صلی الله علیه و آله قضای ماه رمضان را تاخیر میکردند
تا ماه شعبان و قطع نظر از اینها گاه باشد که روزه خود ادراک کند و این معنی
بغیر اذن بی است که شوهر راست و عصیان الهی کرده است که روزه را بی رخصت
شوهر بجا آورده است و روزه صلاح خود را مبدل بفساد کرده خواهد بود و
طاعت را بعصیان و خیر خواهی را مبدل کرده خواهد بود و نفس که خلاف خیر
خواهی است و در علل هست عبارت عایشه بعد از عاصیا و دیگر آنی نیست و فرزند
عاق پدر و مادر خواهد بود و نفسش که خلاف خیر خواهی است خصوصا وقتی که
ایشان نهی کرده باشند از صوم و در علل بعد از عاقا قاطعا للرحم است که قطع
رحم کرده خواهد بود اگرچه عقوق لازم دارد قطع رحم را لیکن اشاره است
بانکه دو عذاب خواهد داشت یکی عذاب قطع رحم دیگر عذاب عقوق و در
روزه ایجاع عتق خلاف است میان علما بعضی حرام و مکروه میدانند بعضی تو اشتی
که تو خواهد بود از آنکه یا رخصت ایجاع عتق باشد و بعضی در هر حرام میدانند
جمعی میگویند که هر صحیح نیست و جمعی بحرمت با عدم صحت قایلند و بعضی

ازاینها

از اینها و در ان نیز خلاف است و اکثر مکروه میدانند بعضی اقل ثواب و جمعی مکروه
میدانند یعنی خود که ترک شان اولی است و جمیع شده نیست که اولی ترک است خصوصا
است
با بیجا از صوم خصوصا والدین و آنکه او بعد از بیماری و در صحیح از حضرت سید مستقول
است
از حضرة امام محمد باقر صلوة الله علیه که حضرة سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند
که نیستند زن با که روزه سنتی بگیرد مگر به رخصت شوهرش و در حدیث کالصحیح
دیگر از حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه وارد شده است بهمین مضمون و آیات
و احادیث در بر والدین و رعایت حقوق ایشان بسیار است و اگر باید که اینها
راضی نیستند البته رعایت رضای ایشان میباید کرد خصوصا هر گاه نهی کنند از
و در اخبار معتبره وارد شده است از حضرت ائمه معصومین صلوة الله علیهم که شخصی
بخدمت حضرة سید المرسلین صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله مرا رغبت
در جهاد هست و نمی آید خواهم حضرة فرمودند که جهاد کن در راه خدا
که اگر کشته شوی نزد حق سبحانه و تعالی زنده خواهی بود و روزی از بهشت خواهی
خورد و اگر بمیری اجر و مزد تو بر حق سبحانه و تعالی است و اگر برگردی از گناهان پاک
شده باشی مانند روزی که از مادر متولد شده باشی گفت یا رسول الله صلی الله علیه
و آله پدر و مادر پیری دارم که گمان شان اینست که بمن انس گرفته اند و راضی نیستند
که من بجهاد روم حضرت فرمودند که با ایشان باش که بحق آن خداوندی که جان من
در قبضه قدرت اوست که یک شبانه روز انس ایشان بتو بهتر است از جهاد یکسال
و در روایتی دیگر انس و الفت ایشان بتو در یک شب بهتر است از جهاد یکساله و هر گاه
~~روایتی دیگر انس و الفت ایشان بتو در یکشبه~~ در جهاد واجب که مبالغه وارد شده باشد
در روزه سنت البته رعایت می باید کرد **باب** العمل فی اللیالی المخصوصة
فی شهر رمضان و ما جاء فی العشر الاواخر و فی لیلة القدر بروی العلا عن محمد بن

عن احدهما صلوات الله علیهما انه قال الغسل فی ثلث لیال من شهر رمضان فی تسع
عشرة واحدی وعشرین وثلث وعشرین واصیب امیر المؤمنین صلوات الله علیه فی
تسع عشرة وقبض فی احدی وعشرین قال والغسل فی اول اللیل وهو یجزی الی آخره
این‌ها مستحب غسل شبهای مخصوص که ابن جنید اینها ذکر کرده است چهار شب است
و در بعضی اغسال غسل شب اول را ذکر کرده است و این اغسال که در اینجا از جهت تاکید
و تذکیر بیان کرده است و شب نیمه مشهور است استحباب غسل در آن و ابن طاوس نقل
حدیثی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است که حضرت فرمودند
که در شب اول تنها غسل بی وجه است دیگر روایت کرده است از آن حضرت که کرد آنکه
بر استحباب غسل در تمامی ماه رمضان و آن پانزده شب است هر شب که طاق باشد
غیر شب اول و سیم و پنجم تا آخر و احادیث غسل در این سه شب قریب به متواتر است
اما مجملا با سند صحیح منقول است از باقر و صادق صلوات الله علیهما که فرمودند که
غسل میکنند در سه شب از شبهای ماه رمضان در شب نوزدهم و شب بیست و یکم
و شب بیست و سیم و بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه ضربت زدند ابن ملجم علیه اللعنة
ابو الائمه در شب نوزدهم و در شب بیست و یکم بجوار رحمت ایزدی پیوستند و حضرت
فرمودند که غسل را در اول شب میکنند و تا آخر شب اگر کنند بهتر است اگر چه اول
بهتر است که در حین صلوات و دعوات باشد و محتمل است که مراد این باشد
که یک غسل کافی است در هر شب اگر چه در شب بیست و سیم دو غسل بهتر است
یکی در اول شب و یکی در آخر شب چنانکه در صحیح از برید منقول است که گفت آنحضرت
را دیدم که در شب بیست و سیم دو غسل کردند یکی در اول شب و یکی در آخر شب
و ظاهر مراد برید از آنحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه و احتمال حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه نیز دارد وقد روی ان یغتسل فی لیلة سبعة عشر و

تحقیق

تحقیق که در صحیح از محمد بن مسلم مرویست از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
که در شب هفده هم نیز غسل میکنند که لیلة الفرقان است که در روز آن فتح بدر واقع
شده و در صحیح از سلیمان بن خالد منقول است که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه سوال کردم که در چند شب غسل کنم در ماه رمضان حضرت فرمودند که در شب
نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم عرض کردم که اگر بر من شاق باشد غسل و احیای
این سه شب که از لوازم غسل است یا آنکه غسل از لوازم احیاست فرمودند که در
شب بیست و یکم و بیست و سیم عرض نمودم که اگر شاق باشد در دو شب حضرت فرمودند
که الحال بس است و بعد آنکه غرض سلیمان از این سوال این بود که حضرت شب قدر را بفرمایند
که در کدام شب است اول ابهام فرمودند در سه شب دیگر که پرسید در دو شب
فرمودند دیگر پرسید که هر شبی که بر نیامد که غسل کنی ظاهر شود که این شب شب هم
فرمودند که همین مقدار بس است که دانستی چنانکه در احادیث دیگر خواهد آمد و در روی
زراره و فضیل عن ابی جعفر صلوات الله علیه قال الغسل فی شهر رمضان عند وجوب
الشمس قبیله ثم یصلی ویفطر و در صحیح از زراره و در حسن کالصحیح از فضیل
منقولست که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که غسل در ماه رمضان در
شبهای متبرکه بود در وقتی است که نزدیک بشتن از شام که چون از غسل
فارغ شود نماز کند و بعد از آن افطار کند یا افطار کند که روا و بعضی ادعا شده
اول افضل است و این فرد اکمل است و اگر در هر وقتی که میکند خوبست چنانکه گذشت
و در صحیح از عیص منقول است که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کردم
از شبی که مطلوبست غسل از آن در چه وقت از شب است حضرت فرمودند که
اول شب و اگر خواهی هر وقت که مشغول عبادت می شوی از آخر شب نیز خوبست
و پرسیدم از نماز و عبادت که در چه وقت مطلوبست فرمودند که در اول شب

پاره نماز میکند و پاره دیگر از آخر شب در میان قرائت و دعاها میخواند تا اندک است استوا حتی
میکند اگر نتواند تمام شب عبادت کردن چنانکه خواهد آمد که سی شب چنین کرده
میکند خود خوب است و کسی که میگوید مراد نوافل ماه است که در اول شب میکند در نماز
شب با دعاها در آخر شب میکند چنانکه احادیث بسیار دلالت بر آن دارد در شب و در روی
سماعه عن ابی بصیر عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال کان رسول الله صلی الله علیه و آله
اذا دخل العشر الاواخر شد المئزر و اجتنب النساء و احیی اللیل و تفرغ للعبادة
و منقولست در موثق که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که چون دهه
آخر از ماه رمضان داخل میشود کمر داشتم شب بست دلیل که حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه و آله کمر را سخت می بستند از جهت عبادت حقیقه چون کمر بستن
سبب قوت کمر میشود یا مجاز است چنانکه متعارف است که هرگاه شخصی جد میکند کاری
را میگویند کمر بسته است در کاری که حضرت از جهت جد مشار الیه محتمل است که مراد
ترک جماع باشد و مراد بستن ستر باشد و بنا بر این احتمال آنکه فرموده اند
که از زنان اجتناب میفرمودند تاکید سابق خواهد بود یا ترقی در آنکه مقدمات
جماع را نیز بعمل نمی آوردند و احیا میفرمودند شبها یعنی شبها را بیدار بودند از
جهت عبادت حق سبحانه و تعالی و در این ده شب کشیره خود را مشغول عبادت
میساختند با بکتاب چنانکه خواهد آمد و ظاهر این حدیث آنست که احیای آن
مستحب باشد در دهه آخر و احتمال دارد که مراد از لام لام عهد باشد یعنی شبهای
که احتمال شب قدر داشته باشد و آن شبهای فرادست که نه شب باشد یا همه
شبها را احتمالی چنانکه از دعاهای هر شب ظاهر میشود و اظهر دو شب است که ان شب بیست
و یکم و بیست و سیم باشد چنانکه احادیث متواتر است که از بین دو شب بیرون نیست
و احتمال دیگر آنکه شب نوزدهم نیز داخل باشد داخل احتمالات دیگر موافق مذهب شیعه

است در روایت سلیمان ابن حفص مروزی عن ابی الحسن صلوة الله علیه انه قال صل لیلة احدی
و عشرین و لیلة ثلث و عشرین مائة رکعة تقرأ فی کل رکعة الحمد مرة و قل هو الله احد
عشر مرات و باسانید صحیحه و حسنه منقولست از حضرت امام رضا صلوة الله علیه فرمودند
که در هر یک از شب بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت نافله بگذارد و در هر رکعتی بعد
از سوره حمد ده مرتبه توحید بخوان و ظاهر اینست که این نماز مطلوبست اگرچه نماز
نافله ماه رمضان را نکند و بالاتر از هزار رکعت باشد و اهتمام در این بیشتر باقی باشد و
این اظهر است و بر تقدیری که از هزار رکعت باشد شرط نیست که از آنها باشد اما
کرده باشد اگر تواند هر شب هزار رکعت بکند بهتر خواهد بود چنانکه احادیث بسیار
برای طول شب وارد شده است و در مجموع هزار رکعت وارد است و هفتصد رکعت وارد
شده است با سقاط صد رکعت شب نوزدهم و هشتصد و چهل رکعت وارد شده
که هشتاد رکعت شب ساقط شود و حدیث احادیث بسیار وارد شده و هم
خوب است و بیشتر اکمل است و در هر رکعتی از هزار رکعت ده قل هو الله احد وارد شده
اگر مکن باشد بعد از آن نه و هفت و پنج و سه و یک نیز باشد و قال الصادق صلوة
الله علیه فی لیلة تسع عشرة من شهر رمضان التقدیر و فی لیلة احدی و عشرین
القضاء فی لیلة ثلث و عشرین ابرام ما یکون فی السنة الی مثلها و لله عز و جل
ان یفعل ما یشاء فی خلقه و منقولست در قوی که آنحضرت صادق فرمودند که در شب
نوزدهم مقدر میسازند هر چیز را که در آن سال واقع خواهد شد از صحت و مرض و
حیات و موت و غنا و فقر و بلاها و مصایب و در شب بیست و یکم قضا میشود که حکم
آن تقدیر است و در شب بیست و سیم امضا میشود که حتم و محکم میشود و بسیار
نادر است که تغییر یابد تا سال دیگر و هر شبهه نیست که آنها نقض ندانسته باشد
ملک خداوند عالمیان قادر است که هر چه مصلحت اقتضا کند او را کند اما در شب اول

چنانکه در فقه رضوی است که شصت رکعت این دو شب نیز ساقط شود
و هفتصد و شصت نیز وارد شده

که مقدر شده است باشد به دعا یا تصدق یا عمل خیری تقدیر مبدل می‌شود اما اگر
قضا شده باشد تصدق بسیاری و تضرع بسیاری می‌باید تا متغیر شود و اگر امضا
شده باشد بسیار نادر است که تغییر یابد اما مرتبهٔ نوشتن است که محل اثبات و البداء
ممکن است که آن مقدرات و تضرعات و عبادات و شفاعات همه جمع شوند متغیر و
متبدل شود و چون نقش بر کاغذ درست شد احضار وارد شده است که تغییر نمی‌باید
ابجد در شب بیست و سیم امضا می‌شود و در موثق کالصحیح از زراره منقول است که از
حضرت صادق پرسیدند که در شب نوزدهم مقدر می‌شود و در شب بیست و یکم محکم می‌شود و در
شب بیست و سیم امضا می‌شود یعنی الحکم را جاری می‌سازند بلا تشبیه از قبیل حکمی
اولا پادشاهان کنند و دوم مقرر است که در دفاتر ثبت شود و سیم مهر
مهر پادشاهان است چنانکه در کافی بسند صحیح منقول است از ابی اسحاق که شنیدم که جمعی از آن حضرت
سوال میکردند که آیا ارزاق در شب نیمه شعبان قسمت می‌شود حضرت فرمودند که نه والله
قسمت نمی‌شود مگر در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان زیرا که
در شب نوزدهم ملاقات می‌کنند دو جمع و در شب بیست و یکم هر امری محکم جدا می‌شود
و در شب بیست و سیم امضا می‌شود و آنچه را حق سبحانه و تعالی اراده دارد که امضا
فرماید و این شب قدری است که حق سبحانه و تعالی او را بهتر از هزار ماه کرده است راوی گفت
عرض کردم که چه معنی دارد ملاقات دو جمع بالکه ملاقات دو جمع مشهور شب
هفدهم است که در بدر جمع شده بودند مسلمانان با کفار در روز شنبه روز فرقان
که حق و باطل در بدر از یکدیگر جدا شد و بر عالمیان ظاهر شد نبوت آن حضرت که جمعی از
مغیبات شاهده بودند همه در آنجا واقع شد و صنادید قریش که ماده فساد عالم
بودند جمعی کشته شدند و جمعی اسیر شدند و این جمع شدن روز هم عنوان جمع
خواهد بود کدام است حضرت فرمودند که در این شب که شب تقدیر است جمع می‌شود آنچه واقع

خواهد شد

خواهد شد جمیع میکند در سبیل اجمال و عرض می‌نمایند ملائکه که اینها را چه باید
کرد جمعی با اهل احسان بسر مانند و جمعی که اهل بیت احسان ندارند اینها را
موقوف میدارند تا آنکه در علم الهی ظاهر است در ازل آنچه بر سر هر یک آید از تقدیر و
قضا و دیگر احوال نسبت به اعمال و تفصیل که در شب بیست و یکم می‌شود و در آن شب
هر امری که واقع شده است بسبب قابلیت و استعداد احوالی یا عارضی بسبب اعمال
خیر و دعوات مقتضی می‌شود و نوشته می‌شود رقم آن اما ممکن است که باز
تا شب بیست و سیم دعا کنند یا کارهای خیر از ایشان صادر شود که به ملاحظه
دعا و اعمال ایشان متغیر گردد یا از اعمال بد جمعی کشته شود و در شب
بیست و سیم آن رقم مهر میشود که تغییر نمی‌باید غالبا و امکان تغییر هست که تا شب
عید که روز جایزه است و روز عرفه که هر خلائق را انعام میدهند جمعی را در روزهای
و جمعی را در روزهای متبرکه خصوصا روز عرفه [illegible]
چون اهل بهشت حضرت امام حسین صلوات الله علیه جمعی دیگر را در مجالس ذکر
که ذکر آن حضرت می‌شود مغفرت کنند پس اگر در شب قدر آن اعمال به وجه نیکو باشد ممکن است که تا دعا
و تضرعات بالکلیه برطرف شود یا آنکه آمرزیده باشد
که هر چند در شب قدر نوشته و مهر شده باشد احتمال تغییر و تبدل نداشته باشد
الحاقی احتمال نادر است و تفصیل این معنی در حدیث طویل تفسیر سوره انا انزلنا
مذکور است و در روایت دیگر از حضرت صلوات الله علیه ان لیلة القدر هی اول السنة و هی آخرها
و در صحیح و موثق کالصحیح منقول است از زراره که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه فرمودند که شب قدر اول سال است و آخر سال که در شبها احادیث
بسیار وارد شده است که اول سال شب اول ماه مبارک رمضان است بلی دور است
که هم چنانکه اول صبح اول روز است و لیکن حق سبحانه و تعالی به تفضل خود چنانکه

مقرون بوده است که او واقع است ساعتی نماز صبح فرشتگانی که می‌نویسند کارهای اعمال شب را
آن وقت بالا شب حساب کنند نماز صبح را که در اول صبح بجا آورند در آخر نامه عمل هم
می نویسند و ملائکه روز در اول صحیفه اعمال روز نویسند چنانکه حق سبحانه و تعالی
از آن اشعار فرموده است همچنین فرشتگان نویسنده کارهای سال گذشته نوشته [illegible]
که از اول سال تا انقضای شب قدر همه این اعمال را در آخر نامه عمل سال که ایشان می
نویسند و ملائکه این سال که در اول اعمال سال مینویسند تا آنکه چون اول شوال
اول سال است یعنی که اول ارتفاع حوادث سال است چنانکه گذشت همچنین اول آن
تقدیر سال است و آخر تقدیر سال گذشته است و منافات ندارد که هر دو یعنی
مقصود باشد از دلالت معانی بسیار از یک لفظ ممکن است که هر دو مراد باشد و در
واقع هست و مراد است و آنکه اول اضافی باشد نه حقیقی چنانکه آنچه تا حال گذشت تا
اول روز میگویند و بعضی گفته اند که بحث فهمیده اند که شب اول ماه شب قدر باشد یا چون
شب قدر باشد چنانکه از اخبار سابق مفهوم شد که هر یک از این سه شب هر دو
شب قدر اند و ممکن است که این شب هم داخل باشد و ابتدای تقدیرات در آن
شود چنانکه نزول قرآن در این شب شده است به بیت المعمور و در شب قدر به آسمان
اول آمده است و در عرض بیست سال یا بیست و سه سال به تخصیص آیه بر حسب حاجت
نازل شده چنانکه گذشت لهذا سنت است غسل و نماز ها و اعمال خیر در این شب و در آن
روز قطع نظر از آنکه اول سال است و در اول هر چیزی مشغول بی باید که [illegible] سبحانه
تعالی چون بعضی که اصل آن است که است فرموده است چنانکه بر این معنی دلالت دارد
دعاهای شب اول و روز اول ماه مبارک رمضان و آنکه سال ما را مفتتح کرده است به
بماهی که بهترین ماه هاست و روزهای او بهترین روزهاست و شبهای او
ساعتهای او بهترین ساعتهاست و از رسول الله صلی الله علیه و آله

في منامه بني امية يصعدون منبره من بعده يضلون الناس عن الصراط القهقرى
فاصبح كئيبا حزينا فهبط جبرئيل فقال يا رسول الله صلى الله عليه وآله مالي اراك
كئيبا حزينا فقال يا جبرئيل اني رأيت بني امية في ليلتي هذه يصعدون منبري من
بعدي يضلون الناس عن الصراط القهقرى فقال والذي بعثك بالحق نبيا ان هذا
شيء ما اطلعت عليه ثم عرج الى السماء فلم يلبث ان نزل عليه بآي من القرآن يؤنسه
بها قال افرأيت ان متعناهم سنين ثم جاءهم ما كانوا يوعدون ما اغنى عنهم ما كانوا
يمتعون وانزل عليه انا انزلناه في ليلة القدر وما ادراك ما ليلة القدر ليلة القدر
خير من الف شهر جعل الله ليلة القدر لنبيه صلى الله عليه وآله خيرا من الف شهر من ملك
بني امية و با سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که زراره
ابا جعفر صلوات الله علیهما منقول است که بحضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله نمودند
در واقعه که بنی امیه و در روایت دیگر بنی تیم و بنی عدی و بنی امیه را دید که بر
منبرش بالا میروند و بعنوان [illegible] تعزز را مجرب و مردمان را از راه بر میگردانید
از [illegible] جامل است خوار چنین بود که ابو بکر از قبیله بنی تیم است و عمر از
قبیله بنی عدی است و عثمان و یزید و معاویه و سایر بنی امیه و بنی عباس را دید
به شکل میمونها که اینها مانند میمون بر بالا می جهند و مردمانی که ایستاده بودند تا
میکردند چنانکه از جستن میمون [illegible] ایشان می رسند و بعضی دین [illegible] میکشند
و از [illegible] که [illegible] حق ائمه معصومین صلوات الله علیهم غصب
خواهند کرد و بر این جمع خواهند [illegible] فهمیدن است که هر کافر
خواهد رسید بسبب انکار نصوص [illegible] خصوصا حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه با که انکار صریح نمودند چنانکه متواتر است از حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه و آله که صحابه او همه برگشتند الا [illegible] و بهمین عبارت

ارتداد ودر صحیح مسلم ایشان خصوصا در بخاری و مسلم عبد الله بن مسعود صحابه متواتر
شب جمعه با غم والم صبح کردند پس جبرئیل آمد و گفت یا رسول الله صلی الله علیه وآله
چه واقع است که شما را غمناک می بینم حضرت فرمودند که ای جبرئیل در این شب در خواب
دیدم که بنی امیه بر منبر من بالا می رفتند و در روایتی دیگر دیدم که ابو بکر و عمر و بنی امیه
و بنو عباس بر منبر من بالا می رفتند و مردم را از دین خود بر می گردانیدند
چرا که اکثر اهل ری بر قسم شیعه بودند و پادشاهان ایشان شیعه بودند
و طعن می کردند و غیر آن از کتب و جمیع معنون شدند و اهل شهر ... سنی گردیده
بودند و اگر چه بخاری و مسلم و غیر ایشان از رواة ... را ذکر کرده اند
و لکن ایشان ... می کردند ... شیعیان ... چون علمای شیعه
... و عامه ... و این امر ... مثلا از صحاح
... صحاح ... که ...
... و سید ابن طاوس ...
احادیث ... از ... اهل سنت روایت کرده است و ... که در صحیح
... نیست و اکثر علمای شیعه نقل کرده بودند
من روایت ... و ... که چون شیخ طوسی ... عاشورا ... که
اللهم العن الاول والثانی والثالث ... اصحاب ... شیخ
حدیثی از طرق ایشان نقل کرده که مراد از اول و ثانی ... کرده بود در
فرعون است و سیم هامان است ... در زمان خلفای
بنی عباس بوده اند ... ایشان شیعه اند ...
پس حضرت فرمودند که دیدم که ... بر منبر من بالا می روند مانند میمون
و بوزینه ... و مردمان را از دین حق گمراه می کردند و ... پس

جبرئیل آمد گفت یحیی الحمد لله که ترا واستی بر پیغمبری فرستاده است که من برای معنی
مطلع شده ام و فی الحال به آسمان رفت و چون اندک زمانی شد برگشت و چند آیه
از جهت تسلی خاطر آن حضرت آورد یکی اینها که تو چرا اینست که ایام بینی که آن
ما چند سالی است ... و بعد از آن بیاید با ایشان ... و عده داده اند
از ... دنیا ... و ... ایشان در جمع ...
از ایشان و ... رسید ... هزار ... که ... بودوه
تا ... بنی امیه و عباسیان ... که
آن ... سوره انا انزلناه را فرستاد که تو چرا اینست که تحقیق که
ما آن را فرستادیم در شب قدر از بیت المعمور با آسمان دنیا یا از لوح محفوظ به
بیت المعمور ... که تقدیر می شود هر چه در آن سال واقع می شود و ما ادریک
... که شب قدر چه ... دارد و شب قدر ... کرده می شود بهتر
است از عبادتی که در هزار ماه کرده شود که چون ... هزار ماه شب قدر باشد یعنی قطع
نظر از شب قدر ... حضرت فرمودند که حق سبحانه و تعالی شب قدر را از جهت امت
آن حضرت بهتر از هزار ماه پادشاهی بنو امیه کرد ... عبادت
شب قدر بیشتر ... از ... هزار ماه ... که عبادت
... باشد یعنی ... بهتر است از عبادت ملک بنی امیه ...
... که مراد باشد ... فرشتگان آسمانها در ... کلام
از هر ملائکه ... که فردای قیامت ... باشد جمیع فرشتگان ...
... روح القدس ... باذن پروردگار ایشان از جهت هر امری که در آن سال
واقع می شود و این شب تا طلوع صبح همگی سلامتی و رحمت است یا سلام الهی یا
سلام فرشتگان تا طلوع صبح بر امام زمان فایض است و بسبب این اسلام تا سال

دیگر در حفظ و امان حق سبحانه و تعالی محفوظ خواهد بود محمد بن یعقوب کلینی و صدوق
روایت کرده اند حدیث حسن بن عباس بن حریش حدیثی طویل در تفسیر انا انزلناه و حکم نصیحت
آن کرده اند حتی تفصیل امر و حکم مضعف آن کرده اند و اگر کسی تدبر کند بسیاری
از حقایق بر او منکشف می شود و سال رجل الصادق صلوات الله علیه فقال اخبرنی عن
لیلة القدر کانت او تکون فی کل عام فقال لو رفعت لیلة القدر لرفع القرآن و کلینی
منقول است از شعیب که گفت شخصی از آنحضرت سوال کرد و من حاضر بودم از شب
قدر که در زمان حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله بود یا هر سال شب قدر هست زیرا که
گفته اند بلکه آنحضرت بوده بود و بعد از آنحضرت برطرف شد چنانکه جمعی دیگر گفته اند
حضرت فرمودند که اگر شب قدر برداشته شود قرآن را نیز بالا خواهند برد یعنی در آخر
در آخر الزمان بعد از وفات معصوم قرآن را بالا خواهند برد و در آن زمان معصومی
نخواهد بود که ملائکه و روح بر او نازل شوند و شب قدر نیز نخواهد بود و در اخبار مشهور
وارد است که چون آنحضرت هم از دنیا بروند بعد از آنحضرت چهل روز دیگر دنیا
خواهد بود و دابة الارض بیرون می آید و بعد از آن اسرافیل صور می دمد و همه
مرده چند روزی که خواهد شد نفخه دیگر دمیده شود و قیامت بر پا خواهد شد
پس تا تکلیف هست صاحب الامر صلوات الله علیه باقی است و آنحضرت آخر معصومین
صلوات الله علیهم خواهد بود و چون معصوم برطرف می شود شب قدر و قرآن و
تکلیف همه برطرف خواهد شد و در صحیح از هشام بن حکم منقول است که آنحضرت
فرمودند که شب قدر در هر سالی هست در دو شب اول در فضیلت مثل شب است و در صحیح
از عبید بن زراره منقول است که گفت سوال کردم از آنحضرت هم که هر ماه دو شخص
باشند یکی از دیگری با صبح نماز کند و دیگری دعا کند که کدام افضل است با هم دو افضلند
حضرت فرمودند که دعا افضل است و محتمل است که مراد این باشد که نفی شب قدر نفی

قرآن

قرآن نیست یعنی لوث نیست از حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید فرموده است که تنزل الملائکة
والروح فیها یعنی در این شب فرموده است که ملائکه و روح نازل می شوند یعنی همیشه در
حالی دیگر فرموده است که فیها یفرق کل امر حکیم یعنی در شب قدر فصل می شود هر امری
که حکمی هر وجود یا ایجاد با تقدیر آن هست مقدر و مقضی و مبرم می شود یا هر امری
الحکیم یا اتقان است مقدر می شود یا کاری است که از تردد است و ما استوار حتمی را
می فرستیم و از سال آن شب حتمی انبوه کار است و علم الهی محال است یکی
و قسمت تکلیف دلایل شود و معنی اول اظهر است و الله تعالی یعلم و سال حمران ابا جعفر
صلوات الله علیه عن قول الله عز و جل انا انزلناه فی لیلة مبارکة قال هی لیلة القدر و هی
فی کل سنة فی شهر رمضان فی العشر الاواخر فلم ینزل القرآن الا فی لیلة القدر قال الله
عز و جل فیها یفرق کل امر حکیم قال یقدر فی لیلة القدر کل شیء یکون فی تلک السنة
الی مثلها من قابل من خیر او شر او طاعة او معصیة او مولود او اجل او رزق فما قدر
فی تلک اللیلة و قضی فهو المحتوم و لله عز و جل فیه المشیة قال قلت له لیلة القدر
خیر من الف شهر ای شیء عنی بذلک فقال العمل الصالح فیها فی لیلة القدر و لولا ما
یضاعف الله تبارک و تعالی للمؤمنین ما بلغوا و لکن الله عز و جل یضاعف لهم
الحسنات و در حسن کالصحیح منقول است از فضیل و زراره و محمد بن مسلم از حمران که
گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از قول حق سبحانه و تعالی
که فرموده است که ما فرستادیم قرآن را در شب با برکت کدام شب است حضرت فرمودند
که آن شب قدر است و در هر سال هست در ماه رمضان در دهه آخر و قرآن
نازل شد به بیت المعمور در آسمان اول مکرر در شب قدر و حق سبحانه و تعالی
فرموده است در عقب شب مبارک که در این شب فصل می شود هر چیزی که با حکمت
و احکام است یعنی مقدر می شود در شب قدر هر چیزی که در این سال آینده واقع

خواهد شد تا سال آینده در همین شب انشاء الله تعالی و هر دعا و طاعت و معصیت یا فرزندی
که حق سبحانه و تعالی عطا فرماید یا عمر یا روزی یا هر چیز در این شب مقدر شود و قضا شود
لا یحتم و واجب المحو شود که انتقال واقع شود و قطع نظر از اسباب [illegible] که سبب مشیت الهی
شود چنانکه گذشت که بمرتبه حتم رسد که خلاف شدن محال باشد لهذا [illegible] خلافش باور [illegible] شود
عرض کردم که چه معنی دارد که شب قدر بهتر از هزار ماه است و این حدیث را علی الظاهر
از کافی روایت کرده است و اختصار کرده است و این است عبارت کافی فقال العمل الصالح فیها
من الصلوة والزکوة وانواع الخیر خیر من العمل فی الف شهر لیس فیها لیلة القدر حضرت
فرمودند که اعمال خیری که در شب قدر بکنند از نماز و زکوة و انواع خیرات بهتر است از
عمل در هزار ماهی که شب قدر در آن نباشد و بعضی گفته اند که مراد این است که در هزار ماه
پادشاهی بنو امیه [illegible] کرد و فرق ایشان شب قدر را از ایشان برداشتند چنانکه
ظاهر عبارت حدیث [illegible] کافی است و ظاهر آنست که مراد دفع دخلی است که کرده اند
در بسیاری احادیث مثل نیة المؤمن خیر من عمله که اگر مراد عمل بی نیت است لازم
می آید تفضیل شیء بر نفس و بر غیر و اگر عمل بی نیت مراد است [illegible] زید افقر من
جدا است و جواب این است که بهتر از عمل با نیت است قطع نظر از نیت در اینجا
نیز سالی که شب قدر نداشته باشد یعنی باشد بی هزار ماه قطع نظر از شب قدر
مراد است پس شب قدر بهتر از نود سال و ده ماه است که شبهای قدر را که بود
شب [illegible] انداخته باشند و بنابر این ایام پادشاهی [illegible] نیز داخل خواهد [illegible] شکی
نیست که در بطلان مساوی اند اما ایام پادشاهی بنی امیه هزار ماه درست است چنانکه
مضبوط است نزد اهل تواریخ بعد از آن حضرت فرمودند که اگر یک شب [illegible] باشد
با سی هزار شب محض تفضل الهی است و اگر حق سبحانه و تعالی با بندگان بعدالت و استحقاق
[illegible] کی این ثوابها خواهند داشت نقل کرده اند که بعد [illegible] حضرت سید المرسلین

صلی الله علیه و آله مذکور شد حکایت شمعون عابد که عمر بسیار یافت و هشتاد سال
نماز شب و جهاد بود که شب تا صبح بعبادت الهی مشغول بود و در روز جهاد میکرد صحابه
گفتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله عمرهای ما کوتاه است و بسبب کوتاهی عمر از این ثوابها
محرومیم حق سبحانه و تعالی این سوره را فرستاد که اگر چه عمر شما کوتاه است حق سبحانه و
تعالی شما را بسبب متابعت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله شبی کرامت
فرمود که [illegible] شب بهتر است از عمل نود سال از عمرهای ایشان و این افضلیت
انتهایی ندارد بعضی را ده برابر میدهند و بعضی را هفتاد و هفتصد تا [illegible]
حمران [illegible] پرسید از حضرت [illegible] و تعالی و سئل الصادق صلوة الله علیه کیف تکون
لیلة القدر خیرا من الف شهر قال العمل الصالح فیها خیر من العمل فی الف شهر لیس فیها
لیلة القدر و در حسن کالصحیح منقول است که از آن حضرت پرسیدند که چه معنی دارد
که شب قدر بهتر است از هزار ماه حضرت فرمودند که معنی آن این است که اعمال صالحی که
در این شب کنند بهتر است از عمل صالحی که در هزار ماه کنند که در آن هزار ماه شب
قدر نباشد بلکه معنی که [illegible] گذشت و روی علی بن حمزة عن ابی بصیر عن ابی عبد الله
صلوة الله علیه قال نزلت التوریة فی ست مضین من شهر رمضان ونزل الانجیل
فی اثنتی عشرة مضت من شهر رمضان ونزل الزبور فی لیلة ثمان عشرة من شهر
رمضان ونزل القرآن فی لیلة القدر منقول است در موثق از حضرت امام جعفر صادق
صلوة الله علیه که توریة نازل شد در شب ششم که گذشته بود پنج شب و آن
شبی که نازل شد شب ششم بود از ماه مبارک رمضان و انجیل نازل شد در شب
دوازدهم ماه مبارک رمضان و زبور نازل شد در شب هجدهم ماه مبارک رمضان
و قرآن در شب قدر نازل شد و روی العلاء عن محمد بن مسلم عن احدهما صلوة الله
علیهما قال سألته عن علامة لیلة القدر فقال علامتها ان تطیب ریحها وان

کافت بی بود و قت داکانت فی جو بودت خطابیه سئل عن لیلة القدر فقال
تنزل فیها الملائکة والکتبة الی السماء الدنیا فیکتبون ما یکون من امر السنة وما یصیب
العباد وامره عنده عز وجل موقوف له فیه المشیة فیقدم منه ما یشاء ویوخر منه
ما یشاء ویمحو ویثبت وعنده ام الکتاب و باسانید صحیحه منقول است که محمد بن
مسلم گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر یا امام جعفر صادق صلوة الله علیهما از علامت
شب قدر حضرت فرمودند که علامتش آنست که بوی خوش دارد اگر در ایام چند
هوا سرد باشد آن شب هوا گرم می شود و اگر در آن شبها هوا گرم باشد در آن شب
خوش باشد خوش شب است و مکرر آن حضرت پرسید که چه چیز در ان شب مقدر می گردد
حضرت فرمودند که هر فرشتگان حضور و نوشتگان عمل باسمان اول می آیند و هر چه
در آن سال واقع می شود می نویسند و چیزی چند
که موقوف میدارند بمشیت الهی و آنچه حکم فرموده است میخواهد مقدم میدارد و
میخواهد موخر میدارد و میخواهد محو میفرماید و میخواهد اثبات و در لوح
محفوظ که تغییر و تبدیل نمی باشد و در آن لوح محو و اثبات و تغییر و تبدیل هست و احادیث
موثقه کالصحیحه چند دال دلالت دارد بر این و در موثق علی بن ابی حمزه قال کنت عند
ابی عبد الله صلوة الله علیه فقال له ابو بصیر جعلت فداک اللیلة التی یرجی فیها
ما یرجی ای لیلة هی فقال فی لیلة احدی وعشرین او ثلث وعشرین قال فان لم
اقو علی کلتیهما فقال ما ایسر لیلتین فیما تطلب قال فقلت ربما رأینا الهلال
عندنا فجاءنا من یخبرنا بخلاف ذلک فی ارض اخری فقال ما ایسر اربع لیال
فیما تطلب قلت قال جعلت فداک لیلة ثلث وعشرین لیلة الجهنی فقال ان
ذلک لیقال قلت جعلت فداک ان سلیمن بن خالد روی ان فی تسع عشرة یکتب
وفد الحاج فقال یا ابا محمد وفد الحاج یکتب فی لیلة القدر والمنایا والبلایا

والارزاق

والارزاق وما یکون الی مثلها فی قابل فاطلبها فی احدی وثلث وصل فی کل
واحدة منهما مائة رکعة واحیهما ان استطعت الی النور واغتسل فیهما قال
قلت فان لم اقدر علی ذلک وانا قائم قال فصل وانت جالس قلت فان لم استطع قال
فعلی فراشک قلت فان لم استطع فقال لا علیک ان تکتحل اول اللیل بشیء من
النوم ان ابواب السماء تفتح فی شهر رمضان وتصفد الشیاطین وتقبل اعمال
المؤمنین نعم الشهر شهر رمضان کان یسمی علی عهد رسول الله صلی الله علیه وآله
المرزوق و در موثق کالصحیح منقول است از علی و در کافی از ابو حمزه ثمالی و بعید نیست
که صحیح باشد که گفت نزد حضرت امام جعفر صادق صلوة الله بودم ابو بصیر گفت
که فدا شوم آن شبی را که امید داریم و هر کس از او امید وار است کدام شب است
حضرت فرمودند که در شب بیست و یکم و بیست و سیم طلب کن ابو بصیر گفت که اگر قوت
نداشته باشم هر دو را احیا کنم کدام یک را احیا کنم حضرت فرمودند که سهل است
دو شب بیدار بودن از جهت آن مطلب عظیم گفتم گاه هست که در اینجا اول ماه
را در شبی دیده ایم و جمعی می آیند و شهادت میدهند که در جای دیگر در شب
دیگر دیده ایم و سبب اشتباه می شود و از جهت احتیاط دو شب چهار شب می شود
حضرت فرمودند که سهل است که چهار شب احیا کنند از جهت رسیدن بثواب
شبی که بهتر است از سی هزار شب و عرض کرد ابو بصیر که مشهور است که شاید شب قدر
شب جهنی باشد و حضرت مصلحت ندیدند گفتم فدا شوم شب بیست و سیم شب
جهنی است حضرت فرمودند که چنین میگویند گفتم فدا شوم سلیمان بن خالد
روایت کرده که در شب نوزدهم می نویسند جمعی را که توفیق حج خواهند
یافت حضرت فرمودند که ای ابو محمد حاجیان را و مرگها را و بلاها را و روزیها را
و هر چه واقع شود تا سال آینده همه را در شب قدر می نویسند و شب قدر طلب کن

در شب بیست و یکم و شب بیست و سیم و در هر یک از این دو شب صد رکعت نماز کردن اداء
و در روزه دار ... شبها ... و در هر دو شب غسل کن گفت عرض کردم که
اگر قوت نداشته باشم که ایستاده نماز کنم فرمودند که نشسته نماز کن گفتم که اگر
نشسته نتوانم کرد فرمودند که در جامه خواب بخواب و نماز کن گفتم اگر قوت
نداشته باشم حضرت فرمودند که باکی نیست که اول شب ... از خواب برخیزی چشم
کشی یعنی اندک خوابی بکنی ... در ماه رمضان درهای
آسمانها ... گشاده ... شیاطین ... و اعمال مومنان ... میکنند
... ماه رمضان و ... زمان حضرت سید الانبیاء صلی الله علیه وآله ...
میکنند یعنی ... کشوده است ... علوم
روحانی ربانیه و معارف لدنیه و منقول است در صحیح از حسان بن مهران که گفت
سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شب قدر حضرت فرمودند که طلب
کن او را در شب بیست و یکم و بیست و سیم و روی محمد بن حمران عن سفیان بن السمط قال
قلت لابی عبد الله صلوات الله علیه اللیالی التی یرجی فیها من شهر رمضان فقال تسع
عشرة واحدی وعشرین وثلث وعشرین قلت فان اخذت انسانا الفترة او علة ما
المعتمد علیه من ذلک فقال ثلث وعشرون و در حسن کالصحیح منقول است از سفیان
که گفت بحضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم که ان شبهایی که در ماه مبارک
رمضان امیدوار بادراک هست کدام شبهاست حضرت فرمودند که اول شب
بیست و سیم است وفی روایة عبد الله بن بکیر عن زرارة عن احدهما صلوات الله علیهما
قال سألته عن اللیالی التی یستحب فیها الغسل فی شهر رمضان فقال لیلة تسع عشرة
ولیلة احدی وعشرین ولیلة ثلث وعشرین وقال لیلة ثلث وعشرین هی لیلة
الجهنی وحدیثه انه قال لرسول الله صلی الله علیه وآله ان منزلی ناء عن المدینة

... نوزدهم و ... و ... بیست و سیم ... عرض نمودم که ... را ... و ... حضرت فرمودند که ان شب

فمرنی بلیلة ادخل فیها فامره بلیلة ثلث وعشرین قال مصنف هذا الکتاب رحمه الله
علیه واسم الجهنی عبد الله بن انیس الانصاری و در موثق کالصحیح منقول است
که یکی از صادقین صلوات الله علیهما سوال کردم از شبهایی که سنت است در ان شبها
غسل کردن در ماه رمضان فرمودند که ان شب نوزدهم و شب بیست و یکم و بیست و سیم
... فرمودند که شب بیست و سیم شب عبد الله بن انیس انصاری است که از قبیله
جهینه است و حکایتش چنین است که بخدمت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله
عرض نمود که منزلم دور است از مدینه ... شب ... بیایم ... شب بیست و
سیم ... حضرت او را امر فرمودند که شب بیست و سیم بیا و ظاهرش آنست که حکایت
جهنی را صدوق گفته باشد و محتمل است که حضرت هم فرموده باشند یا یکی از روات
و منقول است در صحیح که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند که جهنی بنزد حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه وآله آمد و عرض نمود که یا رسول الله ص شتر و گوسفند
و غلامان بسیار دارم و ... امر فرما ... که ... شب از
شبهای ماه رمضان بمدینه مشرف شوم پس حضرت او را طلبیدند و آهسته
چیزی با او فرمودند پس چون شب بیست و سیم میشد جهنی با شتران ...
و ظاهرا باعتبار امثال این اخبار اعتقاد صدوق و اکثر اصحاب انست که شب بیست و سیم
شب قدر است و از احادیث معتبره ظاهر شد که در شبها از این سه شب مذکور یکی
... شب قدر دارند بلکه بهتر انست ... که ما جزم کنیم بحسب
بعضی اخبار جزم نکنیم چون معارض دارند و شاید که چون شب بیست و سیم داخل
باشد و در ... توان کرد ... شب قدر باشد جزما ...
جای ... معارضات والله تبارک و تعالی یعلم **باب** الدعاء
فی کل لیلة من العشر الاواخر من شهر رمضان فی نوادر محمد بن ابی عمیر ان الصادق

صلوات الله عليه قال يقول في العشر الاواخر من شهر رمضان كل ليلة اعوذ
بجلال وجهك الكريم ان ينقضي عني شهر رمضان او يطلع الفجر من ليلتي هذه ولك
تبعة او ذنب تعذبني عليه اين باب ششم در دعاهائي كه هر شب بايد خواند در دهه
آخر ماه رمضان و در صحيح از كتاب نوادر محمد بن ابي عمير منقول است از بعضي از اصحاب
ما و چون صحيح است از او ارسال مجهول ضرر ندارد و معتبر خواهد بود كه گفته است كه ارسال
نمي كنيم مگر از ثقات و بعضي از اصحاب حديث گفته اند و تصحيح نمائي ولي ابن غضائري
را تضعيف كرده اند و شكي نيست ما را كه صحيح ابن ابي عمير سماع و بطلي و اردو مجروح
تعديلي كه بدان اعتماد توان كرد هشتصد سال كرده باشند كه حضرت ميفرمودند
در دهه آخر ماه رمضان در هر شب اين دعا را ميخواندند كه تو جدا اين است كه پناه
مي برم و در پناه عظمت و جلال ذات مقدس كريم تو در آمدم كه بر من تمام شود
كه ماه رمضان تمام شود يا صبح شب طالع شود و ترا بر من بوده باشد از حقوق مالیه
يا حقوق الهيه كه خواهي مرا از عذاب كني پس از عذاب تو در پناه رحمت تو آمدم
دستگيري الدعاء في الليلة الاولى وهي ليلة احدى وعشرين من شهر رمضان يا مولج
الليل في النهار ومولج النهار في الليل ومخرج الحي من الميت ومخرج الميت من الحي
يا رازق من يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن يا الله يا رحيم يا الله لك الا
سماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد واهل بيته
وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في
عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب
الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقنا عذاب النار وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة
والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلوات عليهم اجمعين روايت كرده اند شيخ اجل

ثقة

ابو جعفر يعقوب كليني و شيخ الطائفه محمد بن الحسن طوسي رضي الله عنهما در قوي كالصحيح
از ائمه معصومين صلوات الله عليهم كه در دهه آخر در شب اول كه شب بيست و يكم
ماه رمضان است اين دعا را ميخواني تا آخر ماه اين روايت است و ترجمه دعا اين است اي
خداوندي كه در ميآوري شش ماه از شب را داخل روز ميكني و آن از اول زمستان است تا اول
تابستان تا بتدريج فصل بهار و تابستان ظاهر شود و شش ماه از روز را داخل شب
ميكني از اول تابستان تا اول زمستان تا بتدريج كه اكثر همه روز باشد
تعيش نمود ... و بر عكس و ... داخل شود عالميان را حالات شود و اي
خداوندي كه بيرون مي آوري زنده را از مرده بيرون مي آوري مانند حيوان از مني و تخم و بيرون
مي آوري مرده را از زنده مانند مني و تخم از حيوان يا آنكه مسلمان و مومن از كافر و سني
و كافر و سني از مسلمان و مومن يا آنكه توفيق كرامت ميفرمائي در اول و سلب توفيق
ميكني در آخر و اي خداوندي كه هر كه را خواهي روزي بي حساب كرامت ميكني يعني روزي بسيار
كه نتواند حساب آن كردن يا روزي كرامت ميفرمائي از جائي كه گمان نداشته باشند
يا روزي كه در حساب آنها نباشد و تا اينجا اقتباس است از آيه كريمه ملك
و اقتباس آنست كه آيه را بعينه بياورند مانند تغيير بود و اينجا فعل مضارع را
استعمال كرده است و غيبت را يا الله اي خداوندي كه واجب الوجود بالذات
و مستجمع جميع كمالاتي خصوصا رحمانيت كه مي ... مخلوقات در رحمت
اسم رحمن داخل و مراد از آن نعمتهاي ظاهري است و مراد از رحيم نعمتهاي
باطنيست مانند ايمان و قرآن و هدايات خاصه ديگر سه مرتبه طلب ميكند يا الله
چون اشاره است بذات مستجمع جميع صفات و ميگويد كه هر اسم خوبي مخصوص
تست و هر چند از براي غير استعمال ميكنند مانند رحيم و عليم معني آن خوب است
از تست و مخصوص تست و هر ترا است مثلهاي خوب مثل مثل الله نور السموات و

والارض مثل نوره كمشكوة الخ واشاره است بآنکه هرکس را بستگی تشبيهات کند تا
جمعی که تشبیه میکنند وبخاصیت الهی را با آفتاب چون بنهایت فهم ایشان آید
کرده عالم ظاهر مثل آفتاب تجلی باید این تمثیل میکنند و نسبتی نیست میان تجلی حق
سبحانه وتعالی خود را کند با مخلوق ادراک کنند ما بوئی فرموده است که ولله المثل الاعلی
پس خلفای بعد انبیا و اوصیا اند بواسطه ترتیب تفهیم ایشان حضرت نبوی چنانکه
حق سبحانه و تعالی فرموده است که مثل نوره کمشکوة و مراد از مشکوة انوار مقدسه
معنویه او است که طینت ایشان از آن انوار مخلوق شده است و مضمون مقدسه
از حجاب اقدس او متوسط ایشان بانواع مخلوقات فیض میکردد و در دعا خلائق
تعلم طرق الی الله که هرچه تعلیم ایشان میکنند ایشان میگویند و از تسلی جا نکرم کرده
ایشان خبر ندارند مثلا ایشان تعلیم کرده اند که بگویند الحمد لله رب العالمین ایشان
همین لفظ را میگویند از جهت حمد نه بمعنی که خدا وند او نه بمعنی که ایشان تصور
کرده اند یا نکنند بحمد سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرموده است که لا احصی ثناء علیک
کرد ثنای ترا آنچنانی که ثنا خود را کرده و بعد کوادی مخصوص ذات مقدس تست و
هر نعتی که بهر مخلوقی فایض شده است از فضل تو سؤال میکنم که صلوات فرستی بر
محمد وآل اهل بیت او و بگردانی درین شب نام مرا در زمره سعادتمندان و بگردانی روح
مرا با شهدا که انبیا و اوصیا باشند چنانکه در قرآن مجید در بسیار جای مذکور
است یا نکه مرا بمرتبه شهادت فایز کردان و ابلاد از ثواب ایشان بهره مند باشم و
بگردان احسان مرا در طبقه علیین مکان و از طریق حسن کردان بانکه عبادات
مرا بنویسد در طبقه اعلای محسنان گردان که در عبادات عیوار نبود یا اندیشیم و
گناهان مرا مغفور کردان و سؤال میکنم که یقینی عطا فرمائی مرا که تو بفضل خود اما
در دل من جا داد بی وایمانی عطا فرمائی که شکی در پی وی درو مل نماند و شیخ در حجم

فران

قرآن است امیری عالیه عنوان واقع شده است یکی آنکه لفظ بعد انشئت باشد دعا باو
یقینت باشد که بسبب آن یقین شک را زایل گردانی و با آنکه حرف یا باشد
و همین نباشد و بای تعدیه باشد که زنوه باشد یعنی یعنی یقینی عطا فرمائی
که شک را بیری از من و نسخه دیگر آنکه با نون باشد و تعدیه باب افعال بسته باشد
بجهان معنی ودر نسخ تهذیب وکافی بنوایس سه نسخه را اعلا بی ده و عادات
و رواتی کرد لی مرا الخیر قسمت کرده از جهت من وعطای مرا در دو بای حسنات تو
حسنات باشد وبحمد بن حا را فرق مراد بناه خود در او و از شر آتش جهنم و در دنیا
مرا توبه نصوح و آنکه مرا توفیق کرامت کنی که محمد و آل او را استغفر موده هلوة تق
وجه ایشان با و همیشه اللیله الثانیة یا سالخ النهار من الليل فاذا نحن مظلمون
ومجری الشمس لمستقرها بتقدیرک یا عزیز یا علیم ومقدر القمر منازل عادت کالعرجون
القدیم یا نور کل نور ومنتهی کل رغبة وولی کل نعمة یا الله یا رحمن یا قدوس یا احد
یا واحد یا فرد یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء
والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی
السعداء حتی ینتهی الی اخر الدعاء فی اول اللیلة و در شب دوم که بیست و دوم
باشد ابتدا دعا را همچو آنکه توجه اشاره این است که ای خداوندی که جابر روز را از شب
میکنی و بتاکاه ما هم در ظلمت در می آئیم و ای خداوندی که مقرر فرموده که آفتاب
حرکت کند تا مقر خود رسد در شب و در ماه بروجی دیگر یا در سال بعضی اول
تا روز قیامت که منتهای حرکت او است بتقدیری که مقرر فرموده مقدار حرکتی
را در روز و ماه و سال و عمر شی ای خداوند قادر بزرگوار و عالم که هر کاری
خداوندی که سبب دهشت منزل از جهت ماه مقرر و مقدر ساخته و از آنجا
بسیب قرب آفتاب کم نور است و هرچند دور تر می شود نور تی بیشتری شود تا که

الليل

کالحوض پیداست در طرف ماه سپید نورانی شد بان شروع در یکی میکند بسبب
نور شمس و [illegible] بعضی می‌شود که مشتبه می‌شود بخوشه خرما خشک
که نشسته باشد [illegible] مثال ای خداوندی که گردونده شب و روز و شنیده ای تو یافته است
نور [illegible] ای خداوند [illegible] و عیبی یست [illegible] میکردد که چون از وجود وی در
می [illegible] و [illegible] از کوکبی که مانوس و مطرود شدند پناهشان توئی
[illegible] [illegible] تو در سایه رنج با اسباب و وسایل و خداوند
[illegible] [illegible] ای [illegible] رسانی الجمله وسایط در میان بسیار باشد ای خداوند
ای بخشنده و ای منزه از حاجات و اسباب ای یگانه در دولت و ای یگانه در صفات
که صفاتت عین ذات است و ای خداوندی که شریک و نظیر و ای خدا ای خداوند ای
مخصوص توست نامهای خوب و داستانهای خوب و مخصوص توست و رکوع [illegible]
و نعمتها از تو سوال میکنم که بکردانی نام مرا در زمره سعادتمندان تا بوسد نامه دعای
اول که در شب اول می باید خواند و بدانکه این دعوات را چون در شب بیست و چهارم
وحی سبحانه و تعالی فرستاده شد بود بر ابو بکر کان بانواع مختلف مستفاده است
از ائمه هدی صلوة الله علیهم ملیهم شده اند بایک اقتباسات در بین شبها بیتوکم
در رسالتی این دعا منقولست از سوره یس و مختلفست کرده سعادتی باشد در فی
بینت کو ایشان کو سید نیز وحی الیهمست اللیلة الثالثة و هی یا رب لیلة القدر
و جاعلها خیرا من الف شهر و رب اللیل و النهار و الجبال و البحار و الظلم
و الانوار و الارض و السماء یا باری یا مصور یا حنان یا منان یا الله یا رحمن یا الله
یا قیوم یا الله یا بدیع یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنى و الامثال العلیا
و الکبریاء و الآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی فی هذه
اللیلة فی السعداء و الخ و در کافی و تقول فی لیلة الثالثة است و در تهذیب

دعاء اللیلة

دعاء اللیلة است و در دو هی لیلة القدر را تدارد و وظاهرا مبنی صدوقست که
جمله ذکر دعا است که شب قدر است باعتبار احتمال سابقه و باعتبار الفاظ این
دعا نیز و با بیانهاست این استدلال و ترجمه دعا این است که ای بروردگار
شب قدر و ای خداوندی که شب قدر را بهتر از هزار ماه کرده و ای بروردگار
شب و روز و کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان و ای
خداوندی که شب قدر را بهتر از هزار ماه کرده و ای بروردگار شب و روز و
دولت صورتی داده و ای بسیار مهربان و ای کثیر الانعام و ای خداوندی که حی
ای خداوند واجب الوجود بالذات که همه را وجود داده و بوجود تو یا الله همه اشیا
ایجاد و ای از تو پدید آورنده اشیا ای معبود ای معبود ای معبود تراست نامهای
خوب و داستانهای خوب که رسید از جهت تو یا محبتهای تو تمام است بر
خلایق دنیوی و نعمتها از تست سوال میکنم تو که صلوة فرستی بر محمد و آل محمد
و بکردانی نام مرا در این شب از جمله سعادتمندان تا با جر الجمله بر دعای اول مذکور
شد و تقول فیها اللهم اجعل فیما تقضی و فیما تقدر من الامر المحتوم و فیما تفرق من
الامر الحکیم فی لیلة القدر و فی القضاء الذی لا یرد و لا یبدل ان تکتبنی من حجاج
بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم
و اجعل فیما تقدر ان تطیل فی عمری و ان توسع لی فی رزقی و ان تفک رقبتی
من النار یا ارحم الراحمین و تقول فیها یا مدبر الامور یا باعث من فی القبور یا مجری
البحور یا ملین الحدید لداود صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا اللیلة اللیلة
الساعة و ارفع یدیک الی السماء ظهرا و انت ساجد و راکع و قائم و جالس
و ردده و تقوله فی آخر لیلة من شهر رمضان و در صحیح و حسن کالصحیح منقول
است از محمد بن عطیه از حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه که در هر شب از

شبهای ماه رمضان اینها را میخوانی که خداوندا بگردان در قضا و قدر بهای لازمت
که تغییر آن نمیدهی و در امر حکیم میکنی از اموری که در شب قدر مقدر میسازی و در
قضاهای که رد نمیشود و مبدل نمیشود که بنویسی مرا از جمله کسانی که حج خانه محترم
ترا خواهند کرد حج ایشان را مقبول خواهی کرد و از سعی ایشان خوشنود باشی و
گناهان ایشان را آمرزیده باشی و کفاره گناهانی که ایشان کرده باشند کرده باشی
یعنی بفضل خود اورا چنین کرده باشی و خداوندا بگردان از جمله آنچه مقدر میسازی
آنکه عمر مرا دراز کنی و روزی مرا فراخ گردانی و مرا از آتش جهنم خلاص کنی و در کافی
زیب زیاد فرموده اند وان تجعلنی ممن تنتصر به ولا تستبدل بی غیری یعنی مرا از
انصار قایم آل محمد کنی و مرا بغیر که دیگری را عوض من بیاوری چون انقلاب کرده ام
که مستحق آن شده ام ولیکن امیدواری از فضل تو دارم ای بخشنده ترین بخشندگان
و ابن طاوس اینها را بهمین عنوان که در متن مسطور است از عمر بن یزید روایت کرده
و از محمد بن عطیه با اندک تغییری که مذکور شد در عمل هر شب ذکر کرده اند و شیخان
در صحیح از محمد بن عیسی روایت کرده اند باسناد او از صالحان یعنی از ائمه معصومین
صلوات الله علیهم که فرمودند که در شب بیست و سیم ماه رمضان این دعا مکرر میخوانند
در سجود و قیام و قعود و در هر حالی و در کل ماه رمضان بلکه در کل عمر سنت است که
بعد از حمد و ثنا صلوات بر محمد و آل او بگوید که خداوندا ولی و حافظ و ناصر و دلیل و دیده بان
و چشم امام زمان ما باش تا آنکه حضرت را در زمین خود ساکن گردانی و بهره مند
گردانی عالمیان را از ظهور آن حضرت صلوات الله علیه و در این شب میگوئی ای خداوندی که بلند گردانیدی
عالمیان بدست قدرت و ای خداوندی که مرده ها را تو زنده میگردانی ای خداوندی که
دریاها را تو جاری ساخته مانند رود نیل که بحر شور نیز مسکون شد و گجی اشباه
از امثال بنی اسرائیل ای خداوندی که آهن را نرم کردی از جهت حضرت داود علیه السلام

صلو

صلوات فرست بر محمد و آل او و حاجات مرا بر آور و یک یک حاجات را ذکر کند و بگوید
که خداوندا این حاجتم را بر آور در این شب در این شب در این ساعت در این ساعت و
دستها را بلند کن بجانب آسمان و همین دعا را بخوان و در سجود و رکوع و قیام و جلوس
بخوان و در شب آخر نیز بخوان و در صحیح منقول است که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه
فرمودند که در شب بیست و سیم انا انزلناه را بسیار بخوان و کلینی بسند صحیح منقول است از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند که هر که سوره عنکبوت و روم را در شب
بیست و سیم بخواند والله که از اهل بهشت است و انشاء الله کریم و هیچ استثنا نمیکنم
در این قسم و نمیترسم که گناهکار باشم چون یقین میدانم و بدرستی که این دو سوره نزد حق
سبحانه و تعالی مرتبه عظیم هست و فرمودند که هر که هزار مرتبه انا انزلناه را در این
شب بخواند چون صبح شود حق سبحانه و تعالی او را یقینی عظیم کرامت فرماید که بداند
مرتبه حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم را و اعتراف کند بانکه حق سبحانه و تعالی
چیزی چند با ایشان کرامت کرده است که هیچکس را آن مرتبه نداده است اللیلة الرابعة
یا فالق الاصباح و یا جاعل اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا یا عزیز یا علیم یا ذا
المن والطول والقوة والحول والفضل والانعام یا ذا الجلال والاکرام یا الله یا
رحمن یا الله یا فرد یا الله یا وتر یا الله یا ظاهر یا باطن یا حی لا اله الا انت لک
الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسالک ان تصلی علی محمد و آل
محمد ثم تقرء باقی الدعاء الخامسة یا جاعل اللیل لباسا والنهار معاشا والارض
مهادا والجبال اوتادا یا الله یا قاهر یا جبار یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی
والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد ثم تمم الی
آخره السادسة یا جاعل اللیل والنهار آیتین یا من محا آیة اللیل وجعل آیة
النهار مبصرة لتبتغوا فضلا منه ورضوانا یا مفصل کل شیء تفصیلا یا الله

یا ماجد یا الله یا وهاب یا الله یا جواد یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والا
مثال العلیا والکبریاء والالاء اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد وان تجعل اسمی فی
السعداء ثم تتمه الخ دعای شب چهارم ای خداوندی که شب های تاریک را بنور صبح
از ظلمت شب بیرون می آوری ای خداوندی که شب را محل آرام خلایق گردانیدی
که هر حیوانی در مسکن خود جا کند یا شب آرام بست تعبهای روز را ای خداوندی
که شب را محل آفتاب و ماه را از جهت حساب خلایق مقرر فرموده که مدتها که شرعا
ایشان ناظر بود باشد بحرکت ایشان بدانستند و این بیک فایده بست از وجود ایشان و دد
و منافعات بسیار دیگر فواید دیگر بر وجود ایشان مترتب شود ای خداوندی که عزیز و
قهاری و علیم و دانائی قادری بر خلق اشیا و عالمی بفواید مکونات ای خداوندی
انعام و احسان و قوت و حرکت و فضل و انعام را تو صاحب ای خداوندی و همه
بدست قدرت تست ای خداوندی که جلال و عظمت و اکرام و انعام مخصوص تست ای خداوند
وای بخشاینده ای خداوندی یگانه و ای خداوندی تنها و کسی را با تو همسر نبود
دعوای وجود چه جای عیان ای خداوندی ظاهر و ای باطن ظاهری بعجایب غالب
یا واجب الوجود بالذاتی که جمیع ممکنات مظهر جود و وجود تو اند و از حواس
ظاهره و باطنه و عقول پنهانی و کسی بکنه ذات مقدس تو نرسیده ای منزه
که بذات تو ذنوب نفی محض وجودی نیست خداوندی بحق تو و استماع اسمای نیکو
و مثالهای بلند یا حجتها و برهانهای تمام و مخصوص تست بزرگیها و نعمتهای
از تو سوال میکنم که صلوة بر محمد و آل او فرستی و تتمه دعای اول را میخوانی تا تمام شود
دعای شب پنجم ای خداوندی که شب را محل پوشش گردانید که همه در ان ظلمت
مختفی شوند و کارهای که اختفا مناسب است در ان بجا آورند مثل جماع و دعا و
دسیسه و روز را محل تعیش و زندگانی گردانیده که در ان تحصیل معاش

و ضروریات بدان بلکه روح نیز که تحصیل علوم دینیه و معارف یقینیه کنند در ان
ای خداوندی که زمین را محل قرار خلق گردانیده و کوهها را ستون و میخ زمین
گردانیده که زمین در جای خود باشد قرار بگیرد ای خدا ای خداوند قهاری که
در یاد عقوبت مستحقان عقوبت را عقوبت میرسانی ای جبار عظیم الشان یا یعنی
قهار یا موجود یا یعنی که قهر و جبر کرده عدم را تا موجودات را از تو بدر ساختی
ای خدای ای خدا و ای خدا نامهای خوب مخصوص تست و مثلهای بلند مثل تست و
کبریای عظمت مخصوص تست و نعمتها همه از تست از تو سوال میکنم که صلوة فرستی
بر محمد و آل او و تمام میکنی تا آخر دعا دعای شب ششم ای خداوندی که شب و روز را
حدود هان گردانیده ای خداوندی که شب را دیده نا محو کرده بنور شمس و قمر تا طلب معیشت
کنیم در روز از فضل پروردگار خود و تا طلب رضای او کنیم در اعمال خیری که در روز
بجا آورده شود ای خداوندی که هر چیز را تفصیل فرموده و ایمه اهل بیت را راوی
تفصیل عالم گردانیده ای خداوند ای عظیم الشان ای خداوند ای بسیار بخشنده ای
خداوند کریم ای خدا و است اسمهای بزرگوار نیکو و مثلهای بلند و بزرگواری و
نعمتهای سوال میکنم از تو که صلوة فرستی بر محمد و آل او و محو کردانی مرا اسم از سعادتمندان
پس تمام کنی بخوبی که گذشت و در بخا سهو شروع شد و ان فی هذه لیلة است که در
دعای اول موجود است انت الذی یا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساکنا و جعلت
الشمس علیه دلیلا ثم قبضته الیک قبضا یسیرا یا ذا الجود والطول والکبریاء
والالاء لا اله الا انت یا قدوس یا سلام یا مومن یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر
یا خالق یا بارئ یا مصور یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا
والکبریاء والالاء اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد ثم تتمه الثانیة یا حابس
اللیل فی الهواء و خازن النور فی السماء و مانع السماء ان تقع علی الارض الا

ما ذلک وحابسهما ان تزولا یا عظیم یا غفور یا دایم یا الله یا دایم یا وارث
یا باعث من فی القبور یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا
والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد ثم تمد التاسعة یا مکور
اللیل علی النهار ومکور النهار علی اللیل یا علیم یا حلیم یا حکیم یا الله یا رب الارباب
وسید السادات لا اله الا انت یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا الله یا الله
یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی
علی محمد وآل محمد ثم تمد باول الدعاء العاشر وهی لیلة الوداع الحمد لله الذی لا
شریک له الحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله وکما هو اهله یا قدوس یا نور
یا سبوح یا منتهی التسبیح یا رحمن یا فاعل الرحمة یا الله یا علیم یا الله یا لطیف
یا الله یا جلیل یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء
والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد ثم تمد باول الدعاء دعای شب بیست و هفتم
ای خداوندی که سایه را ایجاد کرده و ظل عبارت است از حالت ظهور صبح تا طلوع
آفتاب که هوای آن معتدل است نه گرم است ونه سرد است واکثر حکما برآنند که شب
باشد این سایه ظاهر نمی شد پس آفتاب دلیل این سایه کرده است که اگر آفتاب
نمی بود این سایه وجود نمی داشت پس مرتبه مرتبه این سایه را میگیری تا آفتاب
که طالع می شود و این ظل معدوم می شود و اشهر میان مفسرین این است که ظل
مراد سایه حق سبحانه وتعالی در بسیار جای از قرآن مجید صفت [illegible] کرده
است به آنکه روز را از جهت حلاوت آفریده است و همچنین شب را در بهشت صفت
می نهد برای ایشان با ایجاد ظل و در بهشت نیز از جهت شکوهش ظل ممدود آفریده است
وبعضی گفته اند که مراد از ظل شب است که سایه روز است وبعضی گفته اند
که مراد از ظل کل ممکنات اند که وجود حقیقی ندارند بلکه وجود ایشان وجود ظلی است

بعضی

وبعضی گفته اند که پادشاهان حقیقی اند که انبیا و اوصیا باشند یا پادشاهان ظاهری
چنانکه منقول است از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله که السلطان ظل الله که
چنانکه سایبان حفظ کند ما و سرها و سایر بلاها می کند همچنین سلاطین را حق سبحانه
وتعالی مقرر فرموده است که عالمیان در پناه ایشان محفوظ باشند و استعدادی [illegible]
که حق سبحانه وتعالی ایشان را از نور ساخته باشد و امر فرموده باشد که [illegible]
سر کشند و شک نیست که اگر عدلی پادشاه باشد هر چه را [illegible] از اموال
وانفس وعرض وناموس همه بر باد فنا می رود و در حقوق خواهد بود ای خداوندی
که صاحب جود واحسان وبزرگواری وانعام [illegible] خداوندی که [illegible]
منزهی از هر چه لایق ذات وصفات وافعال تو نیست ای سلام که از جمیع آفات سالمی
ای [illegible] احوال [illegible] ایشان را سالم می داری وسلامتی عطا می نمائی
ای امان دهنده مردمان وای گواه افعال ایشان ای ارجمند قهار وای جبار عالم
وای عظیم الشان والسلطان وای آفریننده اجسام وای پدید آورنده ارواح
وای صورت دهنده اشیا خصوصا بنی آدم را در شکم مادران و ما نیز ملک گفته شد
دعای شب هشتم ای خداوندی که هوا را [illegible] شب کرده که چون آفتاب پنهان
می شود هوا تاریک می شود و شب بهم می رسد و [illegible] روشنی در آسمان
وماه و ستارگان خداوندی که آسمان را [illegible] بعضی از آن بر زمین [illegible]
تو که اگر خواهی هلاک کردن زمین را [illegible]
کنی و بر زمین اندازی و چنان نیست که [illegible] باشد [illegible] آسمان
زمین را [illegible] موجود اند [illegible]
همه [illegible] معدوم می شوند ای بزرگواری که عظمت [illegible]
و [illegible] ای دایم الوجود ای خداوندی که همیشه بوده

وخواهی بود وهر خواهند مرد و میراث همه از تست ای خداوندی که مردگان را از
قبرها زنده خواهی کرد در قیامت دعای شب ششم ای خداوندی که شب را بروز در
روز میکوید گویا که چون شب آید اورا فرو گرفت یا شب را بی اوری و روز را بی پی
در روز را بی آوری و شب را می بوی یا هویت را داخل میکنی در دیگری چنانکه خواست
ای جاودان ای پروردگار و ای بیگی کرد ای پروردگار و ای صاحب و خداوند هر صاحبی
ای بهتر از هر بهتری و نیست خداوندی بجز تو ای خداوندی که هیچ از برآن کردن
تو دیگری دعای شب هفتم و آن شب وداع است و این عبارت صدوق است و در چند
نسخه دیگر نیست که شب آخر شب وداع است اما معلوم نیست که شب ششم است یا شب
هفتم است حتی بر مذهب صدوق که قایل است که ماه رمضان همیشه تمام است دیگر که بسیار
است که در شب هفتم ماه دیده می شود و صدوق نمیکوید که در چنین صورتی روز هفتم را
تتمه بکوید دلالت بکرد در را قضا میکند اگر سی ام شعبان را خورده است اما محتمل است
که صدوق گوید که شب هفتم شب وداع است خواه شب آخر باشد خواه شب عید بعید
است چنانکه خواهد آمد و بهتر آنست که در شب هفتم وداع کند احتیاطا اگر ماه الله
بیند شب هم را نیز وداع کند جمیع حمدها مخصوص ذات خداوندی است که او را
شریکی نیست و جمیع محامد مخصوص خداوندی است که واجب الوجود بالذات است
و مستجمع جمیع کمالات است مانند حمدی که سزاوار ذات مقدس او باشد و
مناسب عظمت و جلال او باشد بنحوی که او مستحق و سزاوار آن باشد ای معبود
اسمای بهادر میبها بود وجود وحدانیت و کمالات و جنود ای منزه و مقدس از الذات
و در یکانی و نیست بعد از مقدس یا نور القدس یعنی منزه مقدس با آنکه قدس او همه
نور است به محض عدم است و ای منزه الصفات والافعال از هرچه لایق آن نباشد
ای خداوندی که بنهایت مرتبه تقدس و تنزه او را سزاست ای بخشاینده کرد رحمت

افزون است و ای خداوند دانا و مجرد جمیع من الوجوه یا لطیف او همه اشیا را
فرا گرفته است و ای خداوند ای عظیم و تسبیحات هر روز خصوصا در روزهای ماه
رمضان و دعاها و استغفار و محامد همه در تهذیب و مصباح و اقبال موجود است
رجوع بآنها باید کرد وداع شهر رمضان روی ابو بصیر عن ابی عبد الله صلوات
الله علیه قال تقول فی وداع شهر رمضان اللهم انك قلت فی كتابك المنزل
علی نبيك المرسل وقولك الحق شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس
وبينات من الهدی والفرقان وهذا شهر رمضان قد انصرم فاسئلك بوجهك
الكريم وكلماتك التامات ان كان بقي علي ذنب لم تغفره لي وتريد ان تحاسبني به
او تعذبني عليه او تقايسني به ان يطلع فجر هذه الليلة او يتصرم هذا الشهر
الا وقد غفرته لي يا ارحم الراحمين اللهم لك الحمد بمحامدك كلها على نعمائك
كلها اولها واخرها ما قلت لنفسك منها وما قاله الخلائق الحامدون المجتهدون
في ذكرك والشاكرون الذين اعنتهم على اداء حقك من اصناف خلقك من
الملائكة المقربين والنبيين والمرسلين واصناف الناطقين المسبحين لك
من جميع العالمين على انك بلغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا
من قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك ما لا نحصيه ولك الحمد الخالد الدائم
المخلد السرمد الذي لا ينفد طول الابد جل ثناؤك اعنتنا عليه حتى
قضيت عنا صيامه وقيامه من الصلوة وما كان منا فيه من بر او شكر او ذكر
اللهم فتقبله منا باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك
وحقيقة رضوانك حتى تظفرنا فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب
وتوقينا فيه من كل مرهوب او بلاء مجلوب او ذنب مكسوب اللهم انی اسئلك
بعظيم ما سألك به احد من خلقك من كريم اسمائك وجميل ثنائك

خاتمة دعائه اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل شهرنا هذا اعظم شهر رمضان
مر علينا منذ انزلتنا الى الدنيا بركة في عصمة ديني وخلاص نفسي وقضاء
حاجتي وتشفيعي في مسائلي وتمام النعمة علي وصرف السوء عني ولباس
العافية لي وان تجعلني برحمتك ممن اخرت له ليلة القدر وجعلتها
له خيرا من الف شهر في اعظم الاجر وكرائم الذخر وحسن الشكر وطول العمر ودوام
اليسر اللهم واسئلك برحمتك وعزتك وطولك وعفوك ونعمائك و
جلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله اخر العهد منا لشهر رمضان
حتى تبلغناه من قابل على احسن حال وتعرفنا هلاله مع الناظرين اليه والمعترفين
له في اعفى عافيتك وانعم نعمتك واوسع رحمتك واجزل قسمك اللهم
يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا تجعل هذا الوداع مني له وداع فناء ولا اخر العهد
مني للقاء حتى ترينيه من قابل في اسبغ النعم وافضل الرجاء وانا لك على احسن
الوفاء انك سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك و
استكانتي وتوكلي عليك فانا لك مسلم ولا ارجو نجاحا ولا معافاة الا بك
ومنك فامنن علي جل ثناؤك وتقدست اسماؤك وبلغني شهر رمضان و
انا معافى من كل مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد لله الذي
اعاننا على صيام هذا الشهر حتى بلغنا اخر ليلة منه وداع در میان دوستان معقول
اظهار حسرت است بر مفارقت دوستان و در اجتماع چند احتمال جاری یکی آنکه محب
واقع شعوری داشته باشد و ما نیز دانیم چنانکه ظواهر آیات و اخبار متواتره است
و قطع نظر از آن نموده وداع ایماء اظهار شکر حق سبحانه و تعالی است بر نعمت این
عبادات چنانکه احادیث بسیار در بیان واقع شده است که چون نمازی کنی نماز را
بجوری کن که گویا آن وداع میکنی و گویا نماز آخر تست و چون صوم بر نفوس خود

است و اکثر اوقات این کس حاکی می شود خصوصا جمعی که از عبادت الهی لذتی
یافته اند و اکثر عالمیان بر زبان می آورند که چه در آن است ایماء و اخر نمی شود
و اگر بر زبان نگویند در خاطر ایشان هست و عاقلند از ثوابهای عظیم متناهی الهی
که از جهت صبر بر طاعت مقرر است و رتبه اعلی رتبه شکر است پس می باید که
رضا از جمیع عبادات داشته باشد پس در وداع ماه رمضان شکر نعمت
الهی کرده است بر این تکلیف و الی بر خلاف این باشد که از نعمت حق سبحانه و تعالی
کرده است و فی الحقیقة در وداع رمضان و عنوان از عبادات بر اظهار رضا
میکند بر این تکلیف و مرتبه رضا بقضاء الله رتبه ایست که فوق این رتبه
نمیباشد و منع جمعی نیست میان این دو معنی و ایمان مقتضی است که ما
باید کارها باشد طلبت چنانکه اهل روزه را حسب الامر بجای آریم وداع را نیز اصل
حسب الامر بجای آریم و اظهار حسرتی می باید کرد و اظهار حسرت با شعور در
عدم از جمع می شود و از جمله ارکان عظیمه ایمان صبر است و شکر است و رضا است و
تسلیم است و در وداع هر جمع مشروع است و احادیث بسیار در وداع وارد شده
و بهترین دعاها در وداع دعای صحیفه کامله است و بعد از آن این دعاها در
دعاهای که ابن طاوس رضی الله عنه در اقبال ذکر کرده است و یکی از علمای ما شیخ
در ربیع حدیثی از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله روایت کرده است که در
روز جمعه اخر وداع کن و ظاهر اکثر احادیث وداع آنست که در شب آخر کنند از
عبادات و دعوات ظاهر می شود که در وقت مفارقت نیکو خوب باشد پس در جمعه
وداع وداع جمعها میکند و در شب آخر وداع شبها و در روز آخر وداع روزها
پس در آخر روز بهتر است که واقع سازد و اگر در هر سه واقع سازد بهتر است و اگر
نتواند وداع شب آخر را فوت نکند و اگر مانعی داشته باشد در روز خوب است

منقول است در موثق و کلینی در قوی کالصحیح از ابو بصیر که گفت حضرت امام جعفر صادق
صلوة الله علیه فرمودند که در وداع ماه رمضان این دعا را میخوانند یا میخوانی و ترجمه اش
این است که خدایا تو در کتابی که فرستادهٔ بر پیغمبر که مرسل است و بهترین پیغمبران است
و آن کتاب بهترین کتابها است و هر چه گفته راست است و موافق واقع است که ماه
رمضان را روزه بدارید که در آن ماه قرآن نازل شد بر پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله
آن قرآنی که هدایت کننده است جمیع خلایق را بجناب اقدس الهی و در قرآن درستی ها
و دلایل بسیار بر وجود خود و صحت رسالت پیغمبرت صلی الله علیه و آله و هر سوره معجزه ایست
که دلالت بر صحت نبوت آنحضرت میکند و از خلایق یا بنی اسرائیل روزه را طلب
فرمودی یا روزه این ماه را خود فرموده و این ماه رمضان بسر آمد یعنی نزدیک است
است که بسر آید و در نسخ انصرم و تصرم هر دو واقع شده است و بیک معنی است
پس سوال میکنم از تو بحق بدی که تمیت و مجاز شایع است که میگویند فلانی را تو دیدی کریم
دیدیم یا بد دیدی غضب و مراد از دیدی تو جنس است پس قسم دادن بدیدی کریم است های
کریم یعنی بصفات یعنی اگر دیدی کریم معنی دارد یکی خوب و باین معنی از
صفات ذاتیه است و دیگری احسان کننده و باین معنی از صفات فعل است و همچنین
است رحمن و رحیم و بهر دو معنی بتو اطلاق میکنند مجازا و اگر در یک معنی
اطلاق کنند بر معنی دوم التزاما دلالت میکند و بحق کلمات تمام تو و چند معنی
احتمال دارد یکی آنکه اکثر گفته اند که قرآن است که مراد از آیات قرآن کلمه است که
هر یک هدایت تمام است و هر سوره از سورهای آن هدایت و اعجاز تمام اند و اطلاق
میکنند بر اسماء و اعظم که تمام اند در تاثیرات و جمعی چنین گفته اند که بحسب عظم
احاطه اسماء و عظیم میباشد مثل چون الله دلالت میکند بر ذات مستجمع جمیع
صفات و کمالات اعظم است مثل باسمائی که بجا در سوره است و بعد از آن رحمن

چون مراد

چون مراد رحمت عام بر رحمت است و آن جمیع موجودات را احاطه نموده است و همچنین
کریم و علیم و رحیم بیک اعتبار عظیم است که مراد از آن رحمتهای خاص است و آن
اعظم است از رحمتهای عامه هر چند شمول آن بیشتر است و آنچه در احادیث
اهل بیت صلوة الله علیهم بیشتر وارد است دو معنی است یکی اسماء اعظم الهی که بانبیا
و اولیا داده اند و آصف یک اسم از آن اسماء را داشت و در یک چشم زدن تخت
بلقیس را نزد حضرت سلیمان علیه السلام حاضر کرد و مجموع آن هفتاد و سه
اسم است یکی از آنها مخصوص حق سبحانه و تعالی است که بهیچ کس نداده است و هفتاد
و دو اسم دیگر را بانبیا و اولیا داده اند بعضی را یک اسم داده اند بنحوی که بحضرت آدم
داده بودند و مجموع هفتاد و دو اسم را حق سبحانه و تعالی بحضرت سید المرسلین
و ایمه معصومین صلوة الله علیهم کرامت کرده است گاهی اطلاق میکنند بر انبیا و
اوصیا که ایشان را حق سبحانه و تعالی بیشتر از همه اشیا آفریده بلفظ کن و چون حضرت
عیسی ع بحسب ظاهر بی پدر مخلوق شد گویا بی واسطه بلفظ کن مخلوق شده است
او را کلمة الله میگویند و در دعوات عربیت محملی است که مراد ما شد و همه بتو محملی است
پس قسم میدهم خداوند خود را بحمد کما کرامه فی ما بر آه باشد بر من گناهی که از آن
بیامرزیده باشی و خواهی که مرا بآن حساب کنی یا بر آن عذاب کنی یا بسبب آن حسنات
مرا بیکران دهی یا سیئات آنها را ابقا دهی که طالع نشود صبح این شب و سر آید
این ماه مگر آنکه گناهان مرا آمرزیده باشی و این عبارت در این دعا مشکل است بعضی آن
نکبت را میخوانند که یافته باشد و در مصباح ان لا یطلع است و در کافی و تهذیب نسخه
و به لا ندارد و بعضی از دعاهای وداع اعوذ دارد خوب است و اگر اعوذ نداشته
باشد مراد است بفتح همزه خوانده شود بتقدیر کراهت از طلوع و این اظهر و اشنع
است و اگر بکسر خوانند معنی بعید عذر است ای بخشنده تو ببخش گناهان تا

حمد میکنم ترا بجمیع حمدها و جمیع نعمتهایی که اول داده و آنچه آخر کرامت کرده یا
اول حمدها و آخر حمدها آنچه خود خود را بآن حمد کرده و آنچه خلایق ترا بآن حمد
کرده اند که کار ایشان آنست که ترا حمد میکنند و بنهایت سعی بجا آورند در حمد تو
و هر ذکر تو و شکر تو از جمیع که آنست ترا یاد کرده بر آنکه حق حمد ترا بجا آورند
از انواع خلایق از فرشتگان مقرب و از پیغمبران و رسل و آنچه انواع گویندگان تسبیح
و تحمید ترا بآن کرده اند بمجموع این حمدها ترا حمد میکنم بر این نعمت عظمی که ما را
رسانیدی بماه مبارک رمضان و بر ما بود از نعمتهای تو و قسمتهایی که بما داده بودی
از انواع احسانها و نعمتهای بی حد و بی انتها که نمیتوانیم احصا کردن و تعداد نمودن
پس ترا است حمدی که دایم باشد و در زیادتی باشد بازلی و نیکو باز ازلی و تمامت باشد
بنا بر اختلاف شب و روز که مخلد باشد همیشه و منقطع نشود هرگز و آخر نشود
ابد الآباد آنچه داندی که ثنا و مدح و حمد تو از آن اعظم است که کسی از عهده آن
بدر تواند آمد و یاری کردی ما را تا روزه این ماه داشتیم و پاره از عبادات شبها
بجا آوردیم خداوندا هر عبادتی و شکری و ذکری که کرده ایم همه را قبول کن بهترین
انواع قبول و از گناهان ما در گذر بهترین در گذشتنها و عفوها و آمرزش
گناهان دیگر خرسند شدن تا برسانی مرا بهر چیزی که مطلوب است و بهر بخششی
عظیم که دیگریان بآن عطا نموده و ایمن سازی ما را از شر هر بلایی که از آن جا بعیم
یا خود بسبب اعمال قبیحه بر سر خود آورده ایم و از شر گناهانی که از ما صادر شده با هم
شده آنکه نگذاری که دیگر مخالفت کنیم ترا خداوندا از تو سوال میکنم بحق اسماء اعظمی که
احدی از خلایق ترا بآن خوانده باشد و بحق ثناهای عظیم و دعاهای مخصوصه با
خاصانی که ترا خوانده اند بحق جد ایشان که صلوات و محمد و آل محمد فرستد چنانکه این ماه
رمضان نظر بماههای رمضانهای گذشته عظیمتر از همه باشد در حفظ دین ما

و در خلاص شدن نفوس ما و در قضای حوایج ما و در قبول شفاعت ما از جهت
دیگران و در تمام بودن و در تمام شدن نعمتهای تو بر من و در دفع بلاها از من و
در پوشانیدن خلعت بر من که از همه بیشتر باشد یعنی سوال میکنم که همه اینها را بمن
بکنی زیاده از سالهای دیگر و آنکه بگردانی مرا از جمله کسانی که ذخیره کرده باشی یا اختیار
کرده باشی یعنی بود رسانیده باشی جمیع فواید شب قدر را یا اختیار کرده باشی از
این شب را آنکه توفیق عبادات یافته باشد در این شب و این شب را از جهت او
بهتر از هزار ماه کرده باشی که اجر تو عظیمش باشد و ذخیره که از جهت او داده باشی
نفس تو باشد و شکری که او تواند با تو او را کنی بهتر باشد و عمر تو را در از تر کنی
و آسانی او را همیشه کنی پس هر گاه گویی که مرا از جمعی کردان که اینها نسبت یاد کرده
باشی بحفظ گذران که ما حتی کن در جمع جماعت چون من قابل نیستم که اینها
با من کنی خداوندا ترا سوال میکنم بحق رحمت و عزت و احسان و عفو و نعمتها و عظمت
و احسان و انعام قدیمی که با من داری و همیشه نعمت پرورده احسان تو بوده ام
چنانکه این ماه رمضان آخر عمر من باشد ملائکه برسانی مرا بر رمضان دیگر بهترین احوال
و در آن سال بمانی من هلالش را با جمعی که نظر بهلال کنیم در بینیم و مشتبه شود بر
کسانی که در طلب ماه باشند و چون بماه رمضان امروز برسم عافیتم تمام تر باشد
از هر چگونه گوییم نداشته باشم و نعمت بر من تمامتر باشد در رحمت واسع تو
قسمت من بیشتر باشد خداوندا ای پروردگار من که مرا پرورد کاری غیر از تو
چنان مکن که این وداع آخرین باشد که بماه رمضان دیگر نرسم بلکه مرا سال دیگر برسانی
با نفس بسیار و با امید بسیار و با عبادات و طاعت بسیار برستیکه تو اجابت
کننده دعاهایی خداوندا دعای مرا مستجاب کن و بر تضرع و زاری من رحم کن و
بجهت شکستگی و تضرع و توکل مرا بدر رستیکه کردن نهاده ام احکام ترا و امید دارم

رستگاری و عفو از گناهان و امکی یاری تو و از نزد تو پس منت نه بر من ای خداوندی
که ثنای تو عظیم است و اسمای تو منزه است از آنکه بر عیب تو اطلاق توان کرد و برسان
ما را ماه رمضان این روز با عافیت از جمیع بلاها و محنتها و حفظ کن ما را از جمیع
گناهان و بلاها جمیع ثناها مخصوص خداوندی است که ما را یاری کرد بر روزه
این ماه تا شب آخر این ماه رسانید ما را و در شب آخر سنت است آزاد کردن بنده چنانکه
روایت کرده است سید ابن طاوس در کتاب التصحیح از محمد بن عجلان از حضرت
امام جعفر صادق صلوات الله علیه که فرمودند که حضرت سید الساجدین صلوات الله علیه
که چون ماه رمضان می‌شد غلامان و کنیزان را تادیب نمیفرمودند و چون بدی
میکردند اینها را می‌نوشتند که فلان غلام این کار کرد و فلان کنیز این کار کرد و چون
شب آخر ماه رمضان می‌شد همه را جمع می‌فرمودند و آن نوشته را در پیش او می‌بردند
و بر ایشان میخواندند که فلان کار و فلان کار کردی و ترا ادب نکردم و تو فلانی و فلان کار
کردی و ترا آزردم و بعد تعلیم میفرمودند که بگوئید ای علی ابن الحسین چنانکه تو بر ما
شمرده‌ای بدیهای ما را ترا نیز نامه‌ای هست که هر چه کرده‌ای از کوچک و بزرگ بر تو نوشته‌اند
و فردای قیامت هر چه کرده همه را نزد تو حاضر خواهند ساخت از ما عفو کن تا از تو
حق سبحانه و تعالی از تو عفو فرماید پس حضرت میفرمودند که من عفو کردم همه را از شما و
با شما چنانکه باید سر نکرده‌ام از تقصیرات من درگذرید ایشان میگفتند که از تو
بدی صادر نشد هرگز و لیکن حسب الامر شما عفو کردیم حضرت میفرمودند که همه را
آزاد کردم شما دعا کنید و بگوئید که خداوندا چنانکه ما را از بندگی خلاصی داد تو او را
از آتش عذاب خود خلاصی ده ایشان میگفتند و چون روز عید می‌شد هر یک را جایزه‌ها
میدادند از مقداری که محتاج کسی نباشند و هر سالی بیست بنده و زیاده یا کمتر در شب
آخر ماه رمضان آزاد میفرمودند و میفرمودند که در هر شب وقت افطار حق سبحانه و تعالی

هفتاد هزار هزار بنده را از آتش دوزخ آزاد می‌فرماید که همه مستوجب جهنم شده
باشند و در شب آخر بقدر آنچه در همه شبها آزاد می‌فرمود آزاد میفرماید و
من دوست میدارم که حق سبحانه و تعالی ببیند که هر بنده که دارم از جهت رضای
او آزاد میکنم شاید مرا بفضل خود از آتش عذاب خود آزاد کند و آنحضرت بنده را
زیاده از یکسال نگاه نمیداشتند هر بنده که در عرض سال بهم میرسانیدند
در شب آخر ماه همه را آزاد میفرمودند و هر سال در عرفات هر وقت حج بنده بسیار
میخریدند و ایشان را نگاه میداشتند و مقصود ایشان این بود که مردم در
عرفات بسیار باشند و چون قریب بآخر روز می‌شد که کوچ میکردند همه را
آزاد میکردند و هر یک جایزه‌ها میدادند که مدت عمر مانع تعیش کنند و جابر است
که در کتب رجال بسیار است که مذکور است در شان ایشان که از موالی علی ابن الحسین
اند صلوات الله علیهما و ظاهر است که غرض آنحضرت از این افعال تعلیم دیگران است
که تقلید کنند که هر گاه آنحضرت با عصمت و جامعیت جمیع کمالات اینها می‌فرمودند
ظاهر است که حال امثال ما ها چون است و چه می‌باید کرد و بدانکه وداع ماه مبارک
بنحوی که ما ادعای کنند لازم نیست و دعاهای وداع بسیار است و در هیچ
یک با عنوان نیست مگر دعای صحیفه کامله لیکن اگر دعای این کتاب خوانده شود
وداع متحقق می‌شود که بنده از جناب اقدس الهی طلب کند که خداوند او را بسال
دیگر برسان که دلالت کند و آنکه او ملکی نیست چنانکه بحسب متعارف از مهمانی
از خانه بیرون برود و از بودن مهمان نفعهای عظیم بما رسیده باشد و او را
مشایعت او کند و مغموم باشد از رفتنش وداع کرده است او را هر چند
اظهار تحسر بسیار و الم و غم بیشمار نکند اگرچه هر چند بیشتر کند بهتر خواهد
بود و الله تعالی یعلم

باب التکبیر لیلة الفطر و یومه و ما یقال فی سجدة

الشکر بعد المغرب روی سعید النقاش قال قال لی ابو عبد الله صلوة الله علیه
اما ان فی الفطر تکبیرا ولکنه مسنون قال قلت فاین هو قال فی لیلة الفطر فی المغرب
والعشاء الآخرة وفی صلوة الفجر وفی صلوة العید فی غیر روایة سعید وفی الظهر و
العصر ثم یقطع قال قلت کیف اقول قال تقول الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله
والله اکبر الله اکبر ولله الحمد الله اکبر علی ما هدانا والحمد لله علی ما ابلانا وهو قول
الله عز وجل ولتکملوا العدة یعنی الصیام ولتکبروا الله علی ما هداکم این بابی ست
در بیان تکبیر شب عید فطر و روز عید و انچه در شرح مشکوة می باید کرد بعد از
نماز شام با سایر کما تصحیح منقول است از سعید و بنابر گفته صدوق کتاب او معمول
ست معهذا موید ست بعام ایه کریمه که مذکور شد و خواهد شد که حضرت امام
جعفر صادق صلوة الله علیه می فرمودند که تحقیق در فطر تکبیری هست ولکن سنت
ست عرض نمودم که در کجا سنت ست حضرت فرمودند که عقب نماز شام و خفتن و صبح و
عقب نماز عید و در روایت دیگر غیر از این روایت و ظاهرا عقب ظهر و عصر مراد آنست
چون در ان مذکور ست که بعد از نماز ظهر و عصر نمی گویند و باز بروایت نقاش بحوع
نمود که دیگر قطع میکنی عرض نمودم که چگونه بگویم فرمودند که میگوئی الله اکبر
یعنی حق سبحانه و تعالی از ان بزرگتر ست که وصف او توان کرد و خدای از ان اعظم
ست که عقل او تواند رسید بیشه معبودی که مستحق عبادت باشد مگر واجب
الوجود بالذاتی که مستجمع جمیع کمالات ست و او از ان بالاتر ست که ارواح مجرده
ادراک او نمود داشته باشند و او از ان اعظم ست که اسرار پیغمبران بکنه ذات مقدس
او توان رسید و جمیع محامد و ثناها مخصوص ذات مقدس اوست و خدا از ان
اجل ست که خدایان پیغمبران اولوالعزم که مسمی ست بروح القدس ادراک ذات
اقدس او تواند نمود و او را بزرگواری یاد میکنیم بشکر این نعمتی عظمی که ما را بان

هدایت نموده است که ان ایمان ست یا بجود هدایت فرموده ست با بنهایت قدس
ذاتی و علم دایم بوجودش و بانکه واجب الوجود ست و متصف ست بصفات کمالیه
و منزه ست از جمیع نقایص و جمیع حمدها مخصوص او ست و ادرا ابای بسیار نعم
بر نعمتهای کمالیه که ما را بانها سرفرازی بخشیده ست و اشاره بان تکبیر ست
انچه حق سبحانه و تعالی فرموده ست که روزه ماه رمضان را بر شما واجب کردیم و اگر در
سفر باشید یا بیمار باشید نخورید و عوضش انچه خورده اید قضا کنید تا عدد ماه
که از شما طلب نموده اند تمام کرده باشید یعنی تمام صیام را بجا اورده باشید یا بجا اورده
و یا خود دانند خود را بعد از اتمام روزه در شب عید و روز عید بزرگی یاد کنید
بر نعمت هدایت که انعام کرده است بر شما و تکبیر در حج کالصحیح از معویة بن عمار
روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که تکبیر میگوئی
در شب فطر و صبح فطر چنانکه تکبیر میگوئی در عشر محتمل است که مراد عشر ذی الحجه
باشد یا عشر اخر ماه رمضان و همین تکبیر در ان نیز مستحب باشد و ابن طاوس باسانید
خود از معویة بن عمار روایت کرده است از انحضرت صریح حدیث نقاش در عقب
چهار نماز و استشهاد بایه کرده است و در ان است انه لا یقال فیه ورزقنی من بهیمة الانعام
فان ذلک فی الایام التشریق و در روایتی وارد شده است که ابن عبارت را در عید
فطر نگوئید بلکه در عید اضحی بگوئید چون این لفظ اشاره است بگوشتی که در ایام
تشریق ما فات خیرات میکردند و همین که در احادیث تکبیر عید فطر نیست
در تکبیر عید اضحی هست از برای همین مطلب کافی ست و احتیاط منهی نیست
و روی القسم بن یحیی عن جده الحسن بن راشد قال قلت لابی عبد الله صلوة الله
علیه ان الناس یقولون ان المغفرة تنزل علی من صام شهر رمضان لیلة القدر
فقال یا حسن ان القاریجار انما یعطی اجرة عند فراغه وذلک لیلة العید

قلت جعلت فداك فما ينبغي لنا ان نعمل فيها فقال اذا غربت الشمس صليت الثلث
من المغرب فارفع يديك وقل يا ذا الطول يا ذا الحول يا مصطفى محمد وناصره صل على
محمد وآل محمد واغفر لي كل ذنب اذنبته ونسيته انا وهو عندك في كتاب
مبين وتخر ساجدا وتقول ماية مرة اتوب الى الله وانت ساجد وتسال حوائجك
و باسانيد صحيح و حسنه منقولست از قاسم از حسن که عرض نمودم بحضرت امام
جعفر صادق صلوة الله عليه که مردمان میگویند که مغفرت نازل می شود بر کسی که روزه
ماه رمضان را گرفته است در شب قدر حضرت فرمودند که ای حسن ان شحمهای بر سما
نقل کرده است غلط کرده است و در بعضی از نسخ تغییر داده علی و تهذیب ان
القاریجار است مغرب یادی که در هر دو کتاب ان القاریجار است و اشعار بجانب طاعون
هم تصحیف قاریجار است یعنی مزدکاری کرد وقتی میدهند که از کار فارغ شده
باشند و شب قدر پیش از فارغ شدنست و وداع از ماه عبادت در شب عید می شود
گفتم فدایت گردم که چه کار سزاوارست که بکنیم تا مستحق مزد عظیم شویم حضرت
فرمودند که چون آفتاب فرو رود سه رکعت نماز شام را بجا آوری و سجده شکر بجا آر
و بگو ایجدا ایجدا احسان کننده ایجدا ایجدا قادر ایجدا ایجدا کسی که برگزیده محمد را از
جمیع مخلوقات و یاری دهنده او یادی صلوة بر محمد و آل او فرست و بیامرز مرا هر
گناهی که کرده ام و فراموش کرده ام و آن گناه نزد تست در کتاب ظاهر کننده و سجده
میروی و صد مرتبه میگویی که بازگشت میکنم بجانب خدا و در وقتی که در سجده باشی
هر حاجتی که داری از حق سبحانه و تعالی طلب میکنی الیته برآورده می شود و همین
معنی در فقه رضوی موجود است و اعمال شب عید نیز بسیارست از انجمله کلینی از
حضرة امیر المومنین صلوة الله علیه روایت کرده است که آنحضرت در شب عید فطر
دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه قل هو الله احد میخواندند

و در رکعت دوم یک مرتبه و در فقه رضوی همین نماز هست و مذکور هست و مذکور
است که در این شب نماز بکنند و در دعا و سجده ای و در روایتی وارد شده است که چهار
رکعت نماز میکند و در هر رکعتی صد مرتبه قل هو الله احد میخواند و صدوق روایت
کرده است باسناد خود از ربیع بن خثیم از ابن مسعود از حضرة سید المرسلین صلی
الله علیه وآله از جبرئیل از اسرافیل که حق سبحانه و تعالی فرمود که هر که در شب فطر ده
رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد و قل هو الله احد ده مرتبه و در رکوع و سجود
تسبیحات اربع را بخواند و چون فارغ شود هزار مرتبه استغفار کند و بعد سجود کند
و بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام یا رحمن الدنیا والاخرة ورحیمهما یا ارحم
الراحمین یا اله الاولین والاخرین اغفر لی ذنوبی وتقبل صومی وصلواتی وقیامی
پس حضرة فرمودند که سر از سجده برندارد تا آنکه گناهانش همه آمرزیده شود و ماه
رمضان از و مقبول شود و از جمیع گناهانش درگذرند و ثواب بسیار ذکر فرمودند
و احادیث بسیار در فضیلت احیاء شب عید رمضان و عید قربان و شب نیمه شعبان
و شب اول ماه رجب وارد شده است با فضایل بسیار و ثواب بیشمار باب
ما یجب علی الناس اذا صح عندهم بالرویة یوم الفطر بعد ما اصبحوا صایمین روی محمد
بن قیس عن ابی جعفر صلوة الله علیه قال اذا شهد عند الامام شاهدان انهما رایا
الهلال منذ ثلثین یوما امر الامام بافطار ذلک الیوم اذا کانا شاهدا قبل زوال
الشمس وان شهدا بعد زوال الشمس امر بافطار ذلک الیوم واخر الصلوة الی الغد
فصلی بهم این باب مشتمل است بر بیان آنکه هرگاه روز سی ام روزه باشند و آنکه شب ماه را
ندیده باشند بعد از آن ظاهر شود بشهادت عدلین که ماه را دیده اند منقول است
در حسن کالصحیح و کلینی در صحیح که حضرة امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که
هرگاه نزد امام دو گواه عادل گواهی دهند که ماه رمضان را سی روز پیش از این

چون امام که امروز روز سی دیگر است امر کنند امام صلوات الله علیه که امروز را افطار کنند
هرگاه پیش از زوال شهادت دهند و اگر بعد از زوال شهادت دهند امر فرماید
که امروز را افطار کنند و نماز را در روز دیگر ادا کنند و باز در نماز عید را قضا کنند و فی
خبر آخر قال اذا اصبح الناس صیاما ولم یروا الهلال وجاء قوم عدول یشهدون
علی الرویة فلیفطروا ولیخرجوا من الغد اول النهار الی عیدهم و بهمین عنوان کلینی
رحمه الله ذکر کرده است از وجه باب که در خبری دیگر منقول است که آنحضرت فرمودند
که هرگاه مردمان روزه باشند و شب ماه شوال را ندیده باشند و جمعی عادل بیایند و گواهی
دهند که ما دیشب ماه را دیدیم بر ایشان که افطار کنند و روز دیگر اول روز بیرون روند
بصحرا و نماز عید را قضا بجا آورند و ظاهرش آنست که شهادت بعد از زوال بوده است
و بحسب ظاهر این دو حدیث مخالف احادیث بسیار است که وارد شده است که نماز عید
اگر فوت شود قضا ندارد و جمع میتوان کرد که قضا واجب نباشد و این دو حدیث
را حمل کنند بر استحباب والله تعالی یعلم و اذا رای هلال شوال بالنهار قبل الزوال
فذلک الیوم من شوال و اذا رای بعد الزوال فذلک الیوم من شهر رمضان و
منقول است در موثق کالصحیح از عبید بن زراره و ابن بکیر که حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه فرمودند که هرگاه ماه شوال را در روز پیش از پیشین به
بینند آن روز از شوال است و اگر بعد از زوال دیده شود آن روز از ماه رمضان است
و در حسن کالصحیح از حماد بن عثمان منقول است که آنحضرت فرمودند که هرگاه مردمان
هلال را پیش از زوال به بینند آن هلال شب گذشته است و اگر بعد از زوال به بینند
از شب آینده است و ممکن است که این حدیث را حمل کنند بر غالب چون اکثر اوقات
چنین است و بیانی واقع باشد نه آنکه روزه را بگیرند در اول ماه رمضان و بخورند
در آخر ماه و منافات ندارد که در اول از ماه باشد و واجب باشد روزه گرفتن

داخل شوال باشد و واجب باشد خوردن چون مخالفین نظام بر انند و مکرر
مذکور شد که در موضع تقیه چنین مبهم میفرمایند و ظاهر است که هرگاه ماه
سی باشد و بعد از دو ساعت از اول شب خود هم از شعاع شمس شود پیش از
ظهر دیده میشود پس اگر این اعتبار میداشت بنا را بر دیدن نمیگذاشتند و اکثر
اخبار متواتره وارد شده است که چون به بینند روزه بگیرند و چون به بینند
افطار کنند و توهم نشود که ایجاد دیده ایم زیرا که یقینا اجتماعی مراد نیست که از جهت
امور دینی برداشته باشد بلکه از جهت روزه است و فایده دارد بهرا بعد از دیدن
بعد از ظهر نمیخورند بالجماع و بهمین مضمون است کالصحیح یا صحیح از محمد بن عیسی
که گفت نوشتم بخدمت آنحضرت یعنی امام محمد تقی صلوات الله علیه چون منقول است که اول
از آنحضرت صلعم روایت کرده است بعنوان مشافهه و مکاتبه که فدای تو گردم بسیار است
که شب است و ماه شوال را می بینند و در روز گاهی پیش از زوال می بینند و گاهی
بعد از زوال پس اگر قبل از زوال ماه را به بینیم افطار کنیم آن روز را و چگونه میفرمائید
حضرت نوشتند که آن روزه را تمام میکنند زیرا که اگر ماه سی باشد غالب آنست که پیش
از زوال میتوان دید آنرا و چند حدیث دیگر نیز وارد شده است که ظاهر آنها نیز
این است که دیدن قبل از زوال اثری ندارد اگرچه جمعی قایل باین هستند و عمده ظاهر
اخبار متواتره است که گذشت و خواهد آمد باب النوادر روی الحسین بن
سعید عن ابن فضال قال کتبت الی ابی الحسن الرضا صلوات الله علیه اسأله عن قوم عندنا
یصلون ولا یصومون شهر رمضان وربما احتجت الیهم یحصدون لی فاذا
دعوتهم للحصاد لم یجیبونی حتی اطعمهم وهم یجدون من یطعمهم فیذهبون الیهم
ویدعونی وانا اضیق من اطعامهم فی شهر رمضان فکتب صلوات الله علیه بخطه اعرفهم
اطعمهم این باب است در احادیث شاذه نادره ولیکن اگرچه نادر است اما علی

بیان کرده است صدوق باسانید صحیحه منقولست از حسن بن علی که گفت نوشتم بحضرت
امام ابوالحسن الرضا صلوة الله علیه و سوال کردم از جمعی که نزد ما می باشند و نماز میکنند
و مسلمانند و لیکن روزه ماه رمضان را نمیگیرند و دروغ میگویند و بسیارست که محتاج
میشوم بایشان که از برای عمارت مرا کار کنند چون ایشان را می طلبم میآیند ما بایستی
خوردان دهیم و جمعی هستند که خود ملی بایشان میدهند پیش ایشان می روند و نزد
من نمیآیند و بر من دشوارست بایشان طعام دادن ولی ترسم که معاونت بر اثم و
عدوان باشد در ماه رمضان بایشان چیزی دادن حضرت بخط مبارک جواب که
می شناسم خط حضرت را نوشتند که طعام بایشان بده و هیچ وجه دارد که عاجز
میرسد یعنی اگر اگر امثال این معاونت حرام باشد لازم می آید که با هیچ فاسقی این
سودا و معامله نتوان کرد چون ممکن است که اجرت را ندهد و صرف معصیت نماید اما
اگر شراب نخورد و شند حرام است که اگرچه نخورد چون فی نفسه نهی از آن وارد شده است
بخلاف اینجا که ما طعام حلال بایشان میدهیم ایشان حرام میخورند با آنکه ممکن است
که نخورند و اگر ما اجرت ایشان را میدهیم اگرچه طعام باشد و بایشان میگوییم که شب
بخورید یا نمیگوییم که چون از ضرورت دین است و هر که مسلمانست میداند که روزه
خوردن حرام است دیگر آنکه ممکن است که کوفتی داشته باشند یا مسافر باشند
و قصد اقامت نکرده باشند یا معاش ایشان منحصر باشد در روزه کردن (?) و چون
بحد هلاک رسند خورند و ظاهر اعم از این است که ایشان سنی بوده باشند
در روزهای ایشان باطل است اگر بگیرند یا نگیرند در هر دو مساویست و الله تعالی یعلم
و فی روایة محمد بن سنان عن حذیفة بن منصور عن ابی عبدالله صلوة الله علیه قال
شهر رمضان ثلثون یوما لا ینقص ابدا و منقولست در روایت محمد از حذیفه
که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که ماه رمضان سی روزست و هرگز

کم نبوده

کم نبوده است و نخواهد بود و فی روایة حذیفة بن منصور عن معاذ بن کثیر و
یقال له معاذ بن مسلم الهراء عن ابی عبدالله صلوة الله علیه قال شهر رمضان ثلثون
یوما لا ینقص والله ابدا و از معاذ بن کثیر منقولست و او را هرا میگویند یعنی فروشنده
جامهای هروی که در حرات یافته بوده اند و در بعضی از نسخ این کتاب و کتب دیگر
قراء مشهور بوده است یعنی بوستان جو زنیا بوستان فروش و هر دو از ثقات مشهور
اند که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که ماه رمضان سی روزست و بخدا
قسم که کمتر از سی روز نمیباشد هرگز ممکن است که مراد این باشد که بحسب واقع چنین میباشد
و لیکن بحسب ظاهر معلوم نمیباشد و ما مکلفیم بظاهر یا آنکه مکلفیم که وجوبا یا استحبابا
تمام کنیم یا آنکه اگر دیده شود یک روز را سنت است که قضا کند و فی روایة محمد بن اسمعیل
بن بزیع عن محمد بن یعقوب بن شعیب عن ابیه عن ابی عبدالله صلوة الله علیه قال
قلت له ان الناس یروون ان رسول الله صلی الله علیه و آله ما صام من شهر رمضان تسعة
و عشرین یوما اکثر مما صام ثلثین یوما قال کذبوا ما صام رسول الله صلی الله علیه و آله الا
تاما و لا یکون الفرائض ناقصة ان الله تبارک و تعالی خلق السنة ثلثمائة و ستین
یوما و خلق السموات و الارض فی ستة ایام فحجزها من ثلثمائة و ستین یوما فالسنة
ثلثمائة و اربعة و خمسون یوما و شهر رمضان ثلثون یوما لقول الله عز و جل و واعدنا
موسی ثلثین لیلة و الشهر هکذا ثم هکذا ای شهر تام و شهر ناقص و شهر رمضان
لا ینقص ابدا و شعبان لا یتم ابدا و کافی تصحیح از محمد بن یعقوب بن شعیب است بدل شی
یعقوب و ظاهرا بدیر تصحیف است … و در بعضی از نسخ عن شعیب و ظاهرا سهو
نساخ است و یعقوب گفت عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه که عامه
روایت میکنند که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله اکثر سی کم بیست روزه گرفته اند
بیشتر از آنچه سی است که گرفته اند حضرت فرمودند که دروغ میگویند ما که حضرت

سه الرسول صلى الله عليه وآله ماه رمضان را بيست ونه روز گرفته اند و حكم عام در واجبات مطلقا
حاجتي كه چون بين از قرآن ظاهر شده است ناقص نمي باشد اين بسنت كه حق سبحانه
تعالى مقرر فرموده است سالي را كه سيصد و شصت روز باشد و اسبابها را از
زمينهاي او شش روز قرار داد و از شش روز سال كم كرد و شايد بيست كه شش ماه
سي كم است و شش ماه سي و سالي سيصد و پنجاه و چهار روز مي شود و ماه رمضان
سي روز است زيرا كه حق سبحانه وتعالى مي فرمايد كه تمام كنيد عدد ماه را و كامل آنست
كه تمام باشد و شوال است و نه روز است و ذو القعده سي روز است زيرا كه حق
سبحانه وتعالى مي فرمايد كه ما وعده كرديم با حضرت موسى سي شب را و اين قرآن عدد است
كه در ماه رمضان كامل فرموده و ذو القعده را سي روز فرموده است پس شوال و رمضان
مي بايد كه از سي كم باشد پس ماه را با اين نسبت يكي سي كم است و يكي سي است و ماه رمضان
هرگز كم نمي شود و شعبان تمام نمي شود هرگز و سأل ابو بصير ابا عبد الله صلوات الله عليه عن
قول الله عز وجل ولتكملوا العدة قال ثلثين يوما و منقول است در موثق از ابو بصير
كه گفت سؤال كردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه از معني قول الهي كه تا كامل
كنيد عدد را چه معني دارد حضرت فرمودند كه مراد الهي اينست كه سي روز تمام
كنيد اگر از سي كم باشد يعني يك روز قضا كند با اكثر تمام روزها فرمودند گرفته اند
حساب مي كنند و تعدد را سي روز مي كنند اگر چه يكي كم باشد و نه شرح باشد و روى
عن ياسر الخادم قال قلت للرضا صلوات الله عليه هل يكون شهر رمضان تسعة وعشرين
يوما فقال ان شهر رمضان لا ينقص عن ثلثين يوما ابدا قال مصنف هذا الكتاب
رضي الله عنه من خالف هذه الاخبار وذهب الى الاخبار الموافقة للعامة في ضدها
اتقي كما يتقى العامة ولا يكلم الا بالتقية كائنا من كان الا ان يكون مسترشدا
فيرشد ويبين له فان البدعة انما تمات وتبطل بترك ذكرها ولا قوة الا بالله

و در حديث صحيح منقول است از ياسر كه گفت عرض نمودم بخدمت حضرت امام رضا
صلوات الله عليه كه آيا ماه رمضان بيست ونه روز مي باشد حضرت فرمودند كه ماه
رمضان هرگز كمتر از سي روز نمي باشد چنين گويد مصنف اين كتاب ابن بابويه رحمه
الله تعالى از و خوشنود باشد كه هر كه مخالفت كند اين اخبار را و اعتقاد كند
اخبار متواتره را كه موافق مذهب سنيان است در ضد اين اخبار كه در هر مي منقول است
كه ماه رمضان مانند ساير ماهها است سي كم يك مي باشد و سي مي باشد از و تقيه
مي بايد كرد چنانكه از عامه تقيه بايد كرد و با او سخن نمي بايد گفت مگر بعنوان تقيه
هر كه باشد مگر آنكه طالب حق باشد و راه نمايند او و حق را ظاهر سازند زيرا كه
بحث كردن در بدعت سبب رواج آنست و چون متوجه دفع شبهات ايشان
مي شود كسي بدعت او در بطلانش بيشتر مي شود چون شياطين جن و انس مدد او
ميكنند و اگر از اين كس و سند كه شما در اين مسئله چه اعتقاد داريد تقيه مي بايد كرد
و مي بايد گفت كه اعتقاد ما با شما موافق است و قصد اصول دين كند و چون ديدن
كه كسي متعرض ايشان نمي شود بدعت مضمحل مي شود و بموت يا غيبت او با هدايت الهي
و از اطراف نيز چنين ميگويند پس اولي اين بود كه اين را نيز نگويد مگر آنكه قصد مسترشدي
كرده باشد كه با ايشان بگويند كه هرگاه اينهمه احاديث از ائمه معصومين صلوات الله
عليهم وارد شده با شطرنج نقول كرد و چون آن اخبار موافق عامه است پس اينها
را حمل بر تقيه بايد كرد و با اينها عمل بايد نمود و جواب علما اين است كه اگر اين اخبار در
مذهب نزد ايشان ما شد اين جمع خوب است و ظاهر نيست كه در آن وقت كدام
طرف مشهور بوده است پس ممكن است كه اين اخبار را بر تقيه حمل كنيم و ممكن است كه عمل
با اينها كنيم بر استحباب چون صدوق عليه الرحمه ذكر كرده اند كه هلال معتبر است و بلي سنت
روز سي ام شعبان را بقصد استحباب مي بايد كرد پس جايز است افطار آن بعد عدد

پس اگر در شب سی‌ام ماه را ببینند کاشف می‌آید بودن همه صوم که روز سی‌ام
شعبان از ماه رمضان بوده است و او را قضا می‌باید کرد پس با بودن خلاف در قضا
ظاهر می‌شود و شکی نیست در آنکه اولی و احوط قضاست تا جمع شده باشد در میان
اخبار و اقوال علما و با جمع کنیم با آنکه مکلف مخیر است در عمل به هر یک که خواهد
و بنا بر این نیز عمل بامان اخبار اولی است علامت سقیمی است بنابر شهرت آن اخبار
بلکه تواتر آنها بالمعنی و عمل اکثر اصحاب چنانکه در فروع فقه احادیث ما بین
بخاطر ندارم قریب به بیست حدیث از صحیح و کالصحیح وارد شده است و ذکر آنها سبب
طول است بنابراین ذکر نکرده‌ام و اکثر را شیخ در تهذیب ذکر کرده است و بعضی را
وروی عن معویة بن عمار قال سألت اباعبدالله صلوات الله علیه عن صیام ایام التشریق
فقال انما نهی رسول الله صلی الله علیه وآله عن صیامها بمنی فاما بغیرها فلا بأس و
سند صحیح منقول است از معویه که گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه از روزه سه روز بعد از عید قربان حضرت فرمودند که حضرت سید المرسلین صلی
الله علیه وآله نهی فرموده‌اند از روزه داشتن این سه روز را در منی اما در غیر
منی باک نیست و بایست بودن منافات با کراهت ندارد مگر موید کراهت است
و معهذا در صحیح ابن زیاد منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند
که بعد از عید قربان و بعد از عید فطر سه روز را روزه مگیرید بدرستیکه این شش
روز ایام اکل و شرب است و نهی کراهت وارد شده است در موثق سماعه از صیام ایام
تشریق مطلقا و در صحیح عبدالرحمن از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما
منقول است نهی از دو روز بعد از فطر و در موثق کالصحیح حریز از ائمه هدی صلوات الله
علیهم وارد شده است در نهی از سه روز بعد از عید فطر پس حدیث شش را
بعد از سه روز اولی است و شش در فقه رضوی مذکور است بعد از یک روز و نهی

رسول الله صلی الله علیه وآله عن الوصال فی الصیام وکان یواصل فقیل له فی ذلک فقال
صلی الله علیه وآله انی لست کاحدکم انی اظل عند ربی فیطعمنی ویسقینی و در قوی
مشکوة منقول است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله نهی میفرمودند دیگران را از
صوم وصال و خود وصال میکردند پس جماعتی را آنحضرت نهی پرسیدند حضرت
فرمودند که من مثل شما نیستم یعنی شما مثل من نیستید و این قلت از روی تواضع بود
پس حضرت فرمودند که من که شب میروم پروردگار خود میبودم و در روایت
شده است یعنی شب نزد پروردگار خود میباشم و او مرا طعام و آب میدهد
غذا نیست و بعضی از علما گفته‌اند که غذای بهشت برای آنحضرت هم می‌آوردند
انسکم من با عشار ربطی کردارم بجناب اقدس او محتاج غذا نیستم و خوردن از
جهت آن بود که مبادا نسبت الوهیت به آنحضرت دهند و با وجود این جمعی
غالی شدند و در موثق کالصحیح منقول است که حسین گفت که بحضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه عرض نمودم که وصال جایز است حضرت فرمودند که حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه وآله فرمودند که روزه وصال نیست و در روزه صمت نیست که از صبح تا شام
سخن نگوید و انکار کردن بعضی از ملالت شدن نیست و ظاهر این حرمت است زیرا که هر چه
مشروع نیست حرام و تشریع است و قال الصادق صلوات الله علیه الوصال الذی نهی
رسول الله صلی الله علیه وآله عنه هو ان یجعل الرجل عشاءه سحوره و در کافی سحور را
است و در صحیح از حلبی منقول است که آنحضرت فرمودند که وصالی که حضرت سید المرسلین
صلی الله علیه وآله از آن نهی فرموده‌اند آنست که افطار شام را بسحر اندازد یا آنکه در
نیت قصد کند که روزه میدارم فردا را و فردا شب را قربة الی الله و ظاهر احادیث
اعم از آن است که نیت صوم شب کند یا نکند و احوط آنست که اول شام یا
افطار کند و اگر قصد کند که روز تمام شد و قصد افطار کند بس نیست و در صحیح

حضرت هم منقول است که صوم وصال آنست که یک روز و یک شب روزه دارد و در سحر
افطار کند و ظاهر احادیث آنست که با قصد صوم وصال می شود و در قوی از آنحضرت
هم منقول است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرمودند که وصال نکنند روزه
را یعنی دو روز روزه نگیرند که شبش افطار نکنند و اگر ماندگی از افطار کنند وصال
نیست بدعت عمرو بود هوام که روزه وصال هست که سه شبانروز چیزی نخورند
از بیت صلوات الله علیهم روزه بوده اند و ابی اقوا است [illegible] و یک
صلوات الله علیهم اجابت باشد دیگر او مشروع نیست [illegible] و حق است که آن [illegible]
[illegible] بوده است و وصال از خصایص حضرت سید الانبیاء والمرسلین صلی الله علیه وآله
بوده است چنانکه گذشت و [illegible] آنکه این است که ماه شعبان را با ماه رمضان روزه
داشتن که یک روز در میان نخورند و یوم الشک [illegible] وصال است و منقول است از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که هر که تا شب افطار کند وصال نیست وصال آنکه
از دو [illegible] وصال است [illegible] صورت مشروع نیست
که روزه [illegible] یا تا سحر روزه باشد و اگر قدری از اول شب [illegible] وصال
نیست و مشروع نیست اگر قصد صوم اعتقاد نکند و اگر قصد صوم نکند حرام نیست
و در بعضی از احادیث وارد شده است که اگر کسی افطار [illegible] نماز کند [illegible] روزه
ثواب هر دو داشته باشد ظاهر [illegible] سبیل المجاز است [illegible] روزه حقیقی و محتمل است
که بعد از [illegible] مطلوب باشد والله تعالی یعلم [illegible] از امام [illegible] الله
صلوات الله علیه عن صوم الدهر فقال لم یزل مکروها وقال لا وصال فی صیام ولا صمت یوم
الی اللیل و باسانید صحیح منقول است از زراره که گفت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله
علیه سوال کردم از روزه همیشه حضرت فرمودند که همیشه مکروه بوده و در کافی لم یزل
یکره هست یعنی ما همیشه او را مکروه میدانیم یا میدانیم و ظاهر آنست که در بنی امت حسن

بشد

باشد بخلاف عبارت متن که ظاهرش اول است که در جمیع مذاهب مکروه بوده است
و حال آنکه منقول است که حضرت نوح علیه السلام همیشه صایم بودند و ظاهرا صدوق همین حدیث
را در کافی نقل کرده باشد بالمعنی و ضرر نقل بالمعنی بسیار است و در کافی تتمه حسن است
که سابقا مذکور شد و محتمل است که تتمه حدیث زراره باشد و دو حدیث باشد یا
یک حدیث شده تتمه را در کافی نقل نکرده باشد و بنا بر آنکه هر دو حدیث زراره باشد معلوم
و دلیل کراهت صوم دهر است چون [illegible] وصال [illegible] جهت [illegible] عذر است که سبب
مشقت است خواه در وصال روز و خواه در وصال شعبان یا ماه رمضان لیکن وصال
کل [illegible] مشقتش عظیم تر است و شارع میخواهد که [illegible] کار آن کند اعتقاد کرده [illegible]
[illegible] ولهذا سه روزه در هر ماه مقرر فرمودند که ثواب صوم دهر را
داشته باشد بی مشقت چنانکه مقتضای شریعت سمحه سهله است و همچنین خاموشی
یکروز تا شب اگر چه بر نفس دشوار است و سبب ثواب بوده است در شرایع سابقه و لیکن
حق سبحانه و تعالی در این امت چنان کرده است که خاموشی از مالا یعنی باشد و در غیر آن
زبان مشغول اذکار الهی باشد تا هر دو ثواب را داشته باشند و دور نیست
که این تعلیل از صدوق از جهت شرح باشد از جهت اختصار و لیکن بعید است
چون در اصطلاح محدثین تدلیس مذموم است و این احتمال را نداده باشند [illegible]
اولی و احوط است و ظاهر آنست که صوم دهر که [illegible] ثوابا خواهد بود چون اخبار
متواتره وارد شده است که روزه سپر آتش جهنم است و هرگاه که بعنوان حرام باشد یا [illegible]
دخول عیدین است و در موثق کالصحیح منقول است از سماعه که گفت سوال کردم از آن
حضرت از روزه دهر فرمودند که مکروه است و فرمودند که باکی نیست که یک روز بگیرد و
یک روز نگیرد والله تعالی یعلم و روی عن البزنطی عن هشام بن سالم عن سعد الخفاف عن
ابی جعفر صلوات الله علیه قال کنا عنده ثمانیة رجال فذکرنا رمضان فقال لا تقولوا هذا

رمضان ولا ذهب رمضان ولا جاء رمضان فان رمضان اسم من اسماء الله عز
وجل لا یجی ولا یذهب انما یجی ویذهب الزایل ولکن قولوا شهر رمضان فالشهر مضاف
الی الاسم والاسم اسم الله عز وجل وهو شهر الذی انزل فیه القرآن جعله الله عز و
جل مثلا وعیدا و باسانید متکثره که هفت سند صحیح و چهار کالصحیح منقول است
از سعد صحیح الحدیث که حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که در هشت نفر ما
کس بودیم در خدمت آنحضرت و جاری شد بر زبان ما ماه رمضان فرمودند که مگویید که
این رمضان چون اشاره بذات مقدس الهی نتوان کرد و مگویید که رمضان رفت و رمضان
آمد زیرا که رمضان اسمی است از اسماء حق سبحانه و تعالی جسم نیست که آمدن و رفتن داشته
باشد و هر چه آمدن و رفتن دارد محل حوادث است و هر چه محل حوادث است حادث است
و واجب الوجود بالذات ممتنع است بودن زوال و هر چه آمدن و رفتن دارد ممکن است
و ممکن با وجود در حکم معدوم است ولیکن با اضافه شهر بگویید که شهر رمضان یا اسم الهی
باشد و اسم رمضان اسم حق سبحانه و تعالی است و این ماهی است که قرآن در آن نازل
شده است و حق سبحانه و تعالی او را شرف و فضیلت این امت کرده است که بهترین امتها باشند
در بودن ابتداء و عبادت ... ماه را از جهت ایشان مقرر فرمود و عید اعظم ایشان گردانید
و اعیاد ... که حق سبحانه و تعالی در آن روز عواید و جوایز جود ... عطا میفرماید
با عفو و میفرماید برای ایشان بمغفرت و رحمت ... روزیست که درهای دوزخ را
می بندند و شیاطین را بزنجیر میکشند و درهای آسمان و جنان را می گشایند و در شبها
و روزها با انعام ... که بعبادات و طاعات خود را در معرض جود و احسان حق در آورند
و روی غیاث بن ابراهیم عن ابی عبد الله عن ابیه عن جده صلوة الله علیهم اجمعین قال
قال علی بن ابیطالب صلوة الله علیه لا تقولوا رمضان ولکن قولوا شهر رمضان فانکم لا تدرون
ما رمضان و در موثق کالصحیح منقول است که حضرت امیر المومنین صلوة الله علیه فرموده

غران

که مگویید

که مگویید ماه رمضان بلکه بگویید ماه رمضان بدرستیکه نمیدانید که رمضان چه چیز است
یعنی اسم الهی است موافق حدیث سابق و اکثر علما عمل باین کرده اند که این چنین چیزی
اگر در صحیح دعای از رسول الله و ائمه هدی صلوة الله علیهم وارد شده است که رمضان
را خوانده باشند بیا رمضان ... موافق لغت بمعنی شدت حرارت مناسبتی
بذات اقدس الهی ندارد ... بتقدیر یکه اسم الله باشد آنرا استعمال کنند بحذف
مضاف از بیت و اسئل القریه خواهد بود و امثال این وجوه جواب داده اند که در
احادیث بسیار وارد شده است و ممکن است که بمعنی قهار باشد و حذف مضاف
خوب است اگر ... باشد ... و آنچه این شکسته را بخاطر میرسد
آنست که چون بحسب شرع مسمی است بشهر الله و رمضان بجای الله واقع شده است
اگر تعظیم او کنند تعظیم الله است و لهذا در حدیث دوم وارد شده است که بگویند
رمضان چیست ... و احتمال تقیه هست چون راوی حدیث دوم عامی است و اول
کالعامی است و نقل کرده اند که ... است ... و بخاری
نیز ... اخبار نقل کرده است و ... شده است باعتبار اطلاق رمضان
در مواضع بسیار بدون شهر و در اخبار ما قریب بده هزار جا وارد شده است شهر
رمضان و سه چهار جا وارد شده است رمضان بی لفظ شهر در احادیث ضعیفه و این
... است که ... ذهب و جاء ... و اگر نه این بود که بدلیل
اطلاق رمضان بدون شهر بمقدار احتیاط در احتناب از بعضی از اهل بیت
حضرة سید المرسلین صلوة الله علیهم و از اصحاب ایشان واقع میشد از قبیل تسمیه
حضرة صاحب الامر صلوة الله علیه که در مجموع اخبار بکنایه اشاره با حضرت شده است
و اگر ... متجاوز است شاید سه چهار جا نام برده باشند ... بلفظ محمد
واقع شده است و در سه جا یکی م ح م د واقع شده است و در عبارات علما نیز

نديده ام مكر در عبارات جمعي كه از روايات خبر نداده اند و اين تحريم واجتناب

باين مرتبه مشعر نيست بحرمت قطع نظر از نصوص صحيحه در نهي از قسم وبكبنه

وهمچنين در الحمد كه در دعاهاي صلوة مذكور است زياده از ده دوازده جا واقع

جا واقع شده است بدون لفظ مكرو و در جا كه با علي واقع شده است تقيه هر چند

حديث مشهور كه در نهي واقع شده است كه من فصل بيني وبين علي بعلي لم ينل شفاعتي

در كتابي اكه كتب علماي خود نديده ام اما مداومت بر ترك لفظ مشعر است بر صحت

حديث وقال امير المومنين صلوة الله عليه يستحب للرجل ان ياتي اهله اول ليلة

من شهر رمضان لقول الله عز وجل احل لكم ليلة الصيام الرفث الى نسائكم

ودر چهار صد كلمه حضرة امير المومنين صلوة الله عليه ودر حديث كالصحيح از

حضرة امام جعفر صادق صلوة الله عليه از ابابي خود از حضرة امير المومنين صلوة

الله عليه منقول است كه انحضرت فرمودند كه مستحب است مردي را كه نزديكي كند

با اهل خود در شب اول ماه رمضان زيرا كه حق سبحانه وتعالى فرموده است كه حلال است

شما را نزديكي كردن با زنان خود در شبهاي روزه چنانكه كذشت كه حرام بود اول

كه در شبها جماع كنند با اهل خود وان حكم باين ايه منسوخ شد و استحباب در

در شب اول سببش انست كه حق سبحانه وتعالى دوست ميدارد كه بندكان عبادت

نمايند برخصتهاي او چنانكه دوست ميدارد عبادت بواجبات را الهداية

سنت است كه در عيد فطر پيش از رفتن بمصلى افطار نمايند تا ظاهر سازند كه

خود را اورد محمد بن الفضيل عن الرضا صلوة الله عليه قال قال المجتمعين الله يوم الفطر

وهو يدعو الله يا فلان تقبل الله منك ومنا قال ثم اقام حتى كان يوم الاضحى

فقال له يا فلان تقبل الله منك ومنا قال فقلت له يا ابن رسول الله صلى الله عليه

واله قلت في الفطر شيئا وتقول في الاضحى شيئا غيره فقال نعم اني قلت له في

الفطر

الفطر تقبل الله منك ومنا لانه فعل مثل فعلي واستويت انا وهو في الفعل و

قلت له في الاضحى تقبل الله منا ومنك لانه يمكننا ان نضحي ولا يمكنه ان يضحي

فقد فعلنا غير فعله در كالصحيح منقول است از محمد بن فضيل كه حضرة امام رضا صلوة

الله عليه در روز عيد فطري جمعي از ازادكرده هاي خود يا شيعيان خود فرمودند

كه او تحيت كرده بود حضرت را وحضرة او را دعا كرده اند باين عنوان كه حق سبحانه

وتعالى قبول كند عبادت ترا وعبادت ما را كه در دعا او را بر خود مقدم داشتند

وچون روز عيد قربان شد حضرة باو فرمودند كه اي فلاني يعني باسمش او را بردند كه

حق سبحانه وتعالى قبول كند از ما وتو را ادعي كويد كه من عرض نمودم كه يا ابن رسول الله

صلى الله عليه واله در عيد فطر دعائي فرموديد وامروز دعاي ديكر فرموديد چون ما

خود را مقدم داشتيد سببش چيست حضرة فرمودند كه در عيد فطر چون با من

مساوي بود در عمل كه عمل ماه رمضان بود يا فطر وحضرة ميدانستند كه او فطره

داده است او را بر خود مقدم داشتم چنانكه شرط دعاست كه مومنان را در دعا

بر خود مقدم دارند ودر اين عيد او را موخر داشتم از خود چون او قرباني نكرده بود

ومن كرده بودم خواستم كه اول دعا قبول كنم از جهت خود تا بعد از قبول او را شريك

خود كردانم وغرض از ذكر حديث انست كه تاسي كنند بانحضرت در اين معني كه

هر جا كه با برادر مومنش مساوي باشد در عمل او را بر خود مقدم دارد واكر خود بعضي

از اعمال خير كرده باشد وبرادر مومنش نكرده باشد خود را مقدم تواند داشت

اكر چه بهتر نسبت بما مطلقا تقدم برادران است بر خود چون مي بايد اعمال خود را

هيچ ندانيم وتقديم ايشان را بر خود از جهت قبول عمل خود كنيم چون در معصوم

خوف عجب نيست ودر ما هست والله تعالى يعلم ودلالت ميكند بر انكه چون مومنان

بيكديكر رسند در اين دو عيد تحيتي كه نام كنند اولى انست كه اين تحيت را بكنند

چنانکه الحال نیز متعارفست که اوساط الناس بیکدیگر میگویند که عبادات شما
مقبول باشد یا نماز و روزه شما مقبول شود و در عید قربان میگویند که از ثواب
حاجیان و غازیان با نصیب باشید و اگر بعوض این عبارات منقوله را بگویید
بهترست و اگر فهمند و اگر نفهمند اینها که میگویند بهترست چون در دعا مطلوب
رواست که چه میگویند و روی جراح المداینی عن ابی عبد الله صلوة الله علیه
قال اطعم یوم الفطر قبل ان یصلی ولا تطعم یوم الاضحی حتی ینصرف الامام و کالصحیح
منقولست که حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که در روز عید فطر چیزی
بخور پیش از نماز عید و در عید قربان چیزی مخور تا وقتیکه امام از صحرا برگردد و از
قربانی افطار کند و احادیث صحیحه درین باب واقع شده است و بعضی از آن در باب
نماز عیدین گذشت و کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا اتی بطیب یوم الفطر بدأ
بنسائه و در قوی از حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه منقولست که حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله را عادت شریف چنین بود که چون از جهة آنحضرت در روز
عید فطر بوی خوش می آوردند که خود را خوشبو کنند زنان آنحضرت بوی عبیر
یا عطر یا مثلث می بردند که اول افطار کنند و بعد از آن خود بوی خوش میفرمودند
و در کافی بدل ثلثه مسک است یعنی اول بزنان میدادند و بعد از آن خود بوی خوش
میفرمودند و ظاهرا تصحیف از نساخ کافی شده باشد و در حسن کالصحیح از حلبی
منقولست که حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که در عید فطر باشی
از برای تو عملی چیزی مخور تا عملی و رضای الهی کرده باشی چنانکه در صوم عمل بغرام
میکردی و شرط نیکی آنست که هرچه فرمایند همان را بجا آوری و در فقه رضوی است
که چون صبح شود روز فطر غسل بکن از جهت عید و بوی خوش بکن و شانه کن سر و
ریش را اگر موی سر داشته باشی و پاکیزه ترین جامهها را بپوش و از آن چیزی

تناول

تناول کن پیش از رفتن بصحرا و قال علی بن محمد النوفلی لابی الحسن صلوة الله علیه انی افطرت
یوم الفطر علی طین القبر و تمر فقال لی جمعت بین برکة و سنة و در حسن کالصحیح
منقولست از علی که گفت عرض نمودم بحضرة امام علی نقی صلوة الله علیه که من در روز
فطر افطار میکردم بخاک حضرة امام حسین صلوة الله علیه و بعد از آن بخرما پس حضرت
فرمودند که برکت و سنت را با هم جمع کرده چون افطار بخرما سنت است
زیادتی توفیقات و هدایات است چون خاک قبر شفاست از هر دردی و امان
از هر خوفی و شک نیست که امراض باطنیه بسیار است و بالخاصیه از آن دفع میشود
و امراضی که بالاترند رحمتهای صوری و معنوی هست و از ضرر می شود و احوط آنست
که بقصد رفع امراض بخورد و زیاده از یک نخود نخورد و نظر الحسن بن علی صلوة الله علیهما
الی الناس فی یوم الفطر یلعبون و یضحکون فقال لاصحابه و التفت الیهم ان الله عز و جل خلق
شهر رمضان مضمارا لخلقه یستبقون فیه بطاعته الی رضوانه فسبق فیه قوم
ففازوا و تخلف آخرون فخابوا فالعجب کل العجب من الضاحک اللاعب فی الیوم
الذی یثاب فیه المحسنون و یخیب فیه المقصرون و ایم الله لو کشف الغطاء لشغل
محسن باحسانه و مسیء باسائته و در قوی منقولست که حضرة امام حسن صلوة الله علیه
در روز عید فطر نظر بمردمان کردند که بازی و خنده میکردند پس حضرة رو باصحاب
خود فرمودند و اشارة بآن جماعت کرده فرمودند که حق سبحانه و تعالی ماه رمضان را
آفریده است بمنزله میدان اسب تاختن از جهت خلایق که در آن میدان بتازند
بطاعات و عبادات تا برسند بخوشنودی او پس جمعی اسبها تاختند و بمطلب
رسیدند و جمعی پس ماندند و زیانکار شدند پس تعجب دارم و تعجب عظیم دارم
از جمعی که بازی و خنده کنند در روزیکه نیکوکاران ثواب عظیم دهند و تقصیر
کنندگان زیانکار شوند و قسم یاد میکنم که اگر پرده های غفلت برخیزد یا پرده که

خدا انداخته است در پیش نظرها که ان احوال ان فنا م خبر نداشته باشند و تا بمرتبه
انجا نرسد و تا ثوابها بر یقین و ایمان بغیب داشته باشند این پرده ها از پیش
چشمهای خلایق برداشته اند هر اینه هر کسی بکاری مشغول انکار شود و نظر بکار دیگری
ننموده اند و بکاران مشغول از الزیدها و تدارک ان شوند و جمعی که بسبب ریاضات
و مجاهدات این پرده ها از پیش چشمهای ایشان برخاسته است همگی اوقات عمر
خود را صرف رضای او میکنند و اصلا متوجه امر دنیای فانی نمیشوند حق سبحانه و تعالی
این پرده ها از پیش نظرهای بصیرت هم بر دارد بجاه محمد و اله الطاهرین و بروی
حنان بن سدیر عن عبد الله بن دینار عن ابی جعفر صلوة الله علیه انه قال یا عبد الله ما
من عید للمسلمین اضحی ولا فطر الا وهو یجدد لال محمد فیه حزن قال قلت ولم قال لانهم
یرون حقهم فی ید غیرهم و منقول است که در صحیح از عبد الله که حضرة امام محمد باقر صلوة
الله علیه فرمودند که ای عبد الله هر عیدی از اعیاد مسلمانان که می شود از عید قربان
و ماه رمضان و عید غدیر و نوروز و جمعه که ان دو بر سبیل مثال است یا باقی نظایر
ادلی العته اندوه و غم ال محمد که ائمه معصومین اند صلوة الله علیهم تازه می شود و
اندوه ایشان عظیم می شود عبد الله گفت که عرض نمودم که چرا حضرة فرمودند که از
جهت انکه حق خود را که امامت است در دست دیگران می بینند و غم از ان جهت است
که چند کس اقتدا کنند با ایشان با انکه هر فاسق و فاجری ببینند که میکنند با انکه حکمت
الهی چنین اقتضا کرده است که ایشان را پیشوائی باشد که عالمیان از ایشان هدایت
یابند و احکام الهی معلوم ایشان باشد که عالمیان بعلم او از جهل خلاص شوند و بنور الهی
فایز شوند و از جهت حق سبحانه و تعالی اول ارواح ایشان را ایجاد فرمود و بعد
از ان انبیا و اوصیا را افرید و بعد از ان خلایق را خلق فرمود تا همگی درگاه او شوند
پس هرگاه ببینند که خلیفهای خداوند عالمیان مقهور و مغلوب کفر و زنادقه باشند

متوّب

وعالی

و عالمی را که حق سبحانه و تعالی از جهت عبادات خود افریده است همه را گمراه کرده اند
و بعضی افتاده همه را بجهنم می برند با این حالات که مشاهده کنند چون ازرده
نباشند بلکه هر که ایمان دارد البته ازرده می شود و اشاره باین معنی است انچه حضرت
سید الساجدین صلوة الله علیه در دعای عیدین و جمعه فرموده اند که خداوندا این
مقام خلیفهای و امینان وحی تست بسبب رتبه عظمی که با ایشان کرامت فرموده و
از ایشان غصب کرده اند و باین عبارات و امثال اینها توهم کرده اند جمعی که عادت
جمعه و عیدین را بعضی از امام اصل دیگری عیش اند کرده و دعا غره بسته اند در حضور
ایشان دعای عیش اند کرده و روی عبد الله بن لطیف التفلیسی عن رزین قال قال ابو عبد الله
صلوة الله علیه لما ضرب الحسین بن علی صلوة الله علیهما بالسیف وسقط ثم ابتدر لیقطع
راسه نادی مناد من بطنان العرش الا ایتها الامة المتحیرة الضالة بعد نبیها
لا وفقکم الله لاضحی ولا فطر وفی خبر اخر لصوم ولا فطر قال ثم قال ابو عبد الله صلوة الله
علیه فلا جرم والله ما وفقوا ولا یوفقون حتی یثور ثائر الحسین بن علی صلوة الله علیهما
و کالصحیح منقول است از حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که چون حضرت
سید الشهدا صلوة الله علیه را اشقیا شمشیر زدند و ان حضرة از اسب افتادند
و ان زیاد قرمیش و سنی میکردند که سر مبارک ان حضرت را از بدن جدا سازند منادی
از میان عرش ندا کرد ای ستمکاران ای امت متحیر شده گمراه شده بعد از پیغمبر شان خدا
توفیق ندهد شما را که عید قربان و عید فطر را صحیح دریابید و در حدیث دیگر
چنین وارد است که حق سبحانه و تعالی توفیق ندهد که دریابید صوم را صحیح و ادر شوال
را درست راوی گفت که حضرة فرمودند که والله که از این جهت است که توفیق نیافته اند
و نخواهند یافت تا وقتیکه بیرون اید کسی که طلب خون ان حضرت از این امت
بکشند و طلب خون از حضرات خلیفهای الهی ائمه معصومین صلوة الله علیهم

خواهد کرد در رجعت که قیامت صغری است که حق سبحانه و تعالی ائمه معصومین صلوة
الله علیهم را زنده کند با خواص شیعیان که در از نفس این جهان از دنیا رفته باشند
و دوباره هفتاد هزار کس از اشقیا را که در زمان هر یک از آن حضرات سعی کرده اند
یا راضی بقتل آنحضرت بوده از دنیا رفته باشند همه را زنده کنند و خونهای طلب
خون آنحضرت هم از اشقیا بکشند و طایفه و طایفه را کشند و باز زنده کنند
و باز کشند و باز زنده کنند تا خشم ایشان و غم و الم ایشان فرو نشیند و در روایت
دیگر در روایتی است که الصحیح از محمد بن اسمعیل رازی که گفت بحضرت امام محمد تقی
صلوة الله علیه عرض نمودم که فدایت گردم چه میفرمائید در صوم شیعیان چون حدیثی
بما رسیده است که ایشان توفیق روزه صحیح نمی یابند حضرت فرمودند که نفرین فرشته
بر ایشان مستجاب شده است گفتم فدایت گردم چگونه بود حضرت فرمودند که چون اشقیا
آنحضرت را شهید کردند حق سبحانه و تعالی امر فرمود فرشته را که ندا کند که ای امت
ظالمی که عترت پیغمبر خود را شهید کردید حق سبحانه و تعالی شما را توفیق روزه و
افطار ندهد و روی جابر عن ابی جعفر عن ابیه صلوة الله علیهم انه قال اذا کان اول یوم
من شوال نادی مناد ایها المؤمنون اغدوا الی جوایزکم ثم قال ابو جعفر صلوة الله علیه
یا جابر ان جوایز الله عز و جل لیست کجوایز هولاء الملوک ثم قال هو یوم الجوایز
و کالصحیح منقول است که حضرت سید الساجدین صلوة الله علیه فرمودند که چون روز (امام محمد باقر)
اول شوال می شود منادی ندا میکند که ای مومنان فردا چاشتی بیائید و جایزه خود را
بگیرید پس حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که ای جابر جایزه های الهی مثل
جایزه های این پادشاهان نیست پس فرمودند که این روز جایزه است یعنی روز عید
یا نامش یوم الجوایز است که حق سبحانه و تعالی باین نام از آسمان ساخته است پس
البته جایزه هست هر کسی را چون گمان که در عید وعده ای که مسلمانان خود را عیدی میدهند

وصحیح

و صحیح بنوه را از خود سیاه را فاند و لیکن بشرطی که در وقت جایزه حاضر باشند
که آن نماز عید است در صحرا و اکثر این اخبار پیشتر مذکور شد و قانون محدثین
این است که حدیث را در ابواب خود میاورند پس اگر حدیثی مشتمل بر چند
بعضی ابحاث شد را تقطیع میسازند و هر جزوی را در باب
تقطیع نمیسازند و همان حدیث را مکرر می آورند بی الحدیث
را در هر جا ذکر میکنند و لیکن رعایت کرده است من الحدیث را سند
و متن دیگر ذکر میکنند و جمیع را یکجا ذکر میکنند و در موضع دیگر اشاره بان میکنند
باب الفطرة این بابی است در ذکر فطره یعنی زکوة عید افطار شکرانه
افطار یا زکوة و زکوة اسلام که هر گاه مسلمان است در وقت هلال بوده واجب است
و اگر در اول کافر باشد و بعد از آن مسلمان شود بوده واجب نیست و اسلام سبب
سقوط ما قبل است یا همه روی ابن ابی نجران عن علی بن الحکم عن صفوان الجمال قال سألت
اباعبدالله صلوة الله علیه عن الفطرة فقال علی الصغیر والکبیر والحر والعبد عن کل
انسان صاع من حنطة او صاع من تمر او صاع من زبیب منقول است در صحیح از
عبدالرحمن و در صحیح از علی و هر دو از صفوان که گفت سوال کردم از حضرت امام
جعفر صادق صلوة الله علیه از زکوة فطره حضرت فرمودند که این زکوة واجب است
از صغیر و کبیر و آزاد و بنده از هر سری یک صاع گندم یا یک صاع از خرما یا یک صاع از
مویز و مراد از علی عن است چون حر و حاره یعنی یکدیگر باید اگر چه بر سبیل مجاز
باشد و در اینجا ظاهر است که اگر چه اول علی فرموده اند آخر عن فرمودند و ممکن است این نحو
الفت که گویا اولا بر ایشان واجب می شود و از ایشان حاده می شود و شکی نیست و
خواهد آمد که زکوة فطره بر کودک نابالغ و بر غلام و کنیز واجب نیست بلکه بر کسی واجب
است که ایشان عیال اویند و در بحث این سه چیز مذکور است و این بر سبیل استحباب

است واحوط آنجا نیست چنانکه در احادیث بکرر وارد شده است و عنوان که خواهد آمد
و روی محمد بن خالد عن سعید بن سعد الاشعری عن ابی الحسن الرضا صلوات الله علیه قال
سألته عن الفطرة کم تدفع عن کل راس من الحنطة والشعیر والتمر والزبیب قال صاع بصاع
النبی صلی الله علیه وآله و منقول است بسند صحیح از سعد اشعری که قبیله ایست از قبایل عرب
که در قم ساکن بوده‌اند و در زمان جاهلیت ضبط قبایل از جهت نسب میکردند چون
اسلام آمد تفاخر بنسبها برطرف شد مگر نسب حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله
و بنی اعمام آن حضرت و آل او که نسب ایشان از جهت امتیاز است و سعد گفت سؤال
کردم از حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما که از فطره چه مقدار واجب
است که داده شود از هر سری از گندم و جو و خرما و مویز حضرت فرمودند که یک صاع بصاع حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه وآله یعنی صاعی که در زمان آن حضرت بود مگر ذکر نشد که
صاع نه رطل است در عراق بود و بمثقال شرعی است که صد و سی درهم باشد و روی محمد بن
احمد بن یحیی عن جعفر بن ابراهیم بن محمد الهمدانی وکان معنا حاجا قال کتبت الی ابی الحسن
صلوات الله علیه علی ید ابی جعلت فداک ان اصحابنا اختلفوا فی الصاع بعضهم یقول
الفطرة بصاع المدنی وبعضهم یقول بصاع العراقی فکتب الی صلوات الله علیه الصاع ستة
ارطال بالمدنی وتسعة ارطال بالعراقی قال واخبرنی انه یکون بالوزن الفا ومائة و
سبعین وزنة و باسانید صحیحه منقول است از محمد که گفت جعفر بن ابراهیم همدانی
که از مشهورست بدان معجزه از قبیله همدان بوده گفت که من عریضه بخدمت
حضرت امام علی النقی صلوات الله علیه نوشتم و بتوسط ابراهیم خادم که از جمله وکلای
حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم بود و از ثقات عظیم الشان است و در عریضه
نوشتم که فدایت گردم بدرستیکه در میان علما و اصحاب ما اختلافی هست در صاع
بعضی میگویند که فطره را بصاع مدنی باید داد و بعضی گفته‌اند که بصاع عراقی

می باید داد و در زمان آن حضرت بخط مبارک او بما رسید که صاع یکی است و رطل
مختلف است و صاع شش رطل است برطل مدینه و نه رطل است برطل عراق که
کوفه و بغداد است و ابراهیم گفت که حضرت فرمودند که بوزن هزار و صد و هفتاد درهم
می شود که هر ده درهم هفت مثقال است بمثقال شرعی و مثقال شرعی سه ربع مثقال
صیرفی است زیرا که مثقال شرعی یک اشرفی است و دینار در جاهلیت و اسلام
مختلف نشده پس مجموع بمثقال صیرفی ششصد و چهارده مثقال و ربع مثقال
باشد و بمثقال شرعی هشتصد و نوزده مثقال باشد که یکمن تبریز باشد و چهارده
مثقال و ربعی و اگر بمثقال صیرفی بعد احوط خواهد بود که نیم من و پنجاه و بیست
و پنج مثقال باشد تقریبا و از یکمن قدیم اصفهان هفتاد و نه مثقال کمتر خواهد
بود و شایع ما چنین یکمن قدیم میدادند احتیاطا و کما لتصحیح منقول است از علی
بن بلال ثقه که گفت عریضه نوشتم بخدمت حضرت امام علی النقی صلوات الله علیه یا حضرت
امام حسن عسکری صلوات الله علیه و در عریضه سؤال کرده بودم که از فطره چه مقدار لازم
است حضرت بخط مبارک خود نوشتند که شش رطل از خرما و مویز برطل مدینه
که نه رطل عراق بوده باشد و قال ابو عبد الله صلوات الله علیه و لم یجد الحنطة و
الشعیر اجزاء عنه القمح والعکس والعدس والذرة و منقول است در صحیح از محمد بن
مسلم که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که کسیکه گندم و جو نداشته
باشد مجزیست از و قمح که گندم رومیست شبیه بجو و عکس نیز گندمی است که دو
دانه در یک غلاف است و از خوبی ترد اهل یمن است و طاوس آنست که عیش گندم
و جو نیست مجزیست و در بعضی بعدس است و ذره بتخفیف ر این مجزیست عوض
از گندم و جو و تمر ابعدیت این است که از جو اینها نصف صاع مجزیست تا یک صاع
از خرما و مویز و صدوق تمر را ذکر نکرده است چون محول است بر تعبیر و احادیث

صحیحه بسیار وارد شده است که از جمیع یک صاع میدهد و احادیث بسیار وارد شده است
که نصف صاع را عثمان کرد و معویه رواج داد و چون گندم کم بود پس احادیث نصف
صاع محمول است بر تقیه یا آنکه بحسب قیمت دهد چون اخبار بسیار وارد شده است
که قیمت میتوان داد پس جایز باشد که نیم من گندم را بقیمت یک من خرما بدهد و در
واقع نیز چنین بوده است و الحال نیز چنین است که در بلاد عرب گندم قیمتش از دو برابر
تا ده برابر بلند تر از خرما هست اگر چه گندم ارزانی باشد چون بسیار است که
خرما بیت المحمدی و بیت الاربعة است و احوط آنست که از جنس بدهد و یک صاع بدهد
و اگر قیمت دهد این قیمت گندم را در زمان مستحق بجز دو انا بر و حساب کند و اذا
ان الرجل فی البادیة لا یقدر علی صدقة الفطرة فعلیه ان یتصدق باربعة ارطال من
لبن و در حدیث مرسل از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه منقول است که گاه
شخصی صحرا نشین باشد و قدرت نداشته باشد که فطره را تمام بدهد پس مروی است
که چهار رطل از شیر بدهد و بعضی حمل کرده اند بر رطل مدنی چنانکه در حدیث صحیح
وارد شده است چهار رطل مدنی بدهند و حمل کرده اند بر حالت ضرورت شده در عموم اضطرار
نه رطل عراقی باید داد و احوط آنست که بادیه نشینان یک صاع از کشک بدهند یا بو
روایات صحیحه در کل من اقتات قوتا فعلیه ان یودی فطرته من غالب القوت و در
صحیح از یونس منقول است از شخصی که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند
که هر که قوت غالبی داشته باشد بر او لازم است که فطره اش را از آن قوت بدهد
و احادیث بسیار باین مضمون وارد شده است و شک نیست که این احوط است
از قوت غالب نیز میتوان داد خصوصا گندم و خرما هر کس میتواند داد بلکه جو و مویز
را نیز هر کس میتواند داد و در غیر این چهار چیز رعایت غالب لازم است یا مستحب است
موکد و کتب محمد بن القسم بن الفضیل البصری الی ابی الحسن الرضا صلوة الله علیه

یسئله عن الوصی یزکی زکوة الفطر عن الیتامی اذا کان لهم مال فکتب صلوة الله علیه لا
زکوة علی یتیم و در حسن کالصحیح و در صحیح منقول است از محمد که گفت عریضه نوشتم
بخدمت حضرت امام رضا صلوة الله علیه و سوال کردم که آیا وصی اطفال یتیم زکوة فطر ایشان
را میدهد هر گاه مال داشته باشند یعنی قوت سال ایشان و زیاده و آن حضرت نوشتند
که نیست زکاتی بر یتیمان و سوال اگر چه از فطره است جواب عام است و ممکن است که مراد
زکوة فطره باشد و لیکن اظهر عموم است چنانکه گذشت و لیس علی المحتاج صدقة الفطر
من حلت له لم تحل علیه و بر محتاجی که جایز باشد او را گرفتن زکوة و فطره زکوة فطره واجب
نیست و کسی را که حلال است گرفتن فطره واجب نیست دادن فطره و بر این مضمون
احادیث بسیار وارد شده است از ائمه هدی صلوة الله علیهم و وجوبش این است
که هلال شوال معتبر است در همه اوصاف پس اگر در وقت هلال محتاج باشد فطره
بر او واجب نیست و حلال است گرفتن و اگر در آن وقت غنی باشد بر او واجب است دادن
و ممکن است که جایز شود گرفتن یا آنکه دزد یا غاصب هر چه دارد ببرد بخلاف عکس
که اگر فقیر باشد در وقت هلال اگر غنی شود زکوة فطره بر او واجب نیست بلکه زکوة
مال نیز بر او واجب نمیشود تا شرایط وجوب حاصل شود چون حول شرط است و ابجد احوال شرط
زراعت می باید در ملک او برسد و صلاح شود و فرض نادری میتوان کرد لکن النادر کالمعدوم
و روی سیف بن عمیرة عن اسحاق بن عمار قال قلت لابی عبد الله صلوة الله علیه الرجل
لا یکون عنده شیء من الفطرة الا ما یودی عن نفسه وحدها یعطیه عنها او یاکل
هو و عیاله قال یعطی بعض عیاله ثم یعطی الآخر عن نفسه یرددونها بینهم فیکون
عنهم جمیعا فطرة واحدة و در موثق کالصحیح منقول است از اسحق که گفت عرض نمودم
بحضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه که اگر شخصی بمقدار فطره خود داشته باشد
و بمقدار زیاده نداشته باشد که فطره عیال خود را بدهد آیا فطره خود را بدهد یا آن مقدار که

دارد با عیال خود می خورد حضرت فرمودند که یکصاع از نصف یکصاع بدهد و او نیز
بدیگری تا بوجهی میگردانند در میان خود تا از همه یک فطره داده شود و ظاهرش آنست
که از پی مستحقی دیگر میدهد و محتمل است که با ولی بدهد و بحسب نصف نخبد مستحق باشد
و احوط آنست که در دور یک گردانند و بدیگری دهند مگر آنکه خود ایشان فقیر باشند و
روی الحسن بن محبوب عن عمر بن یزید قال سالت اباعبدالله صلوة الله علیه عن الرجل
یکون عنده الضیف من اخوانه فیحضر یوم الفطرة یودی عنه الفطرة فقال نعم الفطرة
واجبة علی کل من یعول من ذکر او انثی صغیر او کبیر حر او مملوک و بسانید صحیح
منقول است از عمر که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از شخصی
که نزد او مهمانی باشد از برادران مومنش و روز فطر حاضر می شود آیا فطره او را بدهد
حضرت فرمودند که فطره واجب است بر هر که عیال او باشد از نر و ماده و کوچک و بزرگ
و آزاد و بنده و ظاهر آن از دخول روز فطر دخول شام شب عید است که فطره در آن
وقت واجب میشود و اطلاق یوم بر شبانه روز شایع است و در تهذیب تایل بر بالوی
هست که عمر بن یزید گفت که دیگر سوال کردم از آنحضرت هر که آیا یک ثمن میتواند
داد بعوض گندم حضرت فرمودند که باکی نیست تفاوتش بر دخورد کردن بدری برد
دیگر سوال کردم از آنحضرت که آیا بدل النحر ما و گندم مشاهی نفرم میتوان داد چون
خشش از جهت خاناش بیشتر است چه هر چه خواهد از آن میتواند خرید حضرت
فرمودند که باکی نیست و آنکه در سوال دیدم واقع بود آن تفاوت و حهش آنست که
صاع پیمانه است و پیمانه که یکی گندم بگیرد اگر آرد در آن کنند اقلا بسه یک کم
آرد کمتر است چون بخلخل می شود و گندم از آرد سنگین تر است حضرت فرمودند که صاع
هست کافی است معهذا اگر گندم می باید آرد و گندم که آرد می شود کم می شود
و اجرت آسیا نیز دارد که هم در می روند عرض آنست که صاع هست و محتمل است

کرده فطره

کرد در فطره صاع و نصف بایدنه پیمانه لهذا از آن صاع را ذکر فرموده اند بی خبا بر این آرد
را نقیمت گندم میدهند و ظاهر کلام حضرت هم نیز این است والله تعالی یعلم و روی
اسحق بن عمار عن ابی عبدالله صلوة الله علیه قال لا باس ان یعطی الرجل عن راسین
و ثلثه و اربعة یعنی الفطرة و در موثق کالصحیح منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوة
الله علیه فرمودند که باکی نیست که شخصی دو فطره را دو سر و سه سر و چهار سر را
بیکس دهد و در خبر آخر قال لا باس بان تدفع عن نفسک و عمن تعول الی واحد
و کالصحیح منقول است از آنحضرت هم که باکی نیست که فطره خود را و عیال خود را بیکس
بدهد و از عمومات سابقه ظاهر می شود کما مقدار میتوان داد که غنی شود
و قوت سالیانه بهم رسد و بعد از آن حرام است که فقیر است و مشهور الا ان ارقت
میتوان داد و احوط آنست که زیاده از قوت سالیانه نیز بکسی ندهد و بیک دفعه
لایجوز ان تدفع ما یلزم واحد الی نفسین عبارت فقه رضوی است و جایز نیست
که یکنوع یک کس را بدو کس بدهند و ظاهرش آنست که مستحق را کمتر از یک صاع
نمیتوان داد چنانکه در صلوة از آنحضرت هم منقول است که فرمودند که بهیچکس کمتر از یک
صاع ندهید و اکثر حمل کرده اند بر استحباب و شکی نیست در آنکه احتیاط آنست که کمتر از یک
صاع ندهند و ان کان لک مملوک مسلم او ذمی فادفع عنه الفطرة عبارت فقه رضوی
است که اگر بنده مسلمانی یا ذمی داشته باشی واجب است که فطره او را بدهی هر گاه عیال
تو باشد یا عیال دیگری باشد که اگر عیال دیگری باشد بر او دادن لازم است و روایت منصور
اخبار بسیار وارد است و ان ولد لک مولود یوم الفطر قبل الزوال فادفع عنه
الفطرة استحبابا و ان بعد الزوال فلا فطرة علیه و کذلک الرجل اذا اسلم قبل الزوال
او بعده فعلی هذا و هذا علی الاستحباب والاخذ بالافضل فاما الواجب فلیست
الفطرة الا علی من ادرک الشهر عبارت فقه رضوی است تا علی هذا و هرگاه

فرزندی متولد شود در روز فطر پیش از ظهر سنت است که فطره او را بدهی و اگر بعد
از زوال باشد بر او فطره نیست و همچنین اگر شخصی مسلمان شود پیش از پیشین یا بعد از
پیشین همین حکم دارد که پیشتر که گفتیم سنت است و بعد که گفتیم بعد دادن که پیش
از پیشین بر سبیل استحباب و عمل با فضل است اما فطره واجب نیست مگر بر کسی که ماه
را ادراک کند یعنی جزوی از ماه رمضان را دریابد خواه در رحم یا مسلمانی که قریب به شام
متولد شود یا مسلمان شود یا عیال این کس شود فطره وی باید داد و اگر بعد از شام باشد
فطره واجب نیست اما جزو اول را شیخ مرسلا روایت کرده و جزو ثانی را صدوق گفته
است که روایتی خلاف علی بن ابی حمزه عن معویة بن عمار عن ابی عبد الله صلوات الله علیه
فی المولود یولد لیلة الفطر و الیهودی و النصرانی یسلم لیلة الفطر قال لیس علیهم
فطرة لیس الفطرة الا علی من ادرک الشهر روایت کرده است معوی اخری اعلی در
موثق ابان ابی عمار و شیخ در صحیح و کلینی در حسن کالصحیح از معویة بن عمار منقول است
که از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال کرد چند از فرزندی که متولد شود در شب
فطر و یهودی یا نصرانی که عرب مسلمان شوند در شب فطر حضرت فرمودند که فطره
بر ایشان واجب نیست و فطره واجب نیست مگر بر کسی که جزوی از ماه رمضان را دریابد
چنانکه گذشت و در روی علی بن بلال قال کتبت الی الطیب ابی الحسن علیه السلام هل یجوز ان
یعطی الفطرة عن عیال الرجل و هم عشرة اقل او اکثر رجلا محتاجا موافقا فکتب علیه السلام
نعم افعل ذلک و بحسب سند صحیح منقول است از علی که گفت عریضه نوشتم بجد
حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه چنانکه در ربیع الشیعه مذکور است که آنحضرت ملقب
است بطیب که آیا جایز است که فطره ده سر یا کمتر یا بیشتر را بیک محتاج بدهند
که موافق باشد یعنی شیعه اثنی عشری باشد حضرت فرمودند که بلی جایز است
و بدو یعنی بهتر است و امثال نیز خوانده اند یعنی من نیز چنین میکنم و سأل علی بن جعفر

اخاه

اخاه موسی بن جعفر صلوات الله علیهما عن المکاتب هل علیه فطرة شهر رمضان
او علی من کاتبه و تجوز شهادته قال الفطرة علیه و لا تجوز شهادته قال مصنف
هذا الکتاب رضی الله عنه و هذا علی الانکار لا علی الاخبار یرید بذلک کیف تجب
علیه الفطرة و لا تجوز شهادته ای ان شهادته جایزة کما ان الفطرة علیه واجبة و
باسانید صحیح منقول است از علی که گفت سوال کردم از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات
الله علیه از مکاتب که آیا فطره ماه رمضان بر وهست یا بر کسی است که او را مکاتب کرده است
و گواهی او مسموع است حضرت فرمودند که فطره بر وهست و شهادتش مسموع نیست
چنین گویند مصنف که بر سبیل انکار چنین وارد شده است نه بر سبیل اخبار و غرض
حضرت آنست که چگونه فطره باشد و شهادتش مسموع نباشد یعنی شهادتش
مسموع است چنانکه فطره بر و واجب است و این تاویل بسیار بعید است زیرا که سوال از
شهادت محض بوده که ابتداء انکاری بکنند و نفی این انکار معقول است که از
مسلم داشته باشد وجوب فطره را و او سوال میکند و میداند و حمل بر تقیه اظهر
است بنا بر مذهب صدوق که شهادت بنده را مسموع نمیدانند احتیاج بتاویل بعید
نیست اگر حاجی بیاورد و اگر فطره بنسبت آزادی بر مکاتب است و شهادتش
از جهت مولی صحیح نیست و حق این است که تقیه در احادیث علی بن جعفر کم است
چون همیشه در خدمت حضرت بود و از برون خانه راه داشت ممکن بود او را که هر سوالی
که داشته باشد در خلوت سوال کند و از جهت این است که احادیث او از تقیه
سالم است و احتمال دارد که در خصوص این مسئله تقیه باشد و حضرت جواب نفرموده
باشند چون علی از او سوال کرد که آیا فطره بر او هست یا بر مولی و دیگر نقل آیا شهادتش
مسموع است یا نه حضرت فرمایند که مقصود سوال این است که فطره بر او هست
و شهادتش مسموع نباشد و این سوال معقول نیست زیرا که هرگاه فطره بر او باشد

حکم آزاد خواهد داشت بر التبعیه یعنی باید که شهادت تنها در صورت مسموع باشد
و از جهت تفقیه میان مسئله فرموده باشند و ممکن است که استنباط جواب در این
صورت که هرگاه مناط وجوب فطره آزادی باشد پس بحسب آزادی بر مکاتب
خواهد بود و نسبت بملکی بر غلام اگر چیزی از او آزاد شده باشد و الا همه بر آقا
خواهد بود و از انکار عدم رد شهادت مفهوم شود سماع شهادت و موید این
حل است انچه در کتاب حمیریست باین عبارت که لا تجوز شهادته و الفطرة علیه چون
شهادت را مقدم داشته است و ممکن است که مراد صدوق از انکار نفی جمیع معنی باشد
و حاصل معنی را گفته باشد و لیکن بعید است والله تعالی یعلم و کتب محمد بن القسم بن
الفضل الی ابی الحسن الرضا صلوة الله علیه فسئله عن المملوک یموت عنه مولاه و هو عنه
غایب فی بلدة اخری و فی یده مال لمولاه و یحضر الفطر ایزکی عن نفسه من مال مولاه و قد
صار للیتامی قال نعم و منقولست در حسن کالصحیح و در صحیح انچه که گفت عرض نمودم
بانحضرت ص و سوال کردم از بنده که مولای او بمیرد و او در شهر دیگر باشد و در دست
او مالی از مولا باشد و عید فطر برآید ایا از مال آقا زکوة فطر خود را میدهد و حال آنکه مال
مال یتیمان شده است حضرت فرمودند که بلی و اینجا بنده بنا بر حدیث سابق است
که زکوة بر یتیم نیست و در اینجا غلام از مال ایتام زکوة خود را میدهد بنا بر ظاهر منافاتی
دارد و حمل کرده اند بر استحباب که حدیث سابق محمول باشد بر نفی وجوب و محتمل
ممکن است که از خود لازم نباشد چون عادتی نمیکند که سبب قبول آن شود و چون
مزه نشد کی میکند از جهت او مطلوب باشد و مستثنی باشد که سبب محفوظ بودن
غلام باشد و غلام باو حضرت که والی علمیان است خصوصا اطفال را داده باشند
و امثال اینها که حدیث بعد ازو قوع والله تعالی یعلم و قال الصادق صلوة الله علیه لان
اعطی فی الفطرة صاعا من تمر احب الی من ان اعطی صاعا من تبر و منقولست

کالصحیح از آنحضرت ص که والله که اگر بدهم یا دادن در فطره یکصاع از خرما محبوبتر است
نزد من از آنکه بدهم یکصاع طلا و روی عن هشام بن الحکم انه قال التمر فی الفطرة افضل
من غیره لانه اسرع منفعة و ذلک انه اذا وقع فی ید صاحبه اکل منه قال و نزلت
الزکوة و لیس للناس اموال و انما کانت الفطرة و بر سند صحیح منقولست از هشام
که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که خرما در فطره بهتر است از غیر خرما
زیرا که منفعتش زودتر است زیرا که چون بدست مستحق رسید میتواند خورد و در
او از هشام گفت که حضرت فرمودند که اینه زکوة نازل شد و مردمان چیزی نداشتند
که زکوة بر ایشان لازم شود همین زکات فطر اول واجب شده و موید این است احادیث
بسیار مثل موثق کالصحیح و دیگر که انحضرت ص فرمودند که یکصاع خرما دادن در زکوة
فطر نزد من محبوبتر است از یکصاع از طلا که تخمینا صد تومان باشد و در چند حدیث
دیگر انحضرت فرمودند که خرما بهتر است زیرا که بعدد هر خرمای یک نخل در بهشت
باو میدهند و محتمل است که این حکم در مثل بلاد عرب باشد که چیزی در اینجا محبوبتر
و لذیذتر از خرما نیست و محتمل است که در همه جا چنین باشد و علتش مخفی باشد
و ابی الطهور است و سال اسحق بن عمار ابا الحسن صلوة الله علیه عن الفطرة فقال الجیران
احق بها و لا باس ان یعطی قیمة ذلک فضة و در موثق کالصحیح منقولست از اسحاق
که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوة الله علیه از زکوة فطر یعنی از مستحق
آن حضرت فرمودند که همسایگان اولی اند از دیگران اگر چه شیعی باشند و اگر اذان شیعی
خوانی باشد و باکی نیست که قیمت این اجناس را نقره بمستحق دهند و بهمین مضمون
احادیث موثقه کالصحیح از اسحق و عمار وارد شده است و سال علی بن یقطین
ابا الحسن الاول صلوة الله علیه عن زکوة الفطرة ایصلح ان یعطی الجیران و الظئورة ممن لا
یعرف و لا ینصب فقال لا باس بذلک اذا کان محتاجا و در صحیح منقولست از

علی که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی کاظم صلوة الله علیه از زکوة فطره که جایز است
او را بعضی از کسان و دایگان و ادی که شیعه اثنا عشری نباشند و عداوت اهل بیت
نداشته باشند بلکه مستضعف باشند حضرت فرمودند که باکی نیست که هرگاه
محتاج باشند و ظاهر مراد از آن در صورت باشد یعنی ضرور شود تقیه کردن بواسطهٔ آن
جنونی باشان که اگر ندهد در مقام عداوت او در آیند نه آنکه اینها محتاج باشند
چون بدیهی است که کسی بغیر محتاج نمیدهد و قرینه دیگر آنکه کلینی فرموده اند اگر نه
می بایست بفرمایند اذا کانوا محتاجین اگر چه میتوان ساخت و لیکن الظهر آنست
تا موافق باشد با حادیث دیگر که گذشت در باب زکوة و مروی است در صحیح از محمد
بن عیسی که ابراهیم بن عقبه عرضه نوشت بخدمت یکی از ائمهٔ معصومین صلوة الله
علیهم و سوال کرد از فطره زکوة فطره از آنکه بغیر اثنا عشری میتوان داد حضرت
نوشتند ما و که بو قیمت که یک صاع بیرون کنی از خود و از هر سری از عیالات یکصاع
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم او را بیست یکصاع داد بغیر مومن دو صاع
بلکه مومن دهد و در حسن از سلیمان منقول است که آنحضرت ص فرمودند که اگر اثنا عشری
بهم نرسد جدا کن فطره را پیش از عمل و بگذار تا بهم رسد و زکوة فطر یک صاع خرما است
یا قیمتش از شاهی در آن بلاد و با تقیه جایز است بدهند بغیر چنانکه در احادیث صحیحه
موثق کالصحیح بسیار وارد شده است که مستضعف میتوان داد و در بعض اخبار
هست که از روی تقیه میتوان داد و مروی است اسحق بن عمار عن معتب عن ابی عبد الله
صلوة الله علیه قال اذهب فاعط عن عیالنا الفطرة و عن الرقیق و اجمعهم و لا تدع
منهم احدا فانک ان ترکت منهم انسانا تخوفت علیه الفوت قلت و ما الفوت
قال الموت و مروی است در موثق کالصحیح از معتب که حضرت امام جعفر صادق صلوة
الله علیه فرمودند که برو فطره عیال ما را بیرون کن یا بمستحقین برسان و فطره

بدهکار نیستیم و از همه و میباد از کسی را نگذاری من خوف دارم که فوت شود من
عرض کردم که فوت چه چیز است یعنی فوت صحبت شما یا ثواب و امثال اینها حضرت
فرمودند که خوف مردن دارم فی الحقیقت فطره موضوع است از جهت حفظ
حیات بنی نوع انسان اهتمام در آن می باید نمود قطع نظر از ثواب عظیم متناهی و احادیث
دلالت میکند و اگر اعتماد بر عادل میتوان کرد در اخراج زکوة چنانکه در حسن کالصحیح
منقول است از جمیل که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که باکی نیست که
خود فطرهٔ عیال خود را بدهد در وقتی که از ایشان غایب باشد و باکی نیست که ایشان
بگوید که فطرهٔ او را خود بدهند در حالتی که او از ایشان غایب باشد و جمعی عمل
کرده اند که شغل ذمه یقینی را برائت ذمه یقینی می باید بی اعتماد بر عادل نتوان
کرد چون از بعضی علما علم بهم نمیرسد بلکه نهایت ظن است و امثال این اخبار
رد قول ایشان میکند و بعضی از علما و بعضی ممنوع است اگر چه احوط آنست که فطره
ایشان اشتغال و عدول ایشان کنند و فطرهٔ خود را خود بدهند و اگر فطره با ایشان را
خود بدهند و ایشان نیز بدهند نهایت احتیاط خواهد بود و مروی صفوان عن
عبد الرحمن بن الحجاج قال سالت ابا الحسن صلوة الله علیه عن رجل ینفق علی رجل
لیس من عیاله الا انه یتکلف له نفقته و کسوته تکون علیه فطرته قال لا انما تکون
فطرته علی عیاله صدقة دونه و قال العیال الولد و المملوک و الزوجة و ام الولد
و در حسن کالصحیح منقول است از عبد الرحمن که گفت سوال کردم از حضرت امام موسی
کاظم صلوة الله علیه از شخصی که از اجابت شخصی را دهد که عیال او نباشد
در خانه او نباشد بلکه خورجنی و پوشش او را دهد آیا فطره اش بر دوست
حضرت فرمودند که نه و نیست فطره او مگر بر عیالش فطره واجب یعنی فطره
فطره عیال است که واجب النفقه او باشند هرجا که باشند فطره ایشان بر دست

و یا واجب النفقه نباشد و در خانه اش باشند و این فرد را فرو نمودند و بطهور

که داشته اند چون توهم می شود که اگرچه در خانه نیستند چون اخراجات ایشان را

می کشد فطره ایشان بر او باشد و حضرت فرمودند که عیال واجب النفقه فرزندانست

و بنده است و زن و خدمت و مادر و فرزندانکه کیفیت آن مکیس باشد و ظاهرا و الله اعلم

نساخ ساقط شده باشد و در شنیدن نهایت تقصیری شده باشد لهذا ابن جعفرست

را روایت میکند هرچند در کتب اصول باشد چون معنونش شاذ است و محتاج

بتاویلست و اگر کسی خواهد که بر و ظاهر شود رجوع کند باحادیثی که کلینی از نحاس و

بعیاد و هر قرب الاسناد و عیون الرضا آورده است هر حدیثی که واضح الدلالت بوده است

نقل کرده است و هرچه خفائی داشته است نقل نکرده است بخلاف صدوق چون بنظر او

ظاهر بوده است یا تامل نکرده نوشته است والله تعالی اعلم و روی صفوان بن یحیی عن اسحاق

بن عمار قال سالت ابا عبد الله صلوة الله علیه عن الفطرة قال اذا عزلتها فلا یضرک

متی ما اعطیتها قبل الصلوة او بعدها و قال الواجب علیک ان تعطی عن نفسک و

ابیک و امک و ولدک و امرأتک و خادمک و مروی است در موثق کالصحیح از

اسحاق که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از فطره حضرت

فرمودند که هرگاه جدا کردی هر وقت که دهی ضرر ندارد خواه پیش از نماز عید بدهی

یا بعد از آن بدهی و حضرت فرمودند که واجبست بر تو که زکوة خود را و پدر و مادر و

فرزندان و زن و بنده ات را بدهی اما پدر و مادر و فرزندان البته زکوة ایشان را میدهد

که چیزی از خود نداشته باشند یا اگر داشته باشند عیال او باشند اجماعا

واجب النفقه اند اگر عیال او نباشند زکوة ایشان لازم نیست اگر کسی دیگر عیال

دیگری باشند حتی خود پدر اگر در عیال غنی باشد که قبل از شب شوال در خانه شخصی

باشد و نزد او افطار کند زکوة بر آن شخص خواهد بود و اگر او فقیر باشد خلافست

دانجه

عیوبش را دیگری روایت کرده است و
در نقصی کرده ام مثل محمد بن یعقوب کلینی
رحمه الله علیه امثال

و این خلاف منی است و اکثر اصحاب بر مهمانست و مهمانی که احتمال این می شود با اهل آن جد

مهمانی است و در بعضی روایات از صدوق ساقط است بخلاف صورت اول که پرور ده است

است و احوط آنست که خود بدهد و اگرچه اظهر سقوط است از صدوق و روی محمد بن مسلم

عن ابی جعفر صلوة الله علیه قال سالته عما یجب علی الرجل فی اهله من صدقة الفطرة قال

تصدق علی جمیع من تعول من حر او عبد او صغیر او کبیر من ادرک منهم الصلوة و کالصحیح

منقول است از محمد که گفت سوال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوة الله علیه از آنچه واجبست

از زکوة فطره که از اهل خانه اش بدهد از کسی که باید داد حضرت فرمودند که زکوة بده از

هر که عیال تو باشند خواه آزاد باشد یا بنده یا بزرگ یا کوچک هر کس که دریابد از ایشان

نماز را یعنی اول شام عیال تو باشند یا قبل از ظهر عیال تو شوند و بنا بر احتمال مستحب

خواهد بود و احتمال اول اظهر است تا موافق روایات دیگر باشد والله تعالی اعلم و قال ابی

رضی الله عنه فی رسالته الی لا باس باخراج الفطرة فی اول یوم من شهر رمضان الی آخر

یوم الی ان تصلی العید فان اخرجتها بعد الصلوة فهی صدقة و افضل وقتها آخر یوم

شهر رمضان و پدرم رضی الله عنه در رساله که نوشته بود بمن خطاب کرده بود و عبارت

فقه رضوی است که باکی نیست در بیرون کردن فطره در روز اول از ماه رمضان تا آخر

و این که باقی است تا وقتیکه نماز عید را بجا آوری پس اگر بعد از نماز بیرون کنی تصدقی

خواهد بود نه فطره و افضل اوقاتش آخر روز ماه رمضان است یعنی بر سبیل فرض بیرون

داد و افضل اوقات تقدیم آنست جز هرچند اول بر و دیگری است افضل است و ممکن است

که جایز باشد بر سبیل تقدیم چنانکه منقولست با سانید صحیحه از زراره و بکیر و فضیل

و محمد بن مسلم و برید که هر دو از حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوة الله

علیهما روایت کرده اند که فرموده اند که بر اینکس است که بدهد زکوة هر کس را که در

عیال او باشند و چیزی از آن خورند خواه آزاد و خواه بنده و خواه کوچک و خواه بزرگ

واگر روز عيد دهد بهتر است و رخصت داده اند ادا را از روز اول ماه تا روز آخر ماه
الخ و در صحيح ابن عبد الله منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله عليه فرمود که
هر که انعام کند بعيال خود خواه اناث باشد و خواه ذکور وقت که فطره ادا کند بايد که فرموده
که زکوة فطره را پيش از نماز عيد دادن بهتر است و اگر بعد از آن بدهد صدقه است و مشهور
ميان علما آنست که مراد از نماز وقت نماز است و آن تا زوال است پس تا زوال وقت است و بعد
از زوال فطره نيست و فطره مثل نماز عيد است که اگر وقت که بيرون رود قضا ندارد و جمعى
قايل بوجوب قضا شده اند و جمعى قايل باستحباب قضا اند و جمعى اين حال است
ديگر نکرده اند و قصد قربت احوط است و اين در صورتيست که جدا نکرده باشد پيش از
خروج که اگر جدا کرده باشد فطره است و اداست چنانکه در روايات صحيح وارد شده
و بعد از عزل احوط آنست که زود تر بدهد بمستحق که اگر تاخير کند در دادن بمستحق
و تلف شود ضامن است که مثل اموال امانت است و بمستحق بعد چند نکرده
باشد و وارد شده است در حديثى که تا اول روز تاخير ميتواند
نمود است و اگر عذرى داشته باشد و از جمله اعذار است و اگر خواهد
بها و اتقيا دهد يا بصالحى دهد و داده باشد ذکر باو در حال حيات بلکه در موثقه ابن
ابى عمير است و روى محمد بن مسعود العياشى قال حدثنا محمد بن نصير قال حدثنا سهل بن
زياد قال حدثنى منصور بن العباس قال حدثنا اسمعيل بن سهل عن حماد بن عيسى عن
حريز عن زرارة عن ابى عبد الله صلوة الله عليه قال قلت عبيد بين قوم عليهم فيه
زكوة الفطرة قال اذا كان لكل انسان رأس فعليه ان يؤدى عنه فطرته و اذا كان عدة
عدة العبيد و عدة الموالى سواء و كانوا جميعا فيهم سواء ادوا زكوتهم لكل واحد
منهم على قدر حصته و ان كان لكل انسان منهم اقل من رأس فلا شىء عليهم و روى
حسن كالصحيح از عياشى که گفت که قرائت کرد بر من و ديگران محمد بن نصير مثله

نوه گفت حديث كرد ما را خواند سهل بن زياد که شيخ توثيق او کرده است و جرحش هم
کرده است گفت که حديث کرد مرا تنها و در وقت خواندن شريک نداشتم منصور
بن عباس که توثيقش و جرحش نکرده اند خواندند بر من و ديگران اسمعيل بن سهل
که عياشى گفته است که اصحاب ما او را ضعيف شمرده اند و باقى ثقات اند از زراره که گفت
عرض نمودم بر حضرت امام جعفر صادق صلوة الله عليه که هر گاه بنده از چند کس باشد
زکوة فطره بر ايشان واجب است حضرت فرمودند که اگر هر يک غلامى داشته
باشند زکوة هر غلامى بر آقاى او است و اگر چند کس چند بنده شريک داشته باشند
در عدد بندگان و آقايان مساوى باشند مثلا ده کس شريک ده بنده داشته باشند
هر آقايى از هر غلامى ده يک دارد و ده يک بنده است در اين صورت هر يک
فطره ميدهند و اگر ده کس نه بنده داشته باشند هيچيک بنده تمام ندارد زکوة بر
هيچيک واجب نيست و تاويل کرده اند که اين مسئله بر هيچيک واجب نيست و اين بعيد است
و اکثر طرح کرده اند و بعمومات احاديث سابقه عمل نموده اند که دلالت ميکرد بر آنکه زکوة
بنده بر آقا است خواه يکى باشد و خواه بجماعه کسى با آنکه حديث ضعيف است و ظاهر
کردن امثال حماد و حريز و زراره نبوده است و اگر مى بود از اينها نقل ميکردند يا ديگران نقل
ميکردند بى ضعيف و تنها است اگر چه محقق حکم بصحتش کرده است و احوط عمل بمشهور
است و نهايتش عدم جزم بوجوب باشد در مطلوب بودن خلافى نيست و الله تعالى يعلم
و روى محمد بن اسمعيل بن بزيع قال بعثت الى ابى الحسن الرضا صلوة الله عليه بدراهم لى و لغيرى
و كتبت اليه اخبره انها من فطرة العيال فكتب بخطه قبضت و در صحيح منقول است
از محمد که عريضه نوشتم بحضرت امام ابى الحسن على بن موسى الرضا صلى الله عليه و با آن
عريضه درهمى چند فرستادم از خود و غير خود و در عريضه نوشته بودم که اينها از
فطره عيال من است حضرت نوشتند که قبض نمودم و ظاهر اين است که [illegible]

و غرض از ذکر این اخبار آنست که واجبست یا مطلوبست فرستادن فطره بخدمت
ایمه معصومین صلوة الله علیهم که ایشان بمستحقین بدهند و در فقره رضوی نیز مذکور
است که افضل آنست که فطره را بنزد فقیه فرستند که او در جایی که باید صرف نماید و
ظاهر ارادش اعم از امام و غیر امامست چون مذکورست در فقره رضوی که باین معنی
روایات وارد شده است از ایمه هدی علیهم السلام چنانکه در موثق با حسن کالصحیح منقول
است از فضیل که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه میفرمودند که جدم علی بن الحسین
صلوة الله علیهما فطره خود را بر حیا ارکان و مستضعفان میدادند و بدیدم عم نبی
شیعه محق نمیدادند و میفرمودند که حق سبحانه و تعالی از جهت ان حجبی را نوز فرموده
بیوا اجماعست بمبایدعادن مگر اینکه نیابی مستحق شیعه را چنانکه در زمان حضرت
سیدالساجدین صلوة الله علیه نبودند و اگر بهم رسد از شیعه سنی میتوان داد
که عناد و عداوت با اهل بیت نداشته باشد و از زمینی بزمینی دیگر نقل امکان فرمودند
که امام صاحب اعلم است بمستحقین نزداد و دیگر هر که در اینجا باید دادن میدهند و هر که را
نمیباید داد نمیدهند و منقولست کالصحیح با صحیح از ابو علی بن راشد که از جمله
وکلای حضرت امام علی نقی صلوة الله علیه و حضرت امام حسن عسکری صلوة الله علیه بود
گفت از آنحضرت سوال کردم از فطره که از کیست حضرت فرمودند که از حضرت امام
است ص یعنی استخراج بمستحقین متعلق است بان حضرت گفتم عرض نمودم که حضرت
شیعیان را ما بمحض حضرت فرمودند که بلی هر که احتیاجی دارد کی دود ما فرستد که
بمستحقین بدهیم و منقولست در صحیح از ابو ایوب بن نوح و او یکی از جمله وکلا
عسکریین صلوة الله علیهما که عرایضی بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام نوشتم
که جمعی از فطره می پرسند و التماس میکنند که قیمتش را بشما فرستم و ملکی از امسال
سال گذشته بخدمت شما فرستاد و من فرستادم و التماس کرده بود که عرض کنم

حق منت

کولوا

که او را دعا کنید و فراموش کردم و امسال فرستاده است از قیمت هر سری یک من
خرما و بلده هم فرستاده است چه میفرمایند که من بعد بکنیم و بفرستم حضرت نوشتند
که چون سوال از فطره بسیار شده است و چیزی که بسیار شد مفاسد بسیار دارد
دیگر نوشته بودید حکایت فطره را در اینجا مطلبید اگر کسی بدهد بفرستید و اگر
شما با ایشان مگوئید که مبادا اشتهرت کند و فی روایة السکونی باسناده الی امیرالمؤمنین
صلوة الله علیه قال من ادی زکوة الفطرة تمم الله له بها ما نقص من زکوة ماله و منقولست
در قوی کالصحیح که حضرت امیرالمؤمنین صلوة الله علیه فرمودند که هر که زکوة فطره را
بیرون کند حق سبحانه و تعالی تمام کند باین فطره نقصانی را که در زکوة مال شده باشد سهوا
چنانکه روزه سنت و نماز سنت و غسل جمعه متمم بودند که گذشت مانکه زکوة فطره
حفظ جان آدمی میکند حفظ مال نیز میکند چون نقصیر در زکوة مال سبب نقصان
مالست و تواند بود که از جهت زکوة در طلب زکوة مال مذکور شده هم در زکوة فطره هست
باز باد تنبیها بر بسیاری لهذا اینکه شکر از حق سبحانه و تعالی واجب کرد باید زکوة فطره
بود چون اهتمام شان او بیشتر بود و در روی حماد بن عیسی عن حریز عن ابی بصیر و
زرارة قالا قال ابوعبدالله صلوة الله علیه ان من تمام الصوم اعطاء الزکوة یعنی الفطرة
کما ان الصلوة علی النبی صلی الله علیه و آله من تمام الصلوة لانه من صام و لم یود الزکوة فلا
صوم له اذا ترکها متعمدا و لا صلوة له اذا ترک الصلوة علی النبی صلی الله علیه و آله ان الله
عز و جل قد بدأ بها قبل الصوم قال قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی و بااسانید
متکثره صحیح و حسن کالصحیح که بمنزله از هفتاد سند است از حماد که بعضی از آن
انصدوق است و باقی از شیخ که او روایت کرده است باسناد بسیار از محمد بن ابی عمیر
از حماد از حریز از ابی بصیر از زراره و شیخ فقیه اظهر است که زراره است و دو
گفته اند که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که از جمله تمام شدن روزه

دادن زکوة فطره چنانکه صلوة بر نبی و آل نبی از تمامی نماز است و بنا کرده کرده روزه بگیرد و
زکوة فطره را نهد روزه او صحیح نیست هرگاه عمداً فطره را نهد و نماز شش نیز صحیح
هرگاه صلوة بر نبی و آل او نفرستد و جماعت از اهل علم گفته اند که حق سبحانه و تعالی ابتدا
بزکوة فطره کرده است پیش از نماز با امکان بدانند که چون روز عید بود زکوة نهد و
ثواب روزه را بعد از نماز عید میدهند و نماز مقبول نشود و ثواب روزه را نمیدهند
تا فطره را نهد نماز را قبول نمیکنند و معهذا فرموده است که بتحقیق و بدرستیکه
رستگاری یافت کسی که زکوة فطره داد و هم
در وقت نفقه عیال و خود را یاد کند چنانکه گذشت و محتمل است که مراد از نماز
همین باشد که در عقب نماز شام و خفتن و صبح یاد کرد و یقین بعضی از علما نماز
عید را بجا آورد و قریب باین مضمون حدیثی آمده که از حضرت
منقول است از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه و علی بن ابراهیم نقل کرده است که
مراد از نماز نماز عید ماه رمضان و قربان هر دو است و اظهر آنست که نماز عید قربان
از این فصل لربک وانحر بیرون می آید و دلالت میکند بر آنکه نماز عید مخصوص
بیش از قربانی بجا آورند و با اخلاص بجا آورند که اظهر آنست که هر نماز را حضور
نماز عید را خالصا بجهت رضای حق سبحانه و تعالی بجا آورد و بعد از آن قربانی کنی
در وقت تکبیرات صلوة دست بردار اما محل نحر که گلو کردن است پالایش و این معنی نیز در صحیح
از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه وارد شده است و ممکن است که هر دو مراد باشند
خصوصا در نماز عید که نه تکبیر زیاده می شود پنج تکبیر در رکعت اولی و چهار در ثانیه
باب الاعتکاف این بابی است در بیان اعتکاف و در لغت بمعنی ملازمت است
و ملازمت و در بیان آنکه در بست و در اصطلاح ملازمت است در مسجدی چند از جهت
عبادت حاصل و بیان قول حق سبحانه و تعالی است در قرآن مجید که بعد از ایجاب صوم ماه

مبارک رمضان و احکام آن فرموده است که و لا تباشروهن و انتم عاکفون فی
المساجد یعنی مباشرت و جماع مکنید در وقتیکه ملازم مساجد باشید باعتکاف که
احکام آن از سنت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین صلوة الله علیهم
ظاهر شده است و اکثر شرایع چنین است که حق سبحانه و تعالی بر سبیل اجمال در قرآن مجید
یاد فرموده است و تفصیل آنها از سنت ظاهر شده است و روی الحلبی عن ابی عبد الله
صلوة الله علیه انه قال لا اعتکاف الا بصوم فی مسجد الجامع قال و کان رسول الله
صلی الله علیه و آله اذا کان العشر الاواخر اعتکف فی المسجد و ضربت له قبة من شعر
و شمر المیزر و طوی فراشه و قال بعضهم و اعتزل النساء فقال ابو عبد الله صلوات
الله علیه اما اعتزال النساء فلا قال مصنف هذا الکتاب رضی الله عنه معنی قوله
ص اما اعتزال النساء فلا انه لم یمنعهن من خدمته و الجلوس معه فاما المجامعة
فانه امتنع منها کما امتنع و معلوم من معنی قوله و طوی فراشه ترک المجامعة و باسانید
کثیره صحیحه منقول است از عبید الله بن علی حلبی که هرگاه در این کتاب حلبی تنها اطلاق
میکند مراد از این عبید الله است و جمعی دیگر که ایشانرا نیز حلبی میگویند برادران و
برادرزادهای اویند همه ثقه اند و لیکن اکثر از ایشان روایت کند امام ایشانرا می برد
تا ملتبس نشوند و عبید الله ممتاز است از ایشان بوجوه بسیار یکی آنکه کتاب
خود را بحضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه عرض نمود و حضرت تحسین و تصحیح
فرموده اند و آن کتاب نزد محدثین معتول تصنیف ایشان مشهور بود و دوم
آنست که طریق او بحضرت صحیح میباشد و صدوق و شیخ حدیث او را بسند صحیح
و حسن کالصحیح دارند و کلینی طرق بسیار دارد و اکثر اوقات از طریقی روایت
میکند که ابراهیم بن هاشم در آن سند هست و نزد کلینی ثقه بوده است و فوق ثقه
و از طرق صحیح نیز روایت میکند و شکی نیست در آنکه کتاب او را همه داشته اند

و همچنین کتابی ممتنع عادی است که مشهور نشود و ملک متواتر بوده است و کافی که صنفش
سالی است که نوشته شده است و علمای شیعه همیشه محیی میداشتند تو دمامن او
است از کلینی و عبید الله فضا کلینی صد سال فاصله بود تقریبا و در هر عصری زیاده از
صد هزار محدث بوده اند چنین کتابی مخفی می ماند که محتاج به سند باشد و نسبت کتابی
از کتب بعد انکه ان کتب مشحون از احادیث او نباشد مثل کتب حماد و حسین
بن سعید و ابن ابی عمیر و یونس و برقی و صفار و ابن الحجاج و ابن ابی نجران و ابن المغیره
و صفوان که از تتبع ظاهر می شود و همه موافقند من حیث اللفظ غالبا و بسیار
نادر است که اندک اختلافی لفظا داشته باشد و بحسب معنی مطلقا اختلافی ندارد
حتی در بین کتب اربعه متداوله دیگر ثبت بودن بمرتبه که علم بهم رسد از تتبع که
ضابط بوده است بنهایت ضبط و غیر این معانی که از تتبع اخبار و امثال او ظاهر
منیفی می شود که از معصوم است و تعجب دارم که چرا او داخل نیست در زمره اصحاب
اجماع و انچه بخاطر میرسد انست که چنانچه که از باب اجماع نشد از اثبات و المجتهد میدانستند
در جمع بین الروایات و در فتاوی بخلاف امثال او که از ایشان نیست در فتوی
تمهید داده اند بلکه احتیاج بان نبوده اند چون همه احکام را از شفاه که از معصوم
شنیده بودند مانند فرقی که در میان کلینی است و صدوق که صدوق را از ارباب
درایت و روایت هر دو میدانسته اند و انها اقوال را نقل میکنند بخلاف کلینی که
او را از ارباب روایت فقط میدانسته اند بهذا از مذهب نقل نمیکنند با الحکم
بر متتبع ظاهر است فرق میان هر دو و غافل شده اند که او نیز از ارباب درایت نیز
هست و در ابتدای کتاب کافی اظهار کرده است ترجیح بجای خود را که کرده است که
در احادیث متعارضه قائل بتخییر است و معهذا هر حدیثی را که اقوی میدانسته
نقل کرده است و معارض را نقل نکرده است که محتاج شود در جمع بین الاخبار مامثال

گفتهای

گفتهای صدوق و شیخ بنهایت رعایت ورع و تقوی هم و جود دیگر عدم احتیاج
بنقل اجماع در مثل او و حسین بن سعید و غیرهما چون اجماع الجمیع بخبر است
و اجماع بر امثال این جماعت بمشاهده و معاینه است و لیس الخبر کالمعاینه و حلبی
روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه که حضرت فرمودند که اعتکاف
نمی شود منعقد نمیشود مگر بصوم و تنکیر صوم از انجهت است که لازم نیست که صوم
از جهت اعتکاف باشد پس اگر نذر کرده باشد که روزه اعتکاف کند اگر ان روزه
بدنه را در ماه رمضان بجا اورد صحیح است بیاعتقاد غیر چنانکه اگر کسی نذر کرده باشد
که دو رکعت نماز کند و وضو داشته باشد اگر چه وضو سنت باشد نماز نذر را
میتواند کرد بان وضو و دیگر فرمودند که اعتکاف متحقق نمیشود مگر در مسجد جامع
و مشهور در مسجد جامع مسجد کبیر بلد است که از اکثر محلها بانجا ایند و نماز جمعت
کنند و بعضی اکثر گفته اند و جمعی مقید ساخته اند بمسجدی که در انجا معصومی یا
نبی یا امام نماز جمعه کرده باشد و بنابراین مخصوص چهار مسجد خواهد بود و ان
مسجد الحرام و مسجد نبی است صلی الله علیه و آله در مدینه مشرفه که متصل است بقبر حضرت
و جامع کوفه است و جامع بصره و بعضی اکتفا بجماعت کرده اند و بنابراین مسجد مدائن
داخل می شود چون حضرت امام حسن صلوات الله علیه در انجا نماز جماعت بجا اورده اند و دلایل
هر یک خواهد امد از اخبار پس حضرت ص فرمودند که چنین مقرر بود که حضرت سید
المرسلین صلی الله علیه و آله وقتیکه اخر ماه رمضان می شد در مسجد اعتکاف می فرمودند
و خیمه از موی سیاه در مسجد می زدند و دامن بر می زدند یعنی بنهایت جد و جهد
در عبادات بجا می اوردند و جامه خواب را در هم می پیچیدند یعنی ترک مجامعت
می فرمودند بیاعتقاد غیر بر احتمالی ترک مقدمات ان از بوسیدن و دست بازی
کردن منع فرمودند و شخصیکه در انجا حاضر بود گفت که از زنان منع و دوری میفرمودند

مطلقا حضرت فرمودند که اما اعتزال بالکلیه از زنان نبود که بر می آمدند بخدمت

حضرت و ماکول و مشروب می آوردند چون توهم می شد که حضرت که فرمودند که از

زنان عزلت میفرمودند یعنی مجامعت نیز میکردند صدوق میگوید که آنچه حضرت

نفی فرمودند از عزلت این مراد نیست که نمی کردند زنان را از خدمت و نشستن با

آنحضرت اما مجامعت نمیکردند چنانکه حق سبحانه و تعالی نهی فرموده است در قرآن مجید

و ظاهر است از کلام حضرت که فراش را در هم می پیچیدند که تو زن مجامعت منع

و در موثق کالصحیح منقول است از علی بن ابی حمزه که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه

روایت کردند از پدرش که معتکف در مسجد جامع اعتکاف میکنند و در موثق

کالصحیح منقول است که آنحضرت فرمودند که اعتکاف نمیباشد مگر در مسجد جامع

وقال ابو عبد الله صلوة الله علیه کانت بدر فی شهر رمضان فلم یعتکف رسول الله

صلی الله علیه و آله فلما ان کان من قابل اعتکف عشرین عشرا لعامه و عشرا قضاء

لما فاته و این حدیث نیز ... طبی است و ممکن است که همه یک حدیث باشد و در اثنای

حدیث دفع توهم کرده باشد و باز ممکن است همه یک حدیث باشد یا مرسلا نقل کرده باشد

و اول اظهر است چون مسند باشد بهتر است از مرسل که حضرت امام جعفر

صلوة الله علیه فرمودند که جنگ بدر که اسم چاهی است که در آن موضع است و آنجا ن

آن موضع مشهور است ببدر و حنین ... حق سبحانه و تعالی در این دو جنگ فتحی

عظیم با آنحضرت کرامت فرمود حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که

نعمت الهی را فراموش مکنید که شما را در این دو جنگ که بغایت زبونی در بلاد

داشتید و در حنین امت را شکست خوردید هم حق سبحانه و تعالی چنین نصرتی کرامت

فرمود که در جنگ بدر صنادید قریش کشته شدند و اسیر شدند و در حنین جمیع

اموال قریش را گرفتند و زنان و فرزندان ایشان را اسیر کردند بنام شهرت

کرده اند و بدر و حنین میگویند آن موضع را که بین الحرمین الشریفین است و بعضی از

اوقات قافله حاج از آن راه می روند و اکثر اوقات از صفرا و حمرا می روند حاصل آنکه

غزوه بدر در ماه رمضان واقع شد و در وقت اعتکاف کفار جنگ و برگشتن

جنگ بود ند و در آن سال اعتکاف نکردند چون سال دیگر شد بیست روز

را اعتکاف فرمودند ده روز را ادا فرمودند و ده روز را جهت قضای سال

گذشته اعتکاف فرمودند پس ظاهر می شود که اعتکاف در ماه رمضان مطلوب است

و اگر فوت شود قضای آن مستحب است و در سال اینده ده روز قضا مستحب موکد است و در کای

الحسن بن محبوب عن عمر بن یزید قال قلت لابی عبد الله صلوة الله علیه ما تقول فی الاعتکاف

ببغداد فی بعض مساجدها قال لا یعتکف الا فی المسجد جماعة قد صلی فیه امام عدل صلوة

جماعة و لا باس بان یعتکف فی مسجد الکوفة و البصرة و مسجد المدینة و مسجد مکة

و قد روی فی المسجد المداین و باسانید صحیحه منقول است از عمر که گفت عرض نمودم بخدمت

امام جعفر صادق صلوة الله علیه که چه میفرمایند در اعتکاف در بعضی از مساجد بغداد

حضرت فرمودند که اعتکاف نمیتوان کرد مگر در مسجد جماعتی که در آنجا امام عادلی نماز

جماعت کرده باشد و باکی نیست که کسی که اعتکاف کند در مسجد کوفه و مسجد بصره که حضرت

امیر المؤمنین صلوة الله علیه در این هر دو نماز جمعه و جماعت کرده اند و در مسجد مدینه

مشرفه و مکه معظمه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه

نماز کرده اند جمعه و جماعت را و در روایتی وارد شده است که در مسجد مداین نیز اعتکاف

میتوان کرد و در روایت مسجد مداین در فقه رضوی هست که اعتکاف در مسجد الحرام

و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه و مسجد مداین هست و جایز نیست اعتکاف

در غیر این مساجد و علتش آن است که اعتکاف نمیتوان کرد مگر در مسجد جامعی که امام

عادل نماز جماعت کرده باشد و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه نماز جمعه کردند

در مکه و مدینه و حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه در مسجد بصره نماز جمعه کرده
بود و در روایتی وارد شده است که در مسجد بصره نیز اعتکاف میتوان کرد و در اکثر احادیث
حدیث است و ظاهرش آنست که مراد از امام عدل امام اصل باشد و ممکنست که مراد
امام عادل باشد که جماعت متحقق شده باشد و چون بعد از ایشان اوقات بسیار
بود که از ایشان کسی در آنجا نماز جماعت نکرده بود از این جهت نفی فرموده باشند
و مساجدی که مذکور شده است فرد اکمل باشد و این تاویلات باعتبار آنست که
احادیث مطلقه وارد شده است که در هر مسجد جامع اعتکاف میتوان کرد و باشد
احتمال آنست که مراد از آن مطلقها این مقیدها باشد و احتمال دیگر آنکه فرد
اکمل باشد و جمعی از اصحاب که ذکر کرده اند که مستند تخصیص ضعیف است ظاهر چنین
بوده است که این کتاب را ندانسته اند و از دعا فی اسانید خبری نداشته اند و در روایتی
البزنطی عن داود بن سرحان عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال لا اری الاعتکاف
الا فی مسجد الحرام او مسجد الرسول صلی الله علیه و آله او فی مسجد جامع و لا ینبغی
للمعتکف ان یخرج من المسجد الجامع الا لحاجة لا بد منها ثم لا یجلس حتی یرجع
والمراة مثل ذلک و باسانید صحیح منقولست از داود که حضرت امام جعفر صادق
صلوة الله علیه فرمودند که اعتکاف نمیدانم مگر در مسجد حرام یا مسجد رسول الله
صلی الله علیه و آله که در زمان آنحضرت مسجد بوده اند و در روایتی حکم مسجد جامع
دارد علی الظاهر و ظاهر بعضی از احادیث آنست که حکم مسجد ندارد چون خانهای
بنی هاشم و بعضی از اصحاب را غصب نموده داخل مسجد کرده اند و در هر دو مسجد
علامت سابق و لاحق را گذاشته اند یا مسجد جامعی و ممکن در احتمال دارد
که معلوم باشد هر مسجدی را اماما یا مسجد جامعی که مثل این دو مسجد باشد در آن نماز
جماعت کند معصوم در آنجا که سه مسجد دیگر باشد یا جماعت واجب که جمعه

باشد

باشد و دو مسجد دیگر باشد و سزاوار نیست کسی را که اعتکاف کند که از مسجد جامع
معطلی مانند جامعها و ظاهرش مطلق است بیرون رود مگر بجهت بیرون رفتن مگر
از جهت حاجتی که او را ضرور باشد بیرون رفتن مثل قضای حاجت و تحصیل ماکول
و مشروب و غسل جنابت و چون بیرون رود در جای ننشیند تا برگردد بجای اعتکاف
زن مثل اعتکاف مردست و در حسن کالصحیح از حلبی منقولست که حضرت امام
صادق صلوة الله علیه سوال کردند از اعتکاف حضرت فرمودند که صلاحیت
ندارد اعتکاف مگر در مسجد الحرام یا مسجد رسول صلی الله علیه و آله یا مسجد کوفه
یا مسجد جامعی و روزه میداری تا اعتکاف کنی یعنی روزه شرطست و کالصحیح
از ابو الصباح منقولست که از آنحضرت هم پرسیدند از اعتکاف در دهه آخر ماه
رمضان فرمودند که حضرت امیر المؤمنین صلوة الله علیه میفرمودند که اعتکاف نمیدانم
مگر در مسجد الحرام یا مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله یا مسجد جامع و فی روایة
عبد الله بن سنان عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال المعتکف بمکة یصلی فی ای
مواضعها شاء سواء علیه صلی فی المسجد او فی بیوتها و در صحیح از عبد الله بن سنان
روایت است که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که شخصی که اعتکاف
کند در مسجد الحرام و از مسجد بیرون رود از جهت کاری و وقت نماز داخل
شود در غیر مسجد الحرام نماز میتواند کرد و ظاهر این است که در مسجد الحرام
نماز کند یا در خانهای مکه بخلاف مساجد دیگر که هرگاه از آن مسجد بیرون
رود نماز در جای دیگر نمیتواند کرد بلکه میباید بهر عنوانی که باشد خود را بآن
مسجد برساند و در آن مسجد نماز کند و جمعی از جهت این معنی وجه گفته اند
که مکه معظمه همه جای او بمنزله مسجد است چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است
که سبحان الذی الخ یعنی منزه خداوندی که شبی بنده خود را از مسجد الحرام

بمسجد بیت المقدس برد و حضرت در آن شب در خانه ام هانی بود خارج مسجد
پس ظاهر شد که هر جای مکه را مسجد الحرام میتوان گفت پس اگر از مسجد بیرون
برود در مکه معظمه باشد چنان است که در مسجد است و جواب گفته اند که شاید
که بر تقدیر یکه این حدیث موافق واقع باشد چون خلاف است که حضرت را از آنجا
بیرون برد جبرئیل در بعضی از روایات هست که حضرت از مسجد روانه شد
و بر تقدیر صحت این روایت البته مجاز خواهد بود از قبیل تسمیه کل باسم جزو
چنانکه بر عکس این نیز مجوز واقع شده است با مثل این مسامحه قبله که فرموده است
که فول وجهک شطر المسجد الحرام و باتفاق مسجد الحرام قبله عالمیان نیست
و کعبه قبله است بنا بر مذهب اکثر و از قبیل تسمیه جزو است باسم کل و بنا بر
مذهب جمعی که قبله بعید حرم است از قبیل تسمیه کل است باسم جزو و باتفاق
کافه مسلمانان ادخال نجاست در غیر مسجد میتوان کرد و جماع میتوان کرد و جنب
در آن خواب میتوانند کرد و غیر اینها از احکام مسجد و اگر گویند که چنین مسجدی
است که این لوازم ندارد و همین معنی مجازی است که ما میگوئیم و فی روایة منصور
بن حازم عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال المعتکف بمکة یصلی فی ای بیوتها
شاء والمعتکف فی غیرها لا یصلی الا فی المسجد الذی سماه و در حسن کالصحیح
و در صحیح از منصور منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند
که شخصی که اعتکاف در مکه معظمه کرده باشد و از جهت کاری ضروری بیرون
برود نماز میکند مگر در مسجدیکه از او نام برده است یعنی اعتکاف در آنجا
شروع کرده است و تقدیم یافت حدیث انس بود باذکر تتمه حدیث ابن سنان
که بعد از آن حضرت فرمودند که جایز نیست اعتکاف در غیر مسجد الحرام مگر
در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله یا در مسجدی از مساجد جماعت و نماز

در هر خانه که خواهد نماز میکند زیرا که در غیر مکه اعتکاف کرده باشد

نکند

نکند معتکف در غیر مسجدی که در آنجا اعتکاف میکند مگر در مکه معظمه که هر جا که
خواهد نماز میکند زیرا که همه حرم خداست و معتکف بیرون نمیتواند رفت
از آن مسجد مگر حاجتی داشته باشد و روی الحسن بن محبوب عن ابی ولاد الحناط
قال سالت ابا عبد الله صلوة الله علیه عن امراة کان زوجها غایبا فقدم و هی
معتکفة باذن زوجها فخرجت حین بلغها قدومه من المسجد الذی هی فیه
فتهیأت لزوجها حتی واقعها فقال ان کانت خرجت من المسجد قبل ان
تمضی ثلثة ایام و لم یکن اشترطت فی اعتکافها فان علیها ما علی المظاهر و باسانید
صحیحه منقول است از ابو ولاد گندم فروش یعنی کاه فروش و در اول اشهر است
که گفت سوال کردم از حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه از زنی که شوهرش
غایب باشد و حاضر شود و زن باذن شوهر در اعتکاف باشد و چون شنید که
که شوهرش آمده است از مسجد بیرون آید و خود را از جهت شوهر زینت کند تا
آنکه شوهرش با او مجامعت کند پس حضرت فرمودند که اگر از مسجد بیرون آید پیش
از آنکه سه روز مکث کرده باشد در اعتکاف پس بر او چنانکه بر ظهار کننده لازم
واجب است کفاره ظهار که مرتبه است و گذشت که بنده آزاد کردن است و اگر عاجز
شود دو ماه روزه بگیرد و اگر عاجز شود شصت مسکین را طعام دهد و شرط آن است
که بگوید اللهم حلنی حیث حبستنی یعنی خداوندا مرا محل کن هر جا که مرا حبس
کنی یعنی اگر او را امری پیش آید که نتوانم تمام کردن اعتکاف را تو بر من حلال کن بیرون
آمدن را از مسجد پس ظاهر می‌شود که اقل اعتکاف سه روز است چنانکه احادیث
بسیار وارد شده است و خواهد آمد و دیگر آنکه بیرون آمدن و جماع کردن پیش از
آنکه اقل اعتکاف بفعل آید موجب کفاره است و حمل کرده اند بر آنکه واجب باشد
بنذر یا شبه نذر یا در روز سیم باشد دیگر آنکه اگر شرط کرده باشد با مثال

ابن عقیل عدها اعتکاف را برهم میزنند اگرچه بنذر یا عنوان واجب شده باشد
دیگر آنکه کفاره اعتکاف مثل کفاره ظهار است و بنابر این مضمون خواهد آمد صحیحه
زراره و عنوان و دو موثقه سماعه وارد است که مخیر است میان این سه و بعضی
جمعی عمل کرده اند اگرچه احادیث ظهار اصح است و بنابر طریقه متاخرین صحیح
است نه اکثر این طرق صحیح نیست تا این اصح باشد و روی الحسن بن محبوب عن ابی ایوب
عن ابی بصیر عن ابی عبدالله صلوة الله علیه قال لایکون الاعتکاف اقل من ثلثة
ایام ومن اعتکف صام و ینبغی المعتکف اذا اعتکف ان یشترط کما یشترط
الذی یحرم و باسانید صحیحه منقولست که حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه
فرمودند که اعتکاف کمتر از سه روز نمیباشد و صحیح نیست و خلاف نیست که
مراد از این ایام شبانروز است یا سه روز است و دو شب و تحقیقت در وجوه [illegible]
است واحوط آنست که سه شبانروز باشد و از اول شام شروع کند در اعتکاف
تا شام شب چهارم دیگر فرمودند که هرکه اعتکاف کند روزه بدارد که اعتکاف
بی روزه صحیح نیست و گذشت دیگر فرمودند که سنتست معتکف را که چون
خواهد که شروع کند در اعتکاف شرط کند چنانکه محرم شرط میکند و وجه [illegible]
سابق گذشت و کالصحیح منقولست از آنحضرة ص که هرگاه بنده اعتکاف کند
باید که روزه بدارد و اعتکاف کمتر از سه روز نمیباشد و در اعتکاف شرط
کند بر خدا و نذرت چنانکه در احرام شرط میکنی که اگر عارضی بهم رسد [illegible]
قضا و قدر اختیار باشی در فسخ و بیرون آمدن و خواهد آمد و کالصحیح منقول
است از داود که حضرة امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمود [illegible]
میکنم که اعتکاف سه روز است یعنی اعتکاف سنت انشاء الله و در واجب
بحسب شرطست که اگر نذر کند اعتکاف یکسال را یکسال واجب میشود و اگر

نذر کند یکروز را یعنی اگر بگوید که زیاده از یکروز اعتکاف نکنم ان نذر منعقد نمیشود
و اگر شرط نکند مشهور آنست که منعقد میشود و واجب است که دو روز دیگر با آن
ضم کند که سه روز شود و همچنین اگر نذر کند که چهار روز را اعتکاف کند و سه
روز را بجا آورد و بعد از چند روز خواهد که آن یک روز را بجا آورد دو روز
دیگر با آن ضم میکند و ظاهرا [illegible] این باشد که مذکور شد و در صحیح
محمد بن مسلم منقولست که آنحضرة ص فرمودند که اعتکاف نیست الا بروزه و همچنین
است اخبار موثقه و کالصحیحه بسیار از آنحضرت ص که اعتکاف نمیباشد مگر با روزه
و روی ابو ایوب عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر صلوة الله علیه قال اذا اعتکف الرجل
یوما و لم یکن اشترط فله ان یخرج و ان یفسخ اعتکافه و ان اقام یومین و لم یکن
اشترط فلیس له ان یفسخ اعتکافه حتی یمضی یعنی ثلثة ایام و باسانید صحیحه و موثقه
و کالصحیحه منقولست که حضرة امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که هرگاه شخصی یک روز
را اعتکاف کند و شرط نکرده باشد بیرون میتواند آمد که فسخ کند اعتکافش را و
اگر دو روز مانده و شرط نکرده باشد نمیتواند که فسخ کند اعتکافش را و اگر شرط
کرده باشد فسخ میتواند کرد و عدم فسخ در صورت عدم شرطست تا بگذرد
یعنی سه روز و در بعضی از نسخ یعنی هست و ظاهرا تصحیف [illegible] بعضی کرده اند
و جزو حدیث کرده اند چون در کتب حدیث نیست و اگر باشد می باید که در نسخه
یا فقه خود بعضی نقط دیده [illegible] ظاهرا بحدیث و احتیاط این است که چون دو
روز اعتکاف کنند روز سیم واجب میشود اگر اعتکاف سنت باشد و اگر
واجب باشد دو وجوب بهم میرسد که اگر در روز سیم اعتکاف را جماع
کند دو کفاره اش بایدداد بنابر احتمالی و روی ابو ایوب عن ابی عبیدة عن
ابی جعفر صلوة الله علیه قال المعتکف لایشم الطیب ولا یتلذذ بالریحان ولا

یمادی ولا یشتری ولا یبیع قال ومن اعتکف ثلثة ایام فهو فی الیوم الرابع بالخیار
ان شاء زاد ثلثة اخری وان شاء خرج من المسجد فان اقام یومین بعد الثلثة فلا یخرج
من المسجد حتی یتم ثلثة ایام اخر و باسانید صحیحه کالصحیح منقولست که حضرت
امام محمد باقر صلوة الله علیه فرمودند که شخصی که اعتکاف کند بوی خوش را بو نکند و
لذت از گل نباید از هر گلی که باشد و مجادله نکند و بعضی استثنا کرده اند مجادله در
علوم دینیه را با نشاط حرمت بالاظهر آنست که اهتمام در عدم آن بیشتر است
و مفاسد بکراسان تا مجادلات علما مترتب می شود نیادی دارد و شرا و بیع را هم
نکند حضرت فرمودند که هر که سه روز اعتکاف کند در روز چهارم مختار است اگر
خواهد سه روز دیگر می افزاید و اگر خواهد از مسجد بیرون آید پس اگر دو روز دیگر
اعتکاف کند بعد از آن سه روز پس باید که از مسجد بیرون نرود تا تمام کند سه روز
دیگر را و ظاهر شی آنست که هر روز ششم واجب می شود و جمعی قایلند در روز سیم اول
و بر دو این صحیحه رد قول ایشان میکند و بعضی گفته اند که وجوب سیم مخصوص
اعتکاف مستحب است پس اگر نذر کرده باشد نذر کند و بعد از دو روز ششم واجب
نخواهد بود خالی از قوتی نیست چون ظاهر این اخبار در اعتکاف مستحب است
روی عن داود بن سرحان قال کنت بالمدینة فی شهر رمضان فقلت لابی عبد الله
صلوة الله علیه انی ارید ان اعتکف فماذا اقول وماذا افرض علی نفسی فقال لا تخرج
من المسجد الا لحاجة لابد منها ولا تقعد تحت ظلال حتی تعود الی مجلسک
و باسانید معتبره صحیحه کالصحیح منقولست از داود که من در ماه رمضان
در مدینه مشرف بودم و عرض نمودم بحضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه که من
اراده دارم که اعتکاف کنم چه بگویم و چه چیز وجود واجب کنم حضرت
فرمودند که از مسجد بیرون مرو و چون اعتکاف کنی در مسجد مگر از جهت

حاجتی

حاجتی که ناچار باشد از آن و چون بیرون روی در زیر سقف منشین و اگر هم
سایه بان و درخت باشد تا برگردی بجای خود و اکثر در اخبار نشستن نهی از
زیر سایه بوده و اکثر گفته اند که زیر سایه راه نرود و مستند نمی دانیم و اکثر
ذکر کرده اند که نرود اما روی الحلبی عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال لا ینبغی
للمعتکف ان یخرج من المسجد الا لحاجة لابد منها ثم لا یجلس حتی یرجع ولا
یخرج فی شیء الا لجنازة او یعود مریضا ولا یجلس حتی یرجع وقال اعتکاف المرأة
مثل ذلک و باسانید معتبره صحیحه منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله
علیه فرمودند که سزاوار نیست معتکف را که از مسجد بیرون رود مگر از جهت
حاجتی که ناچار باشد او را از آن حاجت و چون بیرون رود ننشیند تا برگردد
مگر از جهت قضای حاجت یا اراده نشستن در زیر سقف باشد یا عیشی
بیرون نرود از جهت چیزی مگر از جهت تشییع جنازه مومنی یا عیادت بیماری
و ننشیند تا برگردد و ظاهر شی آنست که عبادت را ایستاده میکند و حضرت
فرمودند که اعتکاف زن … است و در صحیح از عبد الله بن سنان منقول
است که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که معتکف بیرون نمیتواند
رفت مگر بنماز جمعه یا بجنازه مومنی یا به بیت الخلاء رود و فی روایة صفوان بن یحیی
عن عبد الرحمن بن الحجاج عن ابی عبد الله صلوة الله علیه قال اذا مرض المعتکف او
طمثت المرأة المعتکفة فانه یاتی بیته ثم یعیده اذا برء و یصوم و در حسن کالصحیح
و در صحیح منقولست که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که هرگاه
معتکف بیمار شود یا زن معتکفه حایضه شود بخانه خود می آید تا وقتی که زایل شود
و از حیض پاک شود و غسل کند پس اعاده میکنند هرگاه بهتر شوند و روزه توانند
گرفت چون روزه شرط است و در فرض صحیح نیست و لبث مسجد می باید با صوم

وهر دو مانع حایض و نفسا اند اما مستحاضه مبنای او بران است که او حال تمام است
با عدم تعدی اگر چنین باشد با اعتکاف جمع می شود والاّ فلا وفی روایة السّکونی
باسناده قال قال رسول الله صلّی الله علیه وآله اعتکاف عشر فی شهر رمضان تعدل
حجّتین وعمرتین وکالصحیح منقول است از حضرة سید المرسلین صلی الله علیه وآله فرموده اند
که ده روز در ماه رمضان اعتکاف داشتن برابر است با دو حج و دو عمره وظاهر لفظ
عام است اگر چه در آخر ماه بهتر است چون شب قدر در آن است و متابعت حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه وآله کرده است و ممکن است که مراد دهه آخر باشد وروی
الحسن بن محبوب عن علی بن رباط عن زرارة قال سألت ابا جعفر صلوات الله علیه عن
المعتکف یجامع قال اذا فعل ذلک فعلیه ما علی المظاهر و باسناد صحیح منقول است
از زراره که گفت سؤال کردم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از معتکفی که جماع کند
حضرة فرمودند که هرگاه جماع کند برو واجب است کفاره که بر مظاهر واجب است ومظاهر
کسی است که زن خود بگوید که تو بر من مانند پشت مادر منی چون این کلمه یا امثال این
کلمه را میگوید زن او برو حرام می شود و تا کفاره ندهد حلال نمیشود برو و کفاره بنده مبیّن
آزاد کردن است و اگر نداشته باشد دو ماه روزه میگیرد پی در پی و اگر عاجز شود
از آن شصت مسکین را طعام دهد وقد روی انه ان جامع باللیل فعلیه کفارة واحدة
وان جامع بالنهار فعلیه کفارتان روی ذلک محمد بن سنان عن عبد الاعلی بن
اعین قال سألت اباعبد الله صلوات الله علیه عن رجل وطی امرأته وهو معتکف لیلا
فی شهر رمضان قال علیه الکفارة قال قلت فان وطیها نهارا قال علیه کفارتان و
تحقیق که در روایتی وارد شده است که اگر جماع کند در شب برو یک کفاره واجب
می شود و اگر در روز جماع کند برو دو کفاره است واین معنی روایت محمد بن سنان
عبد الاعلی که گفت سؤال کردم از حضرة امام جعفر صادق صلوات الله علیه از شخصی که

بان

مانند خود جماع کند در حالت اعتکاف در شب ماه رمضان حضرة فرمودند که بر وی است
که کفاره بدهد گفت عرض کردم که اگر در روز وطی کند حضرة فرمودند که دو کفاره میدهد
یکی از جهت روزه ماه رمضان و دوم کفاره اعتکاف و علما این عمل را بر آن
حمل کنند و با زن جماع کند بر زنی که اجنبیه است داخل حرم و اجنبی گفته اند که چهار کفاره
میدهد دو بالاصالة و دو بتحمّل و بعضی سه کفاره گفته اند و احتیاط ظاهر است
وروی ابن المغیرة عن سماعة قال سألت اباعبد الله صلوات الله علیه عن معتکف واقع
اهله فقال هو بمنزلة من افطر یوما من شهر رمضان و در موثق کالصحیح از سماعه
منقول است که گفت سؤال کردم از معتکفی که با زن خود جماع کند حضرة فرمودند که او
بمنزله شخصی است که روزی از ماه رمضان افطار کرده باشد و همچنین در روایتی دیگر در
موثق کالصحیح منقول است که فرمودند که بمنزله کفاره ماه رمضان است که آن بنده آزاد
کردن است یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن است یا شصت مسکین طعام دادن است
پس ظاهر شد که دو روایت است و جمع میتوان کرد این روایت را بر وجوب و آن
روایات دیگر را بر استحباب و لکن روایات ترتیب اصح است و احوط آنست که عمل
تیب ۲ بر آن کنند و تا مقدور باشد ترتیب رعایت کنند والله تعالی یعلم و روی داود بن الحصین
عن ابی العباس عن ابی عبد الله صلوات الله علیه قال اعتکف رسول الله صلی الله علیه وآله
فی شهر رمضان فی العشر الاولی ثم اعتکف فی الثانیة فی العشر الوسطی ثم اعتکف
فی الثالثة فی العشر الاواخر ثم لم یزل صلی الله علیه وآله فی العشر الاواخر وکالصحیح منقول
است از حضرة امام جعفر صادق صلوات الله علیه که حضرة سید المرسلین صلی الله علیه
وآله در یک سال اعتکاف کردند در ماه مبارک رمضان در دهه اول و در سال دوم
اعتکاف فرمودند در دهه دوم و در سال سیم اعتکاف کردند در دهه آخر و دیگر
ملازم دهه آخر بودند تا از دنیا مفارقت کردند وروی ابن محبوب عن ابی ایوب عن

ابي بصير عن ابي عبد الله صلوات الله عليه في المعتكفة اذا طمثت قال ترجع الى بيتها
فاذا طهرت رجعت فقضت ما عليها و باسانيد صحيحه و كالصحيح منقولست از
حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه در معتكفه كه هرگاه حائض شود حضرت
فرمودند كه بخانه برگردد و چون طاهر شود بمسجد برود و بجا آورد آنچه
بر ذمت اوست از اعتكاف و ظاهر ما عليها آنست كه بر او واجب بوده باشد بنذر يا
شبيه نذر كه لازم بشود تدارك كند و محتمل است كه اگر واجب نباشد سنت باشد
رجوع با اعتكاف باستيناف يا زايد بر ما عمل اعتكاف چنانكه گذشت در روزه سنت
كه قضا كند استحبابا و روى الحسن بن الجهم عن ابي الحسن صلوات الله عليه قال سألته عن المعتكف
يأتي اهله فقال لا يأتي امرأته ليلا و لا نهارا و هو معتكف و در حسن كالصحيح بلكه در موثق
كالصحيح منقولست از حسن كه گفت سوال كردم از حضرت امام ابي الحسن علي بن موسى الرضا
صلوات الله عليهما از معتكفي كه با اهل خود جماع كند چون است حضرت فرمودند كه جماع
نبايد كرد با اهل خود در اعتكاف نه در شب و نه در روز و خلافي نيست در
آنكه در حالت اعتكاف جماع منافات دارد با اعتكاف پس اگر در شب بوده و اعتكاف
واجب باشد بنذر يا شبيه نذر يا در روز سيم باشد حرام است وطي كردن با زن اما اگر
اعتكافي باشد كه فسخ توان كرد آن را يا نذر شرط كرده باشد در ابتدا اعتكاف يا سنت
باشد پيش از تمام دو روز چون فسخ ميتواند كرد جماع كردن نوعي از فسخ كردن است
و ظاهر آنست كه جايز باشد و روى عن ميمون بن مهران قال كنت جالسا عند الحسن
بن علي عليهما الصلوة فاتاه رجل فقال له يا بن رسول الله صلى الله عليه و آله ان
فلانا له علي مال و يريد ان يحبسني فقال والله ما عندي مال فاقضي عنك قال فكلمه
قال فلبس صلوات الله عليه نعله فقلت له يا ابن رسول الله صلى الله عليه و آله انسيت
اعتكافك فقال له لم انس و لكني سمعت ابي عليه السلام يحدث عن جدي رسول الله

صلى

الله عليه و آله انه قال من سعى في حاجة اخيه المسلم فكأنما عبد الله عز و جل
تسعة آلاف سنة صائما نهاره قائما ليله و منقولست از ميمون كه گفت در خدمت
حضرت امام حسن صلوات الله عليه نشسته بودم كه شخصي بخدمت آن حضرت آمد و گفت
يا بن رسول الله صلى الله عليه و آله فلاني را بر من مالي هست كه دين است و ميخواهد
ميخواهد كه مرا حبس كند حضرت فرمودند كه والله نزد من مالي نيست كه قرض ترا ادا كنم آن
شخص گفت پس با او سخن بفرمائيد كه با من مدارا كند [illegible] حضرت نعلين خود پوشيدند
كه روانه شوند عرض نمودم كه يا بن رسول الله صلى الله عليه و آله فراموش كرديد اعتكاف
خود را كه ميخواهيد بيرون تشريف ببريد حضرت فرمودند كه فراموش نكردم وليكن از پدرم
شنيدم كه فرمودند كه جدم صلى الله عليه و آله فرمودند كه هر كه سعي نمايد در حاجت برادر مومن
چنان است كه نه هزار سال عبادت كرده باشد حق سبحانه و تعالى كه روزها روزه
باشد و شبها بعبادت [illegible] خود [illegible] عظيم مي شود در اعتكاف
در غير مسجد [illegible] بيرون آيد كه [illegible]
اعتكاف بقضاي حوائج مؤمن [illegible] بايد كه چنانكه در خصوص اين واقعه هست كه
در وقت رفتن بقضاي حاجت [illegible] فرمودند كه چرا [illegible] توفيق گفت رفتم
گفت كه معتكفم حضرت فرمودند كه اگر اعانت تو ميكرد بهتر بود از اعتكاف يك ماه
و در صحيح ابان ابراهيم منقولست كه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمودند
كه هر مومني كه اعانت كند برادر مومن مظلوم را نزد حق سبحانه و تعالى بهتر است از
يكماه روزه و اعتكاف در مسجد الحرام و هر مومني كه قدرت داشته باشد بر نصرت
برادر مومن و نكند حق سبحانه و تعالى او را از رحمت خود محروم كند در دنيا و آخرت
و در صحيح ابن اذينه منقولست كه آنحضرت فرمودند كه هر كه غم مومني را از دل دفع كند
حق سبحانه و تعالى برطرف كند هفتاد غم دنيا و غمهاي روز قيامت را دفع كرده شود از او

برادر مومن [illegible] و آسان کند حق سبحانه و تعالی بر وی کارهای دنیا و آخرت [illegible]
کند و هر که بپوشد عیبی از عیوب برادر مومن را حق سبحانه و تعالی بپوشد [illegible]
عیبهای او را در دنیا و آخرت و حق سبحانه و تعالی مدد و یاری کسی میکند که مدد و یاری کند
برادر مومن خود را و هر منتفع شوید از این سخنان و رغبت کنید در نیکیهای چیزی در
صحیح از معمر بن خلاد منقول است که حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمودند که حق سبحانه
و تعالی را در زمین بندگان هستند سعی میکنند در قضای حوائج مردمان ایشانند
ایمنان از عذاب الهی در روز قیامت و هر که مومنی را خوشحال کند حق سبحانه و تعالی
او را در روز قیامت خوشحال گرداند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه
منقول است که حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فرمودند که هر که مومنی را خوشحال
کند مرا خوشحال کرده است و هر که مرا خوشحال کند خدا را خوشحال کرده است و در صحیح از سدیر
منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند در حدیث طولانی که هر گاه حق
[illegible] که چون مومن از قبر بیرون می آید بیرون می آید با او شخصی خوش صورتی
و هر هولی از اهوال قیامت که میبیند آن صورت به او میگوید که مترس و اندوهناک
مباش و خوشحال باش که کرامت الهی [illegible] تا آنکه به حساب برسد
حق سبحانه و تعالی او را حساب آسانی کند و امر کند که او را به بهشت برند و همان
صورت پیش پیش او باشد تا به بهشت برود و با آن صورت گوید که نیکو مصاحبی بودی
مرا از وقتی که از قبر بیرون آمدم تا حال و مرا بشارت دادی به خوشحالی و کرامت الهی
تو کیستی او گوید که منم سرور و خوشحالی که تو برادر مومنت رسانیدی حق
سبحانه و تعالی مرا از آن سرور آفرید تا ترا بشارت دهم و خوشحال گردانم و در صحیح از
حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله منقول است که محبوب ترین اعمال نزد حق
سبحانه و تعالی خوشحالی است که به برادر مومن برسانی یا اگر گرسنه باشد او را سیر

لی

کنی و اگر غمی داشته باشد غم او را زایل گردانی یا قرضی داشته باشد ادا کنی و اگر او [illegible]
[illegible] از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقول است که از جمله مناجاتی که حق
سبحانه و تعالی فرموده با حضرت موسی این بود که فرمود که بندگان هستند
که مباح میکنم بایشان جنت خود را و ایشان را در بهشت حاکم میگردانم موسی گفت
خداوندا ایشان کیستند که بهشت را بر ایشان حلال میگردانی و ایشان را در بهشت
حکومت میدهی خطاب رسید که ایشان جمعی اند که مومنی را خوشحال کرده باشند
[illegible] پس فرمودند که مومنی در مملکت
جباری بود و آن جبار در مقام آزار او بود [illegible] گریخت و [illegible] رفت بخانه شخصی
از کفار فرود آمد و آن کافر با او مهربانی کرد و جا داد و ضیافت کرد پس چون آن کافر
مرد حق سبحانه و تعالی باو وحی کرد که بعزت و جلال خود قسم یاد میکنم که اگر نبود
ترا در بهشت جا میدادم و لیکن بهشت حرام است بر کسیکه کافر مرده باشد و لیکن
ای آتش [illegible] صبح و شام روزی او را برسد و او را گفتم
از بهشت حضرت فرمودند [illegible] منقول است که قضای
حاجت مومن نزد حق سبحانه [illegible] بهتر است از [illegible] آزاد کردن و [illegible] هزار کس
کردن و ایشان را بجهاد فرستادن و در صحیح از آنحضرت منقول است که هر مومنی که
حاجت برادر مومن خود را برآورد حق سبحانه و تعالی فرماید که ثواب تو بر من است و راضی نمیشوم
از برای تو مگر به بهشت و فرمودند که از جهت برآوردن حاجت برادر مومن ده
حسنه می نویسند و ده سیئه محو میکنند و ده درجه بلند میکنند و ثواب ده
بنده آزاد کردن از جهت او می نویسند و بهتر است از یکماه اعتکاف در مسجد
الحرام که بجا آورد و در موثق کالصحیح منقول است از ابو بصیر که آنحضرت فرمودند
که هر که سعی کند در قضای حاجت برادر مومنش و در آن باب سعی نماید تا حق سبحانه

و تعالی آن حاجت را روا کرده حق سبحانه و تعالی در نامه عمل او بنویسد بیست حج و بیست عمره
و دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام و دو ماه روزه داشتن و اگر سعی کند و آن حاجت ساخته
نشود ثواب حج و عمره در نامه عملش نوشته می شود و در صحیح ابان بن تغلب منقول است که
آنحضرت ص فرمودند که هر که برادر مسلمان برادر مغموم و مهموم را از غمش برآورد
حق سبحانه و تعالی بنویسد از جهت او هفتاد و دو رحمت را که یکی را در دنیا باو
دهد که کارهای این طرف را باصلاح آید و هفتاد و یک جهت را از جهت اهوال
و غمهای روز قیامت از جهت او ذخیره کند تا در آن صحرا باو رسانند و از حضرت
سید الساجدین صلوة الله علیه منقول است که هر که حاجت برادر مومن را روا کرد
حق سبحانه و تعالی صد حاجت او را روا کرد که یکی از آنها بهشت است و هر که غم برادر
مومن را برطرف کند حق سبحانه و تعالی غمهای روز قیامت از او بردارد هر چند بسیار باشد
و هر که دست ظالم را از او کوتاه کند حق سبحانه و تعالی او را از صراط بگذراند در روزی که
قدمها بلغزد و هر که حاجت برادر مومن را برآورد و او را خوشحال کند از حضرت
سید المرسلین صلی الله علیه و آله را مسرور کرده باشد و هر که برادر مومنش را آب
دهد او را از شراب بهشت سیراب گرداند [illegible] و هر که گرسنه را سیر کند حق
سبحانه و تعالی میوه های بهشت او را روزی کند و هر که برهنه را بپوشاند او را از
جامه های بهشت بپوشاند و اگر جامه داشته باشد و در آن جامه [illegible]
باشد تا آن رشته از آن جامه باقیست و هر که برادر مومنش را در بیماری عیادت
کند فرشتگان از جهت او دعا کنند تا از آن بیرون شود و با او گویند خوشحال باد خوشا
بهشت از برای تو و اگر نبی بود هر آینه حق سبحانه و تعالی حوری در قبر او فرستد که انیس
او باشد [illegible] هر که او را دوست داشته باشد و اگر برادر [illegible] خدمتکاری
نداشته باشد از جهت او خدمتکاری بفرستد حق سبحانه و تعالی و ولدان

مخلدون

مخلدون با او کرامت فرماید که خدمت او کنند و اگر پیاده را سواره کند در وقتی که
از قبر بیرون آید ناقه از ناقه های بهشت از جهت او بیاورند و او را سوار می کنند
و هر که مومنی را کفن کند چنان باشد که پوشش او را از روز ولادت تا وفات ضامن شده باشد
والله که قضای حاجت مومن نزد حق سبحانه و تعالی محبوبتر است از دو ماه پی در پی
روزه گرفتن و دو ماه را اعتکاف کردن در ماههای محترم در مسجد الحرام و در صحیح
ابو عبدالله منقول است که حضرت امام جعفر صادق صلوة الله علیه فرمودند که روز [illegible]
مومن شفاعت از هفتاد و دو مرد می کند و کسی که صورت برادر مومن را در دنیا ببوسد
بجهت رضای حق سبحانه و تعالی فرشته بیاید و بگوید که از جهت ایشان استغفار کنند تا روز قیامت
و هر که عزت او را بدارد حق سبحانه و تعالی خدمتکار او را [illegible] تا [illegible] بدارد
و هر که در وقت ملاقات برادر مومن خوشحال و خندان باشد [illegible] کند از
عمل ایشان حق سبحانه و تعالی او را [illegible] سرور و خوشحال کرد از جهت مصافحه
کنند گناهان از ایشان دور شود [illegible] در فصل زمستان [illegible] از
جهت [illegible] گناهان ایشان [illegible] استقبال
کردن و مشایعت کردن در وقت رفتن و مصافحه کردن [illegible]
کردن و تعظیم ایشان کردن و زیارت ایشان رفتن [illegible] توان
کردن علامت [illegible] اسلام شفقت علی خلق الله است و یکی تعظیم لامر الله است و شفقت
بر تعظیم امر الله است [illegible] الداعی [illegible] المذنب المحتاج الی رحمة ربه الغنی
محمد تقی بن مجلسی عفی عنهما فی اواخر شهر محرم الحرام السنة ست و ستین بعد الالف
الهجریة والحمد لله رب العالمین والصلوة علی سید [illegible] حبیب الله من العالمین محمد
و عترته الاصفیاء الطاهرین [illegible]
[illegible]